



کمیچ جولای ۸۲



۲ □ کمین جولای ۸۲

بسم الله الرحمن الرحيم

کمین جولای ۸۲

روزشمار ربع قرن گروگان‌گیری چهاردیپلمات ایرانی
۱۳۸۴ - ۱۳۶۱

به كوشش :
حميد داودآبادي

نشر غنچه فرهنگسرای باتداری

كمين چهارم جولاي

روزشمار گروگان‌گيري چهارديپلمات ايراني درلبنان

به كوشش: حميد داودآبادي

چاپ اول: تابستان ۱۳۸۴

حروفچين: صديقه حسيني

مديرهنري: ميثم بروجردي

شمارگان: ۳۳۰۰ نسخه

قيمت: ۵۰۰۰ ټ

شابك:

حقوق چاپ ونشر براي ناشر محفوظ است

۴ □ کمین جولای ۸۲

تقدیم به :

همه مادرانی که

سال‌هاست چشم‌انتظار

دیدار جگرگوشه‌های خویشند

بویژه خانواده چهار دلیرمردگمنام

که در غمگین‌ترین روز تابستان ۱۳۶۱

چهاردهم تیرماه (۵ جولای ۱۹۸۲ میلادی)

غریبانه رفتند و از گردراه‌شان خبری برما نیامد ...

فهرست

سخن ناشر	۹
یادداشت نویسنده	۱۱
روزشمار گروگان‌گیری	۱۳
ضمیمه‌ها
	۳۰۳
تصاویر
	۴۶۹

سخن ناشر

معمای تابه امروز حل‌نشده‌ای در این کتاب مورد کنکاوش و بررسی قرار گرفته است. معمایی به قدمت نزدیک به ربع قرن. داستان سراسر ابهام سفرناتمام چهار شهروند جمهوری اسلامی ایران، در یک ظهر داغ تابستانی از جاد ساحلی طرابلس- بیروت به سوی پایتخت

کشور اشغال شده لبنان. حکایت چشمان بردرمانده مادران و پدران، خواهران، همسر و فرزندان مسافران از یادرفته. داستان سیاست با همه دعاوی تلخ و شیرین آن، قصه رسانه با تمام تغافلها و دروغ بافی‌های آن، حدیث بغض‌های داغ گلوگیر شده در حلقوم یارانی چشم به راه. و سرانجام، ماجرای کمین شبه‌نظامیان مسیحی متحد ارتش رژیم اشغالگر قدس بر سر راه خودروی حامل «سید محسن موسوی»، «احمد متوسلیان»، «کاظم اخوان» و «تقی رستگار مقدم» در ظهر روز پنجم جولای ۱۹۸۲. اینها همه را، پژوهشگر و نویسنده توانای حوزه ادبیات پایداری، جناب آقای حمید داودآبادی در یک روند پژوهشی چندین‌ساله، گردآوری و در قالب کتابی که در دست دارید، ارائه کرده است.

فرهنگ‌سرای پایداری، تذکر این نکته را بر خود لازم می‌داند که این کتاب به هیچ روی دعوی حل قطعی آن معما را ندارد. چه اینکه، اگر این معمای سراسر ابهام و شگفتی، امکان رمزگشایی داشت، چه بسا دست‌انویس‌توانان و کارآزموده‌تر از مولف کتاب و این فرهنگ‌سرا، بودند که می‌توانستند از آن گره‌گشایی نمایند.

از آنجا که سه تن از آن چهارگروگان از یاد رفته، در شکل‌گیری عظیم‌ترین حماسه‌های پایداری ایمانی ملت ایران در دوران دفاع مقدس نقشی انکارناپذیر ایفا کردند، فرهنگ‌سرای پایداری انتشار این اثر را در حکم عرض ادب و ادای دینی به آن جوانمردان خفته در کف فراموشی تلقی کرده و خود را در این امر محق می‌داند.

سلام بر خاطره تابناک پرچمدار سلحشور فتح خرمشهر، حاج احمد متوسلیان، عکاس بسیجی کاظم اخوان، رزمنده بسیجی محمدتقی رستگار مقدم و سرانجام، سیاست‌مرد بسیجی سید محسن موسوی.

اللهم فك كل اسیر

واحد ادبیات و انتشارات

فرهنگ‌سرای پایداری

یادداشت نویسنده

قصد آن ندارم تا بر این کتاب مقدمه‌ای بنویسم، چرا که گفتن و نوشتن از تلخی آن حادثه عظیم، از حد و اندازه من خارج است. فقط می‌خواهم از همه عزیزانی که طی ۱۰ سال گذشته، به هرطریق ممکن ولو در حد ارائه یک برگ سند یا خبری کوتاه، در طی این مسیر طولانی، خالصانه و بدون هیچ چشمداشتی، همراه و کمک حالم بودند تا این نوشتار به سر منزل مقصود برسد، کمال تشکر و سپاس را بجا آورم. همه عزیزان و دوستان که اینانند:

«علیرضا کمري» استاد و راهنمای همیشگی‌ام از زمانی که دستم با قلم، دوست و آشنا شد.

«حسین بهزاد» که بسیاری از تلاش‌ها و همت‌هایم را از اولین روزها و ماه‌های آغازین این تحقیق، مدیون اویم.

«محمدعلی صمدي» که سال‌های آغازین کار، مساعدت و همراهی‌های او بسیار کمک کرد.

«مسعود ده‌نمكي» که همواره صفحات نشریاتش از شلمچه و جبهه گرفته تا صبح‌دوکوهه، برای انتشار مطالب مربوط به چهارگروگان مظلوم، میزبانم بود.

«شاهرخ سلطان‌احمدي» که در راه کسب اطلاع از دایمی مفقودش کاظم اخوان، بسیار می‌کوشد و مرا چون دوستی امین، برای خانواده چشم‌انتظار اخوان پذیرفت.

«خانواده کاظم اخوان» که توفیق همراهی و پی‌گیری سرنوشت این عزیز را به من عطا کردند.

«موسی احمد قصیر» که پی‌گیری بیشتر کارها در لبنان، بدون وجود او ممکن نبود و بسیار مدیون زحماتش هستم.

«سیدسعید لواسانی» که به‌عنوان سردبیر هفته‌نامه فرهنگ‌آفرینش، موقعیت بسیاری برای فعالیت‌م فراهم آورد تا بتوانم پی‌گیر این مسئله باشم.

«یوسف زمانی» که او نیز به‌عنوان سردبیر بعدی فرهنگ‌آفرینش، با همراهی‌هایش، به این کار کمک‌های بسیاری کرد، اگرچه خودندانند.

«احسان محمدحسني» که اگر نبود عشق و علاقه و همت والای او در پی‌گیری مسئله چهارعزیز، چه در «موسسه عاشورا» و چه در «فرهنگسرای پایداری»، این کتاب به عرصه چاپ قدم نمی‌گذاشت.

«سارا زیباکلام» که زحمت ترجمه بسیاری از مطالب، از انگلیسی به فارسی و بالعکس، با او بود.

«فریدون گنجور» دوست‌قدیمی کاظم اخوان، که او نیز به نوبه خود کمک‌حالم بود.

«دفتر حزب‌الله‌بنان» در تهران، که آرشیو نشریات و همکاری‌های‌شان، بسیار کمک‌کرد.

«روزنامه جمهوری اسلامی» که آرشیو مطالبش خیلی کمک‌کرد.

«روزنامه کیهان» که آرشیو عظیمش، در بسیاری مراحل، مشکلات را از سر راهم برداشت.

«خبرگزاری مهر» که مدت کوتاه همکاری‌ام با آنان، فرصت بسیار ارزشمندی بود برای پی‌گیری مسئله چهارعزیز.

«سایت اینترنتی مهدیس» که دلسوزانه، اکثر مطالب قابل انتشارم را، به عرصه شبکه ارتباط گسترده جهانی رهنمون ساخت.

«فرهنگسرای پایداری» با همه کارمندان‌ش، که زحمات بسیار مرا تحمل کردند و در انتشار کتاب همراه شدند.

«بهمن بهساز» که با تهیه برخی مطالب عربی، در این مسیر سخت، همراه بود.

«حامد طالبی» که با شور و جسارت بسیارش، در یک‌سال گذشته، گام‌های ارزشمندی در پی‌گیری سرنوشت چهارگروگان برداشته است، که اکثر گفت‌وگوها و گزارش‌های خبرگزاری مهر، از اوست.

... و «همسرم» که ضمن تحمل سختی‌های زندگی با یک نویسنده، زحمت حروفچینی مطالب را نیز بر دوش کشید و بسیار کمک‌حالم شد.

حمید داودآبادی

تیرماه ۱۳۸۴

روز شمار گروگان گیری

سال ۱۳۶۱ هـ ش
۱۹۸۲ - ۱۹۸۳ م

۱۹۸۲ = ۱۳۶۱/۴/۱۵ جولای

مزدوران اسرائیل دیپلمات‌های ایران را در بیروت ربودند

حزب‌راست‌گرا و مسیحی‌کتاب که از حمایت رژیم اشغال‌گر قدس برخوردار است، بعد از ظهر یکشنبه گذشته، محسن موسوی مشاور اول سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت را به اتفاق سه تن دیگر از کارمندان این سفارتخانه در مدخل بیروت غربی ربودند.

به گزارش نماینده خبرگزاری جمهوری اسلامی در بیروت، هیئت دیپلماتیک ایران که توسط چند پلیس لبنان محافظت می‌شد، در مسیر بقاع - طرابلس به بیروت توسط شبه‌نظامیان حزب‌کتاب اسیر و به یکی از مقرهای جنگی این حزب انتقال داده شدند و این درحالی است که پلیس‌های لبنانی همراه این عده آزاد شدند. بنا به همین گزارش، مطبوعات دیروز لبنان نوشتند: تماس‌های رسمی و حزبی جهت نجات جان دیپلمات‌های ایرانی در جریان است و در این تماس‌ها تعدادی از وزرای لبنان نیز شرکت دارند.

اطلاعات

۱۹۸۲ = ۱۳۶۱/۴/۱۶ جولای

تلاش برای آزادی چهار دیپلمات ایرانی توسط مقامات لبنانی همچنان ادامه دارد

۱۰ □ کمین جولای ۸۲

... در رابطه با این حادثه، یک مقام وزارت امور خارجه [جمهوری اسلامی] گفت: «موسوی که قبل از اعزام سفیر به لبنان، مقام کارداری سفارت را داشت، همراه سه نفر دیگر دستگیر شده اند.» وی همچنین گفت که کوشش‌هایی برای رهایی این افراد در جریان است، اما تاکنون نتیجه به دست نیامده است.

کیهان

۱۳۶۱/۴/۱۷ = ۸ جولای ۱۹۸۲

ایران مسئولیت ربوده شدن دیپلمات‌هایش در بیروت را متوجه دولت لبنان دانست

متعاقب این‌که نیروهای شبه نظامی حزب فاشیست کتائب، برای سومین روز متوالی مشاور اول سفارت ایران در بیروت را به اتفاق سه تن از کارمندان سفارت پس از ربودن آنها در روزیکشنبه در منطقه «برباره» در یکی از مقرهای خود بازداشت کرده اند، سفارت جمهوری اسلامی در بیروت روز گذشته با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد که مشاور اول سفارت ایران در بیروت و سه تن از کارمندان ربوده شده توسط نیروهای حزب کتائب، همچنان در بازداشت به سر می‌برند و تاکنون تماس‌هایی که برای آزاد ساختن آنها صورت گرفته بی‌نتیجه مانده است. سفارت ایران در بیروت در بیانیه خود عواقب این امر را به عهده مقامات مسئول لبنان گذاشته، چراکه این اقدام در انظار مقامات لبنان صورت گرفته است. زیرا در موقع ربودن این هیئت، نیروی ویژه حفاظت از جان دیپلمات‌ها این هیئت را همراهی می‌کرده اند. سفارت ایران همچنین یادآور شد که برقراری تماس با کلیه مقامات مسئول جهت آزاد ساختن ربوده شدگان همچنان جریان دارد. کما این‌که سفارت طی اقدامات دیگری که بعداً آن را اعلام خواهد کرد، جزئیات این حادثه را تشریح می‌نماید.

اطلاعات

۱۳۶۱/۴/۲۰ = ۱۱ جولای ۱۹۸۲

دستور نخست وزیر لبنان به ماموران امنیتی برای یافتن دیپلمات‌های ایرانی

«نبیه بری» رئیس شورای رهبری جنبش‌امل به اتفاق «حسن هاشم» رئیس این جنبش، روز گذشته با «شفیق وزان» نخست‌وزیر لبنان ملاقات کرد. وزان که در عین حال وزیر کشور لبنان نیز هست، به تمامی دستگاه‌های امنیتی لبنان

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۱

دستور داد نهایت کوشش خود را برای روشن‌شدن مسئله ناپیدایی دیپلمات‌های ایرانی به عمل آورند. وزان شب‌گذشته دریک اظهارنظر مطبوعاتی گفت: «ما این حادثه اسفبار را که هیچ مجوزقانونی و انسانی ندارد، محکوم می‌کنیم و از همه می‌خواهیم که برای بازگرداندن کاردارسفارت جمهوری اسلامی ایران و همراهانش، با ما همکاری‌کنند. بویژه که ما در شرایط حساسی هستیم که باید از بروز چنین مشکلاتی جلوگیری‌کنیم.»

اطلاعات

۱۳۶۱/۴/۲۷ = ۱۸ جولای ۱۹۸۲

ما منتظر اقدام جدی و پی‌گیر دولت لبنان برای نجات دیپلمات‌های ایرانی هستیم

دکتر علی‌اکبر ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، دیروز با ارسال نامه‌ای برای شفیق وزان نخست‌وزیر جمهوری لبنان، مسئولیت ربوده شدن و اسارت هیئت دیپلماتیک ایران توسط فالانژیست‌ها را متوجه دولت لبنان دانست و خواستار انجام اقدامات جدی و پی‌گیر در این رابطه شد. متن نامه وزیر امور خارجه کشورمان به این شرح منتشر شد:

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای شفیق وزان نخست‌وزیر جمهوری لبنان

اینک که کشور لبنان یکی از حساس‌ترین و سرنوشت‌سازترین مراحل تاریخی خود را می‌گذراند، مردم مسلمان و ستم‌دیده لبنان و فلسطین هم‌اکنون به پاس مقاومت در مقابل توسعه‌طلبی‌های رژیم صهیونیستی و آمریکا، بمباران‌های وحشیانه و ددمنشانه صهیونیسم را تحمل می‌کنند، جمهوری اسلامی ایران همان‌گونه که از پیش نشان داده است، نسبت به این جنایات بی‌تفاوت نبوده و تمام تلاش خویش را برای رفع این تجاوز به کار گرفته خواهد گرفت.

دستگیری و اسارت سید محسن موسوی نفردوم سفارت جمهوری اسلامی ایران و همراهان وی توسط نیروهای فالانژیست لبنان، حکایت از عمق هراس صهیونیست‌ها و عمال آنها از فعالیت گسترده ما در صحنه لبنان می‌باشد. این توطئه در حالی شکل می‌گیرد که لبنان در اوج محاصره و درگیری‌های خونین شاهد رفت و آمدهای دیپلماتیک وسیعی از جانب کشورها و گروه‌های مختلف چپ و راست می‌باشد و در این میان تنها دیپلمات‌های ایرانی‌اند که مورد تعرض واقع می‌شوند. دولت جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدای این

ماجرای، ضمن تماس‌های مکرر و پی‌گیر، چه در اینجا و چه در بیروت، اهمیت آزادی و نجات جان آنان را برای خود، به اطلاع دولت شما رسانده است، ولی متأسفانه پس از گذشت قریب دوهفته تاکنون هیچ اقدام جدی برای حل این ماجرا به عمل نیامده است.

حفاظت دیپلمات‌ها و شخصیت‌های گوناگون خارجی در اوج محاصره بیروت توسط نیروهای فالانژیست و رژیم اشغالگر قدس، به خوبی توانایی دولت شما را در انجام این مسئولیت و نیز انتظار ما را در تلاش هرچه بیشتر برای آزادی هر چه سریع‌تر آنان آشکار می‌سازد.

از آنجا که سفر دیپلمات‌های ایرانی به بیروت با اطلاع وزارت امور خارجه و پلیس کشور شما و نیز در معیت نیروهای ویژه حفاظت از دیپلمات‌های خارجی پلیس لبنان بوده و اساساً این دستگیری نیز در انظار آنان صورت گرفته است، به طوری که پس از دستگیری، افراد پلیس همراه آنان آزاد شده‌اند، جمهوری اسلامی ایران مسئولیت این عمل را متوجه دولت لبنان دانسته و منتظر اقدامات جدی و پی‌گیر شما در این رابطه می‌باشد. طبیعی است که دولت ما نیز در این مورد بی‌تفاوت نبوده و تمام امکانات خویش را برای آزادی این فرزندان اسلام به کار خواهد گرفت.

والسلام علیکم ورحمت‌الله وبرکاته

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران

علی‌اکبر ولایتی

اطلاعات

سال ۱۳۶۴ هـ ش
۱۹۸۵ - ۱۹۸۶ م

۱۳۶۴/۳/۱۶ = ۶ ژوئن ۱۹۸۵

سخنان حجت‌الاسلام کربوبی درباره ربه‌ده‌شدگان ایرانی

حجت‌الاسلام مهدی کربوبی که در راس هیئتی عازم لبنان شده بود، به سوالات خبرنگار خبرگزاری بین‌المللی لبنان در موارد مختلف از جمله گروگان‌های ایرانی، پاسخ گفت. خبرنگار لبنانی از سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی که در سال ۱۹۸۲ در لبنان ربه‌ده شده‌اند سوال کرد و آقای کربوبی در جواب گفت: «ما هیچ اطلاعی از سرنوشت آنها نداریم. این سوال را باید از رژیم لبنان کرد، چراکه آنها در لبنان دیپلمات بوده و از سوی نیروهای لبنانی یعنی حزب‌کتائب ربه‌ده شده‌اند که این مسئله در دید نیروهای انتظامی هم بوده است و ما از نیروهای اسلامی و ملی می‌خواهیم که برای آزادی آنها به دولت لبنان فشار بیاورند.»

اطلاعات

۱۳۶۴/۸/۶ = ۲۸ اکتبر ۱۹۸۵

سخنان کاردار ایران در لبنان درباره گروگان‌های ایرانی

«محمد نورانی» در صحبت‌های خود درباره گروگان‌گیری‌های لبنان گفت: «رشدن افراد نفعی برای روند اسلامی یا میهنی لبنان ندارد. ما ایرانی‌ها از سه سال پیش، از ربه‌ده شدن محسن موسوی یکی از اعضای سفارت ایران در لبنان و همچنین سه تن از همراهانش در رنج و عذاب هستیم.»

اطلاعات

سال ۱۳۶۵ هـ ش
۱۹۸۶ - ۱۹۸۷ م

۱۳۶۵/۱۲/۲۶ = ۱۶ مارس ۱۹۸۷

اسقف اعظم کانتربری برای یافتن ۴ نفر ایرانی که در لبنان ربوده شده‌اند،
اعلام آمادگی کرد

به دنبال اظهارات آقای هاشمی‌رفسنجانی در مصاحبه مطبوعاتی اخیر در مورد
«تری ویت» فرستاده ویژه کلیسای کانتربری به لبنان و ربوده شدن
چهار ایرانی در لبنان، اسقف اعظم این کلیسا طی نامه‌ای به رئیس مجلس
شورای اسلامی، ضمن درخواست تلاش ایران برای یافتن تری ویت، اعلام آمادگی
کرده است که برای یافتن چهار ایرانی ربوده شده در لبنان تلاش کند.
اطلاعات

سال ۱۳۶۶ هـ ش
۱۹۸۷ - ۱۹۸۸ م

۱۳۶۶

اظهارات حجت‌الاسلام محتشمی‌پور

حجت‌الاسلام سیدعلی‌اکبر محتشمی‌پور سفیر اسبق ایران در سوریه، در گفت‌وگو با سالنامه «کیهان‌سال» ضمن تشریح چگونگی اعزام نیروهای ایرانی به سوریه و لبنان، درباره اسارت چهار دیپلمات ایرانی سخن گفته است.

(ضمیمه ۱)

سالنامه کیهان‌سال

سال ۱۳۶۸ هـ ش
۱۹۹۰ - ۱۹۸۹ م

۱۳۶۸/۱۲/۲۹ = ۱۹ مارس ۱۹۹۰

بیانیه نمایندگان مجلس درمورد گروگان‌های ایرانی در لبنان

بیش از ۱۷۰ تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی طی بیانیه‌ای با اشاره به گزارش‌های برخی از دستگاه‌های خبری استخبار مبنی بر کشته‌شدن احتمالی چهاردیپلمات گروگان‌های ایرانی در لبنان، اعلام کردند: «مسئولیت هرگونه اتفاقی برای گروگان‌های مذکور برعهده آمریکا و عوامل آن می‌باشد.»

در این بیانیه که در جلسه دوشنبه شب (۲۸ اسفند) مجلس شورای اسلامی قرائت شد، آمده است: «سرنوشت گروگان‌های غربی در لبنان بستگی به خواست مردم مسلمان لبنان مبنی بر خاتمه توطئه‌های آمریکا در لبنان و روشن‌شدن سرنوشت گروگان‌های لبنانی و فلسطینی در زندان‌های غرب دارد و تبلیغات رسانه‌های استخباری برای جدا کردن سرنوشت گروگان‌های غربی از مسائل لبنان، به‌شدت محکوم است.»

در این بیانیه از مسئولین وزارت امور خارجه خواسته شده است که در پاسخ به تبلیغات اخیر و شایعه مذاکره پنهانی ایران برسر گروگان‌های غربی، صراحتاً اعلام موضع‌کند و تایید نماید که ایران برخلاف این تبلیغات، در ماجرای گروگان‌های غربی دخالتی نداشته است. همچنین از وزارت امور خارجه خواسته شده است که سرنوشت گروگان‌های ایرانی در لبنان را قاطعانه پی‌گیری کند و برای نجات آنان اقدامی جدی به عمل آورد.

اطلاعات

سال ۱۳۶۹ هـ ش
۱۹۹۰ - ۱۹۹۱ م

۱۳۶۹/۲/۸ = ۲۸ آوریل ۱۹۹۰

يك مقام نیروهای لبنانی از وضع چهارگروگان ایرانی اظهار بی‌اطلاعی کرد
«فواد مالك» رئیس ستاد مشترك چريك‌هاي مسيحي موسوم به نیروهای لبنانی،
ديروز ادعا کرد که سازمان وي چهار ایرانی ربوده شده در سال ۱۹۸۲ در یکی
از محلهای بازرسی نیروهای لبنانی را در اختیار ندارد. مالك طی يك
مصاحبه مطبوعاتی ادعا کرد: «وقتی که ما در سال ۱۹۸۶ (۲۵ دي ۱۳۶۴) رهبري
نیروهای لبنانی را در دست‌گرفتیم، هیچ زندانی ایرانی یا لبنانی در
زندان‌ها وجود نداشت. ما نمی‌دانیم که قبلاً چه اتفاقی روی داده و ما
مسئول آن نیستیم.»

مقام‌ها و رسانه‌های غربی که مکرر خواستار آزادی گروگان‌های خود در لبنان
شده‌اند، چندان ذکرى از لزوم آزادی چهارگروگان ایرانی به میان
نمی‌آورند.

خبرگزارى فرانسه می‌افزاید: «درپی رهایی يك گروگان آمریکایی در لبنان،
وزیرخارجة ایران خواستار آزادی سه دیپلمات و يك روزنامه‌نگار ایرانی شد
که هنگام تهاجم اسرائیل به لبنان، در يك محل بازرسی نیروهای لبنانی در
شمال لبنان ربوده شده‌اند. دکترولایتی تاکید کرده بود که بر اساس آخرین
اطلاعات موجود، آنان زنده‌اند.»

اطلاعات

۱۳۶۹/۲/۱۰ = ۳۰ آوریل ۱۹۹۰

اظهارات منابع وابسته به میشل عون در مورد گروگان‌های ایرانی

تلویزیون وابسته به «میشل عون» دیشب اعلام کرد: «سه‌تن از ۴ نفر ایرانی که در سال ۱۹۸۲ توسط نیروهای لبنانی به گروگان گرفته شده‌اند، زنده‌اند.»

اعلام این مطلب توسط تلویزیون میشل عون، درحالی صورت می‌گیرد که فالانژیست‌های طرفدار «سمیر جعجع» این مسئله را انکار کرده‌اند. به گزارش خبرگزاری فرانسه از بیروت، منابع مطلع نیروهای لبنانی اظهار داشته‌اند: «۳ ایرانی مذکور درحال حاضر توسط نیروهای جعجع در کوه «لاکلوک» واقع در شمال شرقی بخش مسیحی‌نشین بیروت، زندانی هستند.»
خاطرنشان می‌شود، نیروهای لبنانی که اخیراً ازسرنوشت چهار ایرانی ربوده‌شده اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند، مدت ۳ ماه است با نیروهای میشل عون درگیر جنگی خونین هستند.
اطلاعات

دیپلماسی تغافل!

قضیه گروگان‌ها، همواره جزو یکی از نخستین میادین مبارزه سیاسی بین تهران و غرب و همین‌طور از کانال‌های مهم در امکان بازگشایی روابط با غرب بود. بسیاری معتقد بودند که آزادی یک جانبه گروگان‌های غربی یک اثر بزرگ سیاسی در فتح قلوب غربی‌ها و به نوعی یک پیام حسن‌نیت برای پایتخت‌های اروپایی و آمریکا به‌شمار می‌رود. این تئوری سیاسی زمانی که با اولین علائم شکست مواجه گردید، قربانیانی نیز به جای گذاشت که از آن جمله می‌توان به بسته شدن پرونده ایرانیان به گروگان رفته در لبنان اشاره نمود. گروگان‌هایی که جزو نخستین قربانیان تروریسم بین‌المللی غرب بوده و در بازی گروگان‌گیری نیز جزو بازنده‌ترین آنها درآمدند. هم‌اکنون پرونده گروگان‌های ایرانی جزو یکی از پرونده‌های بسته وزارت امور خارجه درآمده است و گروگان‌ها در دیپلماسی تهران، نه تنها جایگاهی ندارند بلکه به صورت یک خاطره فراموش شده درآمده‌اند. غربی‌ها در طی روند آزادسازی گروگان‌ها، با رندی و به صورت یک‌طرفه، دست تمامی گروگان‌های خود را پیروزمندانه گرفته و رفتند، و در این میان مسئله گروگان‌های ایرانی به تاریخ پیوست. سکوت نهادهای پی‌گیری‌کننده در

این‌خصوص، و عدم‌تعیین سرنوشت گروگان‌های ایرانی، لبنانی و فلسطینی که قرار بود جزو آزادشدگان باشند، به یک‌باره در بوته ابهام و فراموشی فرورفت. این درحالی بود که غربی‌ها همواره به دیپلماسی کارآمد و کارتبلیغی که درخصوص آزادی گروگان‌های‌شان انجام دادند می‌بالیدند. بزرگترین و مهم‌ترین نکته سیاسی در پرونده گروگان‌ها، موفقیت غربی‌ها در ارائه یک چهره مظلوم جهانی ازخود در عین حالی که خودشان مسببان اصلی گروگان‌گیری توسط رژیم صهیونیستی و گروه‌های تروریست هوادار خود در لبنان بوده‌اند، می‌باشند. هم‌اکنون صدها نفر از گروه‌های فلسطینی و لبنانی گروگان‌های بی‌نام و نشان مسلمان در دست رژیم‌صهیونیستی هستند که کوچک‌ترین خبر از آنها در رسانه‌های جهانی دیده نمی‌شود. متقابلاً پوشش خبری تبلیغی و عاطفی حساب شده، دقیق و جهانی غربی‌ها جهت آزادی گروگان‌های‌شان همواره جزو یکی از مؤثرترین ابزارهای فشار روانی جهت آزادسازی آنها و ارائه به اصطلاح مظلومیت آنها به شمار می‌رفت. این در حالی بود که ما فاقد هرگونه سیاست جدی و مداوم در این زمینه بودیم. در یک نمونه، غربی‌ها برای آزادی گروگان‌های‌شان هرسال در روز تولد آنها، دریک کارنمایشی توسط دانش‌آموزان سراسر اروپا، سیل کارت‌های درخواست آزادی آنها را پس از درج در مطبوعات جهانی به سمت گروه‌های لبنانی سرازیر می‌نمودند. این کار بدانجا رسید که حتی در بین گروه‌های مسلمان لبنانی بر سر آزادی یک‌طرفه آنان نیز اختلافات جدی پیش آمد. قطع نظر از موارد فوق‌الذکر، نکته مهم در آن است که غربی‌ها برای کوچک‌ترین مسئله سیاسی خود، پیشرفته‌ترین شیوه‌های دیپلماسی را به‌کار می‌گیرند. درحالی‌که ما درخصوص ارائه مظلومیت و احقاق حق خود در حد زنده نگه داشتن آن در شکل‌جهانی، فاقد هرگونه سیاست برنامه‌ریزی‌شده هستیم. به‌عنوان نمونه زمانی که آمریکا دو لیبیایی متهم به‌سرنگونی هواپیمای آمریکایی را با یک فشار جهانی مجرم شناخته و خواستار تحویل آنها به خود است، چرا ما درخصوص پی‌گیری سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران که منجر به شهادت ده‌ها زن و کودک بی‌گناه گردید، مسئله را به یک غرامت ساده ختم کردیم. چرا ما عاملان این جنایت هولناک را که توسط بوش مدال افتخار نیز گرفت و عملاً به ملت بزرگ توهین رسمی نمود، به عنوان تروریست‌های مجرم درخواست نکنیم. فاجعه هواپیمای ایرانی یک نمایی بزرگ از درنده‌خویی آمریکاست که به یک اهرم مسکوت و مرده تبدیل شده است.

چرا بعد از به شهادت رساندن دو مهندس برجسته ایرانی در آمریکا و سپس خارج ساختن مغز آنها از اجساد این دو نفر، هیچ‌گونه واکنش جدی نسبت به آن نشان نمی‌دهیم. سیاست‌های تبلیغی و یا استراتژی‌های تبلیغی در کجا قرار گرفته است؟ چرا سعی می‌شود این برگ‌های زنده از خیانت‌های جهانی آمریکا به برگ‌های سوخته و خنثی تبدیل شود. هم‌اکنون مسئله گروگان‌های ایرانی و لبنانی را باید از یک مسئله حاشیه‌ای و فراموش شده به یک مسئله اصلی بدل کرد. چرا ما از مظلومیت و حقانیت خود در قضیه گروگان‌ها دفاع نکنیم؟ در زمانی که جهان اسلام با اوج فشارهای تبلیغی و سیاسی خبثت آمیز غرب مواجه است، ما می‌بایست از حقانیت خود به‌نحو صحیح بهره‌برداری کنیم. آیا ما فاقد هرگونه اهرم جهت حل و فصل نهایی گروگان‌های ایرانی در لبنان هستیم؟ آزادی بی‌قید و شرط و یک‌طرفه گروگان‌های غربی و تغافل از عدم آزادی گروگان‌های مظلوم ایرانی، همواره یک برگ منفی در پرونده دیپلماسی تهران به شمار می‌رود.

حسین ضیائی

کیهان

۱۳۶۹/۲/۱۲ = ۲ مه ۱۹۹۰

آخرین گزارش‌ها از روند آزادسازی گروگان‌های غربی در لبنان

درحالی که گروگان‌های غربی یکی پس از دیگری آزاد می‌شوند و با خبرهایی دایر بر احتمال آزادی سریع آنان منتشر می‌شود، هنوز از سرنوشت چهار گروگان ایرانی در لبنان هیچ‌اطلاعی در دست نیست. اظهارنظرهای مقام‌های فالانژ و مارونی لبنان بر ابهام درباره سرنوشت این گروگان‌ها افزوده است. علاوه بر این، هنوز هیچ‌یک از خواست‌های گروگان‌های مسلمان در مورد آزادی مسلمانان اسیر در جنگال ارتش رژیم صهیونیستی نیز اجابت نشده است.

اطلاعات

۱۳۶۹/۲/۱۳ = ۳ مه ۱۹۹۰

نماینده دائمی ایران در سازمان ملل خواستار فشار کشورهای عربی بر فالانژیست‌ها جهت آزادی گروگان‌های ایرانی، لبنانی و فلسطینی شد

دکتر «کمال خرازی» سفیر و نماینده دائمی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد اعلام کرد: «کشورهای عربی باید فشار کافی برای آزادی چهار گروگان ایرانی که در دست فالانژیست‌های لبنانی اسیرند، و همچنین

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۱

آزادی گروگان‌های مسلمان لبنانی و فلسطینی که در دست صهیونیست‌ها و عوامل مسلح آنها در جنوب لبنان در اسارت به سر می‌برند، وارد آورند.» دکتر خرازی که در یک مصاحبه تلویزیونی سخن می‌گفت، افزود: «بر اساس شواهد به دست آمده از اظهارات اخیر سمیر جعجع و میشل عون و دیگر عوامل فالانژیست، چهار گروگان‌ایرانی هنوز زنده‌اند. جمهوری اسلامی ایران به دلایل انسانی، همه تلاش‌های خود را برای آزادی همه گروگان‌ها، صرف‌نظر از ملیت آنها، به‌کار برده است.»

جمهوری اسلامی

۱۳۶۹/۲/۲۲ = ۱۲ مه ۱۹۹۰

دیدار کاردار ایران با شخصیت‌های سیاسی و مذهبی شهر صیدا

«محمدجواد زمانیان» کاردار جمهوری اسلامی ایران در لبنان، در بازدید از شهر صیدا در جنوب لبنان، ضمن دیدار با شخصیت‌های سیاسی و مذهبی، مسائل اسلامی و اوضاع لبنان را با آنان مورد بحث و تبادل نظر قرار داد. وی در این دیدار با چند تن از مقامات و مسئولین اهل تسنن و تشیع جنوب لبنان دیدار و گفت‌وگو کرد. کاردار جمهوری اسلامی ایران لزوم تلاش برای آزادی دیپلمات‌های ایرانی را که توسط فالانژها به گروگان گرفته شده‌اند، مورد تأکید قرار داد.

اطلاعات

۱۳۶۹/۳/۶ = ۲۷ مه ۱۹۹۰

ایران با تمام توان از مواضع مردم مسلمان لبنان دفاع می‌کند

گروهی از خانواده‌های شهدا و اسرای لبنانی شرکت‌کننده در مراسم سالگرد ارتحال رهبر فقید انقلاب اسلامی امام خمینی (س)، با حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی رئیس‌جمهوری، دیدار کردند. رئیس‌جمهوری کشورمان ضمن قدردانی از مجاهدت‌ها و مبارزات مردم مسلمان لبنان، با اشاره به تبلیغات گمراه‌کننده غرب علیه حوادث لبنان، اظهار داشت: «حوادث امروز لبنان همه این تبلیغات سوء را باطل کرده است. غربی‌ها دم از محکومیت تروریسم می‌زنند، اما خود مرتکب بدترین نوع تروریسم شده‌اند... اگر از گروگان‌گیری انتقاد می‌کنند، اسرائیل را به خاطر گروگان‌گیری‌هایش محکوم نمی‌کنند. فرزندان لبنان در یک ابتکار عمل، دو گروگان غربی را آزاد کردند و آمریکا و استکبار جهانی را رسوا کردند. امروز استکبار باید از خود دفاع کند. به افکار عمومی دنیا بگوید چرا گروگان‌های

۲۲ □ کمین جولای ۸۲

لبنانی را آزاد نمی‌کند؟ چرا برای آزادی گروگان‌های ایرانی، لبنانی و فلسطینی نباید تلاش کنند؟»

اطلاعات

۱۳۶۹/۳/۱۰ = ۳۱ مه ۱۹۹۰

براساس اطلاعات به دست آمده از منابع معتبر، گروگان‌های ایرانی در لبنان زنده‌اند

به دنبال پی‌گیری‌های جمهوری اسلامی ایران در مورد سرنوشت گروگان‌های ایرانی در لبنان، طی روزهای اخیر از سوی منابع معتبر کسب اطلاع شد که گروگان‌های ایرانی زنده‌اند.

«مرتضی سرمدی»، سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان، ضمن اظهار این مطلب، در پاسخ به سوال خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی در مورد آخرین اخبار درباره سرنوشت گروگان‌های ایرانی در لبنان، گفت: «این خبر مایه خوشحالی ماست و جمهوری اسلامی ایران به تلاش‌های خود برای دستیابی به اطلاعات دقیق‌تر در مورد وضعیت گروگان‌ها ادامه خواهد داد.»

وی اظهار امیدواری کرد: «کشورهای غربی حامی گروگان‌گیرها، از نفوذ و قدرت خود جهت آزادی افراد بی‌گناهی که مدت هفت‌سال در اسارت به سر می‌برند، استفاده نمایند.»

اطلاعات

۱۳۶۹/۶/۶ = ۲۸ اوت ۱۹۹۰

مساعی ایران در آزادی گروگان‌ها يك اقدام انسان دوستانه است

وابسته مطبوعاتی سفارت جمهوری اسلامی ایران در لبنان، با تاکید بر زنده بودن گروگان‌های ایرانی در بند نیروهای فالانژ، مساعی ایران برای آزادی گروگان‌های خارجی در لبنان را رعایت موازین انسانی اعلام کرد. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی از بیروت، آقای «اصفهانیان» وابسته مطبوعاتی سفارت جمهوری اسلامی در بیروت، که دیروز در گفت‌وگو با رادیو «صوت الشعب» در بیروت سخن می‌گفت، افزود: «ربودن انسان‌ها و بازداشت مردم لبنان و فلسطین توسط رژیم صهیونیستی همواره مورد نکوهش جمهوری اسلامی ایران بوده و ایران اولین کشوری است که قربانی این اعمال از طریق ربوده شدن ۴ تن از دیپلمات‌های خود در لبنان شده است.»

وی اضافه کرد: «اطلاعات دقیقی در مورد زنده بودن ۴ دیپلمات ایرانی که در سال ۱۹۸۲ در شرق بیروت ربوده شده‌اند، در دست است.»

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۳

اصفهانیان با متهم نمودن غرب به انتشار اتهامات واهی علیه ایران ومخدوش کردن حقیقت، گفت: «کشورهای غربی که خود احیانا پشت قضیه آدم‌ربایی قراردارند، با بزرگ جلوه دادن مسائل کوچک وکوچک نمودار کردن مسائل بزرگ، سعی دارند افکارعمومی جهان را از حقایق منحرف کنند، در حالی که خود آنها می‌دانند آزادی لبنانی‌ها و فلسطینی‌های دربند از سیاه‌چال‌های رژیم صهیونیستی، کمک مهمی به حل مسئله گروگان‌ها خواهد کرد.»

اطلاعات

۱۳۶۹/۸/۲ = ۲۴ اکتبر ۱۹۹۰

اظهار امیدواری ایرلند برای آزادی گروگان‌های ایرانی در لبنان

«فرانسیس کوگن» اولین سفیر جمهوری ایرلند درایران، دیروز در دیدار با دکترولایتی وزیر امور خارجه ، اظهار امیدواری کرد که گروگان‌های ایرانی در لبنان به آزادی دست یابند و از خانواده‌های گروگان‌های ایرانی برای سفر به ایرلند و دیدار با مقامات و خانواده گروگان آزاد شده ایرلندی «برایان کینان» دعوت کرد.

جمهوری اسلامی

۱۳۶۹/۸/۱۰ = ۱ نوامبر ۱۹۹۰

گزارشی از سفر خانواده گروگان‌های ایرانی به ایرلند

یک هیئت متشکل از خانواده‌های گروگان‌های ایرانی و لبنانی که به منظورتماس با محافل انسانی و بین‌المللی درجهت پی‌گیری حل مسئله گروگان‌ها عازم اروپا شده است، روز گذشته وارد «دوبلین» پایتخت ایرلند شد و مورد استقبال خانواده «برایان کینان» گروگان آزاد شده ایرلندی قرارگرفت. اعضای خانواده دو طرف در دیداری که در دوبلین داشتند، ضمن محکوم کردن گروگان‌گیری، لزوم تشریک مساعی همه محافل بین‌المللی را برای حل این مسئله مورد تاکید قرار دادند.

براساس اطلاعات کسب شده از سفارت‌ایران در دوبلین، به هنگام ورود این هیئت، دوخواهر برایان کینان گروگان ایرلندی که دو ماه قبل در لبنان آزاد شد، در فرودگاه دوبلین از آنان استقبال کردند. اعضای خانواده سه گروگان انگلیسی دیروز به دیدار خانواده گروگان‌های ایرانی شتافتند و با آنان گفت‌وگو کردند. به گفته سفارت‌ایران در دوبلین، قرار است امروز

خانواده گروگان‌های ایرانی با وزیر امور خارجه ایرلند دیدار و گفت‌وگو کنند.

رسانه‌های غربی که برای آزادی گروگان‌های غیرمسلمان در لبنان سروصدای زیادی به راه می‌اندازند، در مورد سرنوشت این چهار گروگان و تداوم اسارتشان که طولانی‌ترین مدت گروگان‌گیری در لبنان به‌شمار می‌آید، سکوت اختیار کرده‌اند. تاکنون سخنان ضدونقیضی در مورد سرنوشت گروگان‌های ایرانی گفته شده است. براساس گزارشاتی که در بهار و تابستان امسال در بیروت منتشر شد، محافل مسیحی لبنانی گفتند گروگان‌های ایرانی زنده هستند و گزارشات قبلی دایر بر قتل آنها صحت ندارد.

کیهان

۱۳۶۹/۸/۱۳ = ۴ نوامبر ۱۹۹۰

خانواده‌های گروگان‌های ایرانی، ایرلندی و انگلیس، خواستار آزادی فوری گروگان‌های خود شدند

خانواده‌های گروگان‌های ایرانی، ایرلندی و انگلیسی، در یک گردهمایی روز پنجشنبه ۱۳۶۹/۸/۱۰ در دوبلین پایتخت ایرلند، ضمن محکوم کردن گروگان‌گیری، خواستار آزادی فوری گروگان‌های فراموش شده ایرانی در لبنان و دیگر گروگان‌ها شدند.

سراسقف کلیسای ایرلند با ابراز تأثر از ادامه اسارت گروگان‌های ایرانی در لبنان، اظهار امیدواری کرد که خانواده‌های ایرانی هرچه زودتر عزیزان در بند خود را بازیابند. همچنین نماینده کلیسای کانتربری پیامی را از سوی اسقف «رانسی» قرائت کرد که در آن ضمن ابراز همبستگی با خانواده‌های گروگان‌های ایرانی، آزادی آنها درخواست شده بود. در این گردهمایی خانواده‌های سیدمحسن موسوی، احمد متوسلیان، کاظم اخوان، تقی رستگارمقدم از ایران، خانواده برایان کینان گروگان آزاد شده ایرلندی و خانواده‌های «تری ویت»، «جان مک‌کارتی»، «جکمن» از انگلستان حضور داشتند.

جمهوری اسلامی

۱۳۶۹/۸/۱۹ = ۱۰ نوامبر ۱۹۹۰

مسئولین سازمان‌های بین‌المللی بر آزادی گروگان‌های ایرانی در لبنان تأکید کردند

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۵

دکتر «مارکوف» رئیس بخش پی‌گیری‌های ویژه سازمان مرکزی حقوق‌بشر، در مذاکره با اعضای خانواده‌های گروگان‌های ایرانی در لبنان، ضمن ابراز تاسف از ادامه اسارت این گروگان‌ها، قول داد که برای آزادی آنها از هیچ اقدامی دریغ نکند. اعضای خانواده‌های گروگان‌های ایرانی در لبنان، که پس از سفر به ایرلند، هم‌اکنون در ژنو هستند، با مسئولان تعدادی از سازمان‌های بین‌المللی و انسانی دیدار و گفت‌وگو کردند. این هیئت همچنین در مذاکره با کمیته صلیب‌سرخ جهانی خواستار اقدام این کمیته برای آزادی گروگان‌ها شد.

آقای «گلادینگر» مدیرکل صلیب سرخ جهانی، با اشاره به اینکه تاکنون اطلاعات زیادی در رابطه با گروگان‌های ایرانی جمع آوری شده است، ادامه تلاش این کمیته برای روشن شدن سرنوشت و آزادی این گروگان‌ها را یادآور شد.

همچنین آقای «ستودیک» رئیس اتحادیه بین‌المللی انجمن‌های صلیب‌سرخ و هلال‌احمر، در ملاقات با خانواده‌های گروگان‌های ایرانی، ضمن تأکید بر آزادی این گروگان‌ها، اظهار امیدواری کرد که در سایه آرامش نسبی اخیر در لبنان، انجمن صلیب‌سرخ بتواند فعالیت گسترده‌ای را در همه زمینه‌های انسانی بویژه آزادی گروگان‌ها آغاز کند.

آقای «اریک سوت» رئیس سازمان بین‌المللی علیه شکنجه، که با کمیته حقوق‌بشر همکاری دارد، در ملاقات با این خانواده‌ها مسئله شکنجه‌های جسمی و روحی گروگان‌های ایرانی را که بیش از هشت سال از اسارت آنها به دست نیروهای فالانژ لبنانی می‌گذرد، مورد بحث و بررسی قرار داد. جمهوری اسلامی

۱۳۶۹/۸/۲۳ = ۱۴ نوامبر ۱۹۹۰

سرنوشت گروگان‌های ایرانی در اولویت قرار دارد

محمدجواد زمانیان کاردار جمهوری اسلامی ایران در لبنان، دیروز با مهندس «مصطفی سعد» دبیرکل سازمان خلق‌ناصري، در صیدا دیدار و گفت‌وگو کرد. آقای زمانیان در پایان این دیدار به مسئله گروگان‌ها در لبنان اشاره کرده گفت: «از نظر ما سرنوشت گروگان‌های ایرانی در اولویت قرار دارد.»

جمهوری اسلامی

۱۳۶۹/۸/۲۴ = ۱۵ نوامبر ۱۹۹۰

دیدار خانواده‌های گروگان‌های ایرانی با مقامات لبنانی

خانواده‌های چهارگروگان ایرانی که در لبنان به‌سر می‌برند، با «حسین حسینی» رئیس پارلمان لبنان دیدار کردند و از اقداماتی که دولت لبنان در جهت اطلاع از سرنوشت ایرانیان ربوده‌شده انجام داده است، جویا شدند. حسین حسینی رئیس پارلمان لبنان، ضمن تشریح تلاش‌هایی که ظرف ۸ سال گذشته از طرق مختلف جهت کسب اطلاع از سرنوشت ایرانیان ربوده‌شده انجام داده است گفت: «باید خانواده‌های گروگان‌های ایرانی مطمئن باشند که ما از هیچ تلاشی برای نجات این برادران دریغ ننموده‌ایم و امیدواریم آنان سالم به دامن خانواده‌های خود بازگردند.» خانواده‌های گروگان‌های ایرانی همچنین با خانم «رباب صدر» خواهرامام موسی صدر، دیدار کردند و خواستار مساعدت در جهت کشف سرنوشت و آزادی بستگان خود شدند.

اطلاعات

دیدار خانواده‌های گروگان‌های ایرانی با علامه فضل‌الله

خانواده‌های گروگان‌های ایرانی که در لبنان به‌سر می‌برند، بعد از ظهر دیروز با علامه «سید محمدحسین فضل‌الله» دیدار کردند. در این دیدار خانواده‌های گروگان‌های ایرانی ضمن تشریح نگرانی خود نسبت به سرنوشت ابهام‌انگیز بستگان خویش، از علامه فضل‌الله خواستند تا مساعی خود را جهت کسب اطلاع و آزادی گروگان‌ها به‌کار گیرد. علامه فضل‌الله نیز نسبت به نگرانی خانواده‌های چشم‌انتظار ابراز همدردی کرد و گفت: «ما سلب آزادی همه مسلمین را محکوم می‌کنیم و امیدواریم هرچه زودتر این برادران در بند و همچنین دیگر مسلمانان در بند رژیم صهیونیستی آزاد شوند.»

اطلاعات

دیدار خانواده‌های گروگان‌های ایرانی با نایب‌رئیس مجلس اعلی‌الشیعیان لبنان

خانواده‌های گروگان‌های ایرانی دیروز با «شیخ محمد مهدی شمس‌الدین» نایب رئیس مجلس اعلی‌الشیعیان لبنان دیدار کردند و از وی خواستار پی‌گیری سرنوشت بستگان خویش شدند. شیخ شمس‌الدین در این دیدار گفت که گروگان‌های ایرانی را فرزندان خود می‌داند و از هیچ کوششی در جهت آزادی آنان فروگذار نخواهد کرد. نایب‌رئیس مجلس اعلی‌الاسلامی شیعه فاش کرد که برای کسب اطلاع از سرنوشت تمام مفقودین مسلمان لبنانی و غیرلبنانی در

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۷

مناطق تحت کنترل نیروهای فالانژ، فعالیت‌های جدیدی آغاز شده و امیدوار است نتایج مثبتی در آینده نزدیک حاصل شود. خانواده گروگان‌های ایرانی که دیروز وارد بیروت شدند، قرار بود امروز در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی در بیروت شرکت کنند.

اطلاعات

۱۳۶۹/۸/۲۶ = ۱۷ نوامبر ۱۹۹۰

علامه فضل‌الله تحرك خانواده گروگان‌های ایرانی را موفق توصیف کرد

علامه سید محمدحسین فضل‌الله، با خانواده‌های ایرانی که هم‌اکنون از لبنان دیدن می‌کنند، ابراز همدردی کرد و خواستار پایان دادن به مسئله همه گروگان‌ها شد.

علامه فضل‌الله که در خطبه قبل از نماز روز جمعه مسجد امام رضا (ع) در حومه جنوبی بیروت سخن می‌گفت، افزود: «سفر خانواده‌های گروگان‌های ایرانی به کشورهای غربی و لبنان، توانسته است افکار عمومی جهان را به این نکته مهم جلب کند که مسئله گروگان‌ها اختصاص به غربی‌ها ندارد و در لبنان ایرانیانی هستند که توسط هواداران غرب ربوده شده‌اند. جهان استکبار سعی دارد گروگان‌های ایرانی را نادیده بگیرد زیرا غرب، حقوق بشر را تنها مختص اتباع خود می‌داند و برای مردم جهان سوم و مسلمین هیچ حقوقی قائل نیست. ما خواستار آزادی همه گروگان‌ها و اسرای دربند اعم از غربی، ایرانی و لبنانی هستیم و اصرار داریم پرونده آدم‌ربایی برای همیشه بسته شود.»

اطلاعات

دیدار خانواده گروگان‌های ایرانی با نخست‌وزیر لبنان

خانواده گروگان‌های ایرانی در لبنان، شامگاه روز جمعه با دکتر «سلیم الحمص» نخست‌وزیر لبنان دیدار کردند و خواستار اقدام همه جانبه دولت لبنان برای تعیین سرنوشت عزیزان خود شدند. نخست‌وزیر لبنان در این دیدار گفت: «گروگان‌های شما عزیزان ما هستند و ما شدیداً از این جنایت متأثریم. پرونده تحقیق در مورد گروگان‌های ایرانی همچنان در دست اقدام است و امیدواریم گسترش سلطه دولت لبنان بر محدوده بیروت بزرگ بتواند در کشف سرنوشت این عزیزان ما را یاری کند.»

نخست‌وزیر لبنان در مورد برخی اطلاعات منتشره در مورد قتل گروگان‌های ایرانی گفت: «مابه اظهارات غیر مسئولانه توجهی نکرده و پی‌گیری این امر مهم و انسانی را از وظایف خود می‌دانیم.»
اطلاعات

خانواده‌های دیپلمات‌های گروگان‌ایرانی خواستار اقدام مسئولین لبنان برای تعیین سرنوشت بستگان‌شان شدند

خانواده‌های دیپلمات‌های گروگان ایرانی در یک کنفرانس مطبوعاتی و رادیوتلوویزیونی در بیروت، خواستار تلاش همه‌جانبه برای تعیین سرنوشت بستگان خود شدند. خانم موسوی، همسر کاردار سابق ایران در بیروت، به نمایندگی از سوی خانواده گروگان‌ها، ضمن نکوهش ربودن دیپلمات‌های ایران، از همه مسئولین و افکار عمومی لبنان و جهان خواست وظایف خود را در قبال این اسیران بی‌گناه انجام دهند. وی همچنین از دولت لبنان که مسئولیت حفاظت از جان دیپلمات‌ها را به عهده دارد، خواست تا اقدامات لازم را برای تعیین سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی انجام دهد. خانم موسوی در پاسخ به سوالی در مورد احتمال زنده بودن گروگان‌های ایرانی گفت نامه کوتاهی از همسرش محسن موسوی با دست خط خودش دریافت کرده است. وی اضافه کرد: «همچنین برخی از زندانیان رها شده از بند نیروهای فالانژ به سفارت ایران در کشور قبرس مراجعه کرده و حضور دیپلمات‌های ایرانی را در سلول مجاور زندان خود اعلام کرده‌اند.»

خانم موسوی در پاسخ به این سوال که سمیر جعجع قتل گروگان‌های ایرانی را به دست «ایلی [الیاس] حبیقه» فرمانده سابق نیروهای فالانژ اعلام کرده، گفت: «شخص ایلی حبیقه مدعی است که گروگان‌های ایرانی در زندان جعجع باقی مانده‌اند، اگر چنانچه سمیر جعجع بر ادعای خود اصرار دارد، باید اجساد عزیزان ما را تحویل دهد.»

بر اساس همین گزارش، خانواده‌های گروگان‌های ایرانی عصر روز پنجشنبه گذشته با «شیخ عبدالامیر قبلان» مفتی جعفری لبنان دیدار کرده و خواهان تلاش او در کمک به آزادی بستگان خود شدند.

شیخ قبلان در این دیدار گفت که دولت لبنان مسئولیت کامل در قبال پی‌گیری و تعیین سرنوشت این برادران را دارد و خود نیز با همه امکانات در این جهت اقدام خواهد کرد.

اظهارات رئیس‌جمهوری لبنان در دیدار با خانواده‌های گروگان‌های ایرانی

خانواده گروگان‌های ایرانی که در لبنان به سر می‌برند، در دیدار با «الیاس هراوی» رئیس‌جمهوری این کشور، خواستار اقدام جدی دولت لبنان در کشف سرنوشت عزیزان خود شدند. الیاس هراوی ضمن ابراز همدردی با خانواده گروگان‌های ایرانی، و محکومیت گروگان‌گیری آنها، گفت: «ما با شما احساس همدردی کرده و از تمامی امکانات خود برای یافتن عزیزانتان استفاده خواهیم کرد.»

وی با اشاره به این‌که دولت فعلی لبنان در صدد است با بسط قدرت خویش، امنیت و آرامش را به این کشور بازگرداند، افزود: «امیدواریم بتوانیم در این زمینه نیز گام‌های موثری برداشته و گروگان‌های شما را سالم به کانون خانواده‌هایتان بازگردانیم.»

ازمدتها پیش در جریان این حادثه دردناک قرار داشتیم و علیرغم پی‌گیری، تاکنون نتوانسته‌ام به نتایج مثبتی دست یابم

«نصرالله سفیر» سراسقف‌مارونی لبنان، ضمن ابراز همدردی با خانواده گروگان‌ها گفت: «ازمدتها پیش در جریان این حادثه دردناک قرار داشتیم و علیرغم پی‌گیری، تاکنون نتوانسته‌ام به نتایج مثبتی دست یابم. ازچندی پیش، نظر به علاقه و اهتمام انسانی خویش به مسئله گروگان‌های ایرانی، دریک دیدار خصوصی با سمیرجعجع، او را به معتقدات خود قسم دادم که هرچه در مورد دیپلمات‌های ایرانی می‌داند، به صراحت بگوید، سمیرجعجع در پاسخ گفت که گروگان‌های ایرانی در زمان فرماندهی ایلی حبیقه بر نیروهای فالانژ به قتل رسیده‌اند و در زمانی که وی فرماندهی نیروهای فالانژ را در دست‌گرفته هیچ آثاری از گروگان‌ها پیدا نکرده است.»

به عقیده اسقف‌مارونی بیروت که روابط و تماس‌های نزدیکی با شخص سمیر جعجع دارد، بعید است سمیرجعجع به وی دروغ گفته باشد، ولی علیرغم این، مجددا ظرف ساعات آینده با سمیر جعجع دیدار وسیعی خواهد کرد اگر هم برعدم زنده بودن این برادران تاکید داشت، دلایل روشن که اثبات‌کننده این ادعا باشد از او بخواهد و نتیجه را سریعاً اطلاع دهد.

۳۰ □ کمین جولای ۸۲

سراسقمارونی همچنین اضافه کرد: «باتوجه به اثرات این دیدار، از این پس با تمام‌توان سعی خواهم کرد این مهم را پی‌گیری کنم.»
خانواده‌های گروگان‌های ایرانی همچنین عصر دیروز با نبیه بری رئیس جنبش‌امل، دیدار و در زمینه لزوم به‌کارگیری کلیه امکانات جهت کشف سرنوشت این عزیزان، گفت‌وگو کردند. همچنین خانواده گروگان‌های ایرانی با «شیخ‌محمدرشید قبانی» قائم‌مقام اهل تسنن لبنان نیز دیدار کردند و وی را در جریان رنج هشت‌ساله خویش قرار داده خواستار تحرك درکمک به مساعی خیرخواهانه جهت آزادی گروگان‌های ایرانی شدند.
جمهوری اسلامی

۱۳۶۹/۹/۴ = ۲۵ نوامبر ۱۹۹۰

سمیرجعجع متهم به قتل گروگان‌های ایرانی شد

ایلی حبیقه فرمانده سابق نیروهای فالانژ، در واکنشی علیه سمیرجعجع، فرمانده فعلی نیروهای فالانژ مبنی بر رد اتهام خود در قتل چهار دیپلمات گروگان ایرانی، جعجع را مسئول کشتار آنان خواند.
در بیانیه‌ای که روز شنبه ۶۹/۹/۳ توسط «حزب و عد» جناح انشعابی فالانژ به سرکردگی ایلی حبیقه، در بیروت منتشر شد، آمده است: «به‌منظور کشف حقایق و جلوگیری از هرگونه گمراهی، اعلام می‌شود که چهار ایرانی در پست‌بازرسی برباره وابسته به نیروهای سمیرجعجع که در آن زمان با سرکشی از فرماندهی فالانژ، در کوهستان‌های منطقه متمرکز بود، بازداشت شده، به دستور جعجع به پادگان «راشا» در کوهستان‌های «بترون» منتقل گردیدند. وی سپس به «جورج خوری» ملقب به «فرانکو» دستور داد آنان را اعدام کند.»
جعجع قبلاً اعلام کرده بود که چهار گروگان ایرانی به دستور ایلی حبیقه کشته شده‌اند.
جمهوری اسلامی

۱۳۶۹/۹/۵ = ۲۶ نوامبر ۱۹۹۰

درخواست آزادی گروگان‌های ایرانی در لبنان

خانواده‌های گروگان‌های ایرانی اعلامیه‌ای تحت عنوان «چه زمانی اولین گروگان‌های خارجی در لبنان آزاد خواهند شد؟» در بیروت منتشر کردند. در این اعلامیه، عکس‌های چهار گروگان ایرانی که اولین گروگان‌های خارجی در لبنان هستند نیز به چاپ رسیده است. در اعلامیه خانواده‌های

روزشمار گروگان‌گیری □ ۳۱

گروگان‌های ایرانی آمده است: «هشت سال از ربودن این چهارتن بدون مرتکب شدن هیچ‌گناهی می‌گذرد. هشت سالی که خانواده‌ها و کودکان آنان برای دریافت خبر آزادی آنان، انتظار کشیده‌اند.»

در پایان این اعلامیه آمده است: «شادی ما تنها با آزادی و بازگشت فرزندانمان به‌میهن کامل خواهد شد.»

اطلاعات

سال ۱۳۷۰ هـ ش
۱۹۹۲ - ۱۹۹۱ م

۱۶ ژوئن ۱۹۹۱ = ۱۳۷۰/۳/۲۶

تلاش براي آزادي گروگان‌ها چرا؟

«سیدعلی‌اکبر محتشمی‌پور» سفیرایران درسوریه، در سه شماره مقاله خود (که در روزهاي ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ خرداد منتشرشد) به علل گروگان‌گیری عوامل آمریکایی در لبنان پرداخته و درآن میان اشاراتی نیز به گروگان‌هاي ایرانی نموده است:

– آیا واقعا آمریکا براي انسان‌ها ارزش قائل است و دل می‌سوزاند؟ اگر چنین است چرا جورج بوش [رئیس جمهوری اسبق آمریکا] فقط و فقط راجع به آزادي آمریکایی‌ها فشارمی‌آورد؟ و حتي متحدان غربی خود را در این زمینه فراموش کرده است و غربی‌ها که بالاجبار حرمت ارباب خود آمریکا را پاس می‌دارند، چرا هیچ سخني از نخستین قربانیان پدیده گروگان‌گیری که همان جمهوری اسلامی ایران است (و درست ۹ سال پیش پنج نفر از دیپلمات‌ها و افراد بی‌گناه ایران از جمله کاردار جمهوری اسلامی ایران در لبنان، به وسیله نظامیان فالانژ در کنار پایگاه تفنگداران آمریکایی و نیروهاي چند ملیتی به گروگان گرفته شدند) سکوت کرده‌اند. تاسف‌بارتر این‌که رسانه‌هاي ارتباط جمعی و سیاست‌گذاران خارجی جمهوری اسلامی در وزارت خارجه نیز هیچ‌گونه اقدام جدی در محافل بین‌المللی و در داخل کشور، براي آزادي مسلمانان اسیر در غرب و فلسطین اشغالی و همچنین براي آزادي دیپلمات‌هاي ایرانی در لبنان نمی‌کنند. نیروهاي اسلامی شرایط و خواسته‌هاي

روزشمار گروگان‌گیری □ ۳۳

مشروع و به‌حق خود را بارها و بارها اعلام کرده‌اند. کلیه این خواستها مرتبط با مسائل داخلی لبنان است و از جمله آن: آزادی کلیه گروگان‌های مسلمان از جمله دیپلمات‌های جمهوری اسلامی ایران از دست فالانژیست‌ها. جهان اسلام

۱۳۷۰/۴/۲ = ۲۳ ژوئن ۱۹۹۱

اظهارات دکتر خرازی درباره تلاش‌های ایران و سازمان ملل برای آزادی همه گروگان‌ها

یکی از دلایل مشارکت ایران در تلاش‌های انسانی برای آزادی تمامی گروگان‌ها، ضرورت روشن ساختن سرنوشت چهار گروگان ایرانی در لبنان است که اولین قربانیان گروگان‌گیری در جهان به‌شمار می‌روند.

دکتر کمال خرازی نماینده دائمی ایران در سازمان ملل، در گفت‌وگو با خبرگزاری جمهوری اسلامی، ضمن اعلام این مطلب، در تشریح آزادی گروگان‌ها گفت: «تلاش‌های دکوئیاری همچنان ادامه دارد. وی برنامه جامعی را برای پیگیری این مسئله تدوین کرده و تعیین سرنوشت چهار گروگان ایرانی در لبنان نیز در آن گنجانده شده است. برخلاف آنچه که مطبوعات غرب در صدق‌القاء آن هستند، ایران رهبری ماجرای آزادسازی گروگان‌ها را برعهده ندارد، بلکه گروه‌های لبنانی هستند که تصمیم گیرنده اصلی به‌شمار می‌روند و آنها با ارسال نامه‌ای برای خاویر پرزدکوئیاری، خواستار هماهنگی‌های لازم از سوی دبیرکل برای آزادی همه گروگان‌ها شده‌اند و ایران نیز با توجه به میزان نفوذی که در لبنان دارد، در این مقوله انسانی به دبیرکل کمک می‌کند.»

وی با اشاره به این‌که ملاقات‌های متعددی با دبیرکل در این زمینه به عمل آورده است، گفت: «در جریان این ملاقات‌ها، در زمینه راه‌هایی که می‌تواند به آزادی همه گروگان‌ها منجر شود، مذاکراتی به عمل آمده است و تلاش‌ها از سوی دکوئیاری همچنان ادامه دارد.»

وی با تذکر حسن‌نیت گروه‌های مقاومت لبنان که بدون قید و شرط دو گروگان غربی را آزاد کردند، عامل وقفه فعلی در روند آزادسازی تمامی گروگان‌ها را رژیم اشغال‌گر قدس معرفی کرد و گفت: «آزادی مسلمانان دربند لبنانی و فلسطینی در بازداشتگاه‌های صهیونیستی، می‌توانست به تداوم جریان آزادی گروگان‌ها بیانجامد، اما صهیونیست‌ها در حال حاضر این مسئله را با

سرنوشت اسرای جنگی خود در لبنان که مقوله‌ای جدا از گروگان‌هاست، پیوند زده‌اند.»

وی درباره نتایج مذاکرات خود با دکوئیار در هفته گذشته در ژنو گفت: «روز دوشنبه گذشته بر سر راه عزیمت به تهران، با دبیرکل سازمان ملل به مدت دو ساعت در ژنو ملاقات کرده و طی این دیدار تاکید شد که تنها راه تداوم آزادی گروگان‌ها، اقدام رژیم صهیونیستی در این زمینه است.» خرازی این گزارش‌ها را که چهاردیپلمات و خبرنگار ایرانی در لبنان به شهادت رسیده‌اند، رد کرد و گفت: «ما هیچ شاهدهی برای این مدعا نداریم و در روند حرکت آزادسازی گروگان‌ها، سرنوشت چهارگروگان ایرانی نیز باید حتما روشن شود.»

اطلاعات

۱۳۷۰/۴/۲۵ = ۱۶ جولای ۱۹۹۱

اظهارات نماینده سفارت ایران در پاریس، درمحل پارلمان اروپا پیرامون مسئله گروگان‌گیری

نماینده سفارت جمهوری اسلامی ایران در پاریس، در ملاقات با گروهی از نمایندگان پارلمان اروپا و اعضای خانواده‌های گروگان‌های غربی، موضع ایران دایر بر مخالفت با هر نوع گروگان‌گیری را تشریح کرد. به گفته یک منبع سفارت ایران در پاریس، بنابه دعوت «باتل» نماینده «حزب محافظه کار انگلیس» در پارلمان اروپا، موضوع گروگان‌های غربی طی نشست‌های مشترک نماینده سفارت جمهوری اسلامی و اعضای خانواده‌های گروگان‌های غربی در لبنان و نمایندگان چند از پارلمان اروپا، هفته گذشته درمحل پارلمان اروپا در شهر «استراسبورگ» مورد بررسی قرار گرفت. در این نشست، نماینده ایران به تشریح نظرات جمهوری اسلامی در خصوص گروگان‌های غربی پرداخت و با اشاره به اسارت چهارتن از اعضای سفارت ایران در لبنان، خاطرنشان ساخت که جمهوری اسلامی ایران خود یکی از قربانیان گروگان‌گیری به‌شمار می‌رود و همواره ضمن محکوم کردن این امر، بنابه ملاحظات انسان‌دوستانه و اسلامی خواستار آزادی کلیه گروگان‌ها از هر ملیتی شده و تلاش‌های این کشور تاکنون منجر به آزادی چندین گروگان‌غربی شده است. در این نشست «نیال اندریوس» نماینده جمهوری ایرلند در پارلمان اروپا، ضمن تقدیر از تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران اظهار داشت که به اعتقاد وی ایران به تنهایی مسئول حل این مشکل نیست و ایران به وعده‌های خود در این

روزشمار گروگان‌گیری □ ۳۵

زمینه عمل کرده است. در خاتمه، نماینده سفارت ایران در پاریس از نمایندگان پارلمان اروپا جهت انجام دیدارهای رسمی از ایران به منظور تبادل نظر پیرامون مسائل دوجانبه و سایر موضوعات مورد علاقه دعوت به عمل آورده و از آنان درخواست نمود تا فرصت‌های مشابهی نیز در اختیار سایر خانواده‌ها از جمله خانواده‌های گروگان‌های ایرانی قرارگیرد تا آنان نیز به نوبه خود بتوانند خواسته‌های به حق خود را از این تریبون به سمع جهانیان برسانند.

کیهان

۱۳۷۰/۵/۲۱ = ۱۲ اوت ۱۹۹۱

غرب باید برای آزادی مسلمانان دربند به اسرائیل فشار آورد

کمال خرازی نماینده دائمی ایران در سازمان ملل، ابراز خوشبینی کرد که روند آزادی گروگان‌ها در لبنان ادامه یابد، اما گفت: «این امر مستلزم آزادی مسلمانان دربند رژیم صهیونیستی است و کشورهای غربی ذی‌نفع، باید به اسرائیل فشارآورند تا زندانیان خود را آزاد کند.»

وی که با شبکه تلویزیونی «پی. بی. اس» آمریکا مصاحبه می‌کرد، در عین حال تأکید کرد: «سرنوشت چهارگروگان ایرانی در لبنان نیز باید مشخص شود.»

اطلاعات

۱۳۷۰/۵/۲۶ = ۱۷ اوت ۱۹۹۱

ابراز امیدواری کاردار ایران در لبنان نسبت به آزادی چهارگروگان ایرانی

آقای «محمد زمانیان» کاردار ایران در لبنان، ابراز امیدواری کرد که چهار ایرانی ناپدید شده در سال ۱۹۸۲ در شمال بیروت نیز به زودی آزاد شوند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه از بیروت، وی در پی ملاقات با فارس بوئز وزیر امور خارجه لبنان، به خبرنگاران گفت: «ما امیدواریم که چهار ایرانی ناپدید شده که همگی دیپلمات هستند آزاد شوند. ما در انتظار خبرهای خوبی در این باره هستیم.»

چریک‌های مسیحی موسوم به نیروهای لبنانی، گفته‌اند که این چهار ایرانی کشته شده‌اند، ولی تهران همچنان خواستار ارائه دلایلی در این باره است.

اطلاعات

۱۳۷۰/۶/۲ = ۲۴ اوت ۱۹۹۱

اظهارات دکتر خرازی درباره تلاش‌های ایران و سازمان ملل برای آزادی همه گروگان‌ها

دکتر کمال خرازی نماینده دائمی ایران در سازمان ملل، در گفت‌وگویی با خبرگزاری جمهوری اسلامی، در تشریح روند رابطه مستقیم آزادسازی گروگان‌های غربی با تعیین سرنوشت گروگان‌های ایرانی، گفت: «تلاش‌های دکوئیلار دبیرکل سازمان ملل، همچنان ادامه دارد. وی برنامه جامعی را برای پیگیری این مسئله تدوین کرده و تعیین سرنوشت چهار گروگان ایرانی در لبنان نیز در آن گنجانده شده است.»

خرازی این گزارش‌ها را که چهاردیپلمات و خبرنگار ایرانی در لبنان به شهادت رسیده اند، رد کرد و گفت: «ما هیچ شاهی برای این مدعا نداریم و در روند حرکت آزادسازی گروگان‌ها، سرنوشت چهار گروگان ایرانی نیز باید حتما روشن شود.»

اطلاعات

۱۳۷۰/۶/۱۰ = ۱ سپتامبر ۱۹۹۱

گروگان‌های ایرانی احتمالا در اسرائیل به سر می‌برند

هفته‌نامه لبنانی «الشراع» در شماره روز شنبه خود (۱۳۷۰/۶/۹)، با اشاره به احتمال تسلیم گروگان‌های ایرانی از سوی نیروهای فالانژ به مقامات رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۸۲، نوشت: «برخی از محافل عربی بر این عقیده اند که گروگان‌های ایرانی هم اکنون در اسرائیل به سر می‌برند.»

هفته‌نامه مزبور در این رابطه افزود: «محافل عربی دلیل این اعتقاد خود را انتقال برخی از زندانیان لبنانی در بند در بازداشتگاه‌های نیروهای فالانژ از بخش شرقی بیروت به اسرائیل عنوان می‌کنند.»

جمهوری اسلامی

۱۳۷۰/۶/۲۳ = ۱۴ سپتامبر ۱۹۹۱

چهار ایرانی ناپدید شده در لبنان زنده هستند

یک مسئول ایرانی که سرگرم دیدار از لبنان است، تأکید کرد چهار ایرانی ناپدید شده در لبنان، مطمئناً زنده هستند.

خبرگزاری فرانسه از بیروت گزارش داد «محمد کاظم خوانساری» رئیس بخش خاورمیانه و آفریقایی شمالی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران، در پایان

روزشمار گروگان‌گیری □ ۳۷

ملاقات و گفت‌وگوهایش با «عمرکرامی» نخست وزیر لبنان، ضمن اعلام این مطلب افزود: «اطلاعات درمورد این چهار ایرانی که در لبنان به گروگان گرفته شدند، ضدونقیض است، لیکن ما تقریباً مطمئن شده‌ایم که آنها زنده‌اند.»
خبرگزاری فرانسه یادآور شده است جمهوری اسلامی ایران همیشه در مورد مرگ این دیپلمات‌ها ابراز تردید کرده است و همسر محسن موسوی - یکی از دیپلمات‌ها - تاکید کرده بود در سال ۱۹۸۴ نامه‌ای از شوهرش که دو سال پیش از آن تاریخ ربوده شده بود، دریافت کرده است.
جمهوری اسلامی

۱۳۷۰/۶/۲۴ = ۱۵ سپتامبر ۱۹۹۱

دکتر ولایتی خواستار همکاری بین‌المللی برای حل و فصل مسئله گروگان‌ها شد

آقای فارس بوئز وزیر امور خارجه لبنان، که برای یک دیدار سه روزه وارد تهران شده است، صبح دیروز با دکتر ولایتی وزیر امور خارجه کشورمان دیدار و گفت‌وگو کرد. دکتر ولایتی در این دیدار، در خصوص قضیه گروگان‌ها اظهار داشت: «ما نخستین قربانیان ماجرای گروگان‌گیری در لبنان هستیم و در سال ۱۹۸۲ کاردار ایران به اتفاق ۴ تن دیگر به گروگان گرفته شده‌اند و ما امیدواریم هم‌اکنون با توجه به فعالیت دبیرکل سازمان ملل در این زمینه، مسئله به صورت جامع حل شود و به نظر ما هم، طرف‌ها باید در این مورد با دبیرکل سازمان ملل همکاری سازنده‌ای داشته باشند.»
اطلاعات

به‌عنوان گام بعدی در جهت آزادی گروگان‌های غربی، رهبر امداد اسلامی خواستار آزادی همه زندانیان لبنانی، ایرانی و فلسطین در بند رژیم صهیونیستی شد
«سیدحسین موسوی» گفت: «همه زندانیان لبنانی فلسطینی و ایرانی در بند رژیم صهیونیستی باید آزاد شوند.»
اطلاعات

۱۳۷۰/۷/۱۰ = ۲ اکتبر ۱۹۹۱

گروگان‌ها، پرونده گشوده بحران

روزنامه‌کیهان در گزارشی از بیروت، روزشمار تحولات بزرگ پیرامون گروگان‌گیری در لبنان از اواسط دهه ۱۹۸۰ تاکنون را منتشر ساخت که در آن به هیچ‌وجه اشاره‌ای به گروگان‌گیری چهار ایرانی در سال ۱۹۸۲ نشده است.

کیهان

۱۳۷۰/۹/۱۲ = ۳ دسامبر ۱۹۹۱

اظهارات حجت‌الاسلام محتشمی‌پور

حجت‌الاسلام محتشمی‌پور رئیس کمیسیون امور دفاعی مجلس شورای اسلامی، در مصاحبه با «گیتلوت» خبرنگار بی.بی.سی در تهران، گفت: «اولین قربانیان گروگان‌گیری، دیپلمات‌های ایرانی هستند که در سال ۱۹۸۲ زیر نظر نیروهای سازمان ملل شامل آمریکا، انگلیس، فرانسه و ایتالیا، در بیروت غربی به گروگان فالانژیست‌ها درآمدند و هنوز هم از سرنوشت‌شان خبری در دست نیست.»

اطلاعات

سال ۱۳۷۱ هـ ش
۱۹۹۲ - ۱۹۹۳ م

۱۳۷۱/۲/۲۱ = ۱۱ مه ۱۹۹۲

تاکید جنبش‌امداسلامی بر لزوم آزادی گروگان‌های ایرانی

سیدحسین موسوی درسرخانی که روز پنجشنبه در منطقه بعلبک در شرق لبنان ایراد کرد، گفت: «با بسته‌شدن پرونده گروگان‌های غربی، اینک زمان آن رسیده است که چهارگروگان ایرانی در لبنان و همچنین تمام بازداشت‌شدگان از زندان‌های رژیم صهیونیستی آزاد شوند.»

اطلاعات

۱۳۷۱/۴/۳ = ۲۴ ژوئن ۱۹۹۲

حزب سوسیالیست ترقی‌خواه لبنان خواستار آزادی گروگان‌های ایرانی در این کشور شد

«حزب سوسیالیست ترقی‌خواه در روزی» به رهبری «ولید جنبلاط»، خواستار آزادی گروگان‌های ایرانی شد. این حزب، در بیانیه دیروز خود در این رابطه گفت: «تازمانی که سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی که از سال ۱۹۸۲ ربوده شده‌اند، روشن نشود، پرونده گروگان‌ها در لبنان بسته نخواهد شد.»

اطلاعات

۱۳۷۱/۴/۲۷ = ۱۸ جولای ۱۹۹۲

بستگان گروگان‌های ایرانی در لبنان، خواستار آزادی عزیزان خود شدند

خانواده‌ها و بستگان گروگان‌های ایرانی ربوده‌شده در لبنان، خواهان اعلام زمان آزادی عزیزان ربوده‌شده خود شدند. خانواده‌های ربوده

شدگان ایرانی در لبنان، با انتشار بیانیه‌ای که همراه با عکس چهارگروگان دربرخی از روزنامه‌های دیروز بیروت درج شد، پرسیده‌اند: دیپلمات‌های ایرانی که نخستین قربانیان عملیات آدم‌ربایی در لبنان در سال ۱۹۸۲ هستند، چه زمانی آزاد خواهند شد؟ در این بیانیه اضافه شده است: «ما خانواده‌های ایرانیان ربوده‌شده، از مجمع‌بین‌المللی و وجدان‌های بیدار انسانی می‌خواهیم که روشی یکنسان با مسئله گروگان‌ها در پیش‌گرفته و برای آزادی عزیزان ما تلاش نمایند، تا همان‌گونه که گروگان‌های غربی آزاد شدند، این چهار ایرانی اسیر نیز به آغوش فرزندان و خانواده‌های خود بازگردند.»

اطلاعات

سال ۱۳۷۲ هـ ش
۱۹۹۳ - ۱۹۹۴ م

۱۳۷۲/۲/۲ = ۲۲ آوریل ۱۹۹۳
از «رویا» تا «واقعیات تلخ»

رنج‌نامه پدریکی از چهارگروگان ایرانی در لبنان
«رضا اخوان» پدرکاظم اخوان، در مقاله‌ای بلند، ضمن انتقاد از کوتاهی‌هایی
که در پی‌گیری پرونده چهارگروگان شده است، به شرح کارهای انجام شده
پرداخته است.
جمهوری اسلامی

۱۳۷۲/۳/۱۷ = ۷ ژوئن ۱۹۹۳

ضعف سیاست خارجی و سکوت وزارت خارجه

یکی از دانشجویان ایرانی که به کشور قبرس سفر کرده است، از برخورد
اهانت آمیز پلیس آن کشور با ایرانیان گله کرده و همچنین از عدم توجه
وزارت امور خارجه ایران به مسئله حمایت از حقوق سیاسی ایرانیان در خارج
از کشور، بخصوص چهارگروگان ایرانی در لبنان، انتقاد کرده است.
سلام

۱۳۷۲/۴/۱۴ = ۵ جولای ۱۹۹۳

سرنوشت گروگان‌های ایرانی را روشن کنید

خانواده‌های چهارگروگان ایرانی، در یازدهمین سالروز اسارت آنان در
لبنان، با انتشار بیانیه‌ای خواستار پی‌گیری جدی این مسئله توسط مسئولین
داخلی و مجامع بین‌المللی شدند.

۴۲ □ کمین جولای ۸۲

(ضمیمه ۲)

اطلاعات

۱۳۷۲/۴/۱۶ = ۷ جولای ۱۹۹۳

به مناسبت سالروز اسارت ۴ گروگان ایرانی به دست فالانژهای لبنان

«رضا اخوان» پدرکاظم اخوان، در نامه گلایه آمیز خود، خواستار جدیت در پیگیری پرونده گروگان‌های ایرانی شده است.

(ضمیمه ۳)

هفته‌نامه کیهان هوایی

۱۳۷۲/۴/۱۷ = ۸ جولای ۱۹۹۳

ایران خواستار روشن‌شدن سرنوشت کاردار و سه تن ازدیپلمات‌های ایرانی در بیروت شد

به مناسبت دوازدهمین سالگرد به گروگان گرفته شدن کاردار و سه تن از دیپلمات‌های سفارت ایران در بیروت توسط مزدوران رژیم صهیونیستی، نمایندگی دائم کشورمان در سازمان ملل با انتشار بیانیه‌ای خواستار بررسی سرنوشت این گروگان‌ها از سوی سازمان‌های بین‌المللی شد.

به گزارش واحد مرکزی خبراز پاریس، در این بیانیه که در مقر سازمان ملل در نیویورک توزیع شد، آمده است: «با گذشت دوازده سال از دستگیری محسن موسوی کاردار و سه تن دیگر از پرسنل سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت به دست نیروهای سمیرج‌ج‌ج، هنوز هیچ اقدامی برای آزادی آنها صورت نگرفته است. همچنین به نظر می‌رسد رسانه‌های گروهی نیز هیچ تمایلی به منعکس کردن واقعه اسارت این افراد و درد و رنجی که خانواده‌ها و بستگان آنان متحمل می‌شوند، ندارند.»

در این بیانیه از سازمان‌های بین‌المللی و تمام کسانی که از سرنوشت این گروگان‌ها اطلاعی در دست دارند درخواست شده است برای بازگرداندن این افراد به آغوش وطن و خانواده‌هایشان از هیچ تلاشی فروگذار نکنند.

اطلاعات

۱۳۷۲/۸/۸ = ۳۰ اکتبر ۱۹۹۳

سفیر ایران خواستار تحقیق در مورد گروگان‌های ایرانی در لبنان شد

سفیر جمهوری اسلامی ایران در لبنان، از رئیس‌جمهوری این کشور خواست کمیته تحقیق در مورد سرنوشت دیپلمات‌های گروگان‌های ایرانی در لبنان تشکیل شود.

روزشمار گروگان‌گیری □ ۴۳

«همایون علیزاده» سفیر جمهوری اسلامی ایران در لبنان، پریروز پس از تسلیم استوارنامه خود به رئیس‌جمهوری لبنان، درگفت‌وگو با خبرنگاری جمهوری اسلامی گفت: «در این دیدار علاوه بر موضوعات مورد علاقه دو جانبه و تاکید بر اتمام جمهوری اسلامی ایران برای حل مشکلات لبنان، بویژه اشغالگری رژیم صهیونیستی در جنوب این کشور، مسئله گروگان‌های ایرانی دربند در لبنان مطرح شد.»

سفیر ایران افزود: «من از رئیس‌جمهوری لبنان خواستم تا موضوع گروگان‌های ایرانی را که سیدمحسن موسوی کاردار سابق جمهوری اسلامی ایران در بیروت نیز در میان آنهاست، مورد اهتمام خاص خود و دولت لبنان قرار دهد و ترتیبات اجرایی مناسبی از جمله تشکیل کمیته تحقیق جهت پی‌گیری این قضیه در نظر بگیرد. رئیس‌جمهوری لبنان نیز با ابراز همدردی نسبت به این مسئله، آمادگی خود و حکومت لبنان را جهت پی‌گیری هرگونه کمک در این رابطه اعلام داشت.»

اطلاعات

۱۳۷۲/۸/۱۱ = ۲ نوامبر ۱۹۹۳

گفت‌وگویی کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران با وزیر خارجه لبنان

همایون علیزاده کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت، بعد از ظهر دیروز با فارس بوئز وزیر خارجه لبنان ملاقات و گفت‌وگو کرد. علیزاده پس از این ملاقات درگفت‌وگو با خبرنگاران در رابطه با مسئله گروگان‌گیری گفت: «ما امیدواریم که اهتمام مشابهی نسبت به گروگان‌های ایرانی در لبنان انجام گیرد. مخصوصا که در میان گروگان‌ها، کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران وجود دارد.»

اطلاعات

سال ۱۳۷۳ هـ ش
۱۹۹۴ - ۱۹۹۵ م

۱۳۷۳/۲/۷ = ۲۷ آوریل ۱۹۹۴

ایران خواستار رسیدگی مجدد دولت لبنان به سرنوشت گروگان‌های ایرانی شد

سفیر جمهوری اسلامی ایران در لبنان، رسماً خواستار به جریان انداختن پرونده چهارتبعه ایرانی از جمله دو دیپلمات شد که در سال ۱۹۸۲ در حومه بیروت ربوده شده‌اند. همایون علیزاده این درخواست را در پایان گفت‌وگو با فارس بوئز وزیر امور خارجه لبنان عنوان کرد.

۱۲ سال پیش در جریان جنگ‌های داخلی لبنان، شبه نظامیان مسیحی به نام نیروهای لبنانی، محسن موسوی کاردار به همراه احمد متوسلیان دیپلمات و تقی رستگار مقدم کارمند سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت و نیز کاظم اخوان عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی را در جاده بیروت - طرابلس ربودند. جعجع رئیس این گروه که به سبب سازمان‌دهی عملیات خشونت بار سال‌های ۱۹۷۹ تا اوایل دهه ۹۰ میلادی به عنوان یک شخصیت خشن و بی رحم مشهور شده است، اکنون در بازداشت به سر می‌برد. منابع وابسته به رژیم صهیونیستی اصرار دارند که اتباع ایرانی در مقرر فرماندهی جعجع به قتل رسیده‌اند. سمیر جعجع خود را در ماجرای ربودن دیپلمات‌های ایرانی غیرمسئول می‌داند. جعجع می‌گوید که دیپلمات‌های ایرانی در زمان ایلی حبیقه رئیس‌وقت سرویس‌های اطلاعاتی نیروهای لبنانی که در حال حاضر در دولت لبنان وزیر است، ربوده شدند.

همشهری

۱۳۷۳/۲/۲۰ = ۱۰ مه ۱۹۹۴

چهار گروگان‌ایرانی در اسارت رژیم صهیونیستی به سر می‌برند

منابع نزدیک به دولت لبنان روز شنبه فاش کردند چهارگروگان ایرانی که در سال ۱۹۸۲ در بیروت ربوده شدند، تحویل مقامات رژیم صهیونیستی در فلسطین اشغالی شده‌اند. خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی از منابع نزدیک به ایلی حبیقه وزیر آب و برق لبنان کسب اطلاع کرد که عناصر وابسته به سمیر جعجع رئیس حزب مارونی لبنان، گروگان‌های ایرانی را تحویل مقامات اسرائیلی داده‌اند. منابع مذکور گفته‌اند سمیر جعجع یک‌سال قبل از آن‌که مجبور به ترک مقر فرماندهی خود در محله کرنیتینا در مرکز بازگانی بیروت شود، دیپلمات‌های ایرانی را از راه دریا به فلسطین اشغالی انتقال داد. مقامات جمهوری اسلامی ایران از زمان ربوده شدن دیپلمات‌های ایرانی در بیروت، بارها خواستار رهایی گروگان‌ها شده بودند، اما از سوی دیگر، شبه‌نظامیان لبنان منکر در اختیار داشتن چهارگروگان ایرانی هستند. خانواده‌های چهارگروگان ایرانی تاکنون بارها با ارائه دلایل و مدارک مستند در مجامع بین‌المللی در مورد زنده بودن گروگان‌های ایرانی، خواستار آزادسازی آنان شده‌اند. دکتر ولایتی وزیر امور خارجه ماه گذشته با ارسال نامه‌ای به فارس بوئز همتای لبنانی خود، خواستار پی‌گیری این مسئله شد.

سلام

۱۳۷۳/۲/۲۱ = ۱۱ مه ۱۹۹۴

دولت لبنان و گروگان‌های ایرانی در بند اسرائیل

روز گذشته خبری در روزنامه‌های کشور درج شد مبنی بر این‌که منابع نزدیک به دولت لبنان اعلام کرده‌اند چهارگروگان ایرانی تحویل مقامات رژیم صهیونیستی شده‌اند. طرح این خبر به صورت غیر رسمی مانع از آن نمی‌شود که مسئولین وزارت خارجه پاسخ دولت لبنان را در این زمینه به‌طور رسمی جویا شوند. در پی دستگیری سمیر جعجع، سلام در یادداشتی بر مسئولیت دولت لبنان در شرایطی که کنترل نسبی بر اداره امور آن کشور پیدا کرده است، برای روشن کردن وضعیت گروگان‌های ایرانی تاکید کرد. سفیر ایران در بیروت نیز در دیدار با مسئولان لبنانی این مسئله را مطرح کرده است و انتظار افکار عمومی و خانواده‌های نگران گروگان‌های ایرانی

نیز دریافت پاسخ از دولتی است که امروز عهده دار امور در لبنان شده است.

اساساً با افزایش کنترل دولت لبنان بر مناطق مختلف آن کشور و خصوصاً بیروت، طبیعی است که نگهداری گروگان‌هایی در قدر و اندازه کاردار و دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی، از نظر امنیتی اقدام مخاطره‌آمیزی محسوب می‌شود. اگر چه دور از ذهن نیست که انتقال گروگان‌های ایرانی در بادی امر به فلسطین اشغالی انجام شده باشد و هدایت عملیات بازجویی نیز مستقیماً توسط صهیونیست‌ها انجام شده باشد. اسرائیلی‌ها از این‌که در گیرودار درگیری‌های مرزی و حضور در جنوب لبنان اسیرانی خواهند داشت، مطمئن بودند و مبادله گروگان‌های با ارزش ایرانی با این اسراء به عنوان یک راه حل، مدنظر صهیونیست‌ها بوده است.

به هر حال اکنون این وظیفه دولت لبنان است که صراحتاً اسارت گروگان‌های ایرانی به دست صهیونیست‌ها را اعلام نماید. مطمئناً متعاقب این اقدام دولت لبنان، راه‌هایی برای استخلاص گروگان‌های ایرانی از چنگال صهیونیست‌ها وجود خواهد داشت.

سلام

۱۳۷۳/۲/۲۵ = ۱۵ مه ۱۹۹۴

برای نگهداری دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی، ایران از رژیم لبنان به شورای امنیت سازمان ملل شکایت می‌کند

هفته‌نامه لبنانی الشراع، به نقل از منابعی که آن را اسلامی عنوان کرد، می‌نویسد: «ایران در آینده نزدیک تماس‌های بین‌المللی برای تسلیم شکایت به شورای امنیت سازمان ملل و جمعیت حقوق بشر علیه رژیم لبنان به خاطر نگهداری دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی توسط نیروهای لبنانی، به عمل خواهد آورد.»

به نوشته الشراع، ایران اطلاعات و اسنادی دال بر تحویل دیپلمات‌های ایرانی از سوی نیروهای لبنانی فالانژ به رژیم صهیونیستی به دست آورده است.

سفارت کشورمان در «ورشو» نیز در اطلاعیه‌ای، از وجدان‌های عمومی جهان خواست تا برای آزادی چهار دیپلمات ایرانی از دست فالانژهای لبنان، با جمهوری اسلامی ایران همکاری کنند. بنابراین گزارش، در این اطلاعیه همچنین آمده است: «ایران علیرغم این‌که از جمله کشورهای است که بیشترین

روزشمار گروگان‌گیری □ ۴۷

زیان‌ها را بر اثر اقدام‌های تروریستی متحمل شده است، ولی تلاش‌های زیادی برای آزادی گروگان‌های غربی در بیروت به عمل آورده است.»
اطلاعات

۱۳۷۳/۳/۶ = ۲۷ مه ۱۹۹۴

ایران خواستار پی‌گیری سرنوشت دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی از دولت لبنان شد

در دیدار همایون علیزاده سفیر جمهوری اسلامی ایران در بیروت، با فارس بوئز وزیر امور خارجه لبنان، آخرین تحولات منطقه، بویژه تحولات اخیر در صحنه لبنان، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در این دیدار، علیزاده پیام شفاهی دکتروالیتی را در خصوص دیپلمات‌های ایرانی که در سال ۱۹۸۲ در پست بازرسی حزب‌نیروهای لبنانی ربوده شدند، به وی رساند. سفیر ایران در گفت‌وگو با خبرنگاران اعلام کرد: «تحولات اخیر در لبنان، این امکان را فراهم کرد که مسئله دیپلمات‌های ایرانی به شکل جدی‌تری مورد پی‌گیری قرار گیرد و از دولت لبنان درخواست شد که این مسئله را از لحاظ سیاسی و قضائی پی‌گیری کند و بوئز در این زمینه قول مساعد داد. علیزاده در پاسخ سوال یکی از خبرنگاران گفت: «ایران رسماً از دولت لبنان خواستار پی‌گیری قضائی این موضوع شده است.»

اطلاعات

۱۳۷۳/۳/۱۸ = ۸ ژوئن ۱۹۹۴

آیا خلبان اسرائیلی در ایران است؟

هاشمی‌رفسنجانی رئیس‌جمهوری، در مصاحبه با خبرنگاران رسانه‌های داخلی و خارجی، در روز سه‌شنبه ۱۷ خردادماه، به سوال یک خبرنگار انگلیسی این‌گونه پاسخ گفت:

خبرنگاران انگلیسی: «آیا خلبان اسرائیلی در ایران است؟»

هاشمی‌رفسنجانی: «قطعاً خلبان اسرائیلی در ایران نیست و رژیم صهیونیستی تلاش دارد با طرح این ادعاها مسئله ربوده شدن چهار ایرانی در لبنان را سرپوش بگذارد. غربی‌ها نباید یک‌طرفه فکر کنند و باید درباره سرنوشت چهار ایرانی ربوده‌شده در لبنان نیز حساسیت نشان دهند.»

جمهوری اسلامی

۱۳۷۳/۴/۱۶ = ۷ جولای ۱۹۹۴

درخواست ایران از لبنان برای روشن ساختن سرنوشت چهار دیپلمات ربوده‌شده

به مناسبت دوازدهمین سالگرد ربوده شدن چهاردیپلمات ایرانی در لبنان، سفارت کشورمان در بیروت، طی اطلاعیه‌ای محافل بین‌المللی و دولت لبنان را به تلاش برای روشن شدن سرنوشت این دیپلمات‌ها فراخواند. در قسمتی از این اطلاعیه ضمن بزرگداشت خاطره دیپلمات‌های ایرانی و ابراز همدردی با خانواده‌های آنان، از همه محافل سیاسی و بین‌المللی، کلیه سازمان‌ها و نهادهای حقوق بشر و همه کشورهای جهان و بویژه دولت و دستگاه قضائی لبنان خواسته شده است که به پی‌گیری مسئله دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی ادامه دهند. چندماه پیش دکتروالیتی وزیر امور خارجه کشورمان نیز با ارسال پیامی برای فارس بوئز همتای لبنانی خود، خواستار پی‌گیری قضائی و سیاسی مسئله دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی در لبنان شد. این درحالی است که دوماه پیش نیز از منابع نزدیک به ایلی حبیقه فرمانده نیروهای مارونی فالانژ در سال ۱۹۸۲، کسب اطلاع شده که سمیر جعجع که پس از حبیقه فرماندهی نیروهای مارونی فالانژ را به عهده گرفت، این چهار ایرانی را به رژیم صهیونیستی تحویل داده است.

کیهان

۱۳۷۳/۴/۱۸ = ۹ جولای ۱۹۹۴

درخواست خانواده های چهاردیپلمات ایرانی

خانواده های چهار دیپلمات ربوده شده ایرانی در لبنان، خواستار تلاش همه جانبه برای روشن شدن سرنوشت آنان شدند. در این اطلاعیه که به صورت آگهی در برخی روزنامه های بیروت چاپ شده، آمده است: «پس از گذشت دوازده سال از بازداشت چهار دیپلمات ایرانی، ما از دولت و دستگاه نظامی لبنان می‌خواهیم که بنابر مسئولیت های قانونی، شرعی و انسانی خود برای روشن شدن سرنوشت دیپلمات های ایرانی اقدام کنند.»

اطلاعات

ایران خواستار روشن شدن وضع چهاردیپلمات ربوده شده خود در لبنان شد

سفارت کشورمان در بیروت، در اطلاعیه‌ای محافل بین‌المللی و دولت لبنان را به تلاش برای روشن شدن سرنوشت چهار دیپلمات ربوده شده ایرانی فراخواند. در این اطلاعیه که متن آن در روزنامه‌های بیروت درج شده، آمده است: «روز چهاردهم تیرماه یادآور ربوده شدن چهارتن از دیپلمات‌های ایرانی است که در سال ۱۹۸۲ به عنوان نخستین قربانیان گروگان‌گیری در پست بازرسی بر باره

متعلق به گروه شبه‌نظامی مارونی موسوم به نیروهای لبنانی و درحالی که گارد حفاظت سفارتخانه‌ها آنها را همراهی می‌کرد، ربوده شدند و اکنون پس از گذشت ۱۲ سال از سرنوشت آنان خبری نیست. ما ضمن بزرگداشت خاطره دیپلمات‌های ایرانی و ابراز همدردی با خانواده آنان، از همه وجدان‌های آگاه و روشن و همه محافل سیاسی و بین‌المللی و تمامی سازمان‌ها و نهادهای حقوق‌بشر و همه کشورهای جهان و بویژه دولت و دستگاه قضائی لبنان می‌خواهیم که به پی‌گیری مسئله دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی ادامه دهند.»

اطلاعات

۱۳۷۳/۴/۲۲ = ۱۳ جولای ۱۹۹۴

وزیر خارجه لبنان مسئله ایرانیان ربوده‌شده را پی‌گیری می‌کند

خانواده‌های چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی با فارس بوئز وزیر امور خارجه لبنان ملاقات و گفت‌وگو کردند. خانم مریم موسوی همسر آقای محسن موسوی کاردار ربوده‌شده سفارت ایران در بیروت، در پایان این ملاقات به خبرنگاران گفت فارس بوئز به آنها قول داده با تمام امکانات خود مسئله گروگان‌های ایرانی را پی‌گیری کند.

همایون علیزاده سفیر ایران در بیروت نیز در پاسخ به پرسشی در این مورد، توضیح داد که جمهوری اسلامی ایران به پی‌گیری سیاسی و قضائی مسئله دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی ادامه خواهد داد.

گفتنی است این هیئت خانواده‌های ایرانیان ربوده‌شده از روز یکشنبه در بیروت به سر می‌برد و قرار است با الیاس هراوی رئیس‌جمهوری و نبیه بری رئیس پارلمان لبنان نیز ملاقات کند. خانواده‌های دیپلمات‌های ربوده‌شده همچنین به‌طور جداگانه با علامه سید محمد حسین فضل‌الله و شیخ محمد مهدی شمس‌الدین رئیس‌مجلس اعلاي اسلامی شیعیان لبنان ملاقات کردند. در پایان این ملاقات، شیخ شمس‌الدین در سخنانی از دولت و دستگاه قضائی لبنان خواست که اقدام جدی برای روشن شدن سرنوشت دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی به عمل آورد، به این دلیل که مسئله دیپلمات‌های ایرانی نه تنها جنبه انسانی داشته، بلکه این مسئله به پیوند دولت ایران و لبنان و همچنین مناسبات جمهوری اسلامی ایران با دولت لبنان ارتباط دارد.

کیهان

سرنوشت ۴گروگان ایرانی را روشن کنید

خانواده‌های چهار اسیر ایرانی در لبنان، در دوازدهمین سال اسارت آنان، با انتشار بیانیه‌ای، به انتقاد از سکوت مجامع بین‌المللی در برابر اسارت این عده درحالی‌که کلیه گروگان‌های غربی در لبنان آزاد شده‌اند پرداخته‌اند.

کیهان

۱۳۷۳/۴/۲۵ = ۱۶ جولای ۱۹۹۴

خانواده‌های گروگان‌های ایرانی خواستار روشن شدن سرنوشت عزیزان خود شدند

خانواده‌های گروگان‌های ایرانی در لبنان، در ادامه دیدارهای خود با مسئولین این کشور، عصر روز چهارشنبه گذشته با «رفیق حریری» نخست‌وزیر و نبیه بری رئیس‌مجلس لبنان، به‌طور جداگانه دیدار کردند. در این دیدارها، با تأکید بر اهمیت تلاش برای روشن شدن سرنوشت گروگان‌های ایرانی، از مؤلان دولت لبنان خواسته شد در این‌باره تلاش بیشتری کنند.

خانم مریم مجتهدزاده همسر کاردار ربوده‌شده ایران، در پایان این دیدارها به خبرنگاران گفت: «عزیزان ما اولین قربانیان گروگان‌گیری در لبنان بودند، اکنون ما در دوازدهمین سالگرد ربوده شدن آنان به لبنان سفر کرده‌ایم تا مقامات این کشور را به تلاش در روشن شدن سرنوشت آنان واداریم.»

خانواده‌های چهار تبعه ربوده‌شده ایرانی همچنین با «بهیج طباره» وزیر دادگستری و قاضی «منیف عویدات» دادستان لبنان، دیدار کردند. در این دیدارها مسئله تبعه‌های ربوده‌شده ایرانی مورد بررسی قرار گرفت و طباره قول داد برای روشن شدن سرنوشت آنان از هیچ کوششی فروگذار نکند.

پس از بازداشت سمیر جعجع رهبر نیروهای فالانژ و برخی از اعضای بلند پایه نیروهای لبنانی توسط دولت در چند ماه گذشته، انتظار می‌رفت اطلاعات موثقی از گروگان‌های ایرانی به دست آید، اما جعجع اعلام کرده است مسئولیت چنین امری با ایلی حبیقه فرماندهی سابق نیروهای لبنانی است و وی هیچ‌گونه اطلاعی از این امر نداشته است. از سوی دیگر برخی منابع نیمه رسمی اعلام کرده‌اند گروگان‌های ایرانی در چنگال رژیم صهیونیستی اسیر هستند، اما دولت لبنان هنوز هیچ موضع روشنی در این رابطه اعلام نکرده است. انتظار می‌رود سفر خانواده‌های گروگان‌های ایرانی به لبنان پس از ۱۲ سال که از

روزشمار گروگان‌گیری □ ۵۱

اسارت عزیزان آنان در لبنان می‌گذرد، موجب آن شود که دولت این کشور به وظیفه قانونی و انسانی خود عمل کند و برای روشن شدن سرنوشت گروگان‌های ایرانی تلاش نماید.

سلام

۱۳۷۳/۴/۲۷ = ۱۸ جولای ۱۹۹۴

چهار دیپلمات ربه‌شده ایران در لبنان، زنده هستند و در زندان‌های رژیم صهیونیستی به سر می‌برند

مقام‌های ارشد دولت لبنان تایید کردند که چهار دیپلمات ربه‌شده ایرانی زنده هستند و هم‌اکنون در زندان‌های رژیم صهیونیستی به سر می‌برند. خانواده‌های چهار دیپلمات ربه‌شده ایرانی که برای پی‌گیری سرنوشت آنان به لبنان سفر کرده بودند، دیشب به تهران بازگشتند. آنها از مجامع بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد، صلیب سرخ جهانی، سازمان دفاع از حقوق بشر خواستند اقدام‌های جدی برای آزادی این دیپلمات‌ها انجام دهند.

خانم موسوی همسر محسن موسوی کاردار ربه‌شده ایرانی در لبنان، در این زمینه گفت: «در گفت‌وگو با مقام‌های لبنان، آنها اطمینان دادند که براساس اعترافات سمیر جعجع رهبر فالانژیست‌های لبنان، چهار دیپلمات ربه‌شده ایرانی در سال ۱۹۸۷ از طریق دریا به اسرائیل منتقل شدند و در چنگال رژیم صهیونیستی زندانی هستند.»

خانم موسوی اضافه کرد: «در این سفر خانواده‌های دیپلمات‌های ربه‌شده، با نخست‌وزیر، وزرای خارجه، کشور و دادگستری لبنان دیدار و مذاکره کردند. در این مذاکرات قرار شد کمیته‌ای متشکل از وزرای خارجه، کشور و دادگستری لبنان تشکیل شده و وضع دیپلمات‌های ربه‌شده ایرانی را پی‌گیری کند.»

اطلاعات

۱۳۷۳/۴/۲۸ = ۱۹ جولای ۱۹۹۴

چهار دیپلمات ایرانی ربه‌شده به اسرائیل تحویل داده شده‌اند

خانواده چهارتن ایرانی ربه‌شده در لبنان فاش ساختند که ربایندگان، دیپلمات‌های ایرانی را به رژیم صهیونیستی تحویل داده‌اند. خانواده این دیپلمات‌ها یکشنبه شب پس از بازگشت از بیروت، گفتند که رهبر فالانژی‌های لبنان اعتراف کرده است که دیپلمات‌های ایرانی را زنده تحویل

رژیم صهیونیستی داده است. سمیرجعجع رهبرفalanژهای لبنان و از عوامل موثر جنگ‌های داخلی آن کشور که افرادش دیپلمات‌های ایرانی را ۱۲ سال پیش ربودند، در حال حاضر به جرم هدایت عملیات بمب‌گذاری کلیسایی در شمال لبنان، در بازداشت به‌سر می‌برد. به گفته خانواده دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی، جعجع در بازجویی اعتراف کرده است که دیپلمات‌های ایرانی زندانی رژیم اشغالگر قدس هستند. خانم موسوی همسر کاردار ربوده‌شده ایران، در گفت‌وگو با خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی گفت که فارس بوئز وزیر امور خارجه لبنان، شخصا اطمینان داده است که موضوع را پی‌گیری می‌کند.

خانم موسوی افزود: «به گفته بوئز، قرار است کمیته‌ای متشکل از وزرای امور خارجه، دادگستری و نیز دبیرکل وزارت امور خارجه لبنان برای پی‌گیری موضوع تشکیل شود.»

وی گفت: «در ملاقات با نخست‌وزیر لبنان و دیگر شخصیت‌های سیاسی و مذهبی لبنان نیز قول‌های مساعدی برای پی‌گیری جدی مسئله سرنوشت عزیزانمان داده شده است.»

همسر کاردار ربوده‌شده ایران در لبنان گفت: «در سفر به بیروت مقرر شد تمامی اطلاعاتی که درباره سرنوشت آنها به دست می‌آید از طریق سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت و وزارت امور خارجه در اختیار ما قرار گیرد.»

جهان اسلام

۱۳۷۳/۴/۲۹ = ۲۰ جولای ۱۹۹۴

بستگان دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی با مقامات لبنانی دیدار کردند

هیئتی از خانواده‌های چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی که برای پی‌گیری وضعیت آنان به بیروت سفر کرده است، به‌طور جداگانه با علامه سید محمد حسین فضل‌الله و محمد مهدی شمس‌الدین رئیس‌مجلس اعلاي اسلامی شیعیان لبنان ملاقات کرد. در پایان این ملاقات شیخ شمس‌الدین طی سخنانی از دولت لبنان و دستگاه قضائی این کشور خواست که اقدام جدی برای روشن شدن سرنوشت دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی به‌عمل‌آورد، به این دلیل که مسئله دیپلمات‌های ایرانی نه‌تنها جنبه انسانی داشته، بلکه این مسئله با پیوند دولت ایران و لبنان و همچنین مناسبات جمهوری اسلامی ایران با دولت لبنان ارتباط دارد. شیخ شمس‌الدین افزود: «مبهم ماندن سرنوشت این ربوده‌شدگان با

روزشمار گروگان‌گیری □ ۵۳

مناسبات حسنه دو دولت منافات دارد و شاید اظهارآمادگی جدي براي حل و فصل اين مسئله به تحکيم مناسبات کمک کند.»

هیئت ایرانی همچنین با فارس بوئز وزیر امور خارجه لبنان ملاقات کرد. تحرك جدید خانواده‌هاي ديپلمات‌هاي ربه‌ده شده ایرانی در آغاز سیزدهمین سال ناپدید شدن آنها انجام می‌گیرد. تحرك مجدد این هیئت درحالی صورت می‌گیرد که دستگاه امنیتی لبنان در ماه‌هاي اخير توانسته است چندین شبکه خرابکار وابسته به رژیم صهیونیستی را شناسایی و عاملان آن را به دستگاه قضائی تحویل دهد. نکته مهم آن است که عوامل بازداشتی رژیم صهیونیستی بیشتر از اعضای حزب منحلہ نیروهاي لبنانی‌اند که سمیرجعجع رئیس این حزب نیز در میان آنها دیده می‌شود و از آنجا که دیپلمات‌هاي ایرانی به وسیله عناصر وابسته به گروه‌هاي لبنانی ربه‌ده شده‌اند امید نسبت به روشن شدن سرنوشت این دیپلمات‌ها بیشتر شده است.

هفته‌نامه کیهان‌هوایی

۱۳۷۳/۵/۱ = ۲۳ جولای ۱۹۹۴

چه کسی قربانی تروریسم است؟

«صبح زنگنه» با انتشار مقاله‌اي در روزنامه عربزبان الشرق‌الاوسط چاپ لندن، به مقاله موهن یکی از ضدانقلابیون فراری که در این روزنامه چاپ شده بود، پاسخ داده است. در بخشی از این مقاله آمده است:

— در اینجا نگاهی بیفکنیم به اولین آدم‌ربایی که در لبنان اتفاق افتاد. آیا نویسنده فراموش کرده است اولین کسانی که در لبنان به دست نیروهاي فالانژ ربه‌ده شدند، چهار ایرانی بودند که یکی از آنها روزنامه‌نگار و دیگری نویسنده بود و دوتن دیگر دیپلمات‌هاي ایرانی بودند که در اختیار نیروهاي اسرائیلی گذاشته شدند؟ اما روزنامه‌هاي امانت‌دار، هیچ خبر یا تحلیل یا انتقادی در مورد حادثه مزبور منتشر نساختند؟

اطلاعات

۱۳۷۳/۶/۱۳ = ۴ سپتامبر ۱۹۹۴

**سفارت ایران در بیروت خواستار روشن شدن سرنوشت ۳ ایرانی ناپدید شده
مقیم لبنان شد**

منابع وزارت خارجه لبنان اعلام کردند: «سفارت ایران در بیروت با ارسال یادداشتی کتبی به این وزارتخانه، خواستار روشن شدن سرنوشت سه تن از

ایرانی‌هایی شد که در سال ۱۹۸۲ همزمان با ربوده شدن چهاردیپلمات ایرانی، ناپدید شدند.»

روزنامه لبنانی «اللو» به نقل از این منابع نوشت: «سفارت ایران در یادداشت خود همچنین خواستار آگاهی از تحولات کامل در این‌باره و تحقیقات در ارتباط با انفجار کلیسای مارونی‌ها در شمال بیروت شده است.» به گفته منابع وزارت خارجه لبنان، دولت این کشور درصدد انجام تحقیقات لازم برای روشن شدن وضع اقامت ایرانیان مفقود شده است، زیرا به گفته این منابع، در صورت عدم ورود قانونی این عده به لبنان، دولت این کشور هیچ مسئولیتی در قبال سرنوشت آنان نخواهد داشت. منابع سفارت کشورمان در لبنان با تأکید بر این خبر، اعلام کردند که ایرانیان ناپدید شده مقیم لبنان بوده و در سال ۱۹۸۲ در زمان اشغال بیروت ناپدید شده‌اند که از وزارت خارجه لبنان خواسته شده است اقدام‌های لازم را برای کشف سرنوشت این اتباع ایرانی به عمل آورد. در همان سال، چهاردیپلمات ایرانی به هنگام ورود به بیروت، توسط نیروهای فالانژ ربوده شدند که با این تعداد، آمار رسمی ایرانیان ربوده شده در لبنان به ۷ نفر می‌رسد.

اطلاعات

۱۳۷۳/۷/۲۸ = ۲۰ اکتبر ۱۹۹۴

لبنان به تلاش‌های خود برای اطلاع از سرنوشت چهار ایرانی ربوده شده در این کشور ادامه می‌دهد

سفیر جدید لبنان در تهران، تأکید کرد که دولت مطبوعش تلاش بی‌وقفه‌ای را برای اطلاع یافتن از سرنوشت چهار ایرانی ربوده شده در لبنان به کار می‌گیرد. «منیر تلحوق» در گفت‌وگو با خبرنگاری جمهوری اسلامی افزود: «باتوجه به اطلاعات و امکانات موجود، تلاش برای اطلاع از مکان و یا سرنوشت چهار ایرانی ربوده شده ادامه دارد و امیدواریم این کوشش‌ها ما را به نتیجه مورد نظر برساند.»

اطلاعات

۱۳۷۳/۸/۲۸ = ۱۹ نوامبر ۱۹۹۴

محاکمه سمیر جعجع عامل گروگان‌گیری چهار ایرانی در بیروت امروز آغاز می‌شود

به نوشته یک روزنامه انگلیسی، محاکمه سمیر جعجع فرمانده سابق نیروهای مسلح فالانژیست لبنان و عامل گروگان‌گیری ۴ ایرانی،

روزشمار گروگان‌گیری □ ۵۵

در دادگاه عالی این کشور از اهمیت سیاسی زیادی برخوردار است. در این دادگاه که از امروز شنبه در بیروت تشکیل می‌شود، جعجع به اتهام دست داشتن در کشتار و قتل عام مردم و مخالفان خود محاکمه می‌شود. از جمله اتهامات گوناگون وی طراحی قتل «دانی شمعون» و خانواده وی در سال ۱۹۹۱ و بمبگذاری در کلیسای مسیحیان مارونی لبنان در شمال بیروت است. انفجار این کلیسا در سال جاری منجر به قتل ۱۱ نفر شد. به گفته دادستان این دادگاه، طرح انفجار کلیسای شمال بیروت با همفکری سرویس جاسوسی رژیم اشغالگر قدس و نیروهای مزدور «لحد» انجام پذیرفته است. این افراد قصد داشتند با استفاده از مسئله این انفجار، کودتایی در شرق بیروت انجام دهند و به بهانه محافظت مسیحیان در مقابل حملات مسلمانان، از نیروهای غربی تقاضای دخالت کنند. به نوشته «رابرت فیسک» در شماره دیروز نشریه «ایندیپندنت»، از تعداد بیش از ۳۱۰ خبرنگاری که قرار است در جلسات دادگاه شرکت کنند، می‌توان به اهمیت این دادگاه پی‌برد. به نوشته فیسک گروهی از وکلای فرانسوی نیز برای دفاع از سمیر جعجع وارد لبنان شدند.

سلام

سال ۱۳۷۴ هـ ش
۱۹۹۶ - ۱۹۹۵ م

۱۳۷۴/۴/۱۴ - ۵ جولای ۱۹۹۵

گفت‌وگویی کیهان با همسرکاردار ربوده‌شده ایران در بیروت

خانم مریم مجتهدزاده همسر سید محسن موسوی
کاردار سابق سفارت جمهوری اسلامی ایران در لبنان، در مورد حادثه ربوده شدن
دیپلمات‌های ایرانی گفت: «در چهاردهم تیرماه سال ۶۱ یعنی پنجم جولای
۱۹۸۲، همسر محسن موسوی، به همراه آقای احمد متوسلیان و یکی از
عکاسان خبرگزاری جمهوری اسلامی به نام آقای کاظم اخوان و نیز راننده
سفارت آقای تقی رستگار مقدم، درست چند روز پس از حمله سراسری ارتش
اشغالگر قدس به جنوب لبنان، هنگامی که با اتومبیل سفارت مشغول تردد
بودند، در چهل کیلومتری شمال بیروت توسط شبه‌نظامیان مارونی موسوم به
فالانژ ربوده شدند و به اسارت درآمدند.»

خانم موسوی در ادامه این چهارتن را در حقیقت اولین گروگان‌های لبنان
معرفی کرد که علیرغم این که بر اساس قوانین دیپلماتیک آنها از مصونیت
برخوردار بودند و علیرغم این که جمهوری اسلامی ایران به طور یکطرفه
حسن‌نیت خود را نشان داد، و در تلاش انسان‌دوستانه برای آزادی تمام
گروگان‌های غربی در لبنان میانجی‌گری کرد، متأسفانه علیرغم وعده‌های
غربی‌ها هنوز هیچ‌کس از سرنوشت این چهارتن اطلاع دقیقی ندارد. خانم
موسوی در مورد آخرین اطلاعات به دست آمده در مورد وضعیت این اسیران گفت:

روزشمار گروگان‌گیری □ ۵۷

«من و خانواده‌های اسیران دیگر ایرانی‌درلبنان، دو بار، یکی چهارسال پیش و یکبار سال گذشته به لبنان و سفری هم به سوئیس داشتیم.»
وی افزود: «چهارسال پیش سمیرجعجع فرمانده‌فالنژیست‌های‌لبنان گفت که این گروگان‌ها توسط ایلی حبیقه فرمانده سابق آنها، به شهادت رسیده‌اند اما حبیقه سخنان جعجع را تکذیب کرد و اظهار داشت که درهنگام تحویل فرماندهی، تمام آن چهارتن در زندان بوده‌اند. درسفر سال پیش خوشبختانه درگفت‌وگو با مسئولان بلندپایه لبنانی متوجه شدیم که این چهارتن درسال ۱۹۸۷ توسط سمیرجعجع دراوج درگیری با میشل عون، ازطریق دریا به اسرائیل منتقل شده‌اند و همگی زنده‌اند.»

وی در مورد تلاش‌های به‌عمل آمده در راه آزادی این گروگان‌ها، به پی‌گیری مکرر خانواده‌های این اسیران و نیز تلاش‌های وزارت‌خارجہ اشاره کرد و افزود: «در دیداری که با الیاس هراوی رئیس‌جمهوری‌لبنان داشتیم، وی کمیته‌ای مرکب از نخست‌وزیر و وزیرامورخارجہ، وزیردادگستری لبنان و سفیرایران دربیروت را مامور پی‌گیری این مسئله کرد که هنوز از نتایج احتمالی این کمیته بی‌خبریم. تمام این افراد برای پی‌گیری این مسئله و آزادی این گروگان‌ها قول مساعد دادند اما در عمل هیچ کاری صورت نگرفته است.»

خانم مجتهدزاده همچنین خاطرنشان کرد: «ما در دوران جنگ به احترام خانواده‌هایی که درعراق اسیرداشتند از پی‌گیری جدی مسئله خودداری می‌کردیم اما در حال‌حاضرکه جنگتحمیلی تمام شده است، از وزارت‌امورخارجہ کشورمان تقاضا می‌کنیم با توجه به این‌که این چهارتن مصونیت سیاسی و دیپلماتیک داشته‌اند، مسئله را ازطریق وزارت‌خارجہ‌های دوکشورجدی‌تر پی‌گیری کنند. البته ما این مسائل را در ملاقاتی که امروز با آقای دکترولایتی داریم مطرح خواهیم‌کرد که امیدواریم ترتیب اثردهند.»
کیهان

نامه سیدرائد موسوی فرزندکاردار ربوده‌شده ایرانی‌دربیروت

سیدرائد موسوی دراین نامه، ازغم دوری چهارده‌ساله ازپدرش نوشته و ازمجامع بین‌المللی و حقوق‌بشر وهمچنین مسئولین جمهوری‌اسلامی‌ایران درخواست کرده است تا نسبت به پی‌گیری و آزادی چهارگروگان ایرانی درلبنان اقدام نمایند.

کیهان

۱۳۷۴/۴/۱۸ = ۹ جولای ۱۹۹۵

از کاظم اخوان تا کریستین امان‌پور!

حسین بهزاد در مقاله خود، غیرتمندی کاظم اخوان را با خیابانها و رذالت‌های خبرنگار ایرانی‌الاصل آمریکایی «کریستین امان‌پور» مقایسه کرده است.

(ضمیمه ۴)

کیهان

۱۳۷۴/۴/۲۰ = ۱۱ جولای ۱۹۹۵

بسیجی! من و تو باید پرچم‌مان را آنجا بزنیم ... در انتهای افق

عکسی زیبا از حاج احمد متوسلیان هنگام سخنرانی در شهر مریوان، در حالی که با انگشت خود به دوردست اشاره می‌کند، به چاپ رسیده است که در زیر آن این عبارت دیده می‌شود: «به مناسبت سالگرد اسارت سردار رشید اسلام حاج احمد متوسلیان به دست مزدوران رژیم صهیونیستی در لبنان.» هفته‌نامه فرهنگ‌آفرینش

۱۳۷۴/۴/۲۴ = ۱۵ جولای ۱۹۹۵

نامه خانواده‌های گروگان‌های ایرانی در لبنان تسلیم دبیرکل سازمان ملل شد

دکتر خرازی در چهاردهمین سالگرد به گروگان گرفته شدن چهارتن از اتباع ایران در لبنان، در نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل جزئیات مطرح شده از سوی سخنگوی خانواده این افراد را به اطلاع «پطروس غالی» رساند. براساس متن ضمیمه شده به نامه نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران به پطروس غالی، خانم مریم مجتهدزاده همسر کاردار سابق ایران و سخنگوی خانواده اسرای ایرانی در لبنان، در گفت‌وگویی با یک روزنامه ایران، تاکید کرده است که بر اساس آخرین اطلاعات دریافت شده تمامی آنان زنده هستند. وی گفته است که در سفر خانواده این افراد به بیروت برای پی‌گیری وضعیت اسرای ایرانی، در گفت‌وگو با مسئولان بلندپایه لبنانی متوجه شدیم که این چهارتن در سال ۱۹۸۷ توسط سمیر جعجع در اوج درگیری‌های با میشل عون، از طریق دریا به اسرائیل منتقل شده و همگی زنده هستند.

روزشمار گروگان‌گیری □ ۵۹

چهارسال پیش سمیر جعجع فرمانده فالانژیست‌های لبنان گفت که این گروه توسط ایلی حبیقه فرمانده سابق آنها، به شهادت رسیده‌اند اما حبیقه سخنان جعجع را تکذیب کرده و تاکید کرد که در زمان تحویل فرماندهی فالانژها، تمامی آنها در زندان بوده‌اند. خانم مجتهدزاده با تاکید بر ضرورت آزادی این گروگان‌ها عنوان کرده است که در دیدار با «الیاس هراوی» رئیس‌جمهوری لبنان، وی کمیته‌ای مرکب از نخست وزیر، وزیر امور خارجه، وزیر دادگستری لبنان را مامور پی‌گیری این مسئله کرده است. در این کمیته سفیر ایران در بیروت نیز عضویت دارد اما از نتایج احتمالی اقدامات این کمیته هنوز خبری در دست نیست.

سلام

۱۳۷۴/۱۰/۱۲ = ۲ ژانویه ۱۹۹۶

طلایه‌داران نسل آفتاب

حسین بهزاد، در این مقاله، به بهانه سالروز «عملیات محمد رسول‌الله (ص)» به وضعیت حاج احمد متوسلیان پرداخته است.

کیهان

سال ۱۳۷۵ هـ ش
۱۹۹۶ - ۱۹۹۷ م

۱۴/۴/۱۳۷۵ = ۵ جولای ۱۹۹۶

چقدر در حمایت از حقوق اتباع ایرانی موفق بوده ایم؟

در این مقاله که با عنوان فرعی «به بهانه گذشت بیش از ۴۰۰ روز از اسارت چهار ایرانی در لبنان» منتشر شده است، به موضع‌گیری‌های ضعیف مسئولین و ارگان‌های دولتی بخصوص وزارت امور خارجه در قبال سرنوشت چهار ایرانی مفقود شده در لبنان، پرداخته شده است.

(ضمیمه ۵)

جمهوری اسلامی

گروگان‌های ایرانی دربندند، آنها را فراموش نکنیم

۱۴ سال پیش در چنین روزی، چهار ایرانی در بیروت به گروگان گرفته شدند که هنوز از سرنوشت آنها اطلاعی در دست نیست. رهبری‌فالانژها در آن زمان، با ایلی حبیقه وزیر کنونی کابینه لبنان بود و نیروهای وی تحت فرماندهی سمیر جعجع دیگر رهبر این گروه، اقدام به این گروگان‌گیری نمودند. سمیر جعجع اکنون به خاطر ارتکاب جنایات متعدد به حبس ابد محکوم شده است، اما از طرف دیگر ایلی حبیقه فرمانده وقت نیروهای لبنانی، اکنون در کابینه رفیق حریری به عنوان وزیر، مشغول به کار است. اما با این وجود علیرغم انجام پی‌گیری‌های متعدد و از جمله سفر خانواده‌های این عزیزان به لبنان و ملاقات آنها با مقامات لبنانی،

روزشمار گروگان‌گیری □ ۶۱

هنوز نه مقامات لبنان و نه سمیر جعجع توضیح روشنی درباره سرنوشت گروگان‌ها ارائه داده و حتی مقامات وزارت امورخارجه ایران نیز نتوانسته‌اند گره این کار را بگشایند و به ۱۴ سال انتظار خانواده‌های چهارگروگان مزبور پایان دهند.

چهار ایرانی به گروگان‌گرفته‌شده، اولین قربانیان بحران موسوم به گروگان‌گیری در جنگ‌داخلی‌لبنان هستند و ده‌ها تن دیگر نیز بعد از آنها در لبنان به گروگان گرفته شدند. اما با وجود آن‌که گروگان‌های غربی با کمک و مساعدت جمهوری اسلامی ایران آزاد شده و به نزد خانواده‌هایشان بازگشتند، اما نه کسی تاکنون حاضر شده که به‌طور جدی برای تعیین سرنوشت گروگان‌های ایرانی به جمهوری اسلامی ایران کمک کند، و نه مسئولان دستگاه دیپلماسی کشورمان حاضرند بپذیرند که هنگام مساعدت به آزادی گروگان‌های غربی در لبنان، تضمین کافی برای آزادی گروگان‌های ایرانی دریافت نکرده‌اند.

بدون‌شک جمهوری اسلامی ایران هرگز بحران گروگان‌گیری را در لبنان تایید نکرده و تنها با استفاده از نفوذ و محبوبیت خود در نزد گروه‌های لبنانی، به آزادی گروگان‌های غربی کمک کرده است، اما آیا مسئولان دستگاه دیپلماسی ما نمی‌توانستند در هنگام آزادی گروگان‌های غربی، خواهان اعمال نفوذ کشورهای غربی مزبور بر گروه جعجع و حتی رژیم صهیونیستی برای تعیین‌تکلیف گروگان‌های ایرانی شوند. حتی اگر کشورهای غربی توان چنین اعمال نفوذی بر فالانژها و یا رژیم صهیونیستی را نداشته‌اند و یا نخواستند در این راه کمکی به ما بکنند، مگر ایلی حبیقه و سمیر جعجع روسای گروه فالانژ نیروهای لبنانی اکنون در قیدحیات نیستند؟ جعجع که یک مسیحی‌مارونی است، همراه با آغاز جنگ‌داخلی لبنان در سال ۱۹۷۵ در صحنه سیاسی این کشور ظهور کرد و با طراحی و سازمان‌دهی یک سری اقدامات خشونت‌بار و حرکات تروریستی علیه مخالفان خود، به‌زودی به‌عنوان یک چهره سیاسی مشهور اما افراطی در نزد افکار عمومی منطقه شناخته شد. حمله به مناطق مسکونی مسلمان‌نشین در سراسر لبنان، طراحی قتل‌های متعددی نظیر ترور تونی فرنجه فرزند سلیمان فرنجه رئیس‌جمهوری لبنان در سال ۱۹۷۶، ترور دنی شمعون رهبر حزب‌لیبرال لبنان، ترور رنه معوض رئیس‌جمهوری اسبق، ترور رشید کرامی نخست‌وزیر و خلیل کنعان فرمانده لشکرتش و... تنها نمونه‌هایی از اعمال جنایتکارانه جعجع و

باند تروریست وی می‌باشد. جعجع مدعی است که ۴ گروگان ایرانی در زمان ریاست فرمانده پیشین نیروهای لبنانی یعنی ایلی حبیقه، به قتل رسیده‌اند و وی از کم‌وکیف و جزئیات کشته شدن آنها اطلاعی در دست ندارد. قطعاً این ادعای جعجع قابل پذیرفتن نیست، زیرا در این موضوع که جعجع در زمان ربوده شدن گروگان‌های ایرانی در سال ۱۹۸۲ از رهبران اصلی، تصمیم گیرنده و با نفوذ شبه‌نظامیان فالانژ بوده، تردیدی نیست و از سوی دیگر ایرانی‌های مذکور زمانی به اسارت گرفته شدند که جعجع و حبیقه در قالب یک گروه واحد عمل می‌کردند. به همین دلیل داشتن چنین موقعیت و سمتی، پذیرفتن ادعای وی در مورد بی‌اطلاع بودن از سرنوشت ایرانیان به گروگان گرفته شده را مشکل می‌نماید. از طرف دیگر، دولت لبنان نیز که امروزه به یمن پایداری و مقاومت رزمندگان مسلمان در برابر حملات و توطئه‌های رژیم صهیونیستی و مزدوران داخلی‌اش، استقلال خود را بازیافته، طرفسختن و ندای مظلومانه خانواده‌های گروگان‌های ایرانی است که بیش از ۱۴ سال است از سرنوشت عزیزان خود بی‌اطلاع هستند. اگر در گذشته دولت لبنان نمی‌توانست مخاطب خواسته به‌حق آنان باشد، امروزه هم به‌قدر کافی برای اعمال حاکمیت خود توان دارد و هم عاملان گروگان‌گیری‌های حاضر هستند.

بیشک حضور ایلی حبیقه در صحنه سیاسی کنونی لبنان به عنوان وزیر دولت حریری و بازداشت و محاکمه جعجع، شرایط لازم برای تعیین سرنوشت گروگان‌های ایرانی را فراهم آورده و این دولت لبنان است که باید حسن‌نیت لازم را برای حل این مسئله از خود نشان دهد. وزارت امور خارجه نیز باید به تکمیل اقدامات گذشته خود در این‌باره بر مطرح شدن مسئله تعیین سرنوشت گروگان‌های ایرانی و حتی احضار ایلی حبیقه به دادگاه اصرار ورزد و ضمن افزایش تماس با مقامات اجرایی و قضایی لبنان، این مسئله را تا تعیین تکلیف نهایی آن دنبال کند. بیشک اگر رسانه‌های ما فاقد قدرت تبلیغاتی در دنبال کردن مسئله گروگان‌های ایرانی در لبنان نظیر آنچه که رسانه‌های گروهی غرب عمل کردند، می‌باشند، این بدان معنی نیست که رسانه‌ها و مردم ایران نسبت به سرنوشت گروگان‌های ایرانی بی‌تفاوت هستند. امید است که در آینده اخبار روشنی درباره سرنوشت ۴ گروگان ایرانی در اختیار افکار عمومی قرار گیرد.

۱۳۷۵/۵/۲ = ۲۴ جولای ۱۹۹۶

آن چهارگروگان غریب

«حمید داودآبادی»، در این مقاله ضمن اشاره به بیانیه ۳۷۰ روزنامه‌نگار ایرانی در اعتراض به «ترور و سانسور خبر قتل گزارشگر منتقد آمریکایی» که در مطبوعات ایرانی منتشر شده است، نسبت به کم‌توجهی جامعه مطبوعاتی درباره خبرنگار ایرانی کاظم اخوان که سال‌هاست در لبنان مفقود شده، پرداخته است.

(ضمیمه ۶)

هفته‌نامه فرهنگ‌آفرینش

پنج هزارویکصدمین روز

در این گزارش، شرحی از مراسم پانزدهمین سالگرد اسارت چهارگروگان ایرانی که در مسجد امام حسن مجتبی (ع) شهرک دولت‌آباد تهران برگزار شده، آمده است.

(ضمیمه ۷)

هفته‌نامه فرهنگ‌آفرینش

۱۳۷۵/۵/۴ = ۲۶ جولای ۱۹۹۶

درخواست خانواده دیپلمات‌های اسیر ایرانی از مجامع بین‌المللی

در پی آزادی اسرای رژیم صهیونیستی با وساطت آلمان در لبنان، یکی از اعضای خانواده دیپلمات‌های ایرانی در بند این رژیم، خواستار اقدام کشورهای غربی و مجامع بین‌المللی جهت آزادی آنان شد.

مریم مجتهدزاده همسر سید محسن موسوی کاردار وقت سفارت ایران در بیروت، گفت: «این افراد زمانی وارد لبنان شدند که تمامی دیپلمات‌های خارجی لبنان را ترک می‌کردند و این کشور در محاصره کامل رژیم صهیونیستی قرار داشت.»

وی اضافه کرد: «آنان با این کار خود می‌خواستند نشان دهند که برای مردم لبنان و به نشانه همبستگی با آنان به این کشور رفته‌اند. اکنون این وظیفه دولت لبنان است که رسیدگی به وضعیت آنان را در دستور کار خود قرار دهد.»

مجتهدزاده که سخن‌گویی خانواده‌های دیپلمات‌های ایرانی در بند رژیم صهیونیستی است، گفت: «حرف ما این است که سمیر جعجع و ایلی حبیقه، ربایندگان

دیپلمات‌های ایرانی، تشکیلاتی وسیع را اداره می‌کردند، لذا بعید به نظر می‌رسد چنین تشکیلاتی در صورت احتمال ضعیف به شهادت رساندن این اسیران، محل دفن آنان را نداند. در شرایطی که تمامی اسیران و گروگان‌های کشورهای خارجی در لبنان مبادله می‌شوند و به سرزمین خود بازمی‌گردند، دیپلمات‌های ایرانی که جان خود را در راه نظام مقدس جمهوری اسلامی گذاشتند، همچنان در وضعیت نامشخصی هستند. با مسئولان سازمان ملل، سازمان عفو بین‌الملل، دفاع از حقوق بشر و دیگر مجامع بین‌المللی در این مورد صحبت کرده‌ایم و حتی دبیرکل سابق سازمان ملل (دکوئیاری) قول پی‌گیری این قضیه را داد، اما کوچک‌ترین اقدامی صورت نگرفت. به آنان گفتیم هنگامی که یکی از غربیان به گروگان گرفته می‌شود، جاروجنگال زیادی به راه می‌اندازید، حال چگونه است که در مقابل اسارت دیپلمات‌های ایرانی سکوت پیشه کرده‌اید؟»

وی از مسئولان مربوطه خواست پی‌گیری‌های لازم در این زمینه را انجام دهند و با همکاری دولت لبنان، اسیران ایرانی را آزاد کنند. وی خاطرنشان کرد: «والدین متوسلیان و رستگارمقدم سال‌هاست چشم انتظار فرزندانشان هستند، پدر و مادر آقای اخوان، خبرنگاری که همراه آنان به اسارت درآمد، آنقدر عمرشان کفاف نداد تا از سرنوشت پسر خود مطلع شوند. پسر من هم بجز عکس‌هایی که از پدر خود می‌بیند، هیچ تصویری از او در ذهن ندارد. درخواست ما این است:

«غربیان به یاد اسیران فراموش شده ما هم باشند.»

جمهوری اسلامی

دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی در جنگال رژیم صهیونیستی اسیر هستند

طی چند روز گذشته، در خبرها آمده بود که با میانجی‌گری اشمیت‌باور، مسئول دفتر هماهنگی سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی هلموت کهل صدراعظم آلمان میان حزب‌الله و رژیم صهیونیستی، در ازای آزادی ۴۵ اسیر دربند رژیم اشغالگر قدس و تحویل پیکرهای مطهر ۱۴۰ تن از شهدای مقاومت، جسد ۲ سرباز اسرائیلی تحویل آن رژیم داده و ۱۷ تن از مزدوران ارتش‌آنتوان لحد نیز آزاد شدند. در همین رابطه، مقامات آلمانی از کلیه جناح‌های منطقه‌ای که در روند این مبادله نقش داشتند، بویژه جمهوری اسلامی ایران، تشکر کردند و اشمیت‌باورگفته است اکنون به همکاری ایران دست یافته‌ایم و

روزشمار گروگان‌گیری □ ۶۵

امیدواریم هر چه زودتر کلیه اسرا مبادله شوند. سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله، در پی آزادی تعدادی از اسرا، در يك کنفرانس‌خبری در بیروت، با اشاره به اصول ثابت حزب‌الله که به موجب آن به مبادله اسرا مبادرت ورزیده است، گفت: «آزادی هر بازداشتی از بازداشتگاه‌های رژیم صهیونیستی، بدون توجه به تابعیت او برای حزب‌الله مهم است و حزب‌الله آمادگی دارد برای آزادی همه زندانیان با هر گروهی همکاری کند.»

از سوی دیگر، سخنگوی وزارت‌خارجہ کشورمان با اشاره به اظهارات برخی از مقامات آلمانی در خصوص نقش مثبت و موثر جمهوری اسلامی تاکید کرد: «ایران همچون گذشته در جهت بازگرداندن پیکر پاک شهدا و آزادی اسرای لبنانی و فلسطینی در بند رژیم اشغالگر قدس، از هیچ‌گونه حمایتی دریغ نمی‌ورزد.» همچنین وی ابراز امیدواری کرد که تلاش‌های اشمیت‌باور به روشن شدن وضعیت دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی در لبنان که بنا به اطلاعات موثق به اسرائیل منتقل شده‌اند، منجر گردد. با توجه به اظهارات مقامات آلمانی و دبیرکل حزب‌الله، شرایط مناسبی برای رهایی دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی، فراهم شده است.

با شرایط به وجود آمده در تبادل اسرا، وزارت‌امورخارجہ باید به طور جدی قضیه گروگان‌های ایرانی را مطرح کند و فرصت به دست آمده را مغتنم بشمارد و همچون ماجرای آزادی گروگان‌های غربی در لبنان، فرصت را از دست ندهد و مشخص شدن سرنوشت ۴ گروگان ایرانی، جایگاهی مهم در دیپلماسی فعال تهران بیابد و با يك دیپلماسی فعال، از تمام توان دیپلماتیک خود در جهت رهایی این عزیزان استفاده کند و به ۱۴ سال اسارت آنان خاتمه دهد.

جمهوری اسلامی

۱۳۷۵/۵/۲۲ = ۱۳ اوت ۱۹۹۶

چهار دیپلمات ایرانی باید از زندان‌های رژیم صهیونیستی آزاد شوند

«محمدحسن ضیایی‌فر» دبیر کمیسیون حقوق بشر اسلامی گفت: «اعضای هیئت حقوق بشر اسلامی در گفت‌وگو با شخصیت‌ها و مقامات لبنانی بر ضرورت آزادی اسیران محبوس در زندان‌های رژیم صهیونیستی از جمله چهار دیپلمات ایرانی تاکید کردند. در گفت‌وگو با شخصیت‌ها و مقامات لبنانی مقدر شد که مسئله اسارت چهار دیپلمات ایرانی در زندان‌های رژیم صهیونیستی، در مجمع بین‌المللی مطرح شود و با فعال کردن سازمان‌های غیردولتی و فشار

بر دولتهای حامی رژیم صهیونیستی، حکام این رژیم و ادار به آزاد سازی چهاردیپلمات ایرانی و امام موسی صدر شوند.»
جمهوری اسلامی

مرداد ۱۳۷۵ = اوت ۱۹۹۶

چند خطی به یاد چهارگروگان مظلوم ایرانی

فراموشی؟!... هرگز!

این مقاله به مناسبت پانزدهمین سالگرد ربوده شدن چهاردیپلمات ایرانی توسط «حسین رستگار» نگاشته شده و به تحلیل مسائل پیش آمده در این باره پرداخته است.

(ضمیمه ۸)

ماهنامه صبح

شهریور ۱۳۷۵ = سپتامبر ۱۹۹۶

غربت در ناسوت، عزت در ملکوت

«رضا گلپور» به بررسی اوضاع و احوال کنونی جامعه ایران بخصوص اوضاع فرهنگی سیاسی و مناسبت آن با پوشش خبری گروگان‌های ایرانی پرداخته است.

ماهنامه صبح

شهریور ۱۳۷۵ = سپتامبر ۱۹۹۶

چهارگروگان ایرانی برخلاف ادعای اشمیت‌باور زنده‌اند

یک مقام آگاه در وزارت امور خارجه کشورمان ادعای اشمیت‌باور رئیس سازمان اطلاعات آلمان، در مورد کشته شدن چهارگروگان ایرانی در اسرائیل را تکذیب کرد. این مقام در مورد خبر رادیوفرانسه که در آن از قول رئیس سازمان اطلاعات آلمان نقل شده بود: «چهار گروگان ایرانی ناپدید شده در سال ۱۹۸۲ در لبنان، توسط مسیحان فالانژیست این کشور ربوده شده و به قتل رسیده‌اند»، اظهار داشت: «وزارت امور خارجه ایران بر اساس منابع موثق، مطمئن است که هر چهارگروگان ایرانی زنده‌اند و در زندان‌های رژیم اشغالگر قدس به سر می‌برند.»

رادیوفرانسه به نقل از هفته‌نامه آلمانی فوکوس گفته بود که جمهوری اسلامی ایران معتقد است که اجساد این چهار ایرانی در اختیار اسرائیل است. این رادیو همچنین به نقل از اشمیت‌باور افزود که سازمان اطلاعات آلمان از صحنه قتل نقشه‌هایی در اختیار دارد و از محل دفن اجساد نیز مطلع است. گفتنی است چند روز پیش سفیر ایران در بن طي

روزشمار گروگان‌گیری □ ۶۷

مصاحبه‌ای از مقامات آلمانی خواست راجع به سرنوشت چهارگروگان ایرانی اطلاعات دقیقی به دست آورند. از سوی دیگر، رادیو رژیم اشغالگر قدس به نقل از روزنامه صهیونیستی «یدیعوت آحارونوت» اعلام کرد: «هرگونه اطلاعات در مورد دیپلمات‌های ایرانی ربوده شده در لبنان، می‌تواند اطلاعات متقابلی در مورد «ران آراد» - خلبان مفقود شده اسرائیلی در لبنان - را به همراه داشته باشد.»

این اولین بار است که رسانه‌های رژیم صهیونیستی به موضوع انتقال دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی به اسرائیل، اعتراف کرده‌اند.
ماهنامه صبح

مهر ۱۳۷۵ = اکتبر ۱۹۹۶

ای کاش تو را دیده بودم

«محمدعلی صمدی» ، در مقاله خود، به آرزویش برای دیدن حاج احمد متوسلیان پرداخته است.
ماهنامه صبح

مهر ۱۳۷۵ = اکتبر ۱۹۹۶

کاظم اخوان یکی از چهارگروگان ایرانی اسیر شده در لبنان است

این نشریه در دو صفحه ۷ قطعه از عکس‌های دفاع مقدس را که از کارهای برجسته کاظم اخوان بوده، به چاپ رسانده است.
ماهنامه صبح

مهر ۱۳۷۵ = اکتبر ۱۹۹۶

مصاحبه با خانواده سیدمحسن موسوی

خانم مریم مجتهدزاده همسر و سیدرائد فرزند سیدمحسن موسوی کاردار سفارت ایران در بیروت، به سوالات خبرنگار پیرامون اوضاع و احوال و اخبار مختلف از وضعیت گروگان‌ها پاسخ داده است.
(ضمیمه ۹)

ماهنامه صبح

۱۳۷۵/۷/۲۳ - ۱۵ اکتبر ۱۹۹۶

گفت‌و شنود نشریه آلمانی اشپیگل با رئیس‌جمهوری حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی

خبرنگار: در مورد رون آراد بفرمایید:

رئیس‌جمهوری: آراد مسئله‌اش در لبنان و اسرائیل است. از آنها بپرسید، ما چه اطلاعی داریم؟ از شگردهای اسرائیلی‌هاست که همه جا این قضیه را

۶۸ □ کمین جولای ۸۲

مطرح کنند. قبل از رون آزاد شما در مورد ه نفر خبرنگار و دیپلمات ما پرسید که در لبنان مفقود شدند و شایعاتی است که آنها را به اسرائیل برده اند.

همشهری

۱۳۷۵/۹/۱۵ = ۶ دسامبر ۱۹۹۶

قربانیان تغافل رسانه های ما

این مقاله با عنوان فرعی «گروگان های از یادرفته ایرانی و تکالیف از یادرفته ما» توسط «حسین بهزاد» به نگارش درآمده است. در این مقاله انتقادی، به عملکرد رسانه های گروهی و مطبوعات ایران در قبال چهارده سال اسارت این چهارگروگان، پرداخته شده است.

(ضمیمه ۱۰)

کیهان

آذر ۱۳۷۵ = دسامبر ۱۹۹۶

زندگی نامه حاج احمد متوسلیان

مرکز فرهنگی سپاه پاسداران، شرحی از زندگی حاج احمد متوسلیان و نقش او در پیشبرد عملیات رزمندگان اسلام و همین طور نحوه اسارت او و همزمانش در لبنان، ارائه داده است.

هفته نامه یادیاران

۱۳۷۵/۱۰/۹ = ۳۰ دسامبر ۱۹۹۶

سرنوشت رون آزاد چقدر مهم است؟

در این مقاله به معرفی کمک خلبان اسرائیلی رون آزاد که ده سال قبل هلی کوپتر حامل وی (نویسنده دچار اشتباه شده است، چرا که رون آزاد خلبان هواپیمای جنگی بوده است) در جنوب لبنان سرنگون شد و خود وی به اسارت سازمان امل لبنان درآمد، پرداخته است و از مسئولین سازمان های بین المللی خارجی بخصوص براند اشمیت باور رئیس سازمان اطلاعات آلمان، که پیگیر آزادی اسرای لبنانی و واسطه تبادل حزب الله لبنان با دولت اسرائیل بود، پرسیده است که چرا نسبت به سرنوشت چهارگروگان ایرانی هیچ کار خاصی انجام نشده است.

(ضمیمه ۱۱)

هفته نامه امید جوان

۱۳۷۵/۱۲/۱۳ = ۳ مارس ۱۹۹۷

روزشمار گروگان‌گیری □ ۶۹

کمیسیون سیاست خارجی مجلس تحولات روابط ایران و ترکیه را بررسی کرد
آخرین تحولات در روابط جمهوری اسلامی ایران و ترکیه و مسئله
چهارگروگان ایرانی که چندین سال پیش توسط فالانژها در لبنان به اسارت
درآمده اند، در جلسه کمیسیون سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی بررسی شد.
اطلاعات

سال ۱۳۷۶ هـ ش
۱۹۹۷ - ۱۹۹۸ م

۱۳۷۶/۱/۹ = ۲۹ مارس ۱۹۹۷

حاجی‌رو می‌خوایم، یالا!

نویسنده به وداع حاج‌احمد متوسلیان از مردم کردستان برای رفتن به جبهه‌های نبرد با ارتش عراق در جنوب‌ایران پرداخته است.
کیهان

۱۳۷۶/۱/۱۳ = ۲ آوریل ۱۹۹۷

چهار ایرانی ربه‌شده توسط صهیونیست‌ها در لبنان، زنده هستند

چهار دیپلمات ربه‌شده ایرانی در لبنان، زنده‌اند و شایعات مرگ آنها صحت ندارد. ایلی حبیقه، یکی از وزرای لبنان، خبرهای مربوط به کشته شدن چهار دیپلمات ربه‌شده ایرانی را در بیروت تکذیب کرد. وی پانزده سال پیش در زمان ربه‌شده شدن این چهار نفر، مسئول بخش‌امینت سازمان نیروهای لبنانی بود. هفته‌نامه عربی الاوسط در شماره اخیر خود به نقل از وی و یکی از رهبران پیشین شبه نظامیان راست‌گرای مسیحی نیروهای لبنانی، نوشت: «این عده هیچ‌گاه به افراد تحت امر وی تحویل نشده‌اند.» ایلی حبیقه تاکید کرد که خبرهای مربوط به قتل این چهارتن، شایعاتی است که سمیر جعجع رواج داده است. سمیر جعجع سرکرده زندانی نیروهای فالانژ، قبلاً مدعی شده بود که نیروهای ایلی حبیقه چهار دیپلمات ایرانی را کشته‌اند.

جمهوری اسلامی

۱۳۷۶/۱/۱۶ = ۵ آوریل ۱۹۹۷

گروگان‌های ایرانی و يك سرنخ جديد!

حسین بهزاد، به بررسی اخبار منتشر شده درباره سرنوشت گروگان‌های ایرانی پرداخته است.

(ضمیمه ۱۲)

کیهان

۱۳۷۶/۱/۲۱ = ۱۰ آوریل ۱۹۹۷

تحلیل سیاسی هفته

نویسنده مقاله، در تحلیل‌سیاسی هفتگی خود، با توجه به سفر وزیر امور خارجه ایران به ترکیه، و روابط ترکیه و اسرائیل، به ماجرای چهارگروگان ایرانی در چنگال اسرائیل پرداخته است.

جمهوری اسلامی

۱۳۷۶/۱/۲۶ = ۱۵ آوریل ۱۹۹۷

سرلشکر پاسدار جاوید الاثر حاج احمد متوسلیان

«کنگره سرداران شهید استان تهران» با انتشار مقاله‌ای، به شرح زندگی حاج احمد متوسلیان و همچنین شرح اسارت او و سه نفر همراهش پرداخته است.

کیهان

۱۳۷۶/۱/۳۰ = ۱۹ آوریل ۱۹۹۷

پرونده چهار ایرانی ربوده شده را پی‌گیری می‌کنیم

انجمن دفاع از زندانیان که يك سازمان حقوقی انسان‌دوستانه است که در فلسطین اشغالی فعالیت می‌کند و اوضاع زندانیان را در زندان‌های رژیم صهیونیستی پی‌گیری می‌کند، اعلام کرد که چهار ایرانی که در جولای ۱۹۸۲ ربوده شدند، در یکی از زندان‌های رژیم صهیونیستی به سر می‌برند. احمد حبیب‌الله رئیس این انجمن گفت که اطلاعات موثقی در دست دارد که نشان می‌دهد چهار ایرانی ربوده شده در زندان‌های دشمن صهیونیستی زندانی هستند. این چهار ایرانی شامل دو دیپلمات، راننده و يك عکاس خبرگزاری ایران است. احمد حبیب‌الله افزود سازمانش در حال انجام اقدامات لازم برای دستیابی به اطلاعات اضافی در زمینه سرنوشت این چهار فرد ربوده شده می‌باشد که به دست عناصر وابسته به نیروهای لبنانی که يك سازمان غیرقانونی می‌باشد و

با دشمن صهیونیستی همکاری می‌کند، ربوده شده بودند، است. این چهار نفر ربوده شده مدتی بعد تحویل مقامات اشغالگر شدند. این در حالی است که سمیر جعجع قبلاً به خویشاوندان افراد ربوده شده گفته بود که آنها به شهادت رسیده اند. یک دیپلمات ایرانی در سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت، در مورد این مسئله به هفته‌نامه «العهد» گفت: «از نظر جمهوری اسلامی ایران و همان‌طوری که قبلاً تأکید شده است، چهارگروگان ایرانی همچنان زنده هستند و با توجه به دلایل موجود، آنها در فلسطین اشغالی در زندان‌های رژیم صهیونیستی می‌باشند.»

این دیپلمات افزود: «تهران همانند گذشته این پرونده را از راه‌های مناسب پی‌گیری می‌کند.»

ماهنامه داخلی ندای مقاومت

۱۳۷۶/۲/۱۷ = ۷ مه ۱۹۹۷

سفارت ایران در بیروت زنده بودن چهار دیپلمات ایرانی را مورد تأکید قرار داد

سخن‌گویی سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت، زنده بودن چهار دیپلمات ایرانی در بند رژیم صهیونیستی را مورد تأکید قرار داد. این سخن‌گو، ظهر روز پنجشنبه در واکنش به گزارش خبرگزاری فرانسه درباره زندانی بودن چهار دیپلمات ایرانی در فلسطین اشغالی گفت: «دلایل و شواهد نشان می‌دهد این چهارتن در قید حیات هستند و این سفارتخانه از راه مقتضی این پرونده را همچون گذشته پی‌گیری می‌کند.»

خبرگزاری فرانسه به نقل از احمد حبیب‌الله رئیس انجمن دفاع از زندانیان خارجی در فلسطین اشغالی، اعلام کرد: «این سازمان حقوقی با پی‌گیری مسئله ایرانی‌های ربوده شده، به این نتیجه رسیده که این افراد در اسارت رژیم صهیونیستی به سر می‌برند.»

کیهان

نیمه دوم اردیبهشت ۱۳۷۶

پنج‌هزار و چهارصد و بیست روز گذشت!

پنج‌هزار و چهارصد و بیست روز پیش، خودروی سفارت جمهوری اسلامی ایران، در حالی که توسط گارد لبانی سفارتخانه‌ها اسکورت می‌شد، در جاده طرابلس و به فاصله ۴۰ کیلومتری بیروت، متوقف و چهار سرنشین آن برغم مصونیت دیپلماتیک، توسط دست‌نشانندگان اسرائیل دستگیر و به زندان‌های مخوف

روز شمار گروگان‌گیری □ ۷۳

رژیم اشغالگر فلسطین انتقال داده شدند. اکنون با وجود گذشت نزدیک به پانزده سال، سید محسن موسوی کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران در لبنان، حاج احمد متوسلیان وابسته نظامی هیئت دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران، تقی رستگار مقدم مشاور فنی هئیت و کاظم اخوان عکاس و خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، هنوز در چنگال دژ خیمان صهیونیست گرفتار می‌باشند. در بند بودن این چهار سفیر راستین ولایت، برگ دیگری از اسناد پر افتخار حقانیت نظام مظلوم‌مان در برابر همه مدعیان دروغین حمایت از حقوق بشر می‌باشد که پرده تزویر از چهره پلید ماهیت سازمان‌های پر طمطراق تحت سیطره امیرپالیسم که داعیه مقابله با تروریسم دارند، برمی‌دارد.

هفته‌نامه شلمچه

۱۳۷۶/۳/۳ = ۲۴ مه ۱۹۹۷

روز پیروزی

حسین بهزاد، متن سخنرانی حاج احمد متوسلیان بعد از عملیات «الی بیت المقدس» را در این مطلب آورده است.

کیهان

۱۳۷۶/۳/۲۰ = ۱۰ ژوئن ۱۹۹۷

پرستوهای برباره

حمید داودآبادی و محمدعلی صمدی، با نگارش داستان فیلم پرستوهای برباره، به شرح زندگی حاج احمد متوسلیان پرداخته‌اند.

(ضمیمه ۱۳)

جمهوری اسلامی

۱۳۷۶/۳/۲۹ = ۱۹ ژوئن ۱۹۹۷

گفت‌وگو با اعضای خانواده یکی از اسرای ایرانی در بند رژیم صهیونیستی

در این گفت‌وگو، خانواده کاظم اخوان به تشریح آخرین اخبار از فرزندشان پرداخته‌اند.

(ضمیمه ۱۴)

جمهوری اسلامی

۱۳۷۶/۴/۲ = ۲۳ ژوئن ۱۹۹۷

چهارگروگان ایرانی در زندان سری عتلیت اسرائیل نگه‌داری می‌شوند

در پی انتشار اخبار موثق از منابع مختلف منطقه‌ای طی چند ماه اخیر مبنی بر زندانی بودن ۴ عضو هیئت دیپلماتیک سیاسی - نظامی ایران در

چنگال صهیونیستها، و به دنبال درخواست انجمن بین‌المللی روزنامه‌نگاران و سازمان دفاع از زندانیان خارجی در فلسطین‌اشغالی، برای آزادی این چهار تبعه ربوده‌شده ایرانی، حکام تل‌آویو با صدور بیانیه‌ای رسمی، وجود این افراد در زندان‌های خود را تکذیب کردند. اخیراً گزارش‌های موثقی حاکی از انتقال آنان به فلسطین اشغالی در سال ۱۹۸۷ - ۱۳۶۶ ونگه‌داری آنان در زندان‌های نظامی اسرائیل، در منطقه انتشار یافته است. یکی از سخن‌گویان زندان‌های رژیم تل‌آویو نیز مدعی شد که این چهار تبعه ایران در اختیار اسرائیل نیستند. ادعای مذکور در پاسخ به درخواست احمد حبیب‌الله معروف به ابوهاشم - رئیس‌جمعیت دفاع از زندانیان خارجی در فلسطین‌اشغالی - که خواستار اطلاع از سرنوشت چهارگروگان ایرانی شد، صورت گرفت. احمد حبیب‌الله اخیراً در مصاحبه‌ای با شبکه برون‌مرزی صدای جمهوری اسلامی، تأکید کرد: «تردید وجود ندارد که چهار ایرانی عضو هیئت‌دیپلماتیک سیاسی - نظامی که در کوران تجاوز نظامی اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ ربوده شده‌اند، هم‌اینک در زندان‌های شین‌بث - سرویس‌اطلاعاتی ارتش اسرائیل - نگه‌داری می‌شوند. یک زندانی در بازداشتگاه نظامی عتلیت، اسامی چهار گروگان ایرانی را در فهرست اسامی زندانیان این زندان مخفی مشاهده کرده است.»

حبیب‌الله تصریح می‌کند که عتلیت یک زندان نظامی فوق‌سری بوده و هیچ‌کس حتی مقامات صلیب‌سرخ‌بین‌المللی نیز حق بازدید از آنجا را ندارند. وی می‌افزاید: «اگر مقامات تل‌آویو مدعی قتل این چهارتن از سوی نیروهای فالانژ لبنان هستند، چرا حاضر به تحویل اجساد آنها به مقامات ذیصلاح نیستند؟»

حبیب‌الله هدف اسرائیل از مخفی نگه‌داشتن اطلاعات مربوط به چهارگروگان ایرانی را وارد آوردن فشاری مضاعف به رهبران ایران و نیز مقاومت اسلامی لبنان برای بهره‌برداری تبلیغاتی و همچنین کسب اطلاع پیرامون سرنوشت رون آزاد ذکر کرد. رئیس‌جمعیت دفاع از زندانیان خارجی در سرزمین‌های اشغالی، تأکید می‌کند که به تلاش‌ها و رایزنی‌های خود برای آزادی این چهار تبعه ایرانی ادامه خواهد داد. وی از تمامی سازمان‌های جهانی و مدافعان حقوق بشر خواست تا بر تلاش در این راستا بیفزایند.

کیهان

۱۳۷۶/۴/۱۵ = ۶ جولای ۱۹۹۷

هنرمندان و نویسندگان خواستار آزادی چهار دیپلمات ایرانی در بند اسرائیل شدند

تعدادی از نویسندگان و هنرمندان در اعتراض به اقدام گستاخانه اشغالگران قدس در اهانت به ساحت مقدس نبی اکرم اسلام (ص) و نیز در پانزدهمین سالروز اسارت چهار دیپلمات ایرانی به دست رژیم غاصب صهیونیستی، روز گذشته با اجتماع در برابر ساختمان نمایندگی سازمان ملل، نفرت و انزجار خود را از جنایات این رژیم در جهان اعلام کردند. در این مراسم که به دعوت «مرکز فرهنگی میثاق» برگزار شد، تجمع‌کنندگان اعمال ضدبشری رژیم اشغالگر صهیونیستی در به اسارت کشاندن چهار دیپلمات ایرانی را به شدت محکوم کردند. شرکت‌کنندگان با سردادن شعارهای «گروگان ایرانی آزاد باید گردد رژیم صهیونیستی نابود باید گردد»، «ای صهیونیست ننگت باد از مسلمین شرمت باد» از سازمان ملل خواستند که نسبت به وضعیت برادران کاظم اخوان، سید محسن موسوی، حاج احمد متوسلیان و تقی رستگار مقدم که ظهر روز چهاردهم تیرماه ۱۳۶۱ حین ورود به بیروت و برغم مصونیت دیپلماتیک، توسط عوامل اسرائیلی ربوده شده و اکنون در زندان سری سرویس اطلاعاتی ارتش رژیم صهیونیستی - شین‌بث - موسوم به بازداشتگاه «عتلیت» زندانی هستند، رسیدگی و برای آزادی این عزیزان اقدام کند.

در تجمع هنرمندان و نویسندگان، یکی از اهل قلم با اشاره به ریشه تاریخ جنایات صهیونیستها گفت: «با اینکه بیش از ۴۷۵ هزار روز از اسارت چهار هموطن ما در زندان‌های دژخیم صهیونیستی سپری شده، سکوت ننگین بر جامعه ملل و حتی برخی محافل داخلی حکم فرماست.»

سخنران دیگر این مراسم، در خصوص اسارت چهار گروگان مظلوم ایرانی در زندان‌های رژیم صهیونیستی گفت: «آنها بنا به درخواست مسئولان و مردم ستم‌دیده لبنان و برای کمک به محرومان جنوب این کشور به منطقه اعزام شدند ولی به دست فالانژیست‌های لبنانی ربوده شده و به رژیم صهیونیستی تحویل داده شدند.»

وی خطاب به مسئولان سازمان ملل گفت: «آیا این عزیزان که برای حمایت از حقوق بشر به منطقه اعزام شده بودند نباید مورد حمایت آن سازمان قرار بگیرند؟»

در پایان مراسم تجمع کنندگان با آتش زدن پرچم رژیم اشغالگر قدس خشم و انزجار خود را از این رژیم پلید اعلام داشتند.

کیهان

۱۳۷۶/۴/۱۶ = ۷ جولای ۱۹۹۷

نامه‌ای به پدر دربندم

پدرم، سال‌هاست که در اسارت به‌سر می‌بری، و من، با همان یک قطعه عکسی که از تو دارم، خود را با تو، و در کنار تو احساس می‌کنم. آن عکسی که مرا در طفولیت به آغوش گرفته‌ای و برگونه‌ام بوسه می‌زنی.

تو را به جرم ایرانی بودن گرفته‌اند. هم‌زمان تو را هم. و امروزه، من این را خوب دریافته‌ام که نام ایران، و جوانان ایرانی، تا کجاها که نفوذ نکرده است. چه دل‌ها را که به شوق، و چه تن‌ها را که به لرزه درنیاورده است. و این، برایم افتخار آفرین است. یعنی از این‌که ایرانی‌ام، به خود می‌بالم. خوانده‌ام و شنیده‌ام که در سابق، مردم ما وقتی با یک اجنبی روبه‌رو می‌شدند، در خود احساس حقارت می‌کردند، اما حالا ورق برگشته است، نه این‌که ما احساس برتری کنیم، نه، بلکه وقتی تو را و یارانت را، به جرم ایرانی بودن دستگیر می‌کنند و سال‌های سال، بی‌خبر در زندان‌های اسرائیل نگه‌داری می‌کنند، به خود می‌گویم حتما پشت این ماجرا، خبرهایی باید باشد. و آن، حتما عزت و اعتباری است که به واسطه حیات دوباره اسلام در ایران، تجلی کرده است.

من و مادرم، و همه مردم ایران، به سربازانی چون تو و یاران مظلومت مباحثات می‌کنیم. شما سرفرازید و سال‌های متوالی زندان، هرگز از قدر و قیمت شما نخواهد کاست. به‌قول استاد مطهری، شیر، در زنجیر هم شیر است. پدرم، شاید تو هم به من حق می‌دهی که از وزارت خارجه خودمان گله کنم که چرا به قدر فلان کشوری که برای آزادی یک جهانگرد خود به آب و آتش می‌زند، برای رهایی شما چهارتن تلاش نکرد و گوش رسانه‌های جهان را از اسارت مظلومانه شما کر نکرد.

حال، این منم، فرزند تو رائد که از دور سلامت می‌گوید و برای رهایی شما چهاردلور، هر صبح و شام و هر بهانه دعا می‌کند. بارها و بارها از مادرم درباره تو سؤال کرده‌ام. از عشق و علاقه بی‌نهایت تو به امام، به انقلاب، به مظلومین جهان، و همیشه خود را با تو و در کنار تو حس کرده‌ام. می‌پرسی چرا؟ چون من هم مثل تو اقیانوسی از علاقه‌ام. به امام.

روزشمار گروگان‌گیری □ ۷۷

به انقلاب. به رهبرم. و من نیز چون تو، سفیر این انقلابم. آنها که تو را و یارانت را به بند کشیده‌اند، فکر می‌کنند سینه ایران را از وجود چهار عاشق خالی کرده‌اند. اما نه، این‌گونه نیست. اینجا، در ایران، عشق خود را تکثیر می‌کند. جای تو اگرچه در پیش ما خالی است، اما هزاران هزار عاشق دل‌باخته مثل تو، با علائق تو، صف در صف، مهیای رویایی با مشکلات انقلابند. برای رهایی و سلامتی‌تان دعا می‌کنم.

فرزندت رائد موسوی

کیهان

۱۳۷۶/۴/۲۱ = ۱۲ جولای ۱۹۹۷

جام می و خون دل

به بهانه ۵۴۸۱ شبانه روز اسارت کاظم اخوان و یارانش حسین بهزاد، در مقاله خود، به انتقاد از سکوت جامعه مطبوعاتی در قبال مسئله گروگان‌های ایرانی در لبنان، پرداخته است.

(ضمیمه ۱۵)

کیهان

مرداد ۱۳۷۶ = اوت ۱۹۹۷

برگزاری مراسم تجلیل از مقام رفیع خانواده‌های چهارگروگان مظلوم ایرانی

این مطلب، گزارش مفصلي است از مراسم شانزدهمین سالگرد در بند بودن چهارگروگان ایرانی که در مسجد امام حسن (ع) شهرک دولت‌آباد تهران برگزار شده است.

(ضمیمه ۱۶)

ماهنامه صبح

۱۳۷۶/۶/۱۴ = ۵ سپتامبر ۱۹۹۷

مردان ما زنده‌اند...

چهار دیپلمات ایرانی که ۱۵ سال پیش توسط نیروهای مزدور اسرائیل در شمال بیروت در پاسگاه بازرسی شبه‌نظامیان فالانژ ربوده شدند، زنده هستند. این مسئله را ایلی حبیقه اعلام کرده است. او اکنون یک وزیر لبنان است و در زمان ربوده شدن دیپلمات‌های ایران، مسئول بخش امنیت نیروهای لبنانی بود. حبیقه صریحاً اعلام کرده است دیپلمات‌های ایرانی هیچ‌گاه تحویل نیروهای او نشده‌اند و خبرهای مربوط به قتل این چهار نفر شایعاتی است که سمیر جعجع سرکرده نیروهای فالانژ علیه حبیقه به راه

انداخته است. اظهارات صریح حبیقه به عنوان یک دولتمرد لبنانی، روشنگر ماجرای است که اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها، تعدا آن را در هاله ابهام قرار می‌دهند و به عنوان نمونه آن را در لوای سوژه‌ای دروغین به نام ران آراد پنهان می‌سازند. اظهارات حبیقه دو نکته را آشکارتر می‌سازد:

۱- این آدم‌ربایی که در آن هر چهارتن، نه نظامی، بلکه دیپلمات هستند، ماجرای اسرائیلی است و طرف لبنانی نمی‌تواند با توجه به اظهارات ایلی حبیقه در آن دخالت داشته باشد. مانور اسرائیلی‌ها بر موضوع دروغین ران آراد نیز ارتباط بیشتر آنان را با این ماجرا نشان می‌دهد. ضمن این‌که در سیاست‌های تروریستی اسرائیل، آدم‌ربایی یک تکنیک رایج و شناخته شده است.

۲- سکوت آمریکا و محافل غربی در برابر این آدم‌ربایی، و علاوه بر این پنهان سازی نقش اسرائیل در این رابطه، بار دیگر نشان می‌دهد که موضوع تروریسم، و قربانیان تروریسم برای آمریکا یک موضوع گزینشی است. آنها از انسان‌ها دفاع نمی‌کنند، از برخی از انسان‌ها دفاع می‌کنند، و به همین دلیل بود که فرضا قربانیان ترورهای گواتمالای تحت سلطه آمریکا پس از سرنگونی «جاکوبو آربنز» در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ قربانیان بی‌ارزش بودند، اما ترور «جرزی پوبیلوسکو» کشیش طرفدار جنبش همبستگی در لهستان، که گفته شد توسط پلیس مخفی لهستان کشته شده، او را برای آمریکایی مخالف لهستان به یک قربانی با ارزش تبدیل ساخت و یا حتی به یاد آوردیم تجاوز اعضای گارد ملی السالوادور به چهار راهبه آمریکایی را که کاخ سفید به خاطر رابطه با رژیم سرکوبگر حاکم بر السالوادور، چشمان خود را بر روی این جنایت بست، و یا مقایسه کنید برخورد آمریکا را با فاجعه سرنگونی ایرباس ایران به دست میلیتاریست‌های مداخله‌گر آمریکا که به عامل این فاجعه مدال دادند و از دیگر سو برای سرنگونی هواپیمای مسافربری کره جنوبی به دست روس‌ها، چه بلوای طولانی و دامنه‌داری را به راه انداختند. آیا اظهارات حبیقه می‌تواند محافلی را که فلسفه وجودی آنها را مفهوم حقوق بشر شکل داده است، به حرکت وادارد؟ اهداف آمریکایی‌ها و ضرورت حفظ اسرائیل برای منافع نامشروع آمریکا در خاورمیانه، و همچنین آمیخته شدن مفهوم مقدس حقوق بشر با اغراض سیاسی و استفاده از آن به عنوان سپر مداخله‌گری آمریکا در جهان، دلیلی برای دل بستن به پاسخ

مثبت بر جای نمی‌گذارد. اما در عین حال نکته‌ای فراتر از این موارد وجود دارد: مردان ما تا ابد سندی زنده برای حقانیت ما باقی خواهند ماند.

یونس شکرخواه

کیهان

نیمه دوم شهریور ۱۳۷۶ = سپتامبر ۱۹۹۷

پرستوهای برباره

حمید داودآبادی در بازگشت از لبنان، خاطره «حاج عباس شمس» یکی از جوانان لبنانی، از آخرین دیدارش با چهارگروگان‌ایرانی در بعلبک و خداحافظی با آنان را تعریف کرده و ناب‌ترین اطلاعات را درباره آنان ارائه کرده است.

چهاردهم تیر ماه سال ۶۱ روزی بود غم‌انگیز که در منطقه مسیحی‌نشین برباره در سواحل آرام دریای مدیترانه، در سینه کش کوه‌های سبز و بلند در جاده ساحلی، سی‌چهل کیلومتری بیروت، حاجز (پست بازرسی) برباره که متشکل بود از نیروهای نظامی فالانژیست‌های مسیحی به ریاست ایلی حبیقه و فرماندهی نظامی سمیر جعجع. جلوی ماشین – بنزی با نمره سیاسی گرفته می‌شود که دو سه ماشین «الدرك» (پلیس‌لبنان) آنها را اسکورت می‌کرد. سرنشینان ماشین که کارت دیپلماتیک داشتند، می‌خواستند به سفارت ایران در منطقه بیروت غربی بروند. با وجود مصونیت سیاسی دیپلماتیک، نیروهای فالانژ آنها را به اسارت خویش درآوردند. اکنون که در آستانه نوزدهمین سالگرد این فاجعه و آدم‌ربایی بزرگ و فراموش شده هستیم، فرصتی دست داد تا سفری داشته باشم به لبنان. هنگامی که به منطقه برباره رفتم، باور این‌که حاج احمد و یارانش از همین‌جا به جاودانگی پیوسته‌اند، خیلی سخت بود. می‌خواستم زمین را که چه بسا عطر حاج احمد، موسوی، اخوان و رستگار را در خود داشت، ببوسم، ولی حیف که خجالت، مانع شد.

آنچه در پی می‌آید، گوشه‌ای است بس‌ناچیز از خاطره «حاج عباس شمس»، که در آخرین ساعات قبل از اسارت، با آنها هم‌کلام بوده است. نکته جالب توجه این است که غالب افرادی که درباره آخرین روزهای حاج احمد سخن گفته‌اند، همگی برای آخرین بار او را در دمشق دیده‌اند و برای اولین بار بود که به کسی برمی‌خوردم که گفت: «حاج احمد از دمشق آمد به بعلبک و از آنجا رفت به بیروت.» و یا این‌که پس از اسارت آنها چه عکس‌العملی توسط بچه‌های حزب‌الله لبنان انجام شد و... دیگر قضایا. خاطره زیر، ره‌آوردی است

از لبنان، همان دیاری که حاج احمد برای فریادری شیعیان و مظلومان آنجا شتافت و جاودانه شد، برای همزمان حاجی که با وجود گذشت هجده سال، هنوز هرگاه دور همدیگر جمع می‌شوند، آن‌گونه از حاج احمد صحبت می‌کنند که انسان ناخواسته احساس می‌کند که در محضر او نشسته است. حاجزبارة، برگسبزی است به پیشگاه همه همزمان حاجی و خانواده‌های معظم چهار اسیر مظلوم متوسلیان، رستگار، اخوان، موسوی. حمید داودآبادی

از وقتی که آن چهار نفر آمده‌اند، دلشوره عجیبی دارم. اولش از آمدن‌شان خیلی خوشحال شدم، ولی هنگامی که شنیدم می‌خواهند به بیروت بروند، حالت عجیبی بهم دست داده است. یکی دوبار بیشتر با حاج احمد برخورد نداشته‌ام، ولی با جذابیتی که او دارد، ناخواسته در دلم محبت خاصی نسبت به او می‌یابم. چهره مصمم و با ابهتی دارد. اصلاً ترس و هراس در وجودش راه ندارد. اگر جلوی بگویند انجام این کار خطر دارد، تبسمی می‌کند و خیلی جدي می‌گوید: «خب خطر دارد که دارد. همین. به همین سادگی. همه درخانه» سیدعباس موسوی» (دبیرکل سابق حزبالله لبنان که چند سال بعد در يك عملیات تروریستی، توسط هلی‌کوپترهای اسرائیلی، به همراه زن و فرزند خردسالش به شهادت رسید.) جمع می‌شویم. خانه سید در طبقه سوم یکی از کوچه‌های بعلبک، در سینه کش تپه قرار دارد. وقتی حاج احمد می‌گوید که عازم بیروت هستند، چهره همه دگرگون می‌شود. شوخی نیست. بیروت تحت اشغال صهیونیست‌هاست. آن مناطقی هم که به اصطلاح در دست آنها نیست، زیر نظر نیروهای فالانژیست مسیحی است. حاج احمد را به کناری می‌کشم. بدجوری هول کرده‌ام. وقتی می‌خواهم سعی کنم کاملاً فارسی صحبت کنم، زبانم گیر می‌کند. اصرارش می‌کنم، وضعیت بیروت را که برای او شرح می‌دهم، خودش بهتر از من با وضعیت آنجا آشناست. می‌گوید به دلیل مسدود بودن راه اصلی بعلبک به بیروت، قصد دارند از جاده طرابلس، از طرف شمال و منطقه جونیه وارد بیروت شوند. برایش توضیح می‌دهم که کل آن منطقه مسیحی‌نشین و تحت سلطه حزبکتاب مارونی‌هاست. ولی او فقط تبسمی تحویل می‌دهد. عزم‌شان را جزم کرده‌اند که بروند. حاجی می‌گوید که باید برای کسب اطلاعات هرچه بیشتر از وضعیت بیروت، وارد آنجا شوند. می‌روند که لباس‌هایشان را عوض کنند و با ظاهری عادی و شخصی حرکت کنند.

روزشمار گروگان‌گیری □ ۸۱

به سراغ سیدعباس می‌روم و از او می‌خواهم که جلوی آنها را بگیرد. خواسته او هم کاری از پیش نمی‌برد. حاج‌احمد خیلی در کارش جدي است. برای او حرف از خطر زدن مسخره است. همین‌طور ایستاده‌ام و نگاهش می‌کنم. سعی می‌کنم وقتی چشمم به چشمش می‌افتد، قیافه‌ام را ناراحت ناراحت نشان بدهم و بفهمانم که خواهش می‌کنم نروید خطر دارد بابا، خطر. می‌روند پایین. حوزه علمیه‌خواهران که در طبقه پایین قرار دارد، تعطیل است. لباس‌هایی را که برای‌شان فراهم می‌شود، به آنجا می‌برند تا بپوشند، و می‌پوشند. دقایقی بعد برمی‌گردند بالا. ایستاده‌ام کنار سیدعباس، دوباره به او می‌گویم: «سید شما يك كاري بكنيد.» ولي حاج احمد با همان جدیت می‌گوید: «مثلاً چه کاری؟ ما دیگر عازم هستیم، خداحافظ.»

دستم را که به طرفش دراز می‌کنم، سریع دست می‌دهد. دستش را می‌فشارم. ناگهان چشمم می‌افتد به پاهای حاج‌احمد، يك دفعه خنده‌ام می‌گیرد، حاجی تعجب می‌کند، رد نگاهم را می‌گیرد که می‌افتد روی پوتین‌های مشکی که در پاهایش خودنمایی می‌کنند. سعی می‌کنم بخندم. دست برشانه‌اش می‌زنم، به این امید که خودمانی‌تر شویم. به او می‌گویم: «باز هم می‌گویم نروید، ولي حالا که می‌خواهید بروید، آخر پوتین‌نظامی که با لباس‌شخصی جور در نمی‌آید.» خودش هم خنده‌اش می‌گیرد. می‌پرسد که باید چه کار کنم. یکی از بچه‌ها را می‌فرستم که يك جفت کفش‌کتانی اسپرت می‌آورد. حاجی پوتین‌هایش را درمی‌آورد و کفش‌ها را می‌پوشد. به پایش می‌خورد. بندهایش را محکم می‌کند و پاهایش را می‌کوبد زمین.

می‌روم جلو که خداحافظی کنم. دست‌هایم را بر شانه‌هایش می‌گذارم. بغض‌گلویم را می‌گیرد. برای آخرین‌بار می‌گویم: «باز هم می‌گویم نروید، ولي حالا که دارید می‌روید، خدا پشت و پناهتان خیلی مواظب باشید...» به این «درک‌ها» نمی‌شود اطمینان کرد.» و می‌روند. دو سه ماشین پاترول که نیروهای مسلح الدرک داخل آن هستند، آنها را اسکورت می‌کنند. دیگر از نظرها دور می‌شوند.

دلم يك پارچه آتش است. شب که می‌شود، با بی‌سیم با سفارت ایران در بیروت تماس می‌گیرم. انتظار دارم که خود حاجی پشت بی‌سیم صحبت کند. هنگامی که اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند و می‌گویند امروز کسی به سفارت نیامده است، دنیا

آوار می‌شود روی سرم. سریع تصور می‌کنم که چه شده است. بدون شک گیر افتاده‌اند. چون جاده شمال بیروت در دست فالانژیست‌هاست.

یک روز از رفتن حاج احمد گذشته است. خیلی کسبم. هرکاری که کردیم فایده نداشته است. ناگهان چشمان می‌افتد به ماشین های الدرک که روز قبل ماشین حاج احمد و دوستانش را اسکورت کرده‌اند. سریع می‌روم جلو. از فرمانده‌شان می‌پرسم که چه بلایی سر آنها آمده است، می‌گوید:

— به پست‌بازرسی برپاره که رسیدیم، نیروهای فالانژ جلوی ماشین را گرفتند. هر چه به آنها گفتند ما دیپلمات هستیم و می‌خواهیم به سفارت برویم، فایده نکرد. یکی دو ساعتی گذشت، ما همراه آنها مانده بودیم. فرمانده پست‌بازرسی مدام با بی‌سیم صحبت می‌کرد. ناگهان یکی از ایرانی‌ها با عصبانیت از ماشین پایین آمد و رفت به طرف فرمانده پست‌بازرسی و با پرخاش به او گفت: این چه برخوردی است که شما می‌کنید، ما دیپلمات هستیم و مصونیت سیاسی داریم، شما به چه حقی ما را دو ساعت اینجا نگه داشته‌اید، هر چه زودتر راه را باز کنید تا ما رد شویم.

فرمانده فالانژها با عصبانیت سر او فریاد زد و مجبورش کرد که سوار ماشین شود. بعد آمد پهلوی ما و گفت که برگردیم بعلبک. پرسیدیم که تکلیف آنها چه می‌شود؟ گفت آنها اسیر ما هستند و به شما مربوطی نیست. هر چه گفتیم که مسئولیت حفظ جان آنها با ماست، فایده نداشت. خیلی که پافشاری کردیم تا همراه آنها برگردیم بعلبک، فرمانده پست‌بازرسی به نیروهای تحت امرش دستور داد که اسلحه‌هایشان را رو به ما مسلح کرده و آماده شلیک شوند. بعد گفت: اگر تا چند دقیقه دیگر اینجا را ترک نکنید همه‌تان را خواهیم کشت و این شد که ما هم برگشتیم و آمدیم.

هفته‌نامه شلمچه

مهر ۱۳۷۶ = اکتبر ۱۹۹۷

چهارگروگان ایرانی زنده‌اند

ایلی حبیقه مسئول امنیت مزدوران فالانژ در زمان ربوده شدن چهارگروگان ایرانی و یکی از وزرای کابینه فعلی لبنان، درگفت‌وگو با هفته‌نامه عربی «الواسط»، ضمن تکذیب خبرهای مربوط به کشته شدن گروگان‌های ایرانی اعلام کرد: «این خبرها شایعاتی است که سمیرجعجع آنها را در آن زمان رواج داد. این چهار نفر هیچ‌گاه به افراد تحت امر من تحویل داده نشده‌اند.»

روزشمار گروگان‌گیری □ ۸۳

همچنین یکی از زندانیان فلسطینی آزاد شده از زندان عتلیت تل‌آویو، ضمن تماس با دفتر سازمان عفوبین‌الملل در لندن، تاکید کرد که در زمان اسارتش در زندان عتلیت، یک بار در سال ۱۹۹۵ (۱۳۷۴) گروگان‌های ایرانی را با چشمان خود دیده است.

لازم به ذکر است که قبل از اعلام سازمان عفوبین‌الملل، مادر تقي رستگار مقدم، در مصاحبه با شماره چهاردهم تیرماه امسال (۱۳۷۶) هفته‌نامه زن‌روز، به تماس تلفنی یک زندانی آزاد شده عرب با منزلشان که زنده بودن تقي را به اطلاعشان رسانید، اشاره کرده بود.

پدر تقي رستگار مقدم نیز امسال در مراسم تجلیل از مقام خانواده‌های چهارگروگان‌مظلوم ایرانی گفته بود: «قبل از صحبت‌های فروردین ماه امسال احمد حبیب‌الله، یک تلفن عجیبی از خارج کشور به خانه ما زده شد که یک نفر که با لهجه غلیظ عربی صحبت می‌کرد، گفت: تقي رستگار زنده و در اسرائیل زندانی، ما آزاد شدیم از اسرائیل و تلفن را تقي داد.»

ماهنامه صبح

۱۳۷۶/۹/۲۷ = ۱۸ دسامبر ۱۹۹۷

دیپلمات‌های ایرانی ر بوده شده در لبنان در يك بازداشتگاه اسرائيلي زنداني هستند

نشریه عرب‌زبان الوطن‌العربي چاپ فرانسه نوشت: «چهار ایرانی ر بوده شده در سال ۱۹۸۲ در لبنان، هم‌اینک در يك زندان اسرائیل زنده هستند.»

این نشریه در شماره اخیر خود نوشت: «در اطلاعاتی که از زبان یکی از اسرای فلسطینی که اسرائیل او را در چارچوب معامله‌ای با اردن آزاد نمود، نقل شده، آمده است: ایرانی‌هایی که در زمان تجاوز اسرائیل به لبنان ر بوده شدند، در چارچوب تبادل خدمات، در آن تاریخ به مقامات اسرائیلی تحویل داده شدند و آنها پس از ۳ سال حبس در زندان صرفند در سال ۱۹۹۲ (۱۳۷۱) به زندان نفجه انتقال یافتند، زندان نفجه که از دسترس رسانه‌های محلی و بین‌المللی و بازدیدهای نمایندگان کمیته صلیب‌سرخ به‌دور است، در سال ۱۹۸۰ در زمینی وسیع که اطراف آن را دیوارهایی محکم احاطه کرده است، بنا گردید. اسیر فلسطینی که با موقعیت این زندان به‌خوبی آشناست، می‌گوید: این زندان با طراحی خاص و با انگیزه جداسازی زندانیان از یکدیگر و تخریب روحی آنها ساخته شده است.»

سمیر جعجع فرمانده سابق نیروهای لبنانی که در آن تاریخ مسئول منطقه شمال بود گفت: «دیپلمات‌ها به دستور اسعد شفتري، معاون رئیس‌دستگاه امنیتی نیروها، در منطقه برباره بازداشت شدند و به زندان مرکزی نیروهای لبنانی در محله کرنیتینا انتقال یافتند.»
خراسان

۱۳۷۶/۱۲/۱۵ = ۵ مارس ۱۹۹۸

دیپلمات‌های ایرانی در بند رژیم صهیونیستی زنده می‌باشند

«المجد ۱۳/۱۱/۱۳۷۶»: منابع امنیتی تشکیلات خودگردان فلسطین اعلام کردند که چهار دیپلمات ایرانی که در سال ۱۹۸۲ هنگام اشغال لبنان توسط نیروهای رژیم صهیونیستی به اسارت این نیروها درآمده‌اند، هم‌اکنون دریکی از بازداشتگاه‌های صهیونیستی نگه‌داری می‌شوند. این منابع فلسطینی اعلام نمودند چهار دیپلمات ایرانی هم‌اکنون زنده بوده و در زندان نفحه واقع در ۹۵ کیلومتری مرز مصر با فلسطین اشغالی به‌سر می‌برند. این زندان به‌طور دقیق بین مناطق «بئر السبع» و «ایلات» قرار دارد. به گفته این منابع، چهار دیپلمات ایرانی از سال ۱۹۹۲ پس از گذراندن سه سال حبس در زندان صرفند به زندان نفحه منتقل گردیدند، ولی از شرایط و محل بازداشت آنها قبل از این مدت خبری ندارند. این زندان در سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) در زمینی وسیع با دیوارهای مستحکم ساخته شد. هدف از ساخت این زندان، تخریب روحیه زندانیان و جدا ساختن کلی آنها از جهان می‌باشد، به نحوی که زندانی پس از ورود به آنجا دیگر امید برای دست یافتن به آزادی را به‌کلی از دست می‌دهد.

سلول‌های این زندان دارای سقف‌های بسیار کوتاهی بوده و عرض هر کدام کمتر از نیم‌متر می‌باشد به نحوی که آنها را مبدل به قبرهایی ساخته است که در امتداد یک تونل کشیده شده‌اند. در انتهای تونل نورگیر کوچکی وجود دارد که از طریق آن، نور خورشید وارد تونل می‌گردد. این نورگیر با انواع و اقسام وسایل حفاظتی پوشیده گردیده و نوارهای برقی نیز دور آن را فراگرفته است، به نحوی که هرکسی دستش به آن بخورد، درجا کشته می‌شود. این نورگیر تنها راه ارتباط زندانیان با جهان بیرون می‌باشد و از این طریق که تحت محافظت شدید دوربین‌های حفاظتی می‌باشد، به زندانیان غذا داده می‌شود.

ماهنامه نداء القدس

سال ۱۳۷۷ هـ ش
۱۹۹۸ - ۱۹۹۹ م

۱۳۷۷/۴/۱۴ = ۵ جولای ۱۹۹۸

سرمقاله

این روزنامه، سرمقاله خود را به موضوع گروگان‌های ایرانی در لبنان، اختصاص داده است.

جمهوری اسلامی

۱۳۷۷/۴/۱۵ = ۶ جولای ۱۹۹۸

ایران از لبنان خواست پرونده دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی را پی‌گیری کند

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در بیانیه‌ای به مناسبت شانزدهمین سالگرد ربوده شدن چهارتن از اتباع و دیپلمات‌های ایرانی توسط عمال رژیم صهیونیستی در لبنان، از دولت این کشورخواست این پرونده را مورد اهتمام ویژه قرار دهد. در این بیانیه که دیروز منتشر شد، از دولت لبنان به عنوان میزبان افراد یاد شده در سال ۱۳۶۱ خواسته شده است تا «باعنایت به شرایط موجود در آن کشور که امکان تحقیق و بازرجویی از تعدادی از رهبران و مسئولین این اقدام جنایتکارانه فراهم می‌باشد، این پرونده را مورد اهتمام ویژه قرار داده و جمهوری اسلامی و خانواده‌های محترم این عزیزان را در جریان تفصیلی این حادثه و سرنوشت آنان قرار دهد.»

در این بیانیه تصریح شده است: «محافل صهیونیستی و نیروهای وابسته به آنان، در ۱۶ سال گذشته تلاش بسیاری کرده اند تا پرونده این اتباع ایرانی بسته شود، لیکن شواهد و دلایل متعدد از زنده بودن این عزیزان و بویژه انتقال آنان به اسرائیل حکایت می‌کند.»

وزارت امور خارجه در این بیانیه یاد و خاطره این عزیزان در بند را گرامی داشته و سیاست‌های تروریستی صهیونیستی را عامل به درازا کشیدن وضعیت نامعلوم سرنوشت آنها عنوان کرده است.
جمهوری اسلامی

نیمه دوم تیر ۱۳۷۷ = جولای ۱۹۹۸

به یاد سردار رشید اسلام حاج احمد متوسلیان

محمدعلی صمدی در این مقاله مفصل، به شرح خاطراتی از هم‌زمان حاج احمد متوسلیان پیرامون حضور او در صحنه های نبرد با ضدانقلابیون در کردستان و نقش او در عملیات مختلف رزمندگان اسلام و همچنین چگونگی اسارت وی به همراه سه نفر دیگر در لبنان، پرداخته است.
هفته‌نامه شلمچه

۵۸۴۰ روز گذشت، آقای خاتمی! آیا به فکر گروگان‌ها هستید!؟

حمید داودآبادی، در این نامه خطاب به سید محمد خاتمی رئیس‌جمهوری، نسبت به عدم پی‌گیری‌های دولت وی درباره گروگان‌های ایرانی، انتقاد کرده است.
(ضمیمه ۱۷)

هفته‌نامه شلمچه

۱۳۷۷/۴/۱۷ = ۸ جولای ۱۹۹۸

اهدای لوح تقدیر به خانواده‌های چهارگروگان ایرانی در زندان‌های اسرائیل

شانزدهمین سالگرد ربوده شدن چهار ایرانی توسط مزدوران رژیم صهیونیستی در لبنان، هم‌زمان با دهمین سالروز فاجعه سقوط هواپیمای مسافربری ایران توسط ناو آمریکا، با حضور خانواده‌های اسرای یاد شده، جمعی از شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی و اقشار مختلف مردم، در تهران برگزار شد. در این مراسم که طی روزهای ۱۳ تا ۱۵ تیرماه در مسجد امام حسن مجتبی (ع) واقع در شهرک دولت آباد شهرری برگزار شد، سیدرئیس موسوی - فرزند سید محسن موسوی کردار و وقت ایران در لبنان - طی سخنانی خواستار توجه مجامع بین‌المللی نسبت به سرنوشت گروگان‌های ایرانی در زندان‌های مخوف رژیم صهیونیستی شد.

روزشمار گروگان‌گیری □ ۸۷

در این مراسم همچنین لوح تقدیری به پاس ۱۶ سال مقاومت صبورانه به خانواده‌های گروگان‌های ایرانی اهدا شد.

رژیم صهیونیستی ابتدا انتقال چهار ایرانی ربوده‌شده به فلسطین اشغالی را تکذیب کرد اما در پی گسترش دامنه اعتراض محافل داخلی کشورمان و همچنین انتشار گفته‌های زندانیان آزاد شده فلسطینی، مشخص شد که آنان در یکی از زندان‌های مخوف رژیم صهیونیستی به نام عتلیت واقع در شمال تل‌آویو نگهداری می‌شوند. چندی پیش نیز احمد حبیب‌الله - دبیرکل انجمن حمایت از زندانیان خارجی در فلسطین اشغالی - و همچنین سازمان عفو بین‌الملل، طی گزارش‌های جداگانه از زنده بودن گروگان‌های ایرانی خبر داده‌اند.

هفته‌نامه کیهان هوایی

۱۳۷۷/۴/۲۰ = ۱۱ جولای ۱۹۹۸

احتمال آزادی چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی توسط صلیب‌سرخ جهانی وجود دارد

محافل رسانه‌ای لبنان، طی چند روز اخیر از احتمال آزادی چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی که در دست رژیم صهیونیستی اسیرند، خبر داده‌اند. رادیو «صوت الشعب» وابسته به «حزب کمونیست لبنان»، با اشاره به مبادله پیکرهای شهدای مقاومت اسلامی و اسرای لبنانی با بقایای اجساد نظامیان اسرائیل، تصریح کرد: «این بار نوبت مبادله چهار دیپلمات اسیر ایرانی است.»

این رادیو سپس از ملاقات و مذاکره «ژان ژاک فریز» نماینده کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ، با دبیرکل حزب‌الله، همچنین وزیر امور خارجه لبنان خبر داد و از آن به عنوان فعالیت‌های پشت‌پرده درباره مرحله جدید مبادله گروگان‌های لبنانی و اسرائیلی یاد کرد. این رادیو همچنین خبر از احتمال آزادی رون آراد خلبان اسرائیلی داد. در همین حال روزنامه لبنانی «الدیار» نیز به نقل از محافل امنیتی و حزبی در بیروت اعلام کرد که فعالیت‌هایی جهت تبادل دیپلمات‌های ایرانی در جریان است. این روزنامه در ادامه می‌نویسد: «برغم این‌که رژیم صهیونیستی تاکنون به‌طور رسمی در این باره اعتراف نکرده است، اما اظهارات سخن‌گویی اداره زندان‌های

اسرائیل مبني بر وجود ۱۲۰ زنداني عرب و سه ايراني به همراه راننده آنان، مابين انتقال اين افراد از لبنان به فلسطين اشغالي است.»
ازسوي ديگر، يك منبع مطلع در وزارت امور خارجه كشورمان گفت: «تهران از مذاكرات مقامات لبناني با مسئولين صليب سرخ جهاني براي آزاد شدن چهارديپلمات ايراني استقبال مي‌كند.»

كیهان

۱۳۷۷/۴/۲۲ = ۱۳ جولای ۱۹۹۸

آيا حاج احمد و يارانش آزاد مي‌شوند ؟

آيا چهار ايراني ربوده شده، بخشي از سومين مرحله مبادله اسرار خواهند بود؟

روزنامه لبناني الديار با طرح سوالي مبني بر اينكه آيا موضوع چهار ايراني ربوده شده با سرنوشت ران آزاد خلبان اسرائيلي كه در سال ۱۹۸۶ هواپيمايش به هنگام بمباران لبنان سقوط كرد ارتباط پيدا کرده است، مي‌نويسد: «ارتباط ميان اين دو موضوع نمي‌تواند منطقي باشد، زيرا اسرائيل به هر وسيله‌اي براي آزادي آزاد تلاش مي‌كند و به همين دليل اقدام به ربودن شيخ عبدالكريم عبید و مصطفي دیراني كرد.»

اين روزنامه لبناني مي‌افزايد: «پرسش‌هايي در محافل سياسي لبنان درباره اجراي عمليات مبادله تازه ميان دولت لبنان و رژيم صهيونيستي در آينده نزديك مطرح است. بويژه آن‌كه اسرائيل دو روز پيش در مورد بيست زنداني لبناني از جمله عبدالكريم عبید و مصطفي دیراني تصميماتي اتخاذ كرد كه جزئيات آن فاش نشد.»

هفته‌نامه شلمچه

۱۳۷۷/۴/۲۳ = ۱۴ جولای ۱۹۹۸

داداش جون! چرا چوب به خاکستر دلم زدي ؟

«امير حسين انبارداران» در پاسخ به مقاله‌اي كه حسين بهزاد در روزنامه كيهان به چاپ رسانده و نسبت به برخوردها و اخبار متفاوت درباره وضعيت گروگان‌هاي ايراني در بيروت اظهار نگراني کرده بود، اين مقاله را نوشته و به شرح برخي دل‌نگراني‌هاي خويش در اين رابطه پرداخته است.

هفته‌نامه فرهنگ‌آفرينش

۱۳۷۷/۵/۲۶ = ۱۷ اوت ۱۹۹۸

اندوهگين مباش

روزشمار گروگان‌گیری □ ۸۹

«علیرضا میرزایی» نویسنده مقاله، با اشاره به وضعیت پیش آمده برای دیپلمات‌های ایرانی در شهر مزارشریف افغانستان، نسبت به بی‌توجهی درباره چهار دیپلمات ایرانی در لبنان، انتقاد کرده است.
توس

نیمه اول شهریور ۱۳۷۷ = سپتامبر ۱۹۹۸

آیا حاج‌احمد زنده است؟

«محسن رضایی» فرمانده سابق سپاه پاسداران، در مصاحبه اختصاصی با نشریه شلمچه، به سوالات پیرامون حاج‌احمد متوسلیان این‌گونه پاسخ داده است:
شلمچه: آقای رضایی، حاج‌احمد متوسلیان و همراهانش به نظر شما زنده هستند یا نه؟

رضایی: اخیراً همین دیروز با یکی از عرفا جلسه‌ای داشتیم که ایشان می‌گفتند که زنده است و در لبنان است.

شلمچه: چرا اسرائیل در مورد رون‌آراد این همه تلاش می‌کند، ولی ما در مورد اینها اقدام نمی‌کنیم؟ آنها در دنیا هوچی‌گری بسیار می‌کنند. چرا ما تلاش نمی‌کنیم؟

رضایی: خب نمی‌دانم. بالاخره دوستانی که مسئولند به نظر من باید تلاش بیشتری بکنند برای اینکه حاج‌احمد خیلی خدمت کرده به این انقلاب، خیلی زحمت کشیده است.

شلمچه: یعنی شما پی‌گیر این مسئله هستید؟

رضایی: من در وسع خودم حتی دیگر به عرفا هم متوسل شدم. همین دیروز اتفاقاً ایشان در خانه ما بود، چون ایشان راضی نیست، اسم نمی‌آورم. من خیلی عقیده به این چیزها ندارم، مگر این‌که برایم مسلم باشد، اما ایشان انسان قابلی هستند، ایشان این را گفتند و من هم آرزویم این است که يك بار دیگر حاج‌احمد را بغل کنم و او را ببوسم.»

هفته‌نامه شلمچه

۱۳/۱۲/۱۳۷۷ = ۳ مارس ۱۹۹۹

جهان همچنان خاموش است!

این مقاله به مناسبت دو‌یستمین‌ماه اسارت دیپلمات‌های ایرانی در زندان‌های صهیونیستی توسط گروه سیاسی این روزنامه نوشته شده است. در این مقاله به صحبت‌های احمد حبیب‌الله درباره زنده بودن این چهار گروگان استناد شده است.

ایران

دیپلمات‌های ایران همچنان در اسارت به‌سر می‌برند

درحالی که دویست‌ماه از ربوده شدن سه تن از دیپلمات‌های ایرانی و خبرنگار و عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی به دست نیروهای صهیونیستی در لبنان می‌گذرد، همچنان مدعیان حقوق‌بشر در برابر این اقدام ضدانسانی سکوت نموده و رژیم صهیونیستی نیز از دادن پاسخ طفره می‌رود. وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با آگاهی از این حادثه، تلاش‌های پی‌گیر و همه‌جانبه‌ای را برای اطلاع از سرنوشت دیپلمات‌ها و خبرنگار ایرانی آغاز کرد. ایران که بنا به دلایل مختلف، مطمئن بوده و هست که اتباعش زنده هستند، بارها از طریق سازمان ملل متحد، صلیب سرخ جهانی، کمیته حقوق بشر، مجالس کشورها و سازمان‌های خصوصی فعال در این راستا، روسا و مقام‌های بلندپایه سوریه و لبنان و دستگاه‌های ذیربط در این کشورها، خواستار آزادی آنان شده است.

جوان

۱۳۷۷/۱۲/۱۵ = ۵ مارس ۱۹۹۹

یادبود دویست‌مین‌ماه اسارت ۴ دیپلمات ایرانی در بند رژیم صهیونیستی برگزار شد

ازسوی موسسه فرهنگی‌عاشورا، مراسمی به مناسبت دویست‌مین‌ماه اسارت چهارگروگان ایرانی، در «فرهنگسرای خاوران» تهران برگزار شد. در این مراسم که خانواده‌های محترم جاویدالآثرها حاج احمد متوسلیان، تقی رستگارمقدم، کاظم اخوان و سیدمحسن موسوی حضور داشتند، سردار «نقدي» فرمانده حفاظت و اطلاعات نیروی انتظامی، با یادآوری رشادتهای حاج احمد متوسلیان در جبهه‌های غرب و جنوب کشور گفت: «ای‌کاش امروز دستگاه‌های فرهنگی و تبلیغاتی ما رسالت سنگین خودشان را در معرض این الگوها و اسوه‌های بزرگ ملت به انجام می‌رساندند. در تمام دنیا اگر فردی از یک کشور به قصد دفاع از مظلومان به دیگر نقاط دنیا کوچ کند، از آن فرد اسطوره‌ای می‌سازند و آن را پرچم ملی خود می‌سازند، و این در حالی است که کوچکترین اثری از ارزش‌های وجودی امثال سردار متوسلیان و هم‌زمانش را در آنها نمی‌توان یافت. آنها با حضور خود در عرصه دفاع از اسلام و مظلومان، عرصه نوینی در جهاد بین‌المللی اسلام بنا کردند و ای‌کاش

می‌توانستیم تکلیف خود را در معرفی آنها به جامعه و نسل جدید به انجام برسانیم.»

در ادامه این مراسم، فرزند رشید جاویدالآثرسیدمحسن موسوی، با اشاره به کوتاهی رسانه‌های کشور در انعکاس خبرهای مربوط به گروگان‌های دربند رژیم صهیونیستی، اظهار داشت: «چندی پیش یک روزنامه اردنی نوشته بود که اخیراً گروگان‌های ایرانی به زندانی در شمال اسرائیل منتقل شده‌اند که دارای شرایطی سخت و نامطلوب است. این در حالی بود که هیچ خبری در این زمینه در نشریات داخلی به چشم نمی‌خورد و این خبر چاپ شده در روزنامه اردنی، بعد از یک ماه توسط دوستان پدرم در لبنان برای ما ارسال شد. با توجه به شواهد و قرائن، ما مطمئن هستیم که این عزیزان قطعاً زنده هستند و کسانی که می‌گویند آنها شهید شده‌اند یا می‌خواهند سلب مسئولیت کنند و یا غرض ورزی دارند.»

وی با اشاره به این‌که حرکت پدر و همراهانش نشان‌دهنده دیپلماسی اسلامی است، گفت: «دیپلماسی اسلامی با جهاد و تعهد همراه است و با پشت میز نشستن و گفت‌وگو کردن کاری از پیش نخواهیم برد.»

سید رائد موسوی در پایان خاطرنشان ساخت: «ما وظیفه داریم مسئله این عزیزان را پی‌گیری کنیم و ببینیم چه راه آزادی آنها می‌توانیم انجام دهیم. آنها ۴ دیپلمات ایرانی بودند و دیپلمات‌های ایران اسلامی نشان‌گر عزت و اقتدار جمهوری اسلامی هستند.»

در ادامه این مراسم «حاج حسین الله‌کرم» و «حاج عباس برقی» به بیان گوشه‌هایی از رشادتها و نحوه اسارت این عزیزان پرداختند. در پایان، شاعر متعهد برادر محمدرضا آقاسی اشعاری را قرائت کرد و به رسم یادبود لوح تقدیری به خانواده‌های محترم جاویدالآثرها اهدا شد.

روزنامه قدس

۱۳۷۷/۱۲/۱۶ = ۶ مارس ۱۹۹۹

کاظم اخوان را به دنیا بشناسانیم

«کریم ارغنده‌پور» در این مقاله، به سفر خبرنگاران ایرانی به آمریکا و سوال آنان از «کمیتة حمایت از روزنامه نگاران» آن کشور درباره کاظم اخوان اشاره کرده و از این‌که چرا جامعه جهانی نسبت به این مسئله بی‌اهمیت است، انتقاد می‌کند.

(ضمیمه ۱۸)

٩٢ □ كمين جولاي ٨٢

سلام

سال ۱۳۷۸ هـ ش
۲۰۰۰ - ۱۹۹۹ م

خرداد ۱۳۷۸ = ژوئن ۱۹۹۹

حاج احمد متوسلیان شهید شده

مصاحبه اختصاصی با حجت‌الاسلام اختری سفیر اسبق ایران در دمشق حمید داودآبادی، در مصاحبه اختصاصی با حجت‌الاسلام «اختری» سفیر اسبق ایران در دمشق، از او درباره وضعیت گروگان‌ها پرسیده، که او نیز خبر شهادت آنان را اعلام کرده است.

(ضمیمه ۱۹)

ماهنامه فکه

خرداد ۱۳۷۸ = ژوئن ۱۹۹۹

از چهارگروگان ایرانی چه خبر

حمید داودآبادی در مصاحبه‌ای اختصاصی که آبان سال ۱۳۷۷ در بیروت با حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان داشته، از او درباره گروگان‌های ایرانی پرسیده و جواب گرفته است:

– از چهارگروگان ایرانی، حاج‌احمد متوسلیان و همراهانش خبری نشده است؟

سیدحسن نصرالله: نخیر هیچ خبری نیست.

– این بحث‌هایی که اخیراً در مطبوعات درباره تبادل آنها پیش آمده چیست؟

سیدحسن نصرالله: نه. هیچ هیچ خبری نیست.»

ماهنامه فکه

۱۳۷۸/۳/۲۲ = ۱۲ ژوئن ۱۹۹۹

با اسرائیل وارد جنگ خواهیم شد!

بخش‌هایی از سخنان حاج احمد متوسلیان فرمانده قوای محمدرسول‌الله (ص) خطاب به رزمندگان اعزامی ایرانی در پادگان «زبدانی» سوریه، در تاریخ جمعه ۱۳۶۱/۳/۲۸، به مناسبت سالروز اعزام این نیروها، درج شده است. هفته‌نامه جبهه

توجه! توجه! حاج احمد شهید شده

«فرشاد گلزار» در این مقاله با عنوان فرعی «بیشتر از چند کلمه درباره مسافر بی‌بازگشت حاج احمد متوسلیان» با ارائه دلایلی، نسبت به شهادت گروگان‌های ایرانی در لبنان اعلام موضع کرده و خواسته است که هرچه سریع‌تر تکلیف آنها روشن شود و بیش از این خانواده‌ها را چشم‌انتظار نگذارند. (ضمیمه ۲۰)

هفته‌نامه جبهه

۱۳۷۸/۴/۸ = ۲۹ ژوئن ۱۹۹۹

هیئتی را مامور پی‌گیری قضیه دیپلمات‌های ایرانی دربند رژیم صهیونیستی کنید

در آستانه هفدهمین سالگرد ربوده شدن ۴ دیپلمات ایرانی توسط مزدوران رژیم صهیونیستی، موسسه فرهنگی عاشورا با ارسال نامه‌ای به رئیس‌جمهوری، خواستار تعیین هیئتی برای پی‌گیری آزادی آنان شد. در این نامه خطاب به رئیس‌جمهوری آمده است: «قطعاً مطلعید که روزهای اخیر تعدادی جاسوس که به نفع رژیم صهیونیستی اسرائیل در ایران اسلامی فعالیت می‌کردند، از سوی سربازان گمنام امام زمان (عج) بازداشت شده‌اند و در این میان بنگاه‌های خبرپراکنی وابسته به محافل صهیونیستی، تبلیغات وسیعی را به منظور سرپوش نهادن بر عملیات جاسوسی رژیم اشغالگر قدس آغاز کرده‌اند. این موضوع در حالی است که افکار عموم بین‌المللی از جنایات بی‌شمار رژیم صهیونیستی در بمباران و کشتار مردم لبنان و فلسطین، سیاست توسعه شهرک‌سازی برای صهیونیست‌ها و ترور رهبران بلندپایه مبارزان مسلمان همچون شهیدان سیدعباس موسوی و فتحي شقايي و ده‌ها نفر دیگر، مطلع است و صهیونیست‌ها نیز به خوبی آگاهند که ماجرای بازداشت ۱۳ جاسوس اسرائیلی می‌تواند ضربه مهلکی بر حضور دیگر جاسوسان این رژیم در کشورهای مسلمان منطقه خصوصاً خاورمیانه و آسیای میانه وارد سازد.»

در پایان این نامه خاطرنشان شده است: «با توجه به اینکه در آستانه هفدهمین سالگرد ربوده شدن ۴ گروگان ایرانی قرار داریم، ضروری است به منظور تحقق خواست ملت بزرگ ایران که همانا آزادی فرزندان‌شان از چنگال رژیم غاصب‌صهیونیستی است، هیئتی را جهت تحقیق و پی‌گیری این موضوع تعیین کرده و این هیئت در اولین فرصت، نتایج پی‌گیری‌های خود را به اطلاع مردم چشم‌انتظار ایران برساند.»

کیهان

۱۳۷۸/۴/۹ = ۳۰ ژوئن ۱۹۹۹

۱۸ سال انتظار

این مقاله که به نقل از کتاب «درانتهای‌افق» نوشته حسین بهزاد به چاپ رسیده است، به وقایع و اتفاقات منجر به اسارت چهارگروگان ایرانی در لبنان می‌پردازد.

اکنون ۱۸ سال است که در اسارت چنگال‌های صهیونیستی به‌سرمی‌برند. یادشان را گرامی می‌داریم و به انتظار بازگشت سرافرازانه‌شان چشم‌انتظار به راهی می‌دوزیم که مطمئنیم از آن راه برخوانند گشت. روایت زیرگوشه‌ای از آخرین لحظات این چهار سردار است:

صبح روز چهاردهم تیرماه سال ۱۳۶۱، حاج‌احمد متوسلیان آماده حرکت شده بود. از آن‌جا که سفر مزبور با توجه به ماهیت آن و همراه بودن کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران، مأموریتی غیرنظامی و دیپلماتیک محسوب می‌شود، مقرر گشت تا خودروی سفارت، بدون اسکورت مسلح‌نظامی و تنها به همراه گاردلبنانی سفارت ایران رهسپار بیروت شود. به پیشنهاد حاج‌احمد و موافقت آقای موسوی، قرار شد تقی رستگارمقدم، رزمنده مخلص که معمولاً در ایران مسئولیت رانندگی خودروی حاج‌احمد را برعهده داشت، هدایت اتومبیل سفارت را در سفر به بیروت جنگزده برعهده بگیرد. از دیگر سو، آقای کاظم اخوان، عکاس و خبرنگار شیردل خبرگزاری جمهوری اسلامی که از ابتدای عملیات الی‌بیت‌المقدس تا لحظه فتح خرمشهر و از آن‌جا تا روز ورود به سوریه، همه جا دوشادوش رزمندگان تیپ ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) حضور فعال داشت و عکس‌های زیبایی دشت کرده بود، خواستار همراهی با هیئت اعزامی در این سفر، جهت تهیه عکس و گزارش برای رسانه‌های گروهی ایران شد. در پی موافقت آقای موسوی با این درخواست، همگی آماده حرکت شدند.

«حاج سعید قاسمی» می‌گوید: «در آن دقایق آخر، هرچه اصرار کردیم بی‌فایده بود. رفتیم پیش حاج همت به او گفتم: در این شرایط، بیروت شده لانه گرگ‌ها، حاج احمد از تو حرف شنوی دارد، یک کاری بکن نگذار برود.

حاج همت که خودش از ما هم کلافه‌تر بود گفت: مگر تو احمد را نمی‌شناسی؟ از تصمیمی که بگیرد، بر نمی‌گردد. گفتم: حالا بیا با هم پیش حاجی برویم، بلکه خدا خواست و منصرفش کردیم. با همت رفتیم پیش حاجی. گفتم: حاج آقا! ما کوچیک شماییم. بگذارید ما به‌جای شما به این مأموریت برویم... انگار نه انگار، اصلاً توجهی نکرد. فقط آن نگاه عمیق و گیرای خودش را برای آخرین بار به ما هدیه کرد و گفت: «برادر... دلتان با خدا باشد، به او توکل کنید. هر چه مشیت خدا باشد، همان می‌شود، خدا حافظ.»

در ساعت ۱۲/۳۰ دقیقه ظهر روز چهاردهم تیرماه سال ۱۳۶۱، اتومبیل سفارت جمهوری اسلامی ایران در لبنان، حین عزیمت به بیروت، در یک پست ایست‌بازرسی متعلق به شبه‌نظامیان مارونی حزب‌کتاب، موسوم به حاجزبرباره (به فاصله ۴۰ کیلومتری بیروت در جاده طرابلس - بیروت) متوقف و ۴ سرنشین خودروی مزبور، برغم مصونیت دیپلماتیک به همراه گارد لبنانی سفارت ایران، دستگیر و توسط تروریست‌های تحت امر رژیم تل‌آویو به گروگان گرفته می‌شوند. ۲۴ ساعت بعد از این واقعه، فالانژها اعضای گارد لبنانی سفارت ایران را به نقطه نامعلومی منتقل می‌نمایند.

رسالت

۱۳۷۸/۴/۱۴ = ۵ جولای ۱۹۹۹

صهیونیست‌ها انقلاب اسلامی را بزرگترین دشمن خود می‌دانند

فرزند یکی از دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی در لبنان گفت: «صهیونیست‌ها انقلاب اسلامی را بزرگترین دشمن و خطر واقعی برای خود می‌دانند و از این جهت از ضربه زدن به ایران اسلامی ابایی ندارند.»

وی که هم‌اکنون دانشجوی مهندسی کامپیوتر دانشگاه تهران است، اضافه کرد: «انتظار ما به عنوان خانواده گروگان‌های ایرانی این است که با جدیت بیشتر این مسئله از سوی مسئولان کشورمان دنبال شود، زیرا مسئله مربوط به چند نفر نمی‌شود، بلکه اعتبار و حیثیت نظام جمهوری اسلامی مطرح است و بایستی نشان داد که دولت ایران نسبت به سرنوشت اتباع خود و بخصوص دیپلمات‌هایش حساس است.»

وي گفت: «صهیونیستها اخیراً برای دریافت اجساد سه‌سرباز متجاوز خود که در جنوب لبنان کشته شده بودند، زمین و زمان را به هم دوختند و به هردري زدند، پس ما نباید نسبت به سرنوشت دیپلمات‌هایمان حساس باشیم؟»

وي در مورد آخرین اطلاعات مربوط به سرنوشت دیپلمات‌های ربوده‌شده خاطرنشان کرد: «آخرین اطلاعات ما، مربوط به سخنان احمد حبیب‌الله رئیس‌کمیته دفاع از زندانیان در شهر ناصره در فلسطین اشغالی است که چندین بار اظهار داشته دیپلمات‌های ایرانی زنده و در فلسطین اشغالی محبوس هستند و سخنان وي نیز در این مدت بارها از سوی خبرگزاری‌های بین‌المللی به اقصی نقاط جهان مخابره شده است. اخیراً یکی از همدستان نزدیک ایلی حبیقه به نام «روبیر[روبرت] مارون حاتم» معروف به «کبرا»، کتابی با عنوان «از اسرائیل به دمشق» در اروپا منتشر کرده و گفته است که ایرانی‌ها تا سال ۱۹۸۶ در بازداشت بوده و پس از آن همراه با صدها جوان مسلمان شیعه لبنانی قتل‌عام شده و در محوطه مرکز نظامی فالانژها دفن شده‌اند. سوال من این است که اگر آنها تا سال ۱۹۸۶ (چهارسال پس از ربوده شدن) زنده بوده‌اند، چه دلیلی دارد که پس از آن به قتل برسند، مضافاً بر این‌که آنها دیپلمات خارجی بوده و مصونیست دیپلماتیک داشته‌اند و اطلاعات جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که در آن سال (۱۹۸۶) به دلیل بروز جنگ‌های داخلی بین جناح مسیحی لبنان، دیپلمات‌های ایرانی از طریق بندر جونیه به اسرائیل منتقل شده‌اند، ولی بالاخره باید سرنوشت آنها روشن شود.»

کیهان

رژیم صهیونیستی باید بدون هیچ قید و شرطی دیپلمات‌های ایرانی ربوده‌شده را آزاد کند

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، با صدور بیانیه‌ای به مناسبت هفدهمین سالگرد ربوده‌شدن اتباع و دیپلمات‌های ایرانی به دست صهیونیستها در لبنان، تأکید کرد شواهد متعددی حاکی از زنده بودن اتباع و دیپلمات‌های ایرانی و انتقال آنها به فلسطین اشغالی است. به گزارش اداره کل اطلاعات و مطبوعات وزارت امور خارجه، متن این بیانیه به شرح ذیل است: «چهاردهم تیرماه ۷۸، سالگرد ربوده شدن چهارتن از اتباع و دیپلمات‌های ایرانی توسط عمال رژیم صهیونیستی است. هفده سال پیش، به هنگام

تجاوز نظامی ارتش صهیونیستی به خاک‌لبنان و اشغال بیروت، چهارتن از اتباع و دیپلمات‌های ایرانی، در یک پست‌بازرسی متعلق به عمال رژیم صهیونیستی در شمال بیروت، متوقف و ربوده شدند. بلافاصله پس از وقوع این حادثه تاسفبار، جمهوری اسلامی ایران اقدامات متعدد و گسترده‌ای را برای آزادی این عزیزان به عمل آورد که متأسفانه نتیجه‌ای گرفته نشد و از آن تاریخ تاکنون، وزارت امور خارجه با تلاشی پی‌گیر کوشیده است سرنوشت اتباع و دیپلمات‌های ایرانی را روشن و نسبت به آزادی آنها اقدام نماید. طی این سال‌ها، محافل صهیونیستی و نیروهای وابسته به آنان، تلاش کرده‌اند تا پرونده این آدم‌ربایی بسته و به فراموشی سپرده شود، لیکن شواهد متعدد حاکی از زنده بودن ایشان و انتقال آنها به فلسطین اشغالی است. وزارت امور خارجه، در هفدهمین سالگرد ربوده شدن چهار تن از اتباع و دیپلمات‌های ایرانی، با دعوت از کلیه مجامع و محافل بشردوست برای تلاش‌های انسان‌دوستانه به منظور روشن شدن سرنوشت اتباع و دیپلمات‌های ایرانی، نکات زیر را مورد تأکید قرار می‌دهد:

- ۱- ربوده شدن دیپلمات‌های جمهوری اسلامی ایران در بیروت، غیرقانونی بوده و در مخالفت با مقررات و مفاد کنوانسیون‌های بین‌المللی است.
- ۲- ربوده شدن اتباع و دیپلمات‌های ایرانی، نشان‌گر تلاش مذبوحانه و توطئه آشکار رژیم صهیونیستی و محافل وابسته به آن برای خدشه وارد آوردن بر نظام جمهوری اسلامی ایران است.
- ۳- با توجه به شواهد و قرائن، مسئولیت مستقیم ربودن اتباع و دیپلمات‌های ایرانی به عهده رژیم صهیونیستی است و این رژیم باید بدون هیچ قید و شرطی آنها را آزاد کند.
- ۴- جمهوری اسلامی ایران از کلیه دولت‌ها بویژه دولت لبنان، می‌خواهد که از همه امکانات خویش برای روشن شدن سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی ربوده شده و آزادی ایشان استفاده کنند.
- ۵- جمهوری اسلامی ایران، در هیچ شرایطی نسبت به سرنوشت و جان شهروندان خویش در تمام نقاط جهان بی تفاوت نمی‌باشد و با همه امکانات برای حفظ حقوق شهروندان خود اقدام می‌نماید.
- ۶- وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، ضمن ابراز همدردی کامل با خانواده‌های این عزیزان که سال‌هاست درد انتظار را تحمل کرده‌اند، بار

دیگر تأکید می‌کند که برای روشن شدن این مسئله و بازگرداندن این عزیزان به میهن اسلامی، از هیچ تلاشی فروگذار نخواهد کرد.
کیهان

کبوتران شکسته بال

چهاردهم تیرماه سال ۱۳۶۱ هنگامی که سیدمحسن موسوی کاردار، حاج احمد متوسلیان وابسته‌نظامی، و تقی رستگارمقدم مشاورفنی سفارت ایران دربیروت و کاظم اخوان خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی، در جاده طرابلس - بیروت توسط شبه‌نظامیان فالانژ ربوده شدند، کم‌تر کسی در این موضوع تردید پیدا کرد که آنها به اسارت رژیم صهیونیستی در آمده‌اند. شیوه تروریستی ربودن اشخاص از کشورهای دیگر، و نقض حریم کشورهای مستقل و یا حتی به قتل رساندن اشخاص مخالف رژیم صهیونیستی، در تاریخ معاصر به‌عنوان شیوه انحصاری رژیم غاصب‌قدس به ثبت رسیده است. دیپلمات‌ها و خبرنگار ایرانی، اولاً دارای مصونیت دیپلماتیک بودند و ثانیاً در محدوده حاکمیت دولت مستقل لبنان ربوده شدند و هر دوی اینها، نقض صریح عرف و مقررات دیپلماسی و روابط بین‌المللی از سوی ربایندگان محسوب می‌شود. تا سال ۱۳۶۶ با وجود آن‌که رژیم صهیونیستی و شبه‌نظامیان لبنانی وابسته به آن، در مظان اصلی اتهام ربودن دیپلمات‌های ایرانی بودند، اما هیچ خبر خاصی از ربوده‌شدگان به‌دست نیامد. در این سال بود که هجوم تبلیغاتی صهیونیست‌ها مبنی بر انتقال ران آراد خلبان هواپیمای ساقط شده اسرائیلی در خاک لبنان، به ایران و عنوان کردن موضوع آزادی وی در مقابل آزادی دیپلمات‌های ایرانی، آرام آرام پرده از روی ماجرا برداشت. با اخراج نیروهای متجاوز صهیونیستی از خاک لبنان، استقرار دولت این کشور و دستگیری سران گروهک فالانژ بویژه فرمانده نظامی آن سمیر جعجع، زمزمه‌های انتقال دیپلمات‌ها به داخل خاک فلسطین اشغالی افزایش یافت. سمیر جعجع در بازجویی‌های خود مدعی شد که ربوده‌شدگان در زمان دستگیری به شهادت رسیدند اما ایلی حبیقه یکی از وزرای فعلی لبنان و ازمسئولان سابق ارتش جنوب، ضمن تکذیب این خبر اعلام کرد این چهارتن زنده هستند. اظهارات دو سال پیش سخن‌گویی اداره زندان‌های رژیم صهیونیستی مبنی بر وجود سه ایرانی و راننده آنها در زندان‌های اسرائیل، و سپس اظهارات احمد حبیب‌الله رئیس‌انجمن بازداشت‌شدگان و زندانیان در نیکوزیا، که اعلام داشت

ایرانیان ربوده شده زنده هستند و در یکی از زندان‌های مخفی وابسته به شین‌بث به سر می‌برند - هر چند با تکذیب رسمی رژیم صهیونیستی مواجه شد - اما به هر حال مسئولیت اصلی حفظ جان و آزادی هر چه سریع‌تر دیپلمات‌ها و خبرنگار ایرانی را مستقیماً بر عهده این رژیم قرار داده است.

گفت‌وگوهای مسئولان لبنان با نمایندگان کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در خصوص اطلاع از وضعیت و تلاش برای آزادی این چهارتن، که به درخواست رسمی جمهوری اسلامی ایران، خانواده‌های ربوده شدگان، هنرمندان و نویسندگان، انجمن جهانی روزنامه‌نگاران و سازمان دفاع از زندانیان خارجی در فلسطین اشغالی، انجام می‌شود، ممکن است با حمایت‌های سیاسی قدرتهای بزرگ از رژیم غاصب‌قدس به طول انجامد و ممکن است با سکوت خبری رسانه‌های تحت اختیار صهیونیست‌ها مواجه شود، اما دولت غاصب صهیونیستی باید این را بداند که توان خارج ساختن خود از زیر بار مسئولیت ربودن اتباع دارای مصونیت کشوری بزرگ و نیرومند مانند ایران و آن هم در خاک کشوری مستقل را ندارد.

نکته جالب در ماجرای ربوده شدن و اسارت هفده ساله دیپلمات‌ها و خبرنگار آزاده ایرانی، مقایسه وضعیت آنها با سروصدا و جنجالی است که رسانه‌های تحت سیطره صهیونیسم بین‌الملل به دنبال دستگیری ۱۳ ایرانی در خاک ایران به اتهام جاسوسی برای بیگانگان به راه انداخته‌اند. از رژیم غاصب‌فلسطین البته انتظاری نیست ولی مقامات دولتهای اروپایی و نمایندگان مجالس کشورهای پرمدعایی مانند آمریکا و فرانسه، باید به ملت خود و نیز ملت بزرگ ایران پاسخ دهند که در مقابل اظهارات گستاخانه و مداخله جویانه خود به هنگام دستگیری متهمان به جاسوسی در ایران - چیزی که در حقوق بین‌الملل اعمال حق مسلم حاکمیت‌ملی هر کشور توسط حکومت آن نامیده می‌شود - آیا واکنشی هر چند ضعیف و کم‌رنگ نسبت به ربودن افرادی که دارای مصونیت دیپلماتیک بوده‌اند، نشان داده‌اند یا خیر؟ سران رژیم صهیونیستی، حامیان اروپایی و آمریکایی آنها، مدیران اختاپوس‌های رسانه‌ای جهان - و احیاناً همفکران داخلی آنها - ممکن است به کاربرد فضاسازی تبلیغاتی و بمباران خبری ایمان مطلق داشته باشند، اما بد نیست برای حافظه ملتها هم جایی در محاسبات خود باز کنند.

ناصر بهرامی

کیهان

برخورد دوگانه غرب با دو مقوله ایرانی

بازداشت چند شهروند یهودی ایرانی به اتهام جاسوسی به نفع اسرائیل، متأسفانه موج تبلیغاتی و فشار دیپلماتیک شدیدی را بر کشور ما وارد کرده است، به طوری که علیرغم رایزنی‌ها و توضیحات مکرر متولیان دیپلماسی ایران با محافل سیاسی و حقوق‌بشر، برخی کشورهای اروپایی و ایالت متحده بویژه پارلمان فرانسه و کنگره آمریکا، در اقدامی جانبدارانه و یک‌سویانه، تنها بازداشت تعدادی از یهودیان بازداشت شده این شبکه جاسوسی را که به گفته منابع آگاه، اطلاعات‌سری‌نظامی را با اسرائیل مبادله می‌کردند، در آستانه خبری قرار داده و یک موج همه‌جانبه علیه دولتی که به اعتراف جهان‌نیان در راستای تنش‌زدایی و برقراری صلح و آرامش در جهان حرکت می‌کند و دکتترین گفت‌وگویی تمدن‌ها را طرح کرده، به‌راه انداخته است. گرچه تاکنون این فشارها از جانب پارلمان‌های کشورها نه دولت‌های غربی، اتخاذ شده است، اما دامن‌زدن به این فشارها از سوی رسانه‌های غربی نشان دهنده افزایش دامنه فعالیت لابی‌های اسرائیلی در پارلمان‌های کشورهای اروپایی و کنگره آمریکاست.

فشارهای فوق در حالی صورت می‌گیرد و در زمانی رئیس‌جمهوری اصلاح‌طلب ایران، دیکتاتور قرون‌وسطایی توصیف می‌شود که بیست سال پیش در چنین روزی، چهار دیپلمات و خبرنگار ایرانی توسط عوامل اسرائیل در لبنان ربوده شدند، ولی هیچ دولت‌غربی و سازمان غیردولتی وابسته به غرب، که اکنون بازداشت یهودیان ایرانی را به خاطر مذهب آنها تقبیح می‌کنند و اتهام وارده به آنها را انکار می‌نمایند، حاضر به دفاع از حقوق گروگان‌های ایرانی نشدند و علیرغم آن‌که خانواده‌های آنها بارها از طریق سازمان‌های حقوق‌بشر در اروپا، پی‌گیر سرنوشت عزیزان خود شدند، هیچ کمکی از سوی این محافل و رسانه‌ها برای آزادی این افراد صورت نگرفت. در حالی‌که ایلی حبیقه یکی از عوامل اسرائیل در لبنان، اعتراف کرد که گروگان‌های ایرانی زنده و در اختیار اسرائیل هستند، اما اسرائیل تاکنون درباره سرنوشت آنها سکوت کرده است. آیا برای مدافعان حقوق‌بشر در غرب، اسرائیل و اقدامات آن خط قرمز است؟ انتظار می‌رود اگر در اعلامیه حقوق‌بشر همه انسان‌ها برابرند، قوم یهود برابتر نباشند. همچنان که انتظار است افراد متهم به جاسوسی چه مسلمان و چه یهودی،

طبق استانداردهای مورد اتفاق ناظران جهانی محاکمه و مجازات شوند و حاکمیت دولت ایران محترم شمرده شود. نشاط

بعد از ۱۷ سال سرنوشت ۴ ایرانی ربوده شده در لبنان هنوز مشخص نیست

طرف سال‌های گذشته برخی از کشته شدن این چهار شهروند ایرانی، و شماری نیز از اسارت آنان در زندان اسرائیل خبر داده‌اند. درحالی‌که این اخبار ضدونقیض نیز بارها تکذیب شده است، نگرانی خانواده‌های آنان همچنان باقی‌است. در این مدت، تلاش‌های لبنان و سازمان‌های بین‌المللی از جمله انجمن بین‌المللی روزنامه‌نگاران و سازمان دفاع از زندانیان فلسطین اشغالی، برای دریافت خبر از وضعیت گروگان‌های ایرانی و آزادی آنان بی‌نتیجه مانده است و امروز پس از گذشت ۱۷ سال، هنوز مشخص نیست بر سر این چهار شهروند ایرانی چه آمده است. احمد حبیب‌الله رئیس‌سازمان دفاع از زندانیان در سرزمین‌های اشغالی، بارها اعلام کرده است که گروگان‌های ایرانی از سوی صهیونیست‌ها ربوده شده‌اند و در زندان‌های اسرائیل به سر می‌برند، و حتی یک زندانی در زندان نظامی عتلیت، اسامی آنان را در فهرست زندانیان مشاهده کرده است، اما اسرائیل این خبر را تکذیب کرده و گفته است که چهار شهروند ایرانی توسط نیروهای فالانژ لبنانی به قتل رسیده‌اند. در حالی‌که این پرسش مطرح است که در صورت صحت این خبر، چرا اجساد آنان تاکنون به مقام‌های ذیصلاح تحویل نشده است. برخی معتقدند که سرنوشت آنان با سرنوشت رون آران خلبان اسرائیلی مفقود شده گره خورده است و اسرائیل قصد دارد از این طریق به ایران فشار بیاورد. ایران معتقد است شواهد و دلایل نشان می‌دهد که آنان زنده هستند و دربند اسرائیل گرفتار آمده‌اند. لبنان نیز چنین موضعی اتخاذ کرده و معتقد است که اخبار قتل چهار دیپلمات ایرانی از سوی سمیر جعجع - رئیس‌حزب مارونی لبنان - رواج یافته و واقعیت ندارد. گفته می‌شود که جعجع در سال ۷۲ دیپلمات‌های ایرانی را از راه دریا به اسرائیل منتقل کرده است و این درحالی است که شبه‌نظامیان لبنان نیز بارها منکر در اختیار داشتن چهار گروگان ایرانی شده‌اند. گذشت زمان به کم‌رنگ شدن تلاش‌های جهانی برای آزادی این چهار شهروند ایرانی منجر شده است. درحالی‌که خانواده‌های آنان هنوز امیدوارند و چشم انتظار آزادی بستگان خود هستند.

۱۳۷۸/۴/۱۵ = ۶ جولای ۱۹۹۹

۱۷ سال سکوت غرب درقبال ربوده شدن ۴ دیپلمات ایرانی

دیروز (چهاردهم تیرماه) ۱۷ سال از اسارت فرزندان ایران به دست رژیم صهیونیستی گذشت که این مدت، جمهوری اسلامی ایران تلاش‌های زیادی برای آگاهی از سرنوشت این عزیزان و آزادی آنها انجام داده، ولی از آن زمان تاکنون از فعالیت سازمان‌های مدافع حقوق بشر خبری نبوده است. در دو دهه گذشته، رژیم صهیونیستی از هیچ اقدامی علیه ایران فروگذار نکرده است و ربودن چهار دیپلمات که براساس قوانین بین‌المللی از حقوق ویژه‌ای از جمله مصونیت سیاسی برخوردار بودند، نیز بیانگر خوی و خصلت تروریستی رژیم صهیونیستی است. در این مدت از منابع مختلف خبر رسیده است که چهار ایرانی مذکور، در زندان‌های رژیم اشغالگر قدس به سر می‌برند و هیچ سازمان و نماینده‌ای از مجمع بین‌المللی نظیر نمایندگان صلیب سرخ حق ورود به این زندان‌های مخفی را ندارند.

تاکنون تلاش‌های مقامات جمهوری اسلامی ایران در مجمع بین‌المللی نیز برای پی‌گیری و مشخص شدن وضعیت ایرانیان ربوده شده، بی نتیجه مانده است. طی بیست سالی که از عمر انقلاب اسلامی گذشته همواره یکی از محورهای تبلیغاتی صهیونیسم بین‌الملل، متهم کردن ایران به تروریسم بوده است در حالی که رژیم صهیونیستی تاسیس و تداوم حیات خود را از ابتدا مدیون ترویج تروریسم دولتی و حمایت از اقدامات تروریستی در سراسر جهان است.

نکته جالب توجه این است که برغم گذشت سال‌ها از اسارت دیپلمات‌های ایرانی در فلسطین اشغالی، سازمان‌های مدعی دفاع از حقوق بشر و رسانه‌های غربی که عمدتاً تحت نفوذ صهیونیست‌ها قرار دارند، رژیم صهیونیستی را برای آزادی این دیپلمات‌ها تحت فشار قرار نداده‌اند. در حالی که همین رسانه‌ها در مقاطع مختلف و با طرح ادعاهای بی‌اساس جمهوری اسلامی ایران را به نقض حقوق بشر متهم می‌کنند. نمونه روشن چنین سیاستی، تبلیغات و جار و جنجال‌های صهیونیست‌ها و برخی ادعاهای بی‌اساس درباره بازداشت ۱۳ متهم به جاسوسی برای اسرائیل در جمهوری اسلامی ایران است. این رسانه‌ها در روزهای اخیر تلاش کرده‌اند با پیش کشیدن مسائل مذهبی، بازداشت این متهمان را نادیده گرفتن حقوق اقلیت‌ها در ایران معرفی کنند.

در حالی که مسئولان بلند پایه قضائی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران بارها تاکید کرده اند که مسائل مذهبی و عقیدتی این افراد که در بین آنان افراد یهودی و مسلمان هم حضور دارند، هیچگونه ارتباطی با بازداشتشان ندارند بلکه اتهام این افراد جاسوسی به نفع رژیم صهیونیستی می باشد که طبق قانون به این اتهامات رسیدگی خواهد شد.

رسانه های خبری مذکور در این مدت سعی کرده اند ایران را به دلیل دستگیری متهمان به جاسوسی، ناقص حقوق بشر معرفی کنند، در حالی که دفاع از منابع و امنیت ملی از حقوق اولیه هر کشوری در جهان است. شکی نیست که جنجال های تبلیغاتی صهیونیست ها که با هدف تحت الشعاع قرار دادن روند قضائی رسیدگی به پرونده متهمین و تاثیر گذاری بر روند رسیدگی طبیعی و مبتنی بر قانون، انجام می شود، دخالت آشکار در امور داخلی ایران است. مقامات جمهوری اسلامی ایران نیز بارها تاکید کرده اند که متهمان دستگیر شده در حال حاضر تنها متهمند و قبل از محاکمه بر اساس قوانین قضائی نظام اسلامی، هیچگونه حکمی علیه آنان صادر نشده و نخواهد شد لذا درخواست آزادی مظنونین نیز قبل از کامل شدن روند رسیدگی قضائی به هیچ وجه قابل توجیه و پذیرفتنی نبوده و توهین به حق حاکمیت دولت جمهوری اسلامی ایران در برخورد موثر و قانونی با تهدیدات علیه امنیت کشور و ملت تلقی می شود. مسئولان قضائی ایران نیز اعلام کرده اند که متهمین به جاسوسی برای رژیم صهیونیستی، از یک محاکمه منصفانه با کلیه ضمانت های مربوط به روند صحیح و قانونی برخوردار خواهند شد و تبلیغات سوء رسانه های خبری جهان برای تحت تأثیر قرار دادن این پرونده، هیچگونه خللی بر روند رسیدگی به پرونده متهمان مذکور ایجاد نخواهد کرد. اکنون آنها که خود را «مدافع حقوق بشر» معرفی می کنند، به جاست تا برای تنویر افکار عمومی، گام های اساسی را در جهت روشن شدن وضعیت ایرانیان دربند صهیونیست ها بردارند.

ا برار

۱۷ سال بعد

اگر کسی تلویزیون ایران را طی دو دهه اخیر و به طور معمول مشاهده کرده باشد، امروز متعجب می شود که چرا این رسانه عمومی بدین حد به موضوع گروگان های ایرانی در لبنان یا اسرائیل می پردازد، مگر آنان تازه

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۰۵

ربوده شده‌اند؟ اگر ۱۷ سال پیش به گروگان گرفته شده‌اند، چرا طی این سال‌ها سخنی در خور و شایسته گروگان‌های ایرانی گفته نمی‌شد؟ پاسخ روشن است. آنچه که امروز برای دفاع از حقوق سردارمتوسلیان که مهم‌ترین فرمانده عملیات ال‌بیت‌المقدس بود یا در دفاع از سیدمحسن موسوی‌کاردار ایران در بیروت گفته می‌شود، چندان جدی و دارای اصالت نیست. این تبلیغات فقط در پاسخ به تبلیغاتی است که در رسانه‌های جهانی نسبت به دستگیری تعدادی از هموطنان یهودی به اتهام جاسوسی علیه ایران راه افتاده است و اگر به هر دلیلی این اتفاق نمی‌افتاد و از تبلیغات علیه ایران خبری نبود، مطمئن باشید که امسال نیز چون ۱۶ سال گذشته موضوع برادرمتوسلیان و موسوی و دو نفر از همراهان‌شان با سکوت برگزار می‌شد.

چرا ما نسبت به سرنوشت شهروندانمان در دنیا بی‌تفاوت هستیم؟ چرا هنگامی که یک دیپلمات ایرانی و یک سردار نظامی و چند نفر دیگر به آن وضع گرفتار می‌شوند، آب از آب تکان نمی‌خورد و اقدامی نمی‌شود؟ آن اقداماتی هم که شده است، جملگی یا شخصی بوده‌اند و به بیراهه رفته‌اند و هزار کار دیگر غیر از وظیفه اصلی خویش را انجام داده‌اند. یا اگر رسمی بوده فقط در حد اظهار نظرات دیپلماتیک و سیاسی محدود شده است. عده‌ای در ایران تعجب می‌کنند که چرا بسیاری از کشورها حتی از مجرمین هموطن خود که در کشورهای دیگر دستگیر یا زندانی می‌شود حمایت می‌کنند. در حالی‌که ما نسبت به اتباع و شهروندان خودمان آنقدر بی‌تفاوت هستیم که از بهترین‌های آنان نیز دفاعی در خور و شایسته نمی‌کنیم. حتی وقتی هم می‌خواهیم از آنان دفاع کنیم، هدف و مقصود دیگری داریم. و این دفاع را به صورت ابزاری در خدمت اهداف دیگر می‌گیریم. در حالی‌که در سیاست امروز دفاع از شهروندی و حمایت سیاسی از او یک رکن سازش‌ناپذیر است که آن را نمی‌توان با هیچ منفعت دیگری عوض کرد. پاسخ این پرسش را چنین می‌توان داد که ما تاکنون نتوانسته‌ایم مفهوم شهروندی را لمس و حس کنیم. مفهومی که مترادف با انسان صاحب حقا است. انسانی که در جامعه امنیت دارد. هیچ‌کس و در هیچ‌مقامی نمی‌تواند به صورت نظام‌مند یا برحسب قاعده حق او را تضییع کند. انسانی که فاصله‌ای میان خود و حکومت یا قدرت نمی‌بیند، حکومت و قدرت را منبعث از خود می‌داند و عناصر آن را پاسخ‌گو در برابر

خویش حس می‌کند. در مفهوم شهروندی افراد درجه بندی نمی‌شوند، گرچه عده‌ای خوب و عده‌ای بدهستند، ولی این امر معیار تبعیض حقوقی میان آنان نیست. هنگامی که شهروند بودیم، خود را تا بدان پایه قدرتمند می‌دانیم که با حمایت دیگران از حقوق‌حقه خویش دفاع کنیم و نیازی به حمایت و همدلی بیگانگان نداشته باشیم. در مقابل اگر حق شهروندی وجود نداشت، دیگر مشکل است که افراد را از پناه بردن به بیگانگان سرزنش کرد. در چنین جامعه‌ای مهم‌ترین وظیفه دولت دفاع از حقوق شهروندی است. ساختن مدرسه و بیمارستان، پل و جاده و کارخانه و... تنها و تنها پس از تأمین این حق است که برعهده دولت و حکومت قرار می‌گیرد. در چنین نظامی میان افراد تا این حد تفاوت نیست که یک هموطن به اتهام رهبری یک باند جنایتکار دستگیر شود و سپس خودکشی کند و ده‌ها دلیل و مدرک علیه او اقامه شود، ولی چون به دادگاه نرفته است اصل برائت را بر او جاری بدانیم. در مقابل عده‌ای دیگر هموطنان به اتهام جاسوسی دستگیر شوند و حتی یک کلمه هم تاکنون از پرونده و جزئیات اتهامات آنان به میان نیامده باشد، ولی مسئولین کشوری و غیر کشوری! از جمله رئیس‌مجلس صریحاً آنان را جاسوس خطاب کنند حتی حکم اعدام هم برای‌شان پیش‌بینی نمایند!! و بعد هم فریادمان بلند شود که چرا دیگران در امورات داخلی ما دخالت می‌کنند؟

اگر چه این روزها چهره‌هایی که با سکوت و شاید تأیید خود در ده‌سال‌گذشته، بسیاری از انحرافات سیاسی را پایه‌ریزی کردند، می‌کوشند که جامعه ایران را از مسیری که برای اصلاح ساختار سیاسی انتخاب کرده است بترسانند و پشیمان کنند و با تأکیدات بر اهمیت مشکلات اقتصادی و بیکاری که میراث دستگاه دیوانی به شدت ناسالم آنان است، از اهمیت توسعه سیاسی و روند اصلاحات اخلاقی و سیاسی بکاهند، ولی نخبگان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و حتی اقتصادی ایران امروز تقریباً نوعی اتفاق نظر دارند که تارسیدن به حداقلی از ساختار سیاسی پاسخ‌گو در برابر ملت و تحقق حداقلی از مفهوم شهروندی، هر گونه کوششی برای حل دیگر مسائل و مشکلات مردم آب در هاون کوبیدن است، همچنان که در دهه گذشته تجربه کردیم.

صبح امروز

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۰۷

دولت و ملت ایران مسئله اسارت چهارایرانی در لبنان را با حساسیت پی‌گیری می‌کند

آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی روز گذشته گفت: «دولت جمهوری اسلامی و مردم قهرمان ایران همچنان با حساسیت مسئله ربوده شدن چهار تن از اتباع ایرانی در لبنان را پی‌گیری می‌کنند.»

رئیس‌مجمع تشخیص مصلحت نظام که در جمع خانواده دیپلمات‌ها و خبرنگار اسیرایرانی در لبنان سخن می‌گفت، افزود: «در شرایطی که سازمان ملل و غربی‌ها برای دستگیری چند یهودی متهم به جاسوسی، هیاو و جنجال به راه انداخته‌اند، سکوت و بی‌توجهی در قبال هفده سال اسارت‌مظلومانه اتباع ایرانی با ادعاهای آنان در تناقض آشکار است. سکوت و بی‌توجهی مجامع بین‌المللی و سازمان‌های به اصطلاح مدافع حقوق بشر در این زمینه قابل توجیه نیست. چهارایرانی که در لبنان ربوده شده‌اند از شخصیت‌های سیاسی و دارای جایگاه مردمی و ملی بودند و سرنوشت مبهم آنان برای دولت و ملت جمهوری اسلامی ایران بسیار تلخ و دردناک است.»

آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی به اقدامات جدی و پی‌گیری‌های مستمر جمهوری اسلامی ایران در طول هفده سال برای روشن شدن این موضوع اشاره کرد و گفت: «بدون شک مردم ایران و خانواده‌های این عزیزان همچنان امیدوار به بازگشت اسیران خود هستند.»

رئیس‌مجمع تشخیص مصلحت نظام از صبر و متانت خانواده این اسیران قدردانی کرد و اظهار داشت: «یاد این عزیزان سرافراز همچنان برای جامعه اسلامی ما سازنده و الهام‌بخش است و همه ما موظفیم برای روشن شدن موضوع و آزادی این عزیزان در بند بکوشیم.»

خراسان

اسرائیل، گروگان‌های ما را آزاد کن

چهاردهم تیرماه سالروز ربوده شدن چهار دیپلمات ایرانی در لبنان است. از آن زمان تاکنون که ۱۶ سال از این واقعه می‌گذرد، هنوز اطلاعی از سرنوشت این عزیزان در دست نیست. البته برخی از منابع معتقدند که چهار ایرانی ربوده شده در بازداشتگاه‌های مخفی رژیم صهیونیستی زندانی هستند و نمایندگان صلیب سرخ حق ورود به این زندان‌های مخفی را جهت شناسایی ندارند. مقامات جمهوری اسلامی ایران از زمان ربوده شدن دیپلمات‌های

ایرانی در بیروت، بارها با ارائه دلایل و مدارک مستدل درمجامع بین‌المللی خواستار پی‌گیری این پرونده و آزادی آنان شده‌اند.
خبر

پدرم هنوز زنده است و در اسارت صهیونیست‌ها به سر می‌برد

سیدراند موسوی فرزند سیدمحسن موسوی در گفت‌وگو با روزنامه جمهوری اسلامی، اظهار داشته است که پدرش زنده و در زندان صهیونیست‌ها می‌باشد.
(ضمیمه ۲۱)

جمهوری اسلامی

۱۳۷۸/۴/۱۶ = ۷ جولای ۱۹۹۹

دل‌روشن است پدرم روزی باز خواهد گشت

چهاردهم تیرماه سالروز ربوده‌شدن چهار تن از دلاوران کشورمان در لبنان به دست مزدوران صهیونیستی است. درگرامی‌داشت یاد و خاطره این عزیزان و با امیدواری نسبت به بازگشت سرافرازانه ایشان به میهن اسلامی، گفت‌وگویی را که با آقای سیدراند موسوی فرزند ۱۸ساله آقای سیدمحسن موسوی کاردار سابق ایران در لبنان انجام داده‌ایم، به حضورتان تقدیم می‌کنیم:

— آقای موسوی ابتدا توضیح دهید چه تصویری از پدر عزیزتان دارید؟
— با توجه به سن من که موقع ربوده شدن پدرم ۲ سال بیشتر نداشتم تصویر مبهمی از چهره پدر در خاطر من باقی است. اما هنوز و همچنان گرمای محبت پدرانه‌اش را در وجود خویش احساس کرده و می‌کنم.

— آیا شخصاً در جریان پی‌گیری سرنوشت پدرتان و دیگر همراهانش بوده‌اید؟
— بله، از زمانی که خودم را شناختم این مسئله را پی‌گیری کرده و می‌کنم. همه اشخاص و ارگان‌هایی هم که روی این مسئله کار کرده‌اند به من محبت زیادی داشته و دارند و با وجود آن‌که سن زیادی ندارم، اما پیوسته سوال‌های مرا پاسخ داده و مرا در جریان امور و پی‌گیری قضیه قرار داده‌اند.

— آخرین خبرها در مورد گروگان‌ها چیست؟

— آخرین خبرهای منتشر شده مربوط به سخنان آقای احمد حبیب‌الله، رئیس‌کمیته دفاع از زندانیان در شهر ناصره در فلسطین اشغالی است که چندین بار اظهار داشته دیپلمات‌های ایرانی زنده و در اسرائیل محبوس هستند. سخنان

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۰۹

حبیب‌الله، ظرف یکی دو سال اخیر بارها توسط خبرگزاری‌های بین‌المللی مخابره و در روزنامه‌های مختلف چاپ شده است.

— به نظر شما رژیم اسرائیل چه سودی از بازداشت آنها می‌برد و برای چه آنها را نگاه داشته است؟

— بدیهی است که اسرائیل دشمن شماره یک اسلام و مسلمین است. خود صهیونیست‌ها نیز انقلاب‌اسلامی ایران را بزرگترین دشمن و خطر برای خود می‌دانند و این را بارها ابراز کرده‌اند. از این جهت آنها اگر بتوانند، از ضربه‌زدن به انقلاب ابایی ندارند. اما ظاهراً آنها با این گمان که ران آزاد خلبان‌هوایم‌سرنگون شده آنها در جنوب‌لبنان در دست ایرانی‌هاست، احتمالاً قصد دارند این گروگان‌ها را با هم مبادله کنند. این در حالی است که مسئولان‌کشورمان بارها اعلام کرده‌اند که خلبان آنها در ایران نیست و اصولاً این مسئله ارتباطی با ایران ندارد.

— کسانی ادعا می‌کنند که دیپلمات‌های ایرانی در لبنان کشته شده‌اند، در این‌باره چه اطلاعاتی وجود دارد؟

— بله، عده‌ای این را می‌گویند و منشأ آن، حرف‌های سمیر جعجع و ایلی‌حبیقه از فرماندهان نیروهای‌فالانژ است که هر یک دیگری را متهم به ربودن و کشتن دیپلمات‌های ایرانی می‌کنند. اما همین اظهارات ضدونقیض است. زمانی گفته‌اند که آنها بلافاصله پس از بازداشت تیرباران شده‌اند. بعضی اظهارات آنها حاکی است که دیپلمات‌های ایرانی تا سال ۱۹۸۶ زنده بوده و بعداً کشته شده‌اند. اخیراً هم یکی از همدستان نزدیک ایلی‌حبیقه، معروف به کبرا کتابی در اروپا منتشر کرده و گفته است که ایرانی‌ها تا سال ۱۹۸۶ در بازداشت بوده و پس از آن همراه با صدها جوان مسلمان شیعه لبنانی قتل عام شده و در محوطه مرکز نظامی فالانژها دفن شده‌اند. می‌بینیم که مسائل ضدونقیض است. سوال این است که اگر آنها تا سال ۱۹۸۶ یعنی ۴ سال پس از ربوده شدن، زنده بوده‌اند چه دلیلی دارد که پس از آن به قتل برسند؟ مضافاً بر این‌که آنها دیپلمات‌خارجی بوده و قاعدتاً حساب آنها با حساب صدها جوان مسلمان لبنانی که در بازداشت فالانژها به سر می‌برده‌اند متفاوت بوده است. به هر حال، اطلاعات جمع‌آوری‌شده نشان می‌دهد که در آن سال یعنی سال ۱۹۸۶ به دلیل جنگ بین دوجناح شبه‌نظامیان مسیحی‌لبنان، دیپلمات‌های ایرانی از طریق بندر جونیه به اسرائیل منتقل شده‌اند.

– اکنون از مسئولان چه انتظاری دارید؟
 – انتظار ما به عنوان خانواده گروگان‌های ایرانی این است که با جدیت بیشتر این مسئله دنبال شود زیرا مسئله چند نفر مطرح نیست، بلکه مسئله اعتبار و حیثیت جمهوری اسلامی ایران است که باید حفظ شود. باید نشان داده شود که دولت جمهوری اسلامی ایران نسبت به سرنوشت اتباع خود بخصوص دیپلمات‌ها حساس است. صهیونیست‌ها برای دریافت اجساد سه سرباز متجاوز خود که در جنوب لبنان کشته شده‌اند، زمین و زمان را به هم می‌دوزند و هر دري را می‌زنند، چرا ما نسبت به سرنوشت دیپلمات‌هایمان اعم از این‌که زنده باشند یا شهید شده باشند، حساس نباشیم؟ بالاخره باید سرنوشت آنها روشن شود و حتی اگر شهید شده باشند باید برای به دست آوردن پیکرهای پاک آنان اقدام شود. البته در این مورد ریاست محترم جمهوری جناب آقای خاتمی و نیز وزیر محترم امور خارجه جناب آقای دکتر خرازی، قول پی‌گیری داده‌اند و این کار را نیز انجام می‌دهند.
 – شما خودتان چه احساسی دارید و چه حدسی می‌زنید؟
 – من شخصاً دلم روشن است که آنها زنده هستند. سال‌هاست که در انتظار دیدن پدرم هستم. به هر حال ما تسلیم رضای حق هستیم.
 رسالت

پاسخی به يك نیاز

«حبیب‌الله کاسه‌ساز» تهیه‌کننده و مدیر تولید، فارغ التحصیل دانشکده سینماست. او تاکنون بیش از ده فیلم بلند سینمایی و تعدادی فیلم مستند را تهیه و تولید کرده، که عمدتاً در مورد دفاع مقدس بوده است. وی همچنین مدتی را به عنوان مدیرکل اداره تولید و پشتیبانی وزارت ارشاد، و سپس اداره کل نظارت و ارزشیابی مشغول کار بوده است. کاسه‌ساز هم‌اکنون در سمت مدیرکل انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس، و عضو هیئت‌مدیره روایت‌فتح فعالیت دارد. گفت‌وگویی زیر به بهانه تولید مجموعه تلویزیونی «گزارش ویژه» با وی انجام شده است. این مجموعه که هم‌اکنون آماده پخش است، در مورد چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی در لبنان است که توسط عوامل رژیم صهیونیستی به سرزمین‌های اشغالی برده شدند. کاسه‌ساز هدف از ساخت این مجموعه را خنثی کردن تبلیغات صهیونیسم‌بین‌الملل در متهم کردن ایران به تروریسم می‌داند. با هم این گفت‌وگو را می‌خوانیم:

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۱۱

– آقای کاسه‌ساز، همان‌طور که مستحضر هستید ما در هفدهمین سالگرد ربوده‌شدن اتباع و دیپلمات‌های ایرانی در بیروت به دست‌صهیونیست‌ها هستیم. اگر ممکن است بفرمایید طرح ساخت این فیلم از کجا شروع شد؟

– تحقیقات در مورد این طرح توسط آقای «احمد جان‌میرزایی» در بیروت لبنان و ایران انجام شد، و در حدود دو سال و نیم به طول انجامیده است. به‌لحاظ اهمیت و ویژگی که این طرح داشت که ضمناً با سفارش شبکه‌برون‌مرزی‌سیمای جمهوری اسلامی این کار پی‌گیری می‌شد یعنی انصافاً اگر دوستان شبکه‌برون‌مرزی این انگیزه را نداشتند و این شکلی وارد میدان نمی‌شدند، من بعید می‌دانستم که این پروژه به انجام می‌رسید. پیشنهادی به‌ما شد که ما بیاییم این کار را از طرف خود شبکه‌برون‌مرزی به عنوان تهیه‌کننده در دست بگیریم و به سرانجام برسانیم. من هم واقعتاً این بود که شاید نزدیک به ۸ یا ۹ سالی بود که اصلاً با تلویزیون کار نکرده بودم، خداوند توفیق داد که ما بتوانیم بعد از حداقل ده سالی که کار با تلویزیون نداشتیم این پروژه را با شبکه‌برون‌مرزی به سرانجام برسانیم.

– هنرپیشه را چگونه انتخاب کردید؟ آیا از عوامل لبنانی هم استفاده کردید؟

– ما سعی کردیم که از عوامل حرفه‌ای سینما استفاده کنیم. بازیگر اصلی ما «جعفر دهقان» بودند، طراح صحنه آقای «فداکار» بودند که طراح صحنه فیلم «هیوا» بودند، مدیرتولیدمان فردی حرفه‌ای بودند و عوامل دیگر مثل تصویر بردارمان آقای «محمدزاده» که کار بسیار خوب و شسته‌رفته‌ای داشتند. حتی عوامل تدارکات حرفه‌ای بودند، مجری طرح هم همین‌طور، جلوه‌های ویژه که حساسیت ویژه‌ای داشت توسط آقای «شرف‌الدین» انجام شده و عوامل دیگر هم همین‌طور. تنها از دو بازیگر فرعی لبنانی استفاده کردیم.

– ممکن است اندکی در مورد مضمون این سریال توضیح دهید؟

– محسن موسوی، کاظم اخوان، احمد متوسلیان و تقی رستگار مقدم، چهار دیپلمات ایرانی در سال ۱۳۶۱ توسط عوامل رژیم صهیونیستی در پست‌بازرسی متعلق به این رژیم در شمال بیروت ربوده و به سرزمین‌های اشغالی برده شدند. قصه با یک خبرنگار شروع می‌شود که در اصل پسر موسوی است. او به‌دنبال پدرش است که به هر حال اطلاعاتی پیدا کند، و این خبرنگار، دوستی در بیروت و لبنان داشته که از این گروگان‌ها اطلاعاتی داشته است. ماجرا از این‌قسمت شروع می‌شود که این خبرنگار به بیروت

می‌رود تا مجدداً اطلاعاتی کسب کند. ضمن این‌که وقتی او حرکت می‌کند، یک‌سری فلاش‌بک می‌خورد که این فلاش‌بک‌ها اطلاعات این ۴ نفر است.

— به عنوان تهیه کننده موفقیت این فیلم را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
— به نظر من، کار خوبی انجام شده است با زحمات کلیه عوامل دست‌اندرکار که مستقیماً درگیر بوده‌اند و با حمایت‌های خوب مسئولین برون‌مرزی، که با دل‌سوزی و با حساسیتی خاص این پروژه را پی‌گیری کردند. این دوستان باعث شدند که این پروژه در نهایت زنده شود و به نظر می‌آید از کیفیت خوبی برخوردار شده باشد.

— تهیه این فیلم چه مدت طول کشید و چه قدر هزینه داشت؟
— ما به‌طور جدی بهمن ماه سال گذشته پروژه را شروع کردیم و به نظر من باید که چیزی حدود یک ماه تا ۴۵ روز آینده، کار به پایان برسد چون الان یک مرحله است که مونتاژ آن شروع شده و چهار قسمت دیگر باقی مانده است. برای تهیه این کار ۵۳ میلیون تومان تصویب شده بود که همین مبلغ خرج شد.

— هدف شما از ساخت این فیلم چه بود؟
— ببینید به‌رحال ما متهم هستیم به تروریسم و گروه‌ان‌گیری و بحث‌های این شکلی، می‌خواهیم بگوییم که این‌طور نیست، حداقل این‌که برای ما مثل روز روشن است که ما چهار دیپلمات داشته‌ایم که خیلی ناجوانمردانه به اسارت رفتند. الان هم در رژیم صهیونیستی اسیر هستند و هیچ اطلاعی ما از آنها نداریم که اگر این به فراموشی سپرده شود خب طبیعی است که این یک‌ارزش است و یک ارزش به فراموشی سپرده می‌شود که این حساسیت را دوستان سیمای برون‌مرزی، حفظ کردند که این ارزش حفظ شود. اگرچه در فیلم هم‌مانند واقعیت ماجرا مشخص نیست، و ما از سرنوشت این گروه‌ان‌ها خبر نداریم.

— این سریال در چند قسمت تهیه شده و مدت زمان آن چقدر است؟
— این سریال در پنج قسمت ۴۵ دقیقه‌ای تهیه شده و در شبکه‌های مختلف برون‌مرزی و احتمالاً داخلی پخش خواهد شد و امیدواریم که باتلاش‌های پی‌گیر به کشورهای مختلف و مجامع بین‌المللی نیز ارسال شود.
کیهان

وزیر امور خارجه خواستار تلاش مجامع بین‌المللی برای آزادی دیپلمات‌های اسیر ایرانی شد

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۱۳

دکتر کمال خرازی وزیر امور خارجه، با ارسال نامه‌ای برای دبیرکل سازمان ملل متحد، رئیس‌کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، رئیس‌دوره‌ای اتحادیه اروپا، نخست‌وزیر لبنان و وزیر خارجه سوریه، خواستار ادامه تلاش‌ها برای آزادی چهار دیپلمات ایرانی شد.

وزیر امور خارجه در این نامه که همزمان با هفدهمین سالگرد ربوده شدن دیپلمات‌های ایرانی به دست عمال رژیم صهیونیستی، برای مقامات یاد شده ارسال شده است، با تاکید به وجود شواهد متعدد مبنی بر زنده بودن اتباع ایرانی و انتقال آنها به سرزمین‌های اشغالی، مسئولیت این آدم‌ربایی و سرنوشت دیپلمات‌ها را متوجه رژیم صهیونیستی نموده است.

دکتر خرازی تلاش مقامات و مجامع بین‌المللی برای وادار ساختن رژیم صهیونیستی به اجرای مفاد حقوق بین‌المللی بشردوستانه را خاطرنشان ساخته و تصریح کرده است: «رژیم صهیونیستی نه تنها از انتشار اطلاعات پیرامون وضعیت چهار دیپلمات ایرانی ممانعت نموده، بلکه تلاش دارد تا پرونده آدم‌ربایی خود را به دست فراموشی سپارد.»

جمهوری اسلامی

نگفتند اخوان هم خبرنگار بود !

وقتی اسیر شد، ۲۳ سال بیشتر نداشت. مشه‌دی بود. مدتی را در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به خبرنگاری و عکاسی پرداخته بود. مظلومیت‌ها را در سینه تاریخ ثبت می‌کرد و مقاومت‌ها را به تصویر می‌کشید. ایران، لبنان و فلسطین؛ آتش تجاوز، همه جا زبانه می‌کشید. تاب نیاورد. به جنوب لبنان رفت، آنجا که فالانژها و مزدوران صهیونیست هر روز خونی‌تازه می‌ریختند و زخمی نو می‌گشودند.

اینجا جاده بیروت - طرابلس است. ماشین حامل او و سه دیپلمات ایرانی به پست‌بازرسی برپاره می‌رسند، فالانژها راه را بسته‌اند. هر چهار سرنشین را از اتومبیل پیاده می‌کنند و... سرنوشت آنها در غوغای رسانه‌های غربی گم می‌شود. کاظم اخوان و سه دیپلمات همراه وی کجا هستند؟ هنوز نفس می‌کشند یا به شهادت رسیده‌اند؟ معلوم نیست. برخی خبرها حاکی است آنها در زندان س‌ری عتلیت متعلق به «شین‌بث» - سرویس اطلاعاتی ارتش رژیم صهیونیستی - نگه‌داری می‌شوند.

کاظم اخوان حداقل به اندازه برخی روزنامه‌نگاران دروغ‌پرداز و شایعه‌پراکن که بازداشت شدند، معروف نشد. آنها که در داخل و در رادیوهای بیگانه از امثال «اکبر گنجی»، «عماد باقی» و «شمس‌الواعظین» قهرمان آزادی ساختند، هرگز یادشان نیامد که یک خبرنگار، یک انسان و یک مجاهد راه انسانیت و آزادی هم هست که بر گردن همه بخصوص نسل خبرنگار و روزنامه‌نگار، حق دارد و به تعهد حرفه‌اش عمل کرده است. آری اگر جماعتی برای دهن‌کجی به قوه قضائیه، برای پیاده‌نظام پایگاه مطبوعاتی دشمن در داخل لوح تقدیر می‌دهند و بیانیه صادر می‌کنند، باید هم از کاظم اخوان یاد نکنند. کجا تاریکی و روشنائی، و حق و باطل با هم جمع شده‌اند؟

نوزدهمین سالگرد ربوده‌شدن کاظم اخوان و دیگر همراهانش هم‌گذشت اما همان‌ها که به اسم انجمن صنفی روزنامه‌نگاران به امثال باقی و گنجی (دو عضو شورای سردبیری روزنامه فتح) لوح تقدیر دادند، از کنار مظلومیت خبرنگار شجاع و آزاده خبرگزاری جمهوری اسلامی به سادگی گذاشتند و حتی یادش را هم گرامی نداشتند؛ رفتن به دیدار خانواده چشم‌انتظار وی و دلجویی پیشکش. وقتی دلهایی آن‌قدر رقت دارند که در روزنامه‌ای به جای پرداختن به خیانت جاسوسان صهیونیست‌ها، عکسی ترحم‌برانگیز از خانواده یکی از آنها را در صفحه اول به چاپ برسانند و یادی از حقوق ملت مظلوم ایران نکنند، لابد گردانندگان آن هم باید شایسته دریافت لوح تقدیر باشند و اگر چنین است، خانواده کاظم اخوان که فرزندشان به ثبت جنایات صهیونیست‌ها رفته است، نباید هم لوح تقدیر بگیرد. مگر او پنجه بر صورت نظام کشیده و خیانت کرده و به سد قانون برخورد کرده است؟!

محمد ایمانی

کیهان

۱۳۷۸/۴/۱۷ = ۸ جولای ۱۹۹۹

دیپلمات‌های ایرانی دربند رژیم صهیونیستی ه نفرند

در پی موضع‌گیری اخیر وزارت امور خارجه در مورد دیپلمات‌های ایرانی دربند رژیم صهیونیستی، موسسه فرهنگی عاشورا با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد تعداد زندانیان ایرانی ه نفر است. موسسه فرهنگی عاشورا ضمن تقدیر از

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۱۵

مسئولان این وزارتخانه، خواستار ارائه گزارشی از طرف مقامات دستگاه دیپلماسی کشورمان درباره این موضوع شد. موسسه فرهنگی عاشورا تاکید کرده انتظار می‌رفت مسئولان نگاه همه‌جانبه به این موضوع می‌نمودند، اگرچه دیرنگام به موضع‌گیری اقدام کردند، اما انتظار می‌رود که وزارت امور خارجه صرفاً به صدور بیانیه اکتفا نکرده و با انتشار گزارشی جامع و دقیق، حاصل تلاش‌هایش را در معرض قضاوت افکار عمومی قرار داده و با پی‌گیری‌های انقلابی، در راه آزادی دیپلمات‌های ایرانی بکوشد. موسسه فرهنگی عاشورا همچنین خبر داده است: «مسئولان وزارت امور خارجه باید بدانند که دیپلمات‌های ایرانی در بند رژیم صهیونیستی، پنج نفرند که نام نفر پنجم، تاکنون به دلیل گمنامی و سستی مسئولان مطلع از این موضوع، در فهرست پی‌گیری‌ها قرار نگرفته است. این دیپلمات، فردی آذری زبان، مسلط به زبان عربی است.»

کیهان

۱۳۷۸/۴/۱۸ = ۹ جولای ۱۹۹۹

اطلاعیه انصارولایت شهرستان انزلی درخصوص هفدهمین سالگرد ربوده شدن دیپلمات‌های ایرانی در لبنان

انصارولایت شهرستان انزلی، با انتشار اطلاعیه‌ای، ضمن گرامی‌داشت هفدهمین سالگرد اسارت چهار گروگان ایرانی، خواستار پی‌گیری جدی‌تر در این‌باره شده است.

۱۳۷۸/۴/۱۹ = ۱۰ جولای ۱۹۹۹

حاج احمد پیش امام است

این مطلب که در قالب مصاحبه‌ای خیالی به چاپ رسیده است، توسط محمدعلی صمدی به نگارش درآمده و به بررسی اخبار و اطلاعات مختلف پیرامون وضعیت چهارگروگان ایرانی پرداخته است.

(ضمیمه ۲۲)

هفته‌نامه جبهه

مرداد ۱۳۷۸ = اوت ۱۹۹۹

حاج احمد شهید شده یا نه؟!

پس از چاپ مصاحبه با حجت‌الاسلام والمسلمین اختری - سفیر سابق ایران در سوریه - درباره اسارت یا شهادت چهارگروگان ایرانی در لبنان، بعضی از عزیزان

که تعدادشان به انگشت يك دست هم نمي‌رسد، ناراحت شده و با اعتراضات خود، ما را مورد لطف قرار داده‌اند. آنچه مي‌آيد، نه فقط براي يك‌نفر، که براي تمامی آناني است که درباره مطلب «حاج احمد متوسليان شهيد شده» ابهام دارند.

الف - مجله فکه آمادگي کامل دارد تا نظرات و اظهارات و انتقادات هريك از مسئولين مملکتی را در رابطه با چهارگروگان‌ایرانی بدون هیچ کم و کاستی چاپ کند و لازم است متذکر شویم که تاکنون که شماره سوم زیر چاپ می‌رود، از سوي هیچ‌کدام از مسئولینی که در این جریان ذیربط هستند، نه تماس تلفنی گرفته شده و نه نامه اعتراضیه‌ای رسیده است، فقط حجت‌الاسلام اختري تماس تلفنی گرفتند و از این‌که قبل از چاپ مصاحبه با ایشان هماهنگی نکردیم، گله داشتند که ما نیز این اعتراض را پذیرفتیم. البته ایشان این توضیح را هم دادند که «به‌تازگی مدارکی از درون اسرائیلی‌ها یافت شده است که نشان می‌دهد این چهارنفر زنده‌اند» ما نیز به‌نوبه خود از شنیدن این‌خبر خوشحال شدیم و گفتیم که حاضریم مصاحبه مجددی با ایشان انجام دهیم و یا ایشان طی نامه‌ای مطلب را برای ما بفرستند، که تاکنون هیچ خبری از مصاحبه و یا نامه نشده است.

ب - ما از این‌که نه تنها حاج احمد، موسوي، اخوان و رستگار سالم به وطن اسلامی بازگردند خوشحال می‌شویم، بلکه از آزادی تمامی اسرای ایرانی دربند اسرائیل خوشنود می‌گردیم. مشکل اصلی و سوال مهم اینجاست که با وجودی که اسرائیل به بودن چند ایرانی در زندان‌هایش بخصوص بازداشتگاه عتلیت رسماً اعتراف کرده است، چرا جمهوری اسلامی ایران برای پی‌گیری احوال آنان به مجامع بین‌المللی شکایت نمی‌برد و یا خواستار ملاقات هیئتی از صلیب‌سرخ جهانی با آنان و یا حداقل اعلام اسامی آنها نمی‌شود؟

ج - ما ناراحتی تمام عزیزان بخصوص خانواده‌های معظم این چهاربزرگوار را درک می‌کنیم و امیدواریم ما را نیز در غم‌فراق و هجران عزیزان خویش همدرد بدانند و یقین داشته باشند که ما نیز منتظر بازگشت سلامت آن بزرگواران هستیم.

د - در چاپ مصاحبه آقای اختري هیچ‌گونه هدف خاصی وجود نداشته و ندارد، چراکه اگر به انتهای مصاحبه با دبیرکل حزب‌الله لبنان حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسن نصرالله در صفحه ۲۵ نیز نگاه کنید، متوجه خواهید شد که هدف از این

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۱۷

پرسو و جوها فقط کسب خبری امید بخش است و بس. حال اگر حضرات چنین خبری را در ذهن و کلام خویش ندارند، گناه ما چیست؟

هـ - آیا اینکه ما نیز همچون دیگران سر زندگی خود بنشینیم و دست روی دست بگذاریم و فقط دعا کنیم «اللهم فک کل اسیر»، مسئله حل می‌شود؟ یا باید برای یافتن نتیجه قطعی پی‌گیری کرد و از افراد صاحب نفوذ و ذریب در این مسائل پرسید، اصرار کرد، پیله کرد و پاسخ خواست؟

ما به تمامی تلاش‌های مسئولین مملکتی در رابطه با مشخص شدن سرنوشت گروگان‌های ایرانی در لبنان ارج می‌نهیم ولی آن را بسیار ناکافی می‌دانیم.

ماهنامه فکه

مرداد ۱۳۷۸ = اوت ۱۹۹۹

جزئیات حادثه گروگان‌گیری

سیدراند فرزندان سید محسن موسوی، کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت، در مصاحبه با نشریه داخلی کمیل، چگونگی اسارت پدرش و سه نفر دیگر ایرانی را در حجاز بر باره شرح داده و دلایلی بر زنده بودن آنان ارائه می‌دهد.

ماهنامه داخلی کمیل

۱۳۷۸/۸/۱۳ = ۴ نوامبر ۱۹۹۹

یادی از جاوید الاثر حاج احمد متوسلیان

خاطراتی کوتاه از حاج احمد متوسلیان، دست‌مایه این مطلب است.

جوان

۱۳۷۸/۸/۲۵ = ۱۶ نوامبر ۱۹۹۹

جهت اطلاع

هفته‌نامه «الوسط» چاپ لندن در شماره اخیر خود نوشت: «چهار دیپلمات ایرانی که در سال ۱۳۶۱ در لبنان ربوده شدند، به قتل رسیده‌اند.» این هفته‌نامه که این خبر را به نقل از منابع دیپلماتیک چاپ کرده، از معرفی هویت این منابع خودداری کرده است. دولت جمهوری اسلامی با در دست داشتن دلایلی، معتقد است دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی زنده هستند.

جمهوری اسلامی

۱۳۷۸/۹/۲۰ = ۱۱ دسامبر ۱۹۹۹

چهار فصل انتظار

این مقاله، نامه‌ای است از یک خواهربسیجی خطاب به حاج احمد متوسلیان که به شرح حوادث و وقایع مختلف و ذکر برخی خاطرات پرداخته است. هفته‌نامه جبهه

۱۳۷۸/۱۰/۲۵ = ۱۵ ژانویه ۲۰۰۰

اسرائیل تنها رژیم است که شکنجه در آن قانونی است

گزارشگر ویژه رسالت در گفت‌وگویی تلفنی با خانم «الیزابت هاجکین» - سخن‌گو و مسئول امور اسرائیل در سازمان عفو بین‌الملل در لندن - زوایای مختلف نقض حقوق بشر در اسرائیل در قرن گذشته میلادی را مورد توجه قرار داده است. این مصاحبه مبین بخش‌هایی از جنایات علیه حقوق انسانی رژیم صهیونیستی در قرن است که به تازگی سپری شده است.

خانم الیزابت هاجکین، ضمن انتقاد شدید از رژیم صهیونیستی به دلیل عدم همکاری جهت روشن شدن سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی‌ربوده شده در لبنان، می‌گوید: «ما اعلام کرده‌ایم که اسرائیل به درخواست عفو بین‌الملل در خصوص اطلاعاتی که در مورد سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی در دست دارد پاسخ نگفته است. به نظر ما، خانواده‌های ایرانیان ناپدید شده حق دارند که بدانند عزیزان‌شان در کجا هستند. آنها حق دارند بدانند که آیا این افراد زنده هستند یا مرده و آیا در اسرائیل در بازداشت مخفیانه به سر می‌برند یا خیر. ما اطمینان داریم که اسرائیل می‌داند که چه برسر آنها آمده است، و اسرائیل موظف است در مورد زنده بودن یا نبودن آنها پس از ۱۷ سال، به تحقیق پردازد.»

خانم الیزابت هاجکین در خصوص مسئولیت دولت لبنان در این مورد می‌گوید: «به نظر ما دولت لبنان نیز باید در این مورد به تحقیق پردازد چون آنچه اهمیت دارد این است که سرنوشت تمام این گروگان‌ها و ناپدید شدگان چه ایرانی و چه اسرائیلی، باید روشن شود تا خانواده‌های آنها بدانند چه برسر آنها آمده است.»

مسئول امور اسرائیل در سازمان عفو بین‌المللی می‌افزاید: «ما مطمئن هستیم که پی بردن به واقعیت، کاملاً ممکن است. خانواده‌های دیپلمات‌های ایرانی ۱۷ سال است که در انتظار روشن شدن سرنوشت عزیزان خود هستند، و بنابر این سازمان عفو بین‌الملل خواستار روشن شدن سرنوشت این ایرانیان است. همکاری اسرائیل با ما، در مورد سرنوشت گروگان‌های ایرانی، خوب نبوده است و هر چند ما لزوماً معتقد نیستیم که

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۱۹

آنها در بازداشت مخفیانه در اسرائیل به سر می‌برند، ولی معتقدیم که دولت اسرائیل می‌تواند در این مورد اطلاعاتی در اختیار ما بگذارد و همان‌طور که گفتم جامعه بین‌المللی هم مکلف است برای روشن شدن سرنوشت تمام ناپدید شدگان تلاش کند.»

از خانم‌ها جکین می‌پرسیم: «آیا فکر نمی‌کنید که جامعه جهانی تاکنون به اندازه کافی برای روشن شدن سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی بر اسرائیل فشار وارد نیآورده است؟»

وی پاسخ می‌دهد: «بله، تمام دیپلمات‌های ایرانی و البته نباید دیگران را هم فراموش کرد، هر چند طبیعی است که شما بخصوص در مورد گروگان‌های ایرانی نگران باشید، چون ما خود نیز نگران هستیم. در تمام طول این مدت، همیشه از کسانی که به فکر گروگان‌های ایرانی هستند، نامه‌هایی دریافت کرده‌ایم. از یکی از دوستان اخوان یکی از گروگان‌ها، نامه‌هایی دریافت کرده‌ایم که در آن نوشته است که هر شب به او فکر می‌کند. ۱۷ هزار لبنانی نیز در طول جنگ ناپدید شدند. بعضی از آنها بازداشت و بعضی دیگر پس از بازداشت ناپدید شدند. ما همچنین از دولت لبنان خواسته‌ایم که در مورد این گروگان‌ها به تحقیق بپردازد، همچنان‌که از آنها خواسته‌ایم در مورد گروگان‌های ایرانی تحقیق کنند. به اعتقاد ما، مسئله زنده بودن یا نبودن آنها و این‌که آیا در اسرائیل در بازداشت مخفیانه هستند یا خیر، باید روشن شود. بله ما هم بر این باوریم که جامعه جهانی باید بر کشورهای مربوط فشار آورد تا سعی کنند سرنوشت این گروگان‌ها را روشن کنند.»

از او در مورد اقدامات سازمان عفو بین‌الملل در مورد دیپلمات‌های ایرانی می‌پرسیم، وی می‌گوید: «عفو بین‌الملل سال‌ها پیش در ژوئیه ۱۹۸۲ در مورد ناپدید شدن چند دیپلمات ایرانی و یک عکاس، اطلاعاتی دریافت کرد. به دنبال این گزارش‌ها بود که ما نامه‌هایی به سران اسرائیل نوشتیم و سعی کردیم بفهمیم که چه اتفاقی افتاده است. گفته می‌شد که آنها در یک ایستگاه بازرسی توسط نیروهای لبنانی دستگیر و سپس ناپدید شده‌اند. حدود دو سال قبل، در ژوئیه سال ۱۹۹۷ ما گزارشی نوشتیم تحت عنوان گروگان‌های فراموش‌شده در اسرائیل. این گزارش عمدتاً در مورد بازداشت‌شدگان لبنانی در اسرائیل و بازداشتگاه خیام در جنوب لبنان بود، و ما گفتیم که همه آنها را به عنوان گروگان نگه داشته‌اند تا با بازداشت‌شدگان اسرائیلی

ناپدید شده همچون رون آراد، مبادله کنند. ما در همین گزارش به طرح مسئله ۴ دیپلمات ایرانی پرداختیم که سالها قبل ناپدید شده بودند، و در این گزارش یاد آور شدیم که بعضی از افراد گفته اند که دیپلمات‌های ایرانی به فاصله کمی پس از دستگیری مرده اند و گزارش‌هایی هم وجود دارد که به موجب آن، آنها در بازداشت اسرائیل به سر می‌برند. تحقیق در مورد این گزارش‌ها ناممکن بود و به نظر نمی‌رسید که لزوماً صحت داشته باشند.»

از خانم هاجکین می‌پرسیم: «آیا شما با خانواده‌های گروگان‌های ایرانی هم در تماس هستید؟» می‌گوید: «من شخصا با آنها تماسی نگرفته‌ام، ولی یکی از نمایندگان عفو بین‌الملل سال گذشته یا یک سال قبل از آن، در کنفرانسی در تهران، با فردی از دوستان و بستگان گروگان‌های ایرانی تماس‌هایی داشته است و با آنها در مورد این‌که ما برای روشن شدن سرنوشت گروگان‌ها چه کارهایی می‌توانیم بکنیم، بحث کرده است. خود من هم هنگامی که از اسرائیل دیدن می‌کردم، سعی کردم ببینم چه برسر آنها آمده است، و وقتی گزارش‌هایی دریافت کردیم که ممکن است آنها زنده باشند، این گزارش‌ها را پیگیری کردیم، ولی متأسفانه باید بگویم که بررسی این گزارش‌ها، ما را متقاعد نکرده است که با گذشت ۱۷ سال، آنها هنوز زنده هستند.»

به خانم هاجکین می‌گوییم: «چه صحبتی با خانواده‌های گروگان‌های ایرانی دارید؟» می‌گوید: «آنها باید به فشار آوردن برای روشن شدن سرنوشت بستگان‌شان ادامه دهند. مردم باید بدانند که چه اتفاقی افتاده است. ما از این‌تراژدی و وضعیت غم‌انگیزی که خانواده‌های دیپلمات‌های ایرانی به مدت ۱۷ سال با آن دست و پنجه نرم کرده اند، کاملاً آگاه هستیم. این مسئله‌ای است که اکنون باید حل شود. به نظر من اسرائیل و لبنان و ایران باید به روشن شدن سرنوشت این افراد و دیگر مفقود شدگان کمک کنند. ما در سازمان عفو بین‌الملل، از طریق قلم و با نوشتن نامه کار می‌کنیم و سعی می‌کنیم دولت‌ها را به رعایت تعهدات بین‌المللی خود در تلاش برای پی‌بردن به سرنوشت ناپدیدشدگان و مفقودان تشویق کنیم، و به این کار خود بهتر ادامه خواهیم داد. اسرائیل می‌تواند بگوید که در مورد آنها چه اطلاعاتی دارد، چون هنگامی که دیپلمات‌های ایرانی بازداشت شدند، دولت اسرائیل با نیروهای لبنانی متحد بود و به نظر من اطلاع از سرنوشت گروگان‌های ایرانی کاملاً آسان است. به موجب گزارش‌هایی که دریافت

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۲۱

کرده‌ایم، احتمال داشت که گروگان‌های ایرانی در زندانی در عتلیت زنده باشند، ولی ما آن گزارش‌ها را بررسی کردیم و فکر نمی‌کنیم که این گزارش‌ها پایه و اساسی داشته باشد. گزارش‌های زیادی وجود دارد که آنها بلافاصله پس از بازداشت کشته شده‌اند، و فکر می‌کنم که برای دولت‌لبنان بسیار آسان است که این گزارش‌ها را بررسی کنند تا بفهمیم پس از بازداشت آنها چه اتفاقی افتاده است و صحت و سقم اخبار دریافتی ما چیست.»

وی در مورد فعالیت سازمان‌های دیگر در این‌مورد می‌گوید: «ما با سازمان‌های زیادی ارتباط داریم، ولی سازمانی که احتمالاً بیشتر روی این مسئله کار کرده است سازمانی است به نام انجمن‌زندانیان که در ناصره قرار دارد، و آنها کسانی هستند که سعی کردند بدانند چه بر سر دیپلمات‌های ایرانی آمده است، و سازمان‌های زیادی به این مسئله علاقه نشان داده‌اند. ما با سازمان‌های حقوق‌بشر اسرائیلی هم تماس‌های نزدیکی داریم که مسائل مختلفی را مطرح می‌کنند، بویژه یک سازمان اسرائیلی به نام «بت‌سالم» که در مورد نقض حقوق فلسطینی‌ها به موجب قوانین اسرائیل کار می‌کنند و آنها به تازگی شروع کرده‌اند به توسعه دامنه فعالیت خودشان، تا این‌که شامل نقض حقوق دیگران و از جمله لبنانی‌های تحت حاکمیت اسرائیل بشود. نمی‌دانم که آیا آنها در مورد دیپلمات‌های ایرانی هم کاری کرده‌اند یا نه، ولی تعجب نمی‌کنم اگر آنها در این مورد به دولت اسرائیل نامه‌ای ننوشته باشند.»

مصاحبه از سیدحسین میرشاکي

رسالت

۱۳۷۸/۱۱/۶ = ۲۶ ژانویه ۲۰۰۰

مذاکرات سری ایران و اسرائیل

نشریه «الوطن‌العربی» چاپ لبنان، در شماره ۱۱۹۲ روز هفتم ژانویه ۲۰۰۰ خود، در مقاله‌ای به شرح و تحلیل تبادل‌های انجام شده اسرا و گروگان‌ها میان حزب‌الله لبنان و دولت اسرائیل پرداخته است. فقط در ابتدای این مقاله مفصل در اشاره به گروگان‌های ایرانی آمده است: «دادوستد آینده، عبدالکریم عبید، مصطفی دیرانی و دیپلمات‌های ایرانی در برابرخلبان اسرائیلی و جاسوسان‌یهودی دستگیرشده در ایران.»

هفته‌نامه ترجمان‌سیاسی

۱۳۷۸/۱۲/۳ = ۲۲ فوریه ۲۰۰۰

یادواره حاج احمد متوسلیان با سخنرانی مهندس «میرحسین موسوی»
برگزار می‌شود

اولین یادواره دانشجویی جاویدالآثر حاج احمد متوسلیان، روز نهم اسفندماه در محل دانشگاه علم و صنعت تهران برگزار خواهد شد. در این مراسم که به همت «ستاد بزرگداشت اسرای دانشجویی دانشگاه علم و صنعت» برگزار می‌شود، ضمن پرده برداری از تصویر حاج احمد متوسلیان در میدانی که به همین نام اسم گذاری شده، اعتراض رسمی دانشجویان به سازمان علمی فرهنگی جهان «یونسکو» صورت خواهد گرفت. همچنین مهندس میرحسین موسوی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در این مراسم سخنرانی خواهد کرد. گفتنی است حاج احمد متوسلیان دانشجوی دانشگاه علم و صنعت ایران بوده است.

جمهوری اسلامی

صهیونیسم به دنبال مختومه کردن پرونده دیپلمات‌های ایرانی

این روزها محافل وابسته به صهیونیسم در تلاش هستند تا به هر طریقی به یاری صهیونیست‌ها شتافته و در حد توان خود، موج فراگیر نفرت و انزجار جهانی نسبت به رژیم جنایت‌پیشه صهیونیستی را بکاهند. در این راه نشریات، اشخاص و منابع مختلف تبلیغی و سیاسی و خبری به کمک صهیونیست‌ها آمده‌اند. یکی از این اشخاص، «علیرضا نوری زاده» مفسر منابع خبری صهیونیستی و آمریکایی است و یکی از این نشریات، الشرق الاوسط چاپ لندن است که گزارشی سراپا مضحک از سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده شده ایرانی در لبنان منتشر کرده است. گزارشی جعلی و کذب که صرفاً هدف منحرف کردن اذهان عمومی از جنایات صهیونیست‌ها را دنبال می‌کند. نوری زاده، جمعه شب گذشته به نقل از محافظ سابق ایلی حبیقه نماینده سابق مجلس لبنان و رئیس حزب موسوم به نیروهای لبنانی، گفت: ۴ ایرانی ربوده شده در لبنان به دستور حبیقه پس از شکنجه بسیار به قتل رسیده‌اند و اجساد آنها در یک نقب زیرزمینی در محله‌ای در شرق بیروت گذاشته شد و چندی بعد به دستور حبیقه، این اجساد به یک منطقه کوهستانی در حومه بیروت منتقل گردید.

طی این سال‌ها، محافل صهیونیستی و نیروهای سیاسی و نظامی و فرهنگی وابسته به آن در داخل و خارج لبنان، تلاش کردند تا پرونده این آدم‌ربایی که مغایر با تمام حقوق و عرف بین‌المللی است، بسته شود و به

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۲۳

فراموشی سپرده شود. بدیهی است به تصریح مجامع جهانی، شواهد متعددی وجود دارد که از زنده بودن دیپلمات‌های ربوده‌شده جمهوری اسلامی ایران حکایت دارد. علیرضا نوری‌زاده، که مزدبگیر منابع خبری اسرائیل و آمریکاست، راوی‌خبری است که ۸ ماه پیش تکذیبیه آن نیز توسط ایلی حبیقه یعنی همان شخصی که وی او را قاتل دیپلمات‌های ایرانی معرفی کرده، منتشرشده است. به عبارت دیگر، خبر الشرق‌الاولوسط یک خبر کهنه، دروغ و متعلق به ۸ ماه پیش است. اطلاعات نوری‌زاده برگرفته از کتابی است که روبیرحاتم ملقب به کبرا، دستیار و محافظ ایلی حبیقه، درباره حوادث و آشوب‌های سال‌های اولیه دهه ۱۳۶۰ لبنان به رشته تحریر درآورده است. روبیر در این‌کتاب مدعی شده که ایلی حبیقه دستور کشتن دیپلمات‌های ایرانی را صادر کرده و بعد تاجری به نام «حبیب خوری» خواهان خرید اجساد آنان گردید، اما این درخواست رد شد. این داستان در شرایطی ساخته شده که روبیر به دلیل اختلاف با ایلی حبیقه، از وی جدا شده بود و لذا ابتدا از سوی حبیب خوری که از بیخ و بن اظهار بی‌اطلاعی از وقوع حادثه کرده بود، و سپس از سوی ایلی حبیقه تکذیب گردید. ایلی حبیقه در مصاحبه‌ای با تلویزیون لبنان در اوایل اسفند سال گذشته، این داستان را ساختگی و مضحک خواند و تأکید کرد که دلایلی در دست دارد که دیپلمات‌های ایرانی عموماً زنده هستند. بنابراین به‌نظر می‌رسد هدف نوری‌زاده از تکرار این جعلیات، صرفاً یک فضا سازی جدید برای تبرئه کردن رژیم‌جنایت‌پیشه اسرائیل است. از این رو انتشار بدون نقداظهارات بی‌پایه‌ای مانند آنچه نوری‌زاده به هم بافته است، صرفاً به منزله ریختن آب به آسیاب صهیونیست‌هاست.

جمهوری اسلامی

۱۳۷۸/۱۲/۷ = ۲۶ فوریه ۲۰۰۰

نامه‌ای به حاج احمد متوسلیان، مقیم زندان فراموشی

«عباس صادقی» در این نامه به انتقاد از وضع موجود پرداخته و اوضاع و احوال کنونی جامعه را در نامه‌ای برای حاج احمد شرح داده است. هفته‌نامه جبهه

۱۳۷۸/۱۲/۹ = ۲۸ فوریه ۲۰۰۰

مردان خدا یا زندانند، یا کشته در میدانند

هفده سال پیش هنگامی که جنوب لبنان در آتش شرارت و کینه‌توزی قوم یهود می‌سوخت، که هم اینک نیز می‌سوزد، مردم مظلوم لبنانی تاوان خیانت‌های سران کشورهای منطقه را پرداخته و هر روز شاهد پرپر شدن هموطنان خود بودند. آن‌گاه که هیچ کشور و هیچ سازمان بین‌المللی حاضر به حمایت از لبنان عزیز نشد، چهار دیپلمات سیاسی ایران برای کمک به مردم جنگ‌زده و آواره لبنان شتافتند. چهار پرستوی مهاجری که ترک خانه و کاشانه نمودند تا به فرمان مقتدای خود حضرت روح‌الله (ره) به فریاد مظلومان لبنانی و فلسطینی برسند. حاج احمد متوسلیان یکی از سفیران انقلاب‌خیزی بود و او وعده پیروزی حق را برای ملت‌های مستضعف و ستم‌دیده به ارمغان می‌برد. او که دانشجوی آزاده و غیرتمند بود، هرگز نپذیرفت که در کلاس درس و شهر امن بماند درحالی که کمی آن‌سوتر، بنی‌اسرائیلیان قرن بیستم با حمایت مجامع بین‌المللی و سکوت دولتمردان خائن کشورهای منطقه، به قتل‌عام و غارت مردمی بی‌دفاع پردازند. حاج احمد همچون مردان خدا سختی هجرت را بر خود خرید و به سوی مظلومان شتافت تا غمخوارشان، یاورشان و مرهمی بر زخم‌هایشان باشد. اما مزدوران یهودا‌های زمان، طی نقشه‌ای حاج احمد و یارانش را به اسارت درآوردند و به سرزمین‌های اشغالی انتقال دادند تا پیام‌رسانان انقلاب اسلامی را در بند کشند. ربودن و به اسارت درآوردن دیپلمات‌های سیاسی، از نظر تمام کشورها و مجامع بین‌المللی غیرقابل‌قبول است و در هر صورتی محکوم می‌باشد. اما به واسطه نفوذ صهیونیسم بین‌المللی، هیچ حمایتی یا قطعنامه‌ای که به‌طور جدی خواستار آزادی این شیرمردان باشد، صادر نگردید. به اسارت درآوردن چهار دیپلمات که نه با توپ و تفنگ و تانک، بلکه با یک گلو فریاد به کمک ستم‌دیدگان و زجرکشیدگان لبنانی و فلسطینی شتافته بودند، خم به ابروی مدعیان حقوق بشر نیاورد. هفده سال است که هیچ قطعنامه‌ای در حمایت از این آزاد مردان صادر نشده است. هفده سال است که هیچ‌یک از مجامع به اصطلاح مستقل بین‌المللی اعم از فرهنگی و سیاسی، در این خصوص موضع‌گیری نکرده‌اند. اما امروز ما در آستانه گرامی‌داشت یاد و خاطره این شیران دربند علی‌الخصوص هم‌دانشگاهی دلاورمان، حاج احمد عزیز، یکبار دیگر به تمامی آزاداندیشان و تمامی انسان‌های مظلوم دنیا اعلام می‌نماییم که راه ما راه این عزیزان خواهد بود و امروزه هر دانشجوی مسلمان و آزاده با پیروی از او امر مقام عظمای ولایت، حاج احمد متوسلیان دیگری خواهد بود.

مجمع دانشجویان حزب‌الله دانشگاه علم و صنعت ایران

ای عدالت‌خواهان، ای آزادمردان جهان به چه می‌اندیشید؟ چگونه می‌توانید این همه ظلم و بی‌عدالتی را در جهان تحمل کنید؟ چگونه می‌توان ظلم و ستم صهیونیسم‌جهان‌خوار را دید و هیچ نگفت؟! امروز ۱۷ سال و ۷ ماه و ۲۵ روز است که ازدوری آن عزیز می‌گذرد. آن عزیز کیست جز حاج احمد متوسلیان دانشجوی دانشگاه مهندسی برق دانشگاه علم و صنعت ایران. او یل‌کردستان است که در زندان‌های رژیم اشغالگر قدس گرفتار است. «دفتر فرهنگی دانشکده مهندسی راه‌آهن» به نمایندگی از دانشجویان دانشگاه مهندسی راه‌آهن به عنوان نهادی علمی و فرهنگی، اسارت این عزیز در چنگال بی‌رحمان عالم را محکوم کرده و به رهبر فرزانه خود اعلام می‌دارد که آماده هرگونه اقدامی برای آزادی این سفرکردگان می‌باشد.

دفتر فرهنگی دانشکده مهندسی راه‌آهن

۱۳۷۸/۱۲/۱۱ = ۱ مارس ۲۰۰۰

سردار در غربت

در این مقاله که توسط «کنگره شهدا، اسرا و مفقودین دانشگاه علم و صنعت ایران» نوشته شده، به شرح کامل زندگی حاج احمد متوسلیان و اسارت او و همراهانش پرداخته شده است. رسالت

ماندنت به رنگ سبز، رفتنت به رنگ خون

این گزارش شرح «اولین یادواره جاوید الاثر احمد متوسلیان» است که توسط ستاد کنگره شهدا، اسرا و مفقودین دانشگاه علم و صنعت روز دوشنبه ۱۳۷۸/۱۲/۹ برگزار شد.

(ضمیمه ۲۳)

جوان

سال ۱۳۷۹ هـ ش
۲۰۰۱ - ۲۰۰۰ م

۱۳۷۹/۱/۹ = ۲۹ مارس ۲۰۰۰

سفرخانواده‌های چهاردیپلمات ربوده‌شده ایرانی به بیروت

با ورود هیئتی از خانواده‌های چهاردیپلمات ربوده‌شده ایرانی به بیروت، روز دوشنبه دورتازه‌ای از تلاش‌ها برای روشن شدن سرنوشت آنان آغاز شد. این هیئت روز یکشنبه وارد پایتخت لبنان شده و در ملاقات با مسئولان دولتی و شخصیت‌های سیاسی و مذهبی این کشور اطلاعات تازه‌ای درباره سرنوشت این چهارتن به دست آورد. ایلی حبیقه از مسئولان شبه‌نظامیان منحل نیروهای لبنانی، و از نمایندگان فعلی مجلس لبنان، چندی پیش در مصاحبه‌ای تلویزیونی شایعه کشته شدن چهار ایرانی ربوده‌شده در این کشور را تکذیب کرد. برخی محافل می‌گویند سمیر جعجع سرکرده این گروه مسلح مسیحی، چهار ایرانی را به رژیم صهیونیستی تحویل داده است. درتایید این خبر، احمد حبیب‌الله مسئول یک گروه فلسطینی‌حقوق بشر نیز دوسال پیش اعلام کرده بود که برخی‌ها این چهار ایرانی را در یکی از زندان‌های رژیم صهیونیستی دیده‌اند.

فتح

۱۳۷۹/۱/۱۰ = ۳۰ مارس ۲۰۰۰

وعده رئیس‌مجلس لبنان برای دستیابی به چهاردیپلمات ربوده‌شده ایرانی

رئیس‌مجلس لبنان در دیدار با خانواده‌های چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی در لبنان، بر لزوم روشن شدن سرنوشت آنان تاکید کرد و از دولت و

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۲۷

نیروهای سیاسی این کشور خواست در این راه کوشش بیشتری مبذول دارند. در این ملاقات نبیه بری با ابراز همدردی با خانواده‌های ایرانی‌های ربوده‌شده در لبنان، قول داد که برای روشن شدن سرنوشت آنان تلاش بیشتری انجام دهد. ایللی حبیقه فرمانده قبلی شبه‌نظامیان نیروهای لبنانی و از نمایندگان کنونی مجلس لبنان، چندی پیش در مصاحبه‌ای تلویزیونی با رد اتهام کشتن چهار ایرانی ربوده‌شده گفت که: «ممکن است آنان در زندان‌های اسرائیل باشند.»

برخی از زندانیان لبنانی که چندماه پیش از زندان‌های رژیم صهیونیستی آزاد شده‌اند، گفته‌اند که چند ایرانی را در یکی از زندان‌های این رژیم مشاهده کرده‌اند. این درحالی است که پاره‌ای محافل سیاسی لبنان احتمال می‌دهند که رژیم صهیونیستی چهار دیپلمات ایرانی را برای مبادله با رون آراد خلبان ناپدید شده خود در لبنان، نگه داشته است. عصر آزادگان

دیدار خانواده‌های گروگان‌های ایرانی با مسئولان لبنانی

خانواده‌های گروگان‌های ایرانی با شیخ محمد مهدی شمس‌الدین رئیس‌مجلس اعلی شیعیان لبنان دیدار کردند. شیخ شمس‌الدین در این ملاقات بر لزوم روشن شدن سرنوشت چهار ایرانی ربوده‌شده تأکید کرد و از دولت و نیروهای سیاسی این کشور خواست در این راه کوشش بیشتری مبذول دارند. کیهان

۱۳۷۹/۱/۱۱ = ۳۱ مارس ۲۰۰۰

دیدار خانواده‌های گروگان‌های ایرانی با نخست‌وزیر لبنان

خانواده‌های چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی با سلیم الحص نخست‌وزیر لبنان ملاقات کردند. الحص، ناپدید شدن دیپلمات‌های ایرانی و روشن نشدن سرنوشت آنان را دردناک خواند و از این موضوع ابراز تأسف کرد. نخست‌وزیر لبنان قول داد از همه امکانات دولتی برای روشن شدن سرنوشت آنان بهره گیرد. بیان

دیدار خانواده‌های گروگان‌های ایرانی با رهبر مسیحان لبنان

خانواده‌های چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی، در سومین روز اقامت خود در بیروت، روز چهارشنبه ۷۹/۱/۱۰ با کاردینال نصرالله سفیر

۱۲۸ □ کمین جولای ۸۲

رهبر مذهبی مسیحیان مارونی لبنان دیدار کردند. سفیر، در این ملاقات با ابراز تاسف از طولانی شدن قضیه دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی در لبنان، خواستار بهره‌گیری از همه امکانات دولتی و غیردولتی برای روشن شدن سرنوشت آنان شد. هفته‌نامه پیام آزادی

۱۴/۱/۱۳۷۹ = ۳ آوریل ۲۰۰۰

چهار دیپلمات ایرانی را سمیر جعجع ربوده است

خانواده‌های چهار دیپلمات ربوده شده ایرانی، با سیدحسن نصرالله دبیرکل حزبال‌له لبنان دیدار کردند و خواستار کمک وی برای روشن شدن سرنوشت این چهارتن شدند. سیدحسن نصرالله در این دیدار به آنان قول داد که در این زمینه از هیچ اقدامی دریغ نخواهند کرد. دبیرکل حزبالله گفت: «باتوجه به اینکه دیپلمات‌های ایرانی مهمانان لبنان بوده‌اند، در مورد روشن شدن سرنوشت آنان، دولت لبنان و همه مردم این کشور مسئولیت دارند.» این خانواده‌ها همچنین با ایلی حبیقه نماینده مجلس لبنان که به هنگام ربوده شدن چهار دیپلمات ایرانی در سال ۱۳۶۱، یکی از مسئولان شبه‌نظامیان نیروهای لبنانی بود، در این دیدار مسئولیت خود را در ربودن این چهار ایرانی رد کرد و سمیر جعجع یکی دیگر از مسئولان شبه‌نظامیان نیروهای لبنانی را مسئول ربودن آنان دانست. وی گفت: «گروگان‌های ایرانی احتمالاً در زندان‌های مختلف نگه‌داری می‌شدند و بعید نیست که مسئولان یکی از این زندان‌ها آنان را به اسرائیل تحویل داده باشند.» با توجه به منحل شدن نیروهای لبنانی در سال ۱۹۹۹ و فراری بودن بسیاری از مسئولان امنیتی این گروه، تحقیقات کامل در این باره بسیار مشکل است. اما وی وعده داد که در مورد روشن کردن نکات تاریک این موضوع کمک کند. خانواده‌های چهار دیپلمات ایرانی ربوده شده، هفته گذشته وارد بیروت شدند و در مدت اقامت خود با مسئولان بلندپایه دولتی و مقام‌های مذهبی اسلامی، مسیحی ملاقات کردند و خواستار کمک آنان شدند.

آفرینش

۲۴/۱/۱۳۷۹ = ۱۳ آوریل ۲۰۰۰

ساخت سریال شهید متوسلیان

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۲۹

شنیده می‌شود ساخت سریال زندگی شهید حاج احمد متوسلیان قطعی شده است. فیلمنامه این سریال را «بهزاد بهزادپور» نوشته و حبیب‌الله کاسه‌ساز مجری طرح آن است. متن فیلمنامه در اختیار «مجتبی راعی»، «احمد مرادپور» و «ابراهیم حاتمی‌کیا» قرار گرفته اما هنوز کارگردان آن مشخص نشده است.

مشارکت

۱۳۷۹/۲/۳ = ۲۳ آوریل ۲۰۰۰

کیمیایی و ساخت یک سریال جنگی

شنیده‌ها حاکی است در پی پیشنهاد فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) قرار است «مسعود کیمیایی» سریال زندگی حاج احمد متوسلیان را بسازد. متن این سریال را بهزاد بهزادپور نوشته است و مجری طرح آن حبیب کاسه‌ساز است.

مشارکت

۱۳۷۹/۲/۱۹ = ۹ مه ۲۰۰۰

فاتح قلبها

«علی چرخکار» به ذکر خاطراتی از حاج احمد متوسلیان در کردستان پرداخته است.

کیهان

تیر ۱۳۷۹ = جولای ۲۰۰۰

خدا کند که بیایی

«عبدالحسین رحمتی» در مقاله‌ای احساسی برای حاج احمد، خاطرات روزهای بودنش را نوشته است.

ماهنامه شاهد

تیر ۱۳۷۹ = جولای ۲۰۰۰

از ۹ نفر گروگان ایرانی در لبنان چه خبر؟

این هم از لبنان؛ تمام شد! آزاد شد رفت! حال این‌که بعد از آزادی دچار چه مسائلی می‌شود و حتی شده، بماند. از قدیم گفته‌اند: «پیروزی ده‌ها پدر و مادر دارد، اما شکست همواره یتیم است!» این اصل بر لبنان هم حاکم است. فکر نکنید اسرائیل رفت بیرون و تمام شد؛ پیروزی لبنان – که به واقع و به اعتراف اکثر شخصیت‌های سیاسی واقع‌بین، ثمره فداکاری‌های جوانان حزب‌الله لبنان بود – هم شیرین است، هم تلخ. پیروزی و فرار دشمن که همواره شیرین است، ولی آنچه بر فضای لبنان سایه افکنده است، این است که:

«جنگ زد نعره ولی پنجره‌ها را بستید به غنائم که رسیدیم، به ما پیوستید»

آنان که تا دیروز مقاومت اسلامی علیه اشغالگران را عملی تروریستی می‌خواندند، در جشن پیروزی می‌خندند. ولی به چه و برای چه؟ آنانی که حتی تفاوت چوب و اسلحه را نمی‌دانند و در طی سی‌سال گذشته فقط به دنبال شخصیت‌های سیاسی این کشور و آن کشور بودند بلکه با چاپلوسی و نفاق، مقام و منصبی برای خود دست و پا کنند، امروز شادمانه از پیروزی‌شان دم می‌زنند. زیاد وارد جزئیات نشوم، همه اینها مقدمه بود تا بگویم:

این روزها با پیروزی مقاومت اسلامی لبنان، چهار خانواده در ایران، هم اشک شوق می‌ریزند، هم اشک فراق. چهار خانواده که هجده سال چشم انتظار خفت و ذلت اسرائیل و فرار آن ماندند تا بلکه خبری از فرزندان‌شان بازآید، ولی افسوس. آیا امروز جا ندارد دولت جمهوری اسلامی ایران، تکلیف این خانواده‌های مظلوم را مشخص کند. همچنان چشم انتظار آمدن فرزندان‌شان باشند یا...

به راستی چه تعداد در زندان‌های اسرائیل به سر می‌برند و هیچ اسمی از آنها نیامده است؟ آیا باید پذیرفت براند اشمیت‌باور رئیس‌سازمان اطلاعات آلمان، که چندسال پیش مدعی شد نقشه محل کشته شدن و دفن گروگان‌های ایرانی را تحویل مسئولین ایرانی داده است، در مذاکرات خود با رژیم صهیونیستی جهت تبادل اسرا، درباره سه نفر ایرانی‌ای که سال ۱۹۸۲ در لبنان به دست مزدوران اسرائیلی اسیر شدند و «احمد حبیب‌الله» مسئول بازرسی حقوق بشر زندان‌های فلسطین نیز اعلام کرد که آنان در اسرائیل هستند، هیچ سوالی نکرده؟ مگر می‌شود اسرائیل قبول کند سه ایرانی در زندان‌هایش هستند ولی هیچ‌کس از مجامع بین‌المللی و حتی جمهوری اسلامی، اسمی آنان را نپرسد؟ یا پرسیده‌اند ولی اعلام نمی‌کنند؟

هر آنچه هست، دیگر مسئله لبنان تمام شد و الحمدلله اسرائیل برای اولین بار در طول تاریخ پرجنایتش، با ذلت و خفت از لبنان گریخت، ولی اینجا جای سوالات بسیاری از سیاستمداران خارج‌بین ایران وجود دارد: «از گروگان‌های ایرانی در لبنان چه خبر؟» جالبتر اینجاست که بدانیم در طی سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱) اولین ماه‌های تجاوز اسرائیل به لبنان، همراه با چهار دیپلمات ایرانی، البته با فاصله زمانی، حدود پنج نفر دیگر نیز به اسارت مزدوران اسرائیلی در آمدند. پس آن پنج نفر که تاکنون هیچ اسمی

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۳۱

از آنان به‌میان نیامده، کی هستند و کجا به سر می‌برند. یک هفته قبل از اسارت متوسلیان، یک ایرانی مستقیم توسط نیروهای اسرائیلی دستگیر شد و براساس یکی از نامه‌های وزارتخارجہ نیز در حاجزبربارہ پنج‌نفر به اسارت در آمده‌اند که نفر پنجم شخصی است به نام «شیخ‌توسلی» و روز ۱۳/۶/۱۳۷۳ نیز سفارت‌ایران در بیروت در بیانیه‌ای که در مطبوعات چاپ شد - ولی هیچ‌کس توجهی به آن نشان نداد - که ایرانیان ربوده‌شده در سال ۱۹۸۲، ۷ نفر می‌باشند.

حال که اسرائیل در موضع شکست قرار گرفته است و مسئله ران آراد هم دارد مشخص می‌شود، چه خبر قطعی از گروگان‌های ایرانی؟ نه فقط آن چهار نفر معروف و مشهور شده، بلکه همه ایرانی‌های گمنام و مفقود در زندان‌های اسرائیل.

حمید داودآبادی

ماہنامہ فکہ

تیر ۱۳۷۹ = جولای ۲۰۰۰

حاجز بربارہ

در این متن که به عنوان فیلم‌نامه مستند نوشته شده است، حمید داودآبادی حوادث و وقایع از هنگام عملیات الی‌بیت‌المقدس در خرمشهر، تا اسارت چهار گروگان در بیروت را مورد توجه قرار داده است.

(ضمیمه ۲۴)

ماہنامہ فکہ

تیر ۱۳۷۹ = جولای ۲۰۰۰

وزارتخارجہ و ... ہجده سال موضع‌گیری قاطعانه!!!

حمید داودآبادی در این مقاله کہ به مناسبت ہجدهمین سالگرد فقدان گروگان‌های ایرانی منتشر کرده است، ضمن ارائه روزشماری از وقایع و اخباری کہ از زمان اسارت آنها تا سال ۷۹ در مطبوعات ایران پیرامون این مسئله منتشر شده، به انتقاد از عملکرد ضعیف وزارت امورخارجہ پرداخته و نوشته است: «شاید از همان اولین روزهای اسارت چهارگروگان ایرانی در بیروت، واحدی تاسیس شد کہ کارش فقط صدور بیانیه‌های شدیدالحن!! و قاطعانه!! علیہ فالانژیست‌ها و صهیونیست‌ها و همه عوامل ربوده شدن آن چهارغریب است. ہرسال بیانیه‌ای کہ اصل آن پوسیده است و ہرسال فقط ویرایش جدیدتر می‌شود، از رسانه‌های گروہی به

۱۳۲ □ کمین جولای ۸۲

اطلاع امت حزبالله می‌رسد که «وزارت امور خارجه در بیانیه شدیدالحنی رژیم صهیونیستی را تهدید کرد که اگر گروگان‌های ایرانی را در اولین فرصت آزاد نکند، پس کی می‌خواهد آزاد کند!!!» در طی هجده سال گذشته، اطلاعیه‌ها، بیانیه‌ها و اظهارات ضدونقیضی درباره گروگان‌های ایرانی منتشر شده است که البته همه اینها، آن چیزی است که در داخل منتشر شده است و گرنه نگاه خارجی‌ها به این مسئله نوع کاملاً متفاوتی است. به هر حال باید از سیاست‌گذاران سیاست خارجی و مسئولین امر این سوال را داشت که در طی این هجده سال، چه اطلاعات قاطع و مستندی در رابطه با گروگان‌های ایرانی به دست آورده‌اند و عکس‌العمل و نظر سازمان‌ملل در این رابطه چگونه بوده است؟»
ماهنامه فکه

۱۳۷۹/۴/۱۱ = ۲ جولای ۲۰۰۰

سعود ۶۵۷۰ بسیجی به کوه‌های تهران به یاد روزهای اسارت احمد متوسلیان
در آستانه فرارسیدن چهاردهم تیرماه هجدهمین سال به گروگان گرفته شدن سرلشکر جاوید الاثر حاج احمد متوسلیان بنیان‌گذار و فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) ۶۵۷۰ نفر از بسیجیان استان تهران به تعداد روزهای اسارت وی، روز گذشته در قالب گردان‌های عاشورا و الزهرا، با صعود به کوه‌های تهران، یاد و خاطره آن سردار بزرگ را گرامی داشتند.
کیهان

۱۳۷۹/۴/۱۳ = ۴ جولای ۲۰۰۰

رون آزاد در ایران است!

رادیو رژیم صهیونیستی گفته: «یک خبرگزار ارشد شبکه تلویزیونی بی.بی.سی لندن، شب گذشته گفت: به دنبال گفت‌وگوهایی که در هفته‌های اخیر با چندتن از بلندپایگان لبنان به عمل آورده، تقریباً مسلم شد که کم‌خلبان مفقود الاثر اسرائیلی رون آزاد، در ایران است. تلویزیون بی.بی.سی شب گذشته برنامه کاملی را به جریان ناپدید شدن رون آزاد اختصاص داد که در چارچوب آن، از جمله گفته شد که اکنون فضای مساعدی برای کوشش به منظور آگاهی از سرنوشت کم‌خلبان اسیر اسرائیلی وجود دارد.»
بخش فارسی جمعه شب رادیو رژیم صهیونیستی افزود: «مارک ارین» خبرگزار ارشد بی.بی.سی که در برنامه خبری پربیننده «نیوزنایت» سخن می‌گفت، در توضیح دیدگاه خویش اظهار داشته: خروج اسرائیل از لبنان و تحولاتی که در

داخل ایران رخ داد، محیط خوش‌بینانه‌تری برای کسب اطلاع از سرنوشت رون آراد ایجاد می‌کند.»

این درحالی است که منابع جهانی به صورتی غیرعادلانه، از سرنوشت چهار ایرانی اسیردر لبنان، هیچ‌گاه پی‌گیری و خبری را منعکس نمی‌نمایند. ایران

سرنوشت چهاردیپلمات ایرانی همچنان نامعلوم است

به مناسبت نوزدهمین سالگرد آدم‌ربایی صهیونیست‌ها، موسسه فرهنگی عاشورا بیانیه‌ای به این شرح صادر کرد: «نوزده سال پیش درچنین روزهایی چهاردیپلمات ایرانی علیرغم این‌که از مصونیت‌سیاسی برخوردار بودند، توسط مزدوران رژیم صهیونیستی در لبنان به اسارت درآمدند و سرنوشت این چهار ایرانی ربوده‌شده نیز در هاله‌ای از ابهام قرار گرفت و این درحالی است که در داخل و خارج از کشور گزارش‌ها و اخبار ضدونقیضی پیرامون وضعیت آنان منتشر شده است. صرف‌نظر از برخورد سرد و بی‌رغبت محافل به اصطلاح مدعی‌حقوق‌بشر اعم از کمیسیون حقوق‌بشر ملل‌متحد، صلیب‌سرخ جهانی و ده‌ها مجمع ریز و درشت مشابه آنها و نیز رسانه‌های غربی با قضیه جنجال‌آفرین ربودن چهارعضو هیئت‌دیپلماتیک ایران که به جهت برخورداری از مصونیت‌سیاسی تعرض به آنان در حقیقت تعرض به موازین متعارف و محترم سیاست بین‌الملل تلقی می‌شود، همان مختصر اخباری که بعضاً از کانال همین مجامع و رسانه‌ها درباره گروگان‌های ایرانی انتشار می‌یابد، بعضاً موجبات سردرگمی افکارعمومی و خصوصاً نگرانی خانواده‌های چشم‌انتظار این چهارتن را فراهم می‌آورد. باتوجه به این‌که در آستانه نوزدهمین سالگرد ربوده شدن چهارگروگان ایرانی قرار داریم، ضروری است به منظور تحقق خواست ملت بزرگ ایران که همانا آزادی فرزندان‌شان از چنگال رژیم صهیونیستی است، هیئتی ازسوی ریاست‌محترم‌جمهوری و یا وزارت‌امورخارج‌جهت تحقیق و پی‌گیری این موضوع تعیین شده و این هیئت در اولین فرصت، نتایج پی‌گیری‌های خود را به اطلاع مردم چشم‌انتظار ایران برساند.»

کیهان

۱۳۴ □ کمین جولای ۸۲

لشکر ۲۷ محمد رسول الله با انتشار اطلاعیه‌ای خواستار روشن شدن وضعیت چهارتبعه ایرانی شد

در این اطلاعیه با انتقاد از سکوت مجامع بین‌المللی در این خصوص آمده است: «باگذشت ۱۹ سال از آن عمل تروریستی هنوز هیچ‌گونه حرکت قابل‌توجهی از سوی مجامع بین‌المللی صورت نگرفته و سرنوشت این چهارتبعه ایرانی در پرده‌ای از ابهام باقی مانده است.»

در این بیانیه با تأکید بر لزوم حساسیت و جدیت در پی‌گیری این مسئله تصریح شده است: «اگر آن روز در قبال ربوده شدن خبرنگار خود کاظم اخوان در لبنان، سکوت اختیار نمی‌کردیم، دیگر خبرنگار ما شهید «محمود صارمی» را در افغانستان به آن طرز فجیع به شهادت نمی‌رساندند.»

کیهان

سرنوشت چهاردیپلمات همچنان نامعلوم است

نوزدهمین سالگرد آدم‌ربایی جلادان رژیم صهیونیستی در لبنان هم فرارسید. اگرچه برخی خبرها حاکی از زنده بودن این دیپلمات‌های رشید و پاک‌باخته ایرانی است، اما هنوز اطلاع دقیقی از سرنوشت و محل نگهداری آنان در دست نیست. در همین زمینه سازمان‌ها، نهادها و گروه‌ها با انتشار اطلاعیه‌های جداگانه‌ای خواستار تلاش مستمر و فراگیر مجامع دولتی و بین‌المللی برای روشن شدن وضعیت آنان شدند.

کیهان

۱۳۷۹/۴/۱۴ = ۵ جولای ۲۰۰۰

ایران رژیم صهیونیستی را مسئول سرنوشت ایرانیان ربوده شده در لبنان می‌داند

در آستانه سالگرد ربوده شدن چهارتن از اتباع و دیپلمات‌های ایرانی توسط عمال رژیم صهیونیستی در لبنان، سخنگوی وزارت امور خارجه اعلام کرد: «جمهوری اسلامی ایران رژیم صهیونیستی را مسئول سرنوشت اتباع خود می‌داند.»

«حمیدرضا آصفی» که در جریان گفت‌وگوی هفتگی خود با خبرنگاران داخلی سخن می‌گفت، افزود: «با فرارسیدن چهاردهم تیرماه، ۱۸ سال از ربوده شدن چهارتن از اتباع ایرانی توسط عمال رژیم صهیونیستی گذشت. طی این سال‌ها، محافل صهیونیستی و نیروهای وابسته به آن تلاش کرده‌اند تا پرونده این آدم‌ربایی که مغایر با تمام حقوق و عرف بین‌المللی است، بسته شده و به

فراموشی سپرده شود. جمهوری اسلامی ایران بار دیگر ضمن محکوم کردن این اقدام ضدانسانی رژیم صهیونیستی، مسئولیت این آدم‌ربایی و همچنین سرنوشت اتباع خود را که شواهد متعدد حاکی از زنده بودن ایشان و انتقال آنها به فلسطین اشغالی است، متوجه رژیم صهیونیستی می‌داند.»

آصفی در همین رابطه از سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی، کلیه دولت‌ها و بویژه دولت لبنان خواست از همه امکانات خویش برای وادار ساختن این رژیم به اجرای مفاد حقوق بین‌المللی بشردوستانه استفاده کنند. وی ضمن ابراز همدردی کامل با خانواده‌های این عزیزان که سال‌هاست درد انتظار را تحمل می‌کنند، بار دیگر تأکید کرد که وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران این موضوع را به طور جدی دنبال می‌کند و برای روشن شدن این مسئله و بازگرداندن این عزیزان به میهن اسلامی، از هیچ تلاشی فروگذار نخواهد کرد.

خراسان

یادی از چهاردیپلمات اسیر ایرانی

به انگیزه سالگرد ربوده شدن حاج احمد متوسلیان و یارانش در لبنان، «صمد موحد»، زندگی‌نامه مفصلی از حاج احمد متوسلیان و وقایع و حوادث پس از ربودن او و همراهانش را نوشته است.

(ضمیمه ۲۵)

بهار

درخواست ستادکنگره شهدا و اسرا دانشگاه علم و صنعت ایران از آقای خاتمی

ستاد کنگره شهدا، اسرا و مفقودین دانشگاه علم و صنعت ایران، با صدور بیانیه‌ای، از تمام مراکز علمی جهان خواست که زمینه آزادی چهار اسیر ایرانی دربند رژیم صهیونیستی را فراهم کنند. در بیانیه شماره دو این ستاد، که به مناسبت هجدهمین سالگرد اسارت دانشجوی احمد متوسلیان و همراهانش منتشر شده بود، آمده است: «اکنون که خوشبختانه ریاست سازمان کنفرانس اسلامی به عهده جناب آقای سیدمحمد خاتمی رئیس محترم و محبوب جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، خواهشمندیم مراتب اعتراض دانشجویان ایرانی نسبت به این جنایت رژیم صهیونیستی را به اطلاع مجامع علمی و بین‌المللی برسانند تا ان‌شالله شاهد آزادی این عزیزان که از دانشجویان کشورمان می‌باشند، باشیم.»

۱۳۶ □ کمین جولای ۸۲

این بیانیه تصریح می‌کند: «چرا سازمان‌های علمی، فرهنگی جهان، بنابه رسالت علمی و صنفی خود، خواستار و پیگیر آزادی آقای احمد متوسلیان دانشجوی دانشکده برق دانشگاه علم و صنعت ایران و آقای سیدمحسن موسوی دانشجوی دانشکده فنی دانشگاه تهران نمی‌باشند؟ چرا مراکز خبری و گزارشی جهان و سازمان خبرنگاران بدون مرز، حمایت خود را نسبت به کاظم اخوان خبرنگاری که مدت ۱۹ سال اسیر در زندان‌های اسرائیل می‌باشند، اعلام نمی‌کنند؟ چرا سازمان حقوق بشر عاملان و حامیان این جنایت را به جهانیان افشا نمی‌کند؟ ما دانشجویان آزادی‌خواه، ضمن افشای ماهیت پلید اسرائیل جنایتکار، از تمامی مراکز علمی و سازمان‌های ذیربط و مردم آزاده جهان می‌خواهیم، ضمن محکوم کردن این عمل ناجوانمردانه، زمینه را جهت آزادی چهار اسیر ایرانی دربند رژیم صهیونیستی را فراهم نمایند.»

انتخاب

۱۳۷۹/۴/۱۵ = ۶ جولای ۲۰۰۰

درخواست ایران از سازمان ملل برای آزادی چهار دیپلمات ایرانی دربند رژیم صهیونیستی

سیدکمال خرازی وزیر امور خارجه ایران، در نوزدهمین سالروز ربوده شدن چهارتن از اتباع و دیپلمات‌های ایرانی در لبنان، با ارسال نامه‌ای برای «کوفی عنان» دبیرکل سازمان ملل متحد، خواهان پیگیری جدی این سازمان برای آزادی گروگان‌های ایرانی شد. آقای خرازی در این نامه، اقدام ضدانسانی رژیم صهیونیستی را محکوم و تصریح کرد: «جمهوری اسلامی ایران مسئولیت آدم‌ربایی و سرنوشت اتباع خود را متوجه رژیم صهیونیستی می‌داند.»

خرازی به کارگیری مساعی و امکانات سازمان ملل متحد برای وادار کردن رژیم صهیونیستی به اجرای مفاد حقوق بین‌الملل و آزادی چهار تبعه ایرانی را مورد تاکید قرار داده است.

اطلاعات

۱۳۷۹/۴/۱۶ = ۷ جولای ۲۰۰۰

دولت نسبت به سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی باید با جدیت برخورد کند
خانم مریم مجتهدزاده همسر آقای سیدمحسن موسوی یکی از دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی، از همکاری نکردن مجامع بین‌المللی برای روشن شدن سرنوشت دیپلمات‌ها، انتقاد کرد و گفت: «از زمانی که دیپلمات‌ها دستگیر

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۳۷

شدند، کمیته ویژه پی‌گیری از سوی وزارت امور خارجه تشکیل شد تا مسئله را پی‌گیری کند، و با مکاتباتی که از طرف این کمیته با مجامع بین‌المللی انجام گرفت، متأسفانه جوابی به آنها داده نشد. آقای خرازی زمانی که به عنوان نماینده ایران در سازمان ملل حضور داشت، قضیه را به‌طور جدی پی‌گیری کرد اما هیچ جواب روشنی از طرف دولت‌های درگیر ارائه نشد و سازمان‌های بین‌المللی هیچ‌گونه کمکی برای روشن شدن مسئله نکردند؛ در حالی که اگر اتباع خودشان مورد تعرض قرارگیرند به سرعت اقدام می‌کنند.»

وی درخصوص علت به گروگان گرفته شدن دیپلمات‌های ایرانی، گفت: «همسر بنده ۶ بار مورد سوء قصد رژیم صهیونیستی و عمال عراق در لبنان قرار گرفت و این مقاومت آنها بود که موجب شد رژیم صهیونیستی دیپلمات‌ها را به گروگان بگیرد. فروردین ماه امسال، به همراه آقای خرازی سفری را به لبنان داشتیم و در آنجا مسئله را پی‌گیری کردیم و با دیداری که با ایلی حبیقه فرمانده نظامی سابق نیروهای فالانژ داشتیم، اظهار داشت که تا سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵ هـ ش) زمان تصدی وی در فرماندهی نیروهای فالانژ، دیپلمات‌ها صدمه زنده بوده‌اند. همچنین دوسال پیش، در یک مجله غربی به نقل از یک فلسطینی که تازه از زندان‌های رژیم صهیونیستی آزاد شده بود، خبر زنده بودن دیپلمات‌های ایرانی به چاپ رسیده بود که دیپلمات‌ها گفته بودند حتماً به سفارت ایران اطلاع دهید که ما زنده هستیم. آقای احمد حبیب‌الله که مسئول حمایت از زندانیان در سرزمین‌های اشغالی است، اعلام کرد؛ دیپلمات ایرانی زنده‌اند و در زندان عتلیت نگه‌داری می‌شوند. دفاع از دیپلمات‌ها، دفاع از یک فرد نیست، بلکه دفاع از حیثیت و اقتدار یک ملت است. بنابراین اگر وزارت امور خارجه اقدامی را انجام می‌دهد، در قبال یک ملت انجام داده است زیرا آنها نمایندگان کشورمان بوده‌اند. اگر مسئولان مملکتی اقدامی نکنند، حتماً در دیگر کشورها نیز دیپلمات‌ها مورد تعرض قرار خواهند گرفت، چنانچه در افغانستان شاهد این تعرضها بودیم.»

وی از دولت لبنان نیز درخواست کرد فداکاری مردم ایران را که برای آزادی کشور لبنان تلاش کردند، فراموش نکنند و برای آزادی دیپلمات‌های ایرانی تلاش کنند.

جمهوری اسلامی

۱۳۸ □ کمین جولای ۸۲

جاویدان در عرصه عشق

در این مقاله به شرح زندگی حاج احمد متوسلیان و اسارت او و همراهانش پرداخته شده است. هفته‌نامه شما

سلوک بسیجی

خاطره‌ای کوتاه از حاج احمد متوسلیان در این مطلب نقل شده است. هفته‌نامه شما

عاشقان ولایت

«شیبانی» به ذکر خاطره‌ای از حاج احمد متوسلیان در عملیات البیت المقدس پرداخته است. هفته‌نامه شما

۱۳۷۹/۴/۱۹ = ۱۰ جولای ۲۰۰۰

مراسم شبی با شهیدان

سومین مراسم «شبی با شهیدان»، به همت «مرکز علمی فرهنگی شهید آوینی» در سالن اجتماعات هلال احمر قزوین برگزار شد. در این مراسم که به یاد حاج احمد متوسلیان و گروگان‌های دربند رژیم صهیونیستی و در حمایت از حزب الله لبنان برگزار شد، حاج سعید قاسمی، از هم‌زمان حاج احمد متوسلیان مؤسس و فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول الله، سخنرانی کرد. در این مراسم، در حمایت از خانواده ۴ دیپلمات ایرانی، مرکز علمی فرهنگی شهید آوینی لوح مقاومت را به سیدراند موسوی فرزند سید محسن موسوی از دیپلمات‌های دربند رژیم صهیونیستی، به نمایندگی از خانواده این عزیزان تقدیم کرد. همچنین در حاشیه برگزاری این مراسم، در نماز جمعه این هفته قزوین، مردم این شهر در طوماری خطاب به وزیر امور خارجه، خواستار رسیدگی سریع به این فاجعه اسفناک در حد بین‌المللی شدند. واحد شهید مرکز علمی فرهنگی شهید آوینی نیز در نامه‌هایی خطاب به ریاست محترم جمهوری، رئیس قوه قضائیه، دبیرکل حزب الله لبنان، رئیس جمهوری لبنان، مجلس لبنان و دبیرکل سازمان ملل و دبیرکل سازمان جهانی یونسکو، فریاد اعتراض عضو حزب الله ایران را نسبت به این فاجعه به گوش مسئولین رساندند. مرکز علمی فرهنگی شهید آوینی قزوین

محضر حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمد خاتمی

رئیس‌جمهوری اسلامی ایران، با نثار درود به روان پاک حضرت روح‌الله، خمینی‌کبیر و آرزوی توفیق روزافزون امیر علمدار عصر ظهور، خامنه‌ای عزیز و تمام سربازان خدمتگزار او.

به استحضار جناب‌عالی می‌رسانیم، چهارتن از جوانان میهن‌اسلامی ما ایران، به نام‌های سیدمحسن موسوی کاردار اول سفارت ایران در بیروت و دانشجوی دانشگاه تهران، کاظم اخوان مسئول دفتر خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران در بیروت، عکاس و خبرنگار، تقی رستگار مقدم، مشاور فنی سفارت و حاج احمد متوسلیان، وابسته نظامی سفارت ایران در بیروت، فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله، دانشجوی دانشگاه علم و صنعت ایران و فاتح خرمشهر، فاتح ارزش‌های اسلامی در سوم‌خرداد، که به‌عنوان دیپلمات‌های ایرانی به ندای پیر و مراد خویش لبیک گفتند و به یاری ستم‌دیدگان مظلوم لبنان شتافته بودند، در تاریخ ۱۴ تیرماه سال ۶۱ به محض ورود به لبنان در منطقه حاجزبرباره توسط شبه‌نظامیان وابسته به رژیم صهیونیستی موسوم به فالانژها، در یک ایستگاه ایستوبازرسی، به اسارت گرفته می‌شوند و به رژیم صهیونیستی تحویل داده می‌شوند و امروز با آن‌که هیجده‌سال از این فاجعه می‌گذرد و در این ایام، طولانی‌ترین اسارت‌دانشجویی تاریخ به ثبت می‌رسد، هنوز اقدامات قاطع و دارای نتیجه درخصوص آزادسازی این سربازان گمنام روح‌الله، و افشای ماهیت جنایتکارانه و پست رژیم اشغالگر صهیونیستی، از جانب سازمان‌های حقوقی بین‌المللی و سازمان‌های مسئول داخلی، صورت نگرفته است. اکنون که در هجدهمین سالگرد اسارت این اسوه‌های غیرت روح‌اللهی‌قرار داریم، از جناب‌عالی به‌عنوان رئیس‌دوره‌ای سازمان‌کنفرانس اسلامی، رئیس یگانه جمهوری ولایی جهان و مطرح‌کننده موضع گفت‌وگویی تمدن‌ها در جهان قرن بیستم، تقاضا داریم درخصوص آزادسازی و مشخص شدن وضعیت این جگرگوشه‌های ملت که سربازی خود را این‌گونه به اثبات رساندند، اقدامات لازم را به انجام رسانید و در ابعاد جهانی پی‌گیری‌های لازم را از راه‌های ممکن به عمل آورید و با رسیدن به نتیجه مطلوب، موجبات شادی‌قلب ملت غیور ایران، خانواده این عزیزان و رهبر معظم انقلاب، سکان‌دار نهضت جهانی اسلام را فراهم‌سازید. از خداوند برای جناب‌عالی و تمامی سربازان مخلص نظام جمهوری اسلامی ایران، توفیقات روزافزون خواستاریم.

۱۴۰ □ کمین جولای ۸۲

مرکز علمی فرهنگی شهید آوینی قزوین

نامه‌ای برای اهالی دهکده جهانی

عصر عجیبی است، عصر کامپیوتر، عصر ارتباطات، عصر اطلاعات، عصر «خمینی»، عصر رجعت دوباره انسان. امروز که کوچک‌ترین کشف علمی، کشف کوچک‌ترین باکتری، با سرعتی فوق سرعت صوت در جهان منتشر می‌شود، در عصری که همه، داد صلح و دوستی، فریاد همسانی و برابری سر می‌دهند، ای شهروندان خاموش دهکده جهانی! کدخدا را خبر دهید!؟ به جناب «مک لوهان» هم بگویید ۱۸ سال است که جوانانی از ایران را دزدیده‌اند، ولی هیچ‌کس نمی‌داند که آنها در کجای این دهکده هستند!

آری، جوانانی از کشور ایران. در تاریخ ۱۴ تیرماه سال ۱۳۶۱ احمد متوسلیان دیپلمات ایرانی حاضر در لبنان، سید محسن موسوی کاردار اول سفارت ایران در بیروت، کاظم اخوان عکاس و خبرنگار ایرانی و تقی رستگار مقدم مشاور فنی هیئت دیپلماتیک، برغم مصونیت سیاسی، در ۴۰ کیلومتری شرق بیروت توسط شبه نظامیان اسرائیلی ربوده شدند و تا امروز از آنها هیچ خبری نیست. نمی‌دانیم در این عصر ارتباطات و... ارزش ۱۸ سال چقدر است، ولی ارزش جوانان غیوری را که اسوه‌های غیرت و مقاومت هستند، خوب می‌دانیم.

ای اهالی دهکده! ما رژیم غاصب اسرائیل را مسئول و بانی این فاجعه می‌دانیم و آنان را آماج سخت‌ترین نفرت‌های خود قرار خواهیم داد. ای اهالی دهکده! نام این عصر را یاد بگیرید این عصر، عصر خمینی است، عصر روح الله، و ما در راه آرمان‌های خمینی ایستاده‌ایم.

فرزندان روح الله

مرکز علمی فرهنگی شهید آوینی قزوین

۱۳۷۹/۵/۶ = ۲۸ جولای ۲۰۰۰

مصاحبه با سفیر لبنان در تهران

«عدنان منصور» سفیر لبنان در تهران، در مصاحبه‌ای اختصاصی، به سؤالی پیرامون گروگان‌های ایرانی پاسخ داده است.

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۴۱

– سال‌هاست شماری از ایرانیان در لبنان ربوده شده‌اند، آیا شما از سرنوشت این افراد اطلاعی جدید دارید؟

عدنان منصور: در این رابطه هیچ‌گونه اطلاعی ندارم، اما باید تاکید کنم که لبنان اهمیت خاصی به تعیین سرنوشت آنان قائل است.

قدس

۱۳/۵/۱۳۷۹ = ۴ اوت ۲۰۰۰

رئیس مجلس لبنان برای نجات دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی تلاش می‌کند

نبیه بری، رئیس‌مجلس‌نمایندگان لبنان و دبیرکل جنبش‌امل، در فرودگاه مهرآباد تهران، درباره اقداماتش برای نجات دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی در لبنان، قول داد که به تلاش‌هایش برای نجات این دیپلمات‌ها ادامه دهد. دبیرکل جنبش‌امل لبنان، با اشاره به دیدارهایش با خانواده‌های خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی و سه دیپلمات ربوده شده ایرانی در لبنان، گفت که شخصا از لحظه مطلع شدن از این اقدام تروریستی، تلاش‌هایش را برای کمک به رهایی آنان آغاز کرده است. وی رژیم اشغالگر قدس را عامل اصلی این اقدام تروریستی در لبنان نامید و گفت که در آن زمان روزانه یکصد تا دویست تن از اتباع لبنان در کشورشان توسط تروریست‌ها ربوده می‌شدند و هم‌اکنون نیز از سرنوشت دو هزار نفر آنان اطلاعی وجود ندارد. رئیس‌مجلس‌نمایندگان لبنان در پاسخ به پرسش خبرنگار واحد مرکزی خبر درباره اهداف سفرش به ایران، با اشاره به سفرهای گذشته‌اش گفت که این سفر اولین سفرش نیست و آخرین آنها نیز نخواهد بود.

خراسان

۱۸/۵/۱۳۷۹ = ۹ اوت ۲۰۰۰

کاظم اخوان، خبرنگار دربند

این روزنامه در گفت‌وگو با خانواده کاظم اخوان، به پی‌گیری ماجرای آنان پرداخته است.

(ضمیمه ۲۶)

خراسان

۲۶/۵/۱۳۷۹ = ۱۷ اوت ۲۰۰۰

ایلی حبیقه ۴ دیپلمات ایرانی را به شهادت رسانده است

هفته‌نامه الوطن‌العربی چاپ پاریس نوشت: «چهاردیپلمات‌ایرانی که در سال ۱۹۸۲ در شمال‌بیروت ربوده شدند، به دست ماموران امنیتی گروه شبه‌نظامیان منحل‌ه نیروهای لبنانی به قتل رسیده‌اند.»

این هفته‌نامه در گفت‌وگو با روبیر حاتم مشهور به کبرا، که در طول ۲۰ سال گذشته محافظ ایلی حبیقه فرمانده پیشین نیروهای لبنانی بوده و یکی از نمایندگان کنونی مجلس لبنان است، نوشت: «حبیقه پس از گذشت مدتی از گروگان گرفتن دیپلمات‌های ایرانی، تصمیم گرفت آنان را به قتل برساند.»

کبرا در این مصاحبه گفت: «چندی پیش مصاحبه ایلی حبیقه درباره ربودن دیپلمات‌های ایرانی را در یک نشریه عرب‌زبان چاپ‌لندن، و نیز گفت‌وگوی وی را با یک شبکه تلویزیونی لبنان ملاحظه کردم و تصمیم گرفتم به یاوه‌گویی‌های وی پاسخ دهم. چهاردیپلمات‌ایرانی در پاسگاه برباره در شمال‌بیروت بازداشت شدند و ایلی حبیقه آنان را به مقر امنیتی نیروهای لبنان منتقل کرد. در آن روز شخصی به نام «گابی بستانی» با نام مستعار «ابوحیب»، مسئول بازجویی بود. در مقر ساختمان دو تن از اعضای شبه‌نظامیان به نام‌های «جورج یونس» با نام مستعار «ابونا» و «جورج صباغ» ملقب به «ابوایمن» مسئول قتل دیپلمات‌های ایرانی در سال ۱۹۸۳ شدند. قتل دیپلمات‌های ایرانی حدود یک ماه یا یک‌ماه‌ونیم پس از ربوده شدن آنان صورت گرفت و در محوطه‌ای نزدیک مرکز فرماندهی نیروهای لبنان دفن شدند. گابی بستانی - مسئول بازجویی - به قتل رساندن دیپلمات‌های ایرانی را به ایلی حبیقه گزارش کرد و برای تأیید اظهارات خود تأکید می‌کنم که «استیو ناقور» به من اطلاع داد که «پل عریس» از او خواست حفره‌هایی را که دیپلمات‌های ایرانی در آنها دفن شده‌اند، پاکسازی کند. این حفره‌ها مملو از اجساد مقتولان بود که روی آن آهک می‌ریختند تا در اسرع وقت نابود شود. پل عریس و استیو ناقور، که از مسئولان ساختمان بازجویی نیروهای لبنان بودند و با دستور گابی بستانی عمل می‌کردند، حفره‌ها را از اجساد پاکسازی کردند و باقی‌مانده اجساد را به منطقه «وادی الجاجم» در نزدیک شهر «عشقوت» انتقال دادند و در آنجا مجدداً به خاک سپردند. حبیقه یکی از کارگزاران خود را به نام «جورج سوری» که تبعه سوریه بود، مامور کرد خودروی دیپلمات‌های ایرانی را به شهر طرابلس انتقال دهد و در یکی از خیابان‌های این شهر رها کند تا

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۴۳

وانمود شود آنان یعنی دیپلمات‌های ایرانی، وارد منطقه زیر کنترل شبه‌نظامیان نشده‌اند.»

وی این ادعاهای ایلی حبیقه را که گفته است «اسرائیل برای مبادله رون آراد خلبنان ناپدید شده‌اش در لبنان، دیپلمات‌های ایرانی را ربوده»، تکذیب کرد و گفت: «همه این اطلاعات در کتابی که اخیراً علیه حبیقه منتشر کرده‌ام، ذکر شده است.»

محافظ پیشین حبیقه افزود: «دلیل دیگری دارم که می‌توانم کشته شدن دیپلمات‌های ایرانی در لبنان را ثابت کنم. من گفت‌وگوی تلفنی با گابی بستانی را که در حال حاضر در استرالیا به‌سر می‌برد، ضبط کرده‌ام که نحوه ترور دیپلمات‌های ایرانی را شرح داده است.»

وی درباره این‌که: «چرا گابی بستانی نقش خود در ترور دیپلمات‌های ایرانی را تکذیب نمی‌کند؟» گفت: «بستانی در این نوار می‌گوید بشیر جمیل او را مامور بازجویی از دیپلمات‌های ایرانی کرده بوده است. «عیسی ایوبی» یکی از روزنامه‌نگاران روزنامه‌الدیار از «حزب‌سوری قومی‌لبنان» که به هنگام بازداشت دیپلمات‌های ایرانی با آنان در زندان بوده است، بر این باور است که اظهارات حبیقه مبنی بر انتقال دیپلمات‌ها به اسرائیل دروغ محض است.»

قدس

شهریور ۱۳۷۹

کاظم اخوان خبرنگار نبود!!

حمید داودآبادی، در این مقاله، به شرح برخورد دوگانه برخی مجامع روزنامه‌نگاری با مسئله خبرنگاران پرداخته و از بی‌توجهی آنان به سرنوشت کاظم اخوان، انتقاد کرده است.

(ضمیمه ۲۷)

ماهنامه فکه

۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰ = ۱۳۷۹/۷/۶

هنوز چشم به‌راه سردارانیم

«فاطمه دوست‌کامی» مقاله‌ای احساسی در رثای حاج‌احمد متوسلیان و همراهانش نگاشته است.

۱۴۴ □ کمین جولای ۸۲

رسالت

۱۳۷۹/۷/۲۱ = ۱۳ اکتبر ۲۰۰۰

فرمانده

در این مطلب، خاطره‌ای کوتاه از حاج احمد متوسلیان نقل شده است.

هفته‌نامه شما

۱۳۷۹/۷/۲۵ = ۱۷ اکتبر ۲۰۰۰

تلاش دیپلماتیک ایران نقش کلیدی منطقه‌ای و اسلامی آن را برجسته می‌کند
خبرگزاری فرانسه با اشاره به سفر ناگهانی کمال خرازی وزیر امور خارجه ایران، به لبنان و سوریه و عراق، با اشاره به اتفاقات پیش آمده در لبنان، نوشته است: «ایران بویژه از درخواست‌ها برای آزادی تمام زندانیان دربند اسرائیل حمایت کرده است و آزادی چهار ایرانی را که در زمان حمله اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ ربوده شدند، خواستار شده است. گرچه گزارش‌های دریافت شده از کشته شدن این چهار ایرانی خبر می‌دهد.

بولتن «ایران در رسانه‌های بیگانه»

خبرگزاری جمهوری اسلامی

۱۳۷۹/۸/۸ = ۳۰ اکتبر ۲۰۰۰

نقل قول‌های تازه درباره سرنوشت دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی

«علیرضا نوری زاده» جمعه شب به رادیوکلن گفت: «آقای روبیان حاتم ملقب به کبرا، دستیار و محافظ ایلی حبیقه وزیر و نماینده سابق مجلس لبنان و فرمانده نیروهای مسیحی دست راستی، روز گذشته در گفت‌وگو با روزنامه «الشرق الاوسط» چاپ لندن فاش ساخته که چهار ایرانی به اسارت درآمده در لبنان به دستور ایلی حبیقه، پس از شکنجه بسیار، به قتل رسیدند. به گفته این شاهد، جنازه‌های این چهار تن، نخست در یک نقب بزرگ زیرزمینی در محله‌ای در شرق بیروت گذاشته شد و چندی بعد به دستور حبیقه، باقی مانده اجساد آنان و اجساد ده‌ها تن از مسلمانان و مسیحیان مخالف نیروهای افراطی مسیحی، کیسه‌کیسه از این نقب خارج و به منطقه کوهستانی در بلندی‌های نزدیک بیروت برده شد. ماجرای چهار شهروند ایرانی، علیرغم گذشت سال‌ها از اختفای آنان، همچنان در پرده‌ای از ابهام قرار دارد و خبر شهادت دیپلمات‌ها هنوز از تایید رسمی برخوردار نشده است.»

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۴۵

وي ادعا کرده: «ایلی حبیقه در حال حاضر متحد سوریه و از دوستان صمیمی «بشاراسد» رئیس‌جمهوری فعلی سوریه است. هنگامی که این چهار تن در اتومبیل نمره‌سیاسی سفارت‌ایران در زمان حمله اسرائیل به لبنان، قصد عبور از شرق بیروت به سوی جاده اسرائیلی داموس - صیدا را داشتند، اتومبیل آنان توسط یک گشت سیار وابسته به نیروهای لبنانی شبه‌نظامیان مسیحی متوقف شد و ساعتی بعد این چهارتن به حبیقه تحویل داده شدند. ایلی حبیقه، یعنی همان فردی که به گفته دستیار و محافظش، شخصا بر شکنجه و قتل موسوی، متوسلیان و اخوان و راننده آنان نظارت داشت، پس از بیعت با حافظ اسد، رئیس‌جمهوری متوفای سوریه، به نمایندگی مجلس و وزارت رسید و هم‌اکنون با قدرت مالی و نفوذ بسیار، از چهره‌های سرشناس جامعه مسیحی کشور لبنان است و سوریه می‌کوشد برای او یک کرسی وزارت در کابینه جدید لبنان دست و پا کند.»

ایران

۱۳۷۹/۸/۹ = ۳۱ اکتبر ۲۰۰۰

جهت اطلاع

روزنامه ایران، در شماره دیروز خود از قول علیرضا نوری‌زاده که برای رسانه‌های آمریکایی و صهیونیستی کار می‌کند، نوشت: «چهار دیپلمات ایرانی که در زمان حمله اسرائیل به لبنان ربوده شدند، توسط ایلی حبیقه شکنجه شده و به شهادت رسیدند.»

نوری‌زاده در اظهارات خود، با مرتبط دانستن ایلی حبیقه با حافظ اسد و بشار اسد، دولت سوریه را نیز به طور غیرمستقیم متهم به دست داشتن در این واقعه کرده است. دولت‌جمهوری اسلامی ایران، با توجه به شواهدی که دارد، معتقد است این چهار دیپلمات در اسارت رژیم صهیونیستی هستند و انتشار بدون نقد اظهاراتی مانند آنچه نوری‌زاده گفته است، به نفع صهیونیست‌ها می‌باشد.

جمهوری اسلامی

۱۳۷۹/۹/۲۹ = ۲۰ دسامبر ۲۰۰۰

گروگان‌های فراموش‌شده ایرانی!

حمید داودآبادی در این مقاله، به معرفی برخی شاهدان حادثه گروگان‌گیری پرداخته و از مسئولین ذیربط پرسیده است که چرا سراغ آنان نمی‌روند؟ هفته‌نامه صبح‌دوکوهه

۱۴۶ □ کمین جولای ۸۲

۲۰۰۰ = ۱۳۷۹/۱۰/۵ = ۲۶ دسامبر ۲۰۰۰

عجب آرامشی داشت حاج احمد

«غلامرضا کاج» به شرح خاطره‌ای از حاج احمد متوسلیان در دوران دفاع مقدس اشاره کرده است.

کیهان

۲۰۰۱ = ۱۳۷۹/۱۲/۱۳ = ۳ مارس ۲۰۰۱

ده‌ها ایرانی و لبنانی در زندان‌های اسرائیل هستند

روزنامه «السفیر» روز جمعه به نقل از انجمن فلسطینی دوستداران زندانیان و بازداشت‌شدگان، نوشت: «اسرائیل ده‌ها ایرانی و لبنانی را در زندان‌های خود حبس کرده است.»

مقراین انجمن درس‌زمین‌های اشغالی فلسطین است. این روزنامه با استناد به بیانیه‌ای که از سوی انجمن‌مذبور انتشاریافت، نوشت: «شاهدان عینی اسامی چهار ایرانی را مشاهده کرده‌اند که روی دیوار سلول‌های زندان عتلیت حکاکی شده است.»

السفیر این افراد را محسن موسوی‌کاردار سفارت ایران، احمد متوسلیان دیپلمات و کاظم اخوان خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی معرفی کرده است. این روزنامه به هويت فرد چهارم اشاره‌ای نکرده است. اطلاعات

گزارش آخرین شناسایی به سردار احمد متوسلیان

نویسنده از زبان یکی از هم‌زمان حاج احمد متوسلیان به شرح خاطراتی از او پرداخته است.

هفته‌نامه صبح‌دوکوهه

۲۰۰۱ = ۱۳۷۹/۱۲/۲۱ = ۱۱ مارس ۲۰۰۱

خانواده کاظم اخوان از مجامع بین‌المللی انتقاد کردند

خانواده کاظم اخوان از مجامع بین‌المللی به خاطر بی‌توجهی به سرنوشت وی انتقاد کرد. تازه‌ترین گزارش‌های دریافتی از رسانه‌های خارجی حاکی است که این چهار تن در زندانی درس‌زمین‌های اشغالی نگه‌داری می‌شوند. حسین اخوان، در دیدار تعدادی از مسئولان خبرگزاری جمهوری اسلامی با خانواده‌اش در مشهد گفت: «همتی که از سوی خبرگزاری جمهوری اسلامی برای آزادی همکارشان تاکنون صورت‌گرفته قابل تقدیر است. پدر و مادرم درحالی

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۴۷

دارفانی را وداع گفتند که آرزوی بازگشت کاظم را داشتند ولی بی‌مبالاتی مجامع بین‌المللی در پی‌گیری سرنوشت عزیزان‌مان سبب شد تا آن دو آرزوی دیدار فرزند خود را به گور ببرند. درحالی که مجامع بین‌المللی برای جلوگیری از تخریب مجسمه‌های بودا در افغانستان یا شهروندان کشورهای اروپایی و آمریکایی جار و جنجال تبلیغاتی گسترده به راه می‌اندازند، متأسفانه با گذشت بیش از ۱۸ سال از اسارت اخوان و دیپلمات‌های ایرانی، هیچ اقدام مثبتی برای آزادی آنان صورت نداده‌اند.» رئیس‌حوزه مدیرعامل سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران نیز در این جلسه اظهار امیدواری کرد که مجامع بین‌المللی با پی‌گیری تازه‌ترین اخبار دریافتی از رسانه‌های خارجی، در جهت آزادی اخوان و دیپلمات‌های ایرانی اقدام ساعی صورت دهند.

جمهوری اسلامی

سال ۱۳۸۰ هـ ش ۲۰۰۲ - ۲۰۰۱ م

۱۳۸۰/۱/۷ = ۲۷ مارس ۲۰۰۱

گروگان‌های ایرانی زنده‌اند

وزیر امور خارجه ایران کمال خرازی در يك سفرسه روزه به لبنان وسوريه، با مسئولان عالی‌رتبه این کشورها در زمینه تحولات منطقه خاورمیانه و جهان اسلام به گفت‌وگو و تبادل‌نظر پرداخت. خرازی درباره نقش‌ایران در مبادله اسیران‌لبنانی و رژیم‌صهیونیستی و سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی ربوده‌شده در سال ۱۹۸۲ در لبنان، گفت: «درباره اسیران ایرانی ولبنانی تماس‌هایی گرفته شده و ما این تماس‌ها را به حزب‌الله ارجاع دادیم تا این حزب هرطور مناسب بداند، موضوع را پی‌گیری کند.»

وي درباره موضوع دیپلمات‌های ایرانی افزود: «روشن شدن سرنوشت این افراد مورد اهتمام ماست و شواهدی در دست داریم که این افراد زنده هستند و در فلسطین اشغالی به سر می‌برند.»

جمهوری اسلامی

۱۳۸۰/۱/۲۱ = ۱۰ آوریل ۲۰۰۱

گزارشی تحلیلی از یک‌صد و هفت‌مین اجلاس انجمن ایران و آمریکا

... در ادامه سخنان سناتور «اسپکتر» و به‌دنبال پیشنهاد «ژاپه یوسفی» جهت روشن‌کردن وضعیت چهار دیپلمات گروگان‌گرفته‌شده ایرانی در اسرائیل، به‌عنوان اقدامی توأم با حسن‌نیت از جانب آمریکا، اسپکتر آمادگی کامل

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۴۹

خود را جهت انجام هرگونه اقدامی در این‌خصوص و به‌منظور تاثیر مثبت گذاردن بر روند بهبود مناسبات دو کشور، اعلام کرد.
نشریه گلف ۲۰۰۰ وابسته به دانشگاه کلمبیا - نیویورک

۱۳۸۰/۲/۲۷ = ۱۷ مه ۲۰۰۱

گفت‌وگوي اينترنتي سفير ايران در بيروت

روزنامه خراسان در گفت‌وگوي اينترنتي با «محمدعلي سبحاني» سفير ايران در بيروت، از اين‌که دکترخرازي درطول اقامت خود در لبنان، موضوع ربه‌ده شدن چهارديپلمات‌مظلوم ايراني را مکررا مطرح کرده و حتي در اين ارتباط از حزب‌الله نيز تقاضاي کمک نموده است، اما درمورد مسئله اختفای امام‌موسي صدر سکوت نموده، انتقادکرده و نوشته است که برخي برادران لبناني متعجب بودند که چرا ايشان لااقل در حد و اندازه مسئله ديپلمات‌هاي ايراني به مسئله اختفای امام‌صدر بها نمي‌دهند؟

خراسان

تير ۱۳۸۰ = جولاي ۲۰۰۱

ناگفته‌ها درباره حاج احمد متوسليان

حميد داودآبادي، در گفت‌وگوي اختصاصي با «محسن رفيق‌دوست» ، خاطرات وي از حاج احمد متوسليان و همچنين آخرين اخباري را که از سرنوشت‌گروگان‌ها دارد، پرسیده که او نيز ناگفته‌هاي خود را بازگو کرده است.

(ضميمه ۲۸)

ماهنامه فکه

تير ۱۳۸۰ = جولاي ۲۰۰۱

صريح و بي‌پرده هرآنچه درباره گروگان‌ها گفته نشده

سيدرائد موسوي فرزند سيد محسن موسوي سرپرست‌سفارت ايران در بيروت، در گفت‌وگوي اختصاصي، آخرين نتايج پي‌گيري‌هاي‌شان را درباره سرنوشت‌چهار گروگان ايراني تشریح کرده است.

(ضميمه ۲۹)

ماهنامه فکه

تير ۱۳۸۰ = جولاي ۲۰۰۱

حاج احمد آن‌گونه که من دیدم

۱۵۰ □ کمین جولای ۸۲

سردار «رحیم صفوی»، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در گفت و گوی اختصاصی با حمید داودآبادی، به ذکر خاطرات خود از حاج احمد متوسلیان پرداخته و درباره آخرین دیدار خود با او، می گوید: «هنگامی که در خرداد سال ۱۳۶۱ ارتش رژیم صهیونیستی به خاک لبنان تجاوز کرد و تا بیروت پیشروی کرد، قرار شد یک لشکر نیرو از ارتش و یک لشکر هم از سپاه، به لبنان اعزام شود که ما لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) را انتخاب کردیم. ابلاغ ماموریت را من به ایشان کردم که شما بروید در ستاد مرکزی سپاه. من مسئول طرح و عملیات ستاد مرکزی سپاه بودم و من خودم به ایشان ابلاغ کردم که شما باید یگانته را برداری و بروی. همین طور که توی پله ها بودیم، وقتی این حرف را به او زدم، دستانش را به هم مالید و از ذوق و شوق این ماموریت، اشک از چشمانش جاری شد و گفت: «بالا ترین آرزوی من این بود که با این صهیونیست ها بجنگم ... و خدا چقدر به من علاقه داشته که من را و یگان من را انتخاب کرده. چشم. از همین فردا آماده ایم.»

حاج احمد یک چهره قاطع و خشنی داشت، ولی آن روز که این ماموریت به ایشان ابلاغ شد، گل از گلش شکفت و هیچ کس نمی دانست که این آخرین ماموریت او خواهد بود و آنجا آخرین باری بود که من حاج احمد متوسلیان را دیدم. حاجی یک روحیه ای خاص داشت. این که با دشمن کنار بیاید، در او نبود. اصلا روحیه سازش پذیری و اسارت نداشت.»

ماهنامه فکه

تیر ۱۳۸۰ = جولای ۲۰۰۱

چه کسی از گروگان ها خبر دارد؟

حمید داودآبادی در این مقاله، به نقل بخشی از خاطرات «خاویر پرزدکوئیاری» دبیرکل اسبق سازمان ملل متحد، پیرامون گفت و گوی خود با هاشمی رفسنجانی پیرامون وضعیت چهارگروگان ایرانی، پرداخته است.

(ضمیمه ۳۰)

ماهنامه فکه

۱۳۸۰/۴/۱۱ = ۲ جولای ۲۰۰۱

حاج احمد خودش یک لشکر بود

امیرحسین انبارداران، در مصاحبه با «جعفر جهروتی زاده» از همرزمان حاج احمد متوسلیان، از خاطرات و نظرات او پیرامون وضعیت گروگان های ایرانی و همچنین روحیات حاج احمد جویا شده است.

بیست سال است که چشم‌انتظاریم

«محمد خامه‌یار» به مصاحبه با پدرمحمدتقی رستگارمقدم، که همراه سه‌گروگان دیگر، درلبنان به‌اسارت درآمدند، پرداخته و نظرات او را جویا شده است.

(ضمیمه ۳۱)

کیهان

۱۳/۴/۱۳۸۰ = ۴ جولای ۲۰۰۱

برپایی نمایشگاه عکس و خاطرات یادبود سردار احمد متوسلیان در شهرقدس
به مناسبت نوزدهمین‌سالگرد اسارت چهار گروگان ایرانی، نمایشگاه عکسی به‌مدت یک هفته از سوی سپاه پاسداران شهرقدس-تهران- برگزارگردید.

جمهوری اسلامی

۱۹ سال انتظار کافی است

خواهران کاظم اخوان خبرنگار و عکاس بوده‌شده ایرانی، در مصاحبه با خبرنگاری جمهوری اسلامی، اظهار داشتند: «۱۹ سال انتظار برای دیدار با برادر کافی است و چشم‌به‌راهی بیش از این درتوان نیست.»

(ضمیمه ۳۲)

تلکس‌مطبوعاتی خبرگزاری ایرنا

سرنوشت؟ دیپلمات‌ربوده‌شده ایرانی پس از ۲۰ سال همچنان درپرده ابهام

موسسه فرهنگی‌عاشورا، در آستانه فرارسیدن بیستمین سالگردربوده‌شدن چهارگروگان‌مظلوم ایرانی توسط مزدوران رژیم صهیونیستی، با صدور بیانیه‌ای، ضمن ابراز انزجار و تنفر از این وقیحانه‌ترین نوع ترور، بر لزوم آغاز یک جهاد رسانه‌ای جهت انعکاس ابعاد گسترده این حادثه تکان‌دهنده تاکید کرد. به گزارش روابط عمومی‌موسسه فرهنگی‌عاشورا، این موسسه ضمن انتقاد نسبت به برخورد سرد و بی‌رغبت محافل به اصطلاح مدافع حقوق بشر، اعم از کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، صلیب سرخ جهانی و ده‌ها مجمع ریز و درشت مشابه آنها، و نیز رسانه‌های غربی با قضیه جنجال‌برانگیز و رسوایی‌آفرین ربودن چهار عضو هیئت دیپلماتیک ایران که به جهت برخورداری از مصونیت سیاسی، تعرض به آنان در حقیقت تعرض به موازین

محترم و متعارف سیاست‌بین‌المللی تلقی می‌شد، از سکوت مشکوک برخی روزنامه‌ها و رسانه‌های داخلی مدعی اصلاح‌طلبی گلایه کرد. در این بیانیه، همچنین با اشاره به تلاش سازمان‌یافته و مداوم روزنامه‌های مدعی مردم‌سالاری، برای مطرح‌نمودن و قهرمان‌سازی از چند روزنامه‌نگاری که اتهام آنها در خصوص اقدام علیه امنیت ملی، توهین و اهانت به مقدسات و ارزش‌ها و... برکسی پوشیده نیست، آمده است: «تهیه و درج مقالات متعدد، مصاحبه با خانواده روزنامه‌نگاران زندانی، گفت‌وگو با وکلای مدافع متهمین، برپایی کنفرانس‌های خبری و میزگردهای مطبوعاتی، اعلام آخرین وضعیت سلامتی زندانیان، نظرخواهی از مردم و... تنها بخشی از تلاش‌گسترده اصحاب این دسته از رسانه‌های مکتوب می‌باشد. این درحالی است که ظرف گذشت سال‌های اخیر، حتی از نگارش یک‌سطر مقاله، گفت‌وگو با خانواده‌های گروگان‌ها، مصاحبه با مقامات ذیربط و یا حتی اعلام شکایت دسته‌جمعی به مجامع بین‌المللی در اعتراض به ارتکاب چنین جنایت‌فاحشی از سوی تروریست‌های اسرائیلی در حق یک‌همکار، همدین و هموطن خود یعنی کاظم اخوان خبرنگار و عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی، طفره رفته و دریغ ورزیده‌اند و متأسفانه همه این تناقضات درحالی صورت می‌گیرد که این جماعت، مدعی عدم تقسیم بندی مردم به شهروند درجه یک و دو نیز می‌باشند.»

مؤسسه فرهنگی عاشورا، در ادامه این بیانیه می‌افزاید: «ایجاد یک جهاد رسانه‌ای در آستانه بیستمین سالروز اسارت‌چهار ایرانی ربوده شده، فی‌نفسه می‌تواند نقطه عزیمت مناسبی برای آغاز یک مارا تن دیپلماتیک - سیاسی رسانه‌ای سودمند و مؤثر، جهت مجموعه دستگاه‌های متولی امر روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران - اعم از وزارت امور خارجه و کمیسیون امور خارجی مجلس شورای اسلامی - و تلاش در راه رهایی چهارگروگان مظلوم ایرانی را فراهم آورد. جادارد درخواست سال‌های گذشته خویش را از ریاست محترم جمهوری مبنی بر تشکیل هیئتی جهت پی‌گیری و روشن نمودن ابعاد پنهان این ماجرا، و پایان دادن به ارائه اخبار ضدونقیضی که ظرف سال‌های گذشته موجبات سردرگمی بیشتر افکار عمومی و خصوصاً نگرانی‌خانواده‌های این‌چهارتن را فراهم آورده است، مطرح‌نموده و مصرانه خواستار پی‌گیری قاطع رئیس‌جمهوری محترم در این خصوص باشیم.»

کیهان

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۵۳

نامه سرگشاده خانواده‌های دیپلمات‌های ایرانی‌ربوده شده در لبنان، به رئیس‌جمهوری

در این نامه، باتبریک انتخاب مجدد حجت‌الاسلام خاتمی به ریاست جمهوری، با اشاره به ربوده شدن چهار دیپلمات ایرانی در سال ۶۱ در لبنان توسط عوامل رژیم صهیونیستی، نکاتی ذکر شده است.

(ضمیمه ۳۳)

کیهان

آن سفر کرده که صد قافله دل همراه اوست

صفحه «جبهه و جنگ» این روزنامه، به خاطرات و مقالاتی پیرامون زندگی و اسارت حاج احمد متوسلیان اختصاص دارد.

جمهوری اسلامی

به یاد ۴ مهاجر پاکبخته

محمد خامه‌یار، در مقاله‌ای احساسی و کوتاه، از این‌که در طی ۱۹ سال که از اسارت ۴ گروگان ایرانی می‌گذرد، هیچ نتیجه روشنی گرفته نشده، انتقاد کرده است.

کیهان

درخواست از دبیرکل سازمان ملل

«بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران» با ارسال نامه‌ای خطاب به آقای کوفی عنان، خواستار تلاش دبیرکل سازمان ملل برای آزادی دیپلمات‌ها و خبرنگار ایرانی پس از ۱۹ سال از چنگال اسارت مزدوران رژیم صهیونیستی شدند.

جمهوری اسلامی

اخبار ضدونقیضی به ما می‌رسد

سردار «علیرضا افشار» معاون فرهنگی ستاد کل نیروهای مسلح، در گفت‌وگو با خبرنگاران اعلام داشت: «در خصوص دیپلمات‌ها و خبرنگار ایرانی به گروگان گرفته شده از سوی صهیونیست‌ها، متأسفانه اخبار ضدونقیضی از این عزیزان به ما می‌رسد و دریکی از آنها عنوان شده است که حتی قبرهای این چهار زنده‌یاد را پیدا کرده‌اند، ولی ما اخبار دیگری هم داریم که آنها در

زندانی‌های مختلف دیده شده‌اند.» سردار افشار، در پایان تمامی رسانه‌ها را به تلاش در خصوص فشار آوردن بر مجامع بین‌المللی در رسیدگی به پرونده گروگان‌گیری صهیونیست‌ها فراخواند تا تکلیف خانواده‌هایشان روشن شود. صدای عدالت

در جستجوی نور

خلیل اسفندیاری، در مقاله خود، به بررسی اخبار متفاوت ارائه شده در باره گروگان‌های ایرانی پرداخته است. رسالت

دیپلمات‌ها و خبرنگار ایرانی در دست صهیونیست‌ها هستند

سفیر جمهوری اسلامی ایران در بیروت گفت: «خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی و سه دیپلمات ایرانی که ۱۹ سال پیش گروه منحل نیروهای لبنانی ربودند، به رژیم صهیونیستی تحویل داده شده‌اند.»

محمدعلی سبحانی دیروز در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا در بیروت، به پرسش‌هایی درباره ابعاد ربوده شدن آقای محسن موسوی، احمد متوسلیان و تقی رستگار از دیپلمات‌های وزارت خارجه و کاظم اخوان خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی، پاسخ داد. سبحانی با اشاره به اقدام‌های انجام شده برای آگاهی از سرنوشت ربوده‌شدگان ایرانی، گفت: «از آن زمان تاکنون تحقیقات پی‌گیری از سوی وزارت خارجه ایران و برخی نهادهای دولتی لبنان صورت گرفته، اما متأسفانه منجر به روشن شدن قطعی سرنوشت آنان نشده است.»

وی خاطر نشان ساخت: «این کار با همه قوانین، مقررات و عرف بین‌المللی مغایر بود، زیرا این افراد دیپلمات بودند و بالطبع مصونیت داشتند. همچنین آنها با خود روی رسمی سفارت حرکت می‌کردند و نیروهای دولتی لبنان نیز آنها را همراهی می‌نمودند.»

سبحانی با اشاره به شرایط نابسامان داخلی لبنان در آن مقطع زمانی، افزود: «در آن هنگام، در نتیجه ضعف دولت مرکزی، نیروهای شبه نظامی بر صحنه حاکم بودند، بویژه که طرف‌رباینده، با اسرائیل یعنی دشمن مهاجم و اشغالگر نیز همکاری داشت. در آن زمان، مقام‌های دولت شامل رئیس‌جمهوری، نخست‌وزیر

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۵۵

و وزیر خارجه وقت لبنان، همه تلاش خود را براي آزادي آنان انجام دادند و وعده‌هايي نيز به آنها داده شد، اما عملي‌نشد.»

سفير کشورمان درباره تلاش دولتهاي بعدي لبنان و پي‌گيري وزارت خارجه ايران، گفت: «اين تلاش‌ها در همه موارد به بن‌بست رسيد و نتايج قانع‌کننده يا مستندي به دست نيامد.»

با اين حال، وي تاکيد کرد: «اصل بر زنده بودن ربوده شده‌هاست و شهادت فرضي آنان بايد اثبات شود. معنای بي‌نتيجه ماندن همه اين اقدامات، اين است که رژيم صهيونيستي آنها را در دست دارد و راه‌هاي تحقيق براي آگاهي از سرنوشت آنها را مي‌بندد. از وزارت امور خارجه لبنان و دستگاه‌هاي امنيتي لبنان درخواست شده است در اين مورد به تحقيقات خود ادامه دهند و اين درحالي است که پرونده چهارايراني، در اين مراکز باز است و دستگاه‌هاي مربوط در حال پي‌گيري موضوع هستند.»

ابزار

کميته حقيقت‌ياب سرنوشت عکاس ربوده شده خبرگزاري را مشخص‌کند

خانواده کاظم اخوان علاف خواهان تشکيل يك کميته مشترک حقيقت‌ياب شدند. حسين اخوان برادر کاظم اخوان، به نمايندگي از خانواده اين کارمند ايرنا، روز گذشته، هدف اين کميته مرکب از نمايندگان ايران و لبنان را تلاش براي روشن شدن سرنوشت برادر خود و سه ديپلمات ايراني دانست. اخوان گفت: «کاظم براي ثبت تصويري جنايات رژيم صهيونيستي، از سوي خبرگزاري پارس سابق، به لبنان ماموريت يافته بود و دولت لبنان در درجه نخست مسئول حفظ سلامت او و همراهانش بود. با توجه به اينکه دو عامل اصلي گروگان‌گيري يعني سمير جعجع و ايلي حبيقه، هر دو در لبنان حضور دارند، کميته مشترک ايراني و لبناني مي‌تواند نقش تعيين‌کننده‌اي در مشخص کردن سرنوشت گروگان‌هاي در اسارت رژيم صهيونيستي داشته باشد. سمير جعجع هم اکنون در زندان دولت لبنان است و ايلي حبيقه نيز در گذشته عضو کابينه دولت آن کشور بود، و اينک نيز نمايندگي مجلس لبنان را برعهده دارد، لذا تحقيق از اين دو مي‌تواند اطلاعات لازم را در اختيار خانواده‌هاي گروگان‌ها قرار دهد.»

برادر کاظم اخوان از کميسیون امنيت ملي و سياست خارجي مجلس شوراي اسلامي خواست با توجه به گذشت ۱۹ سال از اسارت عکاس خبرگزاري جمهوري اسلامي و

سه دیپلمات وزارت امور خارجه، برای مشخص کردن سرنوشت آنها، موضوع را به صورت جدی مورد پیگیری قرار دهد. وی از ارائه اطلاعات ضدونقیض درباره سرنوشت این گروگان‌ها انتقاد کرد و افزود: «کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در یافتن حقیقت داشته باشد. مرحوم رضا اخوان پدر کاظم، به همراه سه خانواده دیگر گروگان‌ها، طی دو سفر به لبنان، از دولت آن کشور خواستار روشن شدن سرنوشت فرزندان خویش شدند. پدر کاظم پس از سال‌ها انتظار و چشم‌به‌راهی و تلاش‌های فراوان برای مشخص شدن سرنوشت فرزندان، چند سال پیش به رحمت‌ایزدی پیوست، اما ما امیدواریم با پیگیری جدی این مسئله از سوی مجامع بین‌المللی و دولت ایران و لبنان، بتوانیم به زودی پذیرای این عزیزان در کشور باشیم.»

آفرینش

۱۳۸۰/۴/۱۶ = ۷ جولای ۲۰۰۱

ربوده شدن چهار ایرانی در لبنان، سبب دوگانگی مدافعان دروغین حقوق بشر

سکوت مجامع جهانی، دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی روزنامه‌نگاری و جمعیت‌های حقوق بشر در برابر سرنوشت عکاس و دیپلمات‌های ایرانی که ۱۹ سال پیش در لبنان ربوده شدند، از تناقض الگوهای رفتار سیاسی در سطح بین‌المللی بویژه از سوی مدافعان دروغین حقوق بشر و بخصوص در برخورد با صهیونیست‌ها خبر می‌دهد. کاظم اخوان عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی، سید محسن موسوی کاردار وقت سفارت ایران در لبنان به همراه احمد متوسلیان و تقی رستگار مقدم، از اعضای سفارت، یک‌ماه پس از هجوم سراسری ارتش رژیم صهیونیستی به لبنان و اشغال بیروت، در سال ۱۹۸۲، توسط عوامل این رژیم در منطقه برباره بر سر راه طرابلس به بیروت، ربوده شدند. این ۴ تن که سوار بر خودروهای سیاسی بودند و پلیس لبنان آنان را همراهی می‌کرد، توسط گروه نیروهای لبنانی وابسته به رژیم صهیونیستی دستگیر و به بازداشتگاهی در شرق پایتخت منتقل شدند. گفته می‌شود این گروه پس از انحلال، چهار ایرانی را تحویل رژیم صهیونیستی دادند. از آن زمان تاکنون، منابع مختلف از زنده بودن و حضور عکاس و دیپلمات‌های ایرانی در زندان‌های مخفی رژیم اشغالگر قدس خبر می‌دهند. زندان‌هایی که تحت نظارت سازمان‌های بین‌المللی قرار ندارند. احمد حبیب‌الله رئیس انجمن حمایت از زندانیان فلسطین در اسرائیل، در سال ۱۳۷۶ صراحتاً اعلام کرد که چهار گروگان ایرانی در زندان‌های مخفی در بازداشت به سر می‌برند. انجمن

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۵۷

فلسطینی دوستانان زندانیان و بازداشت‌شدگان نیز در اسفندماه سال‌گذشته اعلام کرده‌است: «اسرائیل ده‌ها ایرانی و لبنانی را در زندان‌های خود حبس کرده‌است.» این انجمن، می‌افزاید: «شاهدان عینی اسامی چهار ایرانی را مشاهده کرده‌اند که روی دیوار سلول‌های زندان عتلیت حک شده‌است.»

برادر عکاس ربوده‌شده خبرگزاری جمهوری اسلامی کاظم اخوان، نیز در این‌باره می‌گوید: «یکی از آزادشدگان دربند اسرائیل نیز اعلام کرده‌است که اسامی گروگان‌های ایرانی را دیده و آنان در مخفی‌گاه سرویس اطلاعاتی ارتش اسرائیل در زندان‌های عتلیت و صرفند نگه‌داری می‌شوند.»

جمهوری اسلامی ایران، بارها با تأکید بر در اختیار قرار داشتن اسناد و مدارک متعدد مبنی بر زنده بودن چهار ایرانی ربوده‌شده و وجود آنان در فلسطین اشغالی، خواستار تلاش‌های مجامع جهانی برای آزادی آنان شده‌است. با وجود این مدارک و شواهد، انتظار می‌رفت مجامع بین‌المللی و سازمان‌های مدافع حقوق بشر و همچنین دولت‌های غربی و دیگر دولت‌هایی که با اسرائیل رابطه دارند و تبلیغات گسترده‌ای را به‌عنوان مخالفت با تروریسم، دفاع از حقوق بشر، تأکید بر ضرورت قوانین بین‌المللی در مورد مصنوعیت‌کارگزاران سیاسی دولت‌ها به‌راه انداخته، عاملان این‌گونه اقدام‌ها را تحت پی‌گردهای شدید قرار داده‌اند، درباره سرنوشت این ۴ گروگان ایرانی پی‌گردها و محکومیت‌های خود را اعمال می‌کردند. این تناقض در رفتار سیاسی که بارها و در موارد مختلف به اثبات رسیده‌است، بر ضرورت بازنگری و به‌کارگیری اقدام قاطع‌تر مجامع بین‌المللی و سازمان‌های حقوق بشر در زمینه احقاق حقوق اشخاص و دولت‌ها تأکید می‌کند.

فرحناز امرالهی
آفرینش

ما چه کرده‌ایم ؟

«بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع)» با انتشار بیانیه‌ای به مناسبت ۴۱ تیر، سالروز ربوده شدن دیپلمات‌های ایرانی در لبنان، خواستار رسیدگی جدی و عملی جهت روشن‌شدن سریع‌تر سرنوشت دیپلمات‌ها شد. در این بیانیه آمده‌است: «این حادثه، برگ سیاه دیگری بر دفتر جنایات صهیونیست سلطه‌گر در طول تاریخ معاصر و ضربه حزن‌انگیزی به پیکره انقلاب ما بود. آیا ما جزیک بیانیه و اظهار محکومیت‌تکراری بی‌اثر، کار دیگری انجام

دادیم؟ روند پی‌گیری وزارت خارجه و دولت، چه اثر مثبتی را در این زمینه به همراه داشته؟ قوه قضائیه ما چه اقدام متقابلی را انجام داده و ما پس از ۱۹ سال، از دیپلمات‌های خود چه می‌دانیم؟»
سیاست‌روز

درخواست نویسندگان و روزنامه‌نگاران عرب

رئیس‌اتحادیه نویسندگان لبنان و نایب‌رئیس اتحادیه روزنامه‌نگاران عرب، ربودن خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی و سه دیپلمات ایرانی را در لبنان، نقض حقوق بشر خواند. «ملحم کرم» ادامه بازداشت این افراد را اقدامی ضد انسانی و مغایر اصول اخلاقی دانست و افزود: «من به نمایندگی از سوی همه نویسندگان و روزنامه‌نگاران لبنان، از ربایندگان می‌خواهم این افراد را آزاد نمایند تا به آغوش خانواده خود بازگردند.»
سیاست‌روز

بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، یاد گروگان‌های ایرانی را گرامی داشت

«بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس»، با صدور بیانیه‌ای، یاد حاج احمد متوسلیان و همراهان وی را در سالروز ربوده شدن آنان توسط رژیم صهیونیستی، گرامی داشت. بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، یکبار دیگر توجه مجامع بین‌المللی را به این جنایت تاریخی معطوف داشته و ضمن محکوم کردن این اقدام ضد انسانی، خواستار پی‌گیری مجدانه وزارت امور خارجه در خصوص روشن شدن وضعیت دیپلمات‌های ایرانی شده است.
قدس

نماز جمعه تهران

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه ۱۵ تیرماه گفت: «یکی از مسائل مهم که مناسبت دارد، مفقود شدن و اسیر شدن تعدادی از عزیزان ما در لبنان است... در لبنان فرزندان انقلابی مردم را اسیر کردند، خبرهای متناقض پخش کردند که یا اینها را شهید کردند یا به اسرائیل بردند و یا چه کردند... بحث مهم این است که آمریکا با این پرونده اش الان چه کار می‌کند و ما تعجب می‌کنیم که چرا در ایران یک حرکت اساسی الان انجام

نمی‌شود. می‌بینید آمریکایی‌ها دارند روزبه‌روز دادگاه تشکیل می‌دهند، یک‌کسی پیدا می‌شود شکایت می‌کند مثلاً می‌گوید قوم و خویش ما در لبنان گروگان‌گرفته شده، چون ایران در لبنان نفوذ دارد، پس ما از ایران شکایت می‌کنیم. حالا ارتباطش با ایران این است، چون ایران در لبنان نفوذ داشته ما از ایران شکایت می‌کنیم. یک دادگاه مثل دادگاه‌های بلخ در آمریکا تشکیل می‌شود برای آدم این‌جوری دویست سیصد میلیون دلار ایران را محکوم می‌کنند که باید خسارت بدهند و این تکرار شده است. این خیلی حرف مهمی است. آمریکا هم استدلالش این است که بخشی از مردم لبنان شیعه و حزب‌اللهی هستند و آنها با مردم ایران روابط حسنه دارند. این هم استدلال است و چیز دیگری در آن نیست. خب ما چرا این شکایت را نمی‌کنیم؟ تا یک مدتی‌گفته می‌شد که ما قانون نداریم، مدتی‌پیش مجلس قانونی‌گذرانده و ابلاغ هم‌شده و تعجب می‌کنم که بعد از آن چرا اقدام نمی‌شود؟ این چهارنفری که الان بیش از ۲۰ سال است که مفقود هستند، از آن گروگان‌هایی که آمریکا برای آنها هر یکی‌شان دویست تا سیصد میلیون دلار در دادگاه خویش حکم صادر می‌کند، ما چرا نداشته‌باشیم؟ چرا از اینها خسارت نگیریم؟»

جمهوری اسلامی

۱۳۸۰/۴/۱۷ = ۸ جولای ۲۰۰۱

آیا اخوان هم خبرنگار بود؟

هیئت‌رئیسه محترم انجمن‌صنفي‌روزنامه‌نگاران، به هرمناسبتی که کمی رنگ وبوی سیاسی هم دارد، چندین بیانیه صادر می‌کند، یا وقتی که سرنوشت یک روزنامه‌نگار در داخل کشور با ابهام مواجه می‌شود، تلاش و پی‌گیری مجدانه‌ای که البته اگر سیاسی نباشد کاملاً ستودنی است را ترتیب می‌دهد. اما روزنامه‌نگاران حقیقی، قشر ساده‌ای هستند که همواره مورد تعرض افراد و گروه‌ها واقع شده‌اند و هیچ‌گاه و هیچ‌کس نیز درصدد دفاع از آنان برنیامده است. به‌هرحال، در نوزدهمین سالگرد روبروده شدن کاظم اخوان عکاس‌خوب و پرتلاش خبرنگار جمهوری اسلامی ایران به دست نیروهای فالانژ لبنان، انتظار می‌رفت که هیئت‌مدیره محترم انجمن‌صنفي‌روزنامه‌نگاران، حداقل با صدور اطلاعیه‌ای یاد او را گرامی بدارند، اما دریغ و افسوس که فعالیت‌ها و موضع‌گیری‌های نه چندان‌صنفي، این فرصت را به دوستان محترم نمی‌دهد تا به یکی از اعضای خانواده مطبوعات فکر کنند که اینک ۱۹ سال است در فضایی مبهم و در

زندان‌هایی که حتماً با زندان‌های ایران کاملاً متفاوت است، با مرگ دست و پنجه نرم می‌کند. باور کنید کاظم هم مثل من و شما خبرنگار بود، البته تفاوت‌های زیادی نیز با ما داشت. او جان‌ش را کف دست گرفته بود، تا آزادانه ابراز عقیده کند. اگر به عکس‌های او نگاه کنید، این آزادی را حتماً می‌بینید. کاظم بدون ترس به عمق جبهه دشمنان هجوم می‌برد و گاهی حتی پیش‌تر از نیروهای رزمنده، خود را به میان عراقی‌ها می‌رساند تا از فرار و کشته شدن و شلیک آنها عکس‌بگیرد. او می‌خواست آزادانه بگوید که چطور رزمندگان ایرانی از جان می‌گذرند و سربازان بعثی، چگونه کم‌طاقت‌اند و همه این حرف‌ها را با آزادی و آزادی خود فریاد کرد. اینها را من نمی‌گویم، عکس‌های اخوان است که این‌گونه فریاد می‌زند. البته اگر گوش‌شنوا و چشم‌بینایی برای شنیدن و دیدن حق داشته باشیم. کاظم در راه آزادی عقیده و آزادی بیان، آن‌گونه که در شان یک خبرنگار است، به لبنان سفر کرد و ندای آزادمندی برآورد، اما دوستان ما گویی اینک در هیاهوی مسائل سیاسی فرصتی برای شنیدن این صدا ندارند. دوستان هیئت‌رئیس انجمن صنفی روزنامه نگاران، در بیانیه‌های خود برای سیاستمدارانی که این روزها در پوشش روزنامه‌های حزبی فعالیت می‌کنند، آن‌چنان فریاد آزادی‌خواهی برمی‌آورند که گویی کسی غیر از آنها در فکر آزادی بیان و عقیده و روزنامه‌نگاران نیست، ولی همین افراد به همین سادگی از کنار اخوان می‌گذرند. شاید اصلاً او را به یاد هم نداشته باشند. از دوستان عزیز هیئت‌مدیره انجمن صنفی می‌خواهم که تا دیر نشده و روزنامه‌نگاران ما از روزنامه‌نگاران غرب در حمایت از گروهان‌های ایرانی عقب‌نیفتاده‌اند، اقدام به صدور اطلاعیه‌ای نمایند و پیام‌همدردی این‌قشر را با خانواده‌های آن عزیزان به گوش‌همگان برسانند. گرچه شایسته‌تر آن است که هیئتی از سوی انجمن موظف به پی‌گیری سرنوشت یکی از همکاران صبور و آزاداندیش صنف روزنامه‌نگار شود.

حمید باباوند

سیاست‌روز

تا ابد سبزمانده خاطره‌ها

در صفحه جبهه و جنگ این روزنامه، بخشی از کتاب «همپای‌ساعقه» درباره چگونگی اسارت حاج احمد متوسلیان و همراهانش به چاپ رسیده است.

۱۳۸۰/۴/۱۹ = ۱۰ جولای ۲۰۰۱

تلاش‌های تازه در لبنان برای تعیین سرنوشت چهار ایرانی مفقود شده

ناپدید شدن چهار ایرانی در سال ۱۹۸۲ در نزدیکی بیروت، به یکی از موضوعات روز در محافل سیاسی لبنان تبدیل شده است. به گزارش رادیو آلمان، در سال ۱۹۸۲ هنگامی که بخش بزرگی از لبنان به اشغال اسرائیل درآمده بود، کاظم اخوان روزنامه‌نگار و محسن موسوی، احمد متوسلیان و تقی رستگار سه دیپلمات، در نزدیکی بیروت به اسارت فالانژهای لبنان درآمدند. در جریان اشغال لبنان، نیروهای ملی‌لبنان که به فالانژها شهرت یافتند، با نظامیان اسرائیل همکاری نزدیک داشتند. دولت ایران می‌گوید افراد مذکور به اسرائیل منتقل شده و در حال حاضر نیز در اسارت اسرائیل به سر می‌برند. در سال ۱۹۸۶ یک سخن‌گویی نیروهای ملی‌لبنان در بیروت، اعلام کرد که چهار ایرانی یاد شده بلافاصله پس از دستگیری به قتل رسیدند. این موضوع چند روز بعد از سوی مسئولان دیگر در نیروهای ملی لبنان تکذیب شد. خلیل خوری مدیر خبرگزاری ملی لبنان، در مصاحبه‌ای مطبوعاتی در بیروت، خواستار دخالت مراجع بین‌المللی برای روشن شدن سرنوشت ۴ ایرانی ناپدید شده در لبنان گردید. خوری که به مناسبت نوزدهمین سالگرد ناپدید شدن چهار ایرانی یاد شده در بیروت سخن می‌گفت، از سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد، خواست که برای روشن شدن سرنوشت این چهار ایرانی به اقداماتی دست بزنند. وی اسرائیل را مسئول ناپدید شدن چهار ایرانی مذکور دانست. مدیر خبرگزاری ملی لبنان در عین حال دولت لبنان را به انجام تلاش‌هایی در این زمینه فراخواند.

خراسان

دیدار خانواده‌های دیپلمات و خبرنگار ربوده شده در لبنان با رئیس مجلس

خانواده‌های سه دیپلمات و یک خبرنگار ربوده شده توسط مزدوران رژیم صهیونیستی در لبنان، روز دوشنبه با آقای مهدی کروی رئیس مجلس شورای اسلامی دیدار و گفت‌وگو کردند. به گزارش اداره کل فرهنگی و روابط عمومی مجلس، در این دیدار آقای کروی با اشاره به جنایات وحشیانه رژیم صهیونیستی در کشتار مسلمانان بی‌دفاع و اشغال سرزمین‌های آنان، بر

۱۶۲ □ کمین جولای ۸۲

ضرورت روشن شدن وضعیت این عزیزان پس از گذشت نوزده سال از اسارت آنان، تاکید کرد. رئیس مجلس افزود: «رژیم صهیونیستی با به اسارت درآوردن این عزیزان در لبنان، نشان ننگین دیگری را بر جنایات خود ثبت کرد که بدون شك از حافظه تاریخی جهانیان فراموش نخواهد شد.»

آقای کروی ضمن تقدیر از کلیه تلاشهایی که تاکنون در خصوص روشن شدن وضعیت دیپلماتها و خبرنگار به اسارت درآمده انجام گرفته، خاطر نشان ساخت با توجه به شواهد و قرائن موجود که مبنی بر زنده بودن این عزیزان است، وظیفه همه ما پیگیری مستمر و مداوم تا روشن شدن سرنوشت نهایی آنان می باشد. آقای کروی در پایان با تاکید بر تشکیل کمیته ای در مجلس شورای اسلامی به منظور پیگیری وضعیت دیپلماتها و خبرنگار ربوده شده، اظهار امیدواری کرد با تلاش نمایندگان مجلس، گام های اساسی در این زمینه برداشته شود.

خراسان

۲۰/۴/۱۳۸۰ = ۱۱ جولای ۲۰۰۱

بی اهمیتی به بچه های اسیر در لبنان

باز هم چهاردهم تیرماه دیگری آمد و رفت و آب از آب تکان نخورد! حتی مدعیان اصلاحات که برای يك روزنامه نگار متخلف آن همه دل می سوزانند، به خودشان زحمت ندادند بپرسند بالاخره تکلیف کاظم اخوان چه شد؟! همان خبرنگار عکاس دربند رژیم صهیونیستی که ۱۹ سال است به همراه برادران سید محسن موسوی، احمد متوسلیان و تقی رستگار در دام رژیم صهیونیستی اسیر شده اند و کسی سراغشان را نمی گیرد. خلاصه امیدواریم يك کسی پیدا بشود و خانواده های این عزیزان را از بلاتکلیفی بیرون بیاورد. این را هم بگویم که اگر رشادتها و جان فشانی امثال این بچه های مظلوم نبود، الان مملکتی نبود و روزنامه نگاری هم نبود! پس یادمان باشد که ولی نعمت های خودمان را بشناسیم.

هفته نامه یالثارات الحسین (ع)

۲۱/۴/۱۳۸۰ = ۱۲ جولای ۲۰۰۱

شقایق گمشده

«الف. حسین زاده» بخشی از کتاب درانتهای افق نوشته حسین بهزاد، پیرامون شخصیت حاج احمد متوسلیان را نقل کرده است.
هفته نامه شما

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۶۳

۲۷/۴/۱۳۸۰ = ۱۸ جولای ۲۰۰۱

نخل‌های سر جدا یادش بخیر!

«سیده‌گمنام» در مقاله انتقادی خود، کتاب «مرد» رمان زندگی حاج احمد متوسلیان نوشته «داود امیریان» را به نقد و رد کشیده است. هفته‌نامه یالثارات الحسین (ع)

۲۸/۴/۱۳۸۰ = ۱۹ جولای ۲۰۰۱

۱۹ سال درانتظار، شهادت یا اسارت

صفحه «عشقستان» این روزنامه، به انگیزه سالروز اسارت حاج احمد متوسلیان، شرحی از زندگی وی را منتشر کرده است. قدس

شیشه‌های دلم بی‌تو شکسته است

«سمیه عبدیایی» از قم، به بهانه بیستمین سالگشت اسارت چهارگروگان ایرانی، مقاله‌ای احساسی تقدیم به حاج احمد متوسلیان نگاشته است. جمهوری اسلامی

بیانیه یک تشکل دانشجویی پیرامون اسارت طولانی‌مدت

دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی در لبنان و بی‌مسئولیتی مجامع بین‌المللی

«بسیج دانشجویی دانشگاه علامه طباطبائی» با انتشار بیانیه‌ای، از مجامع بین‌المللی بویژه سازمان دفاع از حقوق بشر خواست تا نهایت تلاش خود را برای آزادی چهار دیپلمات ربوده شده در لبنان به‌کاربرند. جمهوری اسلامی

۱۶/۵/۱۳۸۰ = ۷ اوت ۲۰۰۱

درخواست خانواده کاظم اخوان از خبرنگاران و رسانه‌ها

در آستانه روز خبرنگار، برادر کاظم اخوان در مصاحبه با خبرنگار جمهوری اسلامی، انتظارات و توقع خانواده‌های دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی بخصوص کاظم اخوان عکاس و خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی را ذکر کرده است. جمهوری اسلامی

هر روز، روز خبرنگار است

حسین اخوان، برادر کاظم اخوان خبرنگار ایرانی اسیر دربند صهیونیستها، گفت: «باتوجه به حساسیت کار خبرنگاران، هر روز را باید روز خبرنگار نامید. مبارزه با تروریسم در دنیای غرب یک موضوع گزینشی است که صرفاً بر اساس منافع خودشان انجام می‌شود. چگونه است که اقدامات آشکار اسرائیل در نقض حقوق بشر، اعتراض کسی را بر نمی‌انگیزد و جامعه بین‌المللی از مسئولیت خود در قبال بزرگترین کشور ناقض حقوق بشر سر باز می‌زند؟»

اخوان ضمن تبریک فرارسیدن روز خبرنگار به خبرنگاران، گفت: «امیدوارم سال آینده که روز خبرنگار را گرامی می‌داریم، کاظم اخوان خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی نیز در جمع صمیمی خبرنگاران حضور داشته باشد.»

جمهوری اسلامی

۱۳۸۰/۵/۱۷ = ۸ اوت ۲۰۰۱

یاد کاظم اخوان حماسه‌نگار جبهه‌های نبرد حق علیه باطل

همزمان با روز خبرنگار، روزنامه جمهوری اسلامی به شرح زندگی کاظم اخوان پرداخته است.

جمهوری اسلامی

حاج احمد همانجا بمان، تو اسیر دشمنانی و ما اسیر دوستان!

«حسین قربانی» در مقاله‌ای احساسی، به مقایسه حال و روز بسیجیان امروز با حال و روز احتمالی حاج احمد متوسلیان و همراهانش در زندان‌های اسرائیل پرداخته است و درد دل‌های خویش را در نامه‌ای خطاب به او، نگاشته است.

هفته‌نامه یالثارات الحسین (ع)

برادر کاظم اخوان در نامه‌ای به رئیس‌کمیسیون سیاست خارجی و امنیت ملی، خواستار تشکیل کمیته حقیقت‌یاب شد

حسین اخوان، برادر کاظم اخوان، در نامه‌ای خطاب به «محسن میردامادی» رئیس‌کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، با انتقاد از عملکرد مجلس در دوره‌های چهارم و پنجم در قبال این مسئله، خواستار تشکیل کمیته حقیقت‌یاب شد. وی در قسمتی از این نامه که به مناسب

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۶۵

17 مرداد روز خبرنگار نوشته شده، با اشاره به عملکرد دولت در قبال این مسئله، نوشته است: «اگر در یک کشور غربی این اتفاق می‌افتاد، برای دولت‌مردان آن یک خجالت و فاجعه ملی محسوب می‌شد، اما در کشور ما آب از آب تکان نمی‌خورد و حتی عملکرد ۱۹ ساله آنان در قبال این قضیه، یعنی طولانی‌ترین گروگان‌گیری عصر حاضر، در معرض ارزیابی و تحلیل قرار نمی‌گیرد.»

وی با تأکید بر این‌که نظارت، تصحیح، کنترل و ارزیابی سیاست‌خارجی یکی از وظایف مجلس شورای اسلامی خصوصاً کمیسیون امنیت ملی و سیاست‌خارجی می‌باشد، گفت: «از نمایندگان مجلس می‌خواهیم که پس از ۱۹ سال وزارت امور خارجه را مکلف به پاسخ‌گویی‌کنند.»

حسین اخوان با تشریح عملکرد مجلس در این مدت، نوشت: «اینک پس از گذشت ۱۹ سال تمام، انتظار ما از نمایندگان مجلس ششم به لحاظ ویژگی‌های خاص آن، انتظاری فراتر از مجالس قبلی است.»

وی در پایان این نامه اظهار امیدواری کرده است: «کمیسیون امنیت ملی و سیاست‌خارجی کمک کند این تراژدی ۱۹ ساله پایان‌پذیرد و خانواده‌های منتظر و رنج‌دیده آنان پس از ۱۹ سال زندگی در برزخ بیم و امید و نگرانی، شاهد رهایی عزیزان خود باشند.»

حسین اخوان در قسمتی از نامه خود پیشنهاد تشکیل کمیته حقیقت‌یاب متشکل از مسئولین ایرانی و لبنانی را داده و خواستار آن شده است تا با اعلام نتایج کار این کمیته به جهانیان، افکار عمومی دنیا اسرائیل را تحت فشار قرار دهد تا این تراژدی را پایان دهد.

خبرگزاری ایسنا

۱۳۸۰/۵/۱۹ = ۱۰ اوت ۲۰۰۱

**نام‌گذاری دو مرکز فرهنگی جدیدالتاسیس به نام خبرنگار شهید محمود صارمی
و جاوید الاثر کاظم اخوان**

همزمان با ۱۷ مرداد روز خبرنگار، به منظور تجلیل و تکریم خبرنگار، دوباب مرکز فرهنگی تحت پوشش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در استان تهران، به نام خبرنگار شهید محمود صارمی و جاوید الاثر کاظم اخوان نام‌گذاری شد. این دو مرکز فرهنگی کتابخانه-مجتمع فرهنگی هنری، در هفته دولت، افتتاح شده، مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت.

خبرگزاری ایسنا

۱۳۸۰/۶/۱۴ = ۵ سپتامبر ۲۰۰۲

چرا کاظم اخوان را از یاد برده ایم ؟

بیستسال از اسارت کاظم اخوان به دست نیروهای صهیونیستی در لبنان و انتقالش به اسرائیل می‌گذرد. من این جمله را به همین راحتی می‌گویم و تو به همان راحتی می‌شنوی. بدون اینکه لحظه‌ای با خود فکر کنیم بیستسال یعنی چه؟ بیستسال یعنی اینکه حالا حتی دوستان و آشنایانش هم وقتی می‌خواهند دفترچه تلفن خود را پاک‌نویس کنند، نام او را وارد دفترچه جدیدشان نمی‌کنند. به همین راحتی نام اخوان را از دفترچه تلفن خود خارج می‌کنند، بدون اینکه از خود بپرسند: راستی! کاظم کجاست، چه می‌کند؟ به همان راحتی که دوستانش نام او را از دفترهای تلفن خود حذف می‌کنند، سال‌هاست که من و تو نامش را از ذهن‌مان خارج کرده ایم...

بیستسال یعنی اینکه بچه‌هایی که همزمان با اسارت او متولد شده‌اند، حالا بیستساله هستند اما بسیاری از آنها حتی نام او را هم نشنیده‌اند و عکس‌هایش را ندیده‌اند! عکس‌هایی که مظلومیت مردم فلسطین و لبنان را ثبت کرده است. هم من می‌دانم که بیستسال خیلی زیاد است، هم تو... آن قدر زیاد که برای جوان کردن یک نوزاد و پیرکردن یک جوان کافی است. اما آیا برای فراموش کردن کاظم اخوان، که هفت‌هزار روز در زندان‌های اسرائیل زندانی است هم کافی است... حتی اگر برای من و تو هم کافی باشد برای خانواده‌اش نه... می‌دانم که پدرپیرش دو دهه در بیم و امید زندگی کرد و پس از سال‌ها چشم انتظاری، آرزوی دیدار فرزندش را با خود به سینه سرد خاک‌برد... خانواده‌اش در نامه‌ای نوشته بودند: «باید خودتان در بیم و امید زندگی کرده باشید تا بدانید با آدمی چه می‌کند.»

اخوان از ۲۰ سال پیش تاکنون گروگان اسرائیلی‌هاست و این یعنی طولانی‌ترین گروگان‌گیری دنیای امروز... اما هیچ‌کس حرفی از این طولانی‌ترین گروگان‌گیری دنیا به میان نمی‌آورد. تعارف به‌کنار! از بی‌تفاوتی دنیا حرف نمی‌زنم. از بی‌تفاوتی خودم و خودت حرف نمی‌زنم که حتی در روز خبرنگار هم یادی از خبرنگار عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی نکردیم... و حتی همکارانش فراموش کردند در سالگرد اسارتش، بیانیه‌ای به خاطر او روی تلکس‌ها بفرستند. سازمان‌ها و انجمن‌های بین‌المللی روزنامه‌نگاران به‌کنار که فراموش کرده‌اند در فهرست «خبرنگاران دربند» جایی هم به او بدهند، از

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۶۷

انجمن‌های وطنی حرف می‌زنم که هرگز مراسمی به نام او ترتیب ندادند و خواهان پی‌گیری وضعیتش نشدند. حتی قصد دارم از سکوت دیپلماتیک در برابر دو دهه اسارت اخوان و سه دیپلمات ایرانی ربوده شده حرف بزنم، فقط می‌خواهم به خودم و خودت که همکاران اخوان هستیم انتقاد کنم که «سکوت رسانه‌ای چرا؟» حتی نمی‌خواهم در این باره حرف بزنم که خانواده کاظم اخوان به گفته خودشان، از مجلس ششم انتظاری فراتر از مجالس دوره‌های قبل دارند و چشم امید به آن دوخته‌اند، که فقط می‌خواهم بگویم: «من و تو چرا همکار خود را از یاد برده ایم؟»

ژیلا بنی‌یعقوب

سایت اینترنتی گویانیوز

۱۳۸۰/۸/۱ = ۲۳ اکتبر ۲۰۰۱

بیست‌سال پس از اسارت کاظم اخوان خبرنگار و عکاس دفاع مقدس

«شاهرخ سلطان احمدی» در این مقاله، ضمن شرح فعالیت‌های کاظم اخوان در دفاع مقدس، برخی از پی‌گیری‌های انجام شده را نیز آورده است.

جمهوری اسلامی

۱۳۸۰/۸/۲۲ = ۱۳ نوامبر ۲۰۰۱

زندگی‌نامه سردار رشید اسلام احمد متوسلیان

شرحی از زندگی حاج احمد متوسلیان از ولادت تا اسارت در لبنان، محتوای این مطلب را تشکیل می‌دهد.

جمهوری اسلامی

۱۳۸۰ = ژانویه ۲۰۰۲

عامل شهادت حاج احمد متوسلیان به هلاکت رسید

روز پنجشنبه ۴ بهمن ۱۳۸۰ خورشیدی مصادف با ۲۶ ژانویه سال ۲۰۰۲ میلادی، الیاس حبیقه معروف به ایلی حبیقه، و سه تن از محافظانش، بر اثر انفجار خودروی بمب‌گذاری شده در فاصله دو ایست متروی خانه‌اش در منطقه «حازمیه» واقع در شرق بیروت، به هلاکت رسیدند. نام این دژخیم، شاید برای بسیاری از مردم کشورمان نا آشنا باشد، اما مردم لبنان و مبارزین قدیمی فلسطینی هنوز جنایات او و حزب‌فalanژیست لبنان را از یاد نبرده‌اند. این حزب که متعلق به مسیحیان تندروی طایفه مارونی می‌باشد، تحت رهبری فردی به نام بشیر جمیل در سال ۱۹۸۲ در دناک‌ترین صفحات جنگ داخلی لبنان را به سفاکی‌های خود مزین نمود. شاخه نظامی حزب‌فalanژیست مارونی لبنان، تحت عنوان

قوات اللبنانیه، در سال ۱۹۷۸ شکل گرفت و ایلی حبیقه، که یک مارونی تندر و بود، به این گروه شبه نظامی پیوست و در سال ۱۹۸۲ او دیگر نه یک چریک مسیحی ساده، بلکه از نزدیکان بشیر جمیل و فرمانده اطلاعات قوات اللبنانیه شده و دستش تا مرفق در خون مسلمانان لبنانی و فلسطینی فرو رفته بود. در همین سال بود که نیروهای تحت امر او، با دستور و هدایت و حمایت نظامیان اسرائیلی به فرماندهی آرییل شارون که بیروت را تحت اشغال خود داشتند، به دو اردوگاه فلسطینی صبرا و شتیلا حمله بردند و مردان و زنان و کودکان و حتی حیوانات آن را از دم تیغ گذراندند. تعداد مقتولین این حمله را بیش از ۳۵۰۰ نفر ذکر کرده اند. در پنجم جولای همان سال، فرمانده سپاهیان محمد رسول الله (ص) در لبنان، حاج احمد متوسلیان و کاردار سفارت ایران در لبنان سید محسن موسوی و خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران کاظم اخوان به همراه یک پاسدار دیگر به نام تقی رستگار مقدم، در حالی که با مجوز دیپلماتیک قصد عزیمت به سفارت ایران در بیروت را داشتند، در پست دژبانی ایجاد شده توسط قوات اللبنانیه در منطقه برباره متوقف شدند و به اسارت فالانژیستهای مارونی درآمدند. عصبیت های صلیبی آنان که با توحش صهیونیستی اسرائیلیان پیوند خورده بود، سرنوشتی جز شهادت برای این عزیزان رقم نمی زد. گرچه از آن تاریخ به بعد هیچ خبر مستقیم و بلا واسطه ای از این چهارتن به دست نیامده است، اما اخبار موثق از منابع پراکنده، حکایت از آن داشت که چهارگروگان ایرانی (احتمالاً به جز سید محسن موسوی)، در همان روز یا چند روز بعد به دستور شخص ایلی حبیقه اعدام شدند و به این ترتیب جنایت ناجوانمردانه دیگری به سوابق خونین این شخصیت نفرت انگیز سیاسی و نظامی افزوده شد.

حبیقه، در سال ۱۹۸۱ در یک دوره آموزشی امنیتی که سازمان موساد در فلسطین اشغالی برپا کرده بود، شرکت کرد و پس از بازگشت به لبنان، به ریاست دستگاه اطلاعاتی شبه نظامیان مارونی قوات اللبنانیه منصوب شد. حبیقه که همواره به بوقلمون صفتی و خیانت شهرت داشت، با مسئولان بلندی پایه رژیم صهیونیستی بویژه شارون، روابط گسترده و نزدیکی داشت و هنگام اشغال لبنان در سال ۱۹۸۲ توسط اسرائیل، در کاخ ریاست جمهوری لبنان با او دیدار کرد. وی چندین بار هم شخصاً به فلسطین اشغالی سفر و با مسئولان امنیتی و سیاسی این رژیم دیدار کرده بود. حبیقه بعدها به واسطه شورش یکی از دستیارانش به نام سمیر جعجع، از میان نیروهای خود گریخت

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۶۹

و در شهر مسیحي «زحله» در شرق لبنان، ساکن شد و از کردار گذشته خود اظهار پشیمانی کرده! به فعالیت‌های سیاسی روی آورد و حزبی به نام «وعد» تشکیل داد. پس از پایان جنگ داخلی، حبیقه مورد عفوعومی قرار گرفت و در سال ۱۹۹۰ وارد دولت لبنان شد، و حتی در سال ۱۹۹۴ به وزارت آب و برق رسید. وی در عین حال از سال ۱۹۹۱ تا سال ۲۰۰۰ میلادی، نماینده مجلس لبنان هم بود. او قرار بود در آینده نزدیک به بلژیک سفر کند تا اطلاعات کامل خود را از دخالت مستقیم شارون در کشتار صبرا و شتیلا، در اختیار مسئولان قضایی و پارلمانی آن کشور قرار دهد.

امروز با گذشت نوزده سال از آن سال پر خون و آتش، این صلیبی کارکشته و خون‌آشام، به اراده ارباب سابق خود آرییل شارون، به قعر دوزخ فرستاده شد. مرگ موجود جنایت‌پیشه‌ای چون او، مایه مسرت تمامی انسان‌ها و علی‌الخصوص مبارزان حقیقی استقلال لبنان و شیعیان این کشور می‌باشد. اما مسلماً تسلائی بر دل بسیجیانی که داغ سردار لشکر شکن خود - حاج احمد متوسلیان - را در دل دارند، نخواهد بود. یگانه فاتح خرم‌شهر، البته همان‌گونه که آرزو می‌کرد، به دست مزدوران اسرائیل به شهادت رسید و بار دیگر دشنه صلیبیون، به دست یهودیان، بر پشت امت اسلام نشست. با این حال، مرگ این دژخیم بدون محاکمه و مجازات و افشاشدن جنایت‌هایش، مایه تاسف می‌باشد. ما هلاکت این دشمن خدا و انسان‌های خداجو و عامل شهادت فاتح خرم‌شهر و همراهانش را به پیشگاه امام زمان (عج) و همه مسلمانان جهان و علی‌الخصوص خانواده‌های چهار شهید ایرانی و شهدای اردوگاه‌های صبرا و شتیلا تبریک می‌گوییم.

هفته‌نامه صبح دو کوه

۱۳۸۰/۱۱/۱۰ = ۳۰ ژانویه ۲۰۰۲

نامه برادر کاظم اخوان خبرنگار دربند رژیم صهیونیستی، به کمیسیون حقوق بشر اسلامی

برادر کاظم اخوان، در نامه‌ای خطاب به کمیسیون حقوق بشر اسلامی خواستار پی‌گیری وضعیت برادر خودش. حسین اخوان در این نامه در تشریح وضع برادرش می‌نویسد: «نزدیک ۲۰ سال از ربوده شدن برادرم کاظم اخوان، خبرنگار ایرنا و سه دیپلمات همراه او سید محسن موسوی، احمد متوسلیان و تقی رستگار مقدم توسط نیروهای فالانژ در لبنان و انتقال آنان به اسرائیل می‌گذرد و متأسفانه سرنوشت آنان همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.»

۱۷۰ □ کمین جولای ۸۲

وي با اشاره به درخواست خانواده این افراد برای تشکیل کمیته حقیقتیاب، از بی‌توجهی مسئولین انتقاد کرده و در ادامه نامه می‌نویسد: «پس از گذشت بیش از ۱۶ ماه از تاریخ مکاتبه با رئیس‌جمهوری محترم جناب آقای خاتمی و رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی جناب آقای میردامادی، هیچ‌گونه پاسخ یا نتیجه‌ای به ما اعلام نشده است.» اخوان در پایان این نامه خواستار تلاش کمیسیون حقوق بشر اسلامی برای پی‌گیری این امر شده است.

خبرگزاری ایسنا

۱۳۸۰/۱۱/۱۱ = ۳۱ ژانویه ۲۰۰۲

چهار دیپلمات ایرانی احتمالاً به اسرائیل منتقل شده‌اند

شنیدیم که ایل‌ی حبیقه که هفته پیش در بیروت ترور شد، پیش از کشته شدنش در گفت‌وگو با روزنامه «الهیات» چاپ لندن گفته: «چهار دیپلمات ایرانی پس از ربوده شدن در لبنان، احتمالاً به اسرائیل منتقل شده‌اند.» به‌نوشته الهیات، ایل‌ی حبیقه مسئول بخش امنیتی گروه منحله نیروهای لبنانی، اضافه کرده: «من از سمیر جعجع فرمانده گروه منحله نیروهای لبنانی درباره چهار دیپلمات ایرانی ربوده شده شنیدم که آنها به منطقه بیروت شرقی برده شده و از آنجا نیز خارج شده‌اند. جعجع در دوران جنگ داخلی دارای زندان‌های متعددی بود که افراد مشکوک و فعالان نظامی را در آن نگاه می‌داشت.»

این روزنامه نوشته: «وی ضمن تکذیب اظهارات سمیر جعجع آخرین فرمانده شبه‌نظامیان یاد شده که پیش‌تر گفته بود چهار دیپلمات ایرانی را به حبیقه تحویل داده است، گفته: «من هرگز ایرانی‌های ربوده شده را ندیدم و در منطقه زیر کنترل من نبوده‌اند.»

ایران

۱۳۸۰/۱۲/۱۸ = ۸ مارس ۲۰۰۲

او خواهد آمد

دوقطعه شعر با عناوین «او خواهد آمد» و «دلم برایت آواز می‌خواند» به یاد حاج احمد متوسلیان منتشر شده است. سیاستروز

۱۳۸۰/۱۲/۲۵ = ۱۵ مارس ۲۰۰۲

حاجی قصه ما از یاد رفته بود...

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۷۱

«نرگس بزرگخو» در مقاله‌ای احساسی، به زبان‌حال خانواده متوسلیان در قبال
بیست‌سال دوری او پرداخته است .
سیاست‌روز

سال ۱۳۸۱ هـ ش
م ۲۰۰۲ - ۲۰۰۳

۱۳۸۱/۲/۵ = ۲۵ آوریل ۲۰۰۲

برای آزادی دیپلمات‌های ایرانی در جنگل اسرائیل، کاری کنید!

این روزنامه، گفت‌وگویی مفصلی با خانم مریم مجتهدزاده، همسر سید محسن موسوی انجام داده است.

(ضمیمه ۳۴)

رسالت

۱۳۸۱/۲/۲۸ = ۱۸ مه ۲۰۰۲

کوله‌بار شرمساری‌ها

این روزنامه شعری سروده «علیرضا قزوه» را به حاج احمد متوسلیان تقدیم کرده است.

سیاست‌روز

۱۳۸۱/۳/۸ = ۲۹ مه ۲۰۰۲

وقایع‌نگار سوم خرداد در سالروز خرمشهر هم گمنام‌ماند!

شاهرخ سلطان‌احمدی، با شرح پی‌گیری‌های انجام شده درباره اسارت کاظم اخوان، نقش او را در تثبیت حماسه فتح‌خرمشهر یادآور شده است.

(ضمیمه ۳۵)

کیهان

۱۳۸۱/۳/۱۱ = ۱ ژوئن ۲۰۰۲

۳۵ روز تا ...

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۷۳

«حمید اسلامی» به یاد حاج احمد متوسلیان شعری احساسی سروده است.

سیاستروز

۱۳۸۱/۳/۱۸ = ۸ ژوئن ۲۰۰۲

۲۷ روز تا ...

بخشی از مکالمات بی‌سیمی حاج احمد متوسلیان با شهید «محمدابراهیم همت» در عملیات فتح‌المبین با عنوان «آخرین حرف‌ها»، درج شده است.

سیاستروز

تیر ۱۳۸۱ = جولای ۲۰۰۲

بیست‌سال گذشت

در این مقاله به اخبار و نظرات پیرامون سرنوشت گروگان‌ها در ۲۰ سال گذشته پرداخته شده است.

هفته‌نامه صبح‌دوکوه

تیر ۱۳۸۱ = جولای ۲۰۰۲

از کاظم اخوان چه خبر؟!

حسین اخوان، در گفت‌وگویی اختصاصی و مفصل با مجله فکه، به شرح کامل پی‌گیری‌های انجام شده در ۲۰ سال گذشته پیرامون سرنوشت کاظم اخوان پرداخته است.

(ضمیمه ۳۶)

ماهنامه فکه

تیر ۱۳۸۱ = جولای ۲۰۰۲

خبرنگار کیست؟!

حمید داودآبادی، به انتقاد از برخورد مطبوعات داخلی با مقوله خبرنگار نسبت به کاظم اخوان پرداخته است.

(ضمیمه ۳۷)

ماهنامه فکه

تیر ۱۳۸۱ = جولای ۲۰۰۲

چه کسی پاسخ‌گوست؟!

حمید داودآبادی، با عنوان کردن اسامی و مشخصات افرادی که در جریان گروگان‌گیری دیپلمات‌های ایرانی نقش داشته‌اند، سوال کرده است که چرا کسی از آنها پرس‌وجو نکرده است؟

ماهنامه فکه

۱۷۴ □ کمین جولای ۸۲

تیرا ۱۳۸۱ = جولای ۲۰۰۲

چه کسانی از مرگ ایلی حبیقه سود می‌برند!؟

حمید داودآبادی، در این مقاله به بررسی نظرات مختلف پیرامون مرگ ایلی حبیقه مسئول گروگان‌گیری دیپلمات‌های ایرانی پرداخته است.

(ضمیمه ۳۸)

ماهنامه فکه

۱۳۸۱/۴/۱ = ۲۲ ژوئن ۲۰۰۲

۱۴ روز تا ...

«نجمه قیداری» در مقاله‌ای احساسی، از حاج احمد متوسلیان یاد کرده است.

سیاست‌روز

استمداد خانواده کاظم اخوان از رئیس‌جمهوری

خانواده کاظم اخوان با انتشار نامه‌ای سرگشاده خطاب به سید محمد خاتمی رئیس‌جمهوری، خواستار توجه بیشتر دولت به مسئله گروگان‌ها شده است.

(ضمیمه ۳۹)

انتخاب

۱۳۸۱/۴/۳ = ۲۴ ژوئن ۲۰۰۲

درخواست دانشجویان مسلمان از مجمع بین‌المللی برای آزادی اسرای ایرانی

در اسرائیل

«ستاد مرکزی کنگره بزرگداشت شهدا، اسرا و مفقودین دانشگاه‌های جهان اسلام»، از مقامات کشور، یونسکو و همچنین از اعضای هیئت‌های علمی و دانشجویان دانشگاه‌های سراسر جهان، در بیانیه‌ای درخواست کرده است تا برای آزادی احمد متوسلیان و همراهان اسیر وی در زندان‌های اسرائیل، اقدام فوری کنند. بیانیه، رژیم اشغالگر قدس را مسئول حفظ جان و سلامتی اسیران ایرانی دانسته و خواستار اقدام سازمان‌های بین‌المللی برای آزادی آنان شده است. در این بیانیه اسارت ایرانیان در بند اسرائیل، طولانی‌ترین اسارت دانشجویی جهان توصیف شده است.

جمهوری اسلامی

۱۳۸۱/۴/۴ = ۲۵ ژوئن ۲۰۰۲

وزارت خارجه برای پی‌گیری سرنوشت؟ دیپلمات ربه‌شده ایرانی در لبنان چه

کرده است؟

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۷۵

حسین اخوان برادر کاظم اخوان، در گفت‌وگو با خبرگزاری جمهوری اسلامی، از عدم توجه کافی وزارت خارجه و مسئولین ذیربط به مسئله گروگان‌های ایرانی انتقاد کرده است.
جمهوری اسلامی

تشکیل هیئت تحقیق

هیئتی از سوی کمیسیون سیاست خارجی و امنیت ملی مجلس شورای اسلامی به ریاست محسن آرمن جهت تهیه گزارشی پیرامون آخرین وضعیت چهار دیپلمات ایرانی ربوده شده در لبنان، تشکیل شد.
سایت اینترنتی امام موسی صدر

۱۳۸۱/۴/۱۰ = ۱ جولای ۲۰۰۲

سفیرگمشده عشق، امان اگر که بیایی!

«رضا تنها» در نوشته احساسی خود، به این مسئله پرداخته است که اگر حاج احمد متوسلیان پس از بیست سال دوری و اسارت به تهران بازگردد، هنگام روبه‌رو شدن با اوضاع اجتماعی و سیاسی جامعه، چه خون‌دلی خواهد خورد.

هفته‌نامه حریم

۱۳۸۱/۴/۱۱ = ۲ جولای ۲۰۰۲

خدا کند که بیایی

«عبدالحسین رحمتی» در مقاله‌ای احساسی برای سردار خوبی‌ها، حاج احمد متوسلیان، به یاد او نجوا کرده است.
ایران

ای وای بر اسیری کز یاد رفته باشد...

«فریبا پژوه» در مقاله کوتاه خود، به شرح زندگی و اسارت حاج احمد متوسلیان پرداخته است.
ایران

انتقاد خانواده کاظم اخوان از جامعه مطبوعاتی کشور

خانواده کاظم اخوان با ارسال نامه‌ای به رئیس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران، نسبت به عدم پی‌گیری سرنوشت وی از سوی مطبوعات انتقاد کردند. در این نامه

آمده است: «بسیاری از مطبوعات که داعیه دفاع از خبرنگاران را دارند، آنچنان با سکوت و تسامح از کنار واقعه‌ای که ۷۳۰۰ روز از آن گذشته رد می‌شوند که گویی خبرنگاری که بیست‌سال پیش در لبنان ربوده شد، یک خاطره فراموش شده است و برای صاحبان منافع سیاسی، طرح و پی‌گیری سرنوشت او سود و زیانی ندارد.»

در ادامه این‌نامه سوال شده است: «مگر فلسفه وجودی تشکلهایی مانند انجمن‌منفی‌روزنامه‌نگاران، احقاق حقوق‌حقه روزنامه‌نگاران و خبرنگاران نیست؟ انجمن از ابتدای تاسیس برای روشن‌شدن سرنوشت کاظم اخوان چه کرده است؟ علیرغم درخواست سال‌گذشته ما در روزخبرنگار مبنی بر این‌که خبرنگاران و رسانه‌های داخلی همکار دربندشان را فراموش نکنند و دستگاه‌های ذیربط داخلی از جمله وزارت امورخارجہ را به تحرك بیشتری وادارند، همچنان در بر همان پاشنه بیست‌سال گذشته می‌چرخد. اگر حرفه و جایگاه اجتماعی خبرنگاران اهمیت دارد، چرا مطبوعات حتی در روزخبرنگار توجه ندارند، همان‌طور که در مورد برخی از شهروندان و روزنامه‌نگاران شاهد حساسیت‌ها و اعلام‌نظرهای فراوان توسط مطبوعات هستیم، این برخورد دوگانه را چگونه باید توجیه کنیم؟ آیا این انتظار که چنین برخوردی در مواجهه با دیگر خبرنگاران و شهروندان نیز صورت گیرد، انتظار بی‌جایی است؟»

در پایان این نامه اظهار امیدواری شده است جامعه مطبوعاتی سرنوشت این خبرنگار را با جدیت بیشتری دنبال کند.

خبرگزاری ایسنا

۱۳۸۱/۴/۱۲ = ۳ جولای ۲۰۰۲

کاظم اخوان، گم‌شده در تاریکی بازی‌های سیاسی

ظاهراً سیاست و سیاست‌زدگی، همه چیزمان را تحت‌الشعاع قرار داده است و هر حرف و حرکت و رفتاری، تنها به اعتبار سیاسی بودنش ارزش و معنا می‌یابد. بدیهی است که در یک جامعه در حال‌گذر، اعتنا به سیاست و اندیشه سیاسی داشتن، اجتناب‌ناپذیر است و در جامعه‌ای که «بودن» در قالب نظم موجود را بر نمی‌تابد، و «شدن» را لازمه اثبات ماهیت تکامل‌گرای خود می‌داند، لزوماً نمی‌توان سیاست را یک‌سره واگذارد و خود به تابعی از متغیر سیاست‌های حاکم تبدیل شود. اما سیاست‌گرایی، مقوله‌ای جدا از سیاست‌بازی و سیاست‌زدگی است، و آنجا که پای حرمت‌های انسانی و حفظ

ارزش‌هایی که اصالت خود را نه از سیاست و قدرت‌های سیاسی، بلکه از ماهیت قائم‌بذات خود برگرفته‌اند، بازی‌های سیاسی و سیاست‌بازی آزاردهنده است و به نوعی بیان‌گر این واقعیت که در بازارسیاست، همه اصول و ارزش‌ها باید قربانی شوند تا شاید نذری که برای تقرب به قدرت کرده‌ایم، پذیرفته شود و دعا‌های‌مان در آستانه قدرت، مستجاب. بدبختانه، این واقعیت را نمی‌توانیم نادیده بگیریم که همه ساختارهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کشور ما، زیر سایه سنگین سیاست و بازی‌های سیاسی، توان و ماهیت واقعی خود را از دست داده‌اند. این سایه سنگین، حتی تیرگی خود را تا آنجا کشانده است که «انجمن‌صنفي نويسندگان و خبرنگاران مطبوعات»، برغم غیرقابل انکار بودن ماهیت‌سیاسی‌اش، وظایف روبنایی خود را نیز از یاد برده و به جای پرداختن به آنچه که مسائل صنفي خوانده می‌شود، یک‌سره به سیاست گرائیده و حتی برای حفظ علت وجودی‌اش که حمایت از حقوق‌خبرنگاران و نویسندگان مطبوعات و تلاش در جهت تأمین مطالبات صنفي آنان است، تلاش قابل قبولی نشان نمی‌دهند.

بیست سال است که کاظم اخوان، خبرنگار و عکاس‌خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، به وسیله نیروهای اسرائیل ربوده‌شده و جز در مواردی به گه‌گاه، نه نامی از او به میان می‌آید و نه سخنی در مورد سرنوشتش، و این‌که بالاخره معلوم کنند که این خبرنگار و عکاس‌ایرانی چه سرنوشتی یافته است. در این بیست‌سال، گاهی به مناسبتی نامی از او به میان می‌آید و دیگرهیچ. و البته این انتظار که دستگاه‌های‌دیپلماسی کشور و وزارت امور خارجه که عهده‌دار حفظ‌منافع اتباع ایران در همه جای جهان است، در جهت یافتن ردپایی از او و آزاد کردنش و یا دست‌کم روشن‌کردن سرنوشت او اقدامی مؤثر انجام دهند، انتظار پرثمری نیست. اما انجمن‌صنفي نويسندگان و خبرنگاران مطبوعات چرا اقدامی نمی‌کند، و یا اگر اقدامی شده است چرا حداقل برای آرامش خیال خانواده او چیزی نمی‌گویند. انجمنی که باید از حقوق اعضای خود دفاع کند، درمورد کاظم اخوان چه کرده است؟ به کدام مرجع و سازمان بین‌المللی متوسل شده، کدام بیانیه جهانی را صادر کرده تا برای روشن‌کردن سرنوشت این خبرنگار ربوده‌شده بیشتر تلاش کنند؟ خبرنگاران و نویسندگان مطبوعات، از انجمنی که داعیه صنفي بودن و دفاع از حق‌صنفي اعضای خود را دارد، مطالبات بسیاری دارند، مطالباتی معوقه و شاید فراموش‌شده، و انتظار معجزه‌ای هم برای پاسخ‌گویی به این مطالبات

ندارند، اما در مورد کاظم اخوان چه؟ آیا در این مورد هم باید همچنان به انتظار نشست تا دوران فعالیت‌های سیاسی به سرآید و آن وقت نوبت به حقوق صنفی‌خبرنگاران و نویسندگان مطبوعات برسد؟
توسعه

چشم‌انداز بسته در مقابل چشم‌انداز باز

برادران کاظم اخوان، طی نامه‌ای به انجمن صنفی روزنامه‌نگاران، نسبت به کم‌توجهی مطبوعات و تشکلهای صنفی حامی روزنامه‌نگاران به موضوع ۴ گروهان ایرانی در اسارت رژیم صهیونیستی، نکات قابل‌توجهی را بیان کرده‌اند.
(ضمیمه ۴۰)

سیاست‌روز

۱۳۸۱/۴/۱۳ = ۴ جولای ۲۰۰۲

برگزاری مراسم سالگرد اسارت چهارگروهان ایرانی در بند رژیم صهیونیستی
این روزنامه خبر از برگزاری این مراسم از سوی موسسه فرهنگی عاشورا در این روز در تهران داده است.
ایران

رژیم صهیونیستی مسئول سرنوشت ۴ تبعه ربوده‌شده ایرانی است

در آستانه سالگرد ربوده‌شدن چهارتن از اتباع و دیپلمات‌های ایرانی توسط عمال رژیم صهیونیستی در لبنان، سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان اعلام کرد: «جمهوری اسلامی ایران رژیم صهیونیستی را مسئول مستقیم سرنوشت اتباع خود می‌داند.»

«حمیدرضا آصفی» سخنگوی وزارت امور خارجه، با یادآوری بیست‌مین سالگرد غم‌انگیز ربوده‌شدن اتباع و دیپلمات‌های کشورمان در لبنان، با اشاره به تلاش‌شوم محافل سیاسی صهیونیستی و نیروهای وابسته به آنها برای بستن و به‌فراموشی سپردن این آدم‌ربایی آشکار، که با هماهنگی و حمایت تروریسم دولتی اسرائیل صورت گرفت، بودن اتباع کشورمان را مغایر با همه مقررات کنوانسیون‌های بین‌المللی بویژه کنوانسیون حقوق کنسولی و دیپلماتیک دانست.

وی تصریح کرد: «با توجه به شواهد و قرائن موجود در انتقال گروهان‌های ایرانی به فلسطین اشغالی، بدیهی است که رژیم صهیونیستی در این

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۷۹

مورد مسئولیت‌مستقیم دارد و باید بدون هیچ‌قید و شرطی درخواست سازمان‌های حقوق‌بشر و صلیب‌سرخ‌جهانی برای روشن‌شدن سرنوشت این عزیزان را گردن نهد. جمهوری اسلامی ایران، همچنین از دولت‌های لبنان و سوریه و همه دولت‌های دوست و سازمان‌های حقوق‌بشر و صلیب‌سرخ‌جهانی می‌خواهد که همه امکانات خود را برای اعمال فشار بر رژیم غاصب‌صهیونیستی برای روشن‌شدن سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی به‌کارگیرند.»

سخن‌گویی وزارت امور خارجه کشورمان، ضمن ابراز همدردی با خانواده‌های چهار دیپلمات ربوده‌شده که در طول این‌سال‌های دراز، دوری و انتظار آنان را تحمل کرده‌اند، تاکید کرد: «وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران دفاع و حمایت از حقوق شهروندان ایرانی را یکی از اصول و وظایف خود می‌داند و با همه امکانات خود در این جهت تلاش می‌کند. علاوه بر این اقدامات در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی، نیز موضوع سرنوشت دیپلمات‌های کشورمان را با همه مراجع داخلی زیربط در دست‌پ‌گیری دارد و از هیچ تلاشی برای بازگرداندن این عزیزان به میهن اسلامی فروگذار نخواهد کرد.»

کیهان

حاج احمد متوسلیان در شبکه دوم سیما

«محمدرضا مهران‌دیش» فیلم‌مستند «برادر احمد» را که به شرح‌زندگی حاج احمد متوسلیان می‌پردازد، برای شبکه دوم سیما کارگردانی کرد که به‌مناسبت بیستمین سال اسارت او از تلویزیون پخش شد.

جام جم

پرونده راکد؛ ایرانی ربوده‌شده روی میز مسئولان

این روزنامه خلاصه کوتاهی از مصاحبه حسین اخوان با خبرنگار جمهوری اسلامی را به‌چاپ رسانده است که متن کامل آن در مجله فکه شماره ۳۰ منتشر شده است.

کیهان

دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی را از چنگال رژیم صهیونیستی نجات دهید

خانواده‌های دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی در لبنان، از دولت و مجامع بین‌المللی خواستند تا به وعده‌های خود برای آزادسازی دیپلمات‌های

۱۸۰ □ کمین جولای ۸۲

ایرانی از زندان‌های رژیم صهیونیستی عمل‌کنند. این روزنامه در آستانه سالگرد ربوده شدن دیپلمات‌های ایرانی، با خانواده‌های سیدمحسن موسوی و کاظم اخوان به گفت‌وگو پرداخته است.

(ضمیمه ۴۱)

جمهوری اسلامی

۱۳۸۱/۴/۱۵ = ۶ جولای ۲۰۰۲

ضرورت شکایت قربانیان ایرانی حمایت‌های آمریکا از جنایتکاران به دادگاه

«دکتر سید محمد قدیری ابیانه» با اشاره به این‌که دادگاه‌های آمریکا در پی‌گیری پرونده مربوط به حملات لبنان و فلسطین علیه منافع آمریکا، جمهوری اسلامی ایران را به دلیل حمایت از گروه‌های لبنانی و فلسطینی به ۲/۵ میلیارد دلار غرامت محکوم کرده است، خواستار مقابله به‌مثل شده است. وی ضمن ارائه موارد گوناگون، می‌نویسد: «مثلاً خانواده‌های چهار دیپلمات ایرانی در بند رژیم صهیونیستی مناسب است که از آمریکا و رژیم صهیونیستی به دستگاه قضایی شکایت کنند. این دیپلمات‌ها در ۴۱ تیرماه ۱۳۶۱ در لبنان، توسط فالانژها ربوده شدند. در آن زمان فالانژها مورد حمایت رژیم صهیونیستی و آمریکا بودند. نه تنها ایرانیان، بلکه لبنانی‌ها نیز می‌توانند بابت جنایات فالانژها و جنایات رژیم صهیونیستی، از دولت آمریکا در دادگاه‌های کشور خود شکایت کنند. خانواده دیپلمات‌های ایرانی و نیز خانواده خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران که در افغانستان به دست طالبان به شهادت رسیدند نیز می‌توانند از آمریکا به دادگاه‌های کشورمان شکایت کرده و خواستار صدور حکم غرامت از آمریکا شوند.»

سیاست‌روز

۷۳۰۰ روز انتظار...

این روزنامه خلاصه‌ای از گفت‌وگوی مفصل با حسین اخوان پیرامون مسئله گروگان‌ها را منتشر کرده است. حیات‌نو

آقای رئیس‌جمهوری، سنگول‌ها و منگول‌های ما کجایند؟!

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۸۱

«یگانه آوینی» درنامه‌ای احساسی، از رئیس‌جمهوری خواسته است که ماجرای ربوده‌شدن گروگان‌های ایرانی را پی‌گیری کند.
جمهوری اسلامی

مراسم گرامی‌داشت یاد و خاطره دیپلمات‌های اسیرایرانی برگزار شد

«روح‌الله رادپور» فرمانده پایگاه مقاومت شهدای گمنام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در همایش گرامی‌داشت یاد و خاطره سردار سرلشکر پاسدار حاج‌احمد متوسلیان و سه همراه وی، گفت: «براساس اخباری که یک‌سال ونیم پیش دریافت کردیم، چند فلسطینی که از زندان عتلیت رژیم صهیونیستی آزاد شده بودند، به ما اطلاع دادند که چند ایرانی نیز در بند رژیم صهیونیستی هستند.» همایش گرامی‌داشت یاد و خاطره سردار سرلشکر پاسدار حاج‌احمد متوسلیان و همراهان وی، به مناسبت فرارسیدن ۱۴ تیرماه سالروز ربوده شدن این افراد، با حضور جمعی از فرماندهان سپاه پاسداران و میهمانانی از دفتر حماس و حزب‌الله‌بنان، در فرهنگسرای اشراق برگزار شد.
آفتاب‌بزد

سرنوشت چهارگروگان‌ایرانی ربوده‌شده در لبنان، در هاله‌ای از ابهام

خبرگزاری جمهوری اسلامی در بیروت، گفت‌وگویی با «محمدعلی سبحانی» سفیر ایران در لبنان، ترتیب داده و از پی‌گیری سرنوشت چهار گروگان‌ایرانی پرس‌وجو کرده است.

(ضمیمه ۴۲)

خبرگزاری جمهوری اسلامی

۱۳۸۱/۴/۱۶ = ۷ جولای ۲۰۰۲

روی خط اخبار

خبرنگار ایرنا در گزارشی از بیروت نوشت: «با سپری شدن ۲۰ سال از ربوده شدن چهار دیپلمات و خبرنگار ایرانی توسط عناصر همدست رژیم صهیونیستی در لبنان، سرنوشت آنها همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.»
تلکس خبرگزاری ایرنا

۱۳۸۱/۴/۱۷ = ۸ جولای ۲۰۰۲

متوسلیان، حقیقتی برگونه اساطیر

محمدعلی صمدی که مدت زیادی پیرامون زندگی‌نامه حاج احمد متوسلیان و مسئله اسارت او، تحقیق و بررسی کرده است، در گفت‌وگویی به ذکر و شرح برخی خاطرات و حوادث دوستان متوسلیان پرداخته است.

کیهان

موضوع اتباع ایرانی مفقودشده در لبنان پی‌گیری می‌شود

خانواده‌های کاظم اخوان عکاس و خبرنگار ایرانی از مسئولان و رسانه‌های جمعی خواستند تا موضوع مفقودشدن آنان را پی‌گیری کنند. حسین اخوان برادر کاظم اخوان گفت: «از تیرماه سال‌گذشته پی‌گیری جدی این مسئله در دستور کار خانواده‌های مفقودین قرار گرفت. خانواده‌های ناپدیدشدگان به همین منظور با برخی از مسئولان دیدار و بر ضرورت تشکیل کمیته حقیقتیاب تاکید کردند.»

وی در عین حال از برخی نمایندگان مجلس به دلیل پی‌گیری موضوع مفقودین تقدیر کرد. به گفته وی، «تاجرنیا» نماینده مشهد در مجلس، در خصوص سرنوشت چهارگروگان ایرانی از وزیر امور خارجه سوالاتی را طرح کرد و در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس کمیته‌ای برای پی‌گیری وضعیت سه دیپلمات و خبرنگار ربوده شده ایرانی تشکیل شده است. وی افزود: «شهادت این چهار نفر مستند نیست و تاکنون اخبار ضدونقیضی در این ارتباط در داخل و خارج از کشور منتشر شده اما آنچه برای ما اهمیت دارد، کشف حقیقت است.»

حیات‌نو

۱۳۸۱/۴/۱۹ = ۱۰ جولای ۲۰۰۲

چرا مسئولین و مطبوعات درباره ۴ گروگان ایرانی در بند صهیونیستها سکوت کرده‌اند؟

«تشکل‌های اسلامی دانشگاه علم و صنعت» با صدور بیانیه مشترکی، از بی‌تفاوتی مسئولین و رسانه‌های داخلی نسبت به سرنوشت چهارگروگان ایرانی در بند رژیم صهیونیستی، انتقاد کردند. در بخش‌هایی از بیانیه این تشکل‌ها، آمده است: «حاج احمد متوسلیان، از سرداران افتخار آفرین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. پس از گذشت بیست‌سال از اسارت این سردار دلاور، آنچه بیش از سکوت سازمان‌های متولی سیاست خارجی دل را می‌گدازد، عدم تلاش سپاه پاسداران، برای مشخص شدن وضعیت این بزرگ مرد هشت‌سال دفاع مقدس می‌باشد. آیا شایسته نیست فرمانده محترم سپاه پاسداران که خود

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۸۳

از هم‌زمان این سردار سرفراز می‌باشد، نگاهی دوباره به نحوه عملکرد نهاد تحت امرشان در قبال این موضوع داشته باشند؟ کاظم اخوان، خبرنگار رسمی خبرگزاری جمهوری اسلامی بوده است که در حین انجام مأموریت در لبنان، به اسارت درمی‌آید اما پس از گذشت این مدت زمان مدید از آن واقعه، دریغ از یک‌بیانیه یا موضع‌گیری لفظی از سوی این خبرگزاری در قبال این فاجعه! انجمن صنفی روزنامه‌نگاران، که خود را منادی دفاع از حقوق روزنامه‌نگاران می‌داند، در سایت اینترنتی خود به هریک از روزنامه‌نگاران دربندی که همگی بنابر قانون قضائی کشورمان در حبس به سر می‌برند، آن هم در بهترین وضعیت‌رفاهی (غذا، موبایل، ملاقات‌های حضوری با خانواده ...)، قسمتی را اختصاص داده است، اما گویا این سایت لیاقت و ظرفیت پذیرش نام کاظم اخوان را به‌عنوان یکی از فدائیان آرمان‌های ملت، نداشته است. شاید هم مطامع و منافع سیاسی گردانندگان این انجمن، مانع از این اقدام شده است. شرم‌آور نیست که انجمن بین‌المللی دفاع از آزادی مطبوعات در سایت اینترنتی خود قسمتی را به کاظم اخوان اختصاص می‌دهد، اما انجمن‌های صنفی مطبوعاتی در داخل کشور از این کار خودداری می‌ورزند؟! درمورد سیدمحسن موسوی نیز که دیپلمات رسمی وزارت امور خارجه و سرپرست سفارت ایران در لبنان به هنگام اسارت بوده است، وضع بهتر از این نیست. نحوه عملکرد و موضع‌گیری در قبال وضعیت این دیپلمات رسمی کشورمان، و نیز تراژدی غمناک‌تر عملکرد این وزارتخانه در مورد واقعه کشته شدن تعدادی از دیپلمات‌ها و خبرنگار ایرانی در سرکنسولگری ایران در مزارشریف، این تصور را ایجاد می‌کند که محور موضع‌گیری‌های این وزارتخانه از بناشدن توأم بر سه اصل عزت، حکمت و مصلحت، به سمت بناشدن بر محوریت راحتی و منفعت سوق پیدا کرده است. گویا این وزارتخانه که یکی از بزرگترین وزارتخانه‌های امور خارجه دنیا، با بیش از هفت‌هزار نفر پرسنل می‌باشد، نه‌تنها برای سرنوشت اتباع ایرانی در سایر کشورها ارزشی قائل نیست، برای دیپلمات رسمی خود نیز چنین ارزشی را متصور نمی‌باشد. زمانی که وضعیت درمورد سه نفر قبلی که هر یک به‌نحوی مرتبط با نهادها و سازمان‌هایی عظیم بوده‌اند، به این وخامت باشد، قطعاً باید انتظار وضعیت اسفبارتری را برای تقی رستگار که یک بسیجی پاک‌باخته و دل‌داده حاج احمد متوسلیان و راننده او بوده است، داشته

۱۸۴ □ کمین جولای ۸۲

باشیم. انتظار از بسیج برای پی‌گیری وضعیت این بسیجی و فدایی‌دین و ملت، انتظار تمامی دل‌سوختگان این شجره طیبه امام راحل (ره) می‌باشد.»
شایان ذکر است این بیانیه را کانون بسیج اساتید، بسیج دانشجویی، مجمع دانشجویان حزب‌الله، کانون قرآن و عترت و ستاد برگزاری کنگره شهدای دانشگاه علم و صنعت ایران، امضا کرده‌اند.
کیهان

بی‌نشان‌تر از اشک

نویسنده در مقاله خود، بیستمین سالروز ربوده‌شدن حاج احمد متوسلیان را گرامی داشته است.
رسالت

۱۳۸۱/۴/۲۵ = ۱۶ جولای ۲۰۰۲

نگاه متعالی به هنر

شاهرخ سلطان احمدی، در مقاله‌ای به مناسبت سالگرد اسارت کاظم اخوان، به نقش فعال او در دفاع مقدس و همچنین حضورش در لبنان اشاره کرده و به برخی فعالیت‌ها برای پی‌گیری مسئله مفقودی او پرداخته است.
ایران

دیدار هاشمی رفسنجانی با فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص)

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی، در دیدار با فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص)، با اشاره به‌گذشت ۲۰ سال از حادثه ربوده‌شدن حاج احمد متوسلیان و سه‌تن دیگر از اتباع کشورمان در لبنان که مصونیت دیپلماتیک داشته‌اند، خواستار فعال شدن مجامع بین‌المللی و جهانی برای مشخص شدن وضعیت آنان شد و تاکید کرد: «رژیم صهیونیستی و رسانه‌های جهانی هر روز برای خلبانی که هواپیمایش در حین بمباران لبنان سقوط کرده است، تبلیغات می‌کنند ولی در مورد چهار ایرانی که سرنوشتشان هنوز نامعلوم است و احتمال اسارت آنان توسط اسرائیل جدی است، سکوت کرده‌اند.»

رسالت

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۸۵

۱۳۸۱/۴/۲۹ = ۲۰ جولای ۲۰۰۲

**برگزاری یادواره بیستمین سال اسارت متوسلیان و یک‌هزار شهید
شهرستان مریوان**

روزپنجشنبه ۲۷ تیرماه، مراسمی به مناسبت سالگرد اسارت حاج احمد متوسلیان فرمانده اسبق سپاه مریوان، از سوی هم‌زمان وی، در این شهر برگزار گردید. کیهان

۱۳۸۱/۵/۱۴ = ۵ اوت ۲۰۰۲

**انجمن روزنامه‌نگاران مسلمان خواستار پی‌گیری موضوع شهادت شهید صارمی
وسرنوشت کاظم اخوان شد**

«انجمن روزنامه‌نگاران مسلمان»، با صدور بیانیه‌ای، ضمن تبریک فرارسیدن روز خبرنگار، خواستار پی‌گیری موضوع شهادت شهید محمود صارمی و سرنوشت کاظم اخوان شد. در بیانیه این انجمن می‌خوانیم: «مطبوعات به عنوان وجدان‌بیدار جامعه، مسئولیت بس‌سنگین برعهده دارند و اگرچه سنگینی فشارهای مادی و معنوی بر جامعه مطبوعات، هزینه حرکت مستقل و در راستای منافع واقعی جامعه را هر روز سخت‌تر می‌کند، اما تعهد نسبت به اخلاق حرفه‌ای، بازشناسی منافع ملی از منافع خطی و جناحی، حرکت در مسیر قانون و رعایت خطوط قرمز، خبرنگاران متعهد را در ایفای نقش و وظیفه خود مصمم می‌سازد. اینک چندسالی از اسارت خبرنگار متعهد، کاظم اخوان و نیز شهادت محمود صارمی خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی به دست عمال آمریکا و صهیونیسم می‌گذرد. از شورای امنیت ملی کشور و دستگاه دیپلماسی کشور می‌خواهیم تا موضوع سرنوشت و شهادت دو همکار ارجمند را مجدانه مورد پی‌گیری قرار دهد.»
خبرگزاری ایسنا

وای بر خبرنگاران اگر...

«محمدرضا آقابابایی» در مقاله خود، به وضعیت برخی خبرنگاران که به جرم‌های مختلف از جمله جاسوسی و خیانت به کشور بازداشت شده‌اند پرداخته و مقایسه‌ای نیز با کاظم اخوان خبرنگار اسیر در جنگال اسرائیل دارد. هفته‌نامه حریم

پرستوی گمگشته

به مناسبت روز خبرنگار، شرحی کوتاه از زندگی کاظم اخوان ذکر شده است. هفته نامه حریم

۱۳۸۱/۵/۱۷ = ۸ اوت ۲۰۰۲

در انتظار عکاس اسیر کاظم اخوان

روزنامه سیاستروز، به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی، با درج این مقاله، به توضیح وضعیت گروگان های ایرانی پرداخته است. سیاستروز

۱۳۸۱/۵/۱۹ = ۱۰ اوت ۲۰۰۲

عدم آزادی گروگان ها ایران، برگه منفی در سیاست خارجی کشور است

برادر کاظم اخوان گفت: «عدم آزادی گروگان های مظلوم ایرانی همواره یک برگه منفی در سیاست خارجی کشور است.»

حسین اخوان، اقدامات انجام شده برای آزادی گروگان ها را پراکنده و مقطعی دانست و یادآور شد: «انتقاد ما به عملکرد مسئولان ذیربط حتی رسانه های جمعی، بجا و منطقی است. مسئولان یا نتوانسته و یا نخواسته اند که مسئله را حل کنند و ۲۰ سال از قضیه گذشته و هنوز سرنوشت گروگان ها روشن نشده است.»

اخوان دیپلماسی ایران در قبال گروگان های ایرانی را دیپلماسی تغافل نامید و یادآور شد: «قبل از آزادی گروگان های غربی در لبنان و چه بعد از آن، هیچگاه موضوع چهارگروگان ایرانی جایگاه مناسبی در دیپلماسی وزارت امور خارجه نداشته است.»

وی در ادامه با اشاره به صدور بیانیه ای در اعتراض به بی توجهی مسئولان توسط خانواده های گروگان ها که در آن از مجلس شورای اسلامی و کمیسیون سیاست خارجی دوره چهارم درخواست پیگیری وضعیت گروگان ها مطرح شده بود و تکرار این بیانیه در سال های ۷۳ و ۷۴ و ارسال آن در سال ۷۵ برای نمایندگان مجلس پنجم، تصریح کرد که مجلس چهارم نسبت به آن بی توجهی کرده و مجلس پنجم به بررسی آن در کمیسیون و با حضور مسئولان وزارت خارجه پرداخت و به جای حل آن، صورت مسئله را پاک کرده اند و یک ماه بعد از آن رئیس انجمن حمایت از زندانیان در بند رژیم صهیونیستی اعلام کرد چهار ایرانی در زندان های مخفی اسرائیل به سر می برند که البته اسمی از آنها مشخص نشد.»

برادر گروگان‌ایرانی، پراکندگی مکانی خانواده‌های گروگان‌ها و عدم هماهنگی آنها را عاملی برای به نتیجه نرسیدن پی‌گیری‌ها دانست و یادآور شد: «یکی از عواملی که باعث شد مسئله گروگان‌های آمریکایی در لبنان منجر به ماجرای ایران‌گیت شود، فشاری بود که خانواده‌های آنان به دولتمردان می‌آوردند و رسانه‌های گروهی نیز همراهی می‌کردند. شرایط ما، چون جزو کشورهای جهان سوم هستیم فرق می‌کند. برخورد سطحی و ساده‌انگارانه با مسائل، به تلقی و حساسیت دفاع از حقوق اتباع ایرانی در خارج از کشور نزد دولت دستگاه سیاست خارجی رسانه‌های جمعی و مجلس شورای اسلامی بازمی‌گردد.»

وی با اشاره به ارسال نامه‌ای به رئیس‌جمهوری و رئیس‌کمیسیون امنیت ملی که پس از گذشت ۶ ماه هیچ پاسخی دریافت نشد، گفت: «شواهد و قرائن مختلف بیانگر آن است که موضوع چهارگروگان ایرانی به‌طور جدی در دستور کار مسئولان قرار ندارد.»

اخوان با یادآوری مذاکرات و رایزنی‌های متعدد برای پی‌گیری سرنوشت امام موسی صدر اظهار داشت: «چه خوب بود اگر مشابه این اقدام برای گروگان‌های ایرانی انجام می‌شد و به یکنفر یا کمیته‌ای چنین ماموریتی واگذار می‌شد. درست است که ایشان شخصیتی فراکشوری دارند، اما حقوق شهروندی تمام اتباع ایرانی یکسان است.»

وی همچنین پی‌گیری‌ها و مکاتبات با مجلس شورای اسلامی و رئیس‌جمهوری که بی‌پاسخ ماند را عنوان کرد و ادامه داد: «با پی‌گیری‌های به‌عمل آمده، دکتر تاجرنیا در خصوص سرنوشت چهارگروگان ایرانی از وزیر خارجه سوال کرده‌اند و پیرو سوال ایشان در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس کمیته‌ای برای پی‌گیری وضعیت سه دیپلمات و خبرنگار ربوده‌شده ایرانی تشکیل شده است، این کمیته با ریاست محسن آرمین تشکیل شده و گزارش‌کار خود را تقدیم مجلس خواهد کرد.»

وی ابراز تاسف کرد که وزارت خارجه به‌عنوان یک دستگاه بروکراتیک، فاقد تحرك لازم و برنامه‌ریزی در این زمینه‌هاست و خود را پاسخگو نمی‌داند و گفت: «در دو دهه‌گذشته حداقل ۲۰ تن از اتباع کشور ما در نقاط مختلف دنیا خصوصاً در سه کشور لبنان، پاکستان و افغانستان ناپدید و یا به شهادت رسیده‌اند، این نشان‌گر ضعفی آشکار در سیاست خارجی ما می‌باشد. ضمن این‌که قاتلین آنها به مجازات نرسیده‌اند.»

وي همچنين از عملکرد ضعيف رسانه‌ها در خصوص پي‌گيري وضعيت گروگان‌ها انتقاد کرد و گفت: «ما انتظار معجزه از مطبوعات نداشتيم، آنها مي‌توانستند در مقاطع مختلف موضوع را به مسئولان ياد آوري کنند.»

اخوان همچنين با اشاره به اين‌که دولت، وزارت خارجه، مجلس شوراي اسلامي و رسانه‌هاي گروهی حساسيت لازم را نسبت به موضوع گروگان‌ها ندارند، گفت: «غربي‌ها همواره سعي مي‌کنند جهت بالابردن احترام بين‌المللي خود، احترام اتباع کشورشان را در نقاط مختلف دنيا بالاببرند، ولي ما حتي از بهترين‌هاي خود دفاع نمي‌کنيم. من به عنوان شهروند ايراني بعد از گذشت دودهه، اين حق را ندارم که از سرنوشت عزيزان خود مطلع شوم.»

خبرگزار ي ايسنا

تلاش‌هايي که براي پي‌گيري مسئله کاظم اخوان و سه ديپلمات ايراني صورت مي‌گيرد، جدي نيست

دکتر «علي تاجرنيا» عضو کميسيون امنيت ملي و سياست خارجي در مجلس شوراي اسلامي، پيرو سوالاتي که از وزير امور خارجه پيرامون مفقود شدن ۲۰ ساله کاظم اخوان و سه نفر از ديپلمات‌ها در لبنان مطرح شده است، اظهار داشت: «حق ابتدائي هر خانواده‌اي است که از سرنوشت گمگشته خويش مطلع باشند. پيرو اين مسئله سوالاتي از وزارت امور خارجه شد که با توجه به ابعاد مختلف اين مسئله از لحاظ سياسي، امنيتي، کميته‌اي ۳ نفره در مجلس شوراي اسلامي شکل گرفت. من به عنوان سوال کننده از وزير، از اين روند مسئله راضي نيستم و احساس مي‌کنم که تلاش‌ها و کوشش‌هايي که در اين زمينه صورت مي‌گيرد، خيلي جدي نيست که البته من علت اين امر را دلايل سياسي مي‌دانم. سپردن اين پرونده در وزارت امور خارجه به مجموعه‌هايي که انگيزه‌اي براي پي‌گيري ندارند، به نظر من بحث را با مشکل مواجه کرده است و الان شاهد آن هستيم که پرونده در هيچ مرحله‌اي براي اجرا نيست و فقط منتظر خبري هستند که به برگه‌هاي پرونده اضافه کنند.»

تاجرنيا، در پايان به وزارت امور خارجه پيشنهاد کرد اطلاعات به دست آمده را به طور شفاف در اختيار خانواده‌هاي اين افراد و مردم قرار دهند.

خبرگزار ي ايسنا

نخستین همایش خبرنگاران جنگ در تهران برگزار شد

روز پنجشنبه ۱۷ مردادماه، نخستین «همایش خبرنگاران جنگ»، ازجمله کاظم اخوان، در فرهنگسرای پایداري تهران برگزار شد.
خراسان

۱۳۸۱/۶/۲ = ۲۴ اوت ۲۰۰۲

آقای رئیس‌جمهوری! ۲۰ ثانیه وقت دارید

یگانه آوینی درمقاله خود، از آقای‌خاتمی خواسته است که نسبت به سرنوشت‌گروگان‌های ایرانی توجه بیشتری داشته باشد.
جمهوری اسلامی

۱۳۸۱/۶/۲۶ = ۱۷ سپتامبر ۲۰۰۲

گفت‌وگوی اختصاصی با رئیس‌جمهوری لبنان

«روزبه بواله‌ری» خبرنگار روزنامه ایران دربیروت، در گفت‌وگوی اختصاصی با امیل لحود رئیس‌جمهوری لبنان، درباره چهارگروگان ایرانی هم سوال کرده است:

– دولت لبنان تاکنون چه اقداماتی را برای روشن‌شدن سرنوشت و آزادی ۴ گروگان ایرانی انجام داده است؟

امیل لحود: لبنانی‌ها با تاجر و اندوه‌فراوان، مرحله بغرنج جنگ و رویدادهای ناشی از اقدامات جنگی در کشور خود را به‌یاد می‌آورند. اکثر لبنانی‌ها در آن زمان، دوستان، بستگان و عزیزانی را از دست دادند که بدون هیچ‌گناهی فقط به‌خاطر این که در زمان مشخصی در منطقه معینی به‌سر می‌بردند، جان سپردند. متأسفانه بعضی از دوستان لبنان از مناطق مختلف دنیا در این سرزمین، تاوان‌سنگینی پرداختند و اکنون که نظم و آرامش در کشور برقرار شده است، دولت سعی می‌کند به‌تمام پرونده‌ها رسیدگی کند و به‌غایت مطلوب برساند. یکی از این پرونده‌ها، پرونده چهاردیپلمات ایرانی است که در جریان حوادث دردناک دوره جنگ، ربوده شدند و سعی دولت برای این است که سرنوشت آنان روشن شود. دولت از هیچ‌گونه کوششی در این زمینه به‌منظور روشن‌شدن ابهامات مربوط به این پرونده دریغ نمی‌ورزد. اگرچه با توجه به زمان طولانی که از این ماجرا گذشته است، مشکلات فراوانی در زمینه بررسی و جمع‌آوری اطلاعات در این‌مورد وجود دارد.

ایران

۱۳۸۱/۷/۱ = ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۲

۱۹۰ □ کمین جولای ۸۲

چشم امید به...

یگانه آوینی، درنامه‌ای به مناسبت اول مهرماه، از رئیس‌جمهوری خواسته است تا نسبت به پی‌گیری سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی، جدیت بیشتری به خرج دهد. جمهوری اسلامی

۱۳۸۱/۷/۸ = ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۲

یاد و خاطره حماسه‌نگار دفاع مقدس گرامی‌باد

شاهرخ سلطان‌احمدی، در مقاله بلند خود، به حوادث و وقایع پیش‌آمده پس از اسارت‌کاظم اخوان پرداخته و پی‌گیری‌های انجام‌شده را نیز ذکر کرده است. جمهوری اسلامی

۱۳۸۱/۸/۲۵ = ۱۶ نوامبر ۲۰۰۲

رئیس‌جمهوری آسمانی‌تبار!

اولین آسمانی‌نژاد و همراهان او را از یاد نبرید! یگانه آوینی در نامه‌ای خطاب به رئیس‌جمهوری، خواستار توجه بیشتر به پی‌گیری سرنوشت این چهار اسیر شده است. اطلاعات

۱۳۸۱/۱۰/۱ = ۲۲ دسامبر ۲۰۰۲

دو برادر، یکی احمد و دیگری محمد

«حسین قدیانی» در مقاله خود، ضمن نقل خاطراتی از شهید محمدابراهیم همت و حاج احمد متوسلیان، به شرح خصوصیات اخلاقی آنان پرداخته است. کیهان

۱۳۸۱/۱۰/۲۱ = ۱۱ ژانویه ۲۰۰۳

حق‌ناشناسان

نمی‌دانم شما اسم این را چه می‌گذارید؟ ولی من به آن می‌گویم نمکنشناسی و ناسپاسی. بفرمایید:

چند روز پیش مراسمی جهت تجلیل از خبرنگاران و خون‌نگاران شهید در مسجد بلال صداوسیما در تهران برگزار شد. همین که به فکر اینها هم افتادند البته ببخشید به فکر معنویت برای خودشان افتاده‌اند! جای شکر دارد. ولی چقدر حق‌ناشناسی که نه در مراسم، و نه در تلویزیون و نه از همه بدتر، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران که کاظم خبرنگار آنجا بوده، یک کلمه از او نگفتند. اصلاً انگار کاظم اخوان خبرنگار ایرانی که مدت یکسال ونیم در جبهه، هم می‌جنگیده و هم عکس می‌گرفته، نبوده است؟ عیبی ندارد. بگذار

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۹۱

همچنان کاظم آنقدر در بازی‌های سیاسی و جناحی گم شود که نه انجمن صنفی‌روزنامه‌نگاران و نه انجمن روزنامه‌نگاران مسلمان هیچ‌کدام نه برایش بیانیه بدهند، و نه مراسم بگذارند و اصلاً او را فراموش‌کنند. غافل از این هستند که خود فراموش‌شانند.

وبلاگ «کاظم اخوان»

۱۳۸۱/۱۰/۲۸ = ۱۸ ژانویه ۲۰۰۳

خبری مبنی بر زنده بودن کاظم

چندروز پیش با فردی ملاقات داشتم به نام «ژرارد ژان فابین باتاوش» (gerard jean fabianbataouche) که ادعا می‌کند پاییز سال ۱۳۶۹ در شمال بیروت، در زندان فالانژیست‌ها، چهارگروگان ایرانی را در سلول‌های انفرادی‌شان دیده است و لی‌حق‌نداشته با آنها حرف‌بزند. او شدیداً معتقد است که آنها خودشان می‌باشند. این فرد فرانسوی‌الصل که در ایران به «رضا باتاوش» معروف است، ظاهراً از سال ۱۳۵۷ در ایران به‌سر می‌برد. این‌که صحت گفته‌های او چقدر است، خدا می‌داند. او می‌گوید که همان‌زمان در جلسه‌ای با سید حسین موسوی برادر کاردار ربوده‌شده و آقای مهتدی و چند تن دیگر در وزارت خارجه، شرایط فالانژها را برای آزادی گروگان‌ها اعلام کرده است که ایران نپذیرفته است.

وبلاگ «کاظم اخوان»

۱۳۸۱/۱۱/۲۶ = ۱۵ فوریه ۲۰۰۳

دستور مقام معظم رهبری

خانواده کاظم اخوان نامه‌ای خدمت مقام معظم رهبری ارسال کرده و در آن به شرح وقایع و پی‌گیری‌های‌شان پس از اسارت کاظم و همچنین بلا تکلیفی خانواده پرداختند که «حضرت آیت‌الله خامنه‌ای» پاسخ زیر را بر نامه ایشان مکتوب نمودند:

«بسمه تعالی»

به بنیاد شهید سفارش شود گفته شود که با وجود راه مسدود تحقیق و همکاری که لازمه طبع طرف‌های مقابل فالانژها و صهیونیست‌هاست، این موضوع همواره دنبال شده است.

درعین حال به وزارت خارجه هم سفارش شود. ۱۳۸۱ / ۱۱ / ۲۶

لازم به ذکر است پرونده کاظم و همراهانش در هیچ ارگانی به‌عنوان شهید یا اسیر وجود ندارد.

۱۹۲ □ کمین جولای ۸۲

وبلاگ «کاظم اخوان»

چند کلمه با آقای رئیس‌جمهوری

آقای رئیس‌جمهوری، سلام!

آقای خاتمی، نمی‌دانم آیا تا به حال به این سوال که در روزهای بهمن سال ۵۷ چه می‌کردید، پاسخ داده‌اید یا نه، ولی بهمن‌ماه هرسال، فرصتی است تا ما به‌خاطر بیاوریم برای طلوع‌خورشید انقلاب، چه اتفاقاتی که نیفتاده و چه فداکاری‌ها که نشد تا ما امروز در این سرزمین، با افتخار و سربلندی زندگی‌کنیم. بهمن‌ماه هرسال، برای من عرصه دوباره‌ای است تا به‌مردان در افق گمشده سرزمینم فکرکنم. به‌میرمحسن موسوی که مدت‌ها در زندان ستمشاهی تلخ‌ترین روزها را در بهترین سال‌های عمرش تجربه کرد و سال‌ها بعد، برای به‌ثمر رسیدن همه آن تلاش‌ها، هر چه می‌توانست انجام داد تا آن روزهای افتخارآفرین زودتر فرابرسد. به حاج‌احمد متوسلیان که در آذرماه سال ۵۷ از بند زندان رسته‌بود و دیگر در خانه بند نمی‌شد، و هرچه در توان داشت در آن روزهای سپید انجام می‌داد تا ریشه هرچه ستم و زور است زودتر از سرزمین‌مان کنده‌شود. به‌کاظم اخوان که در شهر مقدس مشهد، هر جا خبری از فریاد و غوغا بود، حتماً کاظم در آنجا حضوری‌فعال داشت و در هر موقعیتی، برای انجام دشوارترین کار آماده بود تا روزهای تلخ سرزمین‌مان زودتر به پایان‌برسد. به محمدتقی رستگارمقدم که در شهر مقدس قم، شهر خون و قیام، هر چه می‌توانست انجام می‌داد تا در سربلندی سرزمین‌مان سهمی داشته‌باشد. به مردانی از جنس‌سپیده، که در آن روزهای فراموش‌نشده، در میان دیگر افراد، خود سپیدترین بودند و حال سال‌هاست که رفته‌اند و روزهای انتظار را سپری می‌کنند. انتظار بازگشت دوباره به سرزمین خود. انتظار دیدن سرزمینی که آنان در بهترین سال‌های عمر خود، فداکارانه و بی‌ادعا با همه توان برای حفظ آن کوتاهی نکرده‌اند.

آقای رئیس‌جمهوری، می‌گویند پرونده این مردان به امنیت ملی مربوط می‌شود و این حرف، یعنی خط قرمزی به دور این پرونده کشیده شده که هر کسی حق دخالت در آن را ندارد، و شما چند روز پیش به خبرنگاران گفته بودید که: «خطوط قرمز را پاره کنید و از خط قرمزهای مصنوعی عبور کنید ولی خطوط قرمز امنیت ملی و عقیدتی را رعایت کنید.»

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۹۳

من نمی‌دانم خط قرمز این پرونده مصنوعی است یا خیر، ولی مطمئن هستم رئیس جمهوری که به خبرنگاران می‌گوید: «خطوط قرمز را پاره کنید.» می‌تواند خودش با رعایت خطوط قرمز امنیت ملی و عقیدتی، خط قرمز این پرونده را پاره کند و مهر اختتامیه بر سکوت این پرونده ملی بزند. مهري که باعث پایان روزهاي انتظار براي همه خواهد بود. رئیس جمهوری عزیز! امیدوارم آن روز چندان دور نباشد.

یگانه آوینی

کیهان

۱۳۸۱/۱۲/۱۷ = ۷ مارس ۲۰۰۳

جامعه جهانی، رژیم صهیونیستی را وادار به پاسخ‌گویی درمورد سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی کند

«ستاد مرکزی برگزاري بزرگداشت شهدا، اسرا و مفقودین دانشگاه‌های جهان اسلام» در نامه‌ای، از سازمان صلیب سرخ جهانی خواست رژیم صهیونیستی را وادار به پاسخ‌گویی در مورد سرنوشت چهار ایرانی ربوده‌شده به دست عواملش در لبنان، کند. در این نامه خطاب به «جاکوب کلن برگر» رئیس سازمان صلیب سرخ جهانی، که به مناسبت بیستمین سال مفقود شدن این چهار ایرانی نوشته شده، آمده است: «متأسفانه در این مدت بیست سالی که از رنج و اندوه خانواده و دوستان آنان می‌گذرد، مراجع ذیصلاح بین‌المللی، برای کسب اطلاعات در مورد سرنوشت آنان، اقدام شایسته‌ای نکرده‌اند و پیوسته اندوه، اضطراب و نگرانی بر خانواده‌های آنان سایه افکنده است.» در این نامه به آقای برگر تأکید شده است: «انتظار می‌رود سازمان صلیب سرخ جهانی، بنا به وظیفه‌ای که به عهده دارد، از امکانات خود به منظور متقاعد کردن اسرائیل و عوامل آن رژیم در لبنان، برای پاسخ‌گویی در قبال سرنوشت این چهار تن استفاده مطلوب کند.»

همچنین در این نامه اظهار امیدواری شده است که: «در آینده نزدیک نتایج اقدامات موثر صلیب سرخ برای کسب اطلاعات از سرنوشت این افراد و آزادی آنان، در کارنامه اقدامات بشر دوستانه آن سازمان ثبت شود.»

جمهوری اسلامی

سال ۱۳۸۲ هـ ش
۲۰۰۳ - ۲۰۰۴ م

۱۳۸۲/۲/۲۱ = ۱۱ مه ۲۰۰۳

آقای رئیس جمهوری، اسرا منتظر تلاش شمايند

یگانه آویني به مناسبت تولد حضرت امام موسي بن جعفر (ع)، از رئیس جمهوری خواسته است تا توجه بیشتری به مسئله گروگان‌هاي ایرانی داشته باشد.

کيهان

۱۳۸۲/۳/۵ = ۲۶ مه ۲۰۰۳

مراسم بزرگداشت حاج احمد متوسليان در دانشگاه لرستان برگزار شد

به مناسبت فرا رسیدن سوم خرداد، روز فتح خرمشهر، مراسم بزرگداشت حاج احمد متوسليان، به نمایندگی ستاد کنگره شهدا و اسرای دانشجو و کنگره شهدای دانشجوي بسیج دانشجوي دانشگاه لرستان، برگزار شد. در این جلسه که با حضور همزمان وي تشکیل شد، حاج «سعید قاسمي» به گرامی داشت یاد و خاطره آزادسازان خرمشهر پرداخت و گفت: «شناختن و بیان چهره واقعي شهداء، کار هر کسی نیست، مگر اینکه خود آنها عنایتي بکنند. ما وظیفه‌اي بس سنگین بر دوش داریم و آن به‌تصویر کشیدن حالات و اندیشه‌هاي لطیف شهیدان است به‌نجوي که شهید، امروز به عنوان يك الگو و راه‌کار زندگی کردن مطرح شود.»

در ادامه جلسه، دکتر «مریم کاتبی» به بررسی شخصیت جاوید الاثر حاج احمد متوسليان پرداخت و خاطرات وي را مرور کرد. در پایان جلسه، بسیج

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۹۵

دانشجویی دانشگاه لرستان نیز بیانیه‌ای قرائت کرد و طی آن پی‌گیری وضعیت حاج احمد متوسلیان را خواستار شد. خبرگزاری ایسنا

۱۳۸۲/۳/۲۱ = ۱۱ ژوئن ۲۰۰۳

غنامه‌ای برای ۴ گروگان فراموش‌شده ایرانی در لبنان
خانواده گروگان‌های ایرانی، در نامه‌ای به سیدمحمد خاتمی، از عدم پی‌گیری مسئله چهار گروگان، در سفر رئیس جمهوری به لبنان، انتقاد کرده‌اند.

(ضمیمه ۴۳)

جمهوری اسلامی

۱۳۸۲/۴/۱ = ۲۲ ژوئن ۲۰۰۳

به بهانه راه‌اندازی وبلاگ ویژه کاظم اخوان
در آستانه بیست و یکمین سالگرد اسارت چهار گروگان مظلوم ایرانی در بیروت، به همت برخی از دوستان، وبلاگ اینترنتی کاظم اخوان برای اطلاع‌رسانی هر چه بیشتر درباره وضعیت این چهار گروگان، راه‌اندازی شد. در این صفحه که قابل دسترسی و استفاده کلیه کاربران است، آخرین اخبار و اطلاعات پیرامون وضعیت نامعلوم این گروگان‌ها منتشر می‌شود:

www.kazemakhavan.persianblog.com

خبرگزاری مهر

۱۳۸۲/۴/۱۱ = ۲ جولای ۲۰۰۳

از بازار سید اسماعیل، تا حاجزبرباره
«محمد علی دربندی» در مقاله بلند خود، ضمن شرح کامل زندگی و مبارزات حاج احمد متوسلیان، به سوابق او در پیش از انقلاب و همچنین نقش او در مبارزه با ضدانقلابیون در کردستان، اشاره کرده و پس از برشمردن فعالیت‌هایش در دفاع مقدس، به چگونگی اسارت او پرداخته است.

هفته‌نامه یالثارات الحسین (ع)

۱۳۸۲/۴/۱۴ = ۵ جولای ۲۰۰۳

بیانیه خانواده‌های ۴ گروگان ربوده‌شده ایرانی

۱۹۶ □ کمین جولای ۸۲

خانواده‌های ۴ گروگان ربوده‌شده ایرانی، با انتشار بیانیه‌ای، از اینکه این موضوع پس از ۲۱ سال، هنوز در دستور کار مسئولان قرار نگرفته است، ابراز تاسف شدید و انتقاد کرده‌اند.

(ضمیمه ۴۴)

رسالت

۱۴ تیر ۶۱ آغاز بی‌نشانی

«گروه فرهنگی سروش ولایت» در این مقاله، به اخبار ضد و نقیض پیرامون سرنوشت گروگان‌های ایرانی طی بیست سال گذشته، پرداخته است.

جمهوری اسلامی

۱۳۸۲/۴/۱۵ = ۶ جولای ۲۰۰۳

مردی از کوجه «چهلتن»

محمدعلی صمدی در مقاله‌ای بلند، به شرح زندگی حاج احمد متوسلیان، مبارزات و فعالیت‌های او پرداخته است.

کیهان

۱۳۸۲/۴/۱۶ = ۷ جولای ۲۰۰۳

صلیب‌سرخ برای آزادی چهار دیپلمات ایرانی تلاش کند

«کمیته جست‌وجوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح»، با صدور اطلاعیه‌ای، خواستار دخالت کمیته بین‌المللی صلیب سرخ برای آزادی چهار دیپلمات ایرانی ربوده‌شده، از سوی اسرائیل شد. در این اطلاعیه که با امضای سردار «میرفیصل باقرزاده» فرمانده کمیته جست‌وجوی مفقودین صادر شده، از سازمان‌های انسان‌دوستانه جهانی و کمیته صلیب سرخ درخواست شده است ضمن بازدید از زندان‌ها و مراکز مشکوک به نگهداری ایرانیان ربوده‌شده، خانواده این دیپلمات‌ها را از نگرانی برهانند. در این اطلاعیه از آزادی‌خواهان درخواست شده تا با همه اهرم‌های ممکن، رژیم اسرائیل را جهت آزادی این گروگان‌های بی‌گناه تحت فشار قرار دهند.

خبرگزاری مهر

روزشمار گروگان‌گیری □ ۱۹۷

به‌یاد کاظم اخوان دلاوری از خطه خراسان

«م. کیاماری» در مقاله‌ای کوتاه، به عدم پی‌گیری و توجه مراکز خبری ایران و جهان نسبت به اسارت کاظم اخوان پرداخته و از عملکرد احزاب و گروه‌های داخلی انتقاد کرده است.

کیهان

۱۳۸۲/۴/۱۸ = ۹ جولای ۲۰۰۳

۲۱ سال اهمال نسبت به وضعیت چهار دیپلمات ایرانی پذیرفتنی نیست

«انصارحزب‌الله استان گلستان» با صدور بیانیه‌ای در آستانه سالروز ربوده شدن چهار دیپلمات ایرانی، از اهمال وزارت خارجه در این زمینه انتقاد کرده است.

هفته‌نامه یالثارات الحسین (ع)

چه کسی پاسخ‌گوست؟

نویسنده مقاله با بهره‌گیری از مطالب منتشر شده در نشریات مختلف پیرامون چهار گروگان ایرانی، با استناد به بعضی از آنها، از عدم پی‌گیری مسئله آنان توسط دست‌اندرکاران امر، انتقاد شدید کرده است.

هفته‌نامه یالثارات الحسین (ع)

۱۳۸۲/۴/۲۲ = ۱۳ جولای ۲۰۰۳

مرثیه‌ای بر طولانی‌ترین گروگان‌گیری تاریخ معاصر جهان

«حسین قدیانی» در مطلب خود، به گونه‌ای احساسی با گروگان‌های مظلوم سخن گفته است.

کیهان

۱۳۸۲/۴/۲۳ = ۱۴ جولای ۲۰۰۳

خانواده‌های چهار گروگان ایرانی خواهان روشن‌شدن وضع آنان شدند

خانواده‌های چهار دیپلمات ایرانی در بیانه‌ای از مسئولان کشور خواستند وضع این دیپلمات‌ها را روشن کنند. در این بیانیه آمده است: «پس از گذشت ۲۱ سال از اسارت عزیزانمان، متأسفانه موضوع چهار گروگان ایرانی به عنوان یک مسئله ملی انسانی در دستور کار مسئولین قرار ندارد، خصوصاً پس از سفر آقای خاتمی رئیس‌جمهوری به لبنان و سوریه و طرح‌شدن این موضوع در مذاکرات رسمی و غیررسمی، به این یقین رسیدیم که دولتمردان ما نسبت به سرنوشت این چهار تن بی‌اعتنا هستند. چرا کسانی

۱۹۸ □ کمین جولای ۸۲

که دائما از حقوق شهروندی سخن می‌گویند، در قبال این قضیه سکوت می‌کنند، آیا حداقل استیفای حقوق شهروندی این نیست که دولت برای روشن شدن سرنوشت اتباع خود که در کشور دیگری به گروگان گرفته شده‌اند تلاش کند؟ پنج سال پیش، پس از مذاکره با مسئولین سوریه قرار شد کشورمان نماینده‌ای را برای پی‌گیری موضوع مشخص کند، دولت سوریه بلافاصله نماینده خود را معرفی کرد اما جمهوری اسلامی ایران تاکنون نماینده‌ای را برای حل این مسئله معرفی نکرده است.»

در این بیانیه با اشاره به سوال یکی از نمایندگان عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در خصوص سرنوشت ۴ گروگان ایرانی از وزیر امور خارجه، تصریح شده است: «پس از ارجاع سوال به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی قرار بود کمیته‌ای تشکیل و موضوع پی‌گیری شود، اما هیچ اقدامی در این خصوص انجام نشد. چرا هیچ کس حاضر به پاسخ‌گویی در خصوص سرنوشت ۴ گروگان ایرانی در لبنان نیست، آیا سرنوشت عزیزان ما در بازی‌های سیاسی گم شده است؟ چگونه از گرفتاری در این کلاف در هم پیچیده رها خواهیم شد؟»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۲/۴/۲۵ = ۱۶ جولای ۲۰۰۳

یادواره دیپلمات‌های ایرانی دربند رژیم صهیونیستی در تهران برگزار می‌شود

این مراسم عصر روز پنجشنبه ۲۶ تیر از سوی «ستاد شهدای گمنام» حوزه ۱۳ ثامن‌الائمه (ع) در «فرهنگسرای طبیعت» (اشراق) تهران برگزار می‌شود. جمهوری اسلامی

۱۳۸۲/۵/۱۶ = ۷ اوت ۲۰۰۳

حرمت قلم و جایگاه خبرنگار

روزنامه کیهان به‌مناسبت روز خبرنگار، با بستگان خبرنگاران شهید و اسیر ایرانی از جمله کاظم اخوان گفت‌وگو کرده است که حسین اخوان با انتقاد از کم‌توجهی برخی مسئولان درباره سرنوشت چهار گروگان ایرانی دربند رژیم صهیونیستی، گفت: «در حالی که هر دو عامل گروگان‌گیری یعنی سمیر جعجع و ایللی حبیقه، در لبنان به‌سر می‌برند، اما هنوز کمیته بین‌المللی حقیقت‌یاب برای پی‌گیری این پرونده تشکیل نشده است.»

کیهان

۱۳۸۲/۵/۱۹ = ۱۰ اوت ۲۰۰۳

آقای رئیس جمهوری، سلام!

یگانه آوینی در مقاله خود به مناسبت اسارت سعید ابوطالب و سهیل کریمی در عراق، از رئیس جمهوری درباره گروگان‌های ایرانی در لبنان، سوال کرده است.

کیهان

۱۳۸۲/۵/۲۶ = ۱۷ اوت ۲۰۰۳

جناب آقای خاتمی! چطور این موضوع فراموش شد؟؟

نویسنده مقاله، با اشاره مفصل به اخبار متناقض پیرامون سرنوشت گروگان‌ها، نسبت به برخورد سرد برخی مسئولین و بویژه رئیس جمهوری با این مسئله، انتقاد کرده است.

وبلاگ اتو بسیج

کاظم اخوان شایسته این دستور نبود؟!

حسین اخوان در مقاله‌ای مفصل، به شرح آنچه بعد از اسارت کاظم اخوان بر خانواده‌شان رفته است، می‌پردازد و پی‌گیری‌های انجام شده را شرح می‌دهد.

کیهان

۱۳۸۲/۶/۶ = ۲۸ اوت ۲۰۰۳

چهار دیپلمات ایرانی مدتهاست که کشته شده‌اند

منابع غربی امروز پنجشنبه اعلام کردند: «چهار دیپلمات ایرانی که در سال ۱۹۸۲ در لبنان ربوده شدند، کشته شده‌اند.»

سایت اینترنتی «ایلاف» که توسط اعراب مقیم آمریکا اداره می‌شود، در گزارشی به قلم «جنثان براون» ادعا کرد: «به احتمال زیاد سه نظامی اسرائیلی که نزد حزب‌الله نگه‌داری می‌شوند نیز کشته شده‌اند.»

به گفته این نویسنده، مذاکرات حزب‌الله و رژیم اسرائیل از طریق میانجی‌گر آلمانی برای خارج کردن پرونده خلبان اسرائیلی از دور مذاکرات طرفین یک اقدام غیرمنتظره نبود. این منبع کشته‌شدن خلبان اسرائیلی را تایید کرد. این اقدام در حالی صورت می‌گیرد که اسرائیل چندین بار تلاش کرده بود تا پیش از آزادی «مصطفی دیرانی» رهبر گروه «مقاومت مومنه» منشعب از سازمان امل و «عبدالکریم عبید» امام جمعه سابق شهر «جیشیت» و از رهبران با نفوذ حزب‌الله در جنوب لبنان، اطلاعاتی را در مورد این خلبان به دست آورد، اما موفق نشد. براساس اعلام منابع خبری غرب برای حل قضیه

زندانیان لبنان، پرونده خلبان اسرائیلی ران آراد در مقابل پرونده چهار دیپلمات ایرانی از دور مذاکرات خارج شد. در مورد جزئیات این پرونده، منابع غربی اعلام کردند: «توافقاتی برای قانع کردن طرفین به این امر که آراد و چهار دیپلمات ایرانی مدت‌هاست که کشته شده‌اند، صورت گرفت و از نظر آنها در جریان قرار دادن پرونده خلبان اسرائیلی و چهار دیپلمات ایران، مانع از انجام مذاکرات طرفین که در حال حاضر بیش از هر زمان دیگر به آن نیاز دارند، شده است.»

منابع مذکور ادعا کردند که هیئت آلمانی به ریاست «ارنست اورلاو» اطلاعاتی را درباره حزب‌الله به دست آورده که نشان می‌دهد سه نظامی اسرائیلی که نیروهای حزب‌الله در اکتبر سال ۲۰۰۰ در مزارع شبعا در جنوب لبنان دستگیر کرده‌اند، کشته شده‌اند. همین منابع فاش کردند: «این هیئت آلمانی نوار ضبط شده‌ای را به دست آورده که در آن «حنان تنینباوم» افسر امنیتی اسرائیلی، اعلام داشته که هنوز زنده و در سلامت کامل به سر می‌برد. این افسر اسرائیلی در این نوار گفته بود از زمانی که دستگیر شده هیچ آسیبی به وی نرسیده است.»

با این وجود، منابع غربی رسماً اعلام نکردند: «آیا عملیات تبادل اسرا شامل اسیران غیرلبنانی می‌باشد و یا اینکه تنها دربرگیرنده اسرای لبنانی است که شمار آنها به ۵۲ تن می‌رسد.»

گفتنی است پیش از این نیز منابع اسرائیلی با اعلام کشته شدن سربازان اسیر خود در دست حزب‌الله، سعی در تحریک حزب‌الله جهت اعلام خبر و اطلاعات دقیق از اسیران داشته‌اند. گفتنی است، حنان تنینباوم افسر امنیتی و از مشاورین نخست‌وزیر اسبق اسرائیل، طی یک عملیات امنیتی و اطلاعاتی از سوی حزب‌الله لبنان در خارج از این کشور، شناسایی و پس از ورود به لبنان جهت انجام مأموریت خود برای نفوذ به حزب‌الله، از سوی تشکیلات امنیتی حزب‌الله لبنان شناسایی و دستگیر شد. هواپیمای آراد نیز به هنگام بمباران اردوگاه‌های فلسطینی ساقط شد و وی توسط نیروهای فلسطینی به اسارت درآمد که اسرائیل مدعی است عبدالکریم عبید و مصطفی دیرانی عاملین ربودن وی هستند.

خبرگزاری مهر

۱۳۸۲/۶/۸ = ۳۰ اوت ۲۰۰۳

خبر شهادت چهار دیپلمات ایرانی را قبول نداریم

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۰۱

حسین اخوان در واکنش به اخبار منتشرشده در برخی رسانه‌ها مبنی بر شهادت چهار دیپلمات ایرانی، گفت: «ما چنین خبری را قبول نداریم. نامه‌ای به آقای خاتمی نوشتیم در مورد این خبرها که منتشر می‌شود، ولی پاسخ مناسبی در این زمینه دریافت نکردیم. سال گذشته نیز پس از درخواست‌های مکرر خانواده‌های گروگان‌ها، کمیته‌ای به اصطلاح برای حقیقتیابی سرنوشت آنان تشکیل شد که متأسفانه تاکنون هیچ‌گونه خبری از اقدامات آنان به ما که خانواده‌های چشم انتظار گروگان‌ها هستیم، نرسیده است. اگر بحث شهادت مطرح است، بایستی مستند باشد. بایستی جنازه‌ها را ما ببینیم. حتی بایستی آزمایش «دی.ان.ای» صورت گیرد تا مشخص شود که جنازه‌های خود آنان باشد. از زمان تبادل گروگان‌ها در لبنان، همواره چنین خبرهایی منتشر می‌شود و لیکن هنوز چیزی به‌طور مستند اعلام نشده است. آقای رفیقدوست و آقای اختری سفیر اسبق ایران در سوریه نیز در گذشته خبر شهادت این چهار نفر را اعلام کرده بودند؛ حتی آقای اختری به صراحت اعلام کرده‌اند که این چهار گروگان به شهادت رسیده‌اند و لیکن هنوز هیچ چیزی به‌طور رسمی و مستند انتشار نیافته است. حتی در آن زمان مسئول اطلاعاتی تبادل اسرای لبنانی و اسرائیلی که فردی آلمانی به نام براند اشمیت باور بود، اعلام کرده بود که اینها به شهادت رسیده‌اند. سیدحسن نصرالله رهبر حزب‌الله لبنان قول داده بود که نام این چهار گروگان هم در متن مذاکرات در مورد تبادل اسرای لبنانی با اسرائیلی قرار بگیرد و لیکن گویا این مورد از متن مذاکرات حذف شده است. سال گذشته تاجرنیا نماینده مشهد نیز سوالي را در این زمینه و در مورد زنده‌بودن این چهار نفر از وزیر امور خارجه پرسیده بود که این سوال هم بدون پاسخ مانده است. شش سال است که به رئیس جمهوری نامه می‌نویسیم و تقاضای یک وقت بیست دقیقه‌ای را داریم ولی هیچ جوابی به ما نمی‌دهند؛ الان خانواده‌های این گروگان‌ها در برزخ بلاتکلیفی به سر می‌برند و هیچ پاسخ روشنی از سوی مسئولین به آنها داده نمی‌شود. اگر زنده هستند اعلام کنند و اگر به شهادت رسیده‌اند با سند و مدرک اعلام کنند و ملاحظات و سیاسی‌کاری را کنار بگذارند. هر چند که به نظر می‌رسد سیاست جمهوری اسلامی عدم اعلام شهادت این چهار نفر می‌باشد. طی سال‌های گذشته اخبار ضد و نقیضی در مورد سرنوشت این چهار تن منتشر شده است از جمله اینکه شخصی به نام احمد حبیب‌الله به عنوان رئیس کمیته پی‌گیری زندانیان بازداشتگاه‌های اسرائیل، مدعی شد که ۳ نفر ایرانی به همراه

۲۰۲ □ کمین جولای ۸۲

راننده‌شان در زندان عتلیت رژیم صهیونیستی به سر می‌برند ولی ظاهراً هیچ گونه پی‌گیری‌ای جهت روشن شدن این مسئله، از سوی مسئولین سیاست خارجی ایران انجام نگرفته است. پیش از آن نیز ایلی‌حبیقه فرمانده نیروهای فالانژیست لبنان، در واکنش به اظهارات روبیر حاتم معروف به کبرا، مبنی بر اینکه ایلی‌حبیقه گروهان‌های ایرانی را کشته است، مدعی شده بود که آنان توسط سمیر جعجع کشته شده‌اند. ولی جعجع که در حال حاضر به جرم قتل جنایت در زندان بیروت به سر می‌برد، ضمن تکذیب گفته‌های حبیقه، اعلام کرد که گروهان‌ها به دستور شخص‌حبیقه کشته شده‌اند. وزارت امور خارجه ایران نیز طی بیست و یک سال گذشته، هر ساله با انتشار بیانیه‌ای اعلام می‌کند که گروهان‌ها زنده هستند و برای روشن‌شدن سرنوشت آنان از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کند.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۲/۶/۱۲ = ۳ سپتامبر ۲۰۰۳

تلویزیون رژیم صهیونیستی اعلام کرد: خلبان اسرائیلی هنوز زنده است

کانال یک تلویزیون رژیم صهیونیستی، شب گذشته اعلام کرد: «ران آراد خلبان اسرائیلی که در سال ۱۹۸۶ هواپیمای او هدف قرار گرفته بود، هنوز زنده است.»

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از خبرگزاری فرانسه، تلویزیون اسرائیل افزود: «الیاهو وینوگراد، قاضی بازنشسته اسرائیلی، با تشکیل کمیته تحقیق گزارشی را به «موشه یعالون» رئیس ستاد ارتش اسرائیل ارائه کرده که در این گزارش ادعا شده است خلبان اسرائیلی هنوز در قید حیات است.» این تلویزیون افزود: «اسرائیل از هیچ تلاش برای آزاد کردن ران آراد فروگذار نیست.»

این خلبان اسرائیلی در ۱۶ اکتبر سال ۱۹۸۶ میلادی، با یک هواپیمای جنگنده فانوم اف ۴ اسرائیلی، اقدام به بمباران جنوب لبنان کرد که با آتشباری نیروهای مقاومت هواپیمای وی سرنگون شد. تلویزیون رژیم صهیونیستی ادعا کرده است ران آراد پس از دستگیری به ایران تحویل داده شده است، اما تهران قاطعانه تحویل گرفتن این خلبان اسرائیلی را تکذیب کرده است و در عوض خواستار آزادی چهار دیپلمات ایرانی شده است.

خبرگزاری مهر

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۰۳

ران آزاد کیست و کجاست؟

طی چند سال اخیر رسانه‌های صهیونیستی، مشخص شدن سرنوشت چهار گروگان ایرانی را منوط به ارائه خبری از ران آزاد کرده‌اند. در این‌باره که وی کیست و کجاست، تاکنون مطلب جامعی منتشر نشده است. حمید داودآبادی در این مقاله تحقیقی، ضمن معرفی شخصیت ران آزاد، به شرح زندگی او پرداخته است.

(ضمیمه ۴۵)

خبرگزاری مهر

۱۳۸۲/۶/۳۱ = ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۳

ران آزاد در تهران است؟!

مطبوعات وابسته به رژیم صهیونیستی، طی هفته‌های اخیر که بحث بر سر تبادل اسرا در لبنان و اسرائیل بالا گرفته است، دست به جوسازی گسترده‌ای زده‌اند تا به این وسیله در انظار جهانیان این‌گونه مطرح کنند که خلبان صهیونیست که ۲۴ مهر ماه سال ۱۳۶۵ هنگام بمباران جنوب لبنان، هواپیمایش توسط فلسطینی‌ها ساقط شد و خود به اسارت نیروهای لبنانی درآمد، در ایران می‌باشد. حمید داودآبادی در این مقاله، به ریشه‌های گروگان‌گیری‌ها و وضعیت خلبان اسرائیلی می‌پردازد.

(ضمیمه ۴۶)

خبرگزاری مهر

۱۳۸۲/۷/۴ = ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۳

ما برای مبادله اسیران اسرائیلی با اسرای خود که در زندان‌های اسرائیل به‌سر می‌برند، شروطی مشتمل بر هفت‌بند ارائه کرده بودیم

به گزارش پایگاه خبری ایلاف، اورلاو در جریان بحث بررسی در مورد مبادله اسیران حزب‌الله و اسرائیل با دولت انگلیس نیز رایزنی‌هایی انجام داده است. براساس این گزارش، حزب‌الله لبنان نیز بر آزادی «هادی سلیمان‌پور» توسط انگلیس اصرار دارد. برخی اطلاعات منتشر شده توسط مطبوعات انگلیسی نیز حاکی است که هادی سلیمان‌پور یکی از مشمولان مبادله اسرا بین حزب‌الله و اسرائیل است. این در حالی است که برخی منابع لبنانی، طی چند روز اخیر اعلام کرده بودند که سیدمحسن موسوی، احمد متوسلیان، کاظم اخوان و تقی رستگارمقدم، در جریان این مبادله آزاد خواهند شد. سید حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان نیز سه روز پیش در گفت‌وگو با روزنامه السفير چاپ بیروت،

تأکید کرده بود که دیپلمات‌های ایرانی زنده هستند. وی تصریح کرد: ما برای مبادله اسیران اسرائیلی با اسرای خود که در زندان‌های اسرائیل به‌سر می‌برند، شروطی مشتمل بر هفت‌بند ارائه کرده بودیم که یکی از این بندها شامل آزادی چهار ایرانی مفقود شده است.»

از سوی دیگر «آریل شارون» نخست‌وزیر اسرائیل، دیروز در گفت‌وگو با شبکه یک تلویزیون اسرائیل، با اشاره به مسئله تبادل اسیران حزب‌الله با اسرای اسرائیلی موجود در لبنان، گفته بود: «من در حالی که اشک از چشمانم سرازیر بود با «تامی آراد» - برادر رون آراد - صحبت کردم. ما گروهان‌های زیادی برای تبادل با آراد گرفته‌ایم، ولی تا به حال به نتیجه مهمی نرسیده‌ایم.»

اسرائیل مدعی است که آراد به ایران انتقال یافته، اما جمهوری اسلامی ایران این ادعا را تکذیب می‌کند. شارون در ادامه این گفت‌وگو اضافه کرد: «البته ما برگ‌های برنده خوبی در اختیار داریم که برای دستیابی به نتیجه مورد نظر خود، به وسیله آنها به حزب‌الله و ایران فشار می‌آوریم؛ آنچه من می‌توانم بگویم این است که این برگ برنده در نزد ما نیست، بلکه در یک کشور اروپایی است که این مورد بخشی از کل مسئله را تشکیل می‌دهد.»

شارون در توضیح حرف خود، بدون اشاره به هویت مورد مزبور، گفت: «این برگ‌های برنده مشمول بخشی از قضیه تبادل هستند و برای حزب‌الله و ایرانی‌ها موارد مهمی به‌شمار می‌روند و در چشم آنها از جایگاه مهمی برخوردارند؛ این افراد همچنان در اختیار ما هستند و من اسامی آنها را می‌دانم ولی فکر نمی‌کنم که عامه مردم چیز زیادی در مورد آنها بدانند.»

وی همچنین در گفت‌وگوی دیگری با شبکه ۱۰ تلویزیون اسرائیل، اظهار داشت: «به طور قاطع می‌گوییم که ما موارد دیگری هم برای تشدید فشارها در اختیار داریم. تماس‌های بسیاری در مورد این زندانیان نیز به انجام رسیده که به پیشبرد موضوع مبادله اسرا کمک می‌کند.»

برخی منابع در دفتر نخست‌وزیری اسرائیل نیز با اشاره به این‌که آزادی برخی از افراد موجود در یکی از زندان‌های اروپا بسیار به نفع ایران و حزب‌الله است و تل‌آویو مشغول رایزنی با این کشور اروپایی برای آزادی این افراد است که البته پس از درخواست رسمی تل‌آویو از این کشور صورت خواهد پذیرفت، آزادی این افراد تنها بستگی به ارائه اطلاعات در مورد سرنوشت

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۰۰

رون آراد است. این منابع اسرائیلی در دفتر شارون، در توضیح چگونگی ارتباط با این کشور اروپایی گفتند: «این تماس‌ها از طریق یک کشور ثالث انجام پذیرفته است.»

منابع آگاه تصریح کرده‌اند که کشور سوم مورد اشاره شارون، آمریکا است. در حال حاضر، هادی سلیمان‌پور سفیر سابق ایران در آرژانتین، به اتهام دخالت در انفجار مرکز یهودیان بوئنوس‌آیرس در سال ۱۹۸۴، در زندان دادگاه عالی لندن به‌سر می‌برد و بنا بر قرار قبلی، حکم وی تا یک‌ماه دیگر اعلام خواهد شد. در این انفجار بیش از ۸۵ صهیونیست کشته و بیش از 300 نفر زخمی شده بودند. این درحالی است که «خوزه گالیانو» قاضی آرژانتینی مسئول پی‌گیری پرونده سلیمان‌پور، با ارسال بیش از ۲۹۰۰ صفحه پرونده اتهامی برای قاضی دادگاه عالی لندن، خواستار استرداد سلیمان‌پور به آرژانتین شده است. برخی منابع، اصرار این قاضی آرژانتینی بر استرداد سلیمان‌پور به این کشور را ناشی از نفوذ لابی صهیونیستی بوئنوس‌آیرس بر وی می‌دانند.

سایت اینترنتی مهدیس

۱۳۸۲/۷/۷ = ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۳

آزادی سلیمان‌پور پل پیوند اسرائیل و جمهوری اسلامی خواهد شد؟

تبادل اسرا با اسرائیل، یا توسل به دست‌اندازی به آخرین حربه ماندن در قدرت

مطبوعات عرب زبان، امروز اخباری را در ارتباط با احتمال مذاکرات اسرائیل مطرح کردند. روزنامه‌های ایران در هفته گذشته سخنان حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان را مهم ارزیابی کرده و آن را به تفصیل به چاپ رساندند. او در این مصاحبه با ذکر جملاتی درباره اسرای اسرائیلی که نزد حزب‌الله لبنان‌اند، از جمله به ران آراد اشاره کرد که بسیار مورد علاقه اسرائیل است.

در پی اظهارات نصرالله، آریل شارون نخست‌وزیر اسرائیل، روز گذشته طی سخنانی، از علاقه‌مندی ایران و حزب‌الله از تبادل اسرا سخن گفت. او از آزادی بعضی زندانیان در کشورهای اروپایی که مورد علاقه ایران هستند سخن گفت و آلمان را واسطه خوبی میان ایران و اسرائیل دانست. اشاره او به آلمان به عنوان واسطه، کافی بود تا روزنامه‌های اسرائیل منظور شارون را از زندانیانی که در اروپا نگهداری می‌شوند، فاش کرده و از یک

۲۰۶ □ کمین جولای ۸۲

ایرانی و سه لبنانی که به جرم ترور رهبران حزب دمکرات کردستان ایران در رستوران «میکونوس» در برلین نام ببرند. در این ترور، دادگاهی در آلمان برخی از مقامات بلند پایه ایرانی را به دست داشتن در این ترور متهم کرد. اما بعید به نظر می‌رسد زندانیان ماجرای ترور میکونوس، مورد اشاره نخست‌وزیر اسرائیل باشند، چرا که مهم‌ترین زندانی که در عین حال محاکمه او نیز در انگلستان جریان دارد، یعنی سلیمان‌پور مورد توجه اسرائیل باید باشد. سلیمان‌پور ارشدترین مقام امنیتی جمهوری اسلامی است که اکنون در دولت‌های انگلستان و آرژانتین زیر فشار اسرائیل و اسنادی که فراهم آمده، تحت پیگرد قضائی است و این اسرائیل است که می‌تواند با بایگانی شدن این پرونده موافقت و یا مخالفت کند. دلیل این امر، وقوع انفجار در «مرکز همیاری اسرائیل» در آرژانتین است. اگر این گمانه‌زنی درست باشد، که به نظر می‌رسد درست است، سلیمان‌پور عملاً به پل ارتباطی میان اسرائیل و جمهوری اسلامی تبدیل شده است. این امر اهمیت و موقعیت امنیتی- اطلاعاتی سلیمان‌پور را نیز می‌رساند.

سایت اینترنتی پیلنت

۱۳۸۲/۷/۱۹ = ۱۱ اکتبر ۲۰۰۳

دیدار خانواده‌های چهار دیپلمات ربوده‌شده با وزیرخارجه

خانواده‌های گروگان‌های ایرانی روز پنجشنبه با دکتر خرازی دیدار کردند. در این دیدار که به منظور بررسی آخرین وضعیت این گروگان‌ها انجام شد، وزیر امورخارجه خانواده‌ها را در جریان پی‌گیری‌های مستمر وزارت امورخارجه در ارتباط با روشن شدن سرنوشت آنان قرار داد. دکتر خرازی اظهار داشت: «طبق شواهد موجود، اسرائیلی‌ها در دستگیری و نقل و انتقال آنها دست داشته‌اند و در این رابطه مسئولیت متوجه آنهاست، زیرا که چهار تن از دیپلمات‌های جمهوری اسلامی شاغل در سفارت ایران در بیروت، در مناطقی به اسارت در آمده‌اند که در اشغال رژیم صهیونیستی بوده است.»

وزیر امورخارجه به خانواده‌های چهار دیپلمات گروگان ایرانی اطمینان داد که جمهوری اسلامی ایران و وزارت امورخارجه با جدیت کامل برای روشن شدن سرنوشت گروگان‌ها فعالیت‌های خود را ادامه خواهد داد.

کیهان

۱۳۸۲/۷/۲۴ = ۱۶ اکتبر ۲۰۰۳

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۰۷

همه با هم

در این مطلب، خاطره‌ای از دوران دفاع مقدس از حاج احمد متوسلیان نقل شده است.

هفته‌نامه شما

۱۳۸۲/۸/۹ = ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳

آلمان وضعیت ران آزاد را پی‌گیری می‌کند

به دلیل اینکه آلمان واسطه آزادی ران آزاد خلبان اسرائیلی است، یک فرستاده آلمانی به ایران سفر خواهد کرد تا با مقامات ارشد ایران در این زمینه دیدار کند. این فرستاده امیدوار است بتواند اطلاعاتی درباره ران آزاد به دست آورد. تلاش‌های رژیم صهیونیستی برای تبادل زندانیان، آزاد را دربرنمی‌گیرد. این مسئله سبب شده است که اسرائیل نیز در ابراز مخالفت خود، سرنوشت چهار گروگان ایرانی را منوط به ارائه خبری از ران آزاد نماید. مصطفی دیرانی به عنوان یک گروگان در برابر ران آزاد که گمان می‌رود در زندان‌های ایران است، توسط رژیم صهیونیستی نگه داشته شده است. رژیم صهیونیستی همواره تلاش دارد تا وانمود کند که آزاد توسط حزب‌الله لبنان ربوده شده و در اختیار ایران است. ولی حزب‌الله هر گونه ارتباط خود را با این قضیه رد کرده است.

خبرگزاری مهر

۱۳۸۲/۸/۱۳ = ۴ نوامبر ۲۰۰۳

دیپلمات‌های ایرانی را هم از یاد نبریم

«حسن غفوری‌فرد»، حضور دو مستندساز آزاده‌شده ایرانی را بزرگترین مستند برای نشان دادن جنایات‌های آمریکا در عراق عنوان کرد که در تاریخ ثبت خواهد شد. غفوری‌فرد در حاشیه مراسم استقبال از مستندسازان گفت: «نگه‌داری بیشتر این مستندسازان به افتضاح بیشتر آمریکایی‌ها و افشای دروغ بزرگ آنها مبنی بر دفاع از حقوق بشر منجر می‌شد و در زیر فشار جهانی مجبور شدند مستندسازان را آزاد کنند. خوشبختانه رسانه‌ها سعی کردند در این مدت، این مسئله را زنده نگه دارند و تا حد زیادی هم موفق بودند، البته شاید بیش از این باید تلاش می‌کردند. ما نباید از یاد ببریم که چهار تن از دیپلمات‌های ما سال‌هاست که اسیر شده‌اند و

رسانه‌های ما بایستی پی‌گیر این افراد نیز باشند.»

خبرگزاری ایسنا

۲۰۸ □ کمین جولای ۸۲

۱۳۸۲/۸/۱۹ = ۱۰ نوامبر ۲۰۰۳

سرانجام اسرائیل پیام را گرفت...

اسرائیل که به طمع ایجاب ایران به توقف پشتیبانی از نیروهای حزبالله، ۴ دیپلمات ایرانی را بیش از ۲۱ سال است که به اسارت گرفته، مجبور شده است که این مطالبه را تا حد باز پس‌گیری خلبان اسیر خود در چنگ نیروهای فوق‌تقلیل دهد. بر این اساس، روز گذشته بخش فارسی رادیو اسرائیل اعلام کرد که کابینه این کشور تصمیم گرفته است به‌زودی کمیته‌ای را برای روشن‌شدن سرنوشت چهار ایرانی که در لبنان ربوده شدند، تشکیل دهد. اسرائیل به‌خوبی دریافته که مرگ ۴ دیپلمات ایرانی، برابر خواندن فاتحه (یا معادل آن در مذهب یهود) برای خلبان خود آقای ران آزاد می‌باشد. در حالی که بیش از ۲۱ سال از اسارت نامعلوم ۴ دیپلمات ایرانی که در لبنان دستگیر و تحویل نیروهای اسرائیلی گردیدند، می‌گذرد، رادیو اسرائیل روز گذشته اعلام کرد که کابینه این کشور تصمیم گرفته است به‌زودی کمیته‌ای را برای روشن‌شدن سرنوشت چهار ایرانی که در لبنان ربوده شدند، تشکیل دهد.

به گفته این رادیو، کابینه اسرائیل همچنین تصمیم گرفته است کمیته مشترک اسرائیلی-آلمانی را باهدف دستیابی به اطلاعاتی در مورد ران آزاد، تشکیل دهد. اسرائیل مدعی است که خانواده آزاد اطمینان دارند که مصطفی دیرانی رباینده او، یکسال و نیم آزاد را در اسارت داشته، سپس وی را تحویل دولت ایران داده است. بنابر این ادعا، ران آزاد در تهران زندانی است و دولت ایران نیز حاضر به ارائه اطلاعاتی در این مورد نیست. رادیو اسرائیل خاطرنشان کرد: «از نظر اسرائیل، در اسارت نگه داشتن دیرانی کمکی به روشن‌شدن سرنوشت آزاد نمی‌کند. از اینرو شارون مصمم است که مبادله اسیران با حزبالله صورت گیرد.»

فرشاد اینانلو

سایت اینترنتی مهدیس

۱۳۸۲/۱۱/۵ = ۲۵ ژانویه ۲۰۰۴

مذاکره برای آزادی دیپلمات‌های اسیر ایرانی به‌زودی آغاز می‌شود

به گزارش شبکه خبری الجزیره، سیدحسن نصرالله دبیرکل جنبش حزبالله لبنان، امروز در کنفرانس مطبوعاتی در بیروت اعلام کرد: «سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی که نظامیان وابسته به اسرائیل در سال

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۰۹

۱۹۸۲ میلادی آنها را به اسارت گرفته‌اند، در مرحله دوم روند تبادل اسرا میان اسرائیل و حزب‌الله لبنان مشخص خواهد شد.»

مرحله دوم مذاکرات برای تبادل اسرا میان جنبش حزب‌الله لبنان و اسرائیل در روز جمعه این هفته آغاز می‌شود. نصرالله در این کنفرانس مطبوعاتی گفت: «مسئله دیپلمات‌های ایرانی مسئله‌ای ملی است زیرا آنها از خاک لبنان ربوده شده‌اند. در دومین مرحله از روند تبادل اسرا، موضوع ران آراد نیز با تشکیل کمیته‌هایی از سوی دو طرف بررسی خواهد شد.»

وی همچنین از حمایت جمهوری اسلامی بویژه رهبری ایران حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و سید محمد خاتمی رئیس‌جمهوری، از حزب‌الله لبنان در امر مقاومت تقدیر و تشکر کرد و از تلاش رهبران گروه‌های جهادی فلسطین برای ادامه مبارزه علیه اسرائیل و همکاری بسیار خوب آنها با حزب‌الله لبنان نیز تشکر و از میانجی‌گری آلمان که توانست در روند تبادل اسیران حزب‌الله در بند رژیم صهیونیستی نقش مهمی ایفا کند، قدردانی کرد. سیدحسن نصرالله با بیان اینکه در مرحله اول تبادل اسرا ۴۰۰ اسیر فلسطینی در بند اسرائیل آزاد خواهند شد، تاکید کرد: «تمام اسیران لبنانی و سوری در بند نیز برگردانده خواهند شد به‌جز کسانی که مرتکب جرمی شده باشند.»

خبرگزاری مهر

پنجشنبه مبادله مستقیم حزب‌الله و اسرائیل

منابع آگاه نزدیک به حزب‌الله لبنان فاش کردند که سه‌شنبه آینده، عملیات مبادله اسرای حزب‌الله با اسرائیل که با میانجی‌گری آلمان صورت می‌گیرد. در دومرحله آغاز می‌شود. روزنامه «الوطن» چاپ عربستان با اعلام این‌خبر به‌نقل از این منابع نوشت: «در مرحله اول این مبادله ۴۰۰ اسیر لبنانی و عرب‌که اغلب آنان فلسطینی و سوری هستند به استثنای «سمیر قنطار» مبادله می‌شوند. اسرائیل برای آزادی قنطار که لبنانی و از ستون فقرات بازداشتی‌های زندان اسرائیل به‌شمار می‌آید شرط کرده، تنها در صورتی وی را در مرحله دوم آزاد می‌کند که آلمان، محاکمه دوباره او و به‌تبع آن، مدت حبس وی را کاهش دهد زیرا با میزان محکومیت فعلی او، امکان آزادی‌اش وجود ندارد. اسرائیلی‌ها نیز در این مبادله ۳ سرباز اسیر خود را در نزد حزب‌الله که در مزارع‌شعبا اسیر شده‌اند تحویل خواهند گرفت. شیخ عبدالکریم عبید، مصطفی دیرانی و انور یاسین از جمله برجسته‌ترین اسرای لبنانی هستند

که در این مبادله آزاد خواهند شد. ارنست اورلاو، میانجی آلمانی، در گفت‌وگوهای مبادله اسرا بین حزب‌الله و اسرائیل از کمک‌های ایران برای تکمیل توافقنامه مبادله اسرا تشکر کرده است. وی همچنین با اشاره به این‌که ایران قانع کردن را خیلی خوب بلد است، تأکید کرده که مقامات ایران نیز یکی از طرف‌های گفت‌وگو برای مبادله اسرا بوده‌اند.

در این حال سیدحسن نصرالله اعلام کرد: «تبادل اسیران میان حزب‌الله لبنان و اسرائیل آن‌طوری که رسانه‌های خبری اسرائیل اعلام کرده‌اند، در روز سه‌شنبه انجام نمی‌گیرد.»

سیدحسن نصرالله که در یک کنفرانس خبری سخن می‌گفت، اظهار داشت: «تبادل اسیران میان اسرائیل و حزب‌الله لبنان، آن‌طوری که در توافقنامه قید شده است، روز پنجشنبه این هفته انجام خواهد گرفت. بر اساس توافقات صورت‌گرفته، مبادله این اسیران در دو مرحله انجام خواهد گرفت که مرحله اول آن از پنجشنبه آغاز خواهد شد و یک هفته به طول می‌انجامد. مرحله اول مختص زندانیان لبنانی خواهد بود و تمام زندانیان سیاسی که به اتهام مقاومت در جنوب لبنان توسط اسرائیل دستگیر شده‌اند، آزاد خواهند شد. زندانیان لبنانی‌عادی که هیچ ارتباطی به مقاومت ندارند و در زمان به اشغال درآمدن جنوب لبنان توسط اسرائیل دستگیر شده‌اند، از عهده حزب‌الله خارج است و این مسئله را باید دولت لبنان دنبال کند. مرحله دوم که مهم‌ترین مرحله این تبادل است، شامل برخی از فلسطینی‌ها و اعراب و نیز لبنانی‌ها خواهد بود که باید گفت مرحله دوم بسیار مهم خواهد بود. مرحله دوم این تبادل اسرا شامل ۴۰۰ تن از اسیران فلسطینی از تمام گروه‌های مبارز فلسطینی خواهد بود که باید گفت این بزرگ‌ترین موفقیت حزب‌الله است، زیرا این حزب، در سابق نیز مبادله‌هایی در زمینه اسیران با اسرائیل داشته است، اما موفقیت آنها به میزان موفقیت امروز و این بار حزب‌الله نیست. در مرحله دوم تعدادی از اسیران اردنی و سوری نیز آزاد خواهند شد، اما باید گفت مظلوم‌ترین قشر این زندانیان، شهروندان عربی هستند که دارای تابعیت اسرائیلی می‌باشند و احتمال آزادسازی این افراد کم است. طبق توافقنامه صریحی که موجود است، اسرائیل نسبت به آزادسازی سمیر قنطار، یکی از زندانیان حزب‌الله متعهد شده است، اما اکنون نمی‌دانیم به چه دلایلی رای خود را تغییر داده است. من اینجا اعلام می‌کنم، ما همچنان به آزادسازی سمیر قنطار متعهد هستیم و در طی مراحل این اتفاق،

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۱۱

به یاری خدا تلاش خواهیم کرد که وی نیز براساس توافقنامه موجود آزادگردد. ما مراحل تکمیلی این توافقنامه را که پس از دو مرحله رسماً منعقد می‌شود، به مردم و رسانه‌های خبری ابلاغ می‌کنیم. ما از این اقدام، یعنی تبادل اسیران که به‌غیر از لبنانی‌ها، برخی از اعراب را نیز در برمی‌گیرد، اهداف سیاسی را دنبال نمی‌کردیم بلکه این کار را به‌عنوان یک واجب انجام داده ایم.»

سیدحسن نصرالله همچنین از تمام تلاش‌های صورت‌گرفته از جانب ایران، گروه‌های فلسطینی، لبنان و برخی از رهبران کشورهای عربی و میانجی‌آلمانی که در قضیه تبادل اسیران به شیوه‌های مختلف یاری کردند، تشکر و قدردانی کرد. دبیرکل جنبش حزب‌الله لبنان همچنین اعلام کرد: «سرنوشت کاظم اخوان، احمد متوسلیان، سیدمحسن موسوی و تقی رستگارمقدم، چهاردیپلمات ایرانی که نظامیان وابسته به اسرائیل در سال ۱۹۸۲ آنها را به اسارت گرفته‌اند، در مرحله دوم روند تبادل اسرا میان اسرائیل و حزب‌الله لبنان مشخص خواهد شد.»

مرحله دوم مذاکرات برای تبادل اسرا میان جنبش حزب‌الله لبنان و اسرائیل در روزجمعه این هفته، آغاز می‌شود.

سایت اینترنتی بازتاب

۱۳۸۲/۱۱/۶ = ۲۶ ژانویه ۲۰۰۴

پایان ۲۰ سال بی‌خبری از سرنوشت دیپلمات‌های ربوده‌شده ایران

۲۰ سال سکوت و بی‌خبری در پرونده چهاردیپلمات ربوده‌شده ایران در لبنان پایان گرفت. دیروز منابع خبری رسمی آلمان و لبنان، از وقوع یک توافق مهم برسر گشوده شدن این ماجرا خبر دادند. به‌گفته این منابع، توافق چندجانبه مذکور نه تنها رازناگفته چهار ایرانی مفقود را روشن خواهد کرد، بلکه به روشن شدن سرنوشت خلبان اسرائیلی ران آراد و آزادی اتباع بازداشت شده ایران در میکونوس منجر خواهد شد. دولت آلمان با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد: «به دنبال میانجی‌گری‌های به‌عمل آمده توسط این کشور با طرف‌های اسرائیلی و لبنانی، یک کمیته مشترک مسئولیت روشن نمودن سرنوشت چهاردیپلمات اسیر ایرانی در لبنان و همچنین ران آراد خلبان مفقود اسرائیلی را مشخص خواهد کرد.»

در این بیانیه آمده است: «براساس مذاکرات و میانجی‌گری دولت آلمان با طرف‌های درگیر اسرائیلی، لبنانی و فلسطینی، اسرای طرفین در هفته جاری آزاد خواهند شد. حزب‌الله موظف شده تا چهار اسرائیلی اسیر شده در سال ۲۰۰۰

میلادی در لبنان را آزاد کرده و در مقابل نیز اسرائیل ۴۰۰ اسیر فلسطینی ۲۳ تبعه لبنانی ۵ تبعه سوری ۳ مغربی ۳ سودانی و یک لیبیایی را آزاد کند.»

ارنست اورلاو هماهنگ‌کننده امنیتی و اطلاعاتی صدراعظم آلمان، ضمن قدردانی از نقش موثر ایران در امر تبادل اسرا افزود: «ایران نقش بسیار مهم و سازنده‌ای در توافقات به عمل آمده داشته است.»

در این حال شبکه خبری «دویچه وله» گزارش داد که دولت آلمان موافقت کرده در برابر همکاری ایران، اتباع زندانی ایران در پرونده میکنونوس را آزاد کند. از سوی سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان، از تشکیل یک کمیته برای روشن شدن سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی ربوده شده خبر داد. نصرالله اظهار داشت که این کمیته در مرحله دوم توافق با اسرائیل تشکیل خواهد شد و وظیفه آن جمع آوری اطلاعات میدانی و مستند، حضوری و غیرحضوری با هدف روشن شدن سرنوشت ایرانیان ربوده شده و نیز ران آراد خواهد بود. دبیرکل حزب الله افزود: «ارنست اورلاو میانجی آلمانی نیز برای روشن شدن وضعیت چهار تبعه ایران، با دولت این کشور در ارتباط بوده است.»

سایت اینترنتی حماسه

حزب الله لبنان با چراغ سبز ایران مبادرت به تبادل اسیران خواهد کرد

روزنامه صهیونیستی یدیعوت آحارونوت مدعی شد: «با چراغ سبز ایران، حزب الله لبنان برای تبادل نهایی اسیران موافقت کرد. تهران تلاش می‌کند تا سرنوشت چهار دیپلمات خود را که در سال ۱۹۸۲ ربوده شده‌اند، مشخص کند.»

تا به حال رژیم صهیونیستی مدعی شده است که چهار دیپلمات ایرانی به دست ایللی حبیقه رهبر حزب کتائب کشته و در لبنان دفن شده‌اند. در همین حال روز گذشته سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان در کنفرانس مطبوعاتی در بیروت اعلام کرد: «سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی در مرحله دوم روند تبادل اسرا میان اسرائیل و حزب الله لبنان مشخص خواهد شد.»

از سوی دیگر، منابع امنیتی رژیم صهیونیستی اطلاع دادند: «صبح امروز بیرون آوردن جنازه ۵۹ لبنانی و فلسطینی از مقبره «عمیعاد» در شمال فلسطین اشغالی در چارچوب توافقات صورت گرفته برای مبادله اسرا بین حزب الله و این رژیم، آغاز شد.»

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۱۳

قرار است روز جمعه تبادل اسرا انجام گیرد. مسئولان نظامیان اسرائیلی، محل این مقبره‌ها را تا پایان بیرون آوردن جنازهای فلسطینی‌ها و لبنانی، منطقه بسته نظامی اعلام کردند. قرار است مسئولان زندان رژیم اسرائیل، لیست ۴۰۰ نفر از زندانیان امنیتی فلسطین را بر روی سایت اینترنتی خود منتشر کنند، اما تاکنون هیچ‌اسمی از زندانیان فلسطینی در بند منتشر نشده است. خبرگزاری مهر

کمال خرازی از مبادله اسرا بین حزب‌الله و رژیم اسرائیل استقبال کرد

کمال خرازی وزیر امور خارجه، با استقبال از توافق انجام شده میان حزب‌الله و رژیم اسرائیل که با میانجی‌گری آلمان صورت گرفت، گفت: «توافق منعقد شده برای آزادی ۴۳۵ اسیر فلسطینی، لبنانی و اتباع دیگر کشورهای عربی، یک پیروزی بزرگ برای مقاومت، مردم و دولت لبنان است.» خرازی با اشاره به دلایل اسارت اتباع لبنانی، فلسطینی و دیگر کشورهای عربی تصریح کرد: «اسرای مذکور عموماً به اتهام مقاومت علیه اشغال اراضی لبنان و فلسطین به زندان‌های طویل‌المدت رژیم صهیونیستی محکوم شده و یا طی اقدامات تروریستی از سرزمین خود ربوده شده بودند و آزادی آنان برای فلسطین، لبنان و ملتهای مسلمان منطقه موفقیتی بزرگ است.»

وزیر امور خارجه کشورمان با توجه به مفاد توافق‌نامه و گنجاندن بندی در ارتباط با ضرورت تلاش برای یافتن دیپلمات‌های ایرانی که در زمان اشغال لبنان از سوی اسرائیل به گروگان گرفته شده‌اند، ابراز امیدواری کرد سرنوشت دیپلمات‌های مذکور هرچه زودتر در چارچوب توافق مزبور مشخص شده و مردم ایران و به‌طور خاص خانواده‌های آنان از انتظار و نگرانی خارج شوند. خرازی بر اتمام هرچه بیشتر جمهوری اسلامی ایران به منظور روشن شدن وضعیت دیپلمات‌های مذکور تاکید کرد و خاطرنشان ساخت: «روشن شدن سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی، برای جمهوری اسلامی ایران بسیار مهم است و وزارت امور خارجه تاکنون با جدیت آن را پی‌گیری کرده و خواهد کرد.» خبرگزاری مهر

1382/11/7 = ۲۷ ژانویه ۲۰۰۴

کالبدشکافی انگیزه‌های حزب‌الله، اسرائیل و آلمان

توافق نهایی مبادله چهار نظامی اسیر رژیم صهیونیستی نزد حزب الله لبنان با ۴۳۵ اسیر لبنانی، فلسطینی و عرب که قرار است روز پنجشنبه این هفته اجرا شود، تفسیرها و پرسش‌های مختلفی را درباره ابعاد و پیامدهای این رویداد مهم و نقش کشورها و دولت‌ها از جمله دولت لبنان را مطرح کرده است. در مورد نقش دولت لبنان در دستیابی به این توافق، می‌توان گفت که با توجه به وضعیت خاص لبنان، دولت این کشور از زمان اشغال بخش‌های بزرگی از جنوب، نقش مستقیمی در رویارویی با رژیم صهیونیستی نداشته و نقش آن بیشتر جنبه حمایت‌های سیاسی و اطلاع‌رسانی داشته است. «غازی عریضی»، وزیر فرهنگ لبنان، در گفت‌وگوی تلویزیونی اظهار داشت: «با اینکه دولت به‌طور مستقیم در مذاکرات برای مبادله اسیران شرکت نداشته، اما حزب الله در این زمینه هماهنگی کامل با دولت داشته است.»

وی درباره علت مشارکت نداشتن دولت لبنان در مذاکرات برای مبادله اسیران گفت: «از آنجا که نظامیان اسرائیلی در اسارت حزب الله هستند، دولت در این مورد دخالت مستقیم نداشته است.»

اما «میشل سماحه» وزیر اطلاع‌رسانی لبنان، تأکید کرده که دولت در مذاکرات حضور و از جزئیات آن اطلاع داشته است.

پس از اعلام توافق نهایی درباره مبادله اسیران، مقام‌های دولتی لبنان و در رأس آنها امیل لحود رئیس‌جمهوری این کشور، ضمن جانبداری کامل از حزب الله، از این رویداد به‌عنوان یک دست‌آورد مهم داخلی و خارجی یاد کردند و آن را برابر با آزادسازی بخش بزرگی از جنوب لبنان از اشغال رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۰ دانستند. در این ارتباط، قرار است روز پنجشنبه از اسیران در فرودگاه بیروت استقبال رسمی به‌عمل آید و امیل لحود نیز در مراسمی ویژه در کاخ ریاست‌جمهوری به آنان نشان افتخار اهدا کند. در مورد آزادی سمیر قنطار قدیمی‌ترین اسیر لبنانی، رژیم صهیونیستی به این بهانه که براساس قوانین این رژیم، کسی که دستش به خون اسرائیلی‌ها آغشته است، آزاد نمی‌شود، نام وی را در لیست آزادگان قرار نخواهد داد، بویژه که قنطار در اسرائیل عملیات انجام داده بود. برای اینکه این مسئله مانع از اجرای مبادله بقیه اسیران نشود، دوطرفه حزب الله و رژیم صهیونیستی - موافقت کرده‌اند که این اسیر لبنانی در مرحله دوم توافق یعنی پس از گذشت دو تا حداکثر سه ماه آزاد شود. تن دادن مسئولان اسرائیلی به چنین امری، در واقع تسلیم شدن به منطق حزب الله

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۱۵

است که همچنان بر لزوم آزادی قنطار پافشاری می‌کند. حزب‌الله اهرم‌های فشار بر رژیم صهیونیستی را در اختیار دارد تا بتواند قنطار را آزاد کند که یکی از این عوامل، به اسارت گرفتن نظامیان اسرائیلی است. همچنین این احتمال وجود دارد که حزب‌الله اطلاعاتی درباره ران آزاد و همچنین نظامیان کشته شده اسرائیلی در لبنان در اختیار مسئولان اسرائیلی قرار دهد که این مسئله زمینه را برای آزادی قنطار و دیگر اسیران فراهم خواهد آورد. بنابر این، آزاد نشدن قنطار در مرحله نخست توافق مبادله اسیران، به معنای چشم‌پوشی از وی یا تغییر موضع حزب‌الله نیست، بلکه اسرائیل در نهایت ناگزیر می‌شود او را آزاد کند.

سمیرقنطار در روزی مذهب، به همراه چند مبارز فلسطینی در سال ۱۹۷۹ میلادی با نفوذ به شهر «نهاریا» در شمال فلسطین اشغالی، چند نظامی رژیم صهیونیستی را کشت و سپس به اسارت نیروهای این رژیم درآمد. نکته مهم این است که هر یک از دوطرف خود را در این معامله برنده می‌دانند. از نظر طرفداران حزب‌الله، مبادله اسیران دست‌آوردی مهم برای این حزب است و حزب‌الله الگویی از مقاومت و همچنین نمونه‌ای از مذاکرات موفق ارائه داد، بویژه که مسئولان حزب‌الله در سه سال گذشته، در مذاکراتی پیچیده توانستند بیشتر خواسته‌های خود از صهیونیست‌ها را تامین کنند. به گفته آنان، حزب‌الله توانست خود را به عنوان الگویی برای انتفاضه مطرح کند و آزادی ۴۰۰ اسیر فلسطینی از جمله تعدادی از دست‌اندرکاران انتفاضه، سبب می‌شود که مبارزه در سرزمین‌های اشغالی فعال‌تر و مردم فلسطین به ادامه راه خود امیدوارتر شوند. همچنین تن دادن رژیم صهیونیستی به مبادله اسیران با حزب‌الله، به منزله شناسایی غیر رسمی این حزب به عنوان یک نیروی مبارز و قدرت سیاسی است که نه تنها از سرزمین خود دفاع می‌کند، بلکه برای آزادی اسیرانش نیز از پای ننشسته است و این امر می‌تواند بر ادعای رژیم صهیونیستی مبنی بر تروریسم بودن حزب‌الله، خط‌بطلان بکشد. این درحالی است که مسئولان اسرائیلی نیز بازگرداندن نظامیان اسیر و اجساد کشته‌های خود را نوعی دست‌آورد برای خود می‌دانند.

موضوع دیگری که مقام‌های اسرائیلی بویژه آرییل شارون بر آن انگشت می‌گذارند، موضوع ران آزاد است. شارون ادعا می‌کند که با گذشت نزدیک به دو دهه از حادثه سقوط هواپیمای آزاد در جنوب لبنان، وی توانسته است حزب‌الله را وادار کند تا برای ارائه اطلاعاتی در این زمینه اقدام کند. از

دیگر محورهایی که ممکن است رژیم صهیونیستی ادعا کند که در این ماجرا موفق بوده، آن است که علاوه بر اقدام به اصطلاح انسان دوستانه آن توانسته است بهانه مهمی از چنگ حزب الله برای ادامه مبارزه خارج کند. حال آن که این حزب بارها اعلام کرده است مبارزه را تا آزادی کامل جنوب لبنان ادامه خواهد داد. از سوی دیگر و در پاسخ به این سوال که چرا ارنست اورلاو میانجی آلمانی، در این قضیه از ایران نام برد، می توان گفت با توجه به پافشاری و ادعای بی اساس مسئولان رژیم صهیونیستی مبنی بر این که ران آراد در ایران زندانی است، میانجی آلمانی به این منظور با ایران نیز وارد مذاکره شد. افزون بر این، موضوع چهار دیپلمات ایرانی ربوده شده در لبنان، یکی دیگر از مسائلی است که ایران را به نوعی به مسئله مبادله اسیران مرتبط و نقش تهران را در مرحله دوم مبادله اسیران بارزتر و فعال تر کرده است. بویژه که در این مرحله بر لزوم کسب اطلاعات در مورد چهار دیپلمات ایرانی تاکید شده است. ارتباط حزب الله با جمهوری اسلامی ایران و کمک های معنوی ایران به این حزب نیز یکی دیگر از عوامل ربط دهنده ایران با ماجرای مبادله اسیران است. سیدحسن نصرالله یکشنبه گذشته در نشست مطبوعاتی در بیروت، در این مورد گفت: «ایران نه تنها در این مورد کارشکنی نکرده، بلکه ضمن موافقت کامل با مبادله اسیران، زمینه را برای آزادی آنان نیز فراهم آورده است.»

بنابراین همان طور که گفته شد، موضوع آراد و همچنین دیپلمات های ربوده شده ایرانی، در مذاکرات مبادله اسیران مطرح بوده و در نهایت توافق شده است که سه طرف اسرائیلی، لبنانی و آلمانی با تشکیل کمیته مشترک در این مورد اقدام های لازم را به عمل آورند، بویژه که حزب الله تاکید کرده است آراد در ایران نیست اما تلاش می کند درباره او اطلاعاتی به دست آورد. در مورد اسیران فلسطینی هنوز به طور رسمی فهرست ۴۰۰ اسیر فلسطینی منتشر نشده است و نمی توان در مورد کسانی که قرار است آزاد شوند، اظهار نظر کرد و رژیم صهیونیستی امروز فهرست این اسیران را در صفحه اینترنت قرار می دهد. رسانه های رژیم صهیونیستی درباره علت این اقدام، گزارش داده اند که هدف این است تا اگر به آزادی برخی از آنها اعتراض و شکایتی هست بتوان به دادگاه اسرائیل مراجعه کرد. در مورد آزادی «مروان برغوثی» دبیر جنبش فتح، در چارچوب مبادله اسیران انتظار نمی رود که اسرائیل از برغوثی که برایش برگمهی به شمار می رود، به آسانی چشم پوشی

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۱۷

کند. برغوثی که نقش‌برجسته‌ای در پیشبرد انتفاضه داشت، در فروردین ماه ۱۳۸۱ به اسارت درآمد و از آن زمان تاکنون بازداشت وی بارها تمدید شده است.

درمورد واکنش‌ها، اهمیت و تاثیر داخلی و خارجی توافق مبادله اسیران، همان‌طور که گفته شد، این مبادله نه تنها جایگاه حزب‌الله را در داخل لبنان تقویت کرده، بلکه شیوه مذاکره غیرمستقیم و دشواری که مسئولان این حزب در سه سال گذشته با رژیم صهیونیستی انجام داده‌اند، می‌تواند الگویی برای دیگران بویژه فلسطینی‌ها باشد. در این زمینه، دو جنبش مقاومت اسلامی فلسطین «حماس» و «جهاد اسلامی»، با جانبداری کامل از مبادله اسیران، از آن به‌عنوان الگو و دست‌آورد مهمی یاد کردند. «احمد قریع» نخست‌وزیر حکومت خودگردان نیز با استقبال از مبادله اسیران میان رژیم صهیونیستی و حزب‌الله، آن را رویدادی مهم خواند. قریع روز دوشنبه در جمع خبرنگاران در رام‌الله اظهار داشت: «این توافق مورد تأیید ماست و ما برای آزادی همه اسیران چنین کوشش‌هایی خواهیم کرد.»

البته برخی مقام‌های حکومت خودگردان فلسطین به این بهانه که حزب‌الله درباره مبادله اسیران فلسطینی با آنها رایزنی نکرده، اعتراض‌هایی داشته‌اند. همچنین در مورد رژیم صهیونیستی با وجود برخی مخالفت‌های داخلی که بیشتر جنبه حزبی دارد، آرییل شارون می‌تواند از این اقدام به‌عنوان برگه‌ای برای تقویت جایگاه خود سوءاستفاده و بهره‌برداری سیاسی کند. حتی برخی منابع، موافقت شارون با توافق نهایی برای مبادله اسیران را به موضوع رسوایی سیاسی و مالی اخیر وی بی‌ارتباط نمی‌دانند و معتقدند که او برای سرپوش گذاشتن بر این رسوایی‌ها، به توافق با حزب‌الله تن داد. از دیگر انگیزه‌های نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در موافقت با مبادله اسیران، می‌توان به نشست آینده دیوان‌بین‌المللی دادگستری لاهه اشاره کرد که ۲۳ ماه فوریه آینده (چهارم اسفندماه) برای بررسی موضوع دیوار حایل در کرانه باختری رود اردن تشکیل خواهد شد. شارون که نگران حکم دادگاه لاهه در محکومیت رژیم صهیونیستی است، با این کار خواسته است ضمن بازسازی چهره مخدوش خود در جهان بویژه اروپا، زمینه را برای جلوگیری از صدور حکم دادگاه فراهم کند.

اما درباره انگیزه دولت آلمان از میانجی‌گری بین حزب‌الله و رژیم صهیونیستی، به نظر می‌رسد که هدف این کشور بیشتر جنبه انسانی داشته باشد و این

کشور از سال ۱۹۹۶ میلادی تاکنون توانسته است در این زمینه کارآیی و کاردانی خود را به اثبات برساند. با اینکه مقام‌های آلمانی می‌دانند در زمان حاضر و با توجه به سیاست تکروری آمریکا در منطقه مهم خاورمیانه، جایی برای کشورهای دیگر در این منطقه وجود ندارد، چنین اقداماتی پیامدهای سیاسی و اقتصادی مناسبی برای برلین خواهد داشت. گذشته از انگیزه انسان‌دوستانه آلمان، در چارچوب پنجمین توافق میان لبنان و رژیم صهیونیستی برای مبادله اسیران، یک آلمانی به نام «استیفان سمیراک» نیز که به اتهام بی‌اساس جاسوسی برای حزب‌الله در زندان‌های این رژیم به سر می‌برد، آزاد خواهد شد. همچنین در قالب پنجمین توافق، رژیم صهیونیستی ۲۳ اسیر لبنانی، پنج سوری، سه مغربی، سه سودانی، یک لیبیایی و همچنین ۴۰۳ اسیر فلسطینی را آزاد می‌کند. نخستین توافق مبادله اسیران، در سال ۱۹۹۱ میلادی و با وساطت نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل در جنوب لبنان انجام شد. در چارچوب این توافق ۶۷ اسیر و پیکرهای ۹ مبارز لبنانی در برابر جسد یک سرباز اسرائیلی تحویل لبنان شد. در مرحله دوم با میانجی‌گری آلمان در سال ۱۹۹۶ میلادی ۴۵ اسیر و پیکرهای مبارز لبنانی در برابر اجساد دونظامی اسرائیلی و ۱۷ مزدور گروه شبه نظامیان به سرکردگی «آنتوان لحد»، تحویل مقام‌های دولت لبنان شد. در مرحله سوم با میانجی‌گری فرانسه در سال ۱۹۹۸ میلادی ۶۰ اسیر و ۴۰ پیکر مبارز لبنانی، در مقابل جسد سه سرباز صهیونیست، تحویل حزب‌الله شد. در مرحله چهارم در سال ۱۹۹۹ میلادی با میانجی‌گری آلمان، رژیم صهیونیستی مجبور شد ۱۳ مبارز اسیر لبنانی را آزاد کند.

خبرگزاری ایرنا

۱۳۸۲/۱۱/۹ = ۲۹ ژانویه ۲۰۰۴

ران آزاد در ایران نیست اما چهاردیپلمات ایرانی در اسرائیل هستند

یک نماینده مجلس شورای اسلامی امروز گفت: «ران آزاد در ایران نیست، اما چهاردیپلمات ایرانی در بازداشت اسرائیلی‌ها به سر می‌برند.» علی‌اکبر محتشمی‌پور در گفت‌وگو با روزنامه لبنانی السفیر، با بیان این مطلب افزود: «از خلبان اسرائیلی هیچ اطلاعی نداریم و حتی از شرایط بازداشت وی هم خبری نداریم و می‌توانیم ثابت کنیم که وی در تهران نیست. چهاردیپلمات ایرانی در سال ۱۹۸۲ در لبنان ربوده شدند و در حال حاضر در

اسارت نظامیان اسرائیل قراردادارند زیرا قرائنی در دست است که نشان‌می‌دهد آنها در سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۸۹ به اسرائیل منتقل شده‌اند.»
گفتنی است محتشمی‌پور بعد از ظهر روز گذشته، در راس هیئت‌ایرانی، برای شرکت در مراسم استقبال از اسیران‌لبنانی آزاد شده حزب‌الله، به لبنان سفر کرده‌است. محتشمی‌پور در عین حال اظهار داشت: «موضوع چهار دیپلمات ایرانی به‌زودی در مرحله دوم حل خواهد شد و ما اطمینان داریم که حزب‌الله توانایی آزاد کردن آنها را دارد.»

رئیس فراکسیون دوم‌خرداد مجلس گفت: «حزب‌الله به میانجی‌گر آلمانی قول داده که اطلاعاتی درباره ران آراد ارائه کند و در مقابل اسرائیل سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی را مشخص نماید.»
خبرگزاری مهر

۱۳۸۲/۱۱/۱۱ = ۳۱ ژانویه ۲۰۰۴

هیئت‌اعزامی مجلس شورای اسلامی ایران با رئیس‌مجلس لبنان دیدار کرد

هیئت‌اعزامی مجلس شورای اسلامی ایران به بیروت، به ریاست سیدعلی‌اکبر محتشمی‌پور نماینده مردم تهران، روز جمعه با نبیه بری رئیس‌مجلس ملی لبنان دیدار و گفت‌وگو کرد. در این دیدار که با حضور آقایان «سیدهادی خامنه‌ای» و «اسدالله کیان‌ارثی» دیگر نمایندگان مجلس و «مسعود ادیسی» سفیر جمهوری اسلامی ایران در بیروت انجام گرفت، درباره مناسبات دو جانبه و اوضاع فلسطین و خاورمیانه بحث و تبادل نظر شد.

محتشمی‌پس از دیدار با بری، در جمع خبرنگاران گفت که پیام گرم و دوستانه حجت‌الاسلام مهدی کروبی رئیس‌مجلس شورای اسلامی ایران را به رئیس مجلس ملی لبنان ابلاغ کرد. وی افزود: «هیئت مجلس شورای اسلامی ایران برای شرکت در آیین استقبال از آزادگان لبنانی رها شده از بند رژیم صهیونیستی،

و همچنین شرکت در جشن و سرور دولت و ملت لبنان به بیروت آمده‌است.»
رئیس‌هیئت‌ایرانی ابراز امیدواری کرد که بازگشت آزادگان لبنانی مقدمه‌ای برای دست‌آوردهای انسانی بیشتر باشد و به آزادی همه اسیران از زندان‌های رژیم صهیونیستی از جمله چهار دیپلمات ربوده شده ایرانی در لبنان، منجر شود. هیئت مجلس شورای اسلامی ایران که از روز چهارشنبه در بیروت به سر می‌برد، ضمن شرکت در مراسم استقبال از آزادگان لبنانی، پیش از این در دیدار با سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله، آزادی اسیران را به وی تبریک گفته است.

دیپلمات غربی از محل دفن ۴ اسیر ایرانی در لبنان خبر داد

در حالی که با انجام مبادله بیش از ۴۶۰ نفر از اسرای فلسطینی و لبنانی با ۳ نظامی اسرائیلی، امیدواری‌ها برای روشن شدن سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی افزایش یافته و تعدادی از اسرای آزاد شده، بر زنده بودن آنان تأکید داشتند، یک دیپلمات غربی با ادعای اعدام شدن این ۴ دیپلمات در لبنان، از محل دفن آنان خبر داد. این ادعای دیپلمات غربی که به نظر می‌رسد واکنشی به اظهارات تلویحی مسئولان جمهوری اسلامی و حزب الله لبنان، مبنی بر وابسته بودن سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی به سرنوشت رون آراد باشد، در راستای تلاش‌های میانجی‌های اروپایی برای آزادی رون آراد تلقی می‌شود. گفتنی است مقامات جمهوری اسلامی با تکذیب این ادعا، بر زنده بودن دیپلمات‌های ایرانی تأکید دارند. یک دیپلمات غربی که طی سال‌های گذشته برای مشخص شدن سرنوشت شهروندان غربی مفقود شده در لبنان تلاش کرده است، گفت: «چهار دیپلمات ایرانی پس از بازداشت در لبنان، هم‌زمان با جنگ اسرائیل با لبنان، در اقدامی احمقانه اعدام شدند.»

روزنامه فرامنطقه‌ای الحیات چاپ لندن - به نقل از این دیپلمات غربی که نخواست نامش فاش شود، نوشت: «در آن سال‌ها اوضاع در لبنان به شدت پیچیده و سناریوهای گمراه کننده نیز در این باره زیاد بود مدتی اعتقاد بر این بود که این دیپلمات‌ها به عراق - که با ایران درگیر جنگ بود - تحویل داده شده‌اند و همچنین عده‌ای برایین باور بودند که آنها به اسرائیل منتقل شده‌اند. پس از سقوط هواپیمای رون آراد بر فراز شهر «صیدا» در لبنان و مفقود شدن وی، این دو پرونده با یکدیگر تداخل پیدا کرد، به نحوی که یافتن حقیقت درباره این دیپلمات‌ها و نیز خلبان اسرائیلی، به امری پیچیده و غیرممکن تبدیل شد.»

الحیات به نقل از این دیپلمات غربی افزود: «درباره دیپلمات‌های ایران دو روایت وجود دارد؛ اول این‌که آنها در مقر شورای جنگ، وابسته به نیروهای لبنانی در کرنتینا به دست عناصر دستگاه امنیتی ایلی حبیقه اعدام شده‌اند، و روایت دوم این‌که احتمالاً آنها به دست همان گروهی که آنان را در برباره در شمال بیروت بازداشت کرده‌اند، کشته شده‌باشند. همچنین گفته می‌شود پس از گذشت چند سال تلاش‌های محرمانه و اطلاعاتی، ۳ نفر

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۲۱

از این ۴ دیپلمات، به مقر شوراي‌جنگ رسیده‌اند، اما اسامی آنها در لیست زندانیان یا بازداشتی‌ها درج نشد، تا اینکه روزی چند نفر از افسران این دستگاه امنیتی، تصمیم می‌گیرند جلیقه‌های ضدگلوله‌ای را که به‌تازگی تحویل گرفته بودند آزمایش کنند؛ بنابر این سه دیپلمات برای آزمایش این جلیقه‌ها انتخاب می‌شوند. اما به هنگام تیراندازی به سوی آنان، بر اثر بی‌دقتی، یکی از سه‌نفر از ناحیه گلو مورد اصابت قرار گرفته و فوراً کشته می‌شود. در این‌حال افسران مزبور برای فاش نشدن این رسوایی، دو نفر دیگر را نیز کشته و آنان را در چاله‌ای در نزدیکی درخت «الکینا» که در خارج از محوطه شوراي‌جنگ بود، دفن می‌کنند. پس از گذشت مدتی، در جریان نظافت، جنازه این سه‌نفر ناپدید شده‌است. این درحالی است که گفته می‌شود، موسوی نفرچهارم، در مکانی در نزدیکی ساحل شمال لبنان کشته و دفن شده است.»

وی تصریح کرد که این اطلاعات به آگاهی مقامات ایرانی رسیده، اما آنها بر کذب بودن آن اصرار کرده‌اند. این درحالی است که ایالات‌متحده آمریکا با اعتقاد بر این‌که مشخص شدن سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی - چه زنده و چه مرده - کلید اصلی گشایش راز افراد غربی مفقودشده در لبنان می‌باشد، به شدت به دنبال مشخص شدن سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی بوده است.

الحیات به‌نقل از این دیپلمات‌غربی ابراز عقیده کرد: «داستان مفصل سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی، هم‌زمان با مرگ ایلی جبیکه، وزیر سابق - که دو سال پیش ترورشده - دفن شده است.»

این دیپلمات‌غربی در پایان، ماجرای رون آراد را پیچیده‌ترین پرونده اطلاعاتی خواند و افزود: «پس از خروج این خلبان از دست مصطفی دیرانی، چه داوطلبانه و چه به اجبار، این مسئله به معمایی تبدیل شده که موساد و دیگر دستگاه‌های امنیتی از حل آن عاجز مانده‌اند. هرچند اسرائیلی‌ها بر این باورند که او به‌دست ایران افتاده و به‌مکانی امن منتقل شده است.» این درحالی است که رئیس «انجمن دوستان زندانی و بازداشتی داخل‌خط سبز» لبنان پیش از کشته شدن، به آگاهی مقامات ایرانی رسانده بود که در اواخر دهه ۹۰، دیپلمات‌های ایرانی در یکی از زندان‌های اسرائیل زنده دیده شده‌اند.

«رائف حبیب‌الله»، رئیس این انجمن، به نقل از پدر خود «ابوهشام احمد حبیب‌الله» موسس این انجمن - که تا روز مرگش در یک حادثه مشکوک رانندگی،

ریاست آن را نیز برعهده داشت - گفت: «پدرم از طریق یک وکیل مدافع عرب که به‌عنوان نماینده این انجمن از زندان «الجملة» دیدن می‌کرد، متوجه حضور دیپلمات‌های ایران در این زندان شده است. این وکیل عرب، از چند اسیر در این زندان شنیده است که آنها چهاردیپلمات ایرانی را در این زندان دیده‌اند. پدرم پس از شنیدن این خبر، بلافاصله سعی کرد از ریاست زندان اجازه بگیرد تا از آنجا دیدن کند، اما به وی اجازه داده نشد، تا این‌که دو هفته بعد مشخص شد که دیپلمات‌های ایرانی به زندانی دیگر منتقل شده‌اند و پدرم تا آخرین روزهای حیاتش نتوانست آن را کشف کند.»

گفتنی است، رائف، دیدار پدرش با مقامات ایران در عمان یا کشوری اروپایی را تایید و یا تکذیب نکرد.

سایت اینترنتی بازتاب

خاتمی آزادی اسرا را به رئیس‌جمهوری لبنان تبریک گفت

سیدمحمد خاتمی رئیس‌جمهوری، در مکالمه تلفنی با امیل لحد رئیس‌جمهوری لبنان، آزادی اسرای لبنانی و غیرلبنانی دربند رژیم صهیونیستی را تبریک گفت. رئیس‌جمهوری همچنین از دولت لبنان برای پیگیری مسئله دیپلمات‌های مفقود شده ایرانی تا مشخص شدن سرنوشت آنها، قدردانی کرد.

رئیس‌جمهوری لبنان گفت: «تمام تلاش‌های خود را برای مشخص شدن سرنوشت دیپلمات‌های مفقود شده ایرانی، به‌کار خواهیم بست و امیدواریم این تلاش‌ها موجب رفع ابهام و نتیجه‌بخش باشد.»

مردم‌سالاری

دیپلمات‌های ایرانی ربوده‌شده، در اواسط دهه ۹۰ در یکی از زندان‌های اسرائیل بودند

روزنامه فرامنطقه‌ای الحیات، به‌نقل از رئیس جمعیت دوستی‌زندان‌یان و با‌داشت‌شدگان فلسطینی داخل‌خط‌سبز نوشت: «چهاردیپلمات ایرانی ربوده‌شده در بیروت، در اواسط دهه ۹۰ در زندان‌های رژیم صهیونیستی مشاهده شدند.»

رائف حبیب‌الله رئیس این جمعیت، از منطقه «عین مائل» در استان ناصره، به روزنامه الحیات گفت که پدرش، احمد حبیب‌الله بینانگذار این جمعیت و رئیس‌آن، تا پیش از فوتش بر اثر یک حادثه رانندگی مشکوک، به

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۲۳

مسئولان ایرانی اطلاع داده بود که چهاردیپلمات ناپدیدشده آنها در لبنان و در خلال جنگ اسرائیل، در یکی از زندان‌های اسرائیلی در اواسط دهه ۹۰ زنده مشاهده شدند. وی افزود: «پدرم در حادثه رانندگی مشکوک که در حال تهیه غذا، آب و لباس برای زندانیان بود، جان خود را از دست داد اما هیچ سند و مدرکی در مورد این مسئله از خود به جا نگذاشت و همین امر کار را بر جمعیت دوستی‌زندانان جهت پی‌گیری موضوع دیپلمات‌های ایرانی دشوار کرده است. پدرم از طریق یکی از وکلای عرب که به‌عنوان نماینده این جنبش از زندان الجلمه بازدید کرده بود، دانست که دیپلمات‌های ایرانی زنده هستند. پدرم بلافاصله تلاش کرد تا مجوز دیدار با زندانیان را کسب کند ولی اداره امور زندان‌های اسرائیل با این درخواست مخالفت کرد.»

رئیس جمعیت دوستی‌زندانان، تصریح کرد: «پدرم بعد از یک یا دو هفته متوجه شد که دیپلمات‌های اسیر ایرانی به زندان دیگری منتقل شدند که تا آخرین روز حیاتش نتوانست از سرنوشت آنها مطلع شود. پدرم در آن زمان سر و صدای مطبوعاتی در سطح داخلی و بین‌المللی به‌راه انداخت و اطلاعات مربوط به این موضوع را در اختیار آنها قرار داد و سپس در یکی از پایتخت‌های اروپایی با حقوق‌دانان ایرانی دیدار کرد تا آنها را در جریان این امر قرار دهد، اما عدم توانایی وی در رفتن به زندانی که دیپلمات‌های ایرانی را به آنجا منتقل کرده بودند، مانع از پی‌گیری این پرونده توسط وی شد.»

وی به نام حقوق‌دانان ایرانی و نیز کشورهای اروپایی اشاره‌ای نکرد. رائف از رد یا تایید دیدار پدرش با مسئولان ایرانی در امان یا یک پایتخت اروپایی، خودداری کرد.

خبرگزاری فارس

۱۳۸۲/۱۱/۱۲ = ۱ فوریه ۲۰۰۴

حزب‌الله دو کمیته برای بررسی سرنوشت رون آراد و چهاردیپلمات ایرانی تشکیل داد

روزنامه القبس به‌نقل از منابعی در حزب‌الله، از تشکیل دو کمیته برای بررسی سرنوشت رون آراد و چهاردیپلمات مفقودشده ایرانی خبر داد. منابع حزب‌الله اعلام کردند این دو کمیته در پی توافق با میانجی‌گر آلمانی تشکیل شد تا نتایج تحقیقات خود را تا دو یا سه ماه در مورد خلبان اسرائیلی و

دیپلمات‌های ایرانی و دیگر مفقودین لبنانی ارائه کنند. اولین کمیته وظیفه دارد اطلاعاتی را در مورد رون آزاد جمع آوری، و دومین کمیته نیز مکلف است تا سرنوشت دیگر مفقودین لبنانی و چهاردیپلمات ایرانی را پی‌گیری کند. به نوشته القبس، حزب‌الله مطمئن است که این دیپلمات‌ها در زندان‌های اسرائیل هستند.

القبس افزود: «هرچند مرحله اول تبادل اسرا به پایان رسید، اما پیش‌بینی‌ها حاکی است مرحله دوم مبادله دشوارتر باشد. منابعی آگاه از حوادث غیرمنتظره سخن می‌گویند و از احتمال سرنگونی رژیم شارون تا سه ماه آینده به دلیل رسوایی در مسئله جزایر یونانی و فساد مالی و تأثیر منفی آن بر روند قرارداد اظهار نگرانی می‌کنند.»

القبس همچنین به نقل از یک نماینده مجلس لبنان نوشت که اسرائیل در عملیات مبادله اسرا، به مشروعیت حزب‌الله و به اینکه این جنبش نماد ملی به دور از وصله‌تروریسم است، اعتراف کرد.

خبرگزاری مهر

ابراز امیدواری نماینده حزب‌الله نسبت به تعیین سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی

«سیدعبدالله صفی‌الدین» نماینده حزب‌الله لبنان در تهران، دیروز نسبت به تعیین سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی، ابراز امیدواری کرد. وی ابراز امیدواری کرد که مرحله دوم از مبادله اسرا میان حزب‌الله و اسرائیل، بسیار وسیع‌تر و گسترده‌تر از مرحله اول باشد و علاوه بر تعیین سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی، تعداد بیشتری از فلسطینی‌ها و برخی شخصیت‌های مهم فلسطینی موجود در زندان‌های رژیم صهیونیستی آزاد شوند.

جوان

دیپلمات‌های ایرانی کشته شده‌اند

هفته‌نامه لبنانی الشراع نوشت: «چهار دیپلمات ایرانی به دست سرویس امنیتی گروه موسوم به نیروهای لبنانی که ایلی حبیقه مسئولیت آن را برعهده داشت، به قتل رسیدند.»

الشراع در تازه‌ترین شماره خود که دیروز در بیروت توزیع شد، در گزارشی با عنوان «بازگشت حزب‌الله» افزود: «به‌گفته منابع نزدیک به سمیر جعجع رئیس‌گروه نیروهای لبنانی، چهاردیپلمات ایرانی در همان روز دستگیری در

پست‌بازرسی این‌گروه در شمال‌بیروت، کشته شدند. گروه‌نیروهای لبنانی در سال ۱۹۸۰ میلادی به‌عنوان شاخه‌نظامی احزاب و گروه‌های سیاسی مسیحی‌لبنان به‌ریاست بشیر جمیل تشکیل شد. با مرگ جمیل در سال ۱۹۸۲ به ترتیب «فواد ابوناصر»، «فادی افرام» و سمیر جعجع مسئولیت این گروه را به‌عهده گرفتند. جعجع اکنون به اتهام ارتکاب جنایت در دوران جنگ‌داخلی‌لبنان، و دست داشتن در حادثه ترور «رشید کرامی» نخست‌وزیر سابق این کشور، در زندان به‌سر می‌برد. منابع مرتبط با ایلی حبیقه، بارها در سال‌های گذشته تأکید کردند که چهار دیپلمات ایرانی تا سال ۱۹۸۶ میلادی که حبیقه مسئولیت سرویس امنیتی گروه نیروهای لبنانی را برعهده داشت، زنده بودند. گفته می‌شود این گروه تا سال ۱۹۹۰ میلادی، ایرانیان را در بازداشت خود داشت تا این‌که از طریق دریا به فلسطین‌اشغالی منتقل کرد. در این بین منابع اسرائیلی ادعا کرده‌اند که از مکان نگه‌داری اجساد چهار ایرانی در لبنان اطلاع دارند.

قدس

به دیپلمات برای اسارت و کشته شدن نیازمندیم !

یکی از بینندگان سایت اینترنتی بازتاب، در پیامی به بازتاب نوشته است: — سلام، من در سال‌های ۴۷ و ۴۸ با سیدمحسن موسوی که از بستگان نزدیکم می‌باشد، می‌توانم بگویم آشنا شدم و نسبت به ایشان شناخت پیدا کردم و نسبت خونی ما تبدیل به یک دوستی قوی شد. با این‌که خانواده ما مذهبی هست و بعداً در دبیرستان «مروی» با راهنمایی‌های خدا بیامرز دبیر ادبیات‌مان که بعد از انقلاب مدتی هم سفیر ایران در چین بود که الان متأسفانه نامش به خاطر نمی‌آید، توانستم بیشتر از قبل با سیدمحسن آشنا و با مفاهیم سیاسی و مذهبی آشنا شوم و این دوران برای من سرآغاز فعالیت‌های سیاسی بود و از حضور بزرگانی چون آقای شبیری، فهری‌زنجانی، شمس‌حائری، موسوی‌اردبیلی و... که به خانواده پدری رفت و آمد داشتند، اصولی را بیاموزم. این مطالب را عرض کردم که بدانید اگر الان می‌سوزم و از باج‌دادن‌های دولتمردان حکومت‌مان می‌گویم، بدانید چرا.

شما بیایید پاسپورت یک‌آمریکایی را ببینید که درون آن نوشته: «این پاسپورت متعلق به یک شهروند آمریکاست. هر کشوری با دارنده این پاسپورت بدرفتاری کند دولت آمریکا با آن دولت برخورد خواهد کرد.»

ببینید وقتی که یک شهروند آلمانی در ایران مرتکب اعمال ناصواب می‌شود، چطور پی‌گیری می‌کنند و چطور روزشمارها در روزنامه‌ها و صداوسیما خود می‌گذارند و چگونه از هر طرف فشار می‌آورند تا ما خودمان دو دستی اصولی را که پذیرفته‌ایم زیرپای آنها بیندازیم. از این خاصه خرجی‌ها زیاد داشته‌ایم و شاهد آن دیپلمات‌های شهیدمان در افغانستان، عملکردهایمان در بوسنی، در عراق، باز در افغانستان، در لبنان، در سوریه و... متأسفانه ما مردم ما برای سیاست‌گذاران و سیاستمداران کشور هیچ ارزشی نداریم و در هیچ‌جا و هیچ‌مورد، مورد حمایت واقع نمی‌شویم و الان برای عزیزانمان در بند رژیم صهیونیستی باید به کی باج بدهیم؟ به حزب‌الله؟ به اسرائیل؟ به آلمان؟ حیف که وزارت امور خارجه بسیار توانمندی داریم. بد نیست یک آگهی در روزنامه بزنند که داوطلب اسارت و کشته شدن به‌عنوان دیپلمات استخدام می‌کنند.

سایت اینترنتی بازتاب

۱۳۸۲/۱۱/۱۳ = ۲ فوریه ۲۰۰۴

جهت روشن شدن وضعیت چهارگروگان ایرانی، خانواده آنان به لبنان سفر می‌کنند

در پی تبادل اخیر میان حزب‌الله لبنان و اسرائیل که به آزادی ۴۳۰ تن از اسرای لبنانی انجامید، کمیته ویژه‌ای جهت مشخص شدن وضعیت چهارگروگان ایرانی تشکیل شده و عازم لبنان می‌باشد. در این کمیته جست‌وجو، نمایندگان از خانواده‌های گروگان‌ها - به توصیه وزارت خارجه فقط از بستگان مرد درجه یک حضور دارند و قرار است هفته آینده همراه با کمال خرازی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، عازم بیروت شوند تا از نزدیک پی‌گیر ماجرا باشند. قرار است در این سفر نتیجه قطعی پی‌گیری‌ها اعلام شود تا خانواده‌های گروگان‌ها پس از ۲۱ سال از چشم‌انتظاری بدر آیند. در روزهای اخیر، در رسانه‌های خبری بین‌المللی اخبار ضدونقیضی از سرنوشت آن چهار عزیز منتشر شده است که هیچ‌کدام به درستی مشخص کننده وضعیت آنان نیست.

خبرگزاری مهر

۱۳۸۲/۱۱/۱۴ = ۳ فوریه ۲۰۰۴

ایران در مرحله دوم تبادل اسرای حزب‌الله و اسرائیل، نقش محوری ایفا خواهد کرد

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۲۷

روزنامه «الرای العام» کویت، نقش‌ایران در مرحله دوم تبادل اسرا میان حزب‌الله و رژیم صهیونیستی را نقشی محوری و مهم توصیف کرد. این روزنامه با اشاره به سفر قریب‌الوقوع کمال خرازی وزیر امور خارجه ایران به بیروت، تصریح کرد این سفر با هدف انجام مذاکراتی صورت می‌گیرد که با مرحله دوم تبادل اسرا میان حزب‌الله و اسرائیل ارتباط دارد. به نوشته این روزنامه، ماموریت خرازی به شکل اساسی با سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی مرتبط است. ال‌رای العام نوشت: «پیش‌بینی می‌شود ایران، نقش محوری خود را در مرحله دوم تبادل اسرا ایفا کند، زیرا این کشور پس از بروز علائم روشن مربوط به دیپلمات‌هایش، معتقد است که دیپلمات‌های ناپدید شده‌اش در حال حاضر در اسرائیل زندانی هستند. هرچند شاهد افزایش حضور ایران در مرحله دوم قرارداد خواهیم بود، اما اسرائیل هم اتهاماتی را به ایران در مورد ران آراد وارد کرده و مدعی وجود آراد در ایران است که سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله با تأکید بر وجود آراد در لبنان، تهران را از این اتهامات مبرا کرد.»

به نوشته این روزنامه، حزب‌الله موفق شد دو مرحله قرارداد تبادل اسرا را با یک توافق به هم ربط دهد و با میانجی‌گری ارنست اورلاو آلمانی، توانست اسرائیل را به کامل کردن گفت‌وگوها برای آزادی قدیمی‌ترین اسیر خود سمیر قنطار و روشن شدن سرنوشت ران آراد و چهار دیپلمات ایرانی و دیگر مسائلی که مرتبط با شروط طرفین است، ملزم کند. به نوشته ال‌رای العام، آژیر شروع مرحله دوم در روند تبادل، در پی نشست سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله و «اوگست هانینگ» مدیر سازمان اطلاعات کل آلمان، هفته گذشته در بیروت به صدا درآمد که در جریان آن، توافق مستقیم برای تشکیل کمیته‌های مشترک به منظور پی‌گیری پرونده‌های گفت‌وگو میان حزب‌الله و اسرائیل از طریق میانجی‌آلمانی به دست آمد. یکی از این کمیته‌ها برای بررسی سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی تشکیل شده است که سفر خرازی به دلیل مرتبط بودن با این مسئله، از اهمیت خاصی برخوردار است. به نوشته ال‌رای العام، در مورد سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی همچنان اطلاعات ضدونقیضی وجود دارد. در حالی که برخی شایعات از کشته شدن آنها به دست شبه‌نظامیان لبنانی پس از ربوده شدن آنها حکایت می‌کند، اطلاعات دیگری از انتقال آنها به اسرائیل و وجود آنها در زندان‌های این رژیم در حال حاضر خبر می‌دهد.

مسئله دیگری که در کمیته‌های تشکیل شده بررسی خواهد شد، سرنوشت ران آراد خلبان اسرائیلی است که هواپیمایش در درگیری‌های نظامی نزدیک اردوگاه فلسطینی «عین‌الحلوه» در لبنان در سال ۱۹۸۶ سرنگون شد و در دست حاج مصطفی دیرانی چندسال در بازداشت بود و هرچند برخی اتهامات از زندانی شدن وی در دست برخی جریان‌های ایرانی خبر می‌داد، اما سیدحسن نصرالله با تأکید بر وجود آراد در لبنان، هرگونه اتهامی را از ایران دور کرد. به نوشته‌ی رای‌العام، سرنوشت مرحله دوم قرارداد با هر نتیجه‌ای که به پایان‌رسد، به دور از موضع اساسی ایران نخواهد بود و همین امر نقش ایران را در موفقیت یا شکست این مرحله، در جایگاهی اساسی قرار داده است. روزنامه رای‌العام با توجه به تلقی موجود در ایران که معتقد است تهران در تمام مراحل مربوط به دور اول تبادل اسرا نقش اساسی ایفا کرده است، به نقش سوریه نیز اشاره کرد و نوشت: «ایران و سوریه به مثابه دو شریک اساسی حزب‌الله در پیروزی این حزب نقش دارند و نقش این دو کشور در مرحله دوم علنی‌تر و حساستر خواهد بود.»

خبرگزاری مهر

خرازی برای پی‌گیری موضوع دیپلمات‌ها به لبنان می‌رود

سخن‌گویی وزارت امور خارجه کشورمان در خصوص سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی گفت: «سرنوشت این افراد همواره در دستورکار وزارت خارجه بوده و هست. به زودی خرازی در همین هفته برای پی‌گیری این وضعیت به لبنان سفر می‌کند، به گونه‌ای که اثری از این عزیزان پیدا کند و موضوع را بررسی کند. پی‌گیری وضعیت چهار دیپلمات ایرانی در دستور کار ماست. حزب‌الله هم قرار گذاشته در مرحله بعد در این زمینه کار کند. در سفر آتی خرازی، درباره جزئیات با طرف‌های لبنانی و حزب‌الله گفت‌وگو خواهد داشت.»

ابتکار

۱۳۸۲/۱۱/۱۶ = ۵ فوریه ۲۰۰۴

مصاحبه دکتر خرازی در جمع خبرنگاران پس از دیدار با رئیس‌جمهوری لبنان
دکتر کمال خرازی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، روپنجشنبه با امیل لحد رئیس‌جمهوری لبنان، در محل کاخ ریاست‌جمهوری این کشور در شرق بیروت دیدار و گفت‌وگو کرد. دکتر خرازی پس از این دیدار، در جمع خبرنگاران نتایج مذاکرات خود با رئیس‌جمهوری لبنان را بسیار خوب توصیف

کرد. دکتر خرازی با اشاره به موضوع پی‌گیری سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی، اظهار داشت: «از رئیس‌جمهوری لبنان درخواست کردم از کوشش برای تعیین سرنوشت چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی که در منطقه زیر نفوذ یک گروه وابسته به رژیم صهیونیستی ربوده شدند، حمایت کند. لحدود نیز ضمن حمایت از این موضوع، تاکید کرد که به کوشش‌های خود ادامه خواهد داد.»

آقای خرازی اضافه کرد: «اطلاعات بسیاری در دست است که نشان می‌دهد چهار دیپلمات ایرانی به اسرائیل منتقل شده‌اند، از این رو امیدواریم سرنوشت آنها روشن شود.»

یکی از خبرنگاران این پرسش را مطرح کرد که آیا ایران از آلمان درخواست کرده است نقش میانجی بین ایران و اسرائیل برای روشن شدن سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی ایفا کند، و آیا لبنان و حزب‌الله در کمیته پی‌گیری سرنوشت این چهار ایرانی شرکت خواهند کرد؟ دکتر خرازی در پاسخ اظهار داشت: «این موضوع را با آلمان مطرح کردیم و امیدواریم که آلمان نقش خود را در این خصوص ایفا کند، کمیته پی‌گیری نیز در مراحل اولیه است و در مراحل بعدی ترکیب این کمیته مشخص می‌شود ولی به‌طور قطع لبنان نقش مهمی در این خصوص خواهد داشت.»

وی در پاسخ به پرسش دیگری مبنی بر اینکه آیا ایران در مراحل اولیه مذاکرات در مورد مبادله اسیران لبنان و اسرائیل نقش داشت، گفت: «ما از ابتدا از این موضوع حمایت کردیم و خوشحالیم که در این زمینه اقدام کنیم و خواستار ادامه این روند هستیم.»

وزیر امور خارجه ایران تصریح کرد که در دور دوم مذاکرات مبادله اسیران، موضوع چهار دیپلمات ایرانی نیز مطرح خواهد شد. یکی از خبرنگاران سوال کرد: «برخی از کسانی که در به اسارت گرفتن دیپلمات‌های ایرانی دست داشتند، در دولت کنونی لبنان مشارکت دارند، آیا این موضوع کمکی به حل مسئله دیپلمات‌ها خواهد کرد؟»

آقای خرازی اظهار داشت: «اشخاص و نیروهایی که آن زمان بودند، قطعاً با افراد و نیروهای فعلی بسیار متفاوتند، زیرا در آن هنگام این نیروها زیر نفوذ و سیطره اسرائیل بودند که تعدادی از آنها اکنون در زندان به سر می‌برند. با این همه، نیروهای وطن‌پرست ارتباط خوبی با ایران دارند و از آنها می‌خواهیم هرگونه مدرک و اطلاعاتی که در مورد دیپلمات‌های ایرانی دارند در اختیار ما قرار دهند تا سرنوشت آنها هر چه زودتر روشن شود.»

دکتر خرازی در پاسخ به این پرسش که آیا ایران از وضعیت ران آزاد اطلاع دارد، گفت: «ما از سرنوشت آزاد خبری نداریم و وی در ایران نیست، با این همه امیدواریم که وضعیت او نیز مشخص شود.»
سایت اینترنتی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران

نشست مطبوعاتی مشترک وزیران خارجه ایران و لبنان پس از دیدار با یکدیگر در بیروت

دکتر خرازی و «جان عبید» هم‌تای لبنانی وی، پس از دیدار با یکدیگر و بررسی مناسبات دو کشور، و نیز موضوع پی‌گیری سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی، در نشست مطبوعاتی به پرسش‌های خبرنگاران درباره روابط دوجانبه و موضوع اصلی سفر وزیر امور خارجه ایران به بیروت، پاسخ دادند. دکتر خرازی با ابراز خرسندی از آزاد شدن اسیران خاطرنشان کرد: «ایران امیدوار است در مرحله دوم مبادله اسیران، سرنوشت چهار دیپلمات که در منطقه تحت اشغال اسرائیل در لبنان به اسارت درآمدند و به فلسطین اشغالی منتقل شدند، روشن شود. شماری از بستگان این چهار ایرانی در این سفر فرصت خواهند یافت که در این گفت‌وگوها شرکت و خواسته‌هایشان را مطرح کنند.»

وزیر خارجه ایران تأکید کرد که رئیس‌جمهوری و وزیر امور خارجه لبنان قول همکاری و مساعدت در این زمینه را داده‌اند. آقای خرازی در پاسخ به پرسش یکی از خبرنگاران درباره میزان اطلاعات ایران از آخرین وضعیت چهار ایرانی، اظهار داشت: «ما تاکنون اطلاعاتی در این مورد به دست آورده‌ایم و معلوم شده است که آنان به اسرائیل منتقل شده‌اند اما در پی کسب اطلاعات جدید و دقیق‌تری هستیم و رئیس‌جمهوری لبنان نیز بر این نظر بودند که این موضوع پی‌گیری شود تا اسرائیل آنها را آزاد کند.»

وی در پاسخ به این پرسش که آیا اطلاعات در دسترس، از طریق لبنان و یا کشورهای دیگر به دست ایران رسیده است، گفت: «ما اطلاعاتی از دیگر کشورها داریم که دیپلمات‌های ما به اسرائیل منتقل شده‌اند اما زمان به اسارت در آمدن آنها مشخص است. ما به دلیل این‌که با اسرائیل ارتباطی نداریم، هرگونه اطلاعات در این زمینه را از طریق دولت آلمان به دست می‌آوریم.»

سایت اینترنتی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران

مصاحبه دکتر خرازی در جمع خبرنگاران پس از دیدار با رئیس‌مجلس لبنان

سیدکمال خرازی، روزپنجشنبه پس از دیدار با نبیه بری رئیس‌مجلس‌ملی لبنان در بیروت، در جمع خبرنگاران اعلام کرد: «همه اطلاعات به دست آمده در خصوص چهار دیپلمات ایرانی حاکی از آن است که آنها از طریق دریا به اسرائیل برده شده‌اند و از این رو این وظیفه اسرائیلی‌هاست که وضعیت اسیران ایرانی را روشن کنند.»

دکتر خرازی ابراز امیدواری کرد که با جمع‌آوری اطلاعات از سوی نبیه بری بتوانیم شاهد حضور دیپلمات‌های اسیر ایرانی در جمع خود باشیم. وزیر امور خارجه ایران در پاسخ به پرسش یکی از خبرنگاران که آیا مقام‌های لبنانی اطلاعاتی را در مورد چهار ایرانی ربوده شده به وی داده‌اند، گفت: «آنچه مهم است، اراده مسئولان لبنانی مبنی بر همکاری در این خصوص می‌باشد و این اراده روشن‌گرانه بوده است. در سال ۱۹۸۲ چهار دیپلمات ایرانی ربوده شدند که مسئولیت آن متوجه دولت کنونی لبنان نیست، اما دولت این کشور می‌تواند با ارائه اطلاعاتی در این زمینه، ما را در مطالباتمان از اسرائیل یاری دهد.»

دکتر خرازی همچنین در پاسخ به پرسش دیگری در مورد اهمیت اطلاعات جمع‌آوری شده از سال ۱۹۸۲ تاکنون، اظهار داشت: «اطلاعات به هر زمانی که تعلق داشته باشد برای ما اهمیت دارد و حتی مشاهدات و معلومات افرادی که هنگام ربوده شدن دیپلمات‌های ایرانی در منطقه بوده‌اند نیز برای ما مهم است.»

سایت اینترنتی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران

۱۳۸۲/۱۱/۱۷ = ۶ فوریه ۲۰۰۴

ما اطلاعات حساسی در مورد سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی در اختیار داریم

یک وزیر لبنانی تصریح کرد اطلاعات حساسی از سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی در اختیار داریم و آنها را به ایرانی‌ها ارائه خواهیم کرد. «کریم بقرادونی» وزیر توسعه اداری دولت لبنان، فاش کرد لبنانی‌ها اطلاعات حساسی در مورد سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی دارند و آن را در اختیار خرازی قرار خواهند داد. وی از افشای ماهیت این اطلاعات خودداری کرد و تنها به این نکته بسنده کرد که این اطلاعات فوق‌العاده محرمانه است و به مرحله دوم گفت‌وگوها میان حزب‌الله و اسرائیل مرتبط است. بقرادونی در مورد

زنده بودن آنها توضیحی نداد، اما ابراز امیدواری کرد دور دوم مذاکرات در تباد اسرا به روشن شدن سرنوشت آنها منجر شود.

کمال خرازی وزیر امور خارجه ایران که برای مشخص شدن سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی به بیروت سفر کرده است، تأکید کرد که اطلاعات فراوانی تأکید می‌کند دیپلمات‌های ایرانی به اسرائیل منتقل شده‌اند. وی در عین حال تصریح کرد تهران هیچ نقشی در مسئله ناپدید شدن ران آراد ندارد و وی در ایران نیست. سیدحسن نصرالله هم تأکید کرده است که خلبان اسرائیلی در ایران نیست و تهران را از اتهام دست داشتن در مسئله ناپدید شدن ران آراد مبرا کرد. «موشه آرنز» وزیر دفاع سابق اسرائیل هم تأکید کرد حزب‌الله برای دومین بار اسرائیل را با شکست تلخی آشنا کرد. به گفته وی، اولین شکست عقب‌نشینی متفرضانه اسرائیل از جنوب‌لبنان در سال ۲۰۰۰ و دومین شکست هم مربوط به اولین مرحله تبادل اسرا است. وی تأکید کرد: «حزب‌الله با علم به پوشالی بودن تهدیدهای اسرائیل، موفق شد در قراردادی، اجساد سه‌نظامی و یک افسر زنده اسرائیلی را با صدها اسیر زنده لبنانی و عرب مبادله کند.

خبرگزاری مهر

برای تعیین سرنوشت دیپلمات‌های خود، هیچ تماس مستقیمی با اسرائیل نخواهیم داشت

وزیر امور خارجه ایران تأکید کرد هیچ تماسی میان ما و اسرائیل در مرحله دوم تبادل اسرا وجود ندارد و تمام اطلاعات از طریق میانجی‌آلمانی رد و بدل خواهد شد. روزنامه الشرق‌الاوسط از توافق ایران و لبنان بر ایجاد سازوکاری برای هماهنگی میان آنها در مورد مسئله دیپلمات‌های ایرانی خبر داد. الشرق‌الاوسط به نقل از منابع رسمی لبنانی نوشت که توافق‌نامه مذکور بر لزوم تنگاتنگ بودن این راه‌کار و محرمانه بودن آن به گونه‌ای که هیچ اطلاعاتی به بیرون درز نکند، تأکید می‌کند، زیرا افشای هرگونه اطلاعات در این زمینه، بر روند گفت‌وگوها تأثیر منفی خواهد گذاشت. به گفته یک منبع رسمی لبنانی، این مسئله از طریق میانجی‌گری آلمان میان لبنان و اسرائیل انجام خواهد شد. به نوشته الشرق‌الاوسط، لبنان سرلشکر «جمیل السید» مدیرکل امنیت عمومی خود را نماینده خود در این سازوکار تعیین کرده و ایران هم نماینده خود را

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۳۳

متعاقبا اعلام خواهد کرد. به نوشته این روزنامه، امیل لحدود در دیدار با کمال خرازی، بر جدی بودن لبنان در یکسره کردن سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی و حل و فصل آن تأکید کرد. خرازی هم تأکید کرد دیپلمات‌های ایرانی توسط شبه‌نظامیان لبنانی ربوده و با یک کشتی به اسرائیل منتقل شده‌اند.

به گفته این منبع، خرازی به امیل لحدود اعلام کرده است که رهبران ایران به شخص وی در مسئله پی‌گیری دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی، کاملاً اعتماد دارند و امیدوار هستند که لبنان نیز تحقیقات خود را در این زمینه از طریق افراد مربوطه در این مسئله بویژه کسانی که در زمان ربوده شدن دیپلمات‌ها در منطقه مورد نظر مسئولیت داشتند، جمع‌آوری کند. خرازی و اعضای هیئت همراه، در جریان مذاکرات خود هیچ اشاره‌ای به نام ران آراد نکردند. حتی وزیر ایرانی از اشاره مستقیم به نام ران آراد خودداری کرد و تنها به این جمله بسنده کرد که شخص مذکور در ایران نیست. امیل لحدود رئیس‌جمهوری لبنان نیز به وزیر امور خارجه ایران تأکید کرد که دولت لبنان بر پی‌گیری تحقیقات و جمع‌آوری اطلاعات لازم برای کمک به روشن شدن سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی عزم راسخ دارد و ابراز امیدواری کرد که به زودی برای این مسئله که مورد توجه گسترده لبنان است، راه حلی پیدا کند. خرازی نیز تأکید کرد که کشورش اهمیت فراوانی به این موضوع برای دستیابی به دلایل قاطع و قانع‌کننده که ابهامات موجود را برای اطمینان دادن به خانواده‌های دیپلمات‌های ربوده شده برطرف کند، می‌دهد. خرازی با تأکید بر وجود اطلاعات فراوان که انتقال آنها به اسرائیل را تأیید می‌کند، فاش کرد که کشورش از آلمان خواسته است برای روشن شدن سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی، با اسرائیل میانجی‌گری کند. خرازی گفت: «ما این موضوع را با آلمان در میان گذاشتیم و امیدواریم آنها نقش خود را برای آزادی دیپلمات‌های ما به‌کارگیرند. ایران از موضع لبنان و حزب‌الله در مذاکراتی که طرف آلمانی اداره می‌کند، حمایت خواهد کرد و هرگز در این پرونده دخالت نخواهد کرد و از دولت لبنان می‌خواهد برای افشای سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی کمک کند.»

به گزارش السفير، خرازی در پاسخ به این سوال که آیا ایران نقش مستقیمی در مرحله اول تبادل اسرا داشت، گفت: «ما از گفت‌وگوهای انجام شده حمایت کردیم و خرسندیم که لبنان چنین پیروزی را به دست آورد و طبعاً ما با

طرفه‌های مربوطه نیز تماس خواهیم داشت تا مرحله دوم نیز با موفقیت به انجام برسد و امیدواریم که سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی نیز در مرحله دوم روشن شود.»

خرازی با تکذیب قاطع هرگونه نقش ایران در تعیین سرنوشت خلبان اسرائیلی تأکید کرد، وی در ایران نیست اما امیدواریم سرنوشت وی هم روشن شود، زیرا در تعیین سرنوشت دیگران تأثیر خواهد داشت. خرازی گفت: «ایران از برخی وزرای لبنانی که در زمان ربودن شدن دیپلمات‌های ایرانی مسئولیت داشتند، انتظار دارد که اطلاعاتی را در این مورد اگر دارند، ارائه کنند زیرا این امر کمک فراوانی به روشن شدن سرنوشت آنها خواهد کرد.»

خرازی همچنین با «جان عبید» وزیر امور خارجه لبنان نیز دیدار و گفت‌وگو کرد. عبید گفت: «آنچه باعث دغدغه وزیر امور خارجه ایران در مسئله دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی است، باعث دغدغه ما نیز هست.» خرازی نیز اظهار داشت: «امیدواریم به اطلاعات بیشتری در این مورد دست پیدا کنیم.»

خرازی همچنین با اسرای آزاد شده لبنان که اخیراً از زندان‌های اسرائیل آزاد شدند، در محل سفارت ایران در بیروت دیدار کرد. خبرگزاری مهر

دیدار دکتر خرازی با دبیرکل حزب الله لبنان

دکتر سیدکمال خرازی وزیر امور خارجه ایران و سیدحسین نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان، بعد از ظهر روز جمعه در بیروت دیدار و درباره موضوع دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی، گفت‌وگو کردند. دکتر خرازی در این دیدار با اشاره به توافق مبادله اسیران میان حزب الله و اسرائیل با میانجی‌گری آلمان اظهار داشت: «ابتکار عمل رهبری لبنان در آزادی اسیران از زندان‌های رژیم صهیونیستی، موجب خشنودی کشورهای اسلامی و مسلمانان منطقه شد.»

وی با تبریک پیروزی بازگشت آزادگان لبنانی به دولت، ملت و حزب الله لبنان افزود: «این پیروزی آثار فراوانی در زمینه‌های معنوی و انسانی خواهد داشت و الگوی موضع ضد اسرائیلی حزب الله را به مسلمانان ارائه خواهد کرد.»

آقای خرازی ابراز امیدواری کرد که ایران با همکاری دولت و حزب‌الله لبنان، شاهد آزادی چهار دیپلمات ربوده شده خود در مرحله دوم توافق مبادله اسیران باشد و خانواده‌های آنان اخبار خوشحال‌کننده‌ای را بشنوند. وی از حزب‌الله خواست که در مرحله دوم مذاکره غیرمستقیم با اسرائیل، وضعیت دیپلمات‌های ایرانی را روشن کند. وزیر امور خارجه ایران تاکید کرد: «مطابق اطلاعاتی که در اختیار تهران است، دیپلمات‌های ایرانی از لبنان به اسرائیل منتقل شده‌اند. امیدوارم که نمایندگان دولت لبنان از اسرائیل بخواهند که آنان را به ایران تحویل دهد.»

سایت اینترنتی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران

ایران نقش مهمی در مرحله دوم تبادل اسرا میان حزب‌الله و اسرائیل ایفا خواهد کرد

دیپلمات‌های غربی به روزنامه «المستقبل» لبنان گفتند نقش ایران در مرحله دوم تبادل اسرا میان حزب‌الله و رژیم اسرائیل از اهمیت بالایی برخوردار خواهد بود. منابع دیپلماتیک اروپایی تاکید کردند دستیابی به توافق‌نامه‌ای برای مبادله اسرا بعد از تکمیل مرحله دوم، یک مسئله‌ای راهبردی خواهد بود زیرا دارای پیامدهای سیاسی و منطقه‌ای در آینده است. به گفته این دیپلمات‌ها، با توجه به نقش مهم ایران، موفقیت مرحله دوم بعد منطقه‌ای به خود خواهد گرفت. این دیپلمات‌ها اعلام کردند آلمان در این مسئله با آمریکا ارتباط دارد و حتی توصیه‌هایی دریافت کرده است که به بین‌المللی کردن این مسئله اشاره می‌کند. منابع دیپلماتیک پیش‌بینی کردند که این تحول استراتژیک به تعیین نقش مقاومت و وضعیت آن در لبنان منجر شود. در این حال «فواد بطرس» که وزیر امور خارجه اسبق لبنان به هنگام ربوده شدن چهار دیپلمات ایرانی بود، به تازگی در مصاحبه‌ای عنوان کرده بود که در آن زمان برای روشن شدن سرنوشت آنها پس از ربودنشان تلاش کرد، اما به دلیل ناآرامی‌ها و شرایط دشوار امنیتی این تلاش‌ها بی‌نتیجه بود. به گفته وی، در مورد دیپلمات‌های ایرانی دو دیدگاه وجود دارد، اولین دیدگاه این است که دیپلمات‌های ایرانی به اسرائیل تحویل داده شده‌اند و دوم اینکه آنها همچنان در لبنان به سر می‌برند. وی از اینکه نتوانسته است ابهامات این مسئله را برطرف کند ابراز تاسف کرد اما ابراز امیدواری کرد که سرنوشت آنها روشن شود.

روزنامه المستقبل با بیان اینکه سفر خرازی تاکیدی برای آغاز مرحله دوم تبادل اسرا میان حزب‌الله و اسرائیل است، به محرمانه بودن مرحله دوم به نقل از سفیر آلمان در بیروت خبر داد. «رودولف کنز» سفیر آلمان در بیروت، بعد از دیدار با جان عبید وزیر امور خارجه لبنان، تاکید کرد محرمانه بودن و احتیاط، از عوامل اصلی موفقیت مرحله اول تبادل اسرا بود و این دو عامل باید در مرحله دوم نیز به دقت رعایت شود. خبرگزاری مهر

نشست خبری دکتر خرازی در هتل کومودور بیروت

دکتر سید کمال خرازی، شامگاه جمعه با شرکت در یک نشست خبری در «هتل کومودور» بیروت که در آن جمعی از خبرنگاران خارجی و داخلی شرکت داشتند، بار دیگر بر زنده بودن چهار دیپلمات ایرانی در زندان‌های رژیم صهیونیستی تاکید کرد. وی همچنین گفت: «اطلاعات به دست آمده حاکی است که این چهارتن از منطقه زیر سلطه اسرائیل از لبنان، با قایق به فلسطین اشغالی منتقل شده‌اند.»

دکتر خرازی با اشاره به اینکه هیچ‌گونه ارتباطی میان دیپلمات‌های ایرانی و ران آراد وجود ندارد، افزود: «این اسرائیل است که می‌کوشد ارتباطی میان این دو مسئله ایجاد کند، حال آن‌که ما تنها خواستار پیدا شدن شهروندان ناپدید شده خود هستیم و درباره آراد نیز هیچ اطلاعاتی نداریم.» وزیر امور خارجه ایران، درباره دیدار روز جمعه کریم بقرادونی رئیس حزب کتائب لبنان با وی و این که اطلاعات مهمی درباره دیپلمات‌های ایرانی به او داده است، اظهار داشت: «ایشان کمک‌های بسیار مهمی می‌توانند در این خصوص داشته باشند. با اینکه سیاست حزب کتائب با گذشته تغییر کرده است، اما این حزب و نیروهای لبنانی بودند که دیپلمات‌های ایرانی را ربودند، و از آنجا که آقای بقرادونی وارث حزب کتائب آن زمان هستند، می‌توانند کمک کنند و ایشان با نهایت جدیت و صمیمیت می‌خواهند این مسئله را دنبال کنند. ما در شرایطی هستیم که نمی‌توانیم آنچه بقرادونی در اختیار دارد برای خبرنگاران فاش کنیم و می‌خواهیم به اطلاعات جامع‌تر برسیم تا از آن استفاده کنیم. کانال ارتباطی آلمان و حزب‌الله در مرحله نخست توافق مبادله اسیران، توانایی خود را نشان داد و امیدواریم که آنها در

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۳۷

مرحله دوم مذاکرات نیز بتوانند تاثیر لازم را بگذارند و اسرائیل را وادار به همکاری کنند تا سرنوشت چهار ایرانی ربهوده شده روشن شود.»

وزیر امور خارجه ایران تاکید کرد: «در دیدار با سیدحسن نصرالله، وی مصمم بود که نهایت کوشش خود را انجام دهد تا از ران آزاد، اثر و آثاری بگیرد و ما نیز اگر اطلاعاتی در این مورد به دست آوریم به طرف لبنانی ابلاغ می‌کنیم و در این مورد به مبادله اطلاعات دست می‌زنیم.»

آقای خرازی، اطلاعات احمد حبیب‌الله در مورد دیپلمات‌های ایرانی را مهم خواند و گفت که این اطلاعات ضبط شده است و مسلماً می‌تواند ما را برای رسیدن به هدفمان یاری دهد. دکتر خرازی همچنین گفت: «مردم لبنان نیز می‌توانند در مورد چهار دیپلمات ایرانی اطلاعاتی را در اختیار ما بگذارند، به طور مثال اگر اطلاعاتی در مورد نحوه دستگیری، زندان، یا انتقال آنها در اختیار ما بگذارند، می‌توانیم از آنها در طرح مطالباتمان از اسرائیل استفاده کنیم، از این رو ایران از هر شهروند لبنانی که اطلاعاتی دارد می‌خواهد بدون نگرانی و با اطمینان خاطر، آن را به ما بدهد. سفارت ایران در بیروت نیز به زودی با صدور بیانییه و آگهی، جوایزی تعیین می‌کند تا در اختیار کسانی که اطلاعاتی موثق دارند قرار دهد.»

وی در مورد مرحله دوم مذاکرات گفت که چارچوب این مرحله توسط حزب‌الله و دولت لبنان تعیین شده است و دو کمیته پی‌گیری نیز از سوی این حزب و دولت آلمان تشکیل می‌شود و در ایران نیز کمیته ای‌ملی تشکیل شده است. آقای خرازی مرحله دوم مذاکرات را بسیار مهم خواند و ابراز امیدواری کرد که همه کمک کنند تا بتوان اسیران بسیاری را از زندان‌های اسرائیل آزاد کرد. وزیر امور خارجه ایران در پاسخ به این پرسش که، آیا حاضر است با سمیر جعجع فرمانده شبه نظامیان نیروهای لبنانی دیدار کند، اظهار داشت: «من قصد دیدار با وی را ندارم اما جعجع منبع اطلاعاتی خوبی در موضوع چهار دیپلمات ایرانی است و می‌تواند ما را یاری دهد.»

دکتر خرازی دیدارهایش را با مقام‌های لبنانی موفقیت‌آمیز خواند و گفت: «در این مذاکرات از آنها خواستم که آنچه می‌توانند برای تعیین سرنوشت چهار ایرانی انجام دهند و آنها قول دادند که هرگونه اطلاعاتی که در دست دارند در اختیار مقام‌های ایران قرار دهند.»

وی آزادی اسیران لبنانی را تبریک گفت و ابراز امیدواری کرد که دیپلمات‌های ایرانی نیز به زودی آزاد شوند. دکتر خرازی در پاسخ به پرسش

خبرنگاری که چه جوابی برای مردم ایران از نتایج این سفر دارید، اظهار داشت: «هیچکس نمیتواند با یک سفر دو روزه، مسئله پیچیده‌ای که ۲۲ سال از آن گذشته است را حل کند، مهم این است که موضوع دیپلمات‌های ایرانی اکنون در دستورکار مسئولان و احزاب لبنان قرار گرفته و بدیهی است که این سفر به پیگیری این موضوع کمک می‌کند و حزب‌الله در مذاکرات خود پیگیر این مسئله خواهد بود.»

سایت اینترنتی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران

۱۳۸۲/۱۱/۱۸ = ۷ فوریه ۲۰۰۴

مسئله دیپلمات‌ها در دستور کار لبنانی‌ها قرار گرفت

کمال خرازی در مورد علت توصیف کردن سمیرجعج رئیس نیروهای لبنانی که اکنون در زندان لبنان است، به عنوان منبع اطلاعات مهم برای حل این مسئله، گفت: «ما اطلاعاتی داریم و اگر به اطلاعات بیشتری دست یابیم، این امر برای برنامه ما قوی‌تر و مستحکم‌تر خواهد بود.»

خرازی در پاسخ به سوال الحیات فاش کرد که امیل لحدو رئیس جمهوری لبنان قول داده است که اطلاعاتی را از طریق سوال و جواب از سمیرجعج در زندان، جمع آوری کند. وی ابراز عقیده کرد که ادعای اسرائیل به اینکه چهار دیپلمات ایران در اسرائیل نیستند، ادعای کافی نیست و اگر اسرائیل دلیل یا جواب قاطع و محکمی دارد، باید ارائه کند. وی افزود: «آنچه در این سفر اهمیت دارد، این است که مسئله دیپلمات‌ها در دستورکار مسئولان و احزاب لبنانی قرار گرفت.»

وی در مورد اهمیت اطلاعاتی که کریم بقرادونی وزیر توسعه اداری لبنان ارائه کرده، گفت: «اطلاعات نیاز به تکمیل شدن دارد و هنگامی که تکمیل شد، در اختیار شما می‌گذاریم.»

وزیر امور خارجه ایران گفت: «کانال آلمانی قدرت خود را در مرحله اول عملیات تبادل نشان داد و ما انتظار داریم که مرحله دوم نیز آلمانی‌ها تلاش خود را مبذول دارند و در این مورد اسرائیل را به همکاری متقاعد کنند.»

خرازی در مورد نتایج دیدارش با سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله، گفت: «نصرالله نیز برانجام حداکثر تلاش‌های خود در مسئله ران آزاد تأکید کرده است.»

خرازی تشکیل کمیته لبنانی و ایرانی در حال حاضر را تکذیب کرد و درعین حال اعلام کرد در صورت دستیابی طرف لبنانی به اطلاعاتی در این مورد،

تبادل صورت خواهد گرفت. خرازی اظهار داشت: «نمایندگان ایرانی با احمد حبیب‌الله رئیس‌جمعیت دوستی زندانیان و بازداشت‌شدگان داخل خط‌سبز (خط‌حائل مناطق اشغالی ۱۹۴۸) دیدار کرده بودند و اطلاعاتی را از وی به دست آوردند که بر زنده بودن دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی در زندان‌های اسرائیلی تأکید می‌کند و بدون هیچ شکی این اطلاعات در این مسئله مفید خواهد بود.» حبیب‌الله در یک حادثه مشکوک رانندگی در الناصره در شمال فلسطین اشغالی، جان خود را از دست داد. فرزند وی نیز چندی پیش به الحیات گفته بود که پدرش پیش از آنکه در یک حادثه مشکوک رانندگی جان خود را از دست بدهد، از زنده بودن دیپلمات‌های ایرانی در یکی از زندان‌های اسرائیلی مطلع شده بود و خبر آن را در اختیار ایرانی‌ها قرار داد.

بقرادونی، وزیر توسعه اداری لبنان نیز پس از دیدار با خرازی در سفارت ایران در بیروت، تأکید کرد که پرونده دیپلمات‌های ایرانی که آماده شده است، از حالا به بعد کاملاً سری و محرمانه پی‌گیری خواهد شد. وی در حالی که پیش‌تر، از داشتن اطلاعات مهم و حساس در مورد سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی خبر داده بود، اظهار داشت هنوز نمی‌تواند در مورد سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی و زنده بودن آنها جواب نهایی دهد.

خبرگزاری مهر

۱۳۸۲/۱۱/۱۹

خرازی: چهار دیپلمات زنده و در اسرائیل هستند

شارون: از سرنوشت چهار ایرانی بی‌اطلاع!

در حالی که وزیر خارجه کشورمان که برای پی‌گیری موضوع چهار دیپلمات ایرانی در لبنان به سر می‌برد، تأکید کرد: «به نظر ما چهار دیپلمات ایرانی زنده و در اسرائیل هستند.»

روزنامه صهیونیستی «اورشلیم پست» نوشت: «آرییل شارون، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی گفته است اطلاعی از سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی ندارد.» وی ادامه داد: «ما نمی‌توانیم در این خصوص کاری انجام دهیم؛ این مسئله مربوط به امور داخلی لبنان است.»

سخن‌گویی وزارت خارجه رژیم صهیونیستی نیز در خصوص اظهارات سیدکمال خرازی، وزیر امور خارجه کشورمان در بیروت، مدعی شد: «چهار دیپلمات ایرانی در اسرائیل نیستند.»

روزنامه الجزیره گزارش داد: «داوود سارانگا، درخصوص ادامه روند تبادل اسرا گفت: سیاست تل آویو در این خصوص هیچ تغییری نکرده است.» در همین حال به نوشته روزنامه لبنانی-سعودی الحیات، کمال خرازی برای روشن شدن سرنوشت چهاردیپلمات ایرانی با رهبر فالانژهای لبنان در زندان دیدار کرد. بنابراین گزارش، کمال خرازی را در سفر روزپنجشنبه اش به بیروت، وابستگان چهاردیپلمات مفقود شده ایرانی همراهی می کردند. کمال خرازی در بیروت اظهار اطمینان کرد که چهاردیپلمات مذکور با یک ناوچه اسرائیلی به اسرائیل منتقل شدند. اسرائیل این موضوع را تکذیب کرده است. به نوشته الحیات، خرازی با امیل لحود، رئیس جمهوری و پاره ای دیگر از مسئولان لبنان درباره سرنوشت چهاردیپلمات ایرانی گفت و گو کرده است، اما آنان اطلاعات دقیقی در این زمینه نداشتند که در اختیار وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی قرار دهند.

تلاش برای روشن شدن سرنوشت چهاردیپلمات، زمانی در جریان است که اسرائیل و حزب الله لبنان، به مرحله دوم تبادل اسیران خود نزدیک شده اند. در این مرحله، اسرائیل خواستار روشن شدن سرنوشت رون آزاد شده است. حزب الله لبنان نیز با دنبال کردن خواست دولت ایران، خواهان توضیح اسرائیل درباره سرنوشت چهاردیپلمات ایرانی مذکور شده است. الحیات به نقل از پاره ای منابع در بیروت می نویسد: «کمال خرازی با سمیر جعجع که در زندان به سر می برد، نیز دیدار کرده و درباره سرنوشت دیپلمات های مفقود شده ایرانی به پرس و جو هایی پرداخته است.»

این خبر تاکنون از سوی منابع دیگری تأیید یا تکذیب نشده است. برخی از گزارش های منتشر شده پیشین، حاکی از آن بود که چهاردیپلمات مذکور پس از بازداشت توسط نیروهای ملی لبنان، بلافاصله به قتل رسیده اند. همچنین روزنامه الاتحاد، به نقل از مقامات رژیم صهیونیستی که نامی از آنها نبرد، نوشت که مسئله تعیین سرنوشت چهاردیپلمات ایرانی را نیروهای لبنانی دنبال خواهند کرد. این روزنامه چاپ امارات متحده عربی، به نقل از این مقامات افزود: «بر اساس اخبار منتشره قرار است از سمیر جعجع، رهبر سابق فالانژیست های لبنان که در زندان های این کشور به سر می برد، درباره تعیین سرنوشت دیپلمات های ایرانی بازجویی به عمل آورده شود.»

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۴۱

روزنامه یاد شده در ادامه افزود که ارنست اورلاو، میانجی‌گر آلمانی و مسئول اصلی مذاکرات بین حزب‌الله و اسرائیل فعالیت اصلی‌اش تعیین سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی، ران آراد، و آزادی سمیر قنطار، اسیر لبنانی است. فجر

لبنان متعهد به تعیین سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی شد

کمال خرازی وزیر امور خارجه کشورمان، پس از ورود به تهران گفت: «تمام رهبران لبنان با جدیت کامل متعهد شدند که موضوع تعیین سرنوشت چهار دیپلمات ربوده‌شده را پی‌گیری کنند و اطلاعاتشان را در اختیارمان بگذارند.»

خرازی که پس از بازگشت از لبنان با بیان اینکه هر کس اطلاعاتی درباره دیپلمات‌های ایرانی ارائه کند پاداش می‌گیرد، در پاسخ به این سوال که ایران چه پاسخی برای ادعای رژیم صهیونیستی که می‌گوید چهار دیپلمات ایرانی در همان مقر نیروهای لبنانی مدفون شده‌اند، دارد؟ تصریح کرد: «اگر آنها چنین ادعایی دارند باید به صورت مستدل آن را ثابت کنند. صرف ادعا کافی نیست.»

وی با تأکید بر اینکه سفرش به بیروت اختصاصاً به پی‌گیری وضعیت چهار دیپلمات ربوده‌شده انجام شده است، تصریح کرد: «بر اساس اطلاعات فعلی‌مان این افراد در همان سال‌ها به اسرائیل منتقل شده‌اند.» وی با اشاره به اینکه با سمیر جعجع رهبر نیروهای فالانژ در زمان ربوده‌شدن چهار دیپلمات ایرانی، دیداری نداشته است، اظهار داشت: «با توجه به اینکه وی هم‌اکنون در زندان به‌سر می‌برد، رئیس‌جمهوری لبنان وعده داده است که اطلاعات وی را در اختیارمان بگذارد.» جوان

۱۳۸۲/۱۱/۲۵ = ۱۴ فوریه ۲۰۰۴

با میانجی‌گری آلمان مذاکرات مرحله دوم تبادل اسرا میان حزب‌الله و اسرائیل آغاز شد

پس از پیروزی حزب‌الله در مرحله اول تبادل اسرا با رژیم صهیونیستی، مذاکرات مرحله دوم تبادل اسرا با میانجی‌گری آلمان آغاز شد. به گزارش روزنامه الشرق الاوسط، «رودولف کنز» سفیر آلمان در بیروت، با بیان این خبر تأکید

کرد از مهم‌ترین عوامل موفقیت این مرحله، سری بودن و حفظ اطلاعات و عدم افشای آن است.

خبرگزاری مهر

۱۳۸۲/۱۲/۶ = ۲۵ فوریه ۲۰۰۴

دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی ساعتی پس از ربوده شدن کشته شده‌اند

«راجی عبدو» از فرماندهان سابق فالانژیست‌های لبنان، در گفت‌وگو با نشریه الوسط، با ادعای اینکه چهار دیپلمات ایرانی در بیروت در سال ۱۹۸۲ پس از ربوده شدن کشته شده‌اند، به تشریح این ماجرا پرداخته است. راجی عبدو تأکید کرد: «دیپلمات‌های ایرانی که در تابستان ۱۹۸۲ در بیروت به هنگام تجاوز اسرائیل به لبنان، بازداشت شدند، ساعتی پس از بازداشت کشته شدند.»

او می‌گوید بر نحوه انتقال دیپلمات‌های ایرانی به شورای جنگ در کرنیتینا در بیروت نظارت داشته و حتی در تماسی، از رسیدن آنها مطمئن شده است. وی همچنین گفته است: «سمیر جعجع فرمانده نیروهای فالانژیست، در ۱۵ ژانویه ۱۹۸۶ با هیئت‌های ایرانی دیدار کرد که وی در آن جلسات هم حضور داشته است.»

به ادعای راجی عبدو، در پی بروز مشاجره میان کاردار سفارت ایران با نگهبانان بازداشتگاه، وی در شورای جنگ به قتل رسید و متعاقب آن سه دیپلمات دیگر هم به دست نگهبانان کشته شدند. عبدو در ادامه گفته است: «پس از این حادثه، هیئتی از ایران به لبنان آمد و من آنها را به مکانی که به اعتقاد من مکان دفن دیپلمات‌های ایرانی بود، بردم ولی ناگاه از دیدن یک کارگاه آهن آلات در مکان دفن، یکه خوردم.»

به نوشته مجله الوسط، عبدو در دستگاه امنیتی در نیروهای فالانژیست از هنگام تشکیل آن فعالیت کرد و حادثه قتل دیپلمات‌های ایرانی هم در هنگامی که ایلی حبیقه رئیس آن بود، به وقوع پیوست. در سال ۱۹۸۶ وی مسئول «دستگاه امنیت نظامی» نیروهای فالانژیست شد و در سال ۱۹۹۴ به دریافت درجه «کاپیتان» نائل آمد و آن‌گاه یک دادگاه لبنانی وی را به اتهام دست داشتن در ترور «میشال المر» وزیر سابق لبنانی، به ۲۰ سال حبس محکوم کرد.

عبدو در گفت‌وگو با مجله الوسط، جریان کشته شدن دیپلمات‌های ایرانی را این‌چنین تعریف کرد: «قصه دیپلمات‌های ایرانی از تابستان ۱۹۸۲ آغاز شد.

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۴۳

به اعتقاد من ماه جولای بود. در ساعت ۴ بعدازظهر یکشنبه، از ایست‌بازرسی‌برباره در راه بیروت به طرابلس، با من تماس‌نظامی گرفته‌شد. دفتر من در «عمشیت» بود و من مسئول دستگاه امنیت و اطلاعات منطقه‌شمال بودم و نقش من هم جمع‌آوری اطلاعات بود. با توجه به حساسیت ایستگاه‌برباره به دلیل حوادث گذشته، ماموریت نظارت‌امنیتی با هدف هماهنگی میان دستگاه اطلاعات و نیروهای نظامی مستقر در منطقه هم به من واگذار شد. در یک تماس تلفنی نظامی به من اطلاع دادند که یک خودروی سیاسی از نوع مرسدس که حامل چهار ایرانی که یک خودروی امنیتی هم آنها را اسکورت می‌کند، وارد ایست‌بازرسی شده‌اند. مسئولان ایست‌بازرسی‌خواستار دستور من در این مورد شدند. من به آنها گفتم: پشت خط باشید تا با افسرکشیک در دستگاه امنیت‌مرکزی در کرن‌تینا دربیروت تماس بگیرم. با افسر مربوطه تماس گرفته و جریان را تعریف‌کردم، افسرکشیک از من خواست خودروی ایرانی را توقیف و آنها را به دستگاه امنیت‌بیروت منتقل کنم. شخصا به ایست‌برباره رفتم که تنها ۴ کیلومتر با دفترم فاصله داشت. گذرنامه‌های سیاسی آنها را رویت‌کردم و مجدداً از آنجا با افسرکشیک تماس گرفتم و اسامی دیپلمات‌ها را به وی دادم. وی از من خواست فوراً آنها را به دستگاه امنیت‌مرکزی دربیروت منتقل‌کنم و خودروی امنیتی را اجازه دادم تا خارج شود. فوراً دیپلمات‌های ایرانی را با خودروی خودم با اسکورت نیروهای امنیتی وابسته به خودم، به مقر دستگاه امنیت‌بیروت به همراه تمام مدارک‌شناسایی همراه آنها منتقل‌کردم. من به‌عنوان مسئول‌شمال، این مسئله را به شعبه‌بازرسی و تحقیقات در دستگاه امنیت‌بیروت ارجاع دادم و تلفنی با شعبه‌تحقیقات تماس گرفتم و به بازپرس‌کشیک به نام «ابوایمن» گفتم که من به دستور افسرکشیک، دیپلمات‌های ایرانی را برایش اعزام خواهم کرد، لطفاً بلافاصله پس از رسیدن آنها، به من اطلاع دهید. اوهم بعد از کمتر از یک ساعت به من زنگ زد و از رسیدن آنها خبرداد.»

مجله الوسط از راجی عبود پرسید: «آیا نقش شما به همین‌جا منتهی می‌شود؟» که وی پاسخ داد: «آری.»
الوسط سوال کرد: «شایعه شده دیپلمات‌های ایرانی چند روز در منطقه‌شمال بازداشت شدند، آیا صحت دارد؟»

عبدو گفت: «این هرگز صحت ندارد، آنها در ایستبازرسی بر باره بازداشت شدند و دقایقی بعد به بیروت منتقل شدند و همچنان یادآوری می‌کنم که دستگاه امنیتی مرکزی دو ساعت بعد آنها را تحویل گرفت.»

الوسط پرسید: «آیا به سمیر جعجع مسئول نیروهای شمال در آن زمان، خبر بازداشت دیپلمات‌های ایرانی را اطلاع دادی؟» عبدو گفت: «نه، زیرا این مسئله به دستگاه امنیتی مربوط می‌شد، زیرا هرکس در آن ایست به دلایل امنیتی بازداشت می‌شد فوراً به دستگاه امنیتی ارجاع داده می‌شد.»

عبدو در پاسخ به این سوال که: «از چه زمانی ابهام سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی را فراگرفت؟» اظهار داشت: «یک روز بعد از ظهر در حال رفتن به دفترم در دستگاه امنیتی در بیروت برای انتقال گزارش‌های اطلاعاتی، از برخی دوستانم باخبر شدم که دیپلمات‌های ایرانی در دومین روز بازداشت کشته شده‌اند.»

وی در مورد نحوه کشته شدن آنها گفت: «این‌طوری که به من گفتند، مشاجره‌ای در داخل ساختمان تحقیقات میان یکی از ایرانی‌ها و نگهبانان آنجا در گرفت. دلیلش این بود که نگهبانان سرگرم گفت‌وگو در مورد احتمال کشتن دیپلمات‌ها بودند، که احتمالاً کاردار سفارت که گفته شده به زبان عربی مسلط بود، تلاش کرد با نگهبانان درگیر شود و در جریان مشاجره و دعوا، به ضرب گلوله نگهبانان کشته شد و پس از آن سه ایرانی دیگر هم کشته شدند. رئیس دستگاه امنیتی و اطلاعات در آن زمان ایلی حبیقه بود و «اسعد شفتی» معاون وی بود.»

عبدو در مورد این سوال که: «آیا اعتقاد دارید که دیپلمات‌های ایرانی بنا به دستور ریاست دستگاه امنیتی - حبیقه - کشته شدند؟» گفت: «گمان نمی‌کنم. بر اساس اطلاعات خودم، حبیقه آن روز در ساختمان دستگاه امنیتی نبود و اطلاعات هم کشته شدن آنها را در شامگاه یکشنبه تایید می‌کند. چند ساعت پس از بازداشت دیپلمات‌ها، تماس‌هایی در سطح فرماندهان صورت گرفت و «بشیر جمیل» فرمانده نیروهای لبنانی، ایلی حبیقه رئیس دستگاه امنیتی را برای سوال در مورد دیپلمات‌های ایرانی به حضور خود فراخواند، وقتی با جواب غیرمنتظره یعنی کشته شدن دیپلمات‌ها روبه‌رو شد، به شدت خشمگین شد و حبیقه را به‌خاطر مسئولیت‌نشاسی و دیوانگی عناصر دستگاه امنیتی، توبیخ کرد. جمیل از سرهنگ «جونای عبده» - مدیر اطلاعات ارتش لبنان - تماسی دریافت کرده بود و همین عامل باعث احضار حبیقه شد. جمیل، حبیقه را

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۴۵

توبیخ کرد، اما وی آن موقع زیاد این حادثه را خطرناک تلقی نکرد، زیرا لبنان هدف تجاوز اسرائیل بود و نگاه‌ها بر سرنوشت نیروهای سازمان آزادی‌بخش فلسطین در بیروت متمرکز بود. اما موضوع دیپلمات‌های ایرانی، به مخمصه و مشکلی برای ما تبدیل شد و روزدوشنبه به نظر نشستنی به ریاست بشیر فرمانده نیروهای لبنانی، با حضور ایل‌ی حبیقه رئیس دستگاه امنیتی و دو فرمانده دیگر در مورد دیپلمات‌های ایرانی، و اینکه چه تصمیمی گرفته شود، برگزار شد و در خلال ۴۸ ساعت، دو تصمیم اتخاذ شد. یکی این‌که از طریق رسانه‌ها بیانیه نیروهای لبنانی منتشر شود که تصریح کند دیپلمات‌های ایرانی چند ساعت بازداشت شدند، سپس از همان جایی که آمدند، به سمت طرابلس بازگردانده شدند. پیش از صدور بیانیه، خودروی دیپلمات‌ها و مدارک و اسناد آنها به شهر طرابلس فرستاده شد و در منطقه «باب‌الرمل» در منطقه‌ای که حزب بعث عراق بر آن سیطره داشتند، متوقف شد، تا وانمود شود که حادثه کشته شدن دیپلمات‌های ایرانی با جنگ عراق بر ضد ایران ارتباط داشته است. من فهمیدم که پس از دو روز یا سه روز، قبر کاردار سفارت ایران نبش شد و جسد او را در منطقه شمال و مشخصاً نزدیک شهر طرابلس دفن کردند.

الوسط می‌پرسد: «دقیقا کجا دفن شدند؟» وی در جواب می‌گوید: «اجساد آنها در ۲۰۰ متری شعبه تحقیقات و بازپرسی در کرنیتینا در بیروت دفن شدند.» وی در مورد اینکه: «آیا شما یقین دارید که دیپلمات‌های ایرانی به اسرائیل تحویل داده نشدند؟» گفت: «من یقین دارم که آنها تحویل اسرائیلی‌ها نشدند و چند ساعت پس از بازداشت کشته شدند. ای کاش به اسرائیلی‌ها تحویل داده می‌شدند تا همچنان زنده می‌ماندند.» وی در مورد اینکه چگونه ایرانی‌ها بحث انتقال دیپلمات‌ها از راه دریا به اسرائیل را نقل می‌کنند، گفت: «به اعتقاد من ایرانی‌ها و دیگران، اطلاعات خود را براساس حادثه‌ای که بعدا روی داد، بنا کرده‌اند، که در آن حادثه سه‌عنصر حزب‌الله به اسرائیل تحویل داده شدند و بعد آزاد شدند. در این قصه، ایل‌ی حبیقه خیلی تمایل داشت تا مسئولیت ناپدید شدن دیپلمات‌های ایرانی را برگردن سمیر جعجع بیندازد و این جمله را گفت: «دیپلمات‌ها تا زمانی که جعجع او را از سمت فرماندهی نیروها و منطقه، در ۱۵ ژانویه ۱۹۸۶ اخراج کرد، زنده بودند.»

وي درمورد اینکه از کجا متوجه شدي که حبیقه چنین حرفي زده، گفت: «شخصا از هیئت اعزامي ایرانی دریافتم، ایرانی‌ها گفتند که حبیقه این اطلاعات را به ما داده است.»

عبدو درمورد اینکه: «آیا آمریکایی‌ها هم به موضوع ایرانی‌ها بویژه بعد از آغاز بحران گروگان‌هاي آمریکایی، توجه نشان دادند؟» گفت: «معتقدم که آنها بیش از هر کشور غربی به این مسئله اهتمام داشتند.»

وي درمورد اینکه آیا ایرانی‌ها با سمیر جعجع تماس گرفتند، گفت: «بله، در سال 1991 به گمانم این تماس از طریق الیاس هراوي رئیس‌جمهوري لبنان صورت گرفت. هیئت ایرانی از دوتن از کارکنان سفارت ایران در بیروت و وزارت امور خارجه ایران و خانواده‌هاي دیپلمات‌هاي ایرانی تشکیل شده بود، جعجع آنها را در «غدراس» در منطقه «کسروان» به حضور پذیرفت و آمادگی خود را برای حداکثر همکاری نشان داد. او به آنها گفت که راجی عبود یعنی من، را آورده است، زیرا وي (من) مسئول امنیت در منطقه بوده است و جزئیات حادثه را می‌داند. من هم در مقابل هیئت و جعجع، تمام جزئیات را گفتم و ایرانی‌ها را از تمام داده‌هاي خود مطلع کردم.»

الوسط پرسید: «آیا آنها جلسات دیگری با ایرانی‌ها داشتند؟» وي گفت: «بله بیش از پنج بار در آن سال (۱۹۹۱) با ایرانی‌ها دیدار داشتم. سه بار با هیئت اعزامی وزارت امور خارجه ایران بود، هیئت دو یا سه بار با من دیدار کرد. در این نشست‌ها سوالاتی از من در خصوص گفته‌هاي قبلي مطرح شد، آنها منطقه‌اي را که تصور می‌شد دیپلمات‌ها در آن دفن شده‌اند، دیدن کردند و نیت آنها این بود که نبش قبر شود تا از استخوان آنها نمونه‌برداری و آزمایش به عمل آید، اما از دیدن تغییر جغرافیایی منطقه غافلگیر شدیم، زیرا یک کارخانه آهن‌آلات بر روی مکانی که آنها دفن شده بودند، احداث شده بود. من براساس اطلاعات روشنی که داشتم به ایرانی‌ها اطلاع دادم که دیپلمات‌ها در آن منطقه دفن شده‌اند. من احساس کردم که آنها تقریبا متقاعد شده‌اند که دیپلمات‌ها واقعا در زمان دستگاه امنیتی سابق کشته شده‌اند و جعجع هیچ مسئولیتی در این حادثه ندارد، اما آنها می‌خواستند که به دلیل قاطعی مثلا پیدا کردن استخوان‌هاي آنها و آزمایش آن، پرونده را ببندند.»

وي در پاسخ به این سوال که: «آیا نگران خطرات احتمالی از سوی برخی نیروهاي لبنانی که با آنها رابطه داشتید، نبودید؟» گفت: «در آغاز هیچ

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۴۷

نگرانی نداشتم، زیرا من هیچ مسئولیت مستقیم در این حادثه نداشتم، اما در سال ۱۹۹۲ میلادی از طریق برخی دوستانم این نگرانی زیاد شد، به اینکه برخی از مقر اقامت من و تحرکات من می‌پرسند، من فهمیدم چه جریانی از من پرسیده‌است، این مسئله به ژوئن ۱۹۹۲ برمی‌گردد، موقعی که احساس خطر کردم، لبنان را موقتاً در جولای آن‌سال ترک کردم و به قبرس رفتم. از ربه‌ده شدن دوستم «بطرس خوند» در منطقه «جرج‌ثابت» در «سن‌الفیل» با خبر شدم و معتقدم که ربه‌ده شدن وی با کشته شدن دیپلمات‌های ایرانی ارتباط دارد، و به اعتقادم اشتباهی که رخ داده، این است که خوند در سال ۱۹۸۲ رئیس شورای امنیت کتائب بود. من به آن جریانی که دوستم را ربه‌ده، ظنین شدم که از سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی مطلع است، و بعید نیست که حبیقه هم زندگی خود را به بهای قصه دیپلمات‌ها از دست داد.»

عبدو آخرین جمله خود را به مجله الوسط چنین گفت: «در جنگ لبنان، حوادث دردناکی روی داد که افراد بی‌گناه بی‌شماری کشته شدند، از همه جریان‌های لبنانی می‌خواهم از اشتباهات خود عبرت گرفته تا منطق تسامح و همزیستی را به‌جای منطق انتقام و تصفیه حساب‌ها جایگزین کنیم.»

مجله الوسط در شماره ۱۱۷ در مورخه ۱۹۹۴/۴/۲۵، از سرهنگ جونی عبده - مدیر سابق اطلاعات ارتش لبنان - در مورد سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی پرسیده بود: «ایران از سال ۱۹۸۲ خواستار روشن‌شدن سرنوشت دیپلمات‌های خود شده است که در ایست‌بازرسی نیروهای لبنانی ربه‌ده شدند، نظر شما در این‌باره چیست؟» که وی پاسخ داده بود: «چیزی که من در آن زمان فهمیدم، این بود که دیپلمات‌های ایرانی چند ساعت پس از بازداشت بیشتر زنده نماندند و آنها را کشتند.»

الوسط در تاریخ ۱۹۹۷/۹/۱ در شماره ۲۹۲ مصاحبه خود با ایلی حبیقه را منتشر کرد. حبیقه بعدها در یک حادثه انفجار خودرویی بمب‌گذاری شده، کشته شد. الوسط در آن سال در مورد مسئله دیپلمات‌های ایرانی از حبیقه پرسیده بود که وی پاسخ داد: «آنها به منطقه تحت اداره من نرسیدند. هنگام حمله اسرائیل به لبنان، برخی از مردم از بیروت غربی به سمت طرابلس خارج می‌شدند و بشیر جمیل فرمانده نیروهای مسلح لبنان، در فرمانی از نیروهای مسلح خواست به افراد عادی به استثنای اعضای احزاب و فلسطینیان مسلح، اجازه عبور داده شود. در آن زمان جونی عبده مدیر اطلاعات ارتش لبنان، با بشیر فرمانده فالانژیست‌ها - تماس گرفت و اطلاع داد که دیپلمات‌های ایرانی

راه بیروت را به سمت طرابلس درپیش گرفته‌اند و ممکن است راه را گم‌کنند، آنها وارد منطقه شرقی شدند و پس از عبور از ایست برباره ناپدید شدند - ایستبازرسی وابسته به سمیرجعجع. بشیر با من تماس گرفت و به من گفت: «آیا چیزی از ایرانی‌های بازداشت شده می‌دانی؟» که من پاسخ دادم: «در این باره خواهم پرسید.» همان روز با افسر امنیتی در جبهه شمال و مسئول ایستبازرسی برباره وابسته به سمیرجعجع، تماس گرفتم تا در مورد موضوع دیپلمات‌های ایرانی از وی سوال کنم، که او به من گفت: «بله ایرانی‌ها تلاش کردند از این ایست عبور کنند که ما مانع شدیم.» به بشیر ماجرا را گفتم و او هم جریان را به «الیاس سرکیس» رئیس‌جمهوری لبنان ابلاغ کرد. بعد از اخباری از ناپدید شدن یا کشته شدن ایرانی‌ها نقل شد، و این اخبار زمانی شایع شد که من مسئول نیروهای منطقه شرقی بودم. از ججعجع در مورد آنها سوال کردم که وی جواب داد: «نمی‌دانم که آیا آمده‌اند.»

جعجع زندان‌های ویژه‌ای داشت. جبهه شمالی از نظر عملیاتی به دلیل حساسیت‌های خاص مربوط به وضع شمال، مستقل عمل می‌کرد. آنها دستگاه امنیتی ویژه مالی خاص برغم گرفتن اموالی از صندوق نیروهای مسلح، در اختیار داشتند. پیش از این‌که از منطقه شرقی خارج شوم، تماس‌ها را آغاز کردیم. هیئتی از صلیب‌سرخ و سازمان عفوبین‌الملل آمدند و از زندان‌هایی که شماری از متهمان امنیتی یا نظامی معارض بازداشت بودند، بازدید کردند. ما آن زمان تماس‌ها را با صلیب‌سرخ برای نحوه ارسال نامه‌های آنها به خانواده‌هایشان انجام دادیم. پس از خارج شدن من از منطقه شرقی، نبیه بری - رئیس‌فعلی پارلمان لبنان - که آن روز رئیس جنبش‌امل بود، به من گفت: «یکی از مسئولان ایرانی در نزد من است و می‌خواهد با تو در مورد ایرانی‌های ربوده شده صحبت کند. به او گفتم که چیزی برای گفتن ندارم.» نبیه بری برانجام دیدار من با مسئول ایرانی اصرار کرد و من با مسئول ایرانی دیدار کردم. مسئول ایرانی به من گفت: «از سمیرجعجع گزارشی دریافت کردیم که تصریح می‌کند آنها دیپلمات‌های ایرانی را به شما تحویل دادند و در نزد شما کشته شدند.» گفتم: «این اطلاعات مغرضانه است، میان من و ججعجع خصومت و دشمنی وجود دارد، دیپلمات‌های ایرانی را اصلاً ندیدم و آنها به منطقه تحت فرماندهی من نرسیدند. اگر آنها در آن منطقه هستند، از ججعجع بخواهید لااقل اجساد آنها را به شما تحویل دهند.»

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۴۹

حبیقه در ادامه گفتوگو با الوسط در آن سال، گفته بود: «شایع شده بود که دیپلمات‌های ایرانی به اسرائیل منتقل شده‌اند و من میزان صحت آن را نمی‌دانم. گفته شد که آنها نزدیک شورای‌جنگ و یکی از آنها در سواحل شمالی دفن شده‌اند. این اخبار را نیروهای لبنانی در زمان سمیر جعجع منتشر کرده‌اند.»

خبرگزاری مهر

سال ۱۳۸۳ هـ ش
۲۰۰۴ - ۲۰۰۵ م

۱۳۸۳/۱/۳۰ = ۱۹ آوریل ۲۰۰۴

کروبی با خانواده گروگان‌های ایرانی دیدار می‌کند

در آستانه انجام دومین دور تبادل اسرای لبنانی و فلسطینی، خانواده‌های گروگان‌های ایرانی برای پی‌گیری سرنوشت آنان، با رئیس‌مجلس شورای اسلامی دیدار می‌کنند. پس از سفر کمال خرازی وزیر امور خارجه که چندی پیش به همراه خانواده گروگان‌های ایرانی به لبنان انجام شد، خانواده‌های این گروگان‌ها برای پی‌گیری سرنوشت عزیزان خود، امروز با حجت‌الاسلام والمسلمین کروبی رئیس‌مجلس شورای اسلامی، دیدار و گفت‌وگو خواهند داشت. در این دیدار که به پیشنهاد وزارت امور خارجه برگزار خواهد شد، خانواده چهارگروگان ایرانی در لبنان، از آخرین اخبار و اطلاعات پیرامون سرنوشت آنان با خبر خواهند شد. سال‌گذشته با درخواست برخی نمایندگان، مجلس شورای اسلامی کمیته‌ای به سرپرستی محسن آرمین برای پی‌گیری سرنوشت این چهار شهروند ایرانی تشکیل داد که به هیچ‌وجه نه جلسه‌ای با بستگان آنان برگزار شد و نه خبری از پی‌گیری‌های این کمیته منتشر شد که نشان از ناکارایی آن داشت. در سفر خرازی به لبنان، برخی مقامات آن کشور مدعی شدند که اطلاعات مهم و جدیدی از وضعیت چهارگروگان ایرانی در اختیار دارند. وزیر امور خارجه ایران نیز اظهار داشت که اطلاعاتی در دست هست که از زنده بودن چهارگروگان و اسارت آنان در زندان‌های اسرائیل حکایت می‌کند. در حالی که دومین مرحله تبادل اسرای لبنانی-فلسطینی و اسرائیلی

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۵۱

در شرف انجام است، متأسفانه تاکنون هیچ خبرموثقی از سرنوشت این چهارتن که به‌دست مزدوران اسرائیل ربوده شده‌اند و برخی اطلاعات و اعترافات فرماندهان‌فالنژیست‌ها حاکی از انتقال این چهار نفر به اسرائیل است، منتشر نشده است. سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان در استقبال از اسرای آزاد شده از چنگال اسرائیل، وعده داد که روشن شدن وضعیت این چهار ایرانی نیز در دستورکار حزب‌الله برای تبادل اسرا قرار دارد.

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۲/۴ = ۲۴ آوریل ۲۰۰۴

مسئولان ناامیدمان کردند، خودمان کمیته پی‌گیری تشکیل دادیم

سیدراند موسوی سخن‌گویی خانواده‌های دیپلمات‌های ربوده‌شده، گفت: «روند پی‌گیری وضع دیپلمات‌ها کند است و نشان از کم‌کاری مسئولان دارد.»

وی که همزمان با سفر کروی رئیس‌مجلس شورای اسلامی به لبنان، و گفت‌وگوهای وی با مقامات لبنانی درباره وضع دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی، با

خبرگزاری مهر گفت‌وگو می‌کرد، افزود: «متأسفانه مسئولان کشورمان برای جان اتباع خود ارزشی قائل نیستند. وقتی که خبرنگاری در عراق ربوده می‌شود، شاهد عکس‌العمل از سوی کشورهای آنان هستیم و تمام دستگاه سیاسی آن کشور به تکاپو می‌افتد، ولی این روند هیچ‌گاه در ایران دنبال نمی‌شود.

اگر به روند رسیدگی به وضع شهدای دیپلمات در مزارشریف، و یا کشته‌شدن دبیر اول سفارت ایران در بغداد، و یا ایرانیانی که در شهرهای مقدس در عراق به شهادت می‌رسند توجه شود، همه ناشی از سهل‌انگاری مسئولین در قبال جان ایرانیان است. چندین ایرانی در عراق توسط نیروهای لهستانی کشته می‌شوند، نه تنها اعتراضی به لهستان نمی‌شود، بلکه وزیر دفاع به آن کشور

می‌رود و در مذاکرات خود هیچ اشاره‌ای به این مسئله نمی‌کند.»

موسوی افزود: «پس از ناامیدی از تلاش مسئولین، خودمان اقدام به تاسیس کمیته‌ای با کمک دانشجویان و تاسیس مرکزی NGO کرده‌ایم تا بتوانیم

افکار عمومی را در جریان وضعیت عزیزانمان قرار دهیم.»

وی در خصوص نتایج کاری کمیته پی‌گیری گفت: «هر وقت که با این کمیته تماس گرفته می‌شود تا در جریان چگونگی کار قرار گیریم، آنها مسئله را امنیتی می‌دانند و می‌گویند: تا زمان رسیدن به نتایج کامل، هیچ‌گونه اظهارنظری نمی‌کنیم. در تمام مدت ریاست‌جمهوری آقای خاتمی، بارها از

۲۰۲ □ کمین جولای ۸۲

ایشان برای مشخص شدن وضع دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی، خواستار ملاقات حضوری شده ایم که تاکنون این اقدام عملی نشده است و این نشان می‌دهد که تلاشی برای روشن شدن وضعیت آنها صورت نمی‌گیرد.»
خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۲/۸ = ۲۸ آوریل ۲۰۰۴

بررسی وضعیت امام موسی صدر و گروگان‌های ایرانی

جمعی از هنرمندان و نیز خانواده گروگان‌های ایرانی و امام موسی صدر، طی جلسه‌ای در جمعیت حمایت از ملت فلسطین، به بررسی وضعیت آنان می‌پردازند. گروهی از هنرمندان از جمله «سیاوش سرمدی» کارگردان فیلم مستند زندگی شهید «ادواردو آنیلی»، که در حال ساخت مستندی درباره امام موسی صدر می‌باشد، و همچنین بستگان و مشتاقان روشن شدن وضعیت گروگان‌های ایرانی، در جلسه‌ای ویژه به این امر می‌پردازند.

در روزهای اخیر شاهد اظهارنظرهای جدیدی از سوی مقامات لبنی و ادعای آنان درباره روشن شدن سرنوشت امام موسی صدر بوده ایم. در همین حال، با سفر کمال خرازی وزیر امور خارجه و مهدی کروبی رئیس مجلس شورای اسلامی به لبنان، دولت مردان لبنانی وعده‌های بسیاری مبنی بر مشخص نمودن سرنوشت چهار گروگان ایرانی که ۲۲ سال پیش در بیروت توسط مزدوران اسرائیل - فالانژیست‌ها - ربوده شدند، دادند که این اظهارات تازگی نداشته و از فردای اسارت این چهارتن در ۱۴ تیرماه سال ۶۱ تاکنون، تکرار شده است.
خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۲/۱۳ = ۳ مه ۲۰۰۴

پس از ۲۲ سال کمیته ملی پی‌گیری سرنوشت گروگان‌های ایرانی تشکیل شد

کمیته ملی پی‌گیری سرنوشت چهار ایرانی، با وقفه‌ای ۲۲ ساله تشکیل شد. ریاست این کمیته را «علی ربیعی» - مسئول دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی - به عهده دارد که به زودی برای پی‌گیری سرنوشت ۴ گروگان ایرانی، به کشور سوریه سفر خواهد کرد. به گفته سیدراند موسوی، سرانجام با دستور سید محمد خاتمی، کمیته ملی برای بررسی وضعیت چهار گروگان ایرانی تشکیل شد. علی ربیعی، چندی پیش نیز در همین راستا سفری به کشور سوریه داشت و در ملاقات با «بشار اسد» رئیس‌جمهوری آن کشور، قرار شد تا سوریه نیز نماینده‌ای جهت تشکیل کمیته‌ای «ایرانی، سوری، لبنانی» برای بررسی وضعیت گروگان‌ها ایرانی معرفی کند. بنابر اظهار سیدراند موسوی، بخشی از بحث ربیعی با

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۵۳

بشار اسد پیرامون مسئله ران آزاد بوده است. موسوی اضافه کرد که در ۷ سال گذشته، ما خانواده‌های گروگان‌های ایرانی طی چندین‌نامه از آقای‌خاتمی درخواست ملاقات حضوری داشتیم که متأسفانه اهمیتی به این درخواست مهم داده نشده و تا امروز هیچ‌گونه پاسخی مثبتی به خانواده‌های چهارشه‌روند ایرانی که برای حفظ ارزش‌های انقلاب اسلامی در خارج از مرزها به اسارت درآمده‌اند، داده نشده. در سال‌های اخیر، در مجلس شورای اسلامی نیز خبر تشکیل کمیته‌پی‌گیری سرنوشت‌گروگان‌ها به ریاست محسن آرمین منتشر شد که آن نیز هیچ نبود جز خبری که همه‌ساله در سالگرد اسارت آنها در تبلیغات اعلام می‌شود و تا امروز هیچ خبری از فعالیت‌های این کمیته نشده است.

خبرگزاری مهر

اگر اسرائیل از سلامت آزاد مطمئن شود، مبادله انجام می‌شود

روزنامه صهیونیستی «هاآرتص» نوشت: «ارنست اورلاو، میانجی‌آلمانی پرونده مبادله اسرا، اعلام کرده است که در صورتی که اسرائیل از سلامت رون آزاد، اطمینان حاصل کند، مبادله انجام می‌شود.»

هفته‌نامه لبنانی «الکفاح‌العربی»، دیروز اعلام کرده بود: «حزبالله لبنان به رژیم اسرائیل حداکثر دو هفته مهلت داده است تا رون آزاد را با اسرای مورد نظر حزب‌الله که در بند این رژیم هستند، مبادله کنند. حزب‌الله تهدید کرده است که در صورت عدم موافقت رژیم اسرائیل با این مبادله، به راه‌حلهای دیگری متوسل خواهد شد.»

سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان، پیش از این اعلام کرده بود در صورتی که رژیم اسرائیل به مرحله دوم مبادله تن دردهد، گروگان‌های جدیدی را به اسارت خواهد گرفت تا از آنها در مبادله استفاده کند. الکفاح‌العربی می‌افزاید: «حزبالله اجساد سه اسرائیلی که در سال ۱۹۸۲ در نبرد «سلطان‌یعقوب» واقع در دره‌بقاع لبنان مفقود شدند، در اختیار دارد.»

این گزارش در ادامه آورده است: «ارنست اورلاو، میانجی‌آلمانی این مبادله، اعلام کرده است که نیروهای اسرائیلی در مذاکرات خود با وی ادعا کرده‌اند که آزاد در اختیار ایران است و حل اختلافات مربوط به این مبادله، ریشه در ایران دارد و این درحالی است که مقامات دولت ایران هرگونه ادعایی را در مورد در اختیار داشتن رون آزاد رد می‌کنند.»

مقامات مسئول در دفتر حزب الله لبنان در تهران، در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا، از هرگونه تایید یا تکذیب این خبر، خودداری کردند. حزب الله مدتهاست که از طریق ارنست اورلاو، میانجی آلمانی پرونده مبادله اسرا، تلاش کرده تا سرنوشت آزاد را روشن کند. در مرحله نخست مبادله اسرا که ژانویه گذشته انجام شد ۴۰۰ فلسطینی ۳۰ عرب ۲۳ لبنانی و یک آلمانی در مقابل تسلیم جنازه های سه سرباز اسرائیلی و حنان تنینباوم جاسوس این رژیم، آزاد شدند. سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان، ژانویه گذشته در جشن آزادی اسرا اعلام کرده بود: «یکی از بندهای مرحله دوم مبادله اسرا، مربوط به مبادله چهار دیپلمات ایرانی با رون آزاد است و این در صورتی است که اسرائیل سرنوشت این چهارتن را مشخص کند.»

مسئول اطلاع رسانی مرکزی حزب الله لبنان نیز، پیش از این اعلام کرده بود موضوع ربوده شدن چهار دیپلمات ایرانی، در مرحله دوم مبادله اسرا روشن خواهد شد. «حسن عزالدین» در گفت‌وگو با شبکه خبری الجزیره قطر، گفت: «مسئولان ذیربط مشغول پیگیری این مسئله هستند.»

«موشه یعالون»، رئیس ستاد مشترک ارتش رژیم اسرائیل نیز هفته گذشته از پیشرفت در جریان مرحله دوم مبادله اسرا خبر داده بود. خبرگزاری فرانسه، پیش از این به نقل از یک منبع آگاه در حزب الله لبنان اعلام کرده بود که این حزب با همکاری میانجی آلمانی، اقدام به تشکیل دو کمیته حقیقتیاب کرده است که کمیته اول اطلاعات در خصوص رون آزاد را از سال ۱۹۸۶ جمع آوری می‌کند، و کمیته دوم نیز به جمع آوری اطلاعات در مورد چهار دیپلمات ایرانی از سال ۱۹۸۲ می‌پردازد. وی تأکید کرد: «ما اطمینان داریم که این چهارتن در اختیار اسرائیل هستند.»

سایت اینترنتی حماسه

۱۳۸۳/۲/۱۶ = ۶ مه ۲۰۰۴

آزادی زندانیان ایرانی در بند آلمان و مشخص شدن پرونده چهار دیپلمات ایرانی

یک روزنامه لبنانی فاش کرد که پیشرفت مهمی در مرحله دوم تبادل اسرا میان حزب الله و رژیم صهیونیستی حاصل شده است، و به زودی سمیرقنطار مبارز برجسته لبنانی، از زندان های اسرائیل و زندانیان ایرانی در آلمان آزاد خواهند شد و پرونده چهار دیپلمات ایرانی نیز وارد مراحل جدی خود خواهد شد. منابع دیپلماتیک به روزنامه «المستقبل» گفتند:

«کشورهای اروپایی نیز وارد موضوع تبادل اسرا میان اسرائیل و حزب‌الله و خط حمایتی از ارنست اورلاو میان‌جی‌گرآلمانی در کنار دوکشور منطقه‌ای شده‌اند (که یکی از آنها ایران است) که همچنان به نقش موثر خود در این عملیات ادامه می‌دهند. این مرحله شامل آزادی قدیمی‌ترین اسیر حزب‌الله در زندان‌های اسرائیل یعنی سمیر قنطار، آزادی جرج عبدالله از زندان‌های فرانسه و آزادی اسرای ایرانی و لبنانی از زندان‌های آلمان، در مقابل افشای اطلاعاتی در مورد سرنوشت رون آراد، و وضعیت سه‌نظامی اسرائیلی که در درگیری سلطان یعقوب در سال ۱۹۸۲ در دره بقاع لبنان کشته شدند، می‌شود.»

این منابع پیش‌بینی کردند که مرحله دوم، به‌نوبه خود به دو مرحله تفکیک شود، به‌گونه‌ای که در مرحله اول، در مقابل اطلاعات دقیق و حساس و سرنوشت‌ساز در مورد رون آراد، سمیر قنطار آزادشود و در مرحله دوم آن، اجساد سه نظامی اسرائیلی در مقابل آزادی اسرای لبنانی در فرانسه و آلمان، و اسرای فلسطینی و سوری در زندان‌های اسرائیلی، مبادله شده و اطلاعاتی در مورد دیپلمات‌های مفقودشده ایرانی افشا شود. این منابع اعلام کردند حزب‌الله از طریق تماس‌ها و پی‌گیری‌های خود موفق شده است اطلاعات حساس و سرنوشت‌ساز در مورد رون آراد و سه نظامی اسرائیل با همکاری طرف‌های لبنانی و فلسطینی به‌دست آورد. این منابع به این نکته اشاره کردند که حزب‌الله پیش از دادن اطلاعات به اسرائیل، خواستار سمیر قنطار شده بود، مسئله‌ای که میان‌جی‌گرآلمانی در توافق‌نامه مرحله اول تأکید کرده بود و اسرائیل هم باید به وعده‌های خود عمل کند، زیرا در مرحله اول حزب‌الله تأکید کرده بود که آزادی سمیر قنطار نباید به رون آراد مرتبط شود. این در حالی است که آرییل شارون نخست‌وزیر اسرائیل، روز سه‌شنبه در گفت‌وگو با تلویزیون اسرائیل گفته بود شخصاً پی‌گیر مسئله رون آراد است و با گرایش‌ها و شیوه‌های مختلفی که قبلاً تجربه نکرده بود، در این مسیر حرکت می‌کند. شارون، بهترین شیوه را سری‌ماندن جزئیات آن دانست ولی در عین حال گفت: «من مجبور هستم بگویم ما به نتایج بیشتری دست نیافته‌ایم. تاکنون نه نتایج مثبت و نه منفی، به‌دست نیامده است.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۲/۱۷ = ۷ مه ۲۰۰۴

سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی و ۲۲ سال ابهام

۲۵۶ □ کمین جولای ۸۲

در طی ۲۲ سال گذشته، در مطبوعات اخبار ضدونقیضی درباره گروگان‌های ایرانی منتشر شده است که نگاهی به آنها، فهرستی از عاملین این جنایت ضدبشری را به دست می‌دهد. حمید داودآبادی، در این مقاله مفصل، ضمن معرفی اکثر افرادی که در گروگان‌گیری چهاردیپلمات ایرانی نقش داشته‌اند، از مسئولین امر پرسیده است که چرا کسی سراغ آنان نمی‌رود تا پی‌گیر ماجرا شود؟

(ضمیمه ۴۷)

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۲/۱۹ = ۹ مه ۲۰۰۴

تشکیل کمیته پی‌گیری پرونده چهاردیپلمات ربوده شده کاری تبلیغاتی است
دکتر محسن کمالیان گفت: «پرونده امام موسی صدر در ایران متولی پی‌گیر و دل‌سوزی ندارد و رئیس‌جمهوری افرادی را مامور پی‌گیری این مسئله کرده است که از بدبین‌ترین و کم توجه‌ترین افراد نسبت به ابعاد این قضیه هستند.»

وی از تشکیل کمیته پی‌گیری پرونده چهاردیپلمات ربوده شده نیز به عنوان کاری تبلیغاتی یاد کرد و گفت: «تا اراده جدی برای این قضیه حاکم نباشد، کمیته نیز راه به جایی نخواهد برد.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۲/۲۳ = ۱۳ مه ۲۰۰۴

تهیه طوماری برای پی‌گیری وضعیت چهاردیپلمات ربوده شده ایرانی
سیدراند موسوی، با تشریح فعالیت‌های صورت گرفته برای پی‌گیری وضع دیپلمات‌ها، از تهیه طوماری برای جمع آوری یک میلیون امضا در این رابطه خبر داد. وی افزود: «این طومار برای مقام معظم رهبری، رئیس‌جمهوری و سازمان ملل متحد ارسال خواهد شد و تشکلهای دانشجویی دانشگاه‌های سراسر تهران، با تشکیل کمیته پی‌گیری دانشجویی، از هفته آینده کار جمع آوری امضای این طومار را آغاز خواهند کرد.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۲/۲۹ = ۱۹ مه ۲۰۰۴

۴ دیپلمات ایرانی ربوده شده در لبنان کشته شده‌اند

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۵۷

يك روزنامه صهيونيستي مدعي شد؛ ديپلمات‌ايراني ربنوده شده درلبنان كشته شده‌اند و جسد آنها دريك گودال آهكي دفن شده است. روزنامه هاآرتص نوشت: «اكنون روي اين گودال يك ساختمان بلند ساخته شده است.»

اين روزنامه اعلام‌كرد: «طرف‌اسرائيلي همه اطلاعاتي را كه درخصوص ديپلمات‌ايراني دراختيار داشته‌است، به طرف مذاكره‌كننده آلماني ولبناني كه مسئوليت پي‌گيري سرنوشت ران آزاد را به عهده دارند، داده است.»

به نوشته اين روزنامه، اسرائيل اعلام کرده است: «اين؟ تن به دست فالانژيست‌هاي مسيحي به‌رهبري ايلي حبيقه كه فلسطينيان را دراردوگاه‌هاي صبرا و شتيللا قتل عام كرد، به قتل رسیده اند.»

جام‌جم

۱۳۸۳/۲/۳۰ = ۲۰ مه ۲۰۰۴

چهارديپلمات ايراني در زندان‌هاي اسرائيل به‌سر مي‌برند

الشرق‌الاوسط به‌نقل از كاردارسفارت ايران درلبنان نوشت: «دولت‌ايران برخي مدارك را در دست دارد كه چهارديپلمات‌ايراني در زندان‌هاي اسرائيل به‌سر مي‌برند.»

اين روزنامه چاپ لندن نوشت: «حميدرضا دهقاني، كاردار سفارت ايران درلبنان، اخيرا با خانواده يكي از اسيران لبناني به نام سمير قنطار ديداركرده است و خانواده اين اسير لبناني استقبال گسترده‌اي از كاردارايران و هيئت همراهش كردند»

اين روزنامه به‌نقل از دهقاني نوشت كه ملت‌لبنان و ملت‌هاي عربي و اسلامي مديون قهرماناني چون سمير قنطار هستند. دهقاني در اين ديدار اظهارداشت: «ما بين يهود و صهيونيست‌ها تفاوت قائليم و بايد گفت پديده صهيونيسم براي تمامي بشريت به‌عنوان يك پديده بسيار خطرناك تلقي مي‌شود و صهيونيسم ضد تمام اعتقادات موجود يهوديت است.»

دهقاني درباره ارتباطات موجود جهت آزادسازي ديپلمات‌هاي ايراني گفت: «ما به واسطه وجود سمير قنطار در زندان‌هاي اسرائيل، برخي از مدارك را به‌دست آورديم كه اين مدارك تاكيد مي‌كند چهاربرادر ديپلمات‌ايراني ما، در زندان‌هاي اسرائيل به‌سر مي‌برند و ما هميشه بر آزادسازي اين ديپلمات‌هاي ايراني توسط اسرائيل‌ها تاكيد داريم.»

خبرگزاري ايسنا

۱۳۸۳/۳/۱۶ = ۶ ژوئن ۲۰۰۴

ما بحث شهادت چهاردیپلمات را کاملا منتفی می‌دانیم

سیدراند موسوی با اشاره به اهمیتی که کشورهای خارجی برای اتباع خود قائل هستند، گفت: «درسال‌های گذشته موردی سراغ نداریم که برای دیپلمات‌های ما در خارج از کشور اتفاقی افتاده باشد و دستگاه سیاست خارجی کشورمان در آن موضوع موفق عمل کرده باشد. کشتار دیپلمات‌های ما در مزارشریف، ترور دیپلمات ما در عراق، و همین جریان ۴ دیپلمات در بنداسرائیل، از جمله مواردی است که متأسفانه با ذلت و خواری دستگاه دیپلماسی کشورمان مواجه شده است.»

وی با اشاره به اقداماتی که تاکنون در این جریان صورت گرفته، خاطرنشان کرد: «کارهای بسیاری می‌توان انجام داد و هنوز وزارت خارجه راه‌های متعددی برای پی‌گیری سرنوشت این ۴ نفر در پیش رودارد، اما متأسفانه دستگاه دیپلماسی کشورمان فقط تحرکاتی مقطعی انجام می‌دهد و برای پی‌گیری و استمرار این‌گونه تلاش‌ها، بی‌حال، بی‌حوصله و بی‌رمق است.»

موسوی ضمن بیان این نکته که ما بحث شهادت این ۴ نفر را کاملا منتفی می‌دانیم، افزود: «فلسطینیانی که در زندان‌های اسرائیل اسیر بوده‌اند، هر از چندگاهی خبرهایی از رویت این ۴ نفر داده‌اند و اگر ۲ نفر خبر شهادت آنها را داده باشند، ۱۰ نفر خبر از زنده بودن‌شان داده‌اند.»

فرزند دیپلمات ربوده شده ایرانی اظهار داشت: «سمیر جعجع فرمانده فالانژها که دیپلمات‌ها را در لبنان به اسارت در آورده‌اند و سپس به اسرائیل تحویل دادند، اکنون در زندان‌های لبنان به سر می‌برد و اطلاعات بسیار خوبی در اختیار دارد. اما با توجه به ارتباط بسیار خوب ایران و لبنان و لزوم پی‌گیری جدی این مسئله، هیچ‌کس تاکنون به سراغ او نرفته است.»

خبرگزاری مهر

۱۳ ژوئن ۲۰۰۴ = ۱۳۸۳/۳/۲۳

رئیس‌جمهوری با خانواده‌های گروگان‌های ایرانی دیدار می‌کند

سید محمد خاتمی رئیس‌جمهوری، در آستانه بیست و دومین سالگرد اسارت ۴ گروگان ایرانی، با خانواده‌های آنان دیدار می‌کند. پس از درخواست‌های مکرر خانواده‌های گروگان‌های ایرانی، سرانجام امروز رئیس‌جمهوری با خانواده‌های سیدمحسن موسوی، احمد متوسلیان، تقی رستگار و کاظم اخوان دیدار و گفت‌وگو خواهد کرد. با توجه به تحولات اخیر اسرائیل،

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۵۹

و همچنین تبادل اسرا و شهدای لبنانی و کشته‌های اسرائیلی، این دیدار که در آستانه بیست و دومین سالگرد اسارت این چهار ایرانی صورت می‌گیرد، از اهمیت بسزایی برخوردار است.

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۳/۲۴ = ۱۴ ژوئن ۲۰۰۴

سرنوشت دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی در لبنان باید روشن شود

اعضای خانواده چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی، با سید محمد خاتمی رئیس‌جمهوری دیدار کردند. اداره رسانه‌های ریاست‌جمهوری، اعلام کرد: «در این دیدار، رئیس‌جمهوری از دیپلمات‌های ربوده‌شده به‌عنوان انسان‌هایی مورد اعتماد، فداکار و چهره‌های ارزنده انقلاب یاد کرد و پی‌گیری آخرین وضعیت آنان را وظیفه دولت ایران دانست.»

خاتمی دفاع از ایرانیان خارج از کشور را از اولویت‌های سیاست خارجی کشور برشمرد و تصریح کرد: «مسئولیت رژیم صهیونیستی در زمان اشغال لبنان و اقدام این رژیم در ربودن دیپلمات‌های ایرانی، جنایتی بزرگ و آشکار بود و این رژیم باید نسبت به آن پاسخگو باشد.»

رئیس‌جمهوری گفت: «به‌عنوان رئیس‌جمهوری، برای حل و فصل موضوع دیپلمات‌های ایرانی ربوده‌شده، با عالی‌ترین مقامات سیاسی منطقه گفت‌وگو کرده و از آنها تقاضای کمک کرده‌ام.»

خاتمی همچنین با اشاره به اقدامات کمیته ملی برای شفاف شدن این موضوع، اظهار امیدواری کرد سرنوشت دیپلمات‌های ربوده‌شده هر چه سریع‌تر روشن شود.

این گزارش حاکی است، پیش از سخنان رئیس‌جمهوری، علی ربیعی به‌عنوان مسئول کمیته ملی پی‌گیری وضعیت دیپلمات‌های ربوده‌شده، گزارشی از اقدامات صورت گرفته در این زمینه ارائه داد. همچنین خانواده‌های دیپلمات‌های ربوده‌شده، خواستار تسریع در اقدامات صورت گرفته، شفاف شدن موضوع و اقدامات عملی برای روشن شدن وضعیت دیپلمات‌ها شدند.

جمهوری اسلامی

۱۳۸۳/۳/۲۵ = ۱۵ ژوئن ۲۰۰۴

در سالگرد اسارت چهار دیپلمات ایرانی، اطلاعات مهمی از زنده بودن آنان ارائه خواهیم کرد

۲۶۰ □ کمین جولای ۸۲

سیدراند موسوی اعلام کرد: «در کنفرانسی مطبوعاتی همراه با خانواده‌های چهاردیپلمات ایرانی ربوده‌شده، خبرهای جدید و اطلاعات محکمی از زنده بودن آنان اعلام خواهیم کرد.»

وی گفت: «طی دیداری که با رئیس‌جمهوری داشتیم، وی با سعه‌صدر به درد دل خانواده‌های دیپلمات‌های ربوده‌شده گوش کرد و برای پی‌گیری سرنوشت دیپلمات‌ها قول‌های مساعدی داد. کمیته‌ملی پی‌گیری سرنوشت چهاردیپلمات ایرانی که از سوی دولت تشکیل شده است، فعالیت‌های خوبی داشته و امیدواریم که این پی‌گیری‌ها به صورت جدی‌تر استمرار یابد.»

وی با اشاره به مراحل شکل‌گیری ستاد مردمی پی‌گیری سرنوشت چهاردیپلمات ایرانی، گفت: «هدف از تشکیل این ستاد مردمی، تحمیل فشار تبلیغاتی بر آمریکا و اسرائیل است.»

فرزند دیپلمات ایرانی ربوده‌شده، تصریح کرد: «برای اطمینان خاطر خانواده‌ها و همچنین پی‌گیری و هماهنگی بهتر کارها، از آقای خاتمی خواستیم که خانواده‌های چهار دیپلمات نیز به عضویت کمیته‌ملی پی‌گیری سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی درآیند که مورد موافقت رئیس‌جمهور قرار گرفت.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۳/۳۱ = ۲۱ ژوئن ۲۰۰۴

بخش «نمایشگاه عکس» خبرگزاری ایسنا با مجموعه عکس‌های کاظم اخوان فعالیت خود را آغاز کرد

بخش نمایشگاه عکس خبرگزاری ایسنا، امروز به‌طور رسمی فعالیت خود را آغاز کرد. نخستین سری از عکس‌های منعکس‌شده، مربوط به مجموعه عکس‌های کاظم اخوان از شهید مصطفی چمران است.

خبرگزاری ایسنا

۱۳۸۳/۴/۱۰ = ۱ جولای ۲۰۰۴

طولانی‌ترین گروگان‌گیری دانشجویی را پایان دهید

در آستانه بیست و دومین سالگرد ربوده‌شدن چهارگروگان ایرانی، «کمیته دانشجویی پی‌گیری سرنوشت چهاردیپلمات ربوده‌شده» با صدور بیانیه‌ای خواستار پایان‌بخشیدن به این عمل ضدبشری شد.

هفته‌نامه یالثارات‌الحسین (ع)

فقط لشکر محمد (ص) است که می‌تواند ما را نجات دهد

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۶۱

دو نفر از یاران حاج احمد متوسلیان، خاطرات خود را از ورود نیروهای اعزامی ایران به سوریه و لبنان ذکر کرده‌اند.

هفته‌نامه یالثارات‌الحسین (ع)

۱۳۸۳/۴/۱۱ = ۲ جولای ۲۰۰۴

یادواره بیست و دومین سالگرد ربوده شدن ۴ دیپلمات ایرانی

روابط عمومی «ستاد پاسداشت‌شهادی نهضت‌جهانی‌اسلام» با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد که این یادواره روز شنبه ۱۳ تیرماه در تالار سیدالشهدا (ع) با حضور خانواده‌های اسرای یاد شده و با سخنرانی «حسین شیخ‌الاسلام» نماینده مردم تهران و سفیر سابق ایران در سوریه، سرتیپ سعید قاسمی از یاران حاج احمد متوسلیان، حمید داودآبادی محقق و پژوهشگر و سید رائد موسوی فرزند جاوید الاثر سید محسن موسوی، برگزار خواهد شد.

کیهان

۱۳۸۳/۴/۱۲ = ۳ جولای ۲۰۰۴

شرح فراق در مقبره شهدای شهرری

یادواره چهارجوانمرد خفته در کهف فراموشی و «شرح فراق» ویژه برنامه‌های نکوداشت چهارگروگان ایرانی در بند رژیم صهیونیستی، روزهای ۱۳ و ۱۴ تیرماه برگزار می‌شود. یادواره شهدای گمنام شهرری و بزرگداشت گروگان‌های ایرانی در بند رژیم صهیونیستی و فرمانده اسطوره‌ای دفاع مقدس، شیر در زنجیر، حاج احمد متوسلیان، با عنوان شرح فراق برگزار می‌شود. این مراسم که برگزاری آن به همت بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، موسسه فرهنگی عاشورا، لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) و سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران است، ساعت ۲۱ روز یکشنبه ۱۴ تیرماه در شهرری، میدان نماز، مقبره شهدا خواهد بود.

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۴/۱۳ = ۴ جولای ۲۰۰۴

تا زمانی که تکلیف چهار دیپلمات ایرانی مشخص نشود، تکلیف آزاد هم مشخص نخواهد شد

سیدرائد موسوی خبر روزنامه المستقبل در خصوص آزادی زندانیان ایرانی در آلمان در قبال روشن شدن وضعیت پرونده رون آزاد را جنجورانه خواند. سیدرائد موسوی گفت: «پرونده زندانیان ایرانی، بحثی بین ایران و آلمان است و ربطی به اسرائیل ندارد. قرار است در مرحله دوم تبادل اسرا بین

حزب‌الله و رژیم اسرائیل با میانجی‌گری آلمان، تکلیف آراد و چهاردیپلمات ایرانی مشخص شود و تا زمانی که تکلیف چهاردیپلمات ایرانی مشخص نشود، تکلیف آراد هم مشخص نخواهد شد. آنها دوست دارند این مسئله را طوری مطرح کنند که اطلاعاتی از آراد به دست آورند بدون اینکه اطلاعاتی در مورد چهاردیپلمات ربوده شده ایرانی به ما بدهند.»

وی با بیان این‌که برگه اسرائیلی قابلیت تبادل با برگه‌ای از آلمان ندارد، گفت: «موضوع زندانیان ایرانی در آلمان ربطی به اسرائیل ندارد اما آراد مسئله‌ای بین ایران و اسرائیل و حزب‌الله است.»

موسوی در پاسخ به این سوال که: «آیا پدرتان پس از ربوده شدن، اطلاعاتی به ایران فرستاده است»، گفت: «بله؛ این موضوع درست است؛ ایشان بر روی یک قطعه کوچک از آسترکُت خود، اطلاعاتی را به این شرح نوشته بود: «برادرم! من زنده‌ام.» و امضای این نامه هم «م. م.» بود که اول اسم مادرم و من است.»

پسرسیدم حسن موسوی با بیان این‌که پدرش نامه‌های دیگری نیز با این امضا قبل از انقلاب نوشته بود، گفت: «اگر نامه به اسم خود ایشان بود ممکن بود جعلی باشد، اما دست‌خط و این امضا نشان می‌داد که این نامه را شخص پدرم نوشته است.»

وی با اظهار بی‌اطلاعی از وضعیت مذاکرات کنونی ارنست اورلاو، میانجی آلمانی پرونده مبادله اسرای حزب‌الله و رژیم اسرائیل، گفت: «نماینده ایران در این پرونده آقای علی ربیعی هستند که کمیته‌ای را زیر نظر رئیس‌جمهوری و با حضور تنی‌چند از اعضای وزارتخانه‌های دیگر برای پی‌گیری این موضوع تشکیل داده‌اند.»

خبرگزاری ایلنا

حاج احمد متوسلیان؛ فرمانده اسطوره‌ای و شیر در زنجیر

خبرگزاری مهر به مناسبت سالگرد به گروگان گرفته شدن چهاردیپلمات ایران به دست مزدوران رژیم صهیونیستی، به شرح زندگی حاج احمد متوسلیان پرداخته است.

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۴/۱۴ = ۵ جولای ۲۰۰۴

دیپلمات‌های ایرانی دربند رژیم صهیونیستی

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۶۳

سیدرائد موسوی گفت: «شواهد به‌دست آمده حاکی است که دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی در زندان‌های اسرائیل به‌سر می‌برند.»

موسوی افزود: «اظهارات یکی از زندانیانی که اخیراً از زندان‌های رژیم صهیونیستی آزاد شده، حاکی از این است که چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی، در زندان‌های اسرائیل هستند و این زندانی آزاد شده، سیدمحسن موسوی را از میان عکس‌هایی که به او نشان داده‌شد، شناسایی کرده است.»

جمهوری اسلامی

سرنوشت عزیزان ما را روشن کنید

همزمان با بیست‌ودومین سالگرد ربوده‌شدن چهار دیپلمات ایرانی در لبنان، خانواده این ربوده‌شدگان با صدور بیانیه‌ای خواستار روشن شدن وضعیت آنان شدند. در بیانیه خانواده دیپلمات‌های ربوده‌شده آمده است: «متأسفانه بعد از گذشت این مدت طولانی، کلیه تلاش‌های صورت گرفته برای روشن شدن سرنوشت و آزادی این افراد، بی‌نتیجه مانده است. طولانی شدن این مسئله، قبل از هر چیز، از دوگانگی معیارها در روابط بین‌المللی حکایت دارد و با وجود آن‌که ما خانواده این چهار مسلمان ایرانی، مستقیماً و از طریق دستگاه‌های مسئول کشورمان، به همه محافل بین‌المللی متوسل شده‌ایم، اما هرگز شاهد اقدام موثری از سوی آنها برای بازگشت این عزیزان نبوده‌ایم.»

در بیانیه خانواده چهار دیپلمات ربوده‌شده، در عین حال از تلاش‌های انجام‌شده توسط مسئولان جمهوری اسلامی و مسئولان دولت لبنان برای روشن شدن وضعیت این عزیزان، قدردانی شده است. خانواده دیپلمات‌های ربوده‌شده، روز گذشته با حضور در خبرگزاری جمهوری اسلامی، با «عبدالله ناصری» مدیرعامل ایرنا دیدار کردند.

جمهوری اسلامی

رژیم صهیونیستی مسئول سرنوشت دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی است

هاشمی رفسنجانی، دیروز در دیدار تعدادی از خانواده‌های دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی، با تجلیل از صبر و مقاومت این خانواده‌ها اظهار داشت: «مسئله دیپلمات‌های ایرانی از جمله مسائل حساس و اصلی نظام جمهوری اسلامی ایران است و ما نمی‌توانیم نسبت به سرنوشت این عزیزان بی‌تفاوت باشیم.»

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، با انتقاد از سکوت و عدم پی‌گیری سازمان‌های بین‌المللی در این خصوص، گفت: «رژیم اشغال‌گر قدس مسئول سرنوشت دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی است و باید در قبال این اقدام تروریستی خود پاسخ‌گو باشد.»

در این دیدار آقای سیدحسین موسوی برادر دیپلمات ربوده شده ایرانی، گفت: «شواهدی در دست است که حکایت از اسارت دیپلمات‌های ایرانی در اسرائیل دارد و ما انتظار داریم تا قطعی شدن این موضوع، مجمع بین‌المللی و مسئولان، مراتب را پی‌گیری کنند.»
جمهوری اسلامی

مراسم ویژه پاسداشت ۴ دیپلمات ایرانی دربند رژیم صهیونیستی برگزار شد

مراسم ویژه پاسداشت چهار دیپلمات ایرانی دربند رژیم صهیونیستی، روز گذشته در مرکز فرهنگی هنری سیدالشهداء تهران برگزار شد.
داودآبادی، نویسنده و محقق جنگ، ضمن مرور بخش‌هایی از آنچه که برای دیپلمات‌ها رخ داده گفت: «برخی از ما مسئولان را محکوم به عدم پی‌گیری این ماجرا می‌نمایم، حال آن‌که با بررسی‌هایی که به عمل آورده‌ام، متوجه شدم در بسیاری از ابعاد، نظام پی‌گیری‌ها کرده و می‌کنند.»
سپس خانم «رجایی‌فر»، دبیر ستاد پاسداشت یاد و خاطره چهار دیپلمات دربند اظهار داشت: «امیدوارم با تداوم چنین برنامه‌هایی فرهنگ شهادت طلبی ادامه یابد.»

پس از آن «محمد آقاسی»، شاعر و مداح اهل بیت (ع)، به قرائت قطعاتی از اشعارش و مداحی پرداخت. سپس سردار سعید قاسمی، هم‌رزم حاج احمد متوسلیان، تحت عنوان سه‌تصویر از برادرم احمد، به بیان خاطراتی از احمد متوسلیان پرداخت. سخنران بعدی این مراسم، شیخ الاسلام، نماینده هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی و سفیر سابق ایران در سوریه بود؛ وی در سخنانش به تبیین این مسئله که لبنان چه بود، فلسطین چه بود و پس از انقلاب اسلامی چه شد، پرداخت و افزود: «پیروزی ما در انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان پیروزی شیعیان در لبنان هم تلقی گردید.»

وی سپس به تشریح عملکرد تشکیلاتی چهار دیپلمات ایرانی در لبنان پرداخت و اظهار داشت: «این شجره طیبه‌ای که با خون این برادران بارور شده، بدون شک در فلسطین اسرائیلی‌ها را نابود خواهد کرد.»

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۶۵

پس از سخنرانی شیخ‌الاسلام، سیدراند موسوی ضمن ارائه گزارشی با عنوان گزارشی‌گیری‌ها، گفت: «ضعف اصلی در پی‌گیری ماجرای ربوده‌شدن این عزیزان، از خودمان است و چون این ماجرا، ماجرای خاص می‌باشد، طبعاً پی‌گیری خاص را هم ایجاب می‌کند.»
خبرگزاری ایسنا

سرنوشت ۴ گروگان‌ایرانی را دنبال می‌کنیم

وزیر امور خارجه کشورمان در دیدار با خانواده گروگان‌های ایرانی گفت: «وزارت امور خارجه ایران، فعالیت‌های خود را با جدیت کامل برای روشن شدن سرنوشت گروگان‌ها، ادامه می‌دهد.»
کمال خرازی خطاب به این خانواده‌ها که از سال ۱۳۶۱ پی‌گیر وضعیت گروگان‌های خود هستند، گفت: «طبق شواهد موجود، اسرائیلی‌ها در دستگیری و نقل و انتقال آنها دست داشته‌اند و در این رابطه مسئولیت متوجه آنهاست؛ زیرا که ۴ تن از دیپلمات‌های جمهوری اسلامی شاغل در سفارت ایران در بیروت، در مناطقی به اسارت درآمدند که در اشغال رژیم صهیونیستی بوده است.»
جام جم

بدرقه مسافرگندمگون

«سمیه عبدیایی» در مقاله‌ای در رثای حاج احمد متوسلیان، به بازگویی برخی خاطرات پیرامون وی پرداخته است.
جمهوری اسلامی

۸۰۳۰ روز مظلومیت

در این مقاله کوتاه، به برخی موارد که پی‌گیری آنها می‌تواند به روشن شدن سرنوشت چهار دیپلمات کمک کند، اشاره شده است.
کیهان

۱۳۸۳/۴/۱۵ = ۶ جولای ۲۰۰۴

و این چهارنفر

«محمدعلی آقامیرزایی» در یادداشتی، به شرح آنچه تا کنون درباره سرنوشت چهارگروگان ایرانی از منابع مختلف اظهارشده، پرداخته و خواستار رسیدگی بیشتر به این مسئله شده است.

جوان

دولت لبنان نهایت تلاش را برای پیدا کردن ۴ دیپلمات ایرانی می‌کند

«جان عبید» وزیرخارجه لبنان، در گفت‌وگو با «باشگاه خبرنگاران جوان»، اظهارداشت: «دولت لبنان طی اطلاعاتی که در این زمینه وجود دارد، درصدد پیگیری موضوع است و یکی از کشورها هم در این میان به عنوان میانجی در حال جست‌وجو و تحقیق است.»

وی تصریح کرد: «امیدواریم به نتیجه‌ای عملی که هم برای دولت لبنان و هم برای دولت ایران مفید باشد، دست یابیم تا بدین‌طریق روابط دوکشور را بیش از پیش مستحکم کنیم.»

کیهان

برای آزادی ۴ دیپلمات ایرانی تلاش‌هایمان ادامه دارد

حمیدرضا آصفی سخنگوی وزارت امورخارجه، روز گذشته در جمع خبرنگاران گفت: «وزارت امور خارجه همچنان به تلاش خود برای تعیین سرنوشت این ۴ دیپلمات ادامه می‌دهد و با مقامات لبنانی و طرف‌های دیگر در منطقه هم گفت‌وگوهای متعددی داشته‌ایم. ستادی نیز برای پیگیری این موضوع تشکیل شده است تا از تمام کانال‌های ممکن، این مسئله را دنبال‌کنند. ایران همچنان با دولت لبنان در حال مشورت است و مسئولیت این پرونده را به عهده رژیم صهیونیستی می‌داند.»

جام جم

۱۳۸۳/۴/۱۶ = ۷ جولای ۲۰۰۴

بزرگداشت دیپلمات‌های ایرانی ربوده شده در لبنان

مراسم بزرگداشت دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی، با حضور جمع زیادی از اقشار مختلف مردم شهرری برگزار شد. در این آیین، فرزندسیدمحسن موسوی کاردار ایران در لبنان، درمورد خصوصیات پدر خود و احمد متوسلیان سخنانی ایراد کرد.

تقویت احتمال زنده بودن دیپلمات‌های ایران

«عکاظ» روزنامه چاپ سعودی، به نقل از دبیر مطبوعاتی سفارت ایران در بیروت نوشت: «دیپلمات‌های ربوده‌شده ایران، زنده و در زندان اسرائیل هستند.»

«ابراهیم حرشی»، دبیر مطبوعاتی سفارت ایران در لبنان، در مصاحبه با این روزنامه عربستانی گفت: «خبرهای متداول درباره چهار دیپلمات ایرانی که به زنده بودن و وجود آنان در زندان اسرائیل اشاره دارد، با بسیاری از اطلاعات به دست آمده از سرزمین‌های اشغالی، همخوانی دارد.»

وی افزود: «برخی از زندانیان آزاد شده از زندان‌های اسرائیل، نقل کرده‌اند که چند ایرانی نیز در سلول‌های همجوار آنان زندانی بوده‌اند، کما این‌که برخی از این زندانیان، نیز تأکید کرده‌اند که دیپلمات‌های ایرانی را با چشم خود در زندان‌های اسرائیل دیده‌اند.»

عکاظ به نقل از حرشی افزود: «احمد حبیب‌الله رئیس سابق جمعیت دفاع از حقوق اسرای فلسطینی، گفته بود که در اثنای بازدید از زندان‌های اسرائیل، یکی از مقامات زندان به او گفته است که دیپلمات‌های ایران در یکی از سلول‌های این زندان نگهداری می‌شوند. حبیب‌الله یک هفته پس از فاش ساختن این خبر، کشته شد.»

فرزند حبیب‌الله – که هم‌اکنون ریاست جمعیت مذکور را بر عهده دارد – درباره کشته شدن پدرش گفت: «قتل پدرم، طرحی برنامه‌ریزی شده بود و با خبری که او درباره دیپلمات‌های ایران فاش کرده بود، ارتباط مستقیم داشت.»

روزنامه عکاظ، همچنین به نقل از خانواده‌های دیپلمات‌های ایرانی نوشت: «فرزندان ما زنده‌اند و در مرحله دوم مبادله اسرا بین حزب‌الله و اسرائیل، آزاد خواهند شد.»

این روزنامه ضمن بیان این مطلب که حزب‌الله در ازای این اخبار سکوت کرده و موضعی نمی‌گیرد، به نقل از «خضر نورالدین»، عضو دفتر سیاسی حزب‌الله نوشت: «موضوع دیپلمات‌های ایرانی، بسیار حساس و پیچیده است و این حزب، نسبت به اخباری که در این‌باره فاش می‌شود، مسئول نیست.»

سایت اینترنتی بازتاب

۲۶۸ □ کمین جولای ۸۲

۱۳۸۳/۴/۲۱ = ۱۲ جولای ۲۰۰۴

پدرم زنده است

سیدراند موسوی در مراسم بیست و دومین سالگرد اسارت چهاردیپلمات ایرانی که روزشنبه ۱۳ تیرماه در سالن سیدالشهدای تهران برگزار شد، گفت: «آخرین خبری که طبق تحقیقات برادران حزبالله لبنان مسجل شده و به دست ما رسیده و بسیار امیدوار کننده است، این است که در مبادله اخیر حزبالله با اسرائیل، یکی از آزادشده‌ها، یک قاچاقچی موادمخدر بوده که از لبنان به اسرائیل موادمخدر قاچاق می‌کرده، این فرد بعد از آزادی‌اش می‌گوید: در سال ۱۹۸۹ در حیفا زندان بودم. در آن زندان یک همسلولی داشتیم که می‌گفت ما ۱۸ نفریم و توسط فالانژها دستگیر و به اسرائیل منتقل شده‌ایم و در میان‌مان چهار ایرانی هم حضور داشتند. بعدها این شخص در زندان اسرائیل مسئول پخش غذا می‌شود. وی می‌گفت در یکی از بندها شخصی که می‌آمد غذا را تحویل بگیرد یک ایرانی بود که اندکی زبان عربی می‌دانست. ۳۰ قطعه عکس را می‌گذارند جلوی این راوی و می‌پرسند کدام یک از اینها بود، او درست عکس پدرم را انتخاب می‌کند...»

کیهان

۱۳۸۳/۴/۳۰ = ۲۱ جولای ۲۰۰۴

سرگذشتی سراسرایثار و حماسه

کتاب «آذرخش مهاجر» نوشته حسین بهزاد که به زندگی حاج احمد متوسلیان پرداخته است، روز دوشنبه ۲۲ تیرماه با حضور برخی منتقدین و اهالی مطبوعات، در تالار سیدالشهدا (ع) تهران، مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

ایران

۱۳۸۳/۵/۱۶ = ۷ اوت ۲۰۰۴

اظهار نظر درباره کم‌کاری مسئولین سرگرمی رایجی شده است

محمدعلی صمدی، مسئول کمیته مفقودین ستاد پاسداشت شهدای نهضت جهانی اسلام، در آستانه روز خبرنگار گفت: «همه از کم‌کاری مسئولین در رابطه با پیگیری سرنوشت خبرنگار و دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی سخن می‌گویند و این تبدیل به سرگرمی شده است. متأسفانه با تفکر حزبی که در عرصه مطبوعات حاکم است، فقط کسانی را که در روزنامه‌های حزبی کار می‌کنند خبرنگار می‌دانند و سرنوشت کسانی همچون کاظم اخوان برای آقایان چندان مهم نیست.»

وی با اشاره به برخی فعالیت‌های کمیته‌مفقودین ستادپاسداشت، گفت: «تنها کاری که از دست ما در این کمیته و سایر گروه‌های مشابه برمی‌آید، اعمال فشار بر مسئولین برای روشن شدن سرنوشت این افراد است.»
خبرگزاری مهر

رنجنامه‌ای برای یک خبرنگار

برادر کاظم اخوان، رنجنامه‌ای را در قالب نامه‌ای به برادرش نوشته است: «برادرم ۲۲ سال از ربوده شدن تو توسط نیروهای مزدور وابسته به اسرائیل در لبنان سپری شده است و این اولین نامه به عنوان دوست. شاید از من گله کنی که چرا پس از ۸۰۶۹ روز نامه می‌نویسم. راستش را بخواهی پس از گذشت این همه سال، هنوز هیچ خط و خبر و نشانی از تو به دست نیاورده‌ایم و این نامه‌ای است که اگر از احوال ما جویا باشی. شکر خدا خوبیم و جز دوری بیست و دو ساله تو ملالی نیست. حسن و راضیه و فاطمه نیز به تو سلام می‌رسانند و همچنان چشم انتظارند. درست است که ۲۲ سال گذشته، اما هنوز خاطره حزن این غم جانکاه در لوح ضمیر ما ماندگار و پایدار است. از پدرمان چیزی نگفتم، چرا که او اینک در قید حیات نیست. آری سنگ صبورمان، سال‌ها منتظر پیراهن یوسف‌گم‌گشته خود بود، اما دریغ و افسوس که بدون یافتن خبری از سرنوشت تو، این آرزو را با خود به سینه‌سرد خاک برد. یوسف ما، نمی‌دانم چگونه از اندوه یعقوب بگویم. کاظم جان! فرصت نیست که برای تو شرح‌دهم در این ۲۲ سال، برما چه گذشته است. درد دل اصلی را می‌گذاریم برای وقتی که تو بیایی.

برادر عزیزم! نمی‌دانی در تمام طول این سال‌ها، برما چه گذشته است. گاهی می‌گویند در اسارت اسرائیلی‌ها به سر می‌بری و سندی هم ارائه نکرده‌اند که بدانیم سرنوشت تو چه شده است. شاید تقدیر چنین بوده که بی‌مهری‌های این دوران، عمر تو را در صحیفه روزگار جاودانه‌ترسازد و در پرده‌ماندن سرنوشت غریب تو نیز حکمتی داشته باشد. کتابی که ۸۰۶۹ روز است ورق می‌خورد و البته این از سیاست ما و کسانی که باید پی‌گیر سرنوشت تو باشند و قصور داشته‌اند، نمی‌کاهد. حتی آنانی که به لحاظ حرفه‌ای و اخلاقی و قانونی، باید از حقوق‌حقه تو به‌عنوان یک خبرنگار دفاع کنند، از توجهی درخور و شایسته نسبت به سرنوشت همکار خود کوتاهی کرده‌اند. این تغافل ناشی از چیست، نمی‌دانم. رسم ما ایرانی‌ها شده که پس از اعلام مرگ یا شهادت، درباره شخصیت و فضایل و خدمات انسان‌ها سخن بگویم.

راستی تو نمی‌دانی چرا من این روز را برای نامه نوشتن انتخاب کردم، امروز یعنی ۱۷ مرداد، به مناسبت شهادت یکی از همکارانت درخبرگزاری، به دست عده‌ای کوردل در افغانستان، روز خبرنگار نام گرفته است. این‌نگار بی‌خبر ۸۰۶۹ روزه ما، روزت مبارک باد. امروز روزتوست. روزه‌مه خبرنگارانی که جان‌شان را برکف دست می‌گیرند تا خبرهایی درست و واقعی را به مردم برسانند.

کاظم، امروز روزتوست، تویی که در سال ۱۳۶۱ برای به تصویر کشیدن جنایات رژیم اشغالگر قدس و مقاومت مردم فلسطین و لبنان، به آن سرزمین رفتی و هرگز به خانه بازنگشتی. با اختیار و داوطلبانه و در راستای رسالت خبرنگاری به آن کشور رفتی، هرکجا باشی با مایی. خیلی زود از ما جدا شدی. شهید بزرگوار چمران، گوهری به نام عشق را به تو هدیه داد. آن سر حلقه عشاق جبهه‌های نبرد حق علیه باطل را می‌گویم که نامش و راهش همیشه با ماست و کارنامه او مایه فخر و مباهات همه عاشقان است. تو نیز عاشق شدی و پروانه‌آسا در راه عشق به معبود، بال و پر سوزاندی. تو عاشق پرواز به عالم افلاک و رهایی از تنگنای خاک شدی و پرواز برای تو مکان نداشت. ایران یا لبنان فرقی نمی‌کرد. امروز ما مانده‌ایم با راهی طولانی که پایانش مشخص نیست. سال‌ها در حصار بی‌اعتنایی‌ها بوده‌ایم اما، پنجره توکل همیشه باز است.

برادرم! این حق ماست که از سرنوشت تو آگاه شویم، اما این حق مسلم به دلیل برخی از اغراض سیاسی و شخصی، مخدوش شد و همچنان در بیم و امید زندگی می‌کنیم، آیا سرنوشت تو در تاریکی بازي‌های سیاسی گم شده است؟ کاظم، از آنجا که پدرمان و تو و من، هر سه این توفیق را داشته‌ایم که به عنوان خادم در خدمت زائرین مولایمان علی‌بن موسی‌الرضا (ع) باشیم، نامه‌ای به آن حضرت نوشتم و درخواست کردم که پرونده تو از این بن‌بست فرساینده خارج شود و شکر خدا با لطف آقا چنین شد. چراکه:

- ۱ - امسال در سال پاسخ‌گویی، انتظار برای ما امیدوارکننده‌تر است که مسئولین پاسخگو باشند و از دادن پاسخی روشن طفره نروند.
- ۲ - بالاخره پس از ۷ سال انتظار، موفق شدیم با آقای خاتمی رئیس‌جمهوری ملاقات داشته باشیم و ایشان قول دادند که این موضوع را تا پایان ریاست‌جمهوری خود روشن کنند.

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۷۱

۳ - کمیته‌ای حقیقت‌یاب تشکیل‌شده و موضوع را دنبال می‌کند که البته ما در جریان اقدامات آنها نیستیم.

۴ - پرونده از دست کسانی که تعمداً آن را در هاله‌ای از ابهام قرار داده بودند، خارج شد و به‌کسان دیگری سپرده شده است. خلاصه کنم کاظم!

امسال و درسال پاسخ‌گویی و در روزخبرنگار که با تولد مهربان‌ترین مادر دنیا آن بانوی بی‌نشان همراه شده است، امیدواریم پاسخ‌مان را با یافتن نشانه‌هایی از تو بگیریم. چنین باد.

برادرت حسین

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۵/۱۸ = ۹ اوت ۲۰۰۴

خانواده کاظم اخوان خواستار روشن شدن وضعیت وی شدند

حسین اخوان درگفت‌وگو با ایرنا، خواستار اقدام قاطع‌تر درباره سرنوشت برادر خود شد.

کیهان

۱۳۸۳/۶/۲۸ = ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۴

فرزند دیپلمات ایرانی ربوده‌شده خواستار روشن شدن سرنوشت پدرش شد

رائد موسوی فرزند محسن موسوی کاردار پیشین سفارت ایران در لبنان، خواستار روشن شدن سرنوشت پدرش شد. موسوی در مصاحبه با روزنامه فرامنطقه‌ای الحیات که روز پنجشنبه در بیروت به چاپ رسید، گفت: «مسئولان ایرانی پی‌گیر پرونده روشن شدن سرنوشت پدرش، به او اطلاع دادند که یک لبنانی آزاد شده از زندان‌های رژیم صهیونیستی پدرش را در زندان‌های این رژیم دیده است. بهترین دلیل بر درستی اظهارات این آزاده لبنانی، این است که از میان ۳۰ عکسی که به او نشان داده شد، وی با مشاهده عکس پدرم توانست او را شناسایی کند.»

موسوی بدون اشاره به هویت این فرد لبنانی، اظهار داشت: «مطمئن نیستم که بازگردد نام این آزاده لبنانی کمکی به حل این معضل کند.»

وی با رد برخی مطالب انتشار یافته در رسانه‌های ارتباط جمعی لبنان مبنی بر کشته شدن چهار ایرانی ربوده شده در این کشور، گفت: «اگر این ادعا درست باشد، باید مکان دفن آنان مشخص باشد. هنگامی که این موضوع را با برخی پزشکان ایرانی در میان گذاشتم، آنان تأکید کردند حتی در صورتی که

اجساد با آهک پوشانده شوند، امکان شناسایی هویت پیکرها وجود دارد. روبیر حاتم، از اعضای پیشین گروه نیروهای لبنانی، در کتاب خود که به بررسی جنگ داخلی لبنان پرداخته، به ترور چهار دیپلمات ایرانی اشاره نکرده است و راجی عبدو مسئول پیشین سازمان امنیت لبنان نیز در مصاحبه چندی پیش با هفته نامه الوسط به کشته شدن آنان پرداخته است.»

به گفته موسوی، به دنبال ناپدید شدن ران آراد کمک خلبان رژیم صهیونیستی در جریان تجاوز هوایی به جنوب لبنان در سال ۱۹۸۶ و ناپدید شدن او، چهار دیپلمات ایرانی به اسرائیل برده شدند، حال آنکه ایران بارها از وجود آراد اظهار بی اطلاعی کرده است. وی در پاسخ به این پرسش که آیا ایران از طریق میانجی آلمانی موضوع چهار دیپلمات ایرانی را دنبال می کند، گفت: «ایران این موضوع را از این طریق پی گیری کرده اما تاکنون به مورد و اطلاعات تازه ای دست نیافته است.»

روزنامه الحیات، در ادامه این مصاحبه نوشت: «موسوی در مدت اقامت در لبنان، کوشش خواهد کرد با سمیر جعجع فرمانده پیشین گروه مسیحی تندرو نیروهای لبنانی که در زندان وزارت دفاع به سر می برد، دیدار کند.» موسوی در این ارتباط خاطرنشان کرد: «در دیدار چهار خانواده ایرانی با جعجع در سال ۲۰۰۰ میلادی، مطالب متناقضی در گفته های او دیده شد.» چهار خانواده ایرانی، دوماه پیش انجمن پی گیری سرنوشت چهار دیپلمات ربوده شده ایرانی با هدف تماس با سازمان های بین المللی مدافع حقوق بشر و سازمان جهانی صلیب سرخ تشکیل دادند.

خبرگزاری ایرنا

۱۳۸۳/۷/۵ = ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۴

مسئولان وزارت خارجه هیچ کمکی برای آزادی دیپلمات ایران در عراق نکرده اند

شب گذشته اعضای انجمن حمایت از دیپلمات های ربوده شده، با خانواده «فریدون جهانی» دیپلمات ربوده شده کشورمان در عراق، دیدار و گفت و گو کردند. در این دیدار، پدر فریدون جهانی با اعتراض به چگونگی تلاش مسئولان وزارت امور خارجه برای رهایی فرزندش، گفت: «مگر می شود کنسول کشوری را در یک کشور دیگر بر بایند ولی مسئولان آن کشور، اطلاعی از وضعیت نماینده خود نداشته باشند؟»

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۷۳

«سعیده توسی» همسرفریدون جهانی نیز در این دیدارگفت: «اگر سرنوشت فریدون جهانی نیز به سرنوشت دیپلمات‌های ربوده‌شده در لبنان تبدیل شود، هیچ‌کس به غیر از رئیس‌جمهوری و وزیر امور خارجه که در این راه کوتاهی می‌کنند، مقصر نیست.»

وی از تمامی خبرنگاران خواست تا در دیدارهای خود با مسئولان وزارت امور خارجه، آنها را درخصوص اقداماتشان برای پی‌گیری وضعیت دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی به چالش بکشند. دبیرکل انجمن حمایت از دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی نیز در این دیدار ضمن همدردی با خانواده فریدون جهانی، گفت: «ربودن فریدون جهانی نتیجه اهمال‌کاری‌ها و سیاست‌بازی‌های مسئولان وزارت امور خارجه در پی‌گیری وضعیت دیپلمات‌های ربوده‌شده در لبنان است.»

سیدراند موسوی خاطرنشان کرد: «اگر در آن روز مسئولان وزارت خارجه تلاش جدی‌تری برای اطلاع از سرنوشت دیپلمات‌های خود به خرج می‌دادند، امروز هیچ قدرتی به خود اجازه تعرض به ماموران ایران در خارج از مرزها را نمی‌داد.»

فرزند محسن موسوی دیپلمات ایرانی ربوده‌شده در لبنان، تاکید کرد: «اگر بی‌خیالی مسئولان وزارت امور خارجه به همین صورت ادامه یابد، روزی فراخواهد رسید که هیچ ایرانی‌ای در خارج از مرزها امنیت نداشته باشد.»
خبرگزاری فارس

۱۳۸۳/۸/۲ = ۲۴ اکتبر ۲۰۰۴

پی‌گیری سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی در لبنان در چند سایت و وبلاگ اینترنتی

جهت پی‌گیری وضعیت گروگان‌های ایرانی، خانواده و دوستان آنان اقدام به راه‌اندازی صفحات ویژه در اینترنت کرده‌اند تا به این طریق، هم از اخبار و نظرات دیگران آگاه شوند و هم صدای مظلومیت خانواده این چهارگروگان را به گوش جهانیان برسانند. به همین منظور، خانواده سیدمحسن موسوی سرپرست سفارت ایران در بیروت، اقدام به راه‌اندازی سایتی به این نشانی www.4irani.org نموده‌اند که در آن این مطالب به چشم می‌خورد: «دلایل زنده بودن - خانواده - زندگی نامه گروگان‌ها - اعلام آمادگی برای کمک - ارتباط با ما و...»

۲۷۴ □ کمین جولای ۸۲

همچنین وبلاگی از سوی بستگان کاظم اخوان خبرنگار و عکاس ایرانی، جهت پیگیری وضعیت او و سه همراهش، به این نشانی www.kazemakhavan.persianblog.com راه اندازی شده است که جدیدترین اخبار، اطلاعات و نظرات درباره وضعیت چهار ایرانی اسیر، در آن به چشم می‌خورد.

از سوی گروهی دیگر نیز، وبلاگی به این نشانی www.thewall1.blogspot.com برای انتشار اخبار و اطلاعات گروگان‌های ایرانی راه اندازی شده است. خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۸/۱۱ = ۲ نوامبر ۲۰۰۴

مذاکرات در خصوص سرنوشت زندانیان لبنانی دربند رژیم صهیونیستی ادامه دارد

دبیرکل حزب‌الله لبنان که در جمع شماری از مردم لبنان در بیروت سخن می‌گفت، در ادامه با اصرار شدید برای آزادی تمام زندانیان دربند رژیم صهیونیستی، یادآور شد: «مذاکرات در مورد پرونده اسیران با اسرائیل، از طریق میانجی‌گر آلمانی همچنان ادامه دارد.»

به گزارش الجزیره، حزب‌الله لبنان و رژیم اسرائیل ژانویه گذشته اولین مرحله از مبادله اسیران را پشت‌سر گذاشتند، به طوری که در این مرحله، اسرائیل صدها لبنانی دربند عرب و دوتن از شخصیت‌های بلند پایه حزب‌الله لبنان را در ازای آزادی یک سرمایه‌دار اسرائیلی و جنازه سه سرباز، آزاد کرد. این سه نظامی اسرائیلی سال ۲۰۰۰ به دست نیروهای حزب‌الله لبنان به تلافی تداوم تجاوزات رژیم صهیونیستی به خاک این کشور، دستگیر شدند. در مرحله دوم مبادله اسیران میان اسرائیل و لبنان، باید سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی و سمیر قنطار یکی از قدیمی‌ترین اسیران لبنانی دربند رژیم صهیونیستی، و ران آزاد مشخص شود. یکی از دادگاه‌های رژیم اسرائیل با صدور حکمی، سمیر قنطار را به بهانه کشتن چهار اسرائیلی در سال ۱۹۷۹ به ۵۴۲ سال زندان محکوم کرد.

منابعی در بیروت، ماه می گذشته گفتند: «ران آزاد مرده است و جنازه اش نیز نزد حزب‌الله است.» اما سید حسن نصرالله به کارگردان فیلم مستند آلمانی گفت: «حزب‌الله هرگز آزاد را دستگیر نکرده و وی پس از اینکه به دست شبه‌نظامیان جنبش‌امل دستگیر شد، ناپدید گردیده است.»

این فیلم به اسنادی اشاره می‌کند که سرویس اطلاعات و امنیت آلمان «بی.ان.دی» آورده است که می‌گوید: «ران آزاد پیش از اینکه

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۷۵

در سال ۱۹۹۶ تحویل مسئولان ایرانی در لبنان داده شود، چهار سال قبل خاک لبنان را ترک کرده و سرانجام از طریق سوریه به ایران منتقل شده است.»
یک مسئول وزارت جنگ رژیم صهیونیستی، پیش‌تر مدعی شده بود: «تصور می‌شود ران آزاد زنده است و ایران باید مسئولیت حوادثی را که برای وی رخ داده است، برعهده بگیرد.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۸/۲۳ = ۱۴ نوامبر ۲۰۰۴

برای آزادی چهارگروگان ایرانی دربند اسرائیل بیشتر از این باید تلاش کرد

سیدراند موسوی که در همایش «بیت المقدس» در «دانشگاه علامه طباطبائی» سخن می‌گفت، با اشاره به نحوه اسارت پدر خود در لبنان، اظهار داشت: «اسرائیلی‌ها برای افراد خود اهمیت زیادی قائل هستند به طوری که آنها در جنگ اعراب و اسرائیل، در قبال گرفتن یک اسرائیلی، پنج هزار عرب را آزاد کردند، در حالی که متأسفانه این مسئله در کشور ما کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد.»

شبکه خبر دانشجو

۱۳۸۳/۹/۲ = ۲۳ نوامبر ۲۰۰۴

پایگاه اینترنتی پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی آغاز به کار کرد

سیدراند موسوی گفت: «این پایگاه اینترنتی برای انعکاس اخبار و آخرین اطلاعات و همچنین معرفی و گزارشی از تحولات و جریان‌های پیش آمده در طول ۲۳ سال که از ربوده شدن ۴ دیپلمات ایرانی در لبنان و اسارت آنان دربند صهیونیست‌ها می‌گذرد، آغاز به کار کرده است. وی آدرس این پایگاه اینترنتی را www.asikd.com اعلام کرد و گفت: «معرفی ۴ دیپلمات ایرانی، اخبار مربوط به آنها، شواهد موجود در ارتباط با این موضوع، و تماس با اعضای انجمن، از جمله بخش‌های این سایت اینترنتی می‌باشد که به مرور زمان فعالیت آن گسترده‌تر خواهد شد.»

وی با اشاره به این که مراجعه‌کنندگان به این سایت می‌توانند به عضویت آن درآیند، افزود: «در صفحه نخست این سایت اینترنتی آمده است: ما از کلیه اشخاص و مقامات و سازمان‌های جهانی که در این مورد اطلاعی دارند، و یا می‌توانند برای آزادی عزیزان ما تلاش کنند، خواستاریم کمک خود را از ما دریغ نکنند؛ شاید این انتظار طولانی به پایان رسد.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۹/۲۰ = ۱۱ دسامبر ۲۰۰۴

گزارش‌های وزارت امور خارجه درباره سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده شده قانع کننده نیست

«رضا طلائی‌نیک» نماینده «بهار و کبودر آهنگ» و عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس، گفت: «تاکنون گزارش‌های ارائه شده از سوی وزارت امور خارجه و چگونگی استفاده از همه ابزارهای دیپلماسی و سیاسی برای تعیین وضعیت دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی، قانع کننده نبوده است. امنیت نظامیان و کارگزاران رژیم صهیونیستی به مخاطره افتاده است و با توجه به تداوم انتفاضه و آسیب‌پذیری امنیتی رژیم صهیونیستی، اسرائیل با تعیین جایزه ده میلیون دلاری برای هرکسی که خبری در مورد ران آراد بدهد، به دنبال تقویت روحیه نظامیان و کارگزاران خود است. با مقاومت مستحکم و مستمر فلسطینیان در برابر رژیم صهیونیستی، اسرائیل نسبت به ضعف روحی و روانی ارتش و دولت خود بیمناک است و لذا اهمیت دادن به آزادی و کسب اطلاع از وضعیت مفقودان صهیونیستی، برای تقویت روحی و روانی نظامیان و کارگزاران صهیونیستی است.»

طلائی‌نیک تصریح کرد: «برای روشن شدن سرنوشت دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی، متأسفانه اقدامات انجام شده تاکنون کارساز نبوده و به همین علت دولت و وزارت امور خارجه باید از همه ظرفیت‌های مناسب دیپلماسی برای تعیین وضعیت دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی استفاده کند.»

وی با اشاره به این مطلب که طولانی شدن روند بلا تکلیفی دیپلمات‌ها موجب آسیب‌پذیری بیشتر وضعیت این عزیزان خواهد بود، گفت: «کمیسیون امنیت ملی در چند نوبت تاکنون با حضور مسئولان ذیربط، موضوع دیپلمات‌های ربوده شده را بررسی کرده است و در مواضع دائمی مجلس و نمایندگان ملت، از دوره‌های گذشته، لزوم پی‌گیری وضعیت ربوده شدگان ایرانی مطرح بود، اما با توجه برخی مشکلات سیاسی در بین دولت‌های منطقه، شفاف شدن وضعیت دیپلمات‌های ربوده شده با مشکلات خاصی مواجه بوده است.»

وی با بیان این مطلب که همکاری برخی از دولت‌های منطقه و استفاده از همه ظرفیت‌های مناسب دیپلماتیک به تعیین وضعیت دیپلمات‌های ایرانی کمک خواهد کرد، افزود: «ایران با داشتن پشتوانه سیاسی و مردمی مستحکم در لبنان و سوریه و فلسطین و ملت‌های منطقه، باید از همه ظرفیت‌های

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۷۷

دیپلماسی برای شناسایی و آزادی دیپلمات‌های ربوده‌شده اقدام موثر داشته باشد، و به‌طور حتم مجلس همانند خانواده‌های دیپلمات‌ها، برای تاکید و پی‌گیری از دستگاه دیپلماسی کشور، باید قدم‌های موثرتری را بردارد. وزارت امور خارجه باید به‌طور مستمر اقدامات تداومی خود در سطح دیپلماتیک و فعالیت‌های سیاسی و اطلاعاتی نسبت به وضعیت دیپلمات‌های ربوده‌شده را به خانواده‌ها، مجلس و ملت گزارش دهد.»

خبرگزاری مهر

شواهد کاملی وجود دارد که نشان می‌دهد چهار دیپلمات ایرانی زنده‌اند

سیدراند موسوی فرزند یکی از ۴ دیپلمات ربوده‌شده ایرانی که اکنون ۲۳ سال است که خبری از آنان در دست نیست، سیر تحولات و آخرین شواهدی که دال بر زنده بودن آنان است، تشریح کرد.

خبرگزاری مهر

مسئله دیپلمات‌های ربوده‌شده را با اولویت در کمیسیون امنیت ملی دنبال می‌کنیم

«حسین سبحانی‌نیا» عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، گفت: «بحث‌های زیادی در سال‌های گذشته درباره ربوده شدن ۴ دیپلمات ایرانی انجام گرفته است و ما براساس شواهد و قرائنی می‌توانیم این ادعا را داشته باشیم که این دیپلمات‌ها هنوز زنده هستند و در زندان‌های رژیم اشغالگر قدس نگه‌داری می‌شوند. علیرغم آن‌که واقعا پی‌گیری‌های زیادی از سوی وزارت امور خارجه و سایر مسئولین و رسانه‌ها صورت گرفته است، اما رسانه‌های خارجی، تبلیغات ما را درمورد ۴ دیپلمات ایرانی بایکوت می‌کنند. این درحالی است که امروز رژیم اشغالگر قدس برای این‌که بتواند سرنخ‌هایی ولو جعلی، از ران آراد به‌دست آورده و با فضا سازی در محیط بین‌المللی، عملکرد ناصحیح خود را در جنوب لبنان و مناطق دیگر توجیه کند، کارهای تبلیغاتی زیادی به وسیله رسانه‌های فراوانی که در اختیار دارد انجام می‌دهد و رسانه‌ها نیز به این مسئله دامن می‌زنند و از کاه کوه می‌سازند. از آنجا که وزارت امور خارجه برای روشن شدن سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی، نقش اصلی را از طریق رسمی و سیاسی می‌تواند ایفا کند، باید قوی‌تر با این مسئله برخورد کند و نمایندگان سیاسی ما در خارج از

کشور باید توجیه درستی داشته باشند که در یک اقدام هماهنگ، این موضوع را مطرح کرده و به نتیجه برسانند، چرا که ما سرخ‌های قوی‌تری داریم دال بر این‌که دیپلمات‌های ما زنده‌اند. قطعاً این مسئله را با اولویت در کمیسیون امنیت ملی مطرح خواهیم کرد و راه‌کارهای مناسبی را که به نظر برسد موثر خواهد بود، از طریق وزارت امور خارجه پی‌گیری خواهیم کرد و توصیه‌های لازم را به وزارت امور خارجه برای این‌که این مسئله به نحو درستی بررسی و پی‌گیری شود، جزو کارهای اولیه کمیسیون در هفته آینده خواهد بود.»

خبرگزاری مهر

برای روشن شدن سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی قطعاً همه راه‌های نرفته را خواهیم پیمود

«احمد پیش‌بین» نماینده مردم بافت در مجلس و عضو کمیسیون امنیت ملی گفت: «مسئولان کشورمان تاکنون برای روشن شدن سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی ربوده شده تلاش‌های زیادی کرده‌اند و اگر تاکنون راهی باقی مانده باشد که نرفته باشند، قطعاً ما آن راه‌ها را خواهیم پیمود. قطعاً احتمال مطرح شدن مسئله در جلسات آینده کمیسیون زیاد است و قطعاً هرکاری که از دست ما ساخته باشد انجام می‌دهیم. باید پی‌گیری‌ها شدت بیشتری یابد، تلاش بیشتری صورت گیرد و وقت بیشتری صرف پی‌گیری و روشن شدن این جریان شود، چراکه این دیپلمات‌ها برای ما ارزشمند هستند و باید به هر طریق ممکن اخبار و اطلاعات موجود را بررسی کنیم و مطمئن‌ا اگر از تمام ظرفیت ممکن خود در این زمینه استفاده کنیم، راه‌های عملی بهتر و بیشتری در پیش روی خواهیم داشت. مسئله دیپلمات‌ها، در آینده نزدیک در کمیسیون امنیت ملی مطرح شده و بر روی آن بحث و تبادل نظر صورت گرفته و با دعوت از کارشناسان، راه‌های پدید می‌کنیم و من نیز به نوبه خود تلاش می‌کنم تا این موضوع هرچه زودتر در دستور کار کمیسیون قرار بگیرد.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۹/۲۱ = ۱۲ دسامبر ۲۰۰۴

دراولین فرصت موضوع چهار دیپلمات ایرانی را در دستور کار کمیسیون امنیت ملی قرار می‌دهیم

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۷۹

«علاء‌الدین بروجردی» رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس، درباره پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده شده ایرانی که رئیس‌مجلس در دیدار خانواده‌هایشان قول داده بود در دستورکار کمیسیون امنیت ملی قرارگیرد، گفت: «با برادرسید محسن موسوی صحبت شده و قرار براین شد که درجلسه با کمیسیون امنیت ملی، با توجه به این‌که تحقیقات گسترده‌ای انجام داده‌اند، نظراتشان تشریح شود تا کمیسیون به‌صورت جدی پی‌گیر این موضوع شود و تصمیمات مقتضی را اتخاذ کند.»

وی با بیان این‌که قطعاً ما به عنوان کمیسیون امنیت ملی آمادگی داریم که موضوع اسارت ۲۲ ساله سیدمحسن موسوی، احمد متوسلیان، کاظم اخوان و تقی رستگارمقدم را با جدیت دنبال کنیم، تاکید کرد: «هنوز زمان این جلسه مشخص نشده و سعی می‌کنیم در اولین فرصت جریان پی‌گیری پرونده ۴ دیپلمات ایرانی را در دستورکار قرار دهیم.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۹/۲۲ = ۱۳ دسامبر ۲۰۰۴

چرا رسانه‌های کشورمان برای روشن شدن سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی خاموشند؟

«احسان محمدحسینی» رئیس فرهنگسرای پایداری با اشاره به نقش مهم رسانه‌ها در تسریع روشن شدن سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی، گفت: «خیلی از دانشجویان، جوانان و مردم ما اصلاً خبر ندارند که ما دیپلمات‌هایی داریم که ۲۲ سال پیش در لبنان ربوده شده‌اند تا بخواهند مطالبه‌ای برای رهایی آنها صورت بدهند، چراکه سازمان صداوسیما و روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های ما در این زمینه خاموشند. متأسفانه طی سال‌های گذشته از سوی مقامات مسئول کشورمان برای روشن شدن هرچه سریع‌تر سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده شده، حرکت خاصی انجام نشده است و کارهایی که تاکنون انجام شده، بیشتر خودجوش بوده و توسط تشکل‌های مردمی صورت گرفته است. فقط همه‌ساله در ۱۴ تیرماه، وزارت امور خارجه دستگاه‌های تحت‌امر، نهایتاً بیانیه‌ای در محکومیت این جنایت صهیونیست‌ها و نیروهای فالانژیست صادر می‌کنند، که به نظر من این حرکت‌ها بسیار مقطعی، بی‌تاثیر و خنثی است، در حالی‌که مثلاً صهیونیست‌ها برای زنده نگه داشتن یاد ران‌آراد، کارهای بزرگی انجام داده‌اند و کارهای آنها بیشتر جنبه تبلیغی روانی در بین خانواده‌های اسرائیلی و یهودی دارد. چند سال است که در فلسطین اشغالی،

صهیونیستها سرمایه‌های غذا معمولاً یک صندلی را به‌یاد ران آزاد خالی می‌گذارند، به این معنا که جای ران آزاد در بین همه خانواده‌های یهودی و اسرائیلی خالی است، و ازسویی کارهای بزرگ روانی و تبلیغی دیگر مانند جشن‌تولد ران آزاد، برگزاری مراسم‌ها و برنامه‌های مختلف با نام و یاد او برگزار می‌کنند و به هر ترتیب می‌خواهند با کارهای تبلیغاتی و رسانه‌ای و عملیات روانی، برای زنده نگه‌داشتن یاد این خلبان ارتش‌اشغالگر اسرائیلی تلاش کنند. مسئولان باید گزارش دهند که تاکنون چه کارهایی انجام شده و به چه نتیجه‌ای رسیده‌اند، بالاخره این ۴ نفر یا شهید شده‌اند و یا اسیرند، که همین گزارش می‌تواند حداقل مردم را قدری آرام کند. یک نهضت تبلیغی، اطلاع‌رسانی و عملی برای این قضیه نیاز است تا بتوانیم به نتیجه برسیم و آنهایی که در امر تبلیغ و اطلاع‌رسانی می‌توانند نقشی ایفا کنند، باید بسیج شوند و تشکلهای متعدد دانشجویی کشور نباید بیکار باشند و شروع به حرکت، بازخواست و مطالبه کنند و سازمان‌های دولتی اقدام و حرکت کنند و از هر طریق که شده، در این نهضت سهیم شوند.»

احسان محمدحسینی خاطرنشان کرد: «ما در فرهنگسرای پایداری سعی می‌کنیم کارهای بزرگی را در این زمینه تدبیر کنیم و با همکاری مراکز، گروه‌های فرهنگی، تشکلهای دانشجویی و اطلاع‌رسانی به مجموعه‌های خبری، بتوانیم این کارها را رفته رفته اجرایی کنیم.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۹/۲۳ = ۱۴ دسامبر ۲۰۰۴

پیشنهاد بسیج اینترنتی امت اسلام برای پایان دادن به اسارت ۲۲ ساله چهاردیپلمات ایرانی

«محمدحسن قدیری ابیانه»، کارشناس مدیریت استراتژیک، گفت: «یکی از راه‌هایی که برای طرح و پیگیری ماجرای این چهاردیپلمات وجود دارد، استفاده از اینترنت است، یعنی هرکسی که با اینترنت در ارتباط است و امکان دسترسی به آن را دارد، می‌تواند از این امکان برای پیگیری سرنوشت این چهارنفر استفاده کند و با ایمیل زدن به سازمان‌های حقوق بشر، رسانه‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و شخصیت‌های جهانی، می‌تواند بهترین پیگیری‌ها را انجام داد و خواستار روشن شدن سرنوشت آنان شد. در بعد تبلیغاتی، ما آن فعالیت لازم را برای پیگیری سرنوشت ۴ دیپلمات

ربوده شده ایرانی درلبنان، انجام ندادیم و در این زمینه، هم دستگاه‌های دولتی مسئول هستند و هم دستگاه‌های غیردولتی و رسانه‌ها و سازمان‌های غیردولتی. در رابطه با کار رسانه‌ای، باید گفت که صهیونیست‌ها در این زمینه یک ابرقدرت واقعی هستند که در سایر کشورها نیز نفوذ دارند و اداره خیلی از کشورهای غربی را هم با این تبلیغات خود برعهده گرفته‌اند و در مقابل، ما در ایران از نظر تبلیغاتی خیلی ضعیف عمل کردیم و از امکاناتی که در اختیار داشتیم در این زمینه به خوبی استفاده نکردیم. یکی از دلایل این کم‌کاری شاید به این دلیل باشد که خیلی‌ها منتظرند که فقط دولت همه تبلیغات را برعهده بگیرد، ولی اگر در این رابطه این تصور که دفاع در مقابل تهاجم دشمن و یا حمله تبلیغاتی به دشمن، فقط برعهده دستگاه‌های اداری و دولتی است، برچیده شود، آنگاه راه برای ابتکار باز خواهد بود.»

وی با اشاره به این مطلب که برای روشن‌شدن هرچه سریع‌تر سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی، خیلی کارها می‌توان انجام داد و با پی‌گیری، یاد آنان را زنده نگاه داشت، گفت: «ما بر زنده بودن ۴ دیپلمات ایرانی دربند رژیم صهیونیستی تاکید داریم و قطعاً این اسرائیل است که باید پاسخگو باشد، و ما از هیچ کوششی در این زمینه نباید فروگذار کنیم.»

این کارشناس مدیریت استراتژیک گفت: «امروز از امکانات زیادی می‌توان استفاده کرد، به‌جای اینکه از یک موضع انفعالی عمل کنیم، باید در تبلیغات از یک موضع تهاجمی برخوردار بود و در همین راستا من بسیج اینترنتی امت اسلامی را برای پی‌گیری آزادی ۴ دیپلمات ایرانی پیشنهاد می‌دهم، چراکه امروزه برای طرح‌مسائل و دیدگاه‌ها و برای دفاع در مقابل تهاجم دشمن واتخاذ موضع تهاجمی در مقابل دشمنان ایران و اسلام، لازم نیست حتماً در خارج از مرزها حضور پیدا کنیم، بلکه اینترنت و رسانه این امکان را به ما می‌دهد که از طریق آن در همه جا حضور داشته باشیم.»

وی با اشاره به وظیفه دولت لبنان در پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی، افزود: «ما مرتب باید از دولت لبنان و مقامات آن بخواهیم که این موضوع را فراموش نکرده و به دنبال آن باشند. خانواده‌های ۴ دیپلمات دربند رژیم اشغالگر قدس، می‌توانند محور و مرکزی باشند که هرگز نگذارند این موضوع فراموش شود و در این زمینه باید همواره فعال باشند.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۱۰/۱ = ۲۲ دسامبر ۲۰۰۴

نباید از مسئولیت دولت‌لبنان در مورد سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده‌شده چشم‌پوشی کرد

سیدراند موسوی با اشاره به تاسیس انجمن حمایت‌از دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی، گفت: «طی چندماه گذشته، ما به‌عنوان خانواده‌های این دیپلمات‌ها تشکلی تحت عنوان انجمن حمایت‌از دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی تشکیل دادیم که اساس کار ما این است که به حرکت‌هایی که خانواده‌ها انجام می‌دهند انسجام بدهیم. درکنار آن، درملاقاتی که با مسئولان کشور داشتیم، ازطرف آقای‌خاتمی یک کمیته‌ملی دراین زمینه تشکیل شد و قولی هم داده بود که تا آخر دوره ریاست‌جمهوری تکلیف این موضوع را روشن‌کند که البته این کمیته درحال انجام اقداماتی است و بی‌انصافی است اگر بگوییم کاری نکردند، اما پی‌گیری‌های آنان خیلی‌کند است. دیدارهایی نیز با مسئولان صلیب‌سرخ داشتیم که صلیب‌سرخ به اسرائیلی‌ها مراجعه کرد، اما چیزی به‌دست نیاورد، ولی در نتیجه به ما گفتند که اگر شما به ما اطلاعات خاصی بدهید، ما می‌توانیم آن را پی‌گیری و منتقل کنیم، و آخرین ملاقات ما نیز با آقای «حداد عادل» بود که قرار شد این موضوع را در دستورکار مجلس‌هفتم قرار داده و از کمیسیون امنیت‌ملی مجلس پی‌گیری منسجم این جریان را آغازکنند. درآن ده‌سال اول که پی‌گیری‌های منسجمی انجام شد، صحنه لبنان صحنه درگیری و جنگ‌بوده و امنیت وجودنداشته، به‌همین دلیل تحقیقات درستی انجام نشد، اما اکنون درلبنان امنیت حاکم است و افراد مختلفی درلبنان هستند که به نوعی در این پرونده دخیل هستند و اطلاعات‌خوبی دارند و باید هرچه سریع‌تر به سراغ آنان رفت. لازم است کمیته‌ای شکل‌بگیرد که افرادی که دراین کمیته هستند، به صورت منسجم فقط روی این موضوع کارکنند و واقعا یک کمیته جست‌وجوی قوی درلبنان شکل بگیرد، چراکه اکنون برخی منابع اطلاعاتی درلبنان وجود دارد که در ۲۰ سال‌پیش که پی‌گیری‌های اولیه شروع شد، آن منابع اطلاعاتی وجود نداشته است و باید با توجه به منابع اطلاعاتی جدید، آن اتفاقاتی را که دقیقا درآن صحنه افتاده، بررسی‌کرد. در کارهایی که اکنون انجام می‌شود، فقط مهره‌های‌درشت را انتخاب می‌کنند، ولی واقعا دراین مورد باید به‌سراغ کسانی که حتی یک درصد هم احتمال دارد که اطلاع یا سرنخی داشته باشند، رفت و به هیچ‌وجه نباید از آن گذشت، و لازمه این کار این است که درهمان

صحنه لبنان که این اتفاق افتاده، باید یک گروه‌کاری حضور داشته باشد و گروهی حقیقتیاب شکل‌بگیرد که ریاست آن با ایران باشد و گروه‌ها و کشورهایایی که در این پرونده به‌نوعی دخیل هستند با ایران همکاری‌کنند. ما نباید از مسئولیت دولت‌لبنان در این پرونده چشم‌پوشی کنیم، چون بالاخره این دیپلمات‌ها در لبنان بودند و در این کشور مأموریت داشتند و از لحاظ حقوقی مسئولیت‌مستقیم این جریان با دولت‌لبنان است، یا لبنان باید رسماً اعلام کند که آنان به اسرائیل منتقل شده‌اند و اگر فرضاً بخواهد بحث شهادت را مطرح کند، باید با دلیل و مدرک باشد و دولت‌لبنان نباید از زیر این موضوع هم شانه خالی‌کند و می‌تواند با تشکیل یک گروه تحقیق و تفحص، کمک شایانی به آزادی ۴ دیپلمات ایرانی کرده و تکلیف ما را روشن‌کند. هرکدام از حرکت‌هایی که ما برای پی‌گیری سرنوشت این ۴ دیپلمات انجام می‌دهیم، تاثیر بسیار زیاد و موثری بر روند تحولات دارد و حتی می‌توان گفت حرکت‌هایی که اخیراً اسرائیل در مورد ران آراد انجام داده است، در واکنش به پی‌گیری‌های جدید ما بوده است، پس هر حرکت هر چند کوچک ما، بسیار با اهمیت است.»

وی در تشریح میزان اهمیت ران آراد برای اسرائیلی‌ها، گفت: «در ملاقات «شیرین عبادی» با «ژاک شیراک»، تنها درخواست ژاک شیراک به عنوان رئیس‌جمهوری فرانسه، از شیرین عبادی، این بود که جریان آزادی ران آراد را پی‌گیری کند و حتی خانواده ران آراد نیز با شیرین عبادی دیدار کردند و این نشان‌دهنده اهمیتی است که ران آراد برای صهیونیست‌ها دارد.»

موسوی با بیان این‌که کار دل‌سوزانه‌ای برای پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی انجام نمی‌شود و برای به‌نتیجه رسیدن کار نباید حتی از کوچکترین سرنخی گذشت، گفت: «سرنخ‌های بسیار زیادی وجود دارد که نیاز به پی‌گیری و امکانات دارد که ما به‌عنوان خانواده نمی‌توانیم این مسئله را مستقیماً پی‌گیری کنیم و پی‌گیری آن نیاز به دل‌سوزی دارد، یعنی باید یک نفر درد داشته باشد تا به‌صورت مستمر پی‌گیر جریان باشد. برای سامان‌دادن به فعالیت خانواده‌های این ۴ دیپلمات، انجمن حمایت از دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی را تاسیس کردیم و اولین حرکتی که در چارچوب کار انجمن انجام دادیم، حضور فعال اعضای انجمن در راهپیمایی روز قدس بود که بازتاب بسیار خوبی داشت و در آن برنامه دفتر یادبود و فرم‌هایی بین مردم توزیع شد که برای آزادی این ۴ نفر چه باید کرد. از آنجا که نهادهای

مردمی کارشان این است که حرف مردم را منتقل کنند، اکثریت برای آزادی دیپلمات‌های ربوده شده، مقابله به مثل را پیشنهاد کرده بودند. شاید تا چندسال گذشته شرایط اجتماعی آن‌چنان فراهم نبود که بتوانیم به عنوان یک نهاد مردمی، مسائلی این‌چنینی را مطرح کنیم، تا جایی که حتی در شهرستان‌ها استقبال گسترده‌ای از جریان پی‌گیری سرنوشت دیپلمات ربوده شده ایرانی وجود دارد و خیلی‌ها هستند که در شهرهای مختلف به شدت پی‌گیر این مسئله هستند. تنها نقطه‌ای که می‌توان گفت یکسری ایرانی لطمه مستقیم از اسرائیل خوردند، همین دیپلمات هستند و اگر توجه کنید، اسرائیلی‌ها هر جا که بخواهند ایران را بکوبند، ران آراد را علم می‌کنند تا ایران را مورد تهدید قرار دهند. پس، از آنجایی که یکی از اصول انقلاب ما حرکت‌های ضد اسرائیلی بوده و با توجه به انگیزه‌های ضد اسرائیلی در مسئولین و مردم کشورمان، جادارد موضوع دیپلمات ربوده شده ایرانی در بند اسرائیل به عنوان خط اول حرکات ضد اسرائیلی ما قرار بگیرد.»

خبرگزاری مهر

۲۳ دسامبر ۲۰۰۴ = ۱۳۸۳/۱۰/۲

رسانه‌های کشورمان باید عزم ملی و مطالبه جدی خود را برای روشن شدن سرنوشت چهار دیپلمات آغاز کنند

«پرویز امینی» سخن‌گویی «اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه‌های سراسر کشور» گفت: «رسانه‌ها در برابر بعضی از مسائل نه‌چندان مهم، بسیار پرطمطراق و پرسر و صدا وارد میدان می‌شوند، در حالی که در برابر مسئله‌ای همچون بحث اسارت ۲۲ ساله دیپلمات ایرانی در بند اسرائیل، رسانه‌های کشورمان باید عزم ملی و مطالبه جدی خود را آغاز کنند. تشکل‌های دانشجویی باید این مسئله را در دستور کار و اولویت اولیه خود قرار دهند و ظرفیت‌ها و اعتماد حوزه عمومی و اجتماعی جامعه را برای پی‌گیری این مطالبه پی‌گیری کنند.»

امینی با اعلام آمادگی تشکل خود، تاکید کرد: «ما از خودمان چیزی نداریم و هر چه داریم از این سمبل‌های استقامت و پایداری است، و قطعاً هر ظرفیت انرژی که در مجموعه داشته باشیم، برای رهایی دیپلمات ایرانی در بند اسرائیل به کار خواهیم بست.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۱۰/۵ = ۲۶ دسامبر ۲۰۰۴

مسئله ۴ دیپلمات‌ایرانی در هیئت‌رئیس‌ه کمیسیون امنیت‌ملی مطرح شد

«کاظم جلالی» نماینده شاهرود و مخبر کمیسیون امنیت‌ملی مجلس، با اشاره به پی‌گیری مسئله ۴ دیپلمات‌ایرانی، گفت: «در جلسه هفته‌گذشته هیئت‌رئیس‌ه کمیسیون امنیت‌ملی مجلس، تصمیم گرفته‌شد که نسبت به مسئله ۴ دیپلمات‌ایرانی بررسی‌گسترده و دقیقی داشته باشیم، چراکه این مسئله برای مجموعه مسئولان ما بسیار مهم است. در این جلسه مقرر شد که به‌زودی جلسه‌ای در کمیسیون امنیت‌ملی تشکیل شود و از مراجع‌مسئول خواسته شود که از آخرین اطلاعات و اخباری که در مورد این مسئله وجود دارد، گزارشی ارائه کنند و از برخی از نزدیکان این عزیزان که خود راسا پی‌گیر پرونده عزیزان‌شان هستند، بخواهیم که در کمیسیون با آنان نیز جلسه داشته‌باشیم و امیدواریم نهایت جمع‌آوری اطلاعات، ما را به این مسئله برساند که برای پی‌گیری بیشتر این مسئله، چگونه باید مسیر را هموارکنیم. پرونده این ۴ دیپلمات برای مجموعه مسئولان ما بسیار مهم است و قطعاً برای مجلس‌شورای اسلامی، نمایندگان و کمیسیون امنیت‌ملی، دارای اهمیت‌بسیاری است. به‌دلیل تراکمی که در کار کمیسیون امنیت‌ملی وجود داشت، این جلسات در دستورکار این‌هفته قرار نگرفت، اما امیدواریم که بتوانیم در هفته‌های آینده این کار را در جلسه کمیسیون انجام دهیم.»

خبرگزاری‌مهر

۱۳۸۳/۱۰/۷ = ۲۸ دسامبر ۲۰۰۴

سرنوشت چهار دیپلمات باید از طریق مجامع قضائی بین‌المللی پی‌گیری شود

«مرادعلی منصور رضی» نماینده رامیان و آزادشهر در مجلس‌شورای اسلامی، ضمن بااهمیت خواندن پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات‌ایرانی، گفت: «مجلس‌هفتم به‌دنبال این است که تمام دستگاه‌هایی که می‌توانند در این جریان تأثیرگذار باشند، به‌صورت متمرکز، پی‌گیر جدی این جریان شوند و بالاخص دستگاه قضائی باید جدیت بیشتری در این امر مهم داشته باشد و از طریق مجامع قضائی بین‌المللی این موضوع مطرح و پی‌گیری شود. از آنجایی که قرار است دوهفته دیگر مبادله اسرا میان حزب‌الله و رژیم صهیونیستی انجام شود، باید از سوی دولت‌لبنان نیز پی‌گیری‌های جدی‌تری در این جهت صورت گیرد و همچنین گروه دوستی پارلمانی ایران و لبنان نیز نباید از پی‌گیری این‌جریان غافل‌شود.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۱۰/۸ = ۲۹ دسامبر ۲۰۰۴

برای پیگیری سرنوشت چهاردیپلمات دربند به دادگاه بین‌المللی لاهه شکایت می‌کنیم

«عزت‌الله یوسفیان‌ملا» نائبرئیس کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس، گفت: «باید پیگیری مسئولان برای روشن شدن سرنوشت دیپلمات ربوده شده ایرانی تسریع یابد و از طریق کمیسیون قضائی مجلس شورای اسلامی، به دادگاه بین‌المللی لاهه شکایت می‌کنیم. انتظار ما این بود که از همان ابتدا جمعی مرکب از وزارت امور خارجه، دفتر حقوق بشر و کمیسیون‌های امنیت ملی و قضائی مجلس، این مسئله را در دستورکار دائمی تا رسیدن به نتیجه نهایی قرار دهند و برای رهایی این دیپلمات، تلاش‌دائمی و همیشگی داشته باشند، نه اینکه این فرزندان ایران به فراموشی سپرده شوند تا سالگرد آن فرابرسد. باید مسئولان به اقدامات خود تسریع بخشیده و مطبوعات نیز با تمام توان خود اخبار مربوط به این تبعه ایرانی را پوشش مناسب دهند و کمیسیون‌های مجلس که مرتبط با این موضوع هستند نیز باید پیگیری سرنوشت آنان را در دستورکار جدی و عملی خود قرار دهند. ما نیز در کمیسیون قضائی، این مسئله را پیگیری خواهیم کرد و قطعاً به مجامع بین‌المللی دادخواست‌هایی برای پیگیری این مسئله خواهیم داد، و همچنین ما باید تاکنون به دادگاه بین‌المللی لاهه شکایت می‌کردیم که اگر تاکنون این کار انجام نشده باشد، در اسرع وقت این کار را انجام خواهیم داد.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۱۰/۹ = ۳۰ دسامبر ۲۰۰۴

دلیلی مبنی بر شهادت دیپلمات ایرانی وجود ندارد

«محمدعلی ابطحی» مشاور رئیس‌جمهوری، با تأکید بر این که هیچ دلیلی مبنی بر شهادت دیپلمات ربوده شده وجود ندارد، گفت: «متأسفانه رژیم صهیونیستی خود را به هیچیک از قوانین بین‌المللی متعهد نمی‌داند، اما همه دستگاه‌های مسئول باید برای آزادی چهاردیپلمات، تمام تلاش خود را به کار گیرند. داشتن حساسیت نسبت به شهروندان ایرانی، یکی از ضرورت‌های کل نظام و دولت است که باید به سرنوشت شهروندان ایرانی در همه جا حساس باشد، به خصوص این که سید محسن موسوی، کاظم اخوان، احمد متوسلیان و تقی رستگار مقدم در یک ماموریت رسمی و دیپلماتیک به سر

می‌بردند که ربوده شدند و خانواده‌های آنان کم‌تر می‌توانند فعالیت‌خاصی انجام دهند و بیشتر از کانال‌های رسمی می‌توانند پی‌گیر ماجرا باشند. متأسفانه ۲۲ سال از ربوده شدن این دیپلمات‌ها می‌گذرد و خبرهای متفاوتی از آنان شنیده می‌شود، اما هیچ‌کدام از آنها موثق نیست و به صورت اولیه هم از نظر حقوقی، دلیلی مبنی بر شهادت آنان ارائه نشده، و از آنجا که آنان زنده ربوده شده‌اند، قطعاً زنده‌اند و ما دلیلی مبنی بر شهادت آنان نداریم و لذا تلاشی وسیع برای مشخص شدن سرنوشت دیپلمات‌ها در رژی‌م صهیونیستی، و وظیفه رسمی نظام جمهوری اسلامی است. رژی‌م صهیونیستی در هیچ وضعیتی تا به حال به توافقات، قوانین و قواعد بین‌المللی تن‌نداده و متأسفانه حمایت‌های جهانی از این رژی‌م، باعث شده که عمل به قوانین جهانی و مورد قبول دنیا، در رژی‌م صهیونیستی از بین‌برود و در این ماجرا نیز به دلیل حمایت‌های بین‌المللی از رژی‌م صهیونیستی و تکروری این رژی‌م در مقابله با قوانین بین‌المللی، کار پی‌گیری و تعیین سرنوشت دیپلمات‌ها با مشکل مواجه ساخته است. باید تمام دستگاه‌های مسئول در این زمینه، تمام تلاش خود را به کار گیرند تا وضعیت این ۴ تبعه ایرانی هرچه زودتر مشخص شود.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۱۰/۱۱ = ۱ ژانویه ۲۰۰۵

دستگاه دیپلماسی کشورمان باید ماهانه درمورد پی‌گیری پرونده ۴ دیپلمات ایرانی به افکار عمومی گزارش دهد

«جواد جهانگیرزاده» عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، گفت: «تلاش دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان در رابطه با سرنوشت دیپلمات‌های ایران، خروجی و محصول مشخصی نداشته و هر زمانی که مورد بحث قرار گرفته، مقامات وزارت امور خارجه از اسارت آنها اعلام نگرانی کردند و ابراز امیدواری کردند که با پی‌گیری‌های آنها به جایی برسد، اما در انتها هیچ نتیجه‌ای عاید نشده است. البته مسئولان وزارت امور خارجه، مانند همه ایرانیان می‌خواهند این ۴ نفر را در میهن اسلامی‌مان ببینند، ولی بعضی از موضوعات متأسفانه مشمول گذشت زمان می‌شود و جدیت و اهتمامی که برای پی‌گیری این مسئله باید وجود داشته باشد، به مرور از دست می‌رود. اولین ضرورت این است که دستگاه دیپلماسی و وزارت خارجه کشورمان باید ماهانه گزارش عملکرد خود درمورد پی‌گیری سرنوشت دیپلمات‌ها را به افکار عمومی دهند که کار تاچه مرحله‌ای پیشرفته است و به این وسیله

از مشمول زمان شدن این موضوع جلوگیری کنند. دومین موضوع این‌که، ما باید از همه ابزارهای سیاسی و ارتباطات خارجی خود در این زمینه استفاده کنیم و آنها باید بدانند که این ۴ نفر برای ما بسیار مهم هستند و ما همچنان پیگیر سرنوشت آنها هستیم و این جزئی از حیثیت یک ملت محسوب می‌شود و برای ما خیلی مهم است که این موضوع به نتیجه کامل برسد. موضوع ۴ دیپلمات در بند رژیم صهیونیستی، در کمیسیون امنیت ملی مطرح شده است و قرار است کسانی که در این زمینه مطلع هستند، مورد پرسش قرار گیرند و در کمیسیون در این مورد صحبت کنند و کمیسیون امنیت ملی به صورت جدی به دنبال احیای این موضوع بسیار مهم است.»

خبرگزاری مهر

نامه کنگره شهدا و اسرای دانشگاه‌های جهان اسلام به رئیس سازمان صلیب سرخ جهانی

دانشجویان کنگره شهدا، اسراء و مفقودین دانشگاه‌های جهان اسلام، در نامه‌ای به «جاکوب کلن برگر»، رئیس سازمان صلیب سرخ جهانی، از وی خواستند که تمام توان سازمان صلیب سرخ را برای پیگیری سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده شده ایرانی و آزادی آنان به کار گیرد.

خبرگزاری مهر

نوار بازجویی چهار دیپلمات ربوده شده ایرانی در اختیار فردی در فرانسه است

معاون سابق ایلی حبیقه فرمانده نیروهای فالانژیست لبنان، نواری از بازجویی‌های چهار دیپلمات ربوده شده ایرانی در عصر روز ربوده شدن آنان، در اختیار دارد که حاضر است آن را در اختیار ایران قرار دهد.

یک منبع آگاه در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر، ضمن بیان این مطلب، گفت: «روبیر [روبرت] حاتم - ملقب به کبرا - معاون ایلی حبیقه رئیس نیروهای فالانژیست بوده و بعدها به فرانسه متواری شده است و در آنجا کتابی از خاطرات خود منتشر کرده و تمام جنایات و اقدامات ایلی حبیقه را در آن شرح داده است.»

وی افزود: «کبرا می‌گوید نواری در اختیار دارد که در آن صدای ۴ دیپلمات ایرانی ربوده شده در لبنان، در عصر روز ربوده شدن در هنگام

بازجویی، ضبط شده است و حاضر است این نوار را درقبال مبلغی، در اختیار ایران قرار دهد، اما مسئولین کشورمان ادعاهای روبیر حاتم را، خیال‌پردازی دانسته و هنوز به دنبال این نوار نرفته‌اند.»
این منبع آگاه خاطرنشان کرد: «این نوار می‌تواند مطالب‌مهم و موثری را برای ادامه‌روند پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات‌ایرانی در اختیار ایران قرار دهد.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۱۰/۱۲ = ۲ ژانویه ۲۰۰۵

از عملکرد دولت‌لبنان در پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات‌ایرانی راضی نیستیم
«حمیدرضا حاجی‌بابایی» عضو هیئت‌رئیس‌مجلس و کمیسیون امنیت‌ملی، گفت: «باتوجه به روند مبادله‌اسرا میان حزب‌الله‌لبنان و رژیم‌صهیونیستی، باید جایگاه ویژه‌ای برای ۴ دیپلمات‌ایرانی در این‌رابطه در نظر گرفته شود و این مقوله یکی از محورهای بسیار اساسی بحث در مذاکرات با رژیم‌صهیونیستی از سوی حزب‌الله‌لبنان باشد. از طریق مجامع بین‌المللی نیز باید این مسئله را به صورت جدی دنبال‌کنیم، یعنی دستگاه دیپلماسی کشورمان باید در یک فاز جدید و با قدرت دیپلماسی، بیشتر در این جریان ورود پیدا کند و قضایا را پی‌گیری کند.»

وی با تاکید بر پی‌گیری جدی پرونده ۴ دیپلمات در کمیسیون امنیت‌ملی، افزود: «قطعا تمامی موارد موجود در این پرونده را در کمیسیون امنیت‌ملی مجلس پی‌گیری خواهیم کرد و دولت و وزارت امور خارجه را موظف می‌کنیم که فشارها را برای پی‌گیری این موضوع بیشتر کنند، چرا که دولت‌لبنان در این زمینه کار موثری انجام نداده و قطعا به غیر از فعالیت‌هایی که حزب‌الله‌لبنان در پی‌گیری این مسئله انجام می‌دهد، دولت‌لبنان نیز باید سرنوشت دیپلمات‌هایی را که در تحت‌پوشش امنیت‌ملی او بودند و در سرزمین او مشغول فعالیت دیپلماتیک بودند، پی‌گیری کند.»
خبرگزاری مهر

اقدامات دستگاه دیپلماسی در مورد ۴ دیپلمات ربوده‌شده موثر و کافی نبوده است

«سلمان خدادادی» عضو کمیسیون امنیت‌ملی مجلس گفت: «پی‌گیری پرونده ۴ دیپلمات، در دستور کار کمیسیون قرار گرفته و کمیسیون مصمم است که

۲۹۰ □ کمین جولای ۸۲

مسئولین مربوطه خصوصا وزارت امور خارجه را احضار و روند پیگیری پرونده را جویاشده و تا حصول نتیجه نهایی این مسئله را پیگیری کند. نه تنها مجلس، بلکه دستگاه دیپلماسی کشورمان باید خیلی فعالتر از اینها عمل کند، اما متاسفانه هر سال می بینیم که در سالگرد ربوده شدن این ۴ دیپلمات، تحرکاتی از سوی مسئولان انجام می شود و از طرف خانواده ها نیز ملاقات هایی به عمل می آید و پس از سالگرد، این مسئله دیگر فراموش می شود تا سالگرد بعدی که روزنامه ای مقاله ای در وصف این چهار دیپلمات فراموش شده منتشر می کند، و باز هم طبق همان روال، فراموشی این مسئله ادامه می یابد، به طوری که عدم پیگیری جدی این مسئله، همواره موجب نارضایتی خانواده های این ۴ دیپلمات نیز بوده است.»

خبرگزاری مهر

۱۳/۱۰/۱۳۸۳ = ۳ ژانویه ۲۰۰۵

روبیر حاتم هیچ نواری از بازجویی دیپلمات های ایرانی در لبنان ندارد

روبیر حاتم محافظ سابق ایلی حبیقه فرمانده سابق نیروهای فالانژ لبنان، موضوع داشتن نواری بازجویی دیپلمات های ایرانی و این که وی فروش آن را به ایران پیشنهاد کرده باشد، تکذیب کرد. روبیر حاتم در گفت و گوی تلفنی با شماره امروز روزنامه فرامنطقه ای الشرق الاوسط تاکید کرد: «این خبر کاملا بی اساس است و من چنین نواری در اختیار ندارم تا آن را به ایران بفروشم.»

وی در ادامه خاطرنشان کرد: «من سالها است که کار سیاسی را کنار گذاشته ام.»

یک خبرگزاری ایران [خبرگزاری مهر] روز گذشته به نقل از منابعی رسمی که نام آن را ذکر نکرده بود، نوشت: «حاتم که اخیرا به دلیل چاپ کتابی تحت عنوان «از اسرائیل به دمشق» معروف شده است، نواری بازجویی از دیپلمات های ایرانی ربوده شده در لبنان را که در همان روز بودن آنان تهیه شده، در اختیار دارد و حاضر است آن را به ایران بفروشد.»

خبرگزاری فارس

۱۳۸۳/۱۵/۱۰ = ۵ ژانویه ۲۰۰۵

روزنامه ها آرتص به پیگیری مجددانه منابع ایرانی از سر نوشت ۴ دیپلمات ایرانی واکنش نشان داد

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۹۱

«یوسی ملمان» خبرنگار روزنامه صهیونیستی هاآرتص، مدتی قبل اعلام داشت که منابع سابق فالانژ می‌گویند نواری از بازجویی دیپلمات‌های ایرانی در دست دارند. به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از روزنامه هاآرتص، این روزنامه چندی پیش در واکنش به پیگیری مصرانه منابع مختلف ایرانی درخصوص چهار اسیر ایرانی دربند رژیم صهیونیستی، در مطلبی ادعا کرد: «یک منبع که نخواست نامش فاش شود، به یک خبرگزاری ایرانی که وابسته به عناصر محافظه‌کار کشور است، گفت روبیر حاتم معاون سابق تشکیلات اطلاعاتی فالانژ در لبنان، ادعا کرد که بخشی از نوار ویدئویی بازجویی چهار دیپلمات ایرانی که در طول جنگ لبنان در سال ۱۹۸۲ ربوده و کشته شدند، را در دست دارد.»

هاآرتص در ادامه نوشت: «سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی یکی از نکات اصلی جر و بحث در گفت‌وگوهای میان حزب‌الله و اسرائیل درباره ران آراد بوده است که تاکنون خبر موثقی درباره او منتشر نشده است.»

این روزنامه صهیونیستی ادعا کرد: «ایران در چارچوب گفت‌وگوها از طریق حزب‌الله نماینده خود در لبنان، خواستار اطلاعاتی درباره سرنوشت دیپلمات‌ها به عنوان پیش‌شرط برای هرگونه پیشرفت در گفت‌وگوها شده است.»

طبق گزارشی که روزشنبه منتشر شد، حاتم اظهار داشته که نوار ویدئویی گزارش مستندی از بازجویی چهار دیپلمات است و اطلاعات مهمی درباره سرنوشت آنها به دست می‌دهد. با این همه، گزارش شده است که ایران از خرید نوار به دلیل جعلی بودن خودداری کرده است»

هاآرتص می‌افزاید: «ایرانی‌ها استدلال می‌کنند که چهار دیپلمات دریکی از مراکز ایست‌های بازرسی نیروهای دفاعی اسرائیل دستگیر شدند و بعداً به یک زندان اسرائیلی منتقل شدند.»

اسرائیل در توجیه اقدامات تروریستی خود، می‌گوید که چهار دیپلمات توسط فالانژیست‌های مسیحی که اخیراً توسط ایلی حبیقه رهبری می‌شد و قتل عام در اردوگاه پناهندگان صبرا و شتیلا را انجام داد، دستگیر شدند، ولی از اعلام سرنوشت‌شان که بنا به برخی خبرها به زندان‌های این رژیم منتقل شده‌اند، سرباز می‌زند.

خبرگزاری مهر

چه کسانی از آبگلآلود ماهی می‌گیرند؟

شاید مفقود شدن چهارعزیز ایرانی ۲۲ سال پیش در لبنان، برای خانواده‌هایشان سختی و مرارت بسیاری به همراه داشت، ولی متأسفانه این مسئله مهم، برای بعضی‌ها نان بسیاری داشته است! شاید امروز تعجب کنید و بگویید که «چه وقت این حرف‌هاست؟» ولی کمی تأمل کنید و منصفانه‌تر بنگرید، تا به حقیقت آنچه می‌گویم پی‌ببرید. از یک طرف دعا می‌کنم که ان‌شالله این چهارعزیز زنده باشند و به سلامت به آغوش خانواده‌های محترم و معززانشان برگردند، از طرف دیگر بیشتر دعا می‌کنم که اگر قرار است در این ۲۲ سال دوری و فراق، این عزیزان زیر شکنجه‌های وحشیانه صهیونیست‌ها قرار داشته باشند، خدا کند که همان اول به شهادت رسیده باشند.

در طی این ۲۲ سال، شاهد ماجراهای بسیاری بوده‌ایم. یکی از مهم‌ترین آنها، این است که بعضی ... - نمی‌دانم چه خطابشان کنم - با انتشار اخبار غیرموثق و ساختگی، که شاید در ظاهر برای‌شان سودی هم نداشته باشد، به خیال خودشان تلاش می‌کنند تا مثلاً مسئله چهارگروگان ایرانی به فراموشی سپرده نشود! این‌که مسئله به فراموشی سپرده نشود، حرف درستی است، ولی این‌که به چه قیمت این کار صورت گیرد، مهم است. متأسفانه خانواده این چهارعزیز، درست مثل من و شما، اخبار و اطلاعاتی را دارند که در مطبوعات می‌خوانیم. یعنی این‌گونه نیست که خانواده‌ها از مسئله مطمئن باشند و اصلاً توجهی به آنچه رسانه‌های خبری منتشر می‌کنند نداشته باشند. این اخبار، خیلی بیشتر و بیشتر از این‌که روی من و شما تأثیر بگذارد، بر روحیه و چشم‌انتظاری آنان اثر مثبت یا منفی خود را می‌گذارد.

القصه، روز ۱۲/۱۰/۱۳۸۳ خبرگزاری مهر، خبری منتشر کرد که بسیار جای‌تامل و توجه داشت. متن خبر این بود:

«نوار بازجویی چهاردیپلمات ربوده شده ایرانی در اختیار فردی در فرانسه است

معاون سابق ایلی حبیقه فرمانده نیروهای فالانژیست لبنان، نواری از بازجویی‌های چهاردیپلمات ربوده شده ایرانی در عصر روز ربوده شدن آنان، در اختیار دارد که حاضراست آن را در اختیار ایران قرار دهد.

یک منبع آگاه در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر، ضمن بیان این مطلب، گفت: «روبیر [روبرت] حاتم - ملقب به کبرا - معاون ایلی حبیقه رئیس نیروهای فالانژیست بوده و بعدها به فرانسه متواری شده

روزشمار گروگان‌گیری □ ۲۹۳

است و در آنجا کتابی از خاطرات خود منتشر کرده و تمام جنایات و اقدامات ایلی حبیقه را در آن شرح داده است.»

وی افزود: «کبرا می‌گوید نواری در اختیار دارد که در آن صدای ۴ دیپلمات ایرانی ربوده‌شده در لبنان، در عصر روز ربوده‌شدن در هنگام بازجویی، ضبط شده است و حاضر است این نوار را در قبال مبلغی، در اختیار ایران قرار دهد، اما مسئولین کشورمان ادعاهای روبیر حاتم را، خیال‌پردازی دانسته و هنوز به دنبال این نوار نرفته‌اند.»

این منبع آگاه خاطرنشان کرد: «این نوار می‌تواند مطالب مهم و موثری را برای ادامه روند پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی در اختیار ایران قرار دهد.»

حالا چرا این‌خبر، تعجب مرا برانگیخت:

اول: منبع خبر اصلاً مشخص نیست و درست مثل شایعه‌سازی‌های سیاسی، به ذکر «یک منبع آگاه» بسنده شده است که این روش دیگر در ایران کهنه و نخ نما شده است.

دوم: روبیر حاتم فقط «محافظ» ایلی حبیقه بوده است، نه آن‌گونه که در متن خبر آمده «معاون» او.

سوم: منبع آگاه نگفته است که روبیر حاتم در تماس تلفنی خصوصی با ایشان و یا در گفت‌وگو با خبرگزاری‌ها اعلام کرده است که «حاضر است این نوار را در قبال مبلغی در اختیار ایران قرار دهد»؟

چهارم: این منبع آگاه که حتی خانواده‌های چهارگروگان ایرانی حق شناختن آن را ندارند، از کجا می‌داند که محتوای نوار ادعایی چیست که قاطعانه می‌گوید «این نوار می‌تواند مطالب مهم و موثری را برای ادامه روند پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی در اختیار ایران قرار دهد.»؟

پنجم: این منبع آگاه، پیش از انتشار خبر وجود این نوار، با کدامیک از مقامات نظام و مسئولینی که مسئله گروگان‌ها به آنان مربوط می‌شود، مذاکره کرده که این‌گونه نظام را محکوم کرده و مدعی می‌شود: «مسئولین کشورمان ادعاهای روبیر حاتم را خیال‌پردازی دانسته و هنوز به دنبال این نوار نرفته‌اند.» چون بعد از انتشار این خبر از سوی خبرگزاری‌ها مهر بود که وزارت امور خارجه عکس‌العمل نشان داد، نه قبل از آن.

باتوجه به نکاتی که ذکر شد، کافی است تا نگاهی به خبری که روز بعد یعنی ۱۳/۱۰/۱۳۸۳ «خبرگزاری فارس» منتشر کرد، بیندازید:

«روبير حاتم هيچ نواري از بازجويي ديپلماتهاي ايراني درلبنان ندارد. روبير حاتم محافظ سابق ايلي حبيقه فرمانده سابق نيروهاي فالانژلبنان، موضوع داشتن نواربازجويي ديپلماتهاي ايراني و اينكه وي فروش آن را به ايران پيشنهاد کرده باشد، تكذيب كرد. روبير حاتم در گفتوگوي تلفني با شماره امروز روزنامه فرامنطقه اي الشرق الاوسط تاكيد كرد: «اين خبر كاملا بي اساس است و من چنين نواري در اختيار ندارم تا آن را به ايران بفروشم.»

وي در ادامه خاطرنشان كرد: «من سالها است كه كارسياسي را کنار گذاشته ام.»

يك خبرگزار ايراني [خبرگزار مهر] روز گذشته به نقل از منابعي رسمي كه نام آن را ذكر نكرده بود، نوشت: «حاتم كه اخيرا به دليل چاپ كتابي تحت عنوان «از اسرائيل به دمشق» معروف شده است، نواربازجويي از ديپلماتهاي ايراني ربوده شده درلبنان را كه در همان روز بودن آنان تهيه شده، در اختيار دارد و حاضر است آن را به ايران بفروشد.»

حالا شما قضاوت كنيد كه اين اخبار نسنجيده، چه مي كند با دل پدران و مادران چشم انتظار اين چهار عزيز، و فرزند دل سوخته و همسر منتظر سيد محسن موسوي!

حميد داود آبادي

وبلاگ كاظم اخوان

۱۳۸۳/۱۰/۱۶ = ۶ ژانويه ۲۰۰۵

برای روشن شدن سرنوشت؟ ديپلمات ايراني، بايد حرکت ديپلماتيك جديدي آغاز شود

«منوچهر متكي» عضو كميسيون امنيت ملي و رئيس كميته سياست خارجي اين كميسيون، گفت: «مكانيزم كار كميسيون امنيت ملي براي پيگيري پرونده ۴ ديپلمات ايراني، به روز شدن اطلاعات در تماس و ارتباط مستمر با مسئولان وزارت امور خارجه، برگزاري جلسات مشترك و بررسي راهكارهايي براي سلسله اقداماتي جديد در رابطه با دولتها، كشورها و سازمانهاي بين المللي است تا دريك حرکت ديپلماتيك جديد، بتوانيم در گام اول نسبت به آخرين وضعيت اين ديپلماتها اطلاعاتمان را جمع آوري كنيم و با بهره گيري از اهرمهاي مختلف سياسي، بتوانيم گامي عملي براي آزادي آنان برداريم. كميسيون امنيت ملي در راستاي وظيف خود در ارتباط با روابط خارجي، اين

مسئله را در دستورکار خود دارد و در تماس نزدیک با مسئولان دیپلماسی کشور و وزارت امور خارجه، پی‌گیر است که بتواند از آخرین وضعیت دیپلمات‌های ایرانی اطلاعی را به دست بیاورد و در جهت روشن شدن هرچه سریع‌تر سرنوشت آنان، اقدام جدی به عمل آورد.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۱۰/۱۸ = ۸ ژانویه ۲۰۰۵

تشکیل مثلث خانواده دیپلمات‌های ربوده شده، دانشجویان و رسانه‌ها

«محمد آقارزی» دبیر ستاد مرکزی کنگره شهدا و اسرای دانشگاه‌های جهان اسلام، با اشاره به کم‌کاری وزارت امور خارجه در پی‌گیری سرنوشت دیپلمات ربوده شده ایرانی، گفت: «باتشکیل مثلث خانواده‌های دیپلمات، دانشجویان و رسانه‌ها، به طولانی‌ترین اسارت دانشجویی پایان می‌دهیم. حرکت اولیه تشکیل این کنگره از دانشگاه علم و صنعت تهران آغاز شد که کارهایی فرهنگی با محوریت موضوع شهدای دانشجوی در این دانشگاه انجام شود که متوجه شدیم احمد متوسلیان یکی از دیپلمات ربوده شده ایرانی، دانشجوی دانشگاه علم و صنعت بوده است و تا آن زمان این موضوع مورد غفلت قرار گرفته بود. در پی‌گیری‌هایی که انجام دادیم، به این نتیجه رسیدیم که با توجه به کم‌کاری‌های وزارت امور خارجه در پی‌گیری وضعیت دیپلمات ایرانی که ۲ نفر از آنها دانشجوی هستند، حرکتی دانشجویی با ابعاد گسترده داخلی خارجی می‌تواند بسیار تاثیرگذار باشد و به وسیله این کنگره پلی میان دانشگاه‌های جهان اسلام برای پی‌گیری این‌گونه مسائل و همچنین زنده نگاه داشتن یاد شهدای دانشجوی، ایجاد کنیم. اقدامات قاطع، منسجم و پی‌گیر در سطح داخلی و بین‌المللی در خصوص آزادسازی و روشن شدن وضعیت دوتن از دانشجویان کشورمان یعنی احمد متوسلیان و سید محسن موسوی و همراهان‌شان که در اسارت رژیم صهیونیستی به سر می‌برند و طولانی‌ترین اسارت دانشجویی تاریخ محسوب می‌شود، از جمله مهم‌ترین اهداف این ستاد است. به علت نداشتن پشتوانه مالی و امکانات در این راهی که در پیش گرفته‌ایم، تاکنون مشکلاتی نیز داشته‌ایم، اما با همین وضعیت تاکنون یادواره‌ها، اردوهای دانشجویی و چاپ نشریاتی را در سطح تهران و شهرستان‌ها داشته‌ایم که برنامه‌ریزی برای برگزاری یادواره‌ها و برنامه‌های منسجم دیگر در شهرهای مختلف کشور از جمله برنامه‌های آینده ما خواهد بود.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۱۰/۱۹ = ۹ ژانویه ۲۰۰۵

اگر وزارت امور خارجه پیگیری نکند خودمان اقدام می‌کنیم

موسسه فرهنگی عاشورا با اشاره به عدم پیگیری وزارت امور خارجه برای به دست آوردن نوار بازجویی ۴ دیپلمات ربوده شده ایرانی، در بیانیه ای اعلام کرد، برای به دست آوردن این نوار که سندی مهم برای پیگیری پرونده دیپلمات‌های دربند رژیم صهیونیستی است، در صورتی که وزارت امور خارجه اقدام مقتضی را به عمل نیاورد، خودمان اقدام خواهیم کرد. در این بیانیه با اشاره به خبر منتشر شده در جراید مبنی بر وجود نوار بازجویی ۴ دیپلمات ایرانی در عصر روز ربوده شدن در دست یکی از مسئولان سابق نیروهای فالانژیست که در فرانسه به سر می‌برد و آمادگی وی برای ارائه این نوار به ایران، آمده است: «پس از انتشار این خبر، آقای آصفی اعلام کرد که وزارت امور خارجه این مسئله را پیگیری خواهد کرد، اما متأسفانه گویا پیگیری برای به دست آوردن این نوار همانند پیگیری وزارت خارجه برای روشن شدن سرنوشت این ۴ دیپلمات به دست فراموشی سپرده شده است. شاید دستگاه دیپلماسی کشورمان چندان اهمیتی برای این موضوع قائل نیست و شاید آقایان هنوز احساس نکرده اند که این اسارت به درازا کشیده است و اگر ۲۲ سال دیگر نیز بگذرد، همچنان مسئولان عزیزمان به دادن وعده‌های نادرست و ابراز تاسف بسنده خواهند کرد!»

موسسه فرهنگی عاشورا در بیانیه خود تأکید کرده است: «ما فرزندان خمینی کبیر، به صراحت اعلام می‌کنیم که اگر وزارت امور خارجه همچنان به سهل انگاری خود ادامه داده و بخواهد بیش از این مسئله پیگیری سرنوشت این ۴ تبعه کشورمان و رایزنی برای به دست آوردن نوار مذکور را مورد غفلت قرار دهد، فرزندان انقلابی این مرزو بوم و پرورش یافتگان مکتب حضرت روح‌الله، خود راساً وارد عمل شده و برای روش شدن سرنوشت و ان‌شالله آزادی آنان، هر اقدامی که در داخل و خارج از کشور نیاز باشد، به عمل خواهیم آورد.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۱۰/۲۱ = ۱۱ ژانویه ۲۰۰۵

پرونده چهار دیپلمات ربوده شده ایرانی هرگز در لبنان مختومه نخواهد شد

«عدنان منصور» سفیر لبنان در تهران، در دیدار با دانشجویان عضو کنگره شهدا و اسرای دانشگاه‌های جهان اسلام، درباره پیگیری سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده شده ایرانی، گفت: «روشن شدن سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی، دغدغه اصلی دولت

وملت لبنان است. هرگز این پرونده از نظر دولت و ملت‌لبنان تا تعیین‌سرنوشت برادران دیپلمات ما، مختومه نخواهد شد و امید زیادی داریم که این مسئله در آینده‌ای نزدیک به‌سرانجام برسد. اهتمام و کوشش دولت و ملت لبنان و وسائل ارتباط‌جمعی و مطبوعات‌لبنان نسبت به تعیین‌سرنوشت برادران ایرانی، هیچ‌وقت کمتر از اهتمام و کوشش شما نسبت به قضیه نبوده است. لبنان شاهد یک دوره دشوار جنگ‌داخلی گسترده برای چندین سال بوده است و برادران دیپلمات ما، درچنین شرایطی ربوده‌شدند، و درحقیقت ربودن این 4 دیپلمات، نه‌تنها فاجعه‌ای برای جمهوری اسلامی و ملت عزیزایران، بلکه در درجه اول فاجعه‌ای برای دولت و ملت لبنان بوده است، بخصوص این‌که این برادران جایگاه بسیار ویژه‌ای در قلب تمام‌لبنانی‌ها داشتند و درحقیقت این اقدام ضربه بسیار سنگینی به هر دوکشور بوده است. موضوع ربوده‌شدن برادران ایرانی ما درلبنان، مورداهتمام بسیارگسترده و ویژه دولت و ملت‌لبنان قرار دارد و درتمام دیدارهای رسمی که میان مسئولان بلندپایه دو دولت صورت‌گرفته، این موضوع همواره درصدر گفت‌وگوها قرار داشته و ما این موضوع را موضوع اساسی در روابط دو کشور قلمداد می‌کنیم و دولت‌لبنان از هیچ‌کوششی جهت تعیین‌سرنوشت این 4 دیپلمات ویا دستیافتن به اطلاعاتی که موجب تعیین‌سرنوشت آنان شود، دریغ نکرده و درتمام مناسبت‌ها با استفاده از تمام راه‌کارهای موجود، دراین زمینه اقدام نموده و می‌نماید.»

سفیرلبنان درمقابل خواسته دانشجویان مبنی‌بر بازجویی‌دقیق از سمیر جعجع گفت: «دیدگاه شما در مورد این مسئله بسیار قابل‌توجه است و ما این دیدگاه را حتماً به مسئولان ذیربط در دولت لبنان منتقل و خواسته‌های شما را مطرح خواهیم کرد. لبنان اطلاعات بسیار اندکی پیرامون این موضوع دارد که دستگاه‌های ذیربط و مسئولین این مسئله در لبنان و ایران، در واقع دیدارهای بسیارمستمر و نزدیکی جهت به‌دست آوردن اطلاعات بیشتری پیرامون این‌قضیه داشته‌اند و ما درحقیقت بیشتر از شما دردمند هستیم، بخصوص این‌که شرایط ما بسیار دشوارتر است، زیرا این برادران مهمان ما بودند و ما حقایق و ابعاد ربوده‌شدن یک‌انسان را کاملاً درک می‌کنیم زیرا ما صدها فرد ربوده‌شده داشته‌ایم.»

سفیرلبنان درپاسخ به‌سوالی که چرا دولت‌لبنان پس از پایان جنگ‌داخلی دراین کشور اقدامات قاطعی را برای روشن‌شدن سریع سرنوشت 4 دیپلمات

ربوده شده ایرانی انجام نداده است، گفت: «این موضوع بلافاصله پس از تشکیل دولت لبنان در صدر اهتمام دستگاه قضائی لبنان قرارگرفت و کارآگاهان وقضات خبره ای در این زمینه گزینش شدند و دستگاه قضائی نیازمند دریافت اطلاعات کافی درباره این موضوع است تا این که بتواند در این زمینه تحقیقات و بازرسی های کاملی را انجام بدهد.»

عدنان منصور بابیان این نکته که موضوع روشن شدن سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده شده ایرانی برای ما بسیار حائز اهمیت است، افزود: «دولت لبنان از تمام راه کارها و ظرفیتهای موجود جهت تعیین سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده شده ایرانی استفاده خواهد کرد و در این راه هرگز از پا نخواهد نشست تا این که سرنوشت این عزیزان که در کشور ما امانت بودند را روشن کند. برای روشن شدن سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی، مبادله اطلاعات و تماس میان سران دولتهای دو کشور به طور مستمر و لحظه به لحظه ادامه دارد و به همان میزان که سرنوشت این ۴ دیپلمات در ایران بسیار حائز اهمیت است به همین میزان بلکه بیشتر، برای ما اهمیت دارد.»

خبرگزاری مهر

مطالبات دانشجویان ایرانی از سفیر لبنان برای پیگیری سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی

جمعی از دانشجویان پیگیر سرنوشت دیپلمات های ربوده شده ایرانی در لبنان، در دیدار با سفیر این کشور در تهران، مطالبات خود را در این زمینه مطرح کردند و خواستار انتقال این مطالبات به دولت لبنان شدند. محمد آقارضا دبیر ستاد مرکزی کنگره شهدا و اسرای دانشگاه های جهان اسلام، گفت: «۲ نفر از ۴ دیپلمات ایرانی دانشجوی بودند و ما به عنوان دانشجویان ایرانی، پیگیری سرنوشت این دونفر و به طور کلی ۴ دیپلمات ربوده شده ایرانی را وظیفه شرعی، عقلی و انسانی خود می دانیم. از آنجایی که این ۴ دیپلمات در خاک لبنان ربوده شده اند و مسئولیت حقوقی حفاظت از جان آنان بر عهده دولت لبنان بوده است، ما در دیدار با سفیر لبنان، مطالبات خود را به صورت شفاف مطرح کرده و از سفیر لبنان خواستیم مطالباتمان را به دولت لبنان انتقال دهد.»

وی مطالبات دانشجویان از دولت لبنان در پیگیری سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده شده ایرانی در این کشور را این گونه بیان کرد:

۱ - ما می‌خواهیم بدانیم که دولت‌لبنان در پی‌گیری سرنوشت این دیپلمات‌ها، به‌صورت رسمی چه اقداماتی انجام داده و چه برنامه‌ای برای روشن‌شدن سرنوشت این ۴ نفر در آینده دارد.

۲ - دولت‌لبنان باید تحقیق و تفحص و جست‌وجویی جدی در خاک‌لبنان انجام دهد و نتایج جست‌وجوی خود را رسماً اعلام کند.

۳ - سمیر جعجع یکی از سرکردگان نیروهای فالانژیست که در سال ۶۱ نیروهایش اقدام به ربودن ۴ دیپلمات ایرانی کرده‌اند، اکنون در زندان‌لبنان اسیر است، اما در مورد چهار دیپلمات ایرانی از اوبازجویی نشده است و ما خواستار آنیم که گروهی ایرانی با حضور در لبنان، از سمیر جعجع بازجویی حرفه‌ای کنند تا حقایق ماجرا توسط یکی از شاهدان عینی این آدم‌ربایی روشن شود.

۴ - دولت‌لبنان باید کمیته‌ای ویژه برای پی‌گیری این پرونده تشکیل دهد و نتایج پی‌گیری‌های این کمیته در مقاطع زمانی مشخص، به افکار عمومی و علی‌الخصوص دولت‌ایران و خانواده‌های این عزیزان گزارش شود.

۵ - هم‌زمان با حضور فعال و تلاش بی‌وقفه حزب‌الله لبنان برای طرح مسئله ۴ دیپلمات ربوده‌شده ایرانی در مبادله اسرا میان حزب‌الله و رژیم صهیونیستی، دولت‌لبنان می‌تواند با پی‌گیری این مسئله از جانب دولت‌آلمان که واسطه این تبادل است، این مسئله را به‌صورت جدی مطرح کند.

خبرگزاری مهر

کمیسیون‌های مجلس موضوع چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی را پی‌گیری می‌کنند

«سید علی ریاض» نماینده تهران و عضو کمیسیون اصل‌نود، با تأکید بر تشکیل کمیته‌ای متشکل از نهادهای مسئول برای پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده‌شده، اعلام کرد کمیسیون‌های مرتبط با این موضوع در مجلس، این موضوع را در دستورکار جدی خود قرار می‌دهند. وی گفت: «بارها شاهد بودیم که برای پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی، کمیته‌هایی از سوی رئیس‌جمهوری یا سایر ارگان‌های ذیربط تشکیل می‌شود و گاه و بی‌گاه این خبر تلنگری می‌خورد، ولی متوقف می‌شود و متأسفانه پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی، روند پویایی نداشته است. به‌نظر می‌رسد تشکیل کمیته‌ای مشترک و فعال مرکب از کمیسیون امنیت ملی مجلس، وزارت امور خارجه و شورای عالی امنیت ملی، می‌تواند این موضوع را به‌صورت جدی و مستمر مورد پی‌گیری قرار دهد و خانواده‌های این ۴ دیپلمات نیز باید از همه راه‌کارهای قانونی، شکایت خود از این

۳۰۰ □ کمین جولای ۸۲

آدم ربایي را به سازمان‌های حقوق بشر و مراجع ذیربط بین‌المللی ارجاع دهند.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۱۰/۲۲ = ۱۲ ژانویه ۲۰۰۵

کنگره شهدای عرصه خبر سرنوشت کاظم اخوان را پیگیری کند

فرهنگسرای پایداری، با صدور بیانیه‌ای، ضمن مغتنم دانستن تشکیل «ستاد کنگره شهدای عرصه خبر»، از مسئولان این کنگره خواست که پیگیری وضعیت کاظم اخوان یکی از ۴ ایرانی دربند رژیم صهیونیستی، باشند. در بیانیه فرهنگسرای پایداری، ضمن گرامی‌داشت یاد و خاطره شهدای عرصه خبر، آمده است: «سال‌های طولانی است که کاظم اخوان خبرنگار و عکاس خبرگزاری ایرنا، در اسارت رژیم ددمنش صهیونیستی است و برخلاف همه قوانین متعارف و اصول انسانی، خانواده و بازماندگان این عزیز که همراه با حاج احمد متوسلیان، سید محسن موسوی و تقی رستگار مقدم ۲۲ سال پیش، در لبنان به اسارت نیروهای فالانژیست درآمدند، از سرنوشت و وضعیت آنها بی‌خبر هستند. فرهنگسرای پایداری، برگزاری کنگره شهدای عرصه خبر را فرصت مغتنمی می‌داند که این کنگره همان‌گونه که سال گذشته در اولین بیانیه خود بر پیگیری وضعیت کاظم اخوان تاکید کرده بود، امسال پیگیرتر از سال گذشته، از نهادهای مسئول بویژه وزارت خارجه جمهوری اسلامی، وضعیت این خبرنگار را پیگیری کند و شواهدی که این روزها نشان از زنده بودن آنهاست را پیگیری نماید و نتیجه را به ملت ایران بویژه خبرنگاران و روزنامه‌نگاران اعلام نماید.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۱۰/۲۵ = ۱۵ ژانویه ۲۰۰۵

منتظر ارائه گزارش‌ها به کمیسیون امنیت ملی هستیم تا مسئله ۴ دیپلمات را پیگیری کنیم

«علاء الدین بروجردی» رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی، گفت: «کمیسیون منتظر است تا گزارشات و جمع‌بندی‌هایی که تاکنون در مورد پیگیری سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده شده ایرانی انجام شده است، ارائه شود تا بر همان مبنا این مسئله را پیگیری کند. از افرادی که تحقیقات گسترده‌ای را پیرامون این موضوع انجام داده‌اند دعوت کرده‌ایم تا در کمیسیون حضور

روزشمار گروگان‌گیری □ ۳۰۱

یابند و بلافاصله با اعلام آمادگی این افراد، ما این مسئله را در دستورکار هفتگی کمیسیون قرار خواهیم داد.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۱۰/۳۰ = ۲۰ ژانویه ۲۰۰۵

گزارش‌های پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی به شورای عالی امنیت ملی می‌آید

«حسین موسویان» رئیس کمیته سیاست خارجی شورای عالی امنیت ملی، با اشاره به این مطلب که گزارش‌های پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده شده به شورای عالی امنیت ملی می‌آید، بر استمرار پی‌گیری‌ها تا روشن شدن سرنوشت این ۴ تبعه کشورمان، تاکید کرد. وی گفت: «وزارت امور خارجه در سال‌های گذشته و حتی امروز، به صورت فعال در حال پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده شده است و دستگاه‌هایی که به نحوی با مسائل لبنان مرتبط هستند نیز این جریان را پی‌گیری می‌کنند. این مسئله مربوط به مجموعه نظام است و به صورت اساسی وجدی دنبال می‌شود تا تکلیف نهایی آن روشن شود. گزارش‌های پی‌گیری سرنوشت دیپلمات‌ها، به این شورای می‌آید و از آنجا نیز توسط دستگاه‌های ذیربط پی‌گیری می‌شود و همه دستگاه‌های مرتبط، فعال هستند و این مسئله به صورت مستمر در دستورکار پی‌گیری است اما گاهی این پی‌گیری‌ها خبری می‌شود و گاهی خبری نمی‌شود.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۱۱/۲ = ۲۲ ژانویه ۲۰۰۵

پی‌گیری سرنوشت چهار دیپلمات ربوده شده از سوی مسئولان کشورمان مهجور مانده است

«سید مهدی موسوی» عضو شورای مرکزی کنگره شهدا و اسرای دانشگاه‌های جهان اسلام، با اشاره به کم‌کاری مسئولان کشورمان و نهادهای بین‌المللی، گفت: «پی‌گیری سرنوشت چهار دیپلمات، از سوی مسئولان کشورمان مهجور مانده است. رژیم صهیونیستی برای خلبانش که یک جنایتکار و در حال بمباران لبنان بوده که مفقود شده است، اقدامات بسیاری انجام داده است. مثلاً در سالروز تولد ران آراده، به کودکانی که دنیا می‌آیند، هدیه ران آراده داده می‌شود. در سالگرد ازدواجش، به کسانی که ازدواج می‌کنند هدیه ران آراده داده می‌شود و در رژیم صهیونیستی که ۴ میلیون یهودی دارد، طوماری با یک میلیون امضا برای ران آراده جمع شد و وزارت خارجه این رژیم، از طریق سفرا و نمایندگان، و نیز رئیس این رژیم، از طریق لابی‌های صهیونیستی،

۳۰۲ □ کمین جولای ۸۲

زیر فشار قرار می‌گیرد که نتیجه پی‌گیری سرنوشت ران آزاد به کجا رسیده است.»

خبرگزاری مهر

۱ فوریه ۲۰۰۵ = ۱۳۸۳/۱۱/۱۲

با استفاده از رایزنی‌های بین‌المللی، پرونده ۴ دیپلمات ایرانی را پی‌گیری می‌کنم

«محسن رضایی» دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، بر استفاده از امکانات و ظرفیت‌های بین‌المللی بر پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده شده تاکید کرد. کاندیدای احتمالی ریاست جمهوری، گفت: «به‌طور جدی پرونده ۴ دیپلمات ربوده شده را پی‌گیری می‌کنم. ما امکانات بین‌المللی خیلی خوبی داریم که می‌توانیم با دست گذاشتن روی آن امکانات، طرف‌های روبه‌روی این پرونده، از فالانژهای لبنان گرفته تا کشورهای دیگر، بخواهیم تا جواب‌های روشن و مشخصی را برای مردم و خانواده‌هایشان ارائه دهند.»

وی با تاکید بر برنامه‌ریزی منسجم برای پی‌گیری این پرونده، فرارکردن اسرائیلی‌ها از پاسخ دادن به این قضیه را، یکی از عوامل مهم مبهم ماندن این پرونده دانست.

خبرگزاری مهر

۳ فوریه ۲۰۰۵ = ۱۳۸۳/۱۱/۱۴

برای پی‌گیری وضعیت چهار دیپلمات ایرانی به لبنان می‌روم

وزیر امور خارجه که در «دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه»، به پرسش‌های خبرنگاران پاسخ می‌گفت، درمورد سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی اظهار داشت: «امیدواریم که در مرحله دوم که قرار است کمیته‌ای تشکیل شود، این موضوع بررسی شده و وضعیت این دیپلمات‌ها روشن شود. من برای پی‌گیری موقعیت چهار عزیزمان به‌زودی به لبنان سفر کرده و این مسئله را از نزدیک پی‌گیری می‌کنم.»

جمهوری اسلامی

۱۷ فوریه ۲۰۰۵ = ۱۳۸۳/۱۱/۲۸

کوتاهی در پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی؟

۲۲ سال از ربوده شدن ۴ دیپلمات ایرانی در لبنان به دست نیروهای فالانژ می‌گذرد و در این سال‌ها، نقل‌قول‌های فراوان و البته گاه متناقضی درمورد سرنوشت این چهارتن صورت گرفته است، اما در حال، شواهد موجود حکایت

روزشمار گروگان‌گیری □ ۳۰۳

از انتقال این ۴ نفر به زندان‌های رژیم صهیونیستی دارد. در این میان، نگاهی به نتایج حاصله در مورد پی‌گیری سرنوشت این ۴ دیپلمات ربوده شده و نیز عملکرد دستگاه دیپلماسی و سایر نهادهای کشورمان برای روشن شدن سرنوشت آنان، نکاتی را به ذهن متبادر می‌سازد که البته در مورد دستگاه دیپلماسی کشورمان چندان هم دواز انتظار نیست:

۱- سید محمد خاتمی رئیس‌جمهوری، در اوایل آغاز به کار دولت خود، قول روشن شدن سرنوشت این ۴ نفر تا پایان دوره ریاست جمهوری خود را داده بود، که در این راستا گام‌هایی همچون تشکیل کمیته پی‌گیری از سوی دولت صورت گرفت، اما در هر حال جناب آقای خاتمی اکنون واپسین ماه‌های ریاست جمهوری خود را سپری می‌کند و نه تنها در این مدت پی‌گیری‌ها استمرار نیافته، بلکه هنوز هیچ‌خبر جدیدی از سرنوشت سید محسن موسوی، تقی رستگار مقدم، احمد متوسلیان و کاظم اخوان به دست نیامده است.

۲- با وجود آن‌که به نظر می‌رسد کمیته دولت برای پی‌گیری این مسئله، اقدامات چندان موثری انجام نداده است، اما این کمیته باید به افکار عمومی کشورمان و نیز خانواده‌های چشم‌انتظار این عزیزان گزارش دهد که دقیقاً در طول این سال‌ها، چه اقداماتی برای روشن شدن سرنوشت این ۴ دیپلمات ایرانی صورت گرفته و چه تمهیداتی برای ادامه پی‌گیری‌ها تا حصول نتیجه‌نهایی اندیشیده شده است.

۳- با توجه به اخبار منتشر شده در رسانه‌ها، به نظر می‌رسد نکات و سرنخ‌های بسیار زیادی برای پی‌گیری این مسئله وجود دارد که تاکنون هیچ‌کس به سراغ آنها نرفته، و شاید تاکنون این سرنخ‌ها از دید آقایان مخفی مانده باشد، اما با توجه به بدیهی بودن آنها، وجود چند مورد از این سرنخ‌ها و عدم پی‌گیری مسئولان کشورمان، نظریه مخفی‌ماندن این موارد از دید مسئولان کشور نمی‌تواند درست باشد. از جمله این موارد می‌توان به سمیر جعجع از سرکردگان حزب فلالانژ در زمان ربوده شدن ۴ دیپلمات، اشاره کرد که اکنون در زندان لبنان اسیر است و با توجه به روابط برادرانه ایران و لبنان، هنوز حتی يك بازجویی درست و حرفه‌ای در مورد این ۴ دیپلمات از وی به عمل نیامده است. و یا کشف نوار بازجویی ۴ دیپلمات که گفته می‌شود نزد فردی در فرانسه است، علیرغم قول مساعد آصفی سخن‌گوی وزارت امور خارجه، برای پی‌گیری آن، گویا این مسئله نیز هیچ پی‌گیری‌ای را در بر نداشت.

۴- در تمام کمیته‌ها و گروه‌هایی که از سوی دستگاه‌های دولتی و نهادهای ذیربط برای پی‌گیری این مسئله گمارده شده‌اند، نقطه‌ضعف مشترکی وجود دارد که به راحتی و باتدبیر مسئولان امر، می‌شد و همچنان نیز می‌توان، آن را مرتفع کرد. مسئله این است که همه افرادی که برای پی‌گیری این مسئله گمارده شده‌اند، دارای مسئولیت‌ها و مشغولیات ذهنی متعدد هستند و فقط می‌توانند قسمتی از وقت خود را برای پی‌گیری این مسئله مهم اختصاص دهند و همین نقص، باعث به وجود آمدن پی‌گیری‌های مقطعی و عدم استمرار حرکت‌ها در جهت روشن شدن سرنوشت ۴ دیپلمات گردیده است و شاید تاکنون یک گروه کاری خاص فقط برای پی‌گیری این موضوع، تشکیل نشده است.

۵- طی سال‌های اخیر، خانواده‌های گروگان‌ها، حرکت‌ها و پی‌گیری‌هایی را برای روشن شدن سرنوشت عزیزان‌شان صورت داده‌اند، اما این پی‌گیری‌ها نیز به دلیل در اختیار نداشتن ابزارهای لازم برای پی‌گیری مسئله‌ای با این حجم و اهمیت، تاکنون ناکام مانده است.

۶- دانشجویان و رسانه‌ها نیز برای پی‌گیری و حصول نتیجه در پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده شده، دارای جایگاه خاص و نقش بسزایی هستند که البته تشریح این جایگاه، مجال مفصل‌تر می‌طلبد.

در حال، به نظر می‌رسد حرکت‌های مقطعی و یک‌جانبه، دیگر برای پی‌گیری چنین مسئله مهمی، پاسخگو نیست و باید تدبیری در جهت ائتلاف همه نهادهای مسئول و کسانی که می‌توانند در این زمینه اقدامی عملی انجام دهند، صورت گیرد تا پس از ۲۲ سال، به فضل خداوند متعال شاهد آزادی ۴ دیپلمات ربوده شده باشیم.

سایت اینترنتی حماسه

۱۳۸۳/۱۲/۱۲ = ۲ مارس ۲۰۰۵

تلاش برای روشن شدن سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی را جزو وظایف اولیه خود می‌دانم

علی‌اکبر ولایتی، مشاور مقام معظم رهبری در امور بین‌الملل و کاندیدای احتمالی انتخابات ریاست جمهوری آینده، تلاش برای روشن شدن سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده شده را جزو وظایف اولیه خود دانست. وی گفت: «مسئله سرنوشت چهار دیپلمات ربوده شده، یکی از طولانی‌ترین و مهم‌ترین پرونده‌های عرصه سیاست خارجی کشورمان است. با استفاده از راه‌کارهایی که برای پی‌گیری این پرونده وجود دارد، حتما مسئله روشن شدن سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی را پی‌گیری خواهیم کرد. هرایرانی که در هر جای جهان

روزشمار گروگان‌گیری □ ۳۰۵

اسیرباشد، و یا مشکلی برای او پیش آمده‌باشد، ما جزو وظایف اولیه خود می‌دانیم که مشکل آنها را برطرف کرده و اسرایی مانند این چهارعزیز را برهانیم.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۱۲/۱۵ = ۵ مارس ۲۰۰۵

دیپلمات‌های ایرانی قطعاً کشته شدند. خودم به سوی احمد متوسلیان تیراندازی کردم

روزنامه یدیعوت‌آحارونوت، به نقل از فرمانده محافظان ایلی حبیقه رهبر نیروهای فالانژیست سابق لبنان، ادعا کرد: «تمام دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی کشته شده اند و اجساد آنها در دره‌ای در کوه «بسکنتا» پرت شدند که به آن «دره جمجمه‌ها» هم گفته می‌شود.»

منابع اسرائیلی فاش کردند: «سازمان جاسوسی اسرائیل موساد، اقدام به استخدام «روبیر حاتم» ملقب به کبرا، که یک افسرانیتی در دستگاه اطلاعاتی نیروهای فالانژیست سابق لبنان به فرماندهی ایلی حبیقه بود، کرده است تا از وی برای کمک به حل مسئله رون آزاد استفاده کند که اسرائیل دستیابی به اطلاعاتی درباره وی را شرط اجرای مرحله دوم تبادل اسرا با حزب الله قرار داد، زیرا کبرا از سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی اطلاع دارد و تاکید کرده است همه آنها کشته شده اند.»

روزنامه یدیعوت‌آحارونوت به نقل از کبرا در مصاحبه‌ای که با وی در پاریس انجام داد، نوشت: «چهار دیپلمات ایرانی که در سال ۱۹۸۲ در بیروت ربوده شدند، قطعاً کشته شدند و شاید بتوان گفت که من به سوی یکی از این دیپلمات‌ها که احمد متوسلیان می‌خواندش، تیراندازی کردم.»

اظهارات حاتم، از ادعای اسرائیلی‌ها مبنی بر این که دیپلمات‌های ایرانی کشته شده اند و در اختیار تل‌آویو نیستند، دفاع می‌کند. منابع اسرائیلی ادعا می‌کنند ایران تاکنون با اتمام مرحله دوم تبادل اسرا میان اسرائیل و حزب الله، به خاطر اعتقاد تهران به وجود دیپلمات‌های ربوده شده در بازداشتگاه‌های اسرائیلی، مخالفت می‌کند. روزنامه یدیعوت‌آحارونوت هیچ اشاره‌ای به زمان انجام این گفت‌وگو یا زمان استخدام حاتم در سازمان موساد که به نوشته این روزنامه وی به عنوان فرمانده نیروهای گارد شخصی ایلی حبیقه عمل می‌کرد، نکرده است.

کبرا در گفت‌وگو با این روزنامه گفت: «در حال این چهاردیپلمات زنده نیستند. این یک مسئله قطعی است. ما اجساد آنها را در چاه‌های آهک مجاور ساختمان شورای جنگ نیروهای فالانژ انداختیم و پس از یک ماه، یکی از محافظانم از حبیقه دستوری برایم آورد که باید این چاه‌ها را به سرعت پاکسازی کنیم. چهار کامیون، محتویات این چاه‌ها را که اجساد چهاردیپلمات ایرانی نیز در آن وجود داشت، به کوه بسکنتا در شمال لبنان منتقل کردند و محموله را در دره پرپیچ و خم خالی کردیم که از آن زمان تاکنون، به آنجا دره جمجمه‌ها گفتیم.»

کبرا به گفته خود، اقدامات کثیف زیادی برای حبیقه انجام داده است از جمله قتل و اعمال شکنجه و جاسازی مواد منفجره و باج‌خواهی و سرقت و غیره. به نوشته این روزنامه، کبرا در کار کثیف ربودن زنان زیبا برای حبیقه هم فعالیت می‌کرد. منابع اسرائیلی به این اشاره کردند که اظهارات کبرا در این گفت‌وگو، به یک گزارش مرکزی و فوق‌العاده مهم در تلاش‌هایی که اسرائیل برای حل مسئله رون آراد انجام می‌دهد، تبدیل شده است، زیرا مشخص شده است که کبرا در قتل چهاردیپلمات و پنهان کردن اجساد آنها، مشارکت کرده بود.

منابع اسرائیلی گفتند «ایران از آغاز دهه نود، با پیشبرد مذاکرات مربوط به سرنوشت رون آراد، به ادعای اینکه اسرائیل چهاردیپلمات ایرانی را از سال ۱۹۸۲ در زندان‌های خود اسیر کرده است، مخالفت می‌کند.»

روزنامه یدیعوت آحارونوت یادآوری کرد: «حاتم دوگزارش را به سازمان جاسوسی اسرائیل داده است که اولی در سال ۱۹۹۴ میلادی و دومی را در سال ۲۰۰۰ میلادی تقدیم کرده است که در این دو گزارش گفته است: «شاید بتوان گفت که به یکی از دیپلمات‌ها که نامش احمد متوسلیان بود، تیراندازی کرده بودم.»

زمان انتشار این‌مصاحبه و اطلاعات مربوط به آن، سوالات متعددی را در سایه آنچه که اکنون صحنه لبنان شاهد آن است، علاوه بر افشای مکان حضور حاتم، به وجود آورده است.

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۱۲/۲۱ = ۱۱ مارس ۲۰۰۵

اسرائیل می‌خواهد با ادعای کشته شدن ۴ دیپلمات ایرانی به دست فالانژها، خود را تبرئه کند

روزشمار گروگان‌گیری □ ۳۰۷

حمید رضا حاجی‌بابایی، عضو هیئت‌رئیس مجلس شورای اسلامی، با اشاره به تلاش رژیم صهیونیستی برای القای این‌مسئله که چهاردیپلمات ربوده‌شده ایرانی در سال ۱۳۶۱ کشته‌شده‌اند، گفت: «اخبار و مستنداتی که به دست ما رسیده، حاکی از این است که چهاردیپلمات ربوده‌شده ایرانی زنده و دربند رژیم صهیونیستی هستند و با توجه به این‌که رژیم صهیونیستی در یک فشار بین‌المللی قرار گرفته، می‌خواهد با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای، این‌گونه القاء کند که این چهارنفر کشته‌شده‌اند. اسرائیل می‌خواهد فشارهای بین‌المللی موجود بر روی خود را، با ادعای کشته‌شدن ۴ دیپلمات به دست نیروهای فالانژ، کاهش دهد تا بتواند آزادانه به ادعای واهی زنده‌بودن و پی‌گیری سرنوشت ران آزاد بپردازد و در این راه از مهره‌های مختلفی همچون نیروهای فالانژیست استفاده می‌کند.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۳/۱۲/۲۲ = ۱۲ مارس ۲۰۰۵

به چهارفرزند رشید ایران ظلم شده است

دکتر «علی لاریجانی» نماینده مقام معظم رهبری در شورای عالی امنیت ملی و کاندیدای احتمالی نهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری، گفت: «برای پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده‌شده، باید روی افکار عمومی خارج از کشور تاثیر بگذاریم. در زمانی که بنده در سازمان صداوسیما خدمت می‌کردم، در رسانه‌های ایرانی که در خارج از کشور برنامه پخش می‌کردند، به کرات راجع به مسئله ۴ دیپلمات ایرانی برنامه ساخته و پخش شده است و این نشان از اهمیت این موضوع نزد مسئولان رسانه ملی جمهوری اسلامی ایران دارد. روشن‌شدن سرنوشت مبهم ۴ دیپلمات ربوده‌شده پس از ۲۲ سال، نیاز به یک دیپلماسی فعال دارد تا به نتیجه برسیم و این مشکل تنها با کار رسانه‌ای قابل حل نیست. اصل پی‌گیری سرنوشت این عزیزان را لازم می‌دانم، چون این ۴ نفر فرزندان رشید ایران هستند و در جریان ربوده‌شدن در لبنان، به این عزیزان ظلم شده است و باید با همه ابزارها این موضوع را پی‌گیری کرد تا سرنوشت آنان هرچه سریع‌تر روشن شود.»

خبرگزاری مهر

سال ۱۳۸۴ هـ ش
۲۰۰۶ - ۲۰۰۵ م

۱۳۸۴/۲/۲۱ = ۱۱ مه ۲۰۰۵

موضوع پی‌گیری سرنوشت چهاردیپلمات ایرانی باید بر روی میز رئیس‌جمهوری آینده مفتوح باشد

«محمدباقر نوبخت» دبیرکل حزب اعتدال و توسعه و سخن‌گوی ائتلاف‌نهم برای فردایی بهتر، گفت: «هیچ‌گاه نظام جمهوری اسلامی ایران در مقاطع فعالیت هریک از دولت‌های گذشته، موضوع پی‌گیری سرنوشت چهاردیپلمات ربوده‌شده را از دستورکار خارج نکرده و همواره تلاش‌هایی وجود داشته است.»

نوبخت با بیان این‌که در طی این مدت، گمانه‌زنی‌های مختلفی در مورد سرنوشت این ۴ نفر صورت‌گرفته، تصریح کرد: «امیدواریم که این عزیزان روزی باتلاش مسئولان به آغوش گرم ملت و خانواده‌هایشان بازگردند و طبعاً یکی از انتظارات ما از رئیس‌جمهوری آینده این است که موضوع پی‌گیری پرونده ۴ دیپلمات ایرانی را همچنان بر روی میز خود مفتوح داشته باشد و در هر تماس بین‌المللی و منطقه‌ای این مسئله را به عنوان یک خواسته مهم ملت ایران مطرح کند.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۴/۲/۲۵ = ۱۵ مه ۲۰۰۵

چشم‌انتظار حاج‌احمد و یاران اسیرش نشسته‌ایم

جمعی از دانشجویان «دانشگاه خواجه‌نصیرالدین‌طوسی»، به‌مناسبت سالگرد عملیات البیت‌المقدس، در مقاله‌ای کوتاه، به‌تجلیل از نقش حاج‌احمد متوسلیان در آن عملیات پرداخته‌اند.

کیهان

۱۳۸۴/۳/۳ = ۲۴ مه ۲۰۰۵

آقای خاتمی در فرصت باقی‌مانده، از سرنوشت‌نهایی چهار دیپلمات ربوده‌شده ما را آگاه کنید

حسین اخوان برادر کاظم اخوان عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی، در نامه‌ای به رئیس‌جمهوری، ضمن یادآوری قول وی به خانواده‌های این چهار نفر برای روشن‌شدن سرنوشت آنان تا پایان دوره ریاست‌جمهوری خاتمی، از رئیس‌جمهوری خواست که نتایج عملکرد خود در این مدت را اعلام کند. متن نامه حسین اخوان به سید محمد خاتمی رئیس‌جمهوری به شرح ذیل است:

«سالروز آزادسازی خرمشهر روز ملی مقاومت، ایثار و پیروزی، در تاریخ کشور جایگاه خاصی دارد و به راستی نماد مقاومت و پیروزی است. تاریخ حیات ملتها، شکست‌ها و پیروزی‌های تلخ و شیرین می‌سازد. ملتها از شکست‌ها درس می‌گیرند و از پیروزی‌ها به خود می‌بالند. بدون شک نه‌تنها نسل حاضر، بلکه نسل‌های آینده نیز از حماسه سوم‌خرداد با افتخار و سربلندی یاد خواهند کرد و همچنین از دلیر مردان عاشقی که با زندگی‌خود، پل پیروزی را خلق کردند. این روز باشکوه، بخشی از غرور ملی ما ایرانیان است.

برادرم کاظم، حاج احمد متوسلیان و تقی رستگارمقدم، مردان سوم‌خرداد بودند که یک‌ماه پس از فتح خرمشهر، در لبنان به همراه کاردار سفارت ایران در بیروت سید محسن موسوی، توسط عوامل رژیم اشغال‌گر قدس ربوده شدند.

آقای خاتمی، در ملاقات حضوری مورخ ۸۳/۳/۲۴ جناب عالی با خانواده‌های گروگان‌های ایرانی، فرمودید: «من قول می‌دهم تا پایان دوره ریاست‌جمهوری سرنوشت این عزیزان را روشن‌کنم و یا حداقل پرونده به یک نقطه روشنی برسد.»

با دستور و پیگیری شما، کمیته حقیقت‌یاب بامسئولیت آقای ربیعی تشکیل شد. پس از یک‌سال که به حضور شمارسیدیم، هنوز جوابی نشنیده‌ایم. چنین امری، نه‌برای شما و نه برای ما، امری مطلوب به‌شمار می‌آید. این آخرین غمنامه‌ای است که برای شما می‌نویسم. اینک به‌درستی نمی‌دانم الان چه‌زمانی از دولت شماست. دقیقه ۹۰ بازی است، یا این‌که وقت اضافه را داریم سپری می‌کنیم، و یا سوت‌پایان بازی را زده‌اند و بازی تمام شده و ما مانده‌ایم و انتظار. یا باید به استقبال وعده و وعیده‌های رئیس‌جمهوری بعدی برویم و آغاز بازی دیگر و ۴ سال دیگر، و نمی‌دانم چندسال دیگر. آیا رئیس‌جمهوری بعدی پرونده راجدی

پیگیری خواهد کرد تا اینکه برسرانجام برسد؟ آیا هیچکس نمی‌خواهد خود را نسبت به وعده‌های داده شده در این زمینه مسئول بداند؟ آقای رئیس‌جمهوری، گویی مشخص نیست این پرونده باید به دست چه کسی مختومه شود و ما باید همچنان خود را به صبوری دعوت کنیم. وقتی در ابتدای دوره اول ۴ ساله، در مراسم تحلیف در خانه ملت، فرمودید: برای دولت، حراست از حقوق اتباع ایرانی در سراسر گیتی اهمیت ویژه‌ای دارد. و دولت خود را دولت‌پاسخگو نامیدید و بر شفافسازی تاکید کردید، ما فکر می‌کردیم مردان دوم‌خردادی، برای دلاورمردان حماسه‌ساز سوم‌خرداد، کاری خواهند کرد و گره از کار فرو بسته آنان می‌گشایند. دوره اول ۴ ساله شما به پایان رسید و ما دلخوش به ۴ سال دوم ریاست‌جمهوری شما ماندیم.

آقای خاتمی، جوانه‌امیدی که در زمان انتخاب شما در دلمان شکوفا شده بود و فکر می‌کردیم که نهالی شده و به بار می‌نشیند، اینک روبه پژمردگی نهاده. ۸ سال انتظار، ۸ سال صبوری، ۸ سال دیگر تحمل چشم‌انتظاری گذشت. در پاسخ به خبرنگاری که از شما پرسید: خاتمی امروز چه فرقی با خاتمی هشت سال پیش دارد؟ شما پاسخ دادید که: هشت سال پیرتر شده. راستش را بخواهید اگر از من بپرسند در زمان دولت شما، پرونده ۴ گروگان ایرانی در لبنان چه پیشرفتی داشته است؟ خواهم گفت: ۸ سال بر اسارت آنان افزوده شده است. یعنی ۲۹۲۲ روز دیگر. شما شاید مدارکی را نشان بدهید که نشان‌گر تلاش‌های دولت شما در باز کردن دوباره پرونده باشد، اما من می‌خواهم بگویم نتیجه آن چه بوده است و چه پاسخ قانع‌کننده‌ای برای خانواده‌ها در برداشته که به واقع هیچ. چه تدابیری در این ۸ سال برای مختومه کردن این پرونده ۲۳ ساله اندیشیده شده است؟ جناب آقای رئیس‌جمهوری!

مردان سوم‌خرداد را فراموش نکنید. آنان ارزنده‌ترین، مخلص‌ترین و پاک‌ترین شهره‌های تاریخ دفاع مقدس هستند. لحظه‌ای از وظیفه تاریخی خود غفلت نکردند. جبهه، آنان را پاک و مصفا کرده بود. دوران خودخواهی‌ها، شهرت‌طلبی و خودنمایی، به لبنان رفتند. آنها آرزوهای پاک و مقدسی داشتند، آرزوهای خدایی. بی‌پروا در پی شهادت بودند و از همه چیز خود گذشته بودند و به رهایی مطلق رسیده بودند. آنان در قربانگاه عشق، عالی‌ترین تجلی‌فداکاری و پرستش را عملاً نشان دادند. از آزمایشی که خداوند بر آنان مقدر کرده بود، سربلند بیرون آمدند. همه انسان‌ها در سراسر گیتی در لحظات سختی ورنج، چهره واقعی‌شان را نشان می‌دهند، من مطمئن هستم که آنان به

روزشمار گروگان‌گیری □ ۳۱۱

ساحل‌نجات رسیده‌اند. آن چهارنفر، برآفریدن حماسه‌های ماندگار از هیچ‌تلاشی فروگذار نکردند و درشادی‌های ما از آزادی‌خرم‌شهر سهمی‌نیز از آنان است. آقای‌خاتمی، به‌خاطر همه رنج‌هایی که سرنوشت به آنان و ما مقدر کرده است، در فرصت باقی‌مانده، از سرنوشت آن دلاورمردان ما را آگاه‌کنید. می‌خواهیم بدانیم آیا آنان، آن دلیرترین‌ها زنده‌اند؟ پرتوآفتاب را می‌بینند، یا آنکه به‌راستی به‌آرزوی خود یعنی‌شهادت، رسیده‌اند؟ آیا چنین‌افقی دوراز انتظاراست، یا اینکه بازشدن چنین‌افقی درمنظر چشمان‌خسته ازانتظار ما، دوراز دسترس‌نیست؟ شایداگر مسائل‌انسانی و عاطفی دراین پرونده رعایت‌می‌شد، حل‌آن این همه‌سال به‌طول نمی‌انجامید. درتمام طول این‌سال‌ها، امیدواربودیم که نسیم، بوی‌پیراهن آنان را باخودش بیاورد، اما دریغ و افسوس. نگرانی و مهری که با آنان‌داریم، ما را ازخواب و بزم بیزار کرده‌است، زیراکه هیچ‌کس آن همه‌رنجی را که آنان کشیده‌اند برآن تاب آورده‌اند، نکشیده‌است. آیا سرنوشت چنین می‌خواست، رنج برای‌آنان و دریغ‌جاودانی برای‌ما؟

ما امیدواریم که دعای‌ما شنیده‌شود. امیداست که آسمانیان بخواهند که دعای‌ما درباره آنان، دلیرمردانی که سرفرازی آنها به آسمان‌پهناور نیز رسیده‌است، روا شود.

امیداست خدایی‌که آنان را درهمه رنج‌ها نگاهبان‌است، روزی را برساند که آنان و ما، از رنج‌های خود رسته‌باشیم. امیداست روزی درسرنوشت ما مقدر شده‌باشد که روشن‌شدن سرنوشت دلاورمردان آسمانی‌نژاد را شاهدباشیم. ای‌کاش می‌شد برای آن‌گم‌شدگان بگرییم و ناله کنیم و خود را از ناله سیراب‌کنیم، اما همچنان دربرزخ به‌سر می‌بریم.

درپایان از خداوند متعال توفیق‌بیشتر شما را درتمام مراحل زندگی مسئلت‌داریم. مهم‌نیست که درک‌جای این‌جهان ایستاده‌ایم، مهم این‌است که درچه راستایی گام برمی‌داریم.

به صد دفتر نشاید گفت و صف‌الحال مشتاقی
به پایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقی‌است

حسین اخوان

خبرگزاری مهر

۱۳۸۴/۴/۱۲ = ۳ جولای ۲۰۰۵

به سکوت ۲۴ ساله پایان‌دهید

سیدراند موسوی با اشاره به فرارسیدن سالگرد و گذشت ۲۴ سال از زمان ربوده شدن ۳ دیپلمات و یک خبرنگار ایرانی توسط عوامل رژیم صهیونیستی، خواستار اطلاع رسانی مطلوب این موضوع توسط رسانه‌ها شد: «دوستان مطبوعاتی و رسانه‌ای سلام. حدود ۲۴ سال از ربوده شدن پدرم و سه همراهش، که دیپلمات‌ها و خبرنگار جمهوری اسلامی ایران بودند، در ۱۴ تیر ماه ۱۳۶۱ به دست عوامل رژیم صهیونیستی در لبنان می‌گذرد. طبق آخرین اخبار قابل اعتماد به دست آمده، که بارها توسط مسئولین از رسانه‌ها اعلام گردیده، این چهار نفر زنده‌اند و در زندان‌های رژیم اسرائیل به سر می‌برند. با توجه به اهمیت بالای موضوع به عنوان مسئله ای‌ملی، انسانی و دینی، و نزدیک شدن سالگرد ربوده شدن این عزیزان، از شما خواهشمندم آن‌چنان که شایسته موضوعی با این اهمیت است، در بعد اطلاع رسانی و تحریک افکار عمومی و مسئولان، تلاش‌نمایید. در این ۲۴ سال، شاید کل کاری که مطبوعات و رسانه‌های ما در این موضوع انجام داده‌اند، به اندازه فعالیت یک روز رسانه‌های غربی در موارد مشابه نباشد. ما خانواده‌ها نیز آماده هرگونه همکاری و در اختیار قرار دادن اطلاعات در این زمینه می‌باشیم. به صورت تیتروار نکاتی را که در مورد این مسئله قابل طرح تحلیلی است، خدمتتان عرض می‌کنم:

- این چهار نفر، اولین و یا شاید تنها ایرانیانی بوده‌اند که مستقیم با رژیم اسرائیل روبه‌رو شده‌اند و در این راه تاکنون ۲۴ سال اسارت کشیده‌اند.
- انتظار مبهم و نامشخص طولانی برای خانواده‌های این عزیزان، فوق‌العاده سخت و طاقت‌فرسا شده. تاکنون پدر و مادر آقای اخوان فوت کرده‌اند و والدین بقیه هم بسیار مسن و شکسته می‌باشند.
- یکی از این چهار نفر، خبرنگار بوده و به عنوان یک حرکت منفی، بسیار جا دارد که دوستان خبرنگار نسبت به این مسئله اهتمام ویژه داشته باشند.
- اینکه ۴ دیپلمات این کشور، ظالمانه ربوده شوند و ۲۴ سال در اسارت و سرنوشتی نامعلوم به سر برند و کار جدی از سوی مسئولین و اعتراضی رسا از سوی مردم صورت نگیرد، نکته‌ای است که باعث جریحه دار شدن غرور ملی و پرستیژ بین‌المللی ایران شده و موجب تکرار موارد مشابه در مورد ایرانیان است، همان‌طور که در افغانستان، عراق، انگلیس (پرونده آرژانتین) و موارد دیگر شاهد این‌نوع بی‌حرمتی‌ها بوده‌ایم.
- این حق خانواده‌هاست که از وضعیت فرزندان، همسر و پدرشان به‌طور اطمینان‌بخش مطلع شوند. اکنون کارهای زیادی جهت پی‌گیری وضعیت این عزیزان

روزشمار گروگان‌گیری □ ۳۱۳

می‌توان انجام داد، ولی اقدام جدی و دلسوزانه‌ای در این زمینه صورت نمی‌گیرد.

— به دلایل نامشخص و بعضاً واهی، این مسئله با سرنوشت خلبان ناپدید شده رژیم صهیونیستی— ران آراد — و دولت آلمان، گره خورده است.

— مجامع بین‌المللی در این موضوع اقدام جدی و موثری صورت نداده‌اند.

— مسئولیت حقوقی این افراد بر عهده دولت لبنان است. این افراد در لبنان دیپلمات بوده‌اند و در آنجا ناپدید شده‌اند و دولت لبنان راه کارهای بسیاری برای روشن نمودن موضوع دارد که نباید از این مسئولیت شانه خالی کند.

و بسیاری موارد دیگر که در این اجمال، مجال شرح آنها نیست.

این نوشته به عنوان گلایه‌ای است از طرف فرزندی که ۲۴ سال شاهد کوتاهی‌ها، از دست رفتن فرصت‌ها و باقی ماندن پدرش در اسارت و شکنجه بوده است. همچنین، خواهشی است دوستانه، شاید این سکوت ۲۴ ساله که بعضاً سالی یکبار با کلی احتیاط و محافظه‌کاری بی‌مورد شکسته می‌شود— به پایان برسد.

با آرزوی سلامتی برای شما، امیدوارم تلاش‌های حرفه‌ای شما، به سهم خود در بازگشت هرچه سریع‌تر این عزیزان به آغوش خانواده‌شان تاثیرگذار باشد.

خبرگزاری مهر

۱۳۸۴/۴/۱۳ = ۴ جولای ۲۰۰۵

همایش «اسرا در غربت» در تالار سیدالشهدا برگزار می‌شود

همایش «اسرا در غربت» به مناسبت بیست و سومین سالگرد ربوده شدن ۴ دیپلمات ایرانی، عصر روز سه‌شنبه چهاردهم تیرماه، در سالن سیدالشهدای تهران برگزار می‌شود. «مرتضی پورعلی» گفت: «این همایش از ساعت ۵ تا ۷ عصر به همت بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و ستاد مرکزی کنگره شهدا و اسرای دانشگاه‌های جهان اسلام برگزار می‌شود. سعی داریم که این همایش به صورت میزگردی با حضور دکتر محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، علی ربیعی مسئول کمیته ویژه پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات از سوی رئیس‌جمهوری، سیدرائد موسوی فرزند یکی از ۴ ایرانی ربوده شده و دبیرکل انجمن حمایت از دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی و حمید داود آبادی محقق، برگزار شود.»

خبرگزاری مهر

سرنوشت دیپلمات‌های ربوده شده ایران در لبنان را روشن کنید

جمعی از دانشجویان دانشگاه های تهران، در آستانه فرارسیدن سالروز ربوده شدن دیپلمات های ایرانی در لبنان، خواستار آن شدند که دولتمردان سکوت ۲۳ ساله خود را بشکنند و سرنوشت این عزیزان را روشن سازند.

جمهوری اسلامی

۱۳۸۴/۴/۱۴ = ۵ جولای ۲۰۰۵

مسئولیت جان چهار دیپلمات ربوده شده برعهده رژیم صهیونیستی است

دکتر حسن روحانی دبیر شورای عالی امنیت ملی، گفت: «از آنجایی که این ۴ نفر توسط گروهی ربوده شده اند که تحت نفوذ و سیطره اسرائیلی ها و عوامل اسرائیل در لبنان بودند، از دیدگاه ما مسئولیت ناپدید شدن و جان چهار دیپلمات ایرانی برعهده اسرائیل است. این که اکنون این ۴ نفر در کجا و در چه وضعیتی هستند و چه مشکلاتی برای آنها پیش آمده، ما مسئولیت این امر را برعهده رژیم صهیونیستی می دانیم و در دوره قبل که تبادل بین اجساد سربازان اسرائیلی و اسرا بود، موضوع این ۴ ایرانی مطرح بود، اما متأسفانه اسرائیل زیر بار این معاوضه نرفت، اما در مراحل بعدی مبادله، این مسئله مجدداً مطرح است.»

خبرگزاری مهر

انتظار بی پایان !

گفت و گوی اختصاصی با خانواده های ۴ دیپلمات ایرانی به مناسبت بیست و سومین سالگرد ربوده شدن آنان

آقای سیدراند موسوی فرزند سید محسن موسوی، ضمن انتقاد از ضعف دیپلماسی دولت ایران در پیگیری موضوع، گفت: «پیگیری ها فقط به نگارش و شعار ختم شده است. طبق اخبار قابل اعتماد، دیپلمات های ایرانی زنده اند و در بند رژیم صهیونیستی هستند و یقیناً با پیگیری جدی، شواهد مناسبی پیدامی شود.»

خانم مجتهدزاده همسر سید محسن موسوی نیز اظهار داشت: «مجامع بین المللی در برابر آزادی چهار دیپلمات ایرانی که دارای مصونیت سیاسی بوده اند، هیچ اقدامی که منجر به روشن شدن وضعیت آنان باشد، انجام نداده اند. وظیفه دولت در قبال این عزیزان بسیار سنگین است و باید برای دفاع از حقوق دیپلمات های ایرانی، نه به عنوان یک شخصیت، بلکه برای دفاع از حقوق ملت ایران، وارد عمل شود. هنگامی که دیپلمات های غربی در لبنان گروگان گرفته شدند، جامعه بین المللی یک پارچه برای آزادی این افراد وارد

روزشمار گروگان‌گیری □ ۳۱۵

عمل شد و حتی دبیرکل سازمان ملل مستقیماً با سفر به ایران و سایر کشورها، پیگیر موضوع بود تا منجر به آزادی گروگان‌های غربی در لبنان شد. در همین اثنا، خاویر پترز دکوئیار دبیرکل وقت سازمان ملل، به ما وعده داد که برای آزادی دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی، تلاش خواهد کرد ولی وعده وی در حد حرف باقی ماند و عملی نشد. چه انتقادی بالاتر از اینکه ۲۳ سال از واقعه اسارت این عزیزان می‌گذرد و دولتمردان ما صرفاً با شعار و تشکیل هیئت و کمیته، خود را قانع ساخته‌اند.»

همچنین آقای «غلامرضا رستگارمقدم» برادرتقی رستگارمقدم، گفت: «از مقامات انتظار می‌رود برای تعیین سرنوشت دیپلمات‌های ربوده شده اقدامات قاطع و موثری را صورت دهند. پیگیری‌های وزارت خارجه در لبنان و اقدامات دولتمردان باید با جدیت و شتاب بیشتری انجام شود.» به گفته وی، با گذشت ۲۳ سال، هنوز اطلاع موثقی وجود ندارد و پیگیری‌ها بیشتر جنبه ظاهری، فرمایشی و نمایشی دارد.

خانم فاطمه اخوان خواهر کاظم اخوان نیز گفت: «ما از دولت توقع داریم پس از ۲۳ سال، به این مسئله اهمیت بیشتری دهد و برای روشن شدن سرنوشت دیپلمات‌های ربوده شده، مواضع قاطع و عملی خود را به کار گیرد. ما به عنوان خانواده این عزیزان، حق داریم بدانیم چه سرنوشتی برای آنان رقم خورده است.»

خانم اخوان اظهار داشت: «متأسفانه نمی‌توان به مجامع بین‌المللی امیدی داشت، لذا از دولتمردان انتظار می‌رود جدیت بیشتری به خرج دهند. نوع عملکرد مسئولان ظرف ۲۳ سال گذشته، بسیار ضعیف بوده و این شیوه پیگیری‌های مقطعی، باعث شده تا این قضیه در مجامع جهانی بازتاب جدی نداشته باشد. لذا دولتمردان برای احقاق حقوق ملت ایران بویژه این عزیزان، باید اقدام جدی انجام دهند.»

همچنین سیدرائد موسوی فرزند سیدمحسن موسوی کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران در لبنان شرح مختصری از روند پیگیری را ارائه کرد.
جمهوری اسلامی

حاج احمد متوسلیان، فرمانده اسطوره‌ای

«محسن برآسود» در مقاله خود، به شرح زندگی حاج احمد متوسلیان پرداخته است.

جوان

کاظم اخوان، خبرنگار در اسارت

«احمد معماری» در مقاله خود، به شرح زندگی کاظم اخوان پرداخته است.

جوان

۸۳۹۵ روز گذشت، جهان همچنان خاموش است

«مهدی گیوه‌کی» در نوشته خود به مناسبت بیست و سومین سال اسارت چهاردیپلمات ایرانی، به انتقاد از احمال و کوتاهی‌ها در پی‌گیری سرنوشت آنان پرداخته است.

جوان

پی‌گیری سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی

نشانی سایت‌ها و وبلاگ‌های پی‌گیر ماجرای ۴ دیپلمات، در اینجا ذکر شده است.

جوان

سیدراند موسوی از زنده بودن چهاردیپلمات ایرانی می‌گوید

مصاحبه راند موسوی با خبرگزاری‌مهر، در این نشریه منتشر شده است.

جوان

چه کسانی از آب گل‌آلود ماهی می‌گیرند؟

حمید داودآبادی در مقاله خود، به انتقاد از برخی اخبار نادرست می‌پردازد.

جوان

چرا پاسخ روشنی داده نمی‌شود؟

«حامد طالبی» در مقاله خود، پی‌گیر افرادی شده است که از ماجرای اسارت چهاردیپلمات ایرانی مطلع هستند.

جوان

۱۳۸۴/۴/۱۵ = ۶ جولای ۲۰۰۵

وزارت اطلاعات وخارجہ در پی‌گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی کم‌کاری کرده اند
در مراسم همایش اسرا در غربت، محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، که در زمان ربوده شدن سید محسن موسوی، احمد متوسلیان، تقی رستگار مقدم و کاظم اخوان در سال ۱۳۶۱ مسئولیت فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را برعهده داشت، طی سخنانی گفت: «متأسفانه جهان‌کنونی تبدیل به جهانی دوگانه شده است و دونوع آزادی، دموکراسی و حقوق بشر در آن وجود دارد و سازمان‌های بین‌المللی با دوگانگی و تبعیضی آشکار بین اتباع خود و سایر کشورها تفاوت قائلند. به‌یاد دارم زمانی تعدادی آمریکایی به‌دست لبنانی‌ها اسیر شده بودند، بسیاری از کشورها برای آزادی آنها تمام تلاش خود را به‌کار گرفته و گریبان چاکمی‌کردند، اما از گروگان‌های مسلمان و جهان‌سومی که اکنون ده‌ها سال از اسارت آنان می‌گذرد، هیچ‌دفاعی صورت نمی‌گیرد و همه سکوت کرده اند.»

وی با مخاطب قرار دادن وزارتخانه‌های اطلاعات و امور خارجه، افزود: «مسئولان این دو وزارتخانه باید دقیقاً به‌ابهامات و سوالات مردم در مورد این پرونده ۲۳ ساله پاسخ‌گویند و سوال من از این وزارتخانه‌ها این است که چرا تاکنون نتوانسته‌اند گزارش شفاف و روشنی از فعالیت‌های خود ارائه دهند که چه اقدامات و فعالیت‌هایی برای پایان دادن به این اسارت انجام شده است. معتقدم وزارت اطلاعات و وزارت امور خارجه در مورد این پرونده کم‌کاری کرده اند. طی این سال‌ها، ده‌ها سند هسته‌ای و یا اسناد ارزشمند با اروپا امضاشده و معتقدم که حداقل یکی از مابه‌ازاهای این سندها و قراردادهای، می‌توانست این چهار ایرانی‌مظلوم باشند.»

وی با اشاره به اهمیت و ارزش افرادی مانند احمد متوسلیان، تقی رستگار مقدم، محسن موسوی و کاظم اخوان، افزود: «اگر مسئله پرونده این دیپلمات‌ها حل نشود، همان‌گونه که طی سال‌های گذشته نیز در جریان شهادت دیپلمات‌های ایرانی در مزار شریف و یا حرکات متعدد دیگر در ربودن دیپلمات‌های ایرانی شاهد بوده‌ایم، این‌گونه مسائل تبدیل به یک رویه می‌شود و هر روز ممکن است چنین اتفاقاتی بیفتد. چرا تاکنون از فردی که متهم به کشتن این چهار نفر در زندان لبنان است، هیچ بازجویی صورت نگرفته و چرا تاکنون دولت ایران از دولت لبنان که این فرد در زندان آن کشور به سر می‌برد، نخواستہ است که از او در مورد سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی بازجویی شود.»

دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام با بیان این که دولت مردان عالی رتبه مانیز باید با پرونده سرنوشت این چهار ایرانی برخوردی جدی داشته باشند، گفت: «مطمئن باشید اگر مسئولان عالی نظام اراده کنند که این موضوع را به سرانجام برسانند، قطعاً این کار انجام خواهد شد.»

وی بر ارائه اطلاعات و تبلیغات به افکار عمومی جهان در مورد این چهار ایرانی تأکید کرد و افزود: «همه مردم، رسانه ها، دستگاه های ذیربط و گروه های متعدد داخلی و بین المللی، باید دست در دست هم همه تلاش خود را به کار گیرند تا سرنوشت این چهار دیپلمات پس از ۲۳ سال ابهام، هرچه زودتر روشن شود.»

بنا بر این گزارش، سیدراند موسوی نیز در این همایش درسخانی پی گیری های صورت گرفته برای روشن شدن سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده شده را تشریح کرد. در این مراسم همچنین نامه حسین اخوان برادر کاظم اخوان به وی، توسط یکی از دانشجویان قرائت شد و از سوی بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس، هدایایی به رسم یادبود به خانواده های چهار دیپلمات ربوده شده ایرانی تقدیم شد.

در همایش اسرا در غربت، سردار باقرزاده مسئول بنیاد حفظ آثار، کاردار سفارت لبنان، سید محمد میر محمد نماینده قم، سهیل کریمی مستند ساز، حمید داودآبادی نویسنده و محقق، و خانواده های ۴ دیپلمات ربوده شده نیز حضور داشتند. گفتنی است علی ربیعی مسئول دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی و مسئول کمیته ویژه ای که از سوی رئیس جمهوری برای پی گیری سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی تشکیل شده است، قرار بود در این مراسم حضور یابد که به گفته مسئولان این برنامه، وی علیرغم قول قبلی، از شرکت در این مراسم خودداری کرد که مورد انتقاد خانواده های این ۴ دیپلمات و مسئولان این برنامه قرار گرفت.

خبرگزاری مهر

دبیرکل سازمان ملل باید درباره سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده شده ایرانی پاسخگو باشد

سردار میرفیصل باقرزاده رئیس بنیاد حفظ آثار، در حاشیه همایش اسرا در غربت، در جمع خبرنگاران گفت: «ما در بنیاد حفظ آثار، و دولت در وزارت امور خارجه و وزارت اطلاعات و هم در مجامع انسان دوستانه در داخل و خارج

روزشمار گروگان‌گیری □ ۳۱۹

از کشور، درقبال روشن‌شدن وضعیت ۴ هموطن عزیزمان که بیش از ۲۳ سال از ربوده شدن آنان می‌گذرد، وظیفه داریم.»

وی با بیان این‌که وظیفه ما این است که تلاش‌کنیم این موضوع فراموش‌نشود، افزود: «دوسال است که بنیادحفظ‌آثار دراین رابطه اقداماتی را به‌عمل آورده و درهمین زمینه برای پی‌گیری سرنوشت این ۴ دیپلمات‌ایرانی، طرحی را تهیه‌کرده بودیم که حدوداً ۴ سال‌پیش در ستادکل نیروهای‌مسلح مطرح‌شد ولی هنگامی‌که خواستیم این طرح را به‌اجرا بگذاریم، گفتندکه درسطوح دیگر از جمله در وزارت‌امورخارجه این موضوع در حال پی‌گیری است واین طرح همان طرحی‌بود که منجر به آزادسازی تعدادی از اسرای‌حزب‌الله لبنان شد، اما متأسفانه دراین بخش، موضوع بازگره خورد و متوقف‌شد.»

مسئول کمیته جست‌وجوی مفقودین، با بیان این‌که این کمیته به‌عنوان سازمانی که برای اسرا و مفقودین جنگ تلاش می‌کند، اعلام آمادگی کرد که این موضوع را پی‌گیری کند وگفت: «این‌مسئله باید ازجانب شورای‌عالی‌امنیت‌ملی تصویب از آنجا حمایت‌شود. آقای «عباد» مسئول‌دبیرخانه شورای‌عالی‌امنیت‌ملی، ازجانب رئیس‌جمهوری حدوداً یکسال است‌که مسئول‌پی‌گیری این‌موضوع است و بنا بود دراین مراسم شرکت‌کنند و پاسخ‌گو باشند که متأسفانه علیرغم قول‌قبلی نیامدند، که باید از خودوی دراین رابطه سوال‌شود. ۸۴۲۴ روز اسارت که به‌زبان ساده می‌آید، امر ساده‌ای نیست. در دنیایی که اکنون بارها دیده‌ایم برای جان یک‌حیوان ویا برای اتباع وشهروندان خود، سر وصدای فراوانی به‌راه می‌اندازند و یا به‌عنوان مثال دراسرائیل برای ران آرادی که دریک عملیات‌هوایی به‌هلاکت رسیده سر وصدای می‌کنند، چگونه‌است که برای ۴ انسان‌زنده، تاکنون اقدام‌موثر و مفیدی به‌عمل نیامده، و سوال‌ما از همه مجامع حقوق‌بشر وخصوصاً شخص دبیرکل سازمان‌ملل این‌است که باید دراین زمینه پاسخ‌گو باشند که چه‌کرده‌اند. درداخل کشور نیز باید این‌مسئله مهم با جدیت‌بیشتری پی‌گیری شود و اگر با این‌مسئله برخوردن‌شود، حتماً این‌گونه جریان‌ات نقطه‌توقفی نخواهد داشت، کمااین‌که اخیراً نیروهای اشغالگر دونفر از هنرمندان ما را درعراق دستگیرکردند واین نشان می‌دهد که این روشی‌جاری برای اعمال‌فشار شده‌است تا ما را از دسترسی به حقوق‌قانونی وطبیعی‌مان بازدارند.»

رئیس‌بنیاد حفظ‌آثار ونشرارزش‌های دفاع‌مقدس، با تاکید براین‌که اکنون رسانه، بلیغ‌ترین ورساترین زبان است، گفت: «رسانه‌ها باید دراین

راه پیشگام باشند و برگزاری همایش‌ها و جلساتی برای بازشناسی و کالبدشکافی این ماجرا، خیلی مهم است و مسلماً در هر مجمع، محفل، نشست، کنفرانس، سمینار و همایشی این موضوع می‌تواند از مدعیان فعالیت‌های انسان‌دوستانه مورد سوال قرار بگیرد. مجاهدت بزرگی که رسانه‌ها باید انجام دهند، این است که از کسانی که در مناصب سیاسی و اجرایی هستند و می‌توانند تاثیرگذار باشند، پاسخ بخواهند. ما هرچه در توان داشته باشیم، برای کمک به دولت جدید در این زمینه به کار خواهیم گرفت و از آنجایی که خود دولت نیز طلایه دار این نوع حرکت‌های ارزشی است، امیدواریم بتواند این پرونده مهم را به نتیجه برساند.»

خبرگزاری مهر

سمیر جعجع باید هرچه زودتر بازجویی شود

سیدراند موسوی با اشاره به زندانی بودن سمیر جعجع در زندان‌های لبنان، از مسئولان خواست که با توجه به رابطه نزدیک ایران و لبنان، برای بازجویی هرچه سریع‌تر از وی اقدام کنند. سیدراند موسوی طی سخنانی در همایش اسرادر غربت، گفت: «این چهارنفر شاید تنها افراد ویا اولین کسانی باشند که مستقیماً برای مقابله با اسرائیل حرکت کردند و اکنون که اسرائیل به عنوان دشمن درجه یک ایران مطرح است، موضوع پی‌گیری سرنوشت این افراد باید همواره به عنوان یکی از مسائل اساسی در جریانات متعدد بین‌المللی مطرح باشد. سمیر جعجع یکی از مسئولان نیروهای فالانژ که در آن سال‌ها در جریان ربودن این چهارنفر مشارکت داشته، اکنون در زندان لبنان است و اگر این چهارنفر کشته شده و یا به اسرائیل تحویل شده باشند، در هر حالت او باید این مسئله را روشن کند، ولی هیچ‌گونه بازجویی درستی از او در این زمینه صورت نگرفته است و باید ایران هرچه زودتر این کار را انجام دهد.»

وی با اشاره به اینکه حرکت‌های مردمی و خواست عمومی برای پی‌گیری این جریان، قطعاً در مسئولان تاثیرگذار خواهد بود، افزود: «خوشبختانه با روی کار آمدن دولت جدید، روزه‌های امیدی در دلم‌ها به وجود آمده که امیدواریم بتوانیم اقدامات موثری برای پایان دادن به این ابهام ۲۳ ساله انجام دهیم.»

خبرگزاری مهر

پرونده چهاردیپلمات ایرانی فراموش نشود

«غلامعلی حداد عادل» رئیس مجلس شورای اسلامی، خواستار رسیدگی به پی‌گیری چهاردیپلمات ایرانی از سوی مسئولان شد. رئیس مجلس شورای اسلامی، در آغاز جلسه علنی امروز مجلس، گفت: «مجامع جهانی می‌دانند که ایران برخلاف سایرکشورها که طالب قدرت می‌باشند، به دنبال حق خود است. ما انتظار داریم مسئولان کشور، سرنوشت چهاردیپلمات ربوده شده را به فراموشی نسپارند از مجامع جهانی و مخصوصاً از مسئولان دولت لبنان نیز پی‌گیری پرونده چهاردیپلمات ایرانی را خواستاریم.»

حداد عادل در ادامه خواستار رسیدگی و پی‌گیری جدی‌تر این موضوع از سوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس و وزارت امور خارجه شد. رئیس مجلس از وزارت خارجه خواست گزارش مبسوطی از روند پی‌گیری و رسیدگی به پرونده چهاردیپلمات را به مجلس ارائه کند. خبرگزاری مهر

با استقرار دولت جدید لبنان، پرونده دیپلمات‌های ربوده شده با سرعت بیشتری پی‌گیری می‌شود

کمال خرازی در دیدار خانواده‌های چهاردیپلمات ایرانی، با اشاره به تلاش‌هایی که برای روشن شدن سرنوشت این عزیزان توسط وزارت امور خارجه انجام شده، اظهار امیدواری کرد با استقرار دولت جدید لبنان، پرونده این دیپلمات‌ها با سرعت بیشتری پی‌گیری شود. خانواده‌های دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی در لبنان، به مناسبت بیست و سومین سالگرد ربودن آنها، عصر روز سه شنبه، با سید کمال خرازی وزیر امور خارجه دیدار و پیرامون آخرین وضعیت این پرونده گفت‌وگو کردند. خرازی در این دیدار، تحولات اخیر لبنان و سوریه را عامل کند شدن روند پی‌گیری‌ها دانست و اظهار داشت: «اینها عزیزان و اتباع ایران هستند و تلاش بی‌وقفه برای روشن شدن وضعیت آنها، وظیفه همه ماست. در سفر ویژه‌ای که به همین منظور اخیراً در لبنان انجام شد، با مقامات عالی‌رتبه این کشور و همچنین دبیرکل حزب الله، رایزنی‌های فشرده‌ای انجام گرفت و همه مقامات لبنان تاکید کردند که با اهتمام خاص، موضوع را تا روشن شدن سرنوشت دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی، پی‌خواهند گرفت.» خبرگزاری مهر

دولت دکتر احمدی‌نژاد چهار دیپلمات ربوده شده را بازگرداند

سردار «جزایری» سخن‌گوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، از دکتر احمدی‌نژاد خواست در دولت آینده، تمام‌توان خود را برای بازگرداندن ۴ دیپلمات ایرانی، به‌کارگیرد. وی گفت: «در گذشته، دولت‌ها فرصت‌های زیادی در اختیار داشتند تا بویژه از طریق مجامع جهانی و دولت‌های حامی رژیم صهیونیستی، تروریست‌ها را به منظور رهایی دیپلمات‌های ایرانی، تحت فشار قرار دهند. متأسفانه سال‌هاست که ظاهراً این موضوع با جدیت پی‌گیری نمی‌شود و عمده اقدامی که جهت آزادی این شخصیت‌ها صورت می‌گیرد، صرفاً از سوی خانواده‌های آنها بوده است. البته چنانچه وزارت خارجه، اقدام جدی در مورد این پرونده که جنبه حیثیتی برای جمهوری اسلامی ایران دارد، انجام داده، خوب است برای تنویر افکار عمومی، به مردم گزارش دهد»

وی در عین حال اظهار امیدواری کرد که کوتاهی‌های احتمالی گذشته، توسط دولت احمدی‌نژاد جبران و اهتمام جدی از سوی وی برای بازگرداندن این عزیزان به کشور فراهم شود. رئیس روابط عمومی و انتشارات سپاه، در پایان پیشنهاد کرد تا آن زمان، روزی به نام «ربایش دیپلمات‌ها» در تقویم مناسبت‌های کشورمان در نظر گرفته شود.

خبرگزاری مهر

سمیر جعجع تا دو هفته دیگر آزاد می‌شود

پس از کشمکش بر سر قانون برگزاری دوره اول جلسه فوق‌العاده پارلمان لبنان برای انتخاب اعضای کمیسیون و از دستور خارج شدن اتوماتیک پیش‌نویس قانون عفو سمیر جعجع فرمانده نیروهای منحلہ لبنانی، خبرگزاری رسمی لبنان روز گذشته طی خبری اعلام کرد: «امیل لحود رئیس‌جمهوری لبنان، از دستگاه‌های ذیربط کاخ ریاست جمهوری خواست قانون برگزاری دوره دوم جلسه فوق‌العاده پارلمان را پس از پایان دوره ۱۵ روز کنونی تهیه‌کنند تا زمینه عفو و یا آزادی سمیر جعجع فراهم شود.»

سمیر جعجع پس از پایان جنگ داخلی لبنان در سال ۱۹۹۰، به جرم دست داشتن در ترورها و اقدامات نظامی از جمله ترور رشید کرامی نخست‌وزیر سابق لبنان در سال ۱۹۸۷ محکوم به زندان شد و همچنان در زندان به سر می‌برد. گفته می‌شود محکومیت جعجع در دست داشتن این مسئله ثابت نشده، اما برخی شکایت‌ها و

روزشمار گروگان‌گیری □ ۳۲۳

نیز وجود سه‌پرونده سنگین درمورد مسائل مختلف دوران جنگ داخلی، موجبات ادامه زندان وی را تاکنون فراهم کرده است. فرمانده نیروهای فالانژیست منحل‌لبنان پیش‌تر به اعدام محکوم شد، اما در مجازات وی تخفیف داده شد و به حبس ابد محکوم شد. خبرگزاری مهر

۸۳۹۵ روز گذشت، جهان همچنان خاموش است

بیست و سه سال پیش، در هنگامه آتش و خون، که ملت مسلمان ایران در شادی و جشن آزادی خرمشهر به سر می‌بردند، رژیم اشغالگر قدس که از شکست عظیم عراق در عملیات «الی‌بیت المقدس» سردرگم شده بود، در طرحی هماهنگ با حکام رژیم بعث عراق، در توطئه‌ای خائنانه در حق مسلمانان جهان، اقدام به تجاوز به خاک لبنان نمود و بخش‌های عظیمی از سرزمین مهد علم و فقه تشیع را به اشغال خود درآورد. در آن ایام که سردمداران کشورهای عربی، فقط به صدور بیانه و محکومیت لفظی بسنده کرده و چشمان خود را بر این جنایت عظیم که در حق فلسطینی‌ها و لبنانی‌ها اعمال می‌شد، می‌بستند، غیور مردانی از جمهوری اسلامی ایران، به یاری برادران ستم‌دیده خویش شتافتند.

در غمبارترین روز تیرماه، چهاردهم تیر ۱۳۶۱، اتومبیل سیاسی سفارت جمهوری اسلامی در لبنان، در حالی که از سوی پلیس دیپلماتیک لبنان اسکورت و حفاظت می‌شد، از دمشق پایتخت سوریه، عازم بیروت شد. سید محسن موسوی سرپرست سفارت ایران در بیروت، قصد آن داشت تا در بحران ایجاد شده و هنگامه‌ای که بیروت در آتش جنگ با متجاوزین به سر می‌برد و سفارت ایران از سوی متجاوزین شدیداً تهدید می‌شد، به محل مأموریت خود برود تا در کنار همکاران ایرانی خویش باشد. حاج احمد متوسلین وابسته نظامی ایران، با موسوی همراه شد تا در جریان حوادث پیش‌آمده قرار گیرد. کاظم اخوان خبرنگار و عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی که برای انجام مأموریت خبری خویش به آن سامان اعزام شده بود، با هیئت دیپلماتیک همراه شد. تقی رستگار ازدوستان حاج احمد نیز به عنوان راننده هیئت، با آنان همراه گردید.

در بعد از ظهر تلخ چهاردهم تیرماه، هنگامی که اتومبیل سفارت ایران، به پست‌بازرسی برپاره در شمال بیروت - منطقه تحت سلطه نیروهای مزدور اسرائیل، فالانژیست‌ها - رسید، توسط جیره‌خواران صهیونیست، متوقف گردید و پس از بازگرداندن پلیس‌های محافظ، هیئت دیپلماتیک را وحشیانه به اسارت خویش

در آوردند. با وجودی که از اولین ساعات اسارت چهار دیپلمات ایرانی، دولت جمهوری اسلامی ایران خواستار آزادی سریع آنان شد، متأسفانه سردمداران دولت وقت لبنانی- خانواده جُمیل- که آن زمان فرماندهی ورهبری حزب کتائب نیروهای فالانژیست را برعهده داشتند، با وعده‌های پوچ، باعث گذر زمان برای فاجعه عظیم و طولانی‌ترین گروگان‌گیری تاریخ معاصر شدند. در طی این ۲۳ سال، فرماندهان نظامی و امنیتی نیروهای فالانژ، ایلی حبیقه و سمیر جعجع به انحاء مختلف، مسئولیت اسارت گروگان‌های ایرانی را به گردن دیگری انداخته‌اند و همین امر باعث شده است تا در طی این سال‌ها، اخبار بسیار ضد و نقیضی از سلامت یا شهادت این عزیزان منتشر شود. آنچه مسلم است، در طی این سال‌ها، سخت و شکننده، که تلخ‌ترین ایام برای خانواده‌های این دلیر مردان بوده، دولت جمهوری اسلامی از نظر سیاسی و دیپلماتیک، آنچه را که در توان خویش داشته است، در سطح جهانی و منطقه به‌کار گرفته است. جناب آقای خاتمی رئیس‌جمهوری نیز سال‌ گذشته در دیدار با خانواده این چهار گروگان، قول داد که تا پایان دوره ریاست جمهوری‌اش، این مسئله را به نتیجه مشخص و روشن برساند، اما هنوز که هنوز است پاسخی روشن به خانواده‌های این چهار دیپلمات داده نشده است.

فرهنگ‌سرای پایداری، در پایان از کلیه نهادهای مسئول، بویژه دستگاه دیپلماسی کشور، می‌خواهد که در این قضیه پی‌گیرتر و جدی‌تر عمل نمایند و با توجه به این‌که ۲۳ سال از این موضوع می‌گذرد، شواهد زنده بودن چهار دیپلمات ایرانی را بررسی نمایند و روشن کنند آیا این ادعاها کذب است یا واقعیت دارد؟ جواب روشنی به خانواده‌های این عزیزان بدهند تا پس از ۲۳ سال خانواده‌های این چهار عزیز از نگرانی و چشم‌انتظاری رها شوند.

فرهنگ‌سرای پایداری

سیاست‌روز

۱۳۸۴/۴/۱۸ = ۹ جولای ۲۰۰۵

عکس احمد متوسلیان را با لباس فرم سپاه چاپ می‌کنیم، آن وقت می‌گوییم «دیپلمات‌ما»!

در حاشیه مراسمی که توسط بنیاد حفظ آثار و کنگره شهدا و اسرای دانشگاه‌های جهان اسلام به مناسبت بیست و سومین سالگرد ربوده شدن ۴ دیپلمات ایرانی، ۱۴ تیرماه در سالن سیدالشهدای تهران برگزار شد، فرصتی دست داد تا با حمید

روزشمار گروگان‌گیری □ ۳۲۵

داود آبادی (محقق و نویسنده) که تحقیقات فراوانی را برای روشن شدن سرنوشت احمد متوسلیان، محسن موسوی، تقی رستگار مقدم و کاظم اخوان حتی در خود لبنان انجام داده، داشته باشیم. آنچه می‌خوانید متن کامل گفت‌وگوی متفاوت خبرنگار شریف‌نیوز با وی است:

«این مجلسی که الان گرفتند (اشاره به مراسم سالگرد ربوده شدن؛ دیپلمات در سالن سیدالشهدا) یک مجلس ترحیم بود، یعنی از آن دسته گل‌های عظیم و گران‌قیمتی که گذاشتند و سخنرانی‌هایی که شد، این کاملاً معلوم بود. چرا؟ چون عادت کردیم هر سال توپ را توی زمین دیگری بیندازیم و مشکل عدم پی‌گیری درست سرنوشت؛ دیپلمات ربوده شده ایرانی را، هر سال به گردن دیگران بیندازیم. متأسفانه دوستانی که سخنرانی کردند، همین کار را کردند. یعنی آمدند حالاً مثلاً دولت جدید، دولت قبلی، همه دولت‌ها را زیر سوال بردند، و یکی نیامد بگوید که خود ما چه کار کردیم؟ یعنی جا داشت که فرمانده سابق سپاه بیاید اینجا بگوید که من در دوران ۱۵ سال فرماندهی‌ام در سپاه، این کار را برای پی‌گیری این مسئله انجام دادم؛ یاد دیگران، مثلاً آقای ولایتی بیاید اینجا بگوید که من این کار را کردم؛ اما متأسفانه چنین چیزی وجود ندارد. یعنی اگر این افراد هم بیایند، می‌گویند که دیگران مثلاً وزارت اطلاعات، وزارت امور خارجه و... کوتاهی کردند. به همین خاطر از این مجالس چیزی در نمی‌آید.

یک کمیته پی‌گیری در مجلس ششم تشکیل شد که رئیس آن کمیته آقای «محسن آرمین» بود. باید بیاید اینجا. یقه اش را بگیرند. بودجه قرار داده شده، طرح ریخته شده، وقت بیت‌المال گرفته شده، توی مجلس این بحث‌ها را کرده‌اند، پس نتیجه آن چه شد؟!

کمیته جدید، آقای «علی ربیعی» و دیگر اعضای کمیته را بیاورند بنشانند اینجا. حداقل خانواده‌ها باید این جرات و جسارت را به خرج بدهند. از دیگران صدایی در نمی‌آید چون خودشان مسئولند. شما نمی‌توانید از رئیس برخی ارگان‌ها و سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها یقه‌گیری کنید، چون خودشان بدهکارند به این قضیه؛ اما خانواده‌ها می‌توانند یقه‌شان را بگیرند و به پاسخ بکشند که شماها در طی این مدت چه کار کرده‌اید؟ آخرش باید این سناریو یکجایی قیچی بشود؛ یا شهادت اینها و یا اسارت اینها؛ اما هر سال می‌بینیم که یک داستان جدیدی ساخته می‌شود؛ هر سال یک بازی جدید. امروز من تلویزیون را نگاه می‌کردم، خیلی جالب بود؛ تلویزیون یادش آمد؛

تا گروگان داریم. یکمصاحبه از مصطفی دیرانی در لبنان پخش کرد که چیز مهمی گفت. جالب بود. دیرانی می‌گفت: «ما در اسارت که بودیم، یکی از این بازجویان اسرائیلی آمد به من گفت: قیافه تو شبیه سید محسن موسوی است. حتماً این بازجو موسوی را دیده بود که به من می‌گفت قیافه تو عین سید محسن موسوی است.» این خیلی مهم بود. چرا این هیچ انعکاسی پیدا نکرد؟

یک سوالی که همیشه توی ذهن من بوده و دوست داشتم بروم آن‌بالا به آقایان بگویم، این بود که این احمد حبیب‌الله کی بود؟ آخرش گفتند مرد. این وجود خارجی داشت یا نداشت؟ و اکنون پسرش وجود خارجی دارد یا ندارد؟ مصاحبه واحد برون مرزی صداوسیما با او، کجاست؟ چرا صداوسیما پخش نمی‌کند؟ یکبار یک عکس از او نشان بدهند. آن فلسطینی که در لندن گفته با اینها هم سلول بوده، کجاست؟ حتی اسم او مشخص نیست. بعضی‌ها نمی‌خواهند قضیه را به سرانجام برسانند. حال کی نمی‌خواهد...!!

پس نیاید مراسم بگیرید، چون این فایده‌ای ندارد. مگر اینکه بیچاره خانواده‌ها را دق بدهیم یکروز بگویم شهید شدند، یکروز بگویم اسیر هستند. متأسفانه این یکبازی غیرهماهنگ با خانواده‌هاست. یعنی خانواده‌های بیچاره هر لحظه منتظر شنیدن خبری جدید هستند، ولی آقایان خیلی ساده خانواده‌ها را بازی می‌دهند. پدر و مادر کاظم اخوان که فوت کردند رفتند. بقیه آنها هستند. راه کار این است که آنهایی که مسئولند، مثلاً آقای علی ربیعی، باید بیایند و قضایا را مشخص کنند. متأسفانه خود ما داریم قضیه ۴ دیپلمات را خیلی سفت و سخت به ران آراد گره می‌زنیم در حالی که ران آراد ربطی به اینها ندارد. آقا! بروید برای ۴ دیپلمات خودمان سفت و سخت بایستید.

بله... گفتند که غربی‌ها برای گروگان‌هایشان... بله؛ شما مسئول بودید در زمان گروگان‌های غربی. چرا برای گروگان‌های خودمان کاری نکردید؟ آمریکا برای گروگان‌های غربی فیلم «گروگان‌ها» ساخت. فیلم «منطقه جنگی» ساخت. برای «جان مکارتی» خودش راکشت؛ این قدر پوستر و کتاب زدند. اما شما، اگر نتوانستید در عرض این ۲۴ سال، یک کتاب گیر بیاورید که زندگی‌نامه این چهارتا آدم توی آن باشد. یک کتاب ۵۰ صفحه‌ای!

الان پشت بلندگو می‌گویند فاتح بیت المقدس... فلان و بیسار؛ عکسش را با لباس فرم سپاه چاپ می‌کنیم، آن وقت می‌گویم دیپلمات‌ها! ما یک فیلم از زندگی حاج احمد متوسلیان ساختیم و آخرش گفتیم که حاج احمد در لبنان

روزشمار گروگان‌گیری □ ۳۲۷

ربوده شد؛ اینها این‌تکه را حذف کردند. گفتیم خب ما بگوییم حاج احمد کجا گم شد؟! گم شد دیگر. حذف کردند و گفتند نمی‌توانیم بگوییم اینها لبنان بودند. گفتم پس بگویید خودمان را داریم فیلم می‌کنیم!

از آمریکا، یک نفر کتابی برای من آورد که زندگی حاج احمد در آن نوشته شده؛ تمام لحظه به لحظه گروگان‌گیری‌ها نوشته شده، همه بحث‌هایی که با دیگران بوده، به همه اینها پرداخته شده، اما ما واقعیات را داریم از ملت خودمان دریغ می‌کنیم والا غربی‌ها ریز به ریز چیزها را می‌دانند. شما بروید کتاب «ویلات وطن» نوشته «روبرت فیسک» و یا کتاب «الحصاد» نوشته «جان کولی» را بخوانید، تمام اینها قضیه حاج احمد و همراهانش را نوشته‌اند، که حاج احمد چه کسی بود؟ حالا ما می‌خواهیم بپوشانیم که حاج احمد سپاهی بوده؟!

۵ روز بعد از ربوده شدن حاج احمد - ۱۹ تیرماه - مجله پیام انقلاب عکس حاج احمد متوسلیان را زد و مصاحبه کرد و زیرش نوشت: «برادر احمد، فرمانده نیروهای اعزامی سپاه به لبنان» خب، پس این‌چیه؟ ما تکلیف خودمان را با گروگان‌هایمان مشخص کرده‌ایم. بله اینها دیپلمات بودند. زمان جنگ بوده رفتند آنجا و اسیر شدند. ما هنوز از دولت لبنان هم درست‌نخواستیم اگر و هنوز با التماس و استخاره داریم از دولت لبنان پی‌گیری می‌کنیم! اگر دولت لبنان می‌خواهد، در مورد سمیر جعجع درست پی‌گیری کند.

آخرش هم می‌گویم، که اسرائیل یک گزارش هفتاد صفحه‌ای داده و ریز به ریز قضیه گروگان‌گیری در آن هست. آقای عباد بیاید این را منتشر کند و یا می‌آمد در اینجا تشریح می‌کرد که این گزارش چه می‌گوید. من لیست بلندبالایی از اسامی افرادی دارم که از این ۴ ایرانی خبردارند، اما کسی به سراغ آنها نمی‌رود. همه آنها نیز هستند. در فرانسه، استرالیا، کانادا، حتی در خود لبنان، خیلی‌ها هستند.

سال ۱۳۷۹ روبر حاتم مصاحبه کرده، آن موقع می‌گوید که من نوار مکالمه تلفنی گابی بستانی با ایللی حبیقه را دارم که ایللی حبیقه به اودستور می‌دهد که «برو از این ۴ ایرانی بازجویی کن و بعد هم آنها را بکش.» آن موقع در مورد این نوار صحبت کرد، اما هیچ‌کس به سراغ این نوار نرفت؛ حال می‌آییم مثلا برای خودمان نوار ساختگی درست می‌کنیم! چرا کسی به سراغ روبر حاتم همان زمان که همه روزنامه‌ها نیز سخنان او رازدند و تکذیب هم نکرد، نرفت؟ همان گابی بستانی الان لبنان است و دارد زندگی می‌کند. نادر

سکر الان لبنان است و التماس کرده که بیایید از سفارت، من بودم و لحظه به لحظه جریان را برای شما تعریف می‌کنم. یابرای آقایان تکلیف کاملاً معلوم شده است و می‌گذارند که ماها این پایین بازی کنیم و بده‌بستان‌هایی داریم! ویا واقعا آنها هم در این قضیه گیج‌مانده‌اند. ازدست ما که کاری بر نمی‌آید؛ چون نهایت می‌توانیم ۲ تامصاحبه انجام بدهیم یا مطلبی بنویسیم، اما مسئولین نظام بی‌برو برگرد، در خبر گرفتن از اینها خیلی دستشان باز است و راحت می‌توانند از دولت لبنان بخواهند که سمیر جعجع یا هر فرد دیگری را بیاورند و تکلیف را معلوم کنند. چرا از این قدرتها استفاده نمی‌شود؟ همه اینها مسئولند اما فقط اینها نیستند...

سایت اینترنتی شریف‌نیوز

۱۳۸۴/۴/۱۹ = ۱۰ جولای ۲۰۰۵

از کنار قضیه سمیر جعجع به راحتی نگذرید

فرهنگ‌سرای پایداری در بیانیه‌ای، از مسئولین جمهوری اسلامی درخواست کرد که از کنار قضیه آزادی سمیر جعجع به راحتی نگذرند و خواستار بازجویی جعجع توسط دولت لبنان شوند. در این بیانیه آمده است: «هم‌اکنون نقطه‌ای روشن در پرونده چهار دیپلمات ربوده شده به وجود آمده است و آن آزادی قریب‌الوقوع سمیر جعجع یکی از عوامل دستگیری این چهارتن، از زندان لبنان است. جعجع فردی است که می‌تواند اطلاعات دقیقی از چهار دیپلمات ایرانی ارائه دهد و می‌توان با کسب اطلاعات دقیق و درست از وی، به ابهام ۲۳ ساله سرنوشت این عزیزان پایان داد.»

فرهنگ‌سرای پایداری، در پایان این بیانیه خواستار آن شده است: «مسئولین امر که تاکنون وظیفه پیگیری این پرونده را داشتند، تا قبل از به پایان رسیدن دولت جناب آقای خاتمی، از دولت لبنان قضیه سمیر جعجع را پیگیری نمایند، چون اگر جعجع آزاد شود، چه بسا مثل ایلی حبیقه کشته‌شود و کلیه اطلاعات مربوط به ۴ دیپلمات را با خود دفن کند و معلوم نیست در آینده بتوان بار دیگر فرصت این‌چنینی را به دست آورد تا به این چشم‌انتظاری پایان داد.»

سیاست‌روز

۱۳۸۴/۴/۲۰ = ۱۱ جولای ۲۰۰۵

روزشمار گروگان‌گیری □ ۳۲۹

دولت سرنوشت دیپلمات‌ها را با ارائه پیشنهاد بازجویی از سمیر جعجع پی‌گیری کند

«مهدی کوچک‌زاده» عضو کمیسیون اصلنود مجلس، گفت: «بازجویی از جعجع می‌تواند منجر به اطلاعات مفیدی در مورد سرنوشت این ۴ مظلوم شود. به نظر می‌رسد آزاد کردن این فرد توسط دولت لبنان در شرایطی که به مدت ۲۳ سال هیچ اطلاعی از وضعیت این دیپلمات‌ها در دست نبوده، کار صحیحی نباشد. آزادی جعجع قطعاً منجر به پنهان شدن وی و از دست رفتن تمامی سرنخ‌های این واقعه خواهد بود.»

خبرگزاری فارس

۱۳۸۴/۴/۲۱ = ۱۲ جولای ۲۰۰۵

خانواده دیپلمات‌های ربوده شده با مراجعه به کمیسیون اصلنود طرح شکایت کنند

«سیدعلی ریاض» عضو کمیسیون اصلنود مجلس، ضمن اعلام آمادگی این کمیسیون در خصوص پی‌گیری پرونده ربوده شدن دیپلمات‌های ایرانی در لبنان، اظهار داشت: «خانواده دیپلمات‌های ربوده شده با مراجعه به کمیسیون اصلنود طرح شکایت کنند. پرونده ربوده شدن دیپلمات‌های ایرانی در لبنان، بایستی با جدیت بیشتری دنبال شود و برای دستیابی به نتیجه در مورد این پرونده، تحریک جدی سیاسی داخلی و بین‌المللی از طرف ایران لازم است. برای این منظور کمیسیون اصلنود و کمیسیون امنیت ملی مجلس وارد این موضوع خواهند شد.»

وی با اشاره به وجود کمیته حقوق بشر در کمیسیون اصلنود اضافه کرد: «در صورت طرح شکایت خانواده دیپلمات‌ها به کمیسیون اصلنود، با ایجاد هماهنگی این کمیسیون با وزارت امور خارجه و کمیسیون امنیت ملی مجلس، این موضوع را در سطح بین‌المللی دنبال می‌کنیم. در صورت شکایت این عزیزان، دست کمیسیون اصلنود در پی‌گیری این پرونده باز خواهد بود و می‌توان ادعا کرد که این پرونده مدعی دارد. اگر احتمال زنده بودن این افراد در لبنان وجود داشته باشد، محافل بین‌المللی مدعی حقوق بشر بایستی در این زمینه پاسخ‌گو باشند و ان‌شاءالله روزی شاهد آزادی این عزیزان باشیم.»

خبرگزاری فارس

۱۳۸۴/۴/۲۲ = ۱۳ جولای ۲۰۰۵

برای آزادی چهار دیپلمات، سمیر جعجع باید بازجویی شود

جمعی از دانشجویان دانشگاه شهیدبهبشتی، در نامه‌ای خطاب به سیدمحمد خاتمی رئیس‌جمهوری، خواستار پی‌گیری سرنوشت چهاردیپلمات دربند رژیم صهیونیستی در مدت باقی‌مانده از ریاست جمهوری وی شدند. در این‌نامه، از رئیس شورای عالی امنیت ملی خواسته شده تا با پی‌گیری مجدانه، سرنوشت چهارفرزند اسیر ایرانی، این پرونده مهم سیاست خارجی دولت خود را به سرانجام برساند. در ادامه این‌نامه آمده است: «بی‌شک ادامه اهمال در خصوص رسیدگی به وضعیت این دیپلمات‌ها، شائبه بی‌اهمیتی چنین موضوعاتی را که هیچ‌گونه نفع‌مادی یا استفاده‌آزایی را برای رسانه‌های دولت نخواهد داشت، تقویت می‌نماید.»

دانشجویان دانشگاه شهیدبهبشتی با اشاره به آزادی قریبالوقوع سمیر جعجع از زندان وزارت دفاع لبنان، از خاتمی خواسته‌اند این فرصت باقی‌مانده را غنیمت دانسته و در راه اطلاع از سرنوشت چهار دیپلمات، از اطلاعات ارزشمند وی استفاده نمایند. این دانشجویان در ادامه نامه خود خطاب به رئیس‌جمهوری آورده‌اند: «عدم استفاده از اطلاعات ارزشمند افرادی چون سمیر جعجع، موجب این نگرانی است که روزی فرابرسد که امکان دسترسی به او وجود نداشته باشد و آن‌گاه دولت‌های آینده کشورمان، انگشت حسرت به خاطر عدم تحرک به موقع دولت شما برده‌ان خواهند داشت.»

در پایان این‌نامه، ضمن انتقاد از مسئولان کنونی کمیته پی‌گیری سرنوشت این دیپلمات‌ها، از رئیس‌جمهوری و نمایندگان مجلس شورای اسلامی خواسته شده با تشکیل یک کارگروه که اطلاع از سرنوشت این گروگان‌ها برای آنها واقعاً مهم باشد، سرنوشت واقعی این عزیزان برای همه خصوصاً خانواده‌های چشم‌انتظار آنها مشخص گردد.

خبرگزاری مهر

ایران از لبنان بخواهد که ربایندہ دیپلمات‌های ایرانی مورد محاکمه قرارگیرد

«علیرضا اکبری» رئیس «موسسه پژوهش‌های راهبردی» (تصمیم)، با اشاره به احتمال آزادی تنهاسرنخ واقعه ربایش دیپلمات‌ها در چند روز آینده، گفت: «ایران از لبنان بخواهد که سمیر جعجع به‌طور مستقیم مورد محاکمه قرارگیرد و یا وی را در اختیار مراجع صالحه بین‌المللی قرار دهد. دیپلمات‌های ما توسط شبه‌نظامی‌های فالانژ تحت‌رهبری سمیر جعجع ربوده شده‌اند و چون نیروهای فالانژ در آن زمان تحت‌کنترل نیروهای رژیم صهیونیستی بودند، بنابراین ارتباط

روزشمار گروگان‌گیری □ ۳۳۱

جعجع با نیروهای نظامی رژیم صهیونیستی کاملاً واضح است. طبق مدارکی که نزد دولتهای ایران و لبنان موجود است، شخص سمیر جعجع به واسطه فرماندهی فالانژیستها، ارتباط مستقیم و مباشر با گروگان‌گیری دیپلمات‌های ایرانی دارد.»

وی ضمن اشاره به احتمال آزادی جعجع در چند روز آینده، تصریح کرد: «دولت لبنان امروز در جهت اجرای تعهدات حقوقی خود، می‌بایست حداقل تا تعیین وضعیت دیپلمات‌های ربوده شده، جعجع را به عنوان مسئول این امر در اختیار داشته باشد و بخواهد که همه اطلاعات خود را در مورد وضعیت این عزیزان بیان کند.»

مشاور سابق وزیر دفاع، به وجود نوعی رخوت در دیپلماسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی اشاره کرد و افزود: «همه مسئولان در دولتهای مختلف، خواستار آزادی این عزیزان بودند و همه می‌دانستند که دیپلمات‌ها توسط چه کسانی ربوده شده‌اند، اما به واسطه وجود نوعی رخوت، نتیجه قابل توجهی را شاهد نبودیم. از سال ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۵ میلادی، دولت جمهوری اسلامی برای بررسی این مسئله تلاش کرد، اما دستگاه سیاست خارجی ما قادر نبود یک پاسخ و لونسبی و تقریباً قانع‌کننده، راجع به حق مسلم عده‌ای از شهروندان ما یعنی خانواده‌های دیپلمات‌های ربوده شده ارائه دهد، این مسئله ناشی از یک رویکرد همراه با «انطباق‌پذیری منعطف» بوده است. متأسفانه دستگاه سیاست خارجی ما نوعاً از معضلی به نام انطباق‌پذیری منفعلانه رنج می‌برد. مسئله این است که ده‌ها دیپلمات، جاسوس یا افراد غربی بوده‌اند که در لبنان و خاورمیانه ربوده شده بودند و بین سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۶ میلادی وساطت‌ها و تلاش‌های دیپلمات‌های ایرانی بود که موجب آزادی آنها شد، حال چگونه است که راجع به خودمان این اتفاق نیفتاد.»

خبرگزاری فارس

۱۳۸۴/۴/۲۴ = ۱۵ جولای ۲۰۰۵

نامه سرگشاده تشکلهای دانشجویی به سید محمد خاتمی

در ادامه پی‌گیری‌ها برای بازجویی از سمیر جعجع، تعدادی از تشکلهای دانشجویی، در نامه‌ای به سید محمد خاتمی رئیس‌جمهوری و رئیس شورای عالی امنیت ملی، خواستار به‌کارگیری تمام ظرفیت دیپلماتیک و نفوذ سیاسی خود و کشور در منطقه و جهان اسلام در واپسین روزهای عمر دولت وی برای روشن شدن واقعیت وضعیت ۴ دیپلمات ربوده شده ایرانی در لبنان شدند.

در نامه سرگشاده انجمن اسلامی دانشجویان مستقل، جنبش عدالتخواه دانشجویی، جامعه اسلامی دانشجویان و کنگره شهدا و اسرای دانشگاه‌های جهان اسلام، خطاب به سید محمد خاتمی آمده است: «آقای خاتمی؛ تلاش‌های گذشته شما و دیگر دولتمردان، هنوز گره‌ای از این ماجرا نگشوده است و این راز سربه‌مهر، همچنان در پرده ابهام است. آقای خاتمی؛ اکنون در حالی روزهای پایانی دولت شما با بیست و سومین سالگرد ربوده شدن این عزیزان همراه شده است، که سرخ اصلی این ماجرا، سمیر جعجع فرمانده سابق فالانژها در دست کشور دوستان یعنی لبنان است. فرصت را دریابید و تمام ظرفیت دیپلماتیک و نفوذ سیاسی خویش و جمهوری اسلامی را در منطقه و جهان اسلام به کار گیرید تا پرده از واقعیت این ماجرا برداشته شود.

جناب آقای خاتمی؛ اقدامات سریع، قاطع و پرشتاب دولت شما، با استفاده از حسن همجواری و روابط نزدیک سیاسی و پیوندهای تاریخی، فرهنگی، دینی با دولت لبنان و امیل لحود (رئیس‌جمهوری این کشور) و پی‌گیری مجدانه، انقلابی و بدون فوت وقت دستگاه‌های دیپلماسی، اطلاعاتی و امنیتی تحت مدیریت شما، در شرایطی که تلاش‌های بسیاری از سوی برخی نمایندگان پارلمان لبنان برای رهایی سمیر جعجع و سخت‌شدن و نامعلوم بودن دسترسی به وی در آینده، صورت گرفته است، حداقل انتظار دانشجویان و دانشگاهیان و کمترین خواست ملت مسلمان و مومن ایران از دولت جمهوری اسلامی ایران است. فرصت را از دست ندهید. این آزمونی بزرگ برای بروز و ظهور روحیه انقلابی و آرمان‌خواهی و قدرت و توانایی رایزنی و دیپلماسی دولت شماست. همچنین، گروه‌ها و تیم‌هایی که تا به حال مسئول بررسی و پی‌گیری این موضوع بوده‌اند، باید به‌طور شفاف نتایج تحقیقات خود را در اختیار رسانه‌ها قرار دهند تا سرنوشت این پرونده در اذهان عمومی مردم مشخص‌گردد. دل‌ها و چشم‌های بسیاری، رفتار گره‌گشای شما را به انتظار نشسته است. ما را مایوس نکنید.»

خبرگزاری مهر

۱۳۸۴/۴/۲۵ = ۱۶ جولای ۲۰۰۵

دوره ریاست جمهوری خود را با افتخار آزادی چهار فرزند غیور ملت ایران پایان دهید

جمعی از دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف، در نامه‌ای خطاب به سید محمد خاتمی رئیس‌جمهوری، خواستار رسیدگی فوری به سرنوشت چهار دیپلمات ربوده شده

روزشمار گروگان‌گیری □ ۳۳۳

ایرانی از طریق سرنخ‌های موجود در طول مدت باقی‌مانده از ریاست‌جمهوری وی شدند.

خبرگزاری مهر

۱۳۸۴/۴/۲۶ = ۱۷ جولای ۲۰۰۵

یقین داریم که دیپلمات‌های ربوده‌شده زنده‌اند

سیدراند موسوی در کنفرانسی خبری که با حضور خبرنگاران رسانه‌های گروهی در خبرگزاری فارس برگزار شد، گفت: «آخرین اخبار ما از سرنوشت چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی، حکایت از آن دارد که یکسال و نیم پیش، یکی از افرادی که در مبادله حزب‌الله و رژیم صهیونیستی توسط این رژیم آزاد شد، به ما گفت که این افراد را در زندان حیفا دیده و وقتی عکس افراد مختلفی را برای شناسایی به او نشان دادند، او تصویر این چهار نفر را شناسایی کرد و همچنین شواهد متعددی دیگری نیز وجود دارد که نشان می‌دهد دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی از طریق بندرجونیه از طریق یک کشتی به اسرائیل منتقل شده‌اند.»

فرزندسیدمحسن موسوی، که به همراه مادر خود در این کنفرانس خبری حضور یافته بود، افزود: «بعد از شش‌ماه یا یکسال از ربوده‌شدن این ۴ دیپلمات، به دستور حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای که در آن زمان رئیس‌جمهوری بودند - کمیته‌ای برای پی‌گیری این جریان تشکیل شد و در طی حدود ۱۰ سال، پی‌گیری‌های خوبی در این زمینه صورت گرفت اما، هم‌چنانگذاختی در لبنان جریان داشت، و هم خود ما درگیر جنگ‌تحمیلی بودیم و این پی‌گیری‌ها تا آن زمان منجر به آزادی این چهار دیپلمات نشد و نتایج این پی‌گیری‌ها وقتی به‌صحنه دیپلماسی کشورمان رسید، متأسفانه دستگاه دیپلماسی کشورمان نتوانست هیچ‌کاری از پیش ببرد. متأسفانه مسئولان فقط در سالگرد ربوده‌شدن این چهار نفر به یادشان می‌افتد که ما چهار هموطن ربوده‌شده داریم که سال‌ها از ربوده‌شدن‌شان توسط یکی از بزرگ‌ترین دشمنان‌مان می‌گذرد و دیگر هیچ؛ ما واقعا نمی‌دانیم چرا مسئولان همچنان به اهمال در پی‌گیری سرنوشت این چهار نفر ادامه می‌دهند، چون ما می‌خواهیم بدانیم. به هر حال آیا خانواده‌های این ۴ نفر حق دارند بدانند که سرنوشت این چهار نفر چه شده است یا نه؟ ما بر اساس شواهد متقن موجود، یقین داریم که دیپلمات‌های ایرانی زنده‌اند و امکان پی‌گیری درست برای به‌نتیجه رساندن این پرونده مهم نیز وجود دارد،

چون سرنخ‌های خوبی از این‌ماجرا در دست داریم که نباید بگذاریم آنها به راحتی از دست برود.»

وی با تاکید بر این‌که این مسئله باید از افرادی که در این‌مورد اطلاعات و اخباری دارند، پی‌گیری شود، افزود: «هرچه سریع‌تر باید به سراغ افرادی که از زندان‌ها آزاد شدند و می‌گویند که یا آنها را دیده و یا شنیده‌اند که آنها زنده‌اند، رفت و از آنها در این رابطه اطلاعات گرفت.»

موسوی با اشاره به دیدار خانواده‌ها با ایلی حبیقه که یکی از عوامل اصلی ربودن چهاردیپلمات ایرانی بوده است، گفت: «چند سال پیش وقتی با او دیدار کردیم، حبیقه نشانی مکانی در لبنان را به ما داد که می‌گفت این چهار نفر مدتی در آن مکان نگهداری می‌شده‌اند و ممکن است از خود اثری در آنجا باقی گذاشته باشند. اما هیچ‌کس به سراغ آن‌مکان نرفت که نشانی از آنان بیابد. در سفر دکتر خرازی به لبنان که خانواده‌ها نیز او را همراهی می‌کردند، این مسئله با پیشنهاد ما مطرح شد که سفارت ایران در لبنان طی بیانیه‌ای اعلام کند هر فردی اطلاعاتی در مورد چهاردیپلمات ربوده شده ایرانی بدهد، جایزه دریافت می‌کند. چون خیلی‌ها که در جریان کارهای فالانژها بودند، افرادی عادی بودند که با پول کار می‌کردند و الان اطلاعات خوبی دارند، اما طی این دو سال که این پیشنهاد مطرح شد، اقدام موثری برای عملی شدن این پیشنهاد صورت نگرفت. باید پی‌گیری‌ها برای به نتیجه رساندن سرنوشت چهاردیپلمات مستمر باشد و به همین علت باید کمیته‌ای در این زمینه وجود داشته باشد که اعضای آن، هیچ‌کار دیگری به جز پی‌گیری این مسئله نداشته باشند و تمام وقت خود را صرف پی‌گیری این جریان کنند.»

وی با اشاره به کم‌کاری کمیته‌ای که از جانب آقای خاتمی مسئول پی‌گیری این مسئله شده بود، گفت: «متأسفانه کمیته‌ای که آقای خاتمی به ریاست علی ربیعی حدود یک سال ونیم پیش تشکیل داد، هیچ اقدام موثری انجام ندادند و در این یک سال ونیم، تنها کار این کمیته دسته‌بندی اطلاعات موجود بود و حتی هیچ اطلاعات جدیدی نیز به آن افزوده نشد. اگر آن‌گونه که اخبار و اطلاعات نشان می‌دهد، این عزیزان زنده باشند و به واسطه عدم پی‌گیری مسئولان، به شهادت برسند، ما پس از شکایت در دادگاه عدل الهی، در هر دادگاه بین‌المللی که ممکن باشد، از ایران شکایت خواهیم کرد.»

موسوی با اشاره به تنها سفر رئیس‌جمهوری ایران به لبنان بعد از انقلاب، که انتظار می‌رفت آقای‌خاتمی این مسئله را مطرح‌کند، گفت: «در این سفر، از سوی آقای‌خاتمی هیچ‌نامی از چهار دیپلمات ربوده شده مظلوم کشورمان که در لبنان ربوده شده‌اند، برده‌نشده و وی، حتی در سخنرانی‌عمومی‌اش اگر چه پی‌گیر نکردند، اما حداقل برای دلخوشی هم‌شده در جمع مردم لبنان در استادیوم این کشور نیز، نامی از این چهار نفر نبرد.»

وی با اشاره به مسئولیت دولت لبنان در این پرونده، گفت: «دولت لبنان باید جست‌وجوی کاملی در خاک خود انجام دهد و نتایج را رسماً اعلام کند و برای پی‌گیری این مسئله با توجه به این‌که اینها دیپلمات ایران در لبنان بودند، از مسئولیت لبنان نمی‌توان گذشت.»

موسوی در مورد اظهارات کسانی که مدعی کشته‌شدن این چهار نفر هستند، افزود: «کسانی که ادعای کشتن این افراد را دارند، در پی‌گیری‌های بیشتر، بارها اظهاراتی متناقض بیان کرده‌اند و تاکنون هیچ‌کس نگفته که من صحنه کشته‌شدن اینها را دیده‌ام و اگر دقت کنید، اکثر اخباری که دال بر شهادت این افراد است، فقط در حد تحلیل است و هیچ‌دلیل محکمی برای آن وجود ندارد، در حالی که اسرائیل برای نگه‌داری این چهار نفر، دلایل بسیاری دارد.»

وی تأکید کرد نبیه بری رئیس‌مجلس لبنان، به آنان گفته که حضرات شاهدی را معرفی‌کنند که شهادت دهد این افراد زنده‌اند، و افراد دیگری نیز هستند که اینها را زنده دیده‌اند، اما کسی هنوز به سراغ آنان نرفته و لزوم تشکیل یک پرونده بین‌المللی در این زمینه نیز ضروری به نظر می‌رسد.»
خبرگزاری مهر

تنها خواسته ما روشن‌شدن حقیقت است

«غلامرضا رستگارمقدم» برادر یکی از چهار دیپلمات ربوده شده، با تأکید بر مسئولیت مسئولان کشورمان و نیز دولت لبنان، از آنان خواست که باتلاشی مستمر و پی‌گیر، حقیقت را در مورد سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی روشن‌کنند. برادر تقی رستگارمقدم، در کنفرانس خبری که در خبرگزاری فارس برگزار شد، گفت: «هم پدران ما، وهم خودما، دنبال روشن‌شدن سرنوشت برادرم و همراهانش بوده‌ایم ولی تاکنون که به نتیجه‌ای نرسیده‌ایم. مگر این ۴ نفر

به دستور چه کسانی به لبنان رفتند و برای چه هدفی از جان خودگذشتند، و علیرغم جنگشدید در لبنان، در این کشور باقی ماندند؟»
خبرگزاری مهر

مسئولان در هر مذاکره دیپلماتیک مسئله چهار دیپلمات را مطرح کنند

مریم مجتهدزاده همسر سید محسن موسوی، در کنفرانس خبری خبرگزاری فارس، اظهار داشت: «افراد و شاهدانی که در جریان این آدم ربایی بوده و در مورد سرنوشت محسن و همراهانش اطلاعاتی دارند، اکنون در کشورهای مختلف از جمله در خود لبنان وجود دارند و می‌توان با کسب اطلاعات دقیق و درست از آنان، به ابهام ۲۳ ساله سرنوشت این عزیزان پایان داد. اگر دیر بجنبیم، شاید وقتی به خودمان بیاییم که همه اینها نیز از دست رفته باشند و دیگر نتوانیم ردی از این چهار دیپلمات پیدا کنیم.»
مجتهدزاده با اشاره به برخی شواهد موجود که حاکی از زنده بودن دیپلمات‌های ربوده شده است، گفت: «میشل عون فرمانده وقت ارتش لبنان، تقریباً شش سال بعد از ربوده شدن این چهار نفر، اعلام کرد که این افراد زنده هستند و در مکانی در کوهستان‌های لقلوق لبنان نگهداری می‌شوند. میشل عون اکنون به صحنه لبنان بازگشته و می‌توان از او در این رابطه اطلاعات خوبی کسب کرد. احمد حبیب‌الله بارها اعلام کرده که چهار دیپلمات ایرانی زنده‌اند، اما آن قدر کسی سراغ او نرفت که فوت کرد، ولی اکنون فرزند او اطلاعات خوبی از این موضوع در دست دارد که باید هرچه سریع‌تر به سراغ او رفت.»
خبرگزاری مهر

پیگیری‌ها مقطعی بوده، مسئولان و رسانه‌ها فعالیت خود را تمرکز دهند

برادر احمد متوسلیان، ضمن انتقاد از پیگیری ضعیف مسئولان برای روشن شدن سرنوشت چهار دیپلمات ربوده شده ایرانی، گفت: «ما هیچ اطلاعی از سرنوشت احمد و همراهانش نداریم و متأسفانه مسئولان، ما را در جریان کارها نگذاشته‌اند.»
متوسلیان با اشاره به سفر خانواده‌های چهار دیپلمات ربوده شده ایرانی به همراه وزیر امور خارجه کشورمان به لبنان، گفت: «یک سال پیش، با خرازی به بیروت رفتیم و با مسئولان مختلف دیدار کرده و همه آنها قول پیگیری دادند ولی این پیگیری‌ها نیز در همان مقطع قطع شد.»

برادر دیپلمات ربوده شده کشورمان، تاکید کرد: «امیدواریم فعالیت رسانه‌ها و مسئولان کشورمان برای روشن شدن سرنوشت این عزیزان تمرکز داشته و استمرار یابد.»
خبرگزاری مهر

دفاع از خبرنگاران نباید گزینشی باشد

شاهرخ سلطان احمدی خواهرزاده کاظم اخوان، در کنفرانس خبری خبرگزاری فارس، در پاسخ به این سوال که: «انتظار شما از خبرنگاران برای پیگیری سرنوشت یکی از همکاران‌شان یعنی کاظم اخوان، چیست؟» گفت: «کاظم اخوان یک عکاس و خبرنگار بود و می‌توان سرنوشت او را از راه‌های صنفی نیز پیگیری کرد، اما متأسفانه در طول این ۲۰ سال، این جریان از پیگیری رسانه‌های ما بی‌نصیب بوده است و من معتقدم که در دفاع از خبرنگاران، نباید گزینشی عمل شود. در این سال‌ها فرصت‌های زیادی را برای پیگیری سرنوشت؟ دیپلمات‌مظلوم کشورمان از دست دادیم.»

سلطان احمدی با انتقاد شدید از منادیان حقوق بشر و آزادی در جهان، گفت: «مجامع بین‌المللی هیچ حرکت موثری برای حقوق بشری که همواره دم از آن می‌زنند، برای به نتیجه رساندن پیگیری سرنوشت این چهار دیپلمات انجام ندادند و ما در همین‌جا از «پاپ» درخواست می‌کنیم که از طریق مسیحی‌های لبنان، خواستار روشن شدن این پرونده مهم ۲۳ ساله شود.»

وی ضمن تشکر از اقدامات خبرگزاری مهر و فارس در پیگیری سرنوشت چهار دیپلمات ربوده شده ایرانی، صداوسیما و سایر رسانه‌های کشورمان را مورد خطاب قرار داد که چرا اقدامات موثر و مستمری را برای پیگیری سرنوشت این ۴ ایرانی انجام ندادند، و گفت: «رسانه‌های ما برای پیگیری این جریان نباید انفعالی برخورد کنند، و نباید فعالیت آنان محدود و مقطعی باشد و همواره باید از موضع پرسش‌گری، سرنوشت این افراد را از مسئولان امر مطالبه کنند. اگر امثال اقداماتی که خبرگزاری‌های مهر و فارس در حال انجام آن هستند، از چندی پیش آغاز شده بود، دستیافتن به حقیقت چندان مشکل نبود، اما متأسفانه کوتاهی‌های زیادی صورت گرفت و تا زمانی که این مسئله در ابعاد ملی پیگیری نشود، همچنان در ابهام باقی خواهد ماند.»
خبرگزاری مهر

۱۳۸۴/۴/۲۷ = ۱۸ جولای ۲۰۰۵

دولت‌لبنان نمی‌تواند از زیر بار مسئولیت سرنوشت چهاردیپلمات ایرانی شانه خالی‌کند

ده‌ها نفر از دانشجویان ایرانی، پیش‌ازظهر امروز، به دعوت انجمن اسلامی دانشجویان مستقل، در اعتراض به عدم پی‌گیری درست سرنوشت چهاردیپلمات ایرانی، در مقابل سفارت‌لبنان تجمع کردند. این تجمع، در پی خبر آزادی سمیر جعجع در روزهای آینده از زندان‌لبنان، برگزار شد و خواسته دانشجویان این‌بود که باتوجه به این‌که این‌شخص یکی از سرنخ‌های اصلی سرنوشت مبهم چهاردیپلمات ربوده‌شده ایرانی است، باید پیش از آزادی از زندان، از وی بازجویی‌شود. چون او در حال از سرنوشت گروگان‌های ایرانی آگاه است. اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه‌های سراسر کشور، که برای این‌تجمع مجوز دریافت کرده بود، پلاکاردهایی منتشر کرده بود که بر روی آنها نوشته شده بود: «آقای امیل لحد، سرنوشت چهاردیپلمات ایرانی را مشخص‌کنید - باتوجه به قرابت اعتقادی همگامی سیاسی دولت‌ایران با دولت‌لبنان، ما خواهان پی‌گیری وضعیت ۴ دیپلمات ایرانی مفقودشده در لبنان هستیم - ما دانشگاهیان خواهان مشخص‌شدن سرنوشت سرمایه‌های این‌نظام، حاج احمد متوسلیان، تقی رستگارمقدم، کاظم اخوان و سیدمحسن موسوی هستیم - برادران و مسئولان سفارت‌لبنان، پی‌گیری سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی قبل از آزادی سمیر جعجع خواسته ما دانشجویان است - آزادی سمیر جعجع در صورت مشخص‌نبودن وضعیت دیپلمات‌های ایرانی بر نگرانی‌های ملت ایران خواهد افزود.» در پایان این تجمع، یکی از دانشجویان، نامه سرگشاده‌ای را خطاب به امیل لحد رئیس‌جمهوری لبنان قرائت کرد، که این‌نامه در دیداری که نمایندگان دانشجویان با عدنان منصور سفیر لبنان داشتند، به وی تقدیم شد. خبرگزاری مهر

نامه سرگشاده دانشجویان ایرانی به امیل لحد

جمعی از دانشجویان ایرانی، در نامه‌ای سرگشاده به امیل لحد رئیس‌جمهوری لبنان، نسبت به عدم پی‌گیری صحیح سرنوشت چهاردیپلمات ربوده‌شده ایرانی توسط دولت‌لبنان، اعتراض کردند. متن این نامه، در حاشیه تجمع اعتراض آمیز انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل در برابر سفارت‌لبنان، به سفیر این‌کشور تسلیم و برای حاضران در تجمع نیز قرائت‌شد. در بخشی از این‌نامه آمده است: «۲۳ سال است فرزندان برومند این آب و خاک انقلابی، که

روزشمار گروگان‌گیری □ ۳۳۹

در کشور دوست و برادر لبنان ربوده شده‌اند، در وضعیت نامعلومی به سر می‌برند و بیست و سه سال است پدران و مادران و همسران و فرزندان کاظم اخوان، تقی رستگارمقدم، احمد متوسلیان و سیدمحسن موسوی، کم‌ترین اطلاع و خبری از عزیزان‌شان ندارند. آقای رئیس، بیست و سه سال است این سرمایه‌های ارزشمند اسلام، انقلاب و ایران، به عنوان سندا فتخار، آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی، سرگذشت مبهمی دارند.

آقای لحد؛ مادانشجویان، امروز صدای مظلومیت و فریاد بلند غربت اخوان، رستگارمقدم، متوسلیان و موسوی در گوش‌جهانیان و پژواک اندیشه‌های در حصارمانده برادران‌مان، و بازتاب روح‌رهایی‌بخش فرزندان این‌ملتیم.

آقای رئیس؛ اکنون فرصت‌تاریخی برای گشایش راز سربه‌مهر شده وضعیت چهاردیپلمات ایرانی، با در اختیار بودن سرنخ زنده ماجرای ربایش یعنی سمیر جعجع، به دست آمده است.»

دانشجویان ایرانی در ادامه نامه خود به رئیس‌جمهوری لبنان، تاکید کردند که خواستار یاری و مدد دولت دوست و برادر لبنان، خصوصا شخص وی، برای مشخص شدن وضعیت عزیزان دربند هستند. آنها در ادامه نامه خود نوشتند: «آقای رئیس؛ ما با آزادی سمیر جعجع پیش از روشن شدن سرنوشت‌مبهم و نامشخص چهاردیپلمات ایرانی، مخالفیم. ما دولت لبنان را در کشف سری که بیست و سه سال بغض‌ها را در گلو نگه داشته است، مسئول می‌دانیم و تصمیم جسورانه و رفتار انسانی شما درباره وضعیت فرزندان ملت ایران، در حافظه تاریخی‌مان ثبت خواهد شد و اقدام شما در روشن شدن سرنوشت چهاردیپلمات ایرانی، جایگاه و منزلت دولت لبنان را در اذهان جامعه ایران ارتقا خواهد بخشید.

آقای رئیس؛ مادانشجویان بی‌صبرانه چشم‌انتظار اقدام انقلابی شما در راستای روشن شدن سرنوشت کاظم اخوان، تقی رستگارمقدم، احمد متوسلیان و سیدمحسن موسوی می‌باشیم.»
خبرگزاری مهر

اراده‌ای منسجم و پایدار در پی‌گیری پرونده دیپلمات‌های ربوده شده لازم است

سعید ابوطالب نماینده مردم تهران، پی‌گیری مقطعی پرونده امام‌موسی صدر و دیپلمات‌های ربوده شده ایران در لبنان را، مفید ندانست و خاطر نشان کرد:

«برای به سرانجام رسانیدن این دوپرونده، وجود يك اراده منسجم و پایدار از طرف دولت، مجلس و رسانه‌ها ضروري است. در مورد مسئله ۴ دیپلمات ایرانی و همچنین امام موسی صدر که از خیلی‌جهاث شبیه به هم هستند، در طی این سال‌ها اگرچه تلاش‌های مقطعی انجام شده، ولی متأسفانه به نظر می‌رسد که اراده منسجم و مکملی برای پی‌گیری و به سرانجام رساندن هر دو پرونده وجود نداشته است.»

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس، با مقایسه شرایط زمان ناپدید شدن دیپلمات‌ها و شرایط امروزی ایران، یادآور شد: «شرایط امروز کشور و وضعیت امروز سیاست بین‌المللی ما، با اوایل انقلاب، یعنی سال‌هایی که این اتفاق برای ۴ دیپلمات افتاد، متمایز می‌باشد. ضمن این‌که موقعیت طرف‌های مقابل ما نیز تضعیف شده است. لیبی دیگر در شرایطی نیست که تعیین‌کننده باشد و گروه‌هایی همچون فالانژیست‌ها که در آن سال‌ها در لبنان صاحب‌اقتدار بودند و ۴ دیپلمات عزیز ما را ربودند، در حال حاضر در زندان‌های لبنان هستند و جزو گروه‌های معارض هستند و هیچ پایگاه قانونی و مردمی ندارند. در این شرایط، اگر اراده‌ای در داخل جمهوری اسلامی ایران شکل بگیرد، می‌تواند هر دو پرونده را به سرانجام برساند. لزوماً به سرانجام رساندن پرونده ممکن است با شنیدن اخبار خوش همراه نباشد. نتیجه مطلوب این است که ۴ دیپلمات ما و همچنین امام موسی صدر، صحیح و سالم به ایران تحویل داده شوند، ولی یکی از اهداف دست‌پایین جمهوری اسلامی بایستی این باشد که بالاخره این پرونده به سرانجام برسد، یعنی اگر اتفاق ناخوشایندی نیز برای این عزیزان افتاده باشد، باید مشخص شود و مقصرین آن شناسایی شوند و این امکان با توجه به شرایط بین‌المللی و موقعیت استراتژیک جمهوری اسلامی وجود دارد.»

وی با بیان این مطلب که به دست آوردن نتیجه دوپرونده، نشان‌دهنده شان و اقتدار جمهوری اسلامی است، افزود: «اگر حکومتی نتواند موضوعی از این دست را که به منافع شهروندان مربوط می‌شود به نتیجه برساند، برای شایسته این حکومت زیاد جالب نخواهد بود. مجموعاً می‌بایست اراده‌ای در درون حاکمیت ایجاد شود تا بتواند این پرونده را به سرانجام برساند. در مقام مقایسه بین حکومت خودمان با دیگر کشورها نیستیم، ولی در مورد حادثه هواپیمای لاکربی، دولت آمریکا اراده کرد و این پرونده را با مشخص کردن عاملان این حادثه و مجازات آنها، به سرانجام رساند. به عنوان

روزشمار گروگان‌گیری □ ۳۴۱

حقوق‌شهرروندی، مجلس‌بایستی يك کمیته‌حقیقت‌یاب تشکیل‌دهد و همه گزارشاتی را که در داخل و خارج از کشور وجود دارد، متمرکز کند، و این مسئله را تبدیل به يك پرونده‌حقوقی کند تا در مجامع‌بین‌المللی قابل دفاع و پی‌گیری باشد.»

وي به نقش قوه‌قضائیه در مرحله‌دوم این فرآیند اشاره کرد و افزود: «قوه‌قضائیه بایستی این اراده را داشته‌باشد که پرونده را در سطح بین‌المللی پی‌گیری کند. اعتقاد دارم که اگر این مسیر را تا آخر برویم، حتماً به نتیجه خواهیم رسید و خیلی کمتر از سال‌هایی که گذشته است، وقت صرف خواهد شد. صرف‌نظر از این‌که با پی‌گیری این پرونده‌ها به چه نتیجه‌ای برسیم، به‌سرانجام رسانیدن این پرونده برای خانواده دیپلمات‌ها و خانواده امام‌موسی صدر مفید و موثر خواهد بود.»

خبرگزاری فارس

۱۳۸۴/۴/۲۸ = ۱۹ جولای ۲۰۰۵

رئیس‌جمهوری در راستای حفظ منافع ملی موضوع دیپلمات‌های ربوده‌شده را دنبال کند

«سید نظام مولاھویزه» نماینده مردم دشت‌آزادگان، گفت: «دکتر احمدی‌نژاد، در راستای حفظ منافع ملی، موضوع دیپلمات‌های ربوده‌شده را در دستورکار داشته باشد. اکنون که چند روز از سالگرد ناپدید شدن دیپلمات‌های ایرانی می‌گذرد، به‌جاست که این مسئله همچنان در کانون توجهات رسانه‌ای قرار گرفته و مسئولان ذیربط، بویژه در وزارت خارجه، از اقدامات روزمره خود جهت روشن‌کردن سرنوشت این‌عزیزان و رفع نگرانی خانواده‌های معزز آنان، گزارش‌هایی را به استحضار ملت شریف ایران برسانند. بی‌گمان دولت دکتر احمدی‌نژاد در راستای حفظ ومصونیت‌بخشی به‌منافع ملی کشور، مسئله ناپدید شدن چهارتن از عزیزان، بالاخص سردار سرافراز و همیشه قهرمان، احمد متوسلیان فرمانده رشید لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) که با حماسه آفرینی‌های جسورانه و شجاعت‌آمیز خود در جبهه‌های نبرد، روزهای دشوار جنگ را به لحظه‌های شیرین و ماندگار مبدل ساخت، با جدیت دنبال خواهد کرد و آن را به‌عنوان يك مسئله ملی، در دستورکار دائمی خود قرار خواهد داد. از سوی دیگر، پیشنهاد می‌شود نمایندگان محترم، جهت تجلیل از پایداری و مقاومت خانواده‌های سرافراز این‌عزیزان، و ماندگاری یاد و خاطره دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی، هفته‌ای را به‌نام «هفته دیپلمات‌های ربوده‌شده» تعیین

۳۴۲ □ کمین جولای ۸۲

نموده و مسئله را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، از طریق کمیته مشترک دولت و مجلس، دنبال‌کنند.»

خبرگزاری فارس

۱۳۸۴/۴/۲۹ = ۲۰ جولای ۲۰۰۵

طرح شکایت ایران در دادگاه‌های لبنان علیه عاملین ربوده‌شدن دیپلمات‌های ایرانی

سخن‌گویی وزارت امور خارجه، با اشاره به اقدامات این وزارتخانه در خصوص تعیین‌سرنوشت دیپلمات‌های ربوده‌شده، گفت: «وزارت امور خارجه در حال بررسی ادعاهای جدید سمیر جعجع مبنی بر اینکه از سوی وی دستور تحویل دیپلمات‌های ایرانی به بخش امنیتی نیروهای لبنانی - ایلی حبیقه - داده شده، می‌باشد و طرح شکایت در دادگاه‌های ذیصلاح لبنان علیه عاملین این اقدام، در دستورکار ما قرار دارد تا طی آن، مسئله به شکل جدی و شفاف، از طریق مراجع ذیصلاح قضائی مورد تعقیب قرار گرفته و عاملین این گروگان‌گیری مشخص و رای دادگاه اجرا گردد. علاوه بر لبنان، تلاش‌های همه جانبه‌ای از طریق سایر کشورهای ذی‌نفوذ در منطقه، بویژه سوریه و سازمان‌های بین‌المللی و سازمان ملل و بویژه شخص دبیرکل، به عمل آمده و این تلاش‌ها همچنان ادامه خواهد یافت. اعتقاد داریم که این افراد زنده هستند و مسئولیت سلامت ایشان برعهده رژیم صهیونیستی است و باید عواقب آن را به‌عهده گیرد و وزارت امور خارجه با جدیت این موضوع را در دستورکار پی‌گیرانه و مستمر خود دارد.»

خبرگزاری فارس

۱۳۸۴/۴/۲۸ = ۱۹ جولای ۲۰۰۵

بازجویی از سمیر جعجع رمزگشایی سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی است

روز گذشته پس از آنکه تعدادی از دانشجویان برای پی‌گیری سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی در مقابل سفارت لبنان تجمع کردند، با سفیر لبنان دیدار کردند. عدنان منصور سفیر لبنان، پس از آنکه تأکید کرد این چهار دیپلمات ایرانی علاوه بر دیپلمات بودن، میهمانان ملت لبنان بودند، گفت: «نباید اتهامات بی‌پایه و اساس به افراد لبنانی وارد کرد.»

روزشمار گروگان‌گیری □ ۳۴۳

این اظهارت سفیر لبنان، یکی از دانشجویان حاضر در این جلسه را که خود را دانشجوی رشته حقوق معرفی می‌کرد، به واکنش واداشت. این دانشجو گفت: «اتهاماتی درمورد ربودن چهار دیپلمات ایرانی در سال ۱۹۸۲ متوجه سمیر جعجع است و او نیز اکنون در زندان به سر می‌برد و انجام بازجویی به دلیل اثبات یا رد یک اتهام، از نظر حقوقی یک امر مسلم است و شما نمی‌توانید ما را از انجام این کار نهی کنید.»

نکته جالب در این دیدار که دو ساعت به طول انجامید، این بود که هرگاه استنادات و استدلال‌های دانشجویان باعث اثبات حقانیت آنان در بیان این مطالبات می‌شد، سفیر لبنان تاکید می‌کرد: «چون این موضوع در گفت‌وگو و تعاملات هیئت‌های دو کشور مطرح است، شما می‌توانید به عنوان اهرم فشاری بردستگاه دیپلماسی ایران، از آنان بخواهید که مطالبات شما از جمله بازجویی از سمیر جعجع را به صورت رسمی با دولت لبنان مطرح کنند.»

نکته قابل توجه این‌که عدنان منصور تاکید کرد: «دستگاه قضایی لبنان تشخیص‌دهنده نحوه هدایت دامنه تحقیقات درمورد سرنوشت چهار دیپلمات ربوده شده ایرانی و از جمله آن، بازجویی از سمیر جعجع است.»

همچنین سفیر لبنان در این دیدار گفت: «سرنخ‌های زیادی برای پی‌گیری سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی وجود دارد که قابل پی‌گیری است.» آقای عدنان منصور به این نکته اشاره نکرد که علیرغم وجود تعداد زیادی از این سرنخ‌ها در خود لبنان - از جمله شاهدان زنده بودن این چهار نفر - چرا تاکنون دولت لبنان اقدامی در این زمینه صورت نداده و به سراغ این افراد نرفته است. در پایان دیدار، دانشجویان نامه سرگشاده به امیل لحود رئیس‌جمهوری لبنان را به آقای سفیر تقدیم کردند. و سفیر لبنان نیز قول داد که این نامه و گزارش کامل این دیدار را همچون دیدار قبلی با دانشجویان (دی ماه ۱۳۸۳) به اطلاع دولت لبنان برساند.

خبرگزاری مهر

۱۳۸۴/۴/۳۱ = ۲۲ جولای ۲۰۰۵

طرح موضوع سرنوشت دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی در سفر بشار اسد به تهران حمیدرضا آصفی سخن‌گوی وزارت امور خارجه، ضمن تاکید بر پی‌گیری سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی، گفت: «این بحث در سفر روز شنبه رئیس‌جمهوری

۳۴۴ □ کمین جولای ۸۲

سوریه به تهران، مطرح و راه‌کارهای پی‌گیری این‌موضوع مورد بررسی قرارخواهد گرفت. ما درحال تهیه مقدمات حقوقی شکایت از عوامل ربودن موسوی، اخوان، متوسلیان و رستگارمقدم در سال ۱۹۸۲ درلبنان هستیم و این شکایات در دادگاه‌های لبنان مطرح‌خواهدشد و امیدواریم که پی‌گیری‌های ایران برای روشن‌شدن سرنوشت این‌عزیزان به نتیجه‌برسد. آنچه مسلم است، ایران پی‌گیری‌سرنوشت چهاردیپلمات ربوده‌شده خود را به‌هیچ‌وجه رها نمی‌کند.

گفتنی است «مسعود ادریسی» سفیر ایران درلبنان گفته بود: «از حدود سه سال پیش، کمیته‌ای مشترک از ایران، لبنان و سوریه تشکیل شده که این کمیته تاکنون چند بار تشکیل جلسه داده و ایران نیز از این طریق در حال پی‌گیری سرنوشت چهار دیپلمات است.

خبرگزاری مهر

۱۳۸۴/۵/۱ = ۲۳ جولای ۲۰۰۵

دانشجویان ایرانی مقابل کاخ ریاست‌جمهوری‌لبنان تحصن می‌کنند

احسان حسنی مدیر فرهنگسرای‌پایداری گفت: «اعزام دانشجویان به‌وسیله ۲۰ دستگاه اتوبوس از تهران به‌سمت سوریه انجام‌خواهدشد وپس‌از زیارت اماکن‌متبرکه‌سوریه، دانشجویان باسفر به لبنان، در مقابل کاخ ریاست‌جمهوری این‌کشور تحصن‌می‌کنند. وی گفت: «این بزرگترین کاروانی است که برای اولین بار در پی‌گیری سرنوشت این ۴ عزیز راهی لبنان می‌شود. اکنون به واسطه حزب‌الله درحال رایزنی با مقامات لبنانی برای‌تهیه مقدمات این سفر و برگزاری این تحصن هستیم. در این سفر، خبرنگاران رسانه‌های داخلی و خارجی - یعنی به عبارتی همکاران کاظم اخوان - و همچنین خانواده‌های چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی دانشجویان را همراهی خواهند کرد.

خبرگزاری مهر

۱۳۸۴/۵/۲ = ۲۴ جولای ۲۰۰۵

ازسکوت‌خبري رسانه‌هاي ايران در پي‌گيري پرونده ديپلمات‌ها متعجبم

«ستار ناصر» خبرنگار روزنامه «الخلیج»، ضمن‌اشاره به وجود ضعف در عملکرد دستگاه دیپلماسی ایران در پی‌گیری پرونده دیپلمات‌های ربوده‌شده

روزشمار گروگان‌گیری □ ۳۴۵

خاطرنشان کرد: «از سکوت خبری رسانه‌های داخلی ایران در پی‌گیری این مسئله متعجبم. به نظر من دستگاه دیپلماسی ایران در زمینه پی‌گیری حقوقی ربایش دیپلمات‌هایش ضعیف عمل کرده است. پی‌گیری سرنوشت این ۴ نفر، به این صورت درآمده که هر سال یکبار در مراسم یادبود ربوده شدن این افراد، مراسمی برگزار می‌شود و بقیه سال به فراموشی سپرده می‌شود.»

وی به سخنان اخیر سخن‌گویی وزارت امورخارجه مبنی بر پی‌گیری سرنوشت دیپلمات‌ها اشاره کرد و افزود: «امیدوارم این‌بار قضیه به صورت جدی دنبال شود و باگذشت شش یا هفت ماه، قضیه فراموش نشود. دولت ایران نباید اطلاعات سمیر جعجع را از دست بدهد. امروز درسایت‌های اینترنتی می‌دیدم احتمال این می‌رود که بعد از آزادی سمیر جعجع، وی لبنان را به سمت کشورهای غربی ترک‌کند. مطمئناً بعد از این، امکان دستیابی به اطلاعات وی بعید خواهد بود.»

خبرگزاری فارس

ایران پرونده‌گروگان‌ها را از طریق مراجع قضایی لبنان دنبال می‌کند

مسعود ادریسی سفیر ایران در بیروت، با اشاره به موضوع ربوده شدن چهار دیپلمات ایرانی خاطرنشان کرد: «باتوجه به همکاری دولت و مقام‌های لبنانی، ایران این پرونده را از طریق مراجع قضایی این کشور دنبال می‌کند.»

خبرگزاری جمهوری اسلامی

جهادسیاسی علیه رژیم صهیونیستی آغاز می‌شود

با جمع‌آوری امضا در شکوائیه‌ای حقوقی برای پی‌گیری چهار دیپلمات ایرانی، جهادسیاسی علیه رژیم اشغالگر قدس از روز سه‌شنبه آغاز می‌شود. دبیر اجرایی حرکت مردمی برای روشن شدن سرنوشت چهار دیپلمات ربوده شده ایرانی، گفت: «ما در پی مطرح کردن شکوائیه و دادخواستی عمومی از مراجع حقوقی بین‌الملل در مورد چهار دیپلمات ایرانی هستیم و با این‌کار مردم از مجامع بین‌المللی می‌خواهند که با مورد مواخذه قرارداد اسرائیل، این چهار دیپلمات را برهانند. برای جهادسیاسی علیه رژیم غاصب صهیونیستی، از مراجع شیعه استفتاء شده که تاکنون یکی

ازمراجع این مجوز را صادر کرده و با دیگر مراجع نیز در حال رایزنی هستیم. با آغاز این کار، اسرائیل باید به این فکر باشد که با گردان‌های سیاسی نهضت جهانی اسلام چگونه می‌خواهد مقابله کند. ما به دنبال این هستیم که با حرکتی مردمی، خواسته‌های خود برای روشن شدن هرچه سریع‌تر سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی را از طریق دادگاه‌های بین‌المللی مطرح کنیم و در این راه نیازمند کمک دولت لبنان نیز هستیم. حرکت مردمی ما برای جهاد سیاسی علیه رژیم صهیونیستی و پی‌گیری مردمی و حقوقی سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی، هیچ ربطی به روی کار بودن این دولت و یا روی کار آمدن دولت جدید ندارد، بلکه تنها یک حرکت مردمی است و از آنجایی که یک حرکت جناحی نیست، از همه گروه‌ها می‌خواهیم که در این راه، به ما کمک کنند. ما در سه نوبت اقداماتمان را گسترش خواهیم داد که در مرحله اول طرح شکایت در مجامع داخلی که از طریق آنان، طرح شکایت حقوقی خود را به طور کامل پی‌گیری خواهیم کرد و در مرحله دوم این که ما حرکت خود را به سمت نهادهایی که داعیه حقوق بشر دارند و وابستگی به دولت‌ها ندارند نیز پیش خواهیم برد و از آنها می‌خواهیم که این موضوع را پی‌گیری کنند و به تمام این سازمان‌ها نیز شکایت خود را ارجاع خواهیم داد. اگر این دو اقدام در طول پروسه‌ای که ما مدنظر داریم جواب نداد، گام سوم را برخواهیم داشت که در همان زمان چگونگی برداشتن گام سوم را مطرح خواهیم کرد.

خبرگزاری مهر

۱۳۸۴/۵/۳ = ۲۵ جولای ۲۰۰۵

ایران بر آزادی دیپلمات‌های ربوده شده خود اصرار دارد

روزنامه لبنانی المسقبل با انتشار گفت‌وگویی اختصاصی و کوتاه خود با کمال خرازی در این باره افزود: «وزیر امور خارجه ایران در این زمینه خواستار فشار جامعه جهانی بر رژیم صهیونیستی برای آزادی این چهار دیپلمات شد.»

المستقبل در ادامه، در مطلبی به قلم «قاسم قمیر» تحلیلگر این روزنامه، نوشت: «در آستانه آزادی سمیر جعجع از زندان و پس از صدور قانون بخشودگی وی، جمهوری اسلامی ایران تحریک حقوقی و تبلیغاتی جدیدی را برای بازگشایی پرونده دیپلمات‌های ربوده شده خود در لبنان شروع کرده است.»

روزشمار گروگان‌گیری □ ۳۴۷

وي ادعا كرد محافل سياسي در لبنان، اين موضوع و ارتباط دادن آن به سمير جعجع را، بيشتر با اهداف سياسي و تبليغاتي مي‌دانند، بخصوص كه جعجع بارها ارتباط مستقيم خود را با اين موضوع رد كرده است. قصير مدعي شد پس از پايان جنگ داخلي لبنان، سمير جعجع در ديداري كه خانواده‌هاي اين ديپلمات‌ها براي پي‌گيري وضع آنها داشتند، مسئوليت سرنوشت آنها را متوجه ايلي حبيقه مسئول امنيتي نيروهاي لبناني دانست كه وي نيز خود را از اين مسئوليت مبرا دانسته است.

خبرگزار جمهوری اسلامی

مجامع جهانی سکوت را بشکنند

تعدادی از دانشجویان، پیش از ظهر امروز، با تجمع در مقابل دفتر سازمان ملل در تهران، خواستار پی‌گیری مستمر و جدی این سازمان و مجامع بین‌المللی برای روشن شدن سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی شدند.

خبرگزار مهر

آغاز انتفاضه سیاسی علیه اسرائیل، از صبح فردا در میدان ولی‌عصر تهران

روز سه‌شنبه به عنوان روز آغاز انتفاضه سیاسی علیه رژیم اسرائیل و روز حضور خاموش ملت ایران برای اعتراض به تروریسم دولتی و حمایت از آزادی فرزندان این مرز و بوم اعلام می‌گردد.

خبرگزار مهر

۱۳۸۴/۵/۴ = ۲۶ جولای ۲۰۰۵

جنبش مردمی پی‌گیری سرنوشت دیپلمات‌ها اقدام حقوقی دستگاه قضایی را خواستار شد

همزمان با برپایی چادر جنبش مردمی پی‌گیری سرنوشت دیپلمات‌ها در میدان ولی‌عصر، این جنبش با نگارش نامه‌ای خطاب به رئیس‌قوه قضائیه، خواستار اقدام حقوقی دستگاه قضایی برای پی‌گیری این پرونده شد.

خبرگزار فارس

باید از دولت‌لبنان بخواهیم برای مشخص‌شدن وضعت چهار دیپلمات ایرانی سمیر جعجع را به دادگاه فراخواند

سعید ابوطالب عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، با اشاره به آزادی سمیر جعجع تاکید کرد: «باید گزارشات و اطلاعات و اخبار در اختیار وزارت اطلاعات، سیاست خارجی و مجلس که تاکنون درباره ۴ دیپلمات ایرانی کسب‌شده، از سوی کمیته سرنوشت این چهار دیپلمات در مجلس، جمع‌آوری و به یک سند رسمی تبدیل‌شود. ضمن این‌که سمیر جعجع سرنخ مشخص‌شدن سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی است، یکی از متهمین اصلی این پرونده است که وظیفه دستگاه سیاست خارجی کشورما است که اقامه دعوا علیه‌وی کند و یک پرونده بین‌المللی برای او تشکیل‌شود. ما باید باتشکیل این پرونده، از دولت‌لبنان بخواهیم که به مطالبات کشورما دقت نظر داشته‌باشد و سمیر جعجع را در این رابطه به دادگاه فراخواند. داخل کمیته پی‌گیری سرنوشت چهار دیپلمات، در حال تهیه طرحی هستیم که در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس و در صحن علنی تصویب شود و به صورت قانونی درآید که به دادگاه‌ها اجازه دهد که بتوانند پرونده‌های بین‌المللی را پی‌گیری‌کنند، زیرا ما از این نظر دچار نقص قانون هستیم. همچنین این کمیته باید تمام اطلاعات، گزارشات و اخباری که تاکنون تهیه‌شده را در یک گزارش مفصل تهیه‌کند و جزو اسناد جمهوری اسلامی ایران ثبت‌کند. یکی از مشکلاتی که پیرامون سرنوشت دیپلمات‌ها طرح‌شده اگرچه خیلی از آنها واقعی است، اما مستند نیست به همین دلیل بهتر است که این کمیته که در داخل مجلس تشکیل شده، این اسناد را جمع‌آوری و به صورت مستند ارائه دهد و توسط کارشناسان بررسی و ارائه نظر و به سند رسمی تبدیل شود. همچنین اگر لازم بود، با افرادی مثل سمیر جعجع گفت‌وگو کنیم و یا از دولت مطبوعه‌شان بخواهیم که طی کنوانسیون‌ها و پروتکل‌هایی که ما با آن دولت داریم، بخواهیم که اسناد مورد نیاز را به ما بدهند تا به عنوان گزارش کمیته آماده‌شود و براساس آن در دادگاه‌ها اقامه دعوا کنیم. به دلیل روابط دوستانه‌ای که بین ایران و لبنان وجود دارد، ما می‌توانیم در این مقطع موضوع را پی‌گیری و به نتیجه برسانیم. در این سال‌ها، به صورت مقطعی فعالیت‌هایی انجام‌شده ولی هیچ‌وقت متمرکز نبوده و نتوانسته‌ایم پرونده را به سرانجام برسانیم. ممکن است ما از روشن و مشخص شدن این پرونده

روزشمار گروگان‌گیری □ ۳۴۹

ناخشنودشویم، ولی‌بالاخره باید یک‌اراده ملی و دولتی پشت این پرونده باشد تا متهمان آن مشخص‌شوند و این پرونده بسته شود. دستگاه سیاست خارجی و دستگاه دیپلماتیک موظف است که این‌کار را انجام دهد.»
خبرگزاری فارس

۱۳۸۴/۵/۵ = ۲۷ جولای ۲۰۰۵

برای روشن‌شدن سرنوشت چهار دیپلمات تصمیم به امضای طومار گرفتم

دکتر غلامعلی حداد عادل به صورت سرزده در چادری که از صبح روز گذشته به منظور جمع‌آوری امضای مردمی برای پی‌گیری سرنوشت چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی در ضلع شمال‌غربی میدان ولی‌عصر(عج) تهران مستقر شده است، حضور یافت و این طومار را امضا کرد. رئیس مجلس شورای اسلامی در حاشیه امضای این طومار در جمع خبرنگاران گفت: «در طول ۲۳ سالی که این چهار نفر اسیر هستند همه نگران سرنوشت آنها هستیم، چرا که این چهار عزیز فرزندان این ملت هستند و برای خدمت به کشور به لبنان رفته بودند که ربوده شدند. همه ملت ایران خواهان آزادی این عزیزان هستند و من نیز از مجلس شورای اسلامی برای اینکه از این اراده مردمی برای روشن کردن سرنوشت چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی حمایت کرده باشم، تصمیم گرفتم این طومار ملی مردمی را پی‌گیری و امضا کنم.»

رئیس مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه ما همواره با خانواده های این عزیزان در تماس بوده و پی‌گیر این موضوع هستیم، گفت: «امضای این طومار برای این است که به خانواده ها بگوییم تنها نیستند بلکه مردم نیز حامی آنها در پی‌گیری سرنوشت این عزیزان هستند.»

وی دلیل امضای این طومار را اعتراض به برخورد دوگانه با سرنوشت این چهار ایرانی دانست که سازمان های بین‌المللی، برای آزادی این عزیزان هیچ عکس‌العمل مناسبی از خود نشان نداده‌اند و افزود: «ملت ایران با امضای این طومار نشان می‌دهند که این موضوع باید به صورت جدی در سطح بین‌المللی پی‌گیری شود. ما در سال گذشته دیداری با خانواده‌های این عزیزان داشتیم و کمیسیون امنیت ملی نیز همواره پی‌گیر سرنوشت این چهار

عزیز است و امیدواریم که هر چه زودتر شاهد بازگشت این قهرمانان به وطن باشیم.»

گفتنی است منوچهر متکی رئیس کمیته سیاست خارجی مجلس، رضا طلایی نیک رئیس کمیته دفاعی مجلس و الهام امین زاده عضو کمیسیون امنیت ملی نیز به همراه دکتر حداد عادل با امضای این طومار در جهاد سیاسی علیه رژیم صهیونیستی شرکت کردند.

خبرگزاری مهر

کمیسیون امنیت ملی کمیته‌ای ویژه برای پی‌گیری سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی تشکیل داده است

منوچهر متکی عضو کمیسیون امنیت ملی و رئیس کمیته دفاعی مجلس شورای اسلامی گفت: «کمیسیون امنیت ملی کمیته‌ای ویژه برای پی‌گیری سرنوشت چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی طراحی کرده که امیدواریم این کمیته در ارتباط با نهادهای حقوق بشری از طریق وزارت امور خارجه، در کنار خواست عمومی ملت ایران به نتایج خوبی برای روشن شدن سرنوشت این عزیزان برسیم.»

خبرگزاری مهر

مسئولیت نهایی ۴ دیپلمات ربوده‌شده ایران در لبنان با اسرائیل است

کمال خرازی، وزیر امور خارجه کشورمان پس از پایان جلسه هیئت دولت در جمع خبرنگاران داخلی و خارجی درباره پی‌گیری آزادی دیپلمات‌های ایران و ارتباط آن با آزادی سمیر جعجع اظهار داشت: «ما قبل از این‌که او آزاد شود، چند بار تماس گرفتیم و بازجویی کرده‌اند و اطلاعاتی از او گرفته‌اند و طبعاً الان نیز که آزاد است، بهتر می‌شود این پرسش‌ها را از او مطرح کرد که ردپایی از دیپلمات‌ها پیدا شود، ولی اطلاعاتی که تا کنون داریم، حاکی از این است که آنها منتقل شده‌اند و اطلاعاتی که از داخل زندان‌های اسرائیل داریم این است که آنها در زندان‌های اسرائیل بوده‌اند. لذا مسئولیت نهایی با اسرائیل است که روشن کند که موقعیت آنها چگونه است.»

خبرگزاری ایسنا

دولت حافظ شهروندان خود در داخل و خارج از کشور می‌باشد

دکتر فروض‌فر، کارشناس مسایل سیاسی، در خصوص ربوده‌شدن دیپلمات‌های ایرانی و نتایج پی‌گیری‌های دولت، گفت: «این قضاوت جامع و درستی نیست که می‌گویند دولت در این راستا هیچ فعالیت‌هایی انجام نداده است، دولت حافظ شهروندان خود در داخل و خارج از کشور می‌باشد. ادعاهای سمیر جعجع در رابطه با کشته شدن دیپلمات‌ها در حال بررسی است اما اطلاعات به دست آمده حکایت از زنده بودن آنها دارد. دولت ایران به اندازه کافی اطلاعات مستند و دقیق در اختیار سازمان ملل قرار داده است و ما منتظر رسیدن نتیجه این تلاش‌ها هستیم.»

باشگاه خبرنگاران جوان

۱۳۸۴/۵/۷ = ۲۹ جولای ۲۰۰۵

پی‌گیری حقوقی مجامع بین‌المللی برای آزادی گروگان‌های ایرانی

چهارده حزب و تشکل سیاسی جبهه تحکیم دموکراسی با انتشار اطلاعیه‌ای پی‌گیری حقوقی از طریق مجامع بین‌المللی برای آزادی گروگان‌های ربوده‌شده ایرانی در لبنان را که سال‌ها با سرنوشت نامعلومی مواجه هستند، خواستار شدند.
خبرگزاری فارس

آزادی سمیر جعجع به معنی پایان پیگیری سرنوشت دیپلمات‌ها نیست

شاهرخ سلطان احمدی خواهرزاده کاظم اخوان یکی از دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی در لبنان در پاسخ به این سوال که آیا آزادی سمیر جعجع از زندان و خروج وی از لبنان به معنی به بن‌بست رسیدن پیگیری سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی است، گفت: «این اولین و یا حتی آخرین فرصت سوزی وزارت امور خارجه کشورمان در ارتباط با پیگیری این پرونده نیست اما با این اتفاق پیگیری‌های ما به بن‌بست نمی‌رسد. سمیر جعجع شاه‌کلید حل معمای سرنوشت نامعلوم ۴ دیپلمات ربوده‌شده ایرانی بود که حالا از دست رفته است و دولت ما می‌تواند با طرح رسمی شکایت در محافل چون دادگاه لاهه یا دادگاه جنایات جنگی این موضوع را پی‌گیری کند. مدارک و مستندات محکمه پسند فراوانی بر این امر که جعجع نقش اصلی در ربودن ۴ دیپلمات

ما داشته است وجود دارد، اما متأسفانه با آزادی جعجع و خروج وی از لبنان به مقصدی نامعلوم این پرونده تا حدودی در ابهام فروخواهد رفت. اگر همچنان به فرصت‌سوزی و از دست دادن وقت ادامه دهیم روزی فرا می‌رسد که دیگر از افراد حاضر در جریان گروگان گرفته شدن ۴ دیپلمات ایرانی کسی باقی نمی‌ماند و افراد دیگری که در این پرونده به صورت مستقیم دخالت نداشتند نیز مسئولیتی به عهده نمی‌گیرند. میشل عون از جمله افرادی است که قطعاً اطلاعاتی در این مورد دارد ضمن این‌که ما سرخ‌هایی از دیگر اعضا و فرماندهان نیروهای فالانژ در نقاط مختلف دنیا داریم که باید اطلاعات آنها در مورد این پرونده اخذ شود و اگر به موقع برای این کار اقدام نشود متأسفانه در آینده کسی پاسخ‌گویی این پرونده نخواهد بود.»

خبرگزاری فارس

۱۳۸۴/۵/۱۰ = ۱ اوت ۲۰۰۵

نهضت‌رسانه‌ای جدیدی در پی‌گیری سرنوشت دیپلمات‌ها آغاز شده است

رئیس فرهنگسرای پایتباری با بررسی فعالیت ۲۳ ساله رسانه‌های داخلی در پی‌گیری سرنوشت دیپلمات‌های ربوده‌شده خاطرنشان کرد: «نهضت رسانه‌ای جدیدی بعد از ۲۳ سال سکوت خبری آغاز شده است.»

حسینی در تشریح فعالیت رسانه‌های داخلی در مورد ۴ دیپلمات ربوده‌شده در طی سال‌های ۶۲ تا ۷۳ خاطرنشان کرد: «برخورد رسانه‌ها با این مسئله از سال ۱۳۶۲ تا سال ۷۳ سکوت خبری محض بوده است و تقریباً می‌توان گفت که در این قضیه در طی این ۱۰ سال هیچ اطلاع‌رسانی نداشتیم. از سال ۱۳۷۳ تا سال ۷۵ پی‌گیری‌ها به صورت مقطعی و ضعیف آن هم توسط چند نشریه از جمله نشریه صبح، روزنامه کیهان و روزنامه جمهوری اسلامی انجام شد.»

وی به حرکت رسانه‌ای در این قضیه در طی سال‌های ۷۵ تا ۸۳ اشاره کرد و بیان داشت: «در این مقطع حرکت‌هایی به طور پراکنده و بدون سازماندهی صورت‌گرفت. در بعضی شهرها و دانشگاه‌ها و در مجموعه‌های فرهنگی به صورت خودجوش برنامه‌هایی برگزار شد و در طی آن بیانیه‌هایی صادر شد که می‌توان گفت که پرچمدار این حرکت در بین گروه‌ها و تشکلهای غیردولتی در سال‌های گذشته موسسه فرهنگی عاشورا بود. از سال ۸۳ تا سال ۱۳۸۴

اتفاقات عجیبی پشت سرهم در حال وقوع است. از یک طرف سرنخ‌های جدیدی از دیپلمات ربوده شده به دست می‌آید و از طرف دیگر خیزش جدیدی خصوصاً از طرف رسانه‌ها احساس می‌شود. تغافل رسانه‌ای که ظرف سال‌های گذشته شاهد بودیم و سکوت مرگباری که متأسفانه بین رسانه‌ها حاکم بود باعث شد که صهیونیست‌ها و خصوصاً کسانی که از سرنوشت دیپلمات مطلع هستند جسورتر شوند و حتی موضوع خلبان مفقود شده خود را آزاد را پررنگتر کنند و ما را در معرض بمباران تبلیغاتی قرار دهند. متأسفانه این مسئله نه تنها باعث مخدوش شدن چهره کشور جمهوری اسلامی در خارج از کشور و به ضرر دیپلماسی و دستگاه سیاست‌خارجی تمام شد، بلکه آسیب‌های بسیار جدی را به حیثیت داخلی نظام وارد کرد و باعث ایجاد ابهامات زیادی در بین افکار عمومی شد.»

حسناً تنها راه مقابله با هجوم تبلیغاتی صهیونیسم را فعالیت جدی رسانه‌های داخلی در این مسئله دانست و افزود: «رسانه‌های ما هنوز در اول راهند و هیچ حرکت منسجم و برنامه‌ریزی شده‌ای در پی‌گیری پرونده دیپلمات‌ها نداشته و صرفاً در حد پی‌گیری چند خبر فعالیت کرده‌اند. صدا و سیما می‌توانست از طریق رادیو و تلویزیون و به خصوص از طریق کانال‌های تلویزیونی برون‌مرزی این موضوع را جدی‌تر و منسجم‌تر پی‌گیری کند که متأسفانه تا به حال از صدا و سیما در این زمینه تحرکی شاهد نبودیم. متأسفانه از طرف صدا و سیما در سالروز ربوده شدن دیپلمات‌ها فقط چند مصاحبه پراکنده انجام شد، در حالی که به خاطر داریم در ارتباط با دو مستندساز ایرانی که توسط نیروهای آمریکایی اسیر شده بودند، صداوسیما شبانه‌روز این مسئله را پی‌گیری می‌کرد و حتی از زمان ربایش دو مستندساز روزشمار گذاشته بود. الان قریب به ۲۷۰ ماه از اسارت دیپلمات ایرانی می‌گذرد ولی متأسفانه فعالیت جدی را در رسانه ملی ندیدیم.»

وی با اشاره به اینکه کاظم اخوان یکی از ایرانی ربوده شده در لبنان، خبرنگار و عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی بوده، تأکید کرد: «متأسفانه رسانه دولتی خبرگزاری جمهوری اسلامی نیز در این چند سال گذشته با یک انفعال خبری در ارتباط با خبرنگار خودش روبه‌رو بود. به نظر من آن‌ها نیز باید حرکتی در خود ایجاد کنند و با عزم جدی‌تر وارد قضیه شوند. در چند

هفته گذشته اقدامات خوبی صورت گرفته است. هر روز اخبار جدید و برنامه‌های جدید در این زمینه شاهد بودیم و تصور براین است که اگر به همین شکل ادامه دهیم و بتوانیم شاخه‌های اطلاع‌رسانی کشور را در همه زمینه‌ها و حوزه‌ها فعال کنیم، ان شاء الله آینده روشنی برای این پرونده شاهد خواهیم بود.»

رئیس فرهنگسرای پایداری به نشر کتاب «کمین چهارم جولای» از طرف این فرهنگسرا اشاره کرد و افزود: «این کتاب که توسط آقای حمید داودآبادی نوشته شده، روز شمار وقایع و اخبار مربوط به گروگان‌گیری ۴ دیپلمات ایرانی از ۱۴ تیر سال ۶۱ تا ۱۴ تیرماه ۱۳۸۴ است. بی‌نظیر بودن این کتاب به این خاطر است که اولاً تا به امروز هیچ اثر مکتوبی به این شکل در مورد این قضیه وجود نداشته است و در ثانی این کتاب بدون هیچ قضاوت و موضع‌گیری، کل اخبار مربوط به گروگان‌گیری ۴ دیپلمات را تا ۱۴ تیر ۱۳۸۴ ثبت کرده است.»

خبرگزاری فارس

دولت جدید لبنان آزادی دیپلمات‌های ایرانی را در دستور کار خود قرار

دهد

دکتر خرازی در دیدار سید حسن نصرالله با اشاره به ضرورت تسریع در تعیین سرنوشت دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی، اظهار داشت: «مردم ایران با نگرانی شدید نسبت به سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی، قضیه ربودن آنها را تعقیب می‌نمایند و انتظار دارند تا دولت جدید لبنان با اراده جدی‌تر سرنوشت دیپلمات‌های ایرانی را در دستور کار خویش قرار دهد.»

خبرگزاری مهر

نامه سرگشاده حرکت مردمی برای پی‌گیری سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی به سید حسن

نصرالله

حرکت مردمی برای پی‌گیری سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی در بند رژیم صهیونیستی در نامه‌ای سرگشاده از دبیر کل حزب الله لبنان خواست که سرنوشت این چهار ایرانی را با جدیت هرچه بیشتر در لبنان پی‌گیری کند.

خبرگزاری مهر

ایران باردیگر پرونده چهار دیپلمات اسیر را گشود

درحالی که همه مدارک و شواهد از حضور چهار دیپلمات ایرانی در زندان‌های رژیم صهیونیستی حکایت دارد، تهران با اعزام یک هیئت رسمی به لبنان باردیگر پرونده دیپلمات‌های ربوده‌شده خود در لبنان در سال ۱۹۸۲ را به جریان انداخت. به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از روزنامه اردنی الدستور، منابع آگاه درپایتخت لبنان از به جریان افتادن پرونده چهاردیپلمات ایرانی ربوده‌شده پس از آزادی سمیرجعجع فرمانده سابق نیروهای فالانژیست لبنان خبردادند زیرا جعجع به بودن این چهار دیپلمات درتابستان سال ۱۹۸۲ متهم است. به نوشته این روزنامه، برای مطرح ساختن مسائل اطلاع رسانی و سیاسی و ایجاد یک اهرم فشار برای ازبین‌بردن پنهان‌کاری حاکم بر وضعیت سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی، یک هیئت رسمی و مردمی ایران به لبنان رفت.

منابع آگاه خبر دادند: ایرانی‌ها براساس اسناد و مدارک موثقی که دراختیار دارند دیپلمات‌های این کشور دراسرائیل هستند و احتمالاً با ران آرآد خلبان اسرائیلی و یا حداقل کسب اطلاعات درمورد سرنوشت مبادله می‌شوند. این منابع افزودند: ایرانی‌ها ازطریق سفارت خود در بیروت می‌توانند پس از بازگشت سمیرجعجع ازخارج با وی تماس برقرار سازند و اطلاعات در مورد دیپلمات‌های ربوده‌شده کسب کنند.

سمیرجعجع پیش از زندان درمنزل خود با خانواده چهاردیپلمات ایرانی دیدارکرد و به آنها اطلاع داده که در سال ۱۹۸۲ مسئول منطقه شمال بوده و چهار دیپلمات ایرانی را پس از دستگیری، به سازمان امنیت مرکز به ریاست ایلی حبیقه تحویل داده است.

با توجه به آن، این موضوع با جعجع به هنگام حضورش درزندان مطرح شد اما وی حاضرنشد دراین زمینه اطلاعات جدید را ارائه کند. این درحالی است که در اعتراض به اقدام دولت لبنان مبنی برعفو سمیرجعجع از سوی نمایندگان جدید پارلمان، صدها ایرانی در برابر سفارت لبنان در تهران دست به تجمع زدند. درتهران ایرانی‌ها نامه سرگشاده‌ای را امضا کردند و

۳۵۶ □ کمین جولای ۸۲

از دولت شان خواستند در دادگاه جنایات بین‌المللی علیه جعجع اقامه دعوا کند.

خبرگزاری مهر

۱۳۸۴/۵/۱۱ = ۲ اوت ۲۰۰۵

مسئولان شجاعانه، دلسوزانه و با قدرت آزادی دیپلمات‌ها را پی‌گیری کنند
غلامرضا رستگارمقدم، برادر تقی رستگارمقدم یکی از چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی به نمایندگی از خانواده این دیپلمات در میدان ولی‌عصر حاضر شد و ضمن امضای طومار شکایت مردمی برای رهایی چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی از کسانی که پا در عرصه عمل گذاشته و نسبت به جمع‌آوری امضا برای پی‌گیری سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی اقدام کرده‌اند، تشکر کرد.

خبرگزاری مهر

طیف متنوع و گسترده نظرات مردمی در حمایت از ۴ دیپلمات جلب توجه می‌کند
با گذشت یک هفته از شروع جمع‌آوری امضاهای مردمی به منظور حمایت و آزادسازی دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی، طیف متنوع و گسترده نظراتی که توسط مردم، ضمیمه امضاها شده است جلب توجه می‌کند. به واسطه طیف وسیع و گسترده نظرات مردمی و وجود انبوه نوشته‌های زیبا و خواندنی در این طومار، به نظر می‌رسد جمع‌آوری، کتابت و انتشار این نظرات در یک کتاب باعث ایجاد یک سند تاریخی و ملی خواهد شد.

خبرگزاری فارس

۱۳۸۴/۵/۱۲ = ۳ اوت ۲۰۰۵

اعلام حمایت تشکلهای مختلف از حرکت مردمی پی‌گیری سرنوشت چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی

گروه‌ها و تشکلهای متعدد فرهنگی، هنری و صنفی با حضور در میدان ولی‌عصر(عج) ضمن امضای طومار مستقر در این میدان، حمایت خود را از حرکت مردمی برای روشن شدن سرنوشت چهار دیپلمات ربوده‌شده ایرانی اعلام کردند. از جمله گروه‌هایی که اعضای آنها طی روزهای گذشته با حضور در ضلع شمال غربی میدان ولی‌عصر در جهادسیاسی علیه رژیم صهیونیستی شرکت

روزشمار گروگان‌گیری □ ۳۵۷

کردند می‌توان به موسسه خیریه حضرت زینب (س)، انجمن هنرمندان، خانه سینما، انجمن عکاسان جنگ و انقلاب، جمعیت هادیان آفتاب، بنیاد فارابی، جمعیت حمایت از ملت فلسطین، موسسه فرهنگی عاشورا، انجمن نابینایان و تعدادی از هنرمندان، صنعتگران و مستندسازان اشاره کرد.

خبرگزاری مهر

۱۴/۵/۱۳۸۴ = ۵ اوت ۲۰۰۵

اندیشه انسان‌دوستی ۴ دیپلمات ایرانی توجه مرا به خود جلب می‌کند

هادی نیکزاد ۲۵ ساله از کشور افغانستان ضمن امضای طومار حمایت از دیپلمات‌های ربوده‌شده ایران در لبنان اظهار داشت: «اندیشه انسان‌دوستی دیپلمات‌های ایرانی توجه مرا به خود جلب می‌کند و من به عنوان یک انسان خود را موظف می‌دانم برای حمایت و نجات این ۴ نفر آنچه را که می‌توانم انجام دهم. نمونه حرکتی را که این ۴ نفر انجام دادند را جایی ندیدم. این ۴ نفر به خاطر عزت اسلام و کمک به مسلمانان کمر همت بسته بودند. اینکه به خاطر کمک به یک مسلمان از یک کشور دیگر جان خود را نادیده بگیري مساله پرارزشی و عجیبی است.»

هادی که از اهل سنت است، ضمن امضای طومار حمایت از دیپلمات‌ها خاطرنشان کرد: «شیعه و سنی بودن من اهمیت ندارد. این ۴ نفر برای کمک به نوع انسان و مسلمانان به لبنان و سوریه رفته بودند و من هم به عنوان یک انسان و یک مسلمان وظیفه شخصی خود دانستم که کوچک‌ترین کار یعنی امضای طومار حمایت از این ۴ نفر را انجام دهم. اینکه من از چه کشور و یا چه دین و مذهبی باشم مهم نیست، مهم این است که در جهادی که مسلمان علیه دولت اسرائیل انجام می‌دهند شرکت خواهم کرد.»

خبرگزاری فارس

جانباز ۵۰ درصد کرجی پیام آور آزادی گروگان‌های ایرانی می‌شود

عباس طاهری از آزادگان سرافراز و جانباز ۵۰ درصد جنگ‌تحمیلی برای رساندن پیام آزادی و مظلومیت چهارگروگان ایرانی در اسارت رژیم صهیونیستی ۳۰۰۰ کیلومتر به دور ۲۷ استان کشور را خواهد پیمود.

خبرگزاری مهر

المنار می خواهد رنج خانواده های چهار دیپلمات ایرانی را به تصویر بکشد

«محمد شمس» نماینده تلویزیون المنار گفت: «المنار مدام در حال پوشش اخبار پی‌گیری سرنوشت این چهار دیپلمات مخصوصاً در حرکت‌های اخیر است و علاوه بر آن‌که تا کنون برنامه‌هایی در این زمینه ساخته، اما هم‌اکنون نیز در پی ساخت برنامه‌ها و به تصویر کشیدن رنج خانواده‌های این چهار نفر در طول این ۲۳ سال هستیم.»
خبرگزاری مهر

۱۳۸۴/۵/۱۷ = ۸ اوت ۲۰۰۵

مظلومیت کاظم اخوان از این‌حیث است که حتی همکاران وی او را فراموش کرده‌اند

به مناسبت روز خبرنگار خانواده کاظم اخوان عکاس ربوده‌شده طی بیانیه‌ای خطاب به همکاران خبری کاظم اخوان خواستار پی‌گیری جدی‌تر رسانه‌های داخلی در مورد سرنوشت ۴ دیپلمات ایرانی شدند. در بخشی از بیانیه ضمن گرامی‌داشت شهادت خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی محمود صارمی و دیپلمات‌های ایران در مزار شریف خاطرنشان شده است: «بدون هرگونه سیاه‌نمایی باید از جامعه خبری و هنری کشور سؤال کرد در طول ۲۳ سال گذشته چقدر تلاش شده است که کاظم اخوان را به عنوان یک خبرنگار در داخل و خارج از کشور بشناسیم. چرا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و انجمن‌های صنفی روزنامه‌نگاری و خبرنگاری نتوانسته‌اند توجه جهانیان و خصوصاً روزنامه‌نگاران را نسبت به سرنوشت یک خبرنگار جلب کنند؟ آیا تمام توان و امکانات خبرنگاران برای همکار خبرنگارشان به کار گرفته شده است؟»

خبرگزاری فارس

ضمیمہ ہا

ضمیمه ۱

۱۳۶۶

اظهارات حجت‌الاسلام محتشمی‌پور

حجت‌الاسلام محتشمی‌پور سفیر اسبق ایران در سوریه، در گفت‌وگو با سالنامه «کیهان‌سال» ضمن تشریح چگونگی اعزام نیروهای ایرانی به سوریه و لبنان، درباره اسارت چهار دیپلمات ایرانی گفته است: «بعد از گذشت سه الی چهار ماه از حضور نیروهای ما در لبنان، از تهران دستور آمد که چون حاج‌همت به‌عنوان فرمانده نیروهای سپاه در سوریه و لبنان تعیین و منصوب شده، حاج‌احمد متوسلیان به تهران بازگشته و عازم جنوب شود. بعد از آن، یک روز حاج‌احمد به سفارت آمد و گفت: «من می‌خواهم به تهران برگردم، ولی باید برای سپاه، یک گزارشی از بیروت تهیه کنم، به‌همین دلیل می‌خواهم به آنجا رفته، از نزدیک نیروهای اسرائیلی و آرایش نظامی آنها را ببینم.»

در این سفر، کاردار سفارت‌مان آقای موسوی و خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی و یکی دو نفر دیگر، همراه وی بودند. من با این سفر مخالفت کردم. ولی متأسفانه گوش نکردند و باماشین پلاک سیاسی و دیپلماتیک حرکت کردند و چون راه از طریق بقاع و جاده بین‌المللی دمشق به بیروت قطع بود و نیروهای اسرائیلی تا نزدیکی «زحله» آمده بودند، هیچ‌گونه تحرکی بین دمشق و بیروت از این راه وجود نداشت. تنها راه باز، از طریق بیروت شرقی

و منطقه فالانژیست‌ها و مسیحی‌ها بود که می‌بایست از شمال‌لبنان رفته و از کنار منطقه ساحلی به بیروت شرقی، و از بیروت شرقی به بیروت غربی و سفارت بروند. این برادران حرکت کردند و از طریق «حمص» وارد خاک لبنان شدند و به طرف طرابلس رفتند و از آنجا وارد بیروت شرقی شده، به مرز بیروت شرقی و غربی که منطقه‌ای است به نام برباره، رسیدند. در آنجا به یک پاسگاه فالانژیست‌ها که محل تفتیش بود، برخورد کردند. آنها ماشین را متوقف کرده و حادثه در آنجا اتفاق افتاد. بعد از یک روز، از سفارت بیروت خبر دادند که برادران به بیروت نرسیده‌اند. با توجه به این‌که می‌باید این فاصله را حداکثر طی ۲۴ ساعت و حداقل ۱۰ ساعت طی می‌کردند، با گذشت ۴۸ ساعت و نرسیدن آنها به بیروت، مشخص شد که حادثه‌ای رخ داده است. طبیعی بود که این حادثه در منطقه فالانژیست‌ها به وقوع پیوسته باشد.

بعد از ۴ روز، ماشین سفارت در یکی از محله‌های طرابلس که منطقه تحت‌نفوذ حزب بعث عراق به رهبری دکتر «عبدالمجید رافعی» بود، دیده شد. وقتی برادران سراغ ماشین رفتند، مشاهده کردند لکه‌های خون روی صندلی‌های ماشین وجود دارد. به این ترتیب ما متوجه شدیم که برادران ما ربوده شده‌اند. حالا به وسیله چه کسانی، مشخص نیست. مسئول وزارت خارجه لبنان، که برای منتقل کردن کاردار ما به بیروت، یک نیروی امنیتی با یک ماشین مربوط به سفارت به بعلبک فرستاده بود، می‌گفت در حجاز مرکز تفتیش فالانژیست‌ها، ماشین را متوقف کرده‌اند و برادرانی را که در ماشین بوده‌اند، دستگیر نموده‌اند. به این وسیله ما فهمیدیم که ربایندگان فالانژیست‌های لبنان به رهبری بشیر جمیل بوده‌اند و از آن تاریخ تا به حال، علیرغم تمام تلاشی که برای آزادی برادران کردیم، نتیجه‌ای حاصل نشد. این برادران دست نیروهای فالانژیست و احتمالاً اسرائیلی هستند و الان کسی نمی‌داند که آنها در کجا هستند و سرنوشتشان چیست.»

سالنامه کیهان سال

ضمیمه ۲

۱۳۷۲/۴/۱۴

سرنوشت گروگان‌های ایرانی را روشن کنید

چهاردهم تیرماه سالروز یازدهمین سال اسارت چهارگروگان ایرانی در لبنان است. ۴۰۱۸ روز پیش، این چهارنفر در راه ورود به بیروت، توسط نیروهای فالانژ به گروگان گرفته شدند. حکایت این چهارتن، حکایت مظلومیت است؛ آنها نه تنها در جهان، که در کشور خود نیز غریب هستند. این چهارتن یازده سال است که مورد بی‌مهری واقع شده‌اند و خانواده‌های آنان، هیچ‌گونه اطلاعی از سرنوشت‌شان ندارند. یازده سال است که ما برای دریافت خبری از آنان انتظار کشیده‌ایم. آنان به قدری مظلوم واقع شده‌اند که نمی‌توانیم شرح مظلومیت‌شان را وصف کنیم. دردناک‌تر این‌که، هیچ‌کس برای مظلومیت آنان فریادی بر نیاورده است، گویی همه چشم‌های خود را بسته‌اند و آنچه بیشتر ما را رنج می‌دهد، خون سردی شدید مسئولان است نسبت به سرنوشت غم‌انگیز آنان. ما اولین قربانیان گروگان‌گیری در لبنان بودیم، و همچنان آخرین آن باقی‌مانده‌ایم. تمامی گروگان‌های غربی با ملیت‌های مختلف، آزاد شدند و به آغوش خانواده‌های خود بازگشتند، ولی ما همچنان از عزیزان خویش بی‌خبریم. ما با انتظاری روبه‌رو هستیم که پایان آن مشخص نیست. یک‌دهه صبر و سکوت را پشت سر گذاشتیم و یازده سال دوران وحشتناک اسارت آنان سپری شد. چه دشوار است زندگی در انتظار! که می‌داند که انتظار با آدمی چه می‌کند؟

آیا کسی هست که رنج و وحشت دلهره‌آمیز ما را درک کند؟ ما روزگار سختی را گذرانیدیم، اما در طول این سال‌ها، هیچ‌چیز را شایسته‌تر از سکوت نیافتیم و با صبوری و بردباری رنج‌مان را تحمل کردیم، اما دیگر سکوت در این ماجرای اسفانگیز نه راه صواب است و نه راه‌گشای مشکلات. قضیه گروگان‌های ایرانی در لبنان، جزو موارد استخوان‌سوزی است که نباید مشمول

سکوت شود. در این سالیان، ما نهبانان سکوت‌سنگین بودیم که بر دوشمان سنگینی می‌کرد و خستگی و کوفتگی آن اینک آزارمان می‌دهد. پس از یازده سال، وزارت امور خارجه باید سکوتی را که نسبت به سرنوشت این چهارتن روا شده، بشکند. ما سال‌ها انتظار کشیدیم و چشم‌به‌راه بودیم و آزادی آنها یک‌رویی پرشکوه بود که هرگز به حقیقت نپیوست. آیا برادران مسئول، پاسخ قانع‌کننده‌ای در قبال سکوت خود دارند؟

۱۳۱ ماه است که آنان در بند هستند و چون دستگاه‌های مسئول پس از یازده سال هنوز نتوانسته‌اند برای صورت مسئله پاسخ بیابند، ترجیح داده‌اند که دیگر اصلاً مسئله مطرح نشود، زیرا با پایان یافتن آزادی گروگان‌های غربی، یک مسئله نیست که در مورد آن بحث و گفت‌وگوی جدیدی آغاز شود و گذشته تا حال و آینده آنان دیگر مورد بحث نیست و به فراموشی سپرده است. برخلاف آنچه که گفته شده، با آزاد شدن گروگان‌های غربی، به طور رسمی این پرونده بسته نشده است. تکیه بر روی آزادی یک‌طرفه گروگان‌های غربی، بی‌اعتنایی به حقوق انسانی تمامی گروگان‌ها بود. از سوی غرب، تلاش‌های خستگی‌ناپذیری برای گروگان‌های غربی که گویا خون‌شان به رنگ چشمان‌شان آبی رنگ است، صورت گرفت. غرب با به‌کار انداختن ماشین دیپلماسی و تبلیغاتی خود، به نحوی دنیا پسندانه، مظلومیت گروگان‌های خود را برای افکار عمومی جهان توجیه کرد. به طوری که آمریکا گروگان‌های جاسوس خود را میهن‌پرستان مبارز راه‌صلح در سرزمین‌های دوردست توصیف می‌کرد. اما دستگاه دیپلماسی و تبلیغاتی‌ما، چه نقشی را در مقابل تهاجم روانی آنها ایفا کرد؟ مانیز باید مظلومیت گروگان‌های خود را در سطح جهان مطرح می‌کردیم. ما نظاره‌گر و قانع بودیم، نظاره‌گری که توانایی تحلیل شرایط آینده را نداشت. این ماجرا طیفی از ضعف‌ها را در به‌کارگیری حقوق گروگان‌هایمان فراروی ما قرار می‌دهد. آزادی گروگان‌های غربی، یک فرصت تاریخی و استثنايي بود که آن را از دست دادیم. آزادی بی‌قید و شرط و یک‌طرفه آنان یک اشتباه تراژیک بود. ما حادثه را تحمل کردیم و خود را با آن تطبیق دادیم، اما لحظاتی

را که اقدامی مناسب می‌توانست جریان آزادی یک‌جانبه گروگان‌های غربی را تغییر دهد، از دست دادیم. فرصت‌های طلایی و پربهایی را از دست دادیم و این مابودیم که باید بهای آن را می‌پرداختیم. ما، در بازی سکوت کردیم که با تضییع حقوق گروگان‌هایمان امتیازهایی واگذار شد. در کم‌ترین زمان ممکن، واقعیت چهره خود را نشان داد. در شرایطی که فکرمی‌کردیم اگر آنها آزاد شوند، از حجم تبلیغاتشان در مورد تروریسم علیه ما کاسته خواهد شد و یا اموال بلوکه شده ما در بانک‌های آمریکا آزاد خواهد شد، چنین‌نشد و با آگاهی به سوابق متعدد پیمان‌شکنی آنان، باز هم قول و قرارهایشان را قبول کردیم. آن روزها که بازار وعده داغ بود، وعده‌هایی به ما داده شد که هرگز جامه عمل نپوشید. برخی از مسئولان در روند آزادی گروگان‌های غربی، از آزادی همه گروگان‌ها سخن می‌گفتند، اما حقایق بعدی نشان داد که آنها هرگز به‌طور جدی وارد میدان‌نشند و به همین جهت حقوق آنان به‌بازی گرفته شد. هم‌اکنون که بسیاری از فرصت‌ها از دست‌رفته، باید تلاش‌جدانه برای جبران فرصت‌های از دست‌رفته صورت‌گیرد. هنوز هم برای ایفای تعهدات اخلاقی دیرنیست. چگونه است که صهیونیست‌ها، حتی برای به‌دست آوردن استخوان‌های پوسیده سربازان خود، زمین و زمان را به هم می‌دوزند و ما مسلمانان مؤمن در برابر سرنوشت جوانان مؤمن خود بی‌تفاوت نشسته‌ایم؟ مگر نه این است که در مکتب ارزشمند ما، زنده و مرده مؤمن عزیز و ارجمند است؟!

حال سوالی اساسی‌تر مطرح می‌شود: زمانی که وزارت امور خارجه پی‌گیر قضیه نیست، چه کسی باید به این قضیه رسیدگی کند؟ چرا مجلس شورای اسلامی با توجه به وظایف نظارتی خود، به‌طور مستمر از طریق کمیسیون سیاست خارجی، این مسئله را مورد رسیدگی قرار نمی‌دهد؟

ما قربانیان اصلی گروگان‌گیری در لبنان، از تمامی مسئولان برای مشخص شدن سرنوشت آنان استمداد می‌کنیم. این چهارتن هرگز به وطن بازنگشتند و دوران وحشتناک اسارت آنان به کسب آزادی منجر نشد و این تراژدی همچنان باقی‌است.

رنج‌های دیرین ما چه وقت به پایان خواهد رسید؟ رجعت آنان به وطن، بزرگترین آرزوی دل این خانواده‌هاست.

خانواده‌های اخوان‌علاف، رستگارمقدم، متوسلیان و موسوی اطلاعات

ضمیمه ۳

۱۳۷۲/۴/۱۶

به مناسبت سالروز اسارت ۴ گروگان ایرانی به دست فالانژهای لبنان

آیامی‌دانید بیش از ۱۱ سال از ماجرای به‌گروگان‌گرفته شدن چهارتن از اتباع کشورمان در لبنان می‌گذرد؟ آیامی‌دانید متجاوزان ۴۰۱۸ روز است که خانواده‌های آنان هیچ‌اطلاعی از سرنوشت‌مبهم آنان ندارند؟ آیامی‌دانید خانواده‌های آنان در این سالیان دراز، چه رنجی را تحمل کرده‌اند؟ آری، سال‌هاست که خزان دلم بهار نشده، اما هیچ‌گاه اهل شکوه و شکایت نبوده‌ام. تازه به غم نرسیده‌ام که امروز بخواهم شکوه‌کنم. نه قرار آرام از کف داده‌ام و نه این‌که دیگر سیاه‌جامه‌تر از خود کس‌نمی‌بینم. سعی‌کردم بازهم چون گذشته خاموش بنشینم، اما در این فرصت کم باقی‌مانده از زندگانی‌ام، نهفتن و نگفتن را مصلحت ندانستم. پس برآن شدم که به زبان پدری‌پیر، با صراحتی‌نه‌برخاسته از غرض، آن‌چه را بایست بگویم. امید است به حریم‌حرم کسی تعدی نشود، چراکه هدف از چنین‌کاری فقط روشن‌گری افکار عمومی است. انگیزه دیگری که مرا واداشت تا خطوطی را به‌عنوان تذکر به‌صفحه آورم، این بود که مبادا این شیوه وزارت‌امورخارج دربرخورد با قضیه‌گروگان‌ها که در نهایت نیز به ارتکاب خطاهایی انجامید، جایگزین شود و درآینده خطر بسجدي که همانا عدم‌التزام به رعایت تعهدات اخلاقی است، دامن‌گیر سیاست‌خارجی شود و خدش‌های برآن واردکند. البته سخن گفتن در این مجال بسیار فراتر از این محدوده تنگ است و نکاتی که به آن

اشاره خواهد شد، تنها به عنوان نمونه‌هایی از خطاهایی است که نه در یک مقطع خاص، بلکه به صورت جریان‌مستمر، در ماجرای گروگان‌ها ادامه یافت. این‌حقیر نیز با عینک‌بدبینی و نگرش‌مات، به اقدامات انجام شده در مورد گروگان‌ها نگاه نمی‌کنم، بلکه اقدامات انجام شده گذشته را کافی نمی‌دانم و معتقدم که مسئولان گام‌های مؤثرتری در این زمینه می‌توانستند بردارند و در این زمینه با چالش‌هایی روبه‌رو بودیم که عمداً یا سهواً، از آنها در جهت آزادی گروگان‌هایمان استفاده نکردیم.

فرزندم کاظم، در پی آزادسازی خرمشهر و پس از عملیات ال‌بیت‌المقدس، برای به‌تصویر کشیدن جنایات وحشیانه صهیونیست‌ها عازم لبنان شد تا شاید به عنوان خبرنگار عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی که از تابستان سال ۱۳۶۰ در ستاد جنگ‌های نامنظم همکاری خود را با آن شروع کرده بود- بتواند نقشی هرچند کوچک در افشای چهره جنایت‌پیشگان تاریخ برعهده بگیرد، اما این میسر نشد و در راه ورود به بیروت، توسط فالانژهای لبنان به اسارت درآمد. او به همراه سید محسن موسوی کاردار سفارت ایران در لبنان، حاج احمد متوسلیان و تقی رستگار مقدم از کارکنان سفارت ایران در لبنان، در چهاردهم تیرماه یک‌هزار و سیصد و شصت و یک، در مسیر طرابلس به بیروت در منطقه برباره، توسط نیروهای مارونی فالانژ و پیش چشم پلیس لبنان، ربوده شد و از آن سال تاکنون هیچ‌خبر رسمی از آنان به دست نیامده است. علیرغم این‌که این چهارتن از اولین قربانیان گروگان‌گیری خارجی‌ها در لبنان بودند، همچنان سرنوشت آنان در برهوتی از ابهام غریبانه و مهجور، سرگردان است. جناح‌های مختلف فالانژ ادعا می‌کنند گروگان‌های ایرانی کشته شده‌اند و هر یک مسئولیت کشتن آنان را برگردن دیگری می‌اندازد. حزب و عد جناح انشعابی فالانژ به سرکردگی ایل‌ی حبیقه، علاوه بر رد اتهام دست داشتن در قتل چهار گروگان ایرانی، اعلام کرده: چهار ایرانی در پست‌بازرسی برباره وابسته به نیروهای سمیر جعجع فرمانده دسته نظامیان فالانژ موسوم به نیروهای لبنانی که در آن زمان در کوهستان‌های

منطقه متمرکز بودند، بازداشت‌شده سپس به دستور جعجع به پادگان‌راشا در کوهستان‌های شهرستان بترون، بخش مسیحی‌نشین شمال که دسته‌های حزبکتاب در آن مستقر بودند، منتقل شده‌اند و پس از آن جعجع به جورج خوری ملقب به فرانکو، دستور داده آنان را اعدام کند. از طرفی جعجع نیز اعلام کرد چهارگروگان ایرانی به دستور ایلی حبیقه کشته شده‌اند. از طرفی گفته می‌شود این چهارتن به دنبال خروج میشل عون از لبنان، از راه دریا به اسرائیل برده شده‌اند. ایلی حبیقه وزیر امور اجتماعی و معلولین لبنان و سمیر جعجع فرمانده شبه‌نظامیان فالانژ موسوم به نیروهای لبنانی که از دشمنان سرسخت یکدیگر به شمار می‌آیند، تاکنون هیچ مدرکی دال بر کشته شدن آنان ارائه نکرده‌اند. با توجه به مشخص نبودن سرنوشت گروگان‌های ایرانی در لبنان، و گزارش‌های برخی از دستگاه‌های خبری مبنی بر کشته شدن احتمالی آنان ۱۷۰ تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، در جلسه روز ۲۸ اسفند ۱۳۶۸، در بیانیه‌ای اعلام کردند: سرنوشت گروگان‌های غربی در لبنان بستگی به خواست مردم مسلمان لبنان مبنی بر خاتمه توطئه‌های آمریکا در این کشور و نیز روشن شدن وضعیت گروگان‌های لبنانی و فلسطینی در زندان‌های غرب دارد و تبلیغات رسانه‌های استکباری برای جدا کردن سرنوشت گروگان‌های غربی از مسائل لبنان، به شدت محکوم است.

در این بیانیه از مسئولان وزارت امور خارجه خواسته شده بود که در پاسخ به تبلیغات اخیر و پخش شایعه مذاکره پنهانی بر سر گروگان‌های غربی، صراحتاً اعلام موضع و تأیید کند که ایران برخلاف این تبلیغات، در ماجرای گروگان‌های غربی دخالتی نداشته است. همچنین از وزارت امور خارجه خواسته شده که سرنوشت گروگان‌های ایرانی در لبنان را قاطعانه پی‌گیری کند و برای نجات آنان اقدامی جدی به عمل آورد. متأسفانه مسئله گروگان‌های ایرانی در لبنان، در صحنه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و انعکاس آن در رسانه‌های عمومی کشور، تاکنون بسیار کم‌رنگ بوده است. در این مسامحه‌کاری و بی‌تفاوتی، تنها وزارت امور خارجه را نمی‌توان مقصر قلمداد کرد، بلکه

رسانه‌های جمعی نیز در به وجود آمدن چنین شرایطی دخیل بوده‌اند و در واقع بی‌توجهی آنها باعث شده در یک دیپلماسی مخفی و روابط بده و بستانی، سرنوشت این چهارتن تحت الشعاع حوادث و موضوعات سیاسی قرار گیرد. چه دلیلی دارد که وزارت امور خارجه در موقعیت‌هایی که واقعاً فرصت دستیابی به آزادی گروگان‌های ایرانی وجود داشته، درصدد بهره‌برداری از موقعیت‌ها برنیامده است؟ همچنین انعکاس اخبار در مطبوعات و رسانه‌های جمعی، به گونه‌ای بوده که به نظر نمی‌رسد حتی در یک مورد هم وزارت امور خارجه را به دلیل عمل نکردن به تعهداتش نسبت به گروگان‌های ایرانی مقصر قلمداد کرده باشند. مطبوعات ما باید به رسالتشان براساس آنچه در قانون مطبوعات آمده، عمل می‌کردند. یکی از رسالت‌های مطبوعات در نظام مقدس جمهوری اسلامی، روشن ساختن افکار عمومی است. نقد سیاست‌ها جزء حقوق مطبوعات است و اشتباهات باید نقد شوند. وظیفه مطبوعات، سرپوش گذاشتن و مخفی داشتن و واژگون جلوه دادن و حقیقت را محو کردن نیست، بلکه مطبوعات آینه تمام‌نمای جامعه‌اند و هرگاه به رسالت خود عمل کنند، کارها در تمام سطوح به صورت صحیح و درست انجام می‌گیرد. متأسفانه پس از آزادی گروگان‌های غربی، مطبوعات ما کوچک‌ترین اشاره‌ای به این مسئله نداشتند که به چه دلیلی سرنوشت گروگان‌های ایرانی هنوز روشن نشده است؟

آیا مطبوعات ما می‌توانند با سربلندی و روسفیدی ادعا کنند که به رسالتشان در این مورد عمل کرده‌اند؟ همین روزنامه‌هایی که در مناقب فلان خط و جناح، تاکنون هزاران صفحه مطلب نوشته‌اند، با واکنش بسیار ضعیفی که نسبت به قضیه گروگان‌ها از خود نشان دادند، در واقع به تعهداتشان عمل نکردند. چرا مسامحه‌کاری‌ها نقد نشدند؟ با پرده‌پوشی که نمی‌توان صورت مسئله را تغییر داد یا آن را پاک کرد. تاریخ به ما می‌آموزد که می‌توان حقایق را برای مدتی مسکوت گذاشت، اما از بین بردن حقیقت امکان ندارد و با طفره رفتن از قبول واقعیت‌ها، دردی دوانمی‌شود. در شرایطی که ما از فرصت مناسبی برای تبلیغات در زمینه گروگان‌ها برخوردار بودیم،

نتوانستیم استفاده کنیم. یعنی اصلی که باید در تبلیغات خارجی مورد نظر قرار گیرد، ارائه به موقع اخبار جهان در زمینه‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی برای مقابله با دروغ‌پراکنی‌های خبری رسانه‌های گروهی دنیا است. غرب از سوژه‌گروگان‌ها با برنامه‌های حساب‌شده تبلیغاتی، حداکثر بهره‌برداری را به عمل آورد و بارها ما را به عنوان حامی گروگان‌گیرها و تروریست، در دنیا معرفی کرد، در حالی که ما از اولین قربانیان تروریست و گروگان‌گیری خارجی‌ها در لبنان بودیم. گروگان‌های ما دره جولای ۱۹۸۲ بوده شدند، در حالی که قدیمی‌ترین گروگان‌غربی «تری اندرسون»، در ۱۶ مارس ۱۹۸۵ بوده شده بود.

غرب تنها برای ۷ گروگان‌خود که از سال ۱۹۸۵ بوده شده بودند، در مذمت گروگان‌گیری، بیش از هفتصد هزار سطر مقاله، و متجاوز از هفت‌هزار برنامه ارائه کرد. بسیار عجیب بود که پس از آزادی گروگان‌های غربی، در رسانه‌های گروهی ما این سخن‌غربی‌ها که پرونده‌گروگان‌ها بسته شد، بدون هیچ اشاره‌ای به سرنوشت گروگان‌های ایرانی، مطرح شد. چنانچه مایلید پی به مظلومیت بیش‌ازحد گروگان‌های ایرانی ببرید، کافی است مقایسه‌ای بین اقدامات و تبلیغات انجام‌شده ما و غرب انجام دهید و متوجه شوید که گروگان‌های ما از ابتدا مظلوم واقع شده‌اند و همین مظلومیت بیش‌ازحد آنان است که ما را سخت‌متأثر ساخته است. آیا پرونده‌قطر و دردناک گروگان‌ها، برای مانیز بسته شد؟ هرگز چنین نیست، بلکه هر روز برگی به این دفتر قطور و غم‌انگیز اضافه شده و خدا می‌داند که این پرونده چه زمانی بسته خواهد شد.

مسئولان وزارت امور خارجه باید شهامت پذیرش این واقعیت تلخ را داشته باشند که از بعد تبلیغی در سطح جهان، در مورد گروگان‌های ایرانی بسیار ضعیف عمل کرده‌اند. همچنین در دیپلماسی، آنها بارها در کنفرانس‌های خبری و در جمع خبرنگاران داخلی و خارجی، زمانی که سخن از گروگان‌های غربی به میان می‌آمد، هیچ اشاره‌ای به گروگان‌های ایرانی نمی‌شد. چنانچه تردیدی وجود

دارد، می‌توانید به آرشیوروزنامه مراجعه کنید. شاید گفته شود الفاظ و واژه‌ها چه تأثیری می‌توانند داشته باشند؟ در زبان دیپلماسی، هر واژه و یا هرگونه اختلاف‌جزیی، در به‌کاربردن الفاظ و حذف یک واژه اگر بادقت مورد بررسی قرارگیرد، معنی و مفهوم خاص خود را می‌دهد. کلمات و عبارات معین در فرآیند دیپلماسی مفهوم دارند. کاربرد، عدم‌کاربرد و اجتناب از آنها می‌تواند تأثیر مهمی بر انتظارات و متعاقباً رفتارها در آینده، داشته باشد. وقتی که یک مسئول در پاسخ به سوالی، هیچ اطلاعات یا معلوماتی راجع به آن نمی‌دهد، درحقیقت نشان‌گر آن است که دولت‌متبوع آن مسئول، نمی‌خواهد راجع به آن مسئله موضعی داشته‌باشد و کاربرد الفاظ نشان‌گر اهمیت پیام است. مهم‌ترین اقدام وزارت امور خارجه در این سالیان، فراهم کردن مقدمات سفرخانواده گروگان‌ها به چندکشور اروپایی بود که در سال ۱۳۶۹ به دعوت خانواده برایان کینان-گروگان آزاد شده ایرلندی- صورت‌گرفت. اقدام بسیار محدود و بی‌سروصدایی که از موقع‌شناسی خوبی برخوردار نبود و باعث شد که سرنوشت گروگان‌های ایرانی درکنار سایرین، به‌طور جدی مطرح‌نشود، در صورتی که انعکاس به‌موقع، فعالانه و انجام تبلیغات مناسب، می‌توانست بر شرایط تأثیرگذار باشد و بحران گروگان‌ها را از حاشیه به متن بیاورد. باید شرایط یکسانی برای آزاد شدن تمام گروگان‌ها فراهم می‌شد و این ما بودیم که باید سرنوشت تمامی گروگان‌ها را به هم گره می‌زدیم. حق این بود قبل از هر اقدامی برای کمک به آزادی گروگان‌های غربی، ابتدا درصد برمی‌آمدیم گروگان‌های خود را برهانیم. اگر از ابتدای کار با گروگان‌های ایرانی نیز مانند بقیه گروگان‌ها رفتار می‌کردیم، غربی‌ها هرگز نمی‌توانستند سرنوشت گروگان‌ها را به‌طور یک‌طرفه مطرح‌کنند، و چنان‌چه ما نیز برای دستیابی به گروگان‌های خود پافشاری می‌کردیم، قطعاً غربی‌ها پی‌می‌بردند که برای رسیدن به آزادی گروگان‌هایشان، همه‌طرف‌ها باید تشریک‌مساعی داشته باشند و درکوشش برای یافتن راه‌حل، نه تنها منافع خود که حق دیگران را نیز

در نظر می‌گرفتند. متأسفانه ما سرسختانه مقاومت نکردیم و تن به قبول خواسته‌های آنان دادیم.

بارها از سوی مسئولان مطرح شد که کم‌ایران به آزادی‌گروگان‌های غربی صرفاً به دلیل مسائل بشردوستانه صورت گرفته است. چگونه این بشردوستی شامل حال اتباع و دیپلمات‌های ایرانی نشد؟ دو ماده ابتدایی بیانیه جهانی حقوق بشر موقتاً خاطرنشان می‌سازد که همه افراد بشر بدون هیچ تبعیضی، آزاد و با شئون و حقوق مساوی متولد می‌شوند و دارای شرایط مساوی در برخورداری از آزادی‌های بنیادی و حقوق بشری است، پس گروگان‌های ما نیز باید از حقوق یکسانی با سایر گروگان‌ها برخوردار می‌بودند. در ملاقاتی که همراه با خانواده‌گروگان‌ها در تاریخ ۱۳۶۹/۹/۶ با وزیر امور خارجه داشتیم، ایشان تأکید کردند: ایران به کوشش خود برای آزادی‌گروگان‌های ایران ادامه خواهد داد و از این قضیه چشم‌پوشی نخواهد کرد. اما پس از آزادی‌گروگان‌های غربی، دلایل و شواهد مشهود، خلاف این ادعا را ثابت کرد و سرنوشت آنان به فراموشی سپرده شد. مهم‌ترین عاملی که می‌توانست در آزادی‌گروگان‌های ایرانی موثر باشد، آن بود که وزارت امور خارجه آزادی آنها را پیش‌شرطی برای رهایی‌گروگان‌های غربی قرار می‌داد و ایران باید با تضمین آزادی تمامی گروگان‌ها، به میانجی‌گری می‌پرداخت. اسرائیل، غرب، سازمان ملل قول‌هایی داده بودند که پس از آزادی‌گروگان‌های غربی همه آنها را به فراموشی سپردند و معلوم نشد که چرا گروگان‌های غربی، بدون هیچ پیش‌شرطی به‌طور یک‌طرفه آزاد شدند. آیا سود و زیان این تصمیم به‌دقت سنجیده شده بود؟ آیا ما مطمئن شده بودیم که راه‌های دیگر نمی‌تواند ما را به گروگان‌هایمان برساند؟ ما فقط به وعده و وعیدهای کم‌اهمیت دبیرکل سازمان ملل دل‌خوش کردیم. آقای خرازی نماینده دائمی ایران در سازمان ملل، در آغاز روند آزادسازی گروگان‌های غربی و مشارکت سازمان ملل، طی مصاحبه‌ای با خبرگزاری جمهوری اسلامی (۱۳۷۰/۶/۲)، در تشریح چگونگی روند آزادسازی گروگان‌ها این‌چنین اظهار داشت: تلاش

دکوئیار همچنان ادامه دارد و برنامه جامعی را برای پیگیری مسئله تدوین کرده و تعیین سرنوشت چهارگروگان ایرانی در لبنان نیز در آن گنجانده شده است. دبیرکل ابراز امیدواری کرد تا پایان سال جاری میلادی ۱۹۹۱ (۱۳۷۰) وضعیت گروگان‌های ایرانی مشخص شود. آقای دکوئیار اطمینان داده است که با جدیت به تلاش‌های خود در این زمینه ادامه خواهد داد.

از همان ابتدا مشخص بود که مجامع بین‌المللی و غربی‌ها، عملاً هیچ‌گونه حقی برای گروگان‌های ما قائل نیستند. حتی آمریکایی‌ها برای بازپس‌گیری اجساد گروگان‌های جاسوس خود مانند ویلیام باکلی رئیس‌دفترسیا در لبنان، بیش از آزادی‌گروگان‌های ایرانی، فلسطینی و لبنانی اهمیت قائل بودند. بایستی باور کرد سازمان‌های بین‌المللی برای مظلومین عالم، بویژه اگر مسلمان باشند، کاری نمی‌کنند و همیشه مسلمانان قربانی توطئه‌ها و جنایاتند. تا ما خود چیزی را با قدرت نخواهیم، کسی آن را به ما نمی‌دهد. امروز دیگر این نظریه قطعی است که اگر دولتی در تأمین منافع ملی‌اش به فکر کسب، گسترش و حفظ قدرت نباشد و این اصل بنیادین را رعایت نکند، در واقع عجز و ناتوانی خود را به معرض‌نمایش گذاشته و از دیگران دعوت به عمل آورده که در امور داخلی‌اش دخالت‌کنند. این قدرت است که طرف‌مقابل را ناچار می‌کند با ما روبه‌رو نشود و ما را باور کند. در همه‌جا، این دیپلماسی نیست که حرف‌اول را می‌زند، بلکه قدرت در بسیاری موارد پشتوانه دیپلماسی است. عملکرد وزارت امور خارجه در جریان آزادسازی گروگان‌های غربی، بسیار قابل تأمل است. پس از این قضیه، مشخص شد که ایران کاملاً متضرر شده است، به طوری که آقای خرازی، پس از آزادی گروگان‌های غربی در بهمن‌ماه ۱۳۷۰ در مصاحبه با ماهنامه «میدل‌ایست» اظهار داشت: «با وجودی که ما در مسائل بشر دوستانه مانند آزادی گروگان‌ها کم‌کردیم، معه‌ذا در واشنگتن هیچ‌چیز تغییر نکرده است.» به راستی پس از آزادی گروگان‌های غربی، باید چه چیزی در آمریکا تغییر پیدا می‌کرد؟ توقعات ما در قبال آزادی گروگان‌ها چه بود؟ گروگان‌هایی با ملیت‌های انگلیسی، فرانسوی،

ضمیمه‌ها □ ۳۷۵

آمریکایی، ایرلندی، ایتالیایی و آلمانی که در لبنان به گروگان گرفته شده بودند، همگی آزاد شدند، اما سرنوشت گروگان‌های ما همچنان نامشخص است و این حلقه مفقوده که مدت‌های مدید هرگز مورد توجه قرار نگرفته بود، همچنان برای ما مفقود شده باقی مانده است. ما حاصل آزادی بی‌قید و شرط گروگان‌های غربی برای ما و مبارزین لبنانی و فلسطینی، چه بود؟ امروز دیگر شکی نیست که مزار آن به مراتب از منافعش بیشتر بوده. اولین پیامد آزادی آنان، جری‌تر شدن اسرائیل و به‌شهادت‌رساندن «سیدعباس موسوی» بود. شیخ عبدالکریم عبید همچنان در بنداست، سرنوشت گروگان‌های ایرانی نیز مشخص نشده و برادران «حمادی» در زندان آلمان به‌سر می‌برند. از بعد سیاسی نیز، آزادی گروگان‌ها هیچ‌نفعی برای ما و مبارزین لبنانی نداشت و ما همچنان در معرض اتهام حامی‌تروریسم بودن قرار داریم و آمریکا کماکان بر ادعای واهی خود پافشاری می‌کند.

نمایندگان مجلس، در سال ۱۳۷۰ بیانیه‌ای خطاب به وزیر امور خارجه در مورد نکوهش آزادی بی‌قید و شرط گروگان‌های غربی امضاء کردند که نباید در امور مسلمانان لبنان دخالت کرد و بایستی جلوی هرتحرک یا فشار سیاسی که آزادی بی‌قید و شرط گروگان‌ها را بدون این‌که مردم، حرکت‌های اسلامی، حزب‌الله و مقاومت اسلامی لبنان به‌خواسته‌هایشان برسند به‌دنبال داشته باشد، گرفته شود. آیا صدور بیانیه سال‌های ۶۸ و ۷۰ نمایندگان مجلس، صرفاً در راستای حرکت‌های سیاسی صورت گرفته بود؟ آیا واقعاً مسئولان وزارت امور خارجه، مبارزین لبنانی را به انجام اقداماتی برخلاف اهداف خود سوق داده بودند؟ مگر نه این‌که گروگان‌گیری توسط مسلمانان مظلوم لبنان، بر اساس یک ضرورت و عاملی بجا در دفاع از حقوقشان صورت گرفته بود؟

انفجار مقر تفنگداران آمریکایی و فرانسوی در بیروت، و به‌گروگان گرفته شدن چند غربی در لبنان، بهای بسیار اندکی بود که آمریکا و متحدانش برای مشارکت در جنایات اسرائیل باید می‌پرداختند. هنوز خاطره جنایات صبرا و شتیلا در اذهان باقی‌است.

متأسفانه وزارت امور خارجه به جاي پاسخ صريح و روشن در مورد قضيه گروگان هاي ايراني، رويه سکوت و پرده پوشي را در پيش گرفته است. سکوت توجيه ناپذير وزارت امور خارجه چه دليلي دارد؟ آیا به دليل مصالح سياسي است؟ چه بسا که از سکوت در اين باره چنين استنباط شود که وزارت امور خارجه به تقصير خود اذعان دارد. ما تا چه زماني براي شکستن اين سکوت بايد صبرکنيم و چه وقت دوران انتظارمان به سر خواهد آمد؟ اين حق مسلم خانواده گروگان ها و مردم است که پس از ۱۱ سال، در جريان اقدامات انجام شده قرارگيرند. من از تمامی مسئولان ميخواهم که اين سکوت ۱۱ ساله را بشکنند و ما را از بي خبري و نگراني نجات دهند. ملت ايران، هيچ گاه از قرباني شدن فرزندان خود در راه اسلام هراسي نداشته اند و خدای واحد مي داند که من نيز از اسارت و شهادت فرزندم باکي ندارم، اما مسئله اي که واقعاً ما را رنج مي دهد، نحوه برخورد مسئولان با قضيه گروگان هاست. با آغاز روند آزادسازي گروگان ها در لبنان، ما همه فکرمي کرديم آن روزي را که اين همه منتظرش بوديم، با شادماني از راه خواهد رسيد. اميدها در دل خود پرورانده بوديم، اما ثمره تلخ آن را چشيديم. با حسرت و تأسف فراوان بايد گفت که امروز حکايت غم ما همچنان باقي است.

رضا اخوان علاف - مشهد

هفته نامه کيهان هوايي

ضميمه ۴

۱۳۷۴/۴/۱۸

ازکاظم اخوان تا کريستين امان پور!

«زينهار تا کلام را به خاطر نان نفروشي و روح را به خدمت جسم درنياوري. به هرقيمتي، گرچه به گراني گنج قارون، زرخريد انسان مشو. اگر مي فروشي، همان به که بازوي خود را، اما قلم را، هرگز!»

سيدجلال آل احمد

چهارده سال و چندروزي بيش، از آن روز تلخ از يادرفته سپري شده است. چهاردهم تيرماه سال ۱۳۶۱ خورشيدي را مي گوييم. بيهوده به تقويم ها و

سربزرگ‌هایتان مراجعه نکنید! در ذیل برگ چهاردهم تیرماه هیچ تقویمی، اشارتی به این مناسبت نرفته است. چهاردهم تیر ۶۱ همان روزی است که ملت مظلوم ایران در پی توطئه صلیب‌صهیونی در لبنان، به فضل مکرالهی موفق شد تا سندرسوایی و بی‌آبرویی قطعی دشمنان قسم‌خورده انقلاب اسلامی‌مان را به چنگ آورد. صاحب این قلم، نه بازیگری سیاسی است و نه بزعم بعضی‌خلایق، آدمی بازی‌خورده! که بخواهد بنویسد و بپرسد چرا ما از برگبرنده «چهارده تیر» خود در قمارخانه دیپلماتی‌جهانی آن‌گونه که باید سودن‌جسته ایم و... امثال این‌جور طلب‌نوشداروهای بی‌حاصل! دعوی اصلی، چیزی فراتر از این‌قیل و قال‌های مضحک ژورنالیستی است.

شاید بهتر باشد پیش از ورود به مبحث اصلی، دست‌کم برای تنویر اذهان مخاطبین مطلب‌هم که شده، گوشه‌چشمی داشته باشیم به مجموعه رخ‌دادهایی که زمینه‌ساز واقعه چهاردهم تیر ۱۳۶۱ شدند.

بیش از یک‌ماه از تهاجم ارتش تاب‌ن‌دندان مسلح اسرائیل به خاک‌لبنان مظلوم سپری شده است. بیروت، پایتخت‌جنگ‌زده لبنان، مستاصل از هفت‌سال جنگ‌خشونت‌بار داخلی، به ناگاه برگرداگرد خود حلقه‌ای پولادین از لشکرهای تانک و مکانیزه ارتش اشغال‌گر صهیونیستی را مشاهده می‌کند. قتل‌عام مردم بی‌دفاع توسط «قناص» (تکتیرانداز)‌های فالانژ مسلح به تفنگ‌های دوربین‌دار، که بر پشت و پهلو و پیشانی هر جنیده‌ای در معابر و پس‌کوچه‌های محصور شهر، داغ‌مرگ می‌نشانند، امری عادی تلقی می‌شود. هفته‌هاست که سربازان واحد مهندسی ارتش اسرائیل، تصفیه‌خانه‌ها و شاه‌لوله‌های آب را (که آب‌شرب مردم بیروت را تأمین می‌کردند) با دینامیت منفجر کرده‌اند. هیچ کاروان امداد رسانی و حمل‌آذوقه‌ای حق ورود به بیروت ندارد. فرودگاه شهر در محاصره نظامیان اسرائیل است و بان‌دفرود آن به روی تمامی هواپیماها مسدود شده. سردمداران آدمکشان مارونی، بشیر و برادرش امین جمیل، عاملان کشتار آوارگان فلسطینی در اردوگاه «تل‌زعترا» سال ۱۹۷۵- بار دیگر سرگرم صیقل‌دادن سرنیزه‌ها و تبرزین‌های ساخت آمریکا و اسرائیل خویشند تا باز هم گلوگاه‌های لطیف کودکان گرسنه‌شععه و شکم‌های مادران باردار فلسطینی را با دم‌تیز و سرد شمشیر عدالت‌تک‌ور! حامیان دلسوز حقوق‌بشر آشنا کنند. «ابوایاد» فلسطینی در اجلاس اضطراری کنفرانس سران عرب، که تمامی هم‌وغم‌شان حمایت هرچه بیشتر از سردار قادسیه! و حفاظت دروازه شرقی جهان عرب در برابر «خطر ایران خمینی»! است، بی‌حاصل ضجه می‌زند که: «ای‌کاش به‌جای‌ما، هیئتی از مادران و خواهران هتک‌عصمت‌شده فلسطینی در بیروت را به این اجلاس می‌فرستادند تا شاید با مشاهده وضعیت فجیع آنان، غیرت‌مرده عربیت، در سران جهان عرب زنده می‌شد.»

آرزویی بی‌حاصل و عبث. به‌پوچی اتحاد حول‌محور پان‌عربیسم! قوای حافظ‌صلح مقوایی سازمان‌ملل هم از ترس جان، در پشت سنگرهای بتون‌آرمه خویش زیر پرچم پر زرق و برق «یو.ان» کپ‌کرده‌اند و خیلی هنرکنند، برای انبوه ستون‌های زرهی ارتش اسرائیل که مثل فلشی از فولاد، تخت‌گاز روبه بیروت پیش می‌روند،

کفمی‌زنند و با دوانگشت، به آنها علامت «ویکتوری» (پیروزی) حواله می‌دهند. چریک‌های فلسطینی در لابلای سنگ‌های نیمه‌ویران و دمام در حال سقوط خویش، پوچ‌بودن دعاوی پرطمطراق امت‌واحدربی و همه ایسم‌ها را نظاره می‌کنند. مخیمات، مملو از آوارگان، چه شیعه مظلوم‌لبنانی و چه پناهنده فلسطینی، در زیرچتری از آتش بی‌وقفه بمب‌های خوشه‌ای، ناپالم و فسفوری ساخت‌آمریکایی جتها و توپخانه اسرائیل، غسل‌آتش می‌کنند. از «نهرالبارد» و «بداوی» گرفته تا «عین‌الحلوه» و «صبرا» و «شتیلا».

صف‌تانک‌های مدرن «مرکاو»ی اسرائیل در هر هجوم خود به محلات بی‌دفاع بیروت، نخست مساجد را با خاک یکسان می‌کنند. سرهای بریده نمازگزاران پیر و جوان، در زیرپای چکمه‌پوشان نورچشمی جهان‌آزاد، چون گوی‌هایی خونین، به‌گردش درآمده‌اند. زمین و آسمان بیروت را هاله‌ای از آتش و خون در خود گرفته. شورای امنیت، با هرگونه اقدام بازدارنده نظامی علیه تجاوز اسرائیل مخالفت می‌کند. قطعنامه‌های مجمع عمومی ملل متحد هم، گفتن ندارد. بایک و توی عموسام صهیون‌پرور، بایگانی می‌شوند. شعبده‌باز اعزامی کاخ سفید، آقای «فیلیپ حبیب»، (که صرف‌شندن نامش تداعی‌کننده مثل کوسه‌ریش‌پهن است) هر شب بساط تردستی عوام‌فریبانه خود را در قاهره و دمشق و ریاض و تل‌آویو برپا می‌کند و هم‌زمان تمامی دوربین‌ها، میکروفون‌ها و قلم‌های رسانه‌های عصر ارتباطات، در یک اقدام هماهنگ تبلیغاتی، متفقاً زوم شده‌اند بر روی پخش‌زننده، مستقیم و لحظه‌به‌لحظه بازی‌های سرنوشت‌ساز جام جهانی فوتبال ۸۲ اسپانیا، رفتار زشت و غیرانسانی! دروازه‌بان تیم آلمان نسبت به فلان‌گلزن فرانسوی در میدان مسابقه! درحاشیه هم محض خالی‌نبودن عریضه، نیم‌نگاهی به مضحکه‌جنگ در جزایر مالیوناس و تراژدی! در شرف انقراض قرار گرفتن نسل خرس‌پاندای چینی و اژدهای کمودور - این سوسمار خوشگل! استرالیایی و... قس علیهذا از این دست اباطیل!

بلی، در گرماگرم چنین اوضاعی است که اتومبیلی راه بیروت بلازده را در پیش گرفته است. سرنشینان آن ۴ عضو هیئت‌دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایرانند. مردانی اهل درد که رسالت خود را با سفر به سوریه خاتمه یافته ندانسته و برای بررسی راه‌های امداد رسانی به مردم مظلوم و بی‌دفاع لبنان، رو به راه نهاده‌اند. نخستین این چهارتن، «سید محسن موسوی» کاردار جمهوری اسلامی در لبنان است. در این شرایط آشوبناک و بحرانی، محسن وظایف سرپرستی سفارت ایران در بیروت را نیز برعهده دارد. رادمردی که تجسم عینی اتحاد دیانت و سیاست در یک‌کالبد است و سفیر شایسته حضرت روح‌الله (ره). دومین از این جمع... چه بگویم؟!... تجسم ناب ذوالفقار حیدر کرار (ع)، که کم‌تر از یک‌ماه قبل از این سفر، علمدار نبردی افتخار آفرین در کربلای خوزستان بوده است و با کفایتی کم‌نظیر، کاروانیان قافله «الی‌بیت المقدس» را با توسل به نام مقدس «علی بن ابی‌طالب (ع)» به خرم‌شهر سوم خرداد ۶۱ رهنمون شده است. آری سردار کبیر «حاج احمد متوسلیان»، بچه‌با صفای محله مولوی‌تهران. سوم

این چهارتن، «تقی رستگارمقدم» است. جوانی مؤمن و پرشور که در این سفر، هدایت خودرویی حامل هیئت‌دیپلماتیک ایران را برعهده دارد. و بالاخره مسافرچهارم این سفر بی‌بازگشت!

رسیدیم به اهل دعوا. برای این‌آخری حسابی جداگانه بازکرده‌ام. نه از این بابت‌که خدای ناخواسته میان این همسفران فرقی قائل‌بوده‌ام. حاشا وکلا! چرا که هرچهارتن اینان یک روح عاشورایی در چهارکالبدخاک‌ی بوده‌اند. اما چه‌کنم که این چهارمین، به‌واسطه یک حلقه حرفه‌ای مرا و همگان مرا باخود پیوند زده‌است. کدام حلقه؟! کلام را می‌گویم و قلم را. بگذریم از اینکه عمده‌تصاویر زیبا و ماندگار حماسه فتح‌خرمشهر هم که در دسترس داریم، حاصل زحمات این یل‌گمنام بوده‌است.

«کاظم اخوان» خبرنگار و عکاس رشید سنگرتبلیغات. ایران اسلامی، اسوه تمامی آن زمره اهل‌قلم و اصحاب و ارباب‌جرایدی است که در خاکریزهای رسانه‌های نظام مظلومان در برابر تهاجم ارتش‌های قلم به‌مزدان‌عرب صاحب‌ماهواره، مردانه قد علم کرده‌اند و فارغ از خودباختگی‌ها و خودکم‌بینی‌ها، و به دور از نالیدن به‌خاطر کمبود عده و عده، شبانه‌روز در تمامی سنگرهای دفاع از کیان شرافت‌بشری، از آبادان و بستان و دشت‌عباس و هویزه و سوسنگرد و کوچه‌های خرمشهر، تا بیروت مظلوم، قرص و محکم حضور یافته‌اند، ژورنالیزم منحن و گنده‌دماغ مغرب‌زمین، حتی از یک لحظه مواجهه خود با امثال کاظم اخوان – این مصداق اتم‌آئینه‌گی حقیقت – دچار رعشه‌مرگ می‌شود.

ژورنالیزم دنائت‌شعار و حلقه به‌گوش صاحبان‌دلارها، خیلی که هنرکند، زبده‌شاگردان مکتبش‌می‌شود آن‌خبرنگار دائم‌السفر C.N.N، «کریستین امان‌پور!». علی‌ام‌خدره‌ای، که علی‌الظاهر خود را ایرانی‌الاصل می‌داند. گمان نکنید ژورنالیزم سفسطه‌چی باخطر میانه‌ای‌ندارد!. برعکس، خطر به‌عنوان یک «سوژه» برایش خیلی هم‌جالب است. البته به‌شرطی که در آن، گوشه‌دامن خودش را نگیرد. این هم که غصه‌ندارد. فقط کافی‌است در هر معرکه‌ای P.O.V یا همان «نقطه‌دید» را درست و عاقلانه انتخاب‌کند که می‌کند! برای همین است که ادای بازی‌باخطر را خوب فوت‌آب است. دري به‌تخته می‌خورد، چاقوکش دیوانه بغداد افسار پاره می‌کند و هوس‌تملك استان‌نوزدهم به کله عاری از مغزش خطور می‌کند. حالا است که وقت‌شلتاق ژورنالیزم عصرارتباطات فرامی‌رسد. بلافاصله در بین شبکه‌های خبرسازي و ذهنیت‌سازي چند ملیتی بلادغرب، جنگی مغلوبه در می‌گیرد و برنده این دعوا، البته با خرج چندمشت‌دلار بیشتر می‌شود شبکه مبلغ‌چیپس و چوب‌شور! یا همان C.N.N معروف! این‌طورهاست که شعر و شعارهایی از قبیل آزادی تبادل‌اخبار و اطلاعات و بزرگراه دوطرفه خبررسانی، بایک بخشنامه‌پرطمطراق کاخ‌سفید دود هوا می‌شوند. و در شرایط سانسور مطلق وقایع جنگ‌گرفت درخلیج فارس و شخم‌زدن سرتاسر سرزمین‌بلازده عراق توسط تراکتورهای «ب۵» ژنرال «شوارتزکف»، همه چشم‌ها در سرتاسر سیاره زمین به‌صفحه گیرنده‌ها دوخته‌شده که با تبوتابی همسنگ هیجان تماشای مسابقات جام‌جهانی فوتبال، مراحل‌مقدماتی و یک‌چهارم‌نهایی

... الخ این مسابقه وقیحانه را به تماشانشسته اند. پخش انحصاری رقابت‌ها! هم که در اختیار C.N.N است. هراز چند ساعت یکبار، خانم کریستین امان‌پور را می‌بینی که دوش‌به‌دوش سربازان مست و لایعقل ارتش آمریکا، سوار بر خودرویی زرهی و مسلح به آخرین تسلیحات زرادخانه ینگه دنیا، تخت‌گاز سرگرم «شکار بوقلمون» (نامی که شوارتزکف به کشتار سربازان بدبخت عراقی داده بود!) هستند و هم‌زمان خبرنگار محترمه C.N.N ضمن خوش و بش دوستانه! با سربازان سیاه مست عموسام، از آنها احساسشان را درباره شرکت در این نبرد شکوهمند جویا می‌شود. اما این تمام حکایت نبوده نیست. اگر انقلاب اسلامی ماتوانسته خبرنگارانی اهل درد و شریک غم مظلومان عالم، همچون کاظم اخوان را تربیت کند و روانه مناطقی بحرانی همچون بیروت سال ۶۱ نماید، ژورنالیزم گنده دماغ و متکی به تکنولوژی ارتباطات ماهواره‌ای و سیستم‌های نیم‌قاره‌ای هم... ای، بدش نمی‌آید ادای این‌طور خطر کردن‌ها را در بیاورد. این است که می‌بینی به محض سرازیر شدن تفنگداران دریایی آمریکا به سواحل سومالی، جهت اجرای ماموریتی بشردوستانه از قماش اردنگی‌زدن و به گلوله بستن صغیر و کبیر اهالی «موگادیشو»، ناغافل سروکله خبرنگار همه‌فن‌حریف C.N.N

بانو کریستین امان‌پور هم درسومالی پیدامی‌شود. این بار هم همچون مورد قبلی جنگ نفت‌خبرنگار محترمه از پشت «کامانکار» ارتش آمریکا، گزارش‌های زنده C.N.N از اقدامات نوع‌دوستانه نظامیان قلدر و کله‌خر آمریکایی به میلیون‌ها گیرنده تلویزیونی چهار گوشه ربع مسکون مخابره می‌کند! البته آن‌گونه که استاد ازل می‌خواهد! فتامل!

اگر انقلاب اسلامی توانسته است در عرصه رسانه‌ها با تربیت جوانمردانی همچون «محمد حسین نواب»، این رهرو صدیق راه کاظم اخوان، تعریف تازه‌ای از انقلاب در رسانه‌ها ارائه دهد، ژورنالیزم کذاب متفرعن غربی هم بیکار ننشسته. بالاخره افه و ادای تعهد را که می‌شود درآورد؟! این است که باز هم به صورتی کاملاً تصادفی!!، سروکله سوگلی ارتش تحمیقات متکی به تکنولوژی عصر ماهواره غرب در مسلخ بوسنی پیدامی‌شود. بلی، درست حدس زدید! این بار هم پای خبرنگار همه‌فن‌حریف C.N.N کریستین امان‌پور در کار است. صاحب این قلم، به شکرانه هم‌نفسی با سربازان رشید سنگرت‌تبیغات انقلاب که برای ساختن مجموعه مستند و جذاب «خنجر و شقایق» راهی بوسنی شدند، حالیه کارنامه مشعشع این علی‌ام‌خدره در بوسنی را درست و حسابی پیش‌رودارد.

خبرنگار کارکشته C.N.N در طی ماموریتش در سارایوو، به یک‌کرشمه چندین شاهکار «خبری» هم می‌کرد.

از ردزنی و تعقیب و شناسایی تیم‌های خبری و فیلم‌برداران کشورهای اسلامی خصوصاً اکیپ‌های ایرانی و مسیر تردد و اهداف سفرشان گرفته، تا سرک کشیدن به مواضع مدافعان مهربان حقوق بشر (توپچی‌های صرب!) در گزارش‌های تصویری ارسالی از بوسنی، لابد به کرات دیده‌اید که چگونه دوربین گزارش‌گر محترم، تصاویر محیرالعقولی از زیرآتش گرفتن بیمارستان‌ها، پناهگاه‌ها

ومحلات مسکونی سارایوو و دیگر شهرهای بوسنی را استادانه شکار کرده است! اما لطفاً لحظه‌ای هم که شده، درنگ را جایزدانید، تا نیمگاهی هم به آن روی این سکه بیندازیم. یعنی همان‌جا که با بده‌وبستان‌های شبکه C.N.N و جوجه‌صرب‌ها، در ازای چندپاکت سیگارفرنگی و چندبسته اسکناس‌سبز و دلار، دوربین خانم کریستین امان‌پور کنار توپ مرواریدنشان جلادهای صرب کاشته می‌شود و انتخاب هدف را هم واگذار می‌کنند به خبرنگار برجسته C.N.N بلی، این جوریه‌است که طی سه‌سال جنگ در بوسنی، این همه تصاویر شسته‌رفته از ویران‌شدن خانه و سرپناه و مساجد و بیمارستان‌ها و پناهگاه‌های مردم رنج‌کشیده بوسنی‌هرزگوین روی صفحه گیرنده‌های مختلف‌الاینچ ما ساکنان سیاره سرگردان در ظلمات وضع موجود! نقش می‌بندند. در قاموس رسانه‌های عصر ارتباطات، بهای ویرانی یک سرپناه مسلمین، مساوی است با یک پاکت سیگار آمریکایی!

و اما ختم کلام. امسال چهاردهمین سالروز اسارت خبرنگار رشید کاظم اخوان و سه همسفر مظلومش در آن سفر بی‌بازگشت فرار سید و سپری شد. تا آنجا که به برکت عصر آزادی ارتباطات و انفجار اطلاعات، جسته‌گریخته مطلع شده‌ایم، تروریست‌های مزدور حکومت اسرائیل این ۴ تن را پس از ماه‌ها شکنجه سیستماتیک جسمی و روحی، به آدمکشان ارتش اسرائیل تحویل دادند و تنها خدایمانند طی این سیزده‌سال اسارت، بر چهار دیپلمات مظلوم ما در سیاه‌چال‌های مخوف رژیم صهیونیستی چه‌ها که روا نداشته‌اند. نمونه شهید نواب در بوسنی و پیکر شکنجه‌دیده‌اش هنوز از خاطرم‌ان نرفته. بگذرم از اینکه تمامی محافل قلمی از قماش «پن‌کلاب» و مطبوعات سینه‌چاک حقوق‌بشر غربی و محافلی همچون کمیته دفاع از حقوق بشر و امثالهم، بالاتفاق در مورد سرنوشت این خبرنگار ربوده‌شده ایرانی و سه همراه دیپلمات وی، خفقان‌مرگ گرفته‌اند و... چه بگویم؟

هرچه هست، این حقیر قلم را صرفاً به نیت یادکردی از این چهار جوان مرد از یاد رفته به‌گردش درنیاورده‌است. درد و دریغی که مشوق این قلم‌فرسایی شد، زیارت خبرنگار همه‌فن‌حریف! C.N.N بانو کریستین امان‌پور وطن‌فروش در تهران بود. مخصوصاً هنگامی که دیدم با وقاحتی همسنگ مدعیان بی‌آبروی نظم‌نوین جهانی، چپ و راست مسئول قوه مجریه کشورم را سوال پیچ می‌کرد که، چرا حقوق بشر فلان؟ چرا حمایت ایران از تروریزم و... از این قماش وقاحت‌های ژورنالیستی!

الحق هم چه به‌جا گفته‌اند وقاحت زیاد حناقی می‌آورد!

حسین بهزاد

کیهان

ضمیمه ۵

۱۳۷۵/۴/۱۴

چقدر در حمایت از حقوق اتباع ایرانی موفق بوده ایم ؟

چهاردهم تیرماه، یادآور پانزدهمین سال حادثه گروگان‌گیری ۴ تن از اتباع کشورمان توسط نیروهای تحت‌امرا اسرائیل در لبنان است. به موجب ماده ۲۵ کنوانسیون وین، شخص مأموردیپلماتیک مصون است و نمی‌توان او را توقیف و یا مورد بازداشت قرار داد. این چهارتن بدون اینکه جرمی مرتکب شده باشند، توسط شبه‌نظامیان مارونی موسوم به فالانژ که وابسته به اسرائیل بودند، به اسارت درآمدند و اولین قربانیان گروگان‌گیری و بازنده‌ترین آنان در لبنان به شمار می‌آیند و ۵۴۷۶ روز است که در اسارت به سر می‌برند. مقامات مختلف فالانژ در مورد سرنوشت اتباع ایرانی اظهارات ضدونقیضی داشته‌اند. منابع وابسته به رژیم صهیونیستی اصرار دارند که اتباع ایرانی در مقر فرماندهی جعجع به قتل رسیده‌اند. سمیر جعجع خود را در ماجرای ربودن دیپلمات‌های ایرانی غیرمسئول می‌داند و می‌گوید دیپلمات‌های ایرانی در زمان ایلی حبیقه رئیس‌وقت سرویس‌های اطلاعاتی نیروهای لبنانی که در حال حاضر در دولت لبنان پست وزارت را داراست، ربوده شدند. از سوی دیگر گفته می‌شود ۴ گروگان ایرانی زنده‌اند و اسیر دست اسرائیل هستند. منابع نزدیک به دولت لبنان فاش کردند که چهار گروگان ایرانی تحویل مقامات رژیم صهیونیستی در فلسطین اشغالی شده‌اند. سمیر جعجع قبل از ترک مقر فرماندهی خود در محله کرن‌تینا در مرکزبازرگانی بیروت، دیپلمات‌های ایرانی را از راه دریا به فلسطین اشغالی انتقال داد. سفیر جمهوری اسلامی ایران در بیروت معتقد است چهار ایرانی ربوده شده هنوز زنده‌اند. آقای علیزاده در دیدار با فارس بوئز وزیر امور خارجه لبنان، گفت: «ما گمان می‌کنیم آنها هنوز زنده‌اند.»

پس از بازداشت سمیر جعجع رهبر نیروهای فالانژ و برخی اعضای بلندپایه نیروهای لبنانی توسط دولت لبنان در دو سال گذشته، انتظار می‌رفت اطلاعات موثقی از گروگان‌های ایرانی به دست آید. با این‌که بیش از یک سال ونیم از جریان محاکمه سمیر جعجع می‌گذرد، ولی تاکنون خبری از مطرح شدن یان شدن قضیه گروگان‌های ایرانی چه در جریان بازجویی‌ها و چه در جریان محاکمه وی، نه از طرف مقامات لبنانی و نه وزارت امور خارجه کشورمان منتشر نشده است و سرنوشت آنان همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. وزارت امور خارجه می‌توانست با افزایش تماس با مقامات اجرایی و قضایی لبنان و پی‌گیری جدی و مستمر بازجویی و طرح پرونده گروگان‌های ایرانی، در جریان محاکمه به عنوان یکی از اتهامات اصلی، همان‌طور که در ارتباط با سایر اتهامات سمیر جعجع و فواد مالک و برخی از مسئولان نیروهای لبنانی اطلاعات جدید به دست آمد، اسناد و مدارک روشنی نیز از وضعیت گروگان‌های ایرانی به دست آورد، که متأسفانه کار جدی در این زمینه که موجد نتیجه باشد، صورت نگرفت. در شرایطی که گروهی از وکلای فرانسوی برای دفاع از جعجع وارد لبنان می‌شوند و از تعداد بیش از ۳۱۰ خبرنگار که قرار است در جلسه دادگاه شرکت کنند، می‌توان به اهمیت این دادگاه پی‌برد. اما مسئولین وزارت خارجه را جهت شرکت در جلسات دادگاه و پی‌گیری قضایی به لبنان اعزام نمی‌کنند! حال با این سوال اساسی مواجهیم که چرا مسئولین سیاست خارجی و دولت، علیرغم وظیفه‌شان، خود را آن‌گونه که باید، ملزم به حمایت از شهروندان‌شان نمی‌بینند و از درک واقعیت‌های مربوط به حمایت از اتباع ایرانی عاجز هستند؟ این ضعف را می‌توان به‌طور بارز در قضیه پانزده ساله گروگان‌های ایرانی مشاهده نمود، چراکه رویدادهای مربوط به آنان، طیفی از ضعف‌ها را در به‌کارگیری مهارت‌های دیپلماتیک به‌منظور دفاع از حقوق شهروندان ایرانی، فراروی ما قرار می‌دهد. البته بدون شک شکست سکوت‌دیرینه وزارت امور خارجه در مطرح نمودن مجدد پرونده قطور گروگان‌های ایرانی را پس از سال‌ها می‌توان به عنوان تلاش مثبت تلقی نمود، اما همین پی‌گیری‌های

دیرهنگام و نیم‌بند هم‌استمرار نداشته و هنوز جایگاه‌مهمی در دیپلماسی‌تهران نیافته است و پاسخ‌روشنی در برابر ملت ایران و خانواده‌های صبور و مظلوم و گروگان‌ها ندارند.

سالروز به‌اسارت درآمدن این‌عزیزان، به‌عنوان سمبل‌تراژیک دفاع و حمایت از اتباع ایرانی، فرصت‌مناسبی است تا یکی از نقاط‌ضعف سیاست‌خارجی را به‌مسئولین سیاست‌خارجی گوشزد کند و درآینده یک دیپلماسی‌فعال جایگزین آن‌شود و از خسرانی که از این‌ناحیه چه‌مادی و معنوی و عاطفی متوجه اتباع ایرانی است، جلوگیری‌کند.

مسئله گروگان‌های ایرانی، سال‌ها مورد توجه قرار نمی‌گیرد و درصحنه‌خبری، سیاست‌خارجی و دیپلماسی تبلیغاتی وزارت‌امورخارجیه ازجایگاهی مناسب برخوردار نمی‌شود و در دیپلماسی تبلیغاتی که شامل وسایل ارتباط‌جمعی، سخنرانی، مصاحبه‌های مطبوعاتی و رادیو‌تلویزیونی و صدور بیانیه‌هاست، به‌قضیه گروگان‌های ایرانی اشاره نمی‌شود و در زمانی که افکارعمومی جهان درگیر گروگان‌گیری چندغربی درلبنان است و خبرنگاران غربی نیزدائماً درباره آخرین‌موضع و وضعیت گروگان‌های‌شان درلبنان از مسئولین ما سوال می‌کنند، درپاسخ‌های به‌اصطلاح دیپلماتیک به این سوال‌ها، اشاره مختصری به ۴ ایرانی می‌شود که نشان‌گر این‌حقیقت است که آنها برای ما مهم‌نیستند و نمی‌خواهیم نسبت به آنها موضعی داشته‌باشیم. در گرماگرم‌مذاکرات مربوط به گروگان‌های غربی درلبنان که از حساسیت و پیچیدگی زیادی برخوردار است و هر یک از طرفین سعی دارند بیشترین امتیاز را از طرف‌مقابل بگیرند، ما فراموش می‌کنیم که آزادی گروگان‌ها باید خیابان‌دوطرفه باشد و همه از آن عبورکنند، اما آزادی خیابان‌یک‌طرفه‌ای می‌شود که فقط گروگان‌های غربی از آن عبور می‌کنند و ما نیز حکم جاده‌صافکن این‌خیابان را داریم و با چشم‌پوشی از سرنوشت ۴ تبعه کشورمان، ناجی نهایی غربیان درلبنان می‌شویم. به‌راستی چرا چنین است؟

آیا اگر یکی از کشورهای غربی چنین موضعی را که ما انتخاب کردیم، انتخاب می‌کرد و از اتباع گروگان‌خود چشم‌پوشی می‌کرد، یک رسوایی سیاسی و خجالت‌مندی برای دولتمردان آن محسوب نمی‌شد؟ اما در کشور ما آب از آب تکان نمی‌خورد و هیچ‌گونه عوارض تالم‌آوری برای هیچ‌یک از دست‌اندرکاران وزارت خارجه ندارد. حتی در مطبوعات داخلی نیز هیچ‌گاه از نظر خبری و تفسیری در دهه اول اسارت‌آنان جایگاه مناسبی نمی‌باید. اما هر روز روند آزادی گروگان‌های غربی منعکس می‌شود و به گروگان‌های غربی اهمیت بیشتری می‌دهند تا به اتباع خود. گویا برخی القائات غربی‌ها در ما اثر کرده است و باورمان شده که این آنها هستند که می‌توانند تا آخرین مرزهای حقوقی از حقوق بشر استفاده کنند. آنها ما را مردمی درجه دوم و سوم می‌دانند که تنها بنابر لطف آنها یعنی درجه اولی‌ها به قول خودشان، می‌توانیم از حقوق بشر استفاده کنیم و ما نیز بسیاری از مسائل را ناخودآگاه از دیدگاه آنها و با توجه به علائق آنها و تحت‌تاثیر تبلیغاتشان مورد ارزیابی قرار می‌دهیم. اسارت چند غربی در لبنان، تراژدی و مصیبت بزرگی است و فریاد تظلم آنان به آسمان بلند می‌شود و به سرعت پوشش خبری تبلیغی و عاطفی حساب شده دقیق جهانی می‌یابد. کشورهای غربی حتی برای دفاع از یک شهروند خود که در خارج دچار مشکل شده، با پیشرفته‌ترین شیوه‌های دیپلماتیک از او حمایت می‌کنند. امروزه یکی از اهداف سیاست خارجی کشورها، حفظ پرستیژ و افزایش آن در صحنه بین‌المللی است. پرستیژ، احترامی است که یک کشور و شهروندان در خارج از قلمرو خود، از آن برخوردارند و بالابردن و حفظ پرستیژ در طبقه هدف‌های میان مدت سیاست خارجی قرار دارد. دولت‌ها همواره تلاش می‌کنند وجهه و اعتبار خود را در کشورهای مختلف بالابرید و حمایت سیاسی و دفاع از شأن و مرتبه اتباع خود را وظیفه تعطیل‌ناپذیر دستگاه سیاست خارجی می‌دانند و برای همین است که می‌بینیم اگر برای یک شهروند قدرتهای بزرگ در کشور دیگر مشکل پیش‌آید، با تمام توان و با استفاده از بهترین دیپلماسی تا

حصول نتیجه، قضیه را پی‌گیری می‌کنند و از اولویت خاصی در دیپلماسی آنان برخوردار می‌شود. در همین راستاست که آلمان برای آزادی تبعه خود که در ایران برای عراق در زمان جنگ جاسوسی می‌کرده، یک هیئت بلندپایه به همراه رئیس پارلمان را به ایران می‌فرستد.

«هلموت کهل» صدراعظم آلمان، سرنوشت دوگروگان خود در لبنان را تا آزادی آنان دنبال می‌کند و با فشار بر جامعه اروپا، آن را وامی‌دارد در «ماستریخت» هلند، در اثنای نشست رهبران اتحادیه اروپایی، با انتشار بیانیه‌ای، از دولت‌ها و اشخاص صاحب‌نفوذ بخواهد تا نهایت‌تلاش خود را برای آزادی دو تبعه خود که در سال ۱۳۶۸ ربوده شدند، انجام دهند.

با این‌که در هر ۴ دقیقه یک آمریکایی به ضرب گلوله در آمریکا کشته می‌شود، اما یک تبعه آمریکا در خارج از آن کشور حکم یک‌ملت را دارد و آمریکا برای رهایی چندگروگان خود در لبنان، دست به هر اقدامی می‌زند تا حتی جنازه پوسیده جاسوسان خود را تحویل بگیرد. کلینتون برای پنج‌ضربه شلاق خوردن یک شهروندش در سنگاپور، رسماً از دولت این کشور تقاضای متوقف شدن حکم رامی‌کند.

فرانسه برای آزادی‌گروگان‌های خود در لبنان مذاکرات متعددی با طرف‌های مقابل تربیت می‌دهد و هیئت‌های بسیاری به سوریه، لبنان و ایران می‌فرستد و آزادی آنان حتی بر انتخابات فرانسه تاثیرگذار است و همین امر یکی از دلایل انتخاب مجدد میتران می‌شود. اسقف اعظم کلیسای کانتربری انگلستان، درخواست تلاش برای یافتن تری ویت فرستاده ویژه کلیسای کانتربری و عامل جاسوسی را می‌کند. کابینه اسرائیل برای به‌گروگان گرفته شدن دو سربازش، جلسه اضطراری تشکیل می‌دهد و برای به دست آوردن سرنخی از خلبان خود که در سال ۱۳۶۶ هنگام بمباران لبنان، برفراز جنوب این کشور سقوط کرده، به هر چیزی متوسل می‌شود و در یک اقدام تبلیغی هر ساله روز تولدش جشن گرفته می‌شود.

غرب برای ۷ گروهان خود در لبنان، در بعد اخلاقی گروهان‌گیری هزاران مطلب می‌نویسد و هزاران برنامه رادیو و تلویزیونی ارائه می‌کند و برای آزادی آنان، در روز تولدشان، توسط دانش‌آموزان سراسر اروپا، سیل کارت‌پستال‌ها و درخواست آزادی، پس از درج در مطبوعات جهانی، به سمت لبنان سرازیر می‌شود. مع الاسف ما تا رسیدن به این نقطه از حساسیت و ضرورت حمایت از اتباع خود، فاصله زیادی داریم و این مهم در سیاست خارجی ما از توجهی درخور و شایسته بی‌نصیب بوده است و ضعف رفتاری در دفاع و حفاظت از اتباع کشورمان، بارها و بارها به نمایش درآمده است. چتر حمایتی نظام جمهوری اسلامی باید در سراسر جهان از کیان و حیثیت آحاد افراد ایرانی با حرارت دفاع نماید و در برابر هرگونه تعدی به هم‌میهنان، عکس‌العمل مناسب و به‌موقع نشان دهند و این گامی است جهت حفظ تکریم شخصیت ایرانی در میان سایر کشورها. امید است نمایندگان مجلس و مطبوعات، بهای لازم را به مسئله انسانی و سیاسی ۴ گروهان ایرانی در بند رژیم صهیونیستی بدهند. گرچه خانواده‌های گروهان‌ها در بیانیه سال ۷۲ خود که در روزنامه‌ها منتشر شده بود، از نمایندگان کمیسیون سیاست خارجی خواسته بودند با توجه به بعد نظارتی مجلس، مسئله مورد رسیدگی قرار گیرد، که متأسفانه نه سوالی، نه تذکری و نه تقاضایی، چه در تذکراتی که نمایندگان در نطق پیش از دستور می‌دهند، و چه در تذکرات نمایندگان به مسئولان اجرایی کشور که توسط ریاست مجلس قرائت می‌شود، نه سوالی و نه تذکری در خصوص گروهان‌های ایرانی مشاهده نمی‌شود. با توجه به فلسفه وجودی کمیسیون‌های سیاست خارجی در مجلس قانون‌گذاری، ان‌شالله مجلس پنجم نظارت و نقش فعال‌تری نسبت به سیاست خارجی خواهد داشت. در پایان امیدواریم وزارت امور خارجه از تمام توان دیپلماتیک خود برای پایان دادن به این تراژدی ۱۵ ساله استفاده کند و با تحرك دیپلماتیک، از طریق تماس‌های بین‌المللی و تقدیم شکایت به شورای امنیت سازمان ملل و جمعیت حقوق بشر و با استفاده از اهرم‌های فشار علیه رژیم صهیونیستی به خاطر نگرانی‌های دیپلمات‌های ربوده شده

ایرانی در اسرائیل، شاهد استخلاص ۴ گروگان‌های ایرانی از بند رژیم اشغالگر قدس باشیم، و خانواده‌های منتظر و رنج‌دیده آنان نیز پس از ۱۵ سال، از نگرانی خارج شوند و این‌امید در شهروندان ایرانی ایجاد شود که وزارت امور خارجه کشورمان، با جدیت از حقوق‌حقه آنان دفاع خواهد کرد و مسئولیت‌های بیشتری در حمایت از اتباع خود به‌عهده خواهد گرفت. به امید آن روز.
جمهوری اسلامی

ضمیمه ۶

۱۳۷۵/۵/۲

آن چهارگروگان غریب

پانزده سال پیش در چنین ایامی، بیروت، مظلومانه و در زیر گام‌های صهیونیسم، شاهد واقعه‌ای بس تلخ بود. آن روز کارگزاران صهیونیسم، در پی توسعه رژیم صهیونیستی، بدن ظریف کودکان لبنانی را، زیر شنی‌های تانک له ساختند، پدران را تیرباران کردند و مادران را آواره کوه و بیابان. آن روز (خرداد سال ۶۱) زمانی بود که خبر فتح‌خرمشهر، ماهواره، گیرنده‌ها و فرستنده‌های خبری استکبار را شوکه کرده و از کار انداخته بود؛ سعی داشتند سکوت‌کنند، همان‌گونه که یک‌ماه تمام در طی عملیات الی‌بیت‌المقدس خفقان‌گرفته بودند تا نکند پخش‌اخبار شکست‌مفتضحانه بعثیان، به نفع‌سپاه اسلام تمام‌شود و مردم منطقه را آگاه‌سازد. دشمن، آن روز باخت از خرمشهر گریخت ولی یارانش در پی چاره‌ای، تا شکست عظیم‌شان را التیام بخشند.

قدس، اولین‌قبله مسلمانان، بهترین‌نقطه‌فشار بود. مردم مسلمان‌لبنان که از پیروزی جمهوری اسلامی در فتح‌خرمشهر شادمان بودند، قربانی این‌توطئه شدند. صهیونیسم‌جهانی همه نیروهایش را به‌سوی لبنان گسیل‌کرد. و جب به‌وجب

خاک‌لبنان، از جنوب تا بیروت، از اقلیم التفاح تا ضاحیه بیروت، از جبل‌عامل تا قلب بیروت، از خون مظلومان سرخ‌شد. دشمن‌صهیونیستی با این تهاجم قصد آن داشت تا هم خبر پیروزی رزمندگان اسلام و شکست وسیع بعث‌عراق را تحت‌الشعاع قرار دهد، هم به اهداف نظامی خویش دستیابد. برای راه‌یابی چگونگی مقابله با این توطئه استکبار جهانی، گروهی از ایران عازم لبنان شدند. در اثنای این سفر بود که هیئت چهارنفره دیپلماتیک ایران در روز چهاردهم تیرماه سال ۶۱ عازم بیروت شدند تا با تهیه گزارش کاملی از اوضاع این شهر اشغال‌شده، عازم ایران شوند. متأسفانه در آن روز، مزدوران فالانژ اسرائیل مسیر آنان را سد کرده و با وجود مصونیت‌سیاسی دیپلمات‌های ایرانی، آنان را به اسارت درآوردند. اسارتی که تاکنون باگذشت ۱۵ سال از آن فاجعه، هیچ‌خبری از آنان نشده است. در حال حاضر، مسئول مستقیم دستگیری آنان، یکی از افراد دولت لبنان می‌باشد و جنایتکاری که خود آنان را به اسارت درآورده، به جرم جنایات وسیع، در زندان دولت لبنان به سر می‌برد ولی هیچ‌خبری از چهارگروگان ایرانی نشده است.

در حالی‌که پنج‌هزار و یک‌صد روز از فقدان چهارگروگان ایرانی می‌گذرد و یکی از آنان کاظم اخوان خبر نگار و عکاس بوده است، متأسفانه در روزهای اخیر شاهد چاپ مطلبی با عنوان: «بیانیه ۳۷۰ روزنامه‌نگار ایرانی در اعتراض به ترور و سانسور خبر قتل گزارشگر منتقد آمریکایی» بودیم؛ جای بسی تعجب دارد و باید سوال کرد در طی این ۱۵ سال، چه طور شد که هیچ‌کدام از مطبوعاتی‌های کشور به فکر چهارگروگان ایرانی و بخصوص خبرنگار عکاس کاظم اخوان نبودند و نیستند، و حتی در سالگرد ربودن آنان، از درج مطلبی ولو کوتاه سر بازمی‌زنند، ولی برای قتل یک خبرنگار آمریکایی، این‌گونه صفحه اول مطبوعات - با نگرش‌ها و خطوط مختلف - پرمی‌شود از تیتراهایی که همه یک نوع و یک دست هستند. این را به حساب چه باید گذاشت، بماند برای همان مطبوعات‌چی‌ها که این‌گونه برای قتل یک خبرنگار آمریکایی (هر چقدر

۳۹۰ □ کمین جولای ۸۲

هم که از دید این آقایان، او آزاداندیش و مبارز باشد) ناله و وامصیبتا سر می‌دهند.

۱۵ سال از دوری کاظم اخوان از وطن گذشته و چه بسا هیچ‌خبری از او و یارانش نیاید؛ بگذار ارباب جراید برای خودشان خوش‌باشند، همان‌گونه که کسی سوال نکرد حاج احمد متوسلیان کی‌بود؟ چه‌کاره بود؛ چه‌طور اسیر شد؟ چه‌خبری از او دردست‌است؟ و اصلاً چرا رفت لبنان؟ بگذاریم و بگذاریم که ستاره‌ها بدجوری برشانه شب چشم‌می‌زنند. بگذاریم حاج احمد در غربت‌خویش، با درد ورنج بسازد و سرشانه‌هایش در زیر بار مسئولیت دفاع از اسلام و انقلاب، دچار تزلزل نگردد که شانه‌های مهربان حاج احمد آماده بود تا هر وظیفه‌ای را هرچند سنگین بردوش‌کشد، بلکه قدمی برای اسلام و انقلاب برداشته‌باشد. سرشانه‌های حاج احمد هیچ‌توقع دیگری نداشته و ندارند جز بوسه‌های پرمهر مادر.

حمید داودآبادی

هفته‌نامه فرهنگ‌آفرینش

ضمیمه ۷

۱۳۷۵/۵/۲

پنج هزار و یکصدمین روز

در آستانه فرارسیدن پنج‌هزار و یکصدمین روز ربوده‌شدن چهارتن از اعضای هیئت‌دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران توسط تروریست‌های مزدور رژیم صهیونیستی در لبنان، طی شب‌های ۱۳، ۱۴، ۱۵، تیرماه، مراسم بزرگداشتی از سوی جمعی از بسیجیان جنوب‌تهران، و با همکاری فرماندهی لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) و با حضور خانواده‌های چهارگروگان ایرانی، در مسجد امام حسن مجتبی (ع) شهرک دولت‌آباد برگزار شد. در این مراسم پرشور و روحانی، که جمع کثیری از اهالی جنوب تهران، خانواده‌های معظم‌شاهد، جانبازان و آزادگان سرافراز

حضور داشتند، از مقام شامخ چهارآزاده بزرگوار سید محسن موسوی، حاج احمد متوسلیان، تقی رستگار مقدم، و کاظم اخوان تجلیل به عمل آمد. در نخستین شب این مراسم، پس از تلاوت آیاتی چند از کلام الله مجید، شاعر و نویسنده بسیجی «محمد حسین جعفریان» بخش‌هایی از مثنوی بلند شرمساری را که در رثای حاج احمد متوسلیان و یارانش سروده است، قرائت کرد. سپس «حاج حسین الله‌کرم» هم‌رزم دیرینه حاج احمد متوسلیان در جبهه غرب، در بخشی از سخنان خود با اشاره به تلاش وسیع بوق‌های تبلیغاتی استکبار در جهت تروریست جلوه دادن جمهوری اسلامی ایران، گفت: «واقعاً ربه‌شده این چهار برادر عزیز ما به دست نوکران صهیونیسم در لبنان، بهترین سند رسوایی عوامل استکبار و دستگاه‌های تبلیغاتی شیطان بزرگ را در اختیار امت خداجوی ما قرار داد. تروریست آن کسانی هستند که حتی شعارهای عوام‌فریبانه خود را هم وقتی پای دشمنی با انقلاب اسلامی در میان باشد، زیر پا می‌گذارند. در کجای عالم می‌توان اعضای یک هیئت‌دیپلماتیک خارجی را که دارای مصونیت سیاسی هستند و سرپرستی آنان را کاردار سفارتخانه یک کشور برعهده دارد، روز روشن با کمال وقاحت و به‌زور اسلحه دزدید؟! آیا این عین تروریسم نیست؟ این واقعه ثابت کرد که طرح مسائلی از قبیل متهم کردن ایران به نقض حقوق بشر یا تروریسم، برای کارگزاران مجامع غربی بهانه‌ای بیش نیست.»

در دومین شب مراسم، یکی از بسیجیان به نقل گوشه‌هایی از زندگی درخشان چهارگروگان ایرانی‌پرداخت. سپس سیدراند موسوی فرزند کاردار ربه‌شده سفارت جمهوری اسلامی در بیروت، طی سخنان کوتاهی به گوشه‌هایی از زندگی سراسر خدمت و مبارزه پدرش اشاره کرد و گفت: «من یک سال ونیمه بودم که پدرم را در لبنان دزدیدند و الان که ۱۵ سال از اسارت پدرم می‌گذرد، خدا را شکر می‌کنم که این واقعه تلخ هنوز هم در بین افکار عمومی ملت ما زنده مانده. پدرم در زندگی خود رنج بسیاری کشید. قبل از انقلاب، ساواک رژیم طاغوت، دوبار او را دستگیر کرد. بعد از آزادی از زندان دوم، مخفیانه روانه آمریکا شد و آنجا جزو فعال‌ترین نیروهای انجمن اسلامی دانشجویان

ایرانی بود. با ورود حضرت امام به پاریس، همراه چندتن ازدوستان، به حضرت امام ملحق شد و همراه با ایشان به ایران بازگشت. درسالهای اول انقلاب، به وزارت خارجه پیوست و آخرین مسئولیت او، سمت کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت بود.»

در خاتمه، سرهنگ «عطا» به نمایندگی از طرف فرماندهی لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص)، ضمن تقدیم لوح یادبود و هدایا به خانواده های محترم چهارگروگان ایرانی، از ایشان تقدیر به عمل آورد. همچنین یکی از نمایندگان ایثارگران جنوب تهران نیز به خانواده های این عزیزان لوح تقدیر تقدیم کرد.

در سومین شب مراسم، حجت الاسلام موسوی، پدر کاردار ربوده شده کشورمان، گفت: «ما فقط به خاطر مظلومیت این چهارتن در اینجا حضور نیافتیم، آنچه بیشتر برای ما خانواده های گروگان ها اهمیت دارد، این مظلومیتی است که مسئولان صدیق نظام جمهوری اسلامی در این سالها متحمل آن شده اند. ما اینجا آمده ایم بگوییم تا آخرین نفس از حقانیت نظام مقدس جمهوری اسلامی و ارزش های آن دفاع می کنیم.»

آنگاه شاعر متعهد «محمد رضا آقاسی»، فضای مجلس را با قرائت بخش هایی از مثنوی ولایت نامه، معطر کرد. در پایان مراسم، یکی از برادران جانباز، از رشادتهای حاج احمد متوسلیان در مقابله با توطئه های عوامل استکبار در کردستان، خاطراتی به سمع حضار رساند.

هفته نامه فرهنگ آفرینش

ضمیمه ۸

مرداد ۱۳۷۵

چند خطی به یاد چهارگروگان مظلوم ایرانی

فراموشی؟ ... هرگز

چهاردهم تیرماه، مصادف با پنج‌هزارویکصدمین روز حادثه‌ای است که اگر برای تعدادی از اتباع مدنیتمتفرعن مغرب‌زمین به‌وقوع پیوسته بود، یقیناً تا به امروز بیش از پنج‌هزارویکصد قطعنامه درمحکومیت مسببین چنین واقعه‌ای صادرکرده و به‌امضای پنج‌هزارویکصد سازمان‌متزقی! مدافع حقوق‌بشر و مخالف تروریسم‌بین‌الملل رسانده‌بودند. آری، چهاردهم تیرماه، سالروز ربوده‌شدن چهارتن از اتباع جمهوری اسلامی ایران توسط تروریست‌های تحت‌امر رژیم صهیونیستی درلبنان است. گناه این چهارتن، آن همه عظیم بوده است که قطعاً سزاوار کم‌ترین بذل توجهی از سوی محافل غربی مخالف‌تروریسم و مدافع منشورحقوق‌بشر نبوده‌اند، اولاً از حیث نژادی و قومی، جرم این چهارتن کاملاً محرزاست. آنان نه منسوب به نژاد صددرصد سفید وپاستوریزه «آنگلوساکسون» بوده‌اند، و نه دستکم چون برخی غرب‌زدگان متولد ممالک جهان‌سوم، افتخار! دارا بودن تابعیت‌مضعف جوامع‌متمدن غربی را داشته‌اند. درثانی، آنان مرتکب جرم بزرگتری هم شده‌بودند که درواقع امر، ناهنجارترین نوع جنایت عقیدتی! است. این چهارتن، نه‌تنها نسبتی با قوم‌برگزیده گوساله‌پرستان بنی‌صهیون نداشتند، بلکه درزمره معتقدین به افراطی‌ترین اندیشه‌های بنیادگرایانه و مخّل روند سازش‌خاورمیانه، یعنی مکتب‌تشیع امام خیرشکن علی(ع) بوده‌اند. به‌علاوه، هر چهارتن، تبعه کشوری هستند که غرب دموکراتیک و مردم‌سالار، سال‌هاست آرزوی خشکاندن ریشه حیات مردم آن را داشته‌است! چه‌گناهی از تابعیت جمهوری اسلامی ایران‌بالا‌تر؟ حال اگرکسی بگوید، این چهارتن عضو هیئتی‌دیپلماتیک بوده‌اند، معلوم‌می‌شود که معنای‌دیپلماسی رانمی‌فهمد. دیپلماسی، یعنی کشتارصددرصد دموکراتیک صدها زن و کودک بنیادگرا، توسط خلبانان‌خردگرای هلی‌کوپترهای توپدار «آپاچی» ارتش اسرائیل در اردوگاه «قانا». شاید برخی مطلق‌گرایان احساساتی بگویند این‌چهارتن برای‌مأموریتی امدادی و نوع‌دوستانه راهی بیروت شده‌بودند. معنای مأموریت‌امدادی و

بشردوستانه در لبنان را باید از جناب آرییل شارون قصاب آوارگان لبنانی و فلسطینی اردوگاه‌های صبرا و شتیلا پرسید.

ادعا کرده‌اند این چهارتن را برغم داشتن مصونیت‌سیاسی ربوده‌اند! اصلاً چه کسی به آنان حق مصونیت اعطا کرده بود؟ در ساحت تشخیص مصونیت‌سیاسی، تنها مرجع ذیصلاح و معتبر جهانی «خرس‌کوکي» اطفال‌ریش‌دار بنی‌صهیون در کاخ سفید ببخشید! - مقام محترم ریاست‌جمهوری ایالات‌متحده آمریکا است.

می‌گویند یکی از این چهارتن، کاردار سفارت کشور ایران در بیروت بوده است! چه مدرک جرمی از این بهتر! هنگامی که به فرموده وزیر خارجه خوش‌قیافه! عموسام، آقای «وارن کریستوفر»، ملت ایران تروریست است، سلمنا که کاردار سفارت چنین ملتی هم یکپا تروریست‌خطرناک است! مدعی شده‌اند که آن دیگری خبرنگار و عکاس جراید ایران بوده. بر اساس تصاویر دریافتی از ماهواره‌های «پنتاگون»، فرد مزبور در داخل دوربین‌عکاسی و قلم‌خودکارش چندین تَن مواد منفجره جاسازی کرده بود!

هكذا می‌گویند، سومین نفر ایشان، مسئولیت رانندگی اتومبیل سفارت ایران را برعهده داشته است. «به گفته یک منبع ناشناس»! اولاً وسیله نقلیه مزبور، نه یک اتومبیل معمولی، بلکه یک دست‌گاہ تانک فوق‌مدرن مجهز به سکوی پرتاب موشک‌های قاره‌پیما! بوده است. ضمن آن‌که «به اعتقاد برخی صاحب‌نظران»، مشارالیه به علت عدم رعایت سرعت‌مجاز در جاده‌های لبنان، توسط پلیس راهنمایی اسرائیل بازداشت شده است!

و اما آن نفر چهارم، که گفته‌اند پیش از اعزام به این مأموریت دیپلماتیک، به اتفاق لشکریان آیت‌الله‌خميني، در جبهه خرم‌شهر، به جنگ اشغال‌گران عراقی رفته بود. به گفته یکی از آجودان‌های «ژنرال شوارتزکف»، یگان دژبان ارتش اسرائیل، فرد چهارم را به جرم پیشدستی کردن در شکستن شاخ قوای «چاقوکش دیوانه‌بغداد» بازداشت کرده است.

بدین ترتیب، پرواضح است که این قضیه چهار ایرانی ربوده شده در لبنان، صدرصد مشکوک و از نظر «تحلیل‌گران آگاه»! بی‌پایه و اساس است! قصد

نگارنده از نوشتن آنچه تا بدین‌جا خواندید، نه تحریر مطلبی‌طنزگونه بوده‌است، نه مناسبتی که به‌بهانه آن دست به‌قلم بردیم، باطن‌نویسی و شوخ‌طبعی نسبتی‌دارد. چهاردهم‌تیرماه امسال، مصادف بود با پانزدهمین‌سالگرد ربوده‌شدن چهارعضو هیئت‌دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران در مسیر بیروت، توسط عمال‌تروریست رژیم صهیونیستی. خانواده‌های این چهارگروگان مظلوم ایرانی، پانزده سال است که چشم به‌راه آزادی عزیزان‌خویشند. از این‌میان، پدر و مادر کاظم اخوان خبرنگار و عکاس ربوده‌شده، آرزوی دیدار فرزندشان را با خود به سینه‌سردخاک بردند. فرزند خردسال آقای سید محسن موسوی، اینک نوجوانی‌برومند است که معصومانه پانزدهمین‌سال فقدان سایه‌پر مهر پدر را بر سرش تجربه‌می‌کند. خانواده تقی رستگار مقدم نیز، سال‌هاست به‌سان شمع در فراق فرزند اسپرشان، بی‌صدا و صبور، می‌سوزند و آبی‌شوند.

و بالاخره... در خانه‌ای کوچک و قدیمی، در محله مولوی تهران، مادر سال‌خورده و رنج‌کشیده علمدار رشید فتح‌خرم‌شهر، حاج احمد متوسلیان، دردمندانه چشم‌به‌راه دریافت‌خبری از یوسف‌گم‌گشته خویش است. چهاردهم‌تیرماه، یک واقعه مشمول‌مرور ایام شده‌نیست. عملیات‌تروریستی ربودن چهارعضو هیئت‌دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران توسط عمال رژیم صهیونیستی، برهان‌قاطعی بر مظلومیت ملت مقاوم ایران و سند رسوایی‌دشمنان انقلاب اسلامی، خصوصاً محافل به اصطلاح مدافع حقوق بشر و مخالف تروریسم و بوق‌های تبلیغاتی امپراطوری جهانی شیطان‌بزرگ است. آیا مظلومیت مطلق چهارگروگان ایرانی، از یاد رفتنی و قابل فراموشی است؟... هرگز چنین‌مباد!
ماه‌نامه صبح

مهره ۱۳۷۵

مصاحبه با خانم مریم مجتهدزاده همسرکاردار ربوده شده سفارت ایران در لبنان

– لطفاً درباره حادثه ربوده شدن هیئت‌دیپلماتیک ایرانی در لبنان توضیحاتی بفرمایید:

– در آن زمان یعنی تیرماه ۶۱ ارتش‌جنایتکار رژیم اشغال‌گر قدس، با یک برنامه‌گسترده از پیش طراحی‌شده، با استفاده از حمایت‌های بی‌دریغ تبلیغاتی، سیاسی و نظامی آمریکا و همپیمانانش، به مردم مظلوم و بی‌دفاع کشور لبنان حمله برد؛ با توجه به اینکه متأسفانه لبنان قبل از این حمله سبعانه، شاهد هفت‌سال جنگ داخلی و عدم انسجام میان نیروها و قوای مدافع خویش بود، اشغالگران متجاوز با خیالی آسوده شروع به قتل‌عام، اسارت، شکنجه و آواره‌ساختن مردم نمودند و آسمان و زمین لبنان را در هاله‌ای از آتش و خون فرو بردند. در آن شرایط غمبار، جمهوری اسلامی ایران با توجه به رسالت و مسئولیت اسلامی خود، هیئت‌دیپلماتیک را به مقصد بیروت، پایتخت جنگ‌زده لبنان روانه‌ساخت تا با بررسی اوضاع بحرانی کشور لبنان، اقدام به تهیه گزارشی کامل از سریع‌ترین و بهترین راه‌های عملی امداد رسانی و کمک به مردم بی‌پناه، آواره و غرقه به خون لبنان نمایند. در روز چهاردهم تیرماه سید محسن به‌همراه سه عضو دیگر هیئت‌دیپلماتیک ایران، با خود روی سفارت و در حالی‌که گارد لبنانی سفارتخانه‌ها آنان را همراهی می‌کرد، عازم شهر بیروت می‌شوند که در حین ورود به شهر – برغم مصونیت دیپلماتیک – توسط فالانژها، خودرو متوقف و چهار سرنشین آن ربوده شده و پس از شکنجه و بازجویی، تحویل نظامیان رژیم اشغال‌گر قدس می‌شوند.

– لطفاً سه عضو دیگر هیئت‌دیپلماتیک را که همراه کاردار سفارت ایران در لبنان ربوده شدند، معرفی بفرمایید؟

— به همراه آقای موسوی، برادران کاظم اخوان، تقی رستگارمقدم و حاج احمد متوسلیان در آن سفر حضور داشتند. کاظم اخوان به عنوان یک خبرنگار شجاع، متعهد و انقلابی خبرگزاری جمهوری اسلامی، برای به تصویر کشاندن و انعکاس مظلومیت مردم بی‌دفاع لبنان و واقعیات و حقایق تلخ و تأسفات ناشی از تجاوز ددمنشانه ارتش اشغالگر، روانه این سفر شده بود. تقی رستگارمقدم هم که به عنوان مشاور فنی هیئت اعزامی به سفر پرخطر لبنان اعزام شده بود، هدایت خودرویی سفارت را برعهده داشت. حاج احمد متوسلیان هم به عنوان وابسته نظامی هیئت محسوب می‌شد و ایشان از فرماندهان زبده دفاع مقدس، فاتح خرمشهر و آشنا به توطئه‌های نظامی و جغرافیایی دشمنان اسلام بود که تجربیات ارزنده خود را در مناطق عملیاتی غرب و جنوب جهت بررسی و پیدا کردن امن‌ترین و سریع‌ترین راه‌کارهای رساندن کمک‌های دارویی و غذایی اهدایی جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته بود تا کمک‌های امدادی به دست دشمن متجاوز نیفتد و مردم بی‌پناه و آواره‌ای که به ضروریات تداوم حیات خود احتیاج داشتند، از همان مختصر امکانات اهدایی مردم و مسئولان کشور اسلامی‌مان بهره‌مند شوند.

— با توجه به این‌که سردمداران مجامع و سازمان‌های بین‌المللی به اصطلاح حامی حقوق بشر، هراز چندگاهی با ادعاهای بی‌پایه و اساس، نظام ما را به نقض حقوق بشر و یا حمایت از تروریسم متهم می‌کنند، پیام شما به این مجامع و همچنین به انسان‌های آزاده جهان چیست؟

— خوشبختانه دیگر برای همه انسان‌های آزاده جهان مثلروز روشن است که این سازمان‌ها و مجامع عملاً بازیچه و اهرم دست قدرت‌های استکباری و سلطه‌جوی جهانی هستند. مثلاً در اواخر دوره دبیرکلی «خاویر پرز د کوئیار»، وی شروع به انجام فعالیت‌هایی در جهت رفع بحران گروگان‌گیری در لبنان نمود که در مورد گروگان‌های غربی تلاش و پی‌گیری شبانه‌روزی صورت گرفته و مجموع موضع‌گیری‌های مجامع بین‌المللی وی، منجر به آزادی گروگان‌های غربی شد. اما درست در همان زمان با توجه به این‌که اولین گروگان‌های بحران فوق،

چهاردیپلمات ایرانی بودند، به دلیل عدم جدیت و وجود تبعیض و دوگانگی و اهمال در برخورد و پیگیری سازمان ملل، متأسفانه تاکنون چهارگروگان ایرانی، قربانیان آن بحران باقی مانده اند و البته با وجود سوابق واضح این سازمان‌ها، این مسئله امر دور از ذهنی به شمار نمی‌آید! همه آزادگان جهان دریافته اند که برخوردها و عملکردهای این مجامع در جهت منافع امپریالیستی قدرت‌های جهانی می‌باشد و در این راه وقتی حقوق بديهی بشر در مورد گروگان‌های ایرانی بیش از ۱۴ سال نقض می‌شود، واکنش موثری از خود نشان نمی‌دهند، اما در مواردی که نظام‌های آزاده و متکی بر عدالت، برخلاف نظرات اسکتباری قدرت‌های شیطان‌جهان قدم برمی‌دارند، آماج تهمت‌ها و افتراءات این مجامع قرار می‌گیرند.

— با توجه به این‌که چهارگروگان آزاده ایرانی، اولین قربانیان مسئله موسوم به بحران گروگان‌گیری در لبنان بوده و در کمال ناباوری هنوز آخرین ایشان باقی مانده اند، نظر شما در مورد عملکرد دستگاه‌های مسئول، همانند وزارت خارجه چیست؟

— اولاً بنده از طرف خودم و سایر خانواده‌های صبور و انقلابی گروگان‌ها، باید از همه افرادی که به نحوی پی‌گیر و جویای احوال و سرنوشت گروگان‌های ایرانی هستند، چه از میان مردم و چه در بین مسئولین و در راس همه از شخص مقام عظمای ولایت (حفظه الله تعالی) که انصافاً هم در دوران ریاست جمهوری و هم در دوران رهبری، توجه و عنایت ویژه‌ای نسبت به این قضیه داشته اند، تشکر و قدردانی کنم. اکنون هم چشم امید ما بعد از توکل به خداوند متعال، به عنایات ایشان در این زمینه می‌باشد. ثانیاً جدا از مسئولینی که به دلایل مختلف نسبت به انجام وظایف خود در پیگیری سرنوشت و آزاد سازی گروگان‌ها خواسته یا ناخواسته کوتاهی می‌کنند، گله دارم. بیش از ۱۴۹ ماه تمام از ربوده شدن این چهار آزاده سرافراز در بند می‌گذرد و ما حتی از سرنوشت‌شان بی‌اطلاعیم. دعای همیشگی خانواده‌های این چهار عزیز این است که اگر به فیض عظیم شهادت نائل آمدند، خداوند ایشان را با

امام حسین (ع) محشور کند و اگر هنوز زنده‌اند، خداوند ان‌شالله آنان را به سلامت به میهن اسلامی و به آغوش امت شهیدپرور ایران اسلامی بازگرداند. اما دستگاه‌های مسئول چه توجیه و توضیحی برای سکوت و سستی خود دارند؟ در آن زمان رهبر فالانژها ایلی حبیقه یکی از وزرای کنونی کابینه رفیق حریری، و فرمانده ربایندگان گروگان‌ها سمیر جعجع که اکنون به دلیل ارتکاب به جنایات متعدّد به حبس‌ابد محکوم شده است، مستقیماً در جریان ربودن چهار گروگان ما بوده‌اند. با توجه به این‌که هردو نفر فوق، اکنون در اختیار دولت لبنان می‌باشند و دولت لبنان هم به اندازه کافی برای اعمال حاکمیت خود توان دارد، از وزارت خارجه جداً انتظار می‌رود که با پیگیری جدی و کامل کردن زحمات گذشته، برای روشن‌شدن سرنوشت گروگان‌ها تلاش کند. هیچ‌کدام از ما خانواده‌های چهار گروگان عزتمند ایرانی، تا قبل از آزادی اسرای جنگ تحمیلی، به پاس همدردی با خانواده‌های آزادگان، مسئله ربوده شدگان مان را پیگیری نکردیم و از سال ۱۳۷۰ بود که از طریق ملاقات با دکتر ولایتی، وزیر امور خارجه و نیز سفر به سوئیس، ایرلند، سوریه و لبنان و مذاکره با نمایندگان سازمان ملل و کمیسیون حقوق بشر و کمیته بین‌المللی دفاع از زندانیان، تلاش‌های مان را در جهت پیگیری و طرح این قضیه آغاز نمودیم. در آن زمان، دولت ایران مسئله گروگان‌های غربی در لبنان را که هنوز آزاد نشده بودند، مجدانه پیگیری می‌کرد. نظر به این که مسئولین جمهوری اسلامی ایران، با استفاده از محبوبیت و نفوذ معنوی خود در نزد گروگان‌گیران لبنانی، بارها و بارها به آزادی گروگان‌های غربی کمک کرده‌اند، به روشنی می‌توانند خواستار فشار مؤکد سایر دولت‌ها به رژیم صهیونیستی و عمال فالانژ جهت روشن‌شدن سرنوشت و آزادی گروگان‌ها شوند و نقطه شروع این فعالیت هم می‌تواند از خود همین دو فرمانده حَی و حاضر فالانژ از طریق دولت لبنان باشد و ما موکداً خواستار پیگیری مسئولین ذیصلاح کشورمان از طریق افزایش تماس با مقامات قضائی و اجرایی لبنان و طرح قضیه گروگان‌های ایرانی می‌باشیم.

– با توجه به حساسیت و تأکیدات مقام معظم رهبری نسبت به معرفی اسوه‌ها و الگوها و پیش‌کسوتان جهاد و شهادت، عملکرد دستگاه‌های تبلیغاتی کشورمان در معرفی این چهار الگوی ایثار و فداکاری را چگونه ارزیابی می‌نمایند؟

– در سفری که چند سال قبل به چند کشور اروپایی به همراه خانواده سه‌گروگان دیگر داشتیم، یکی از گروگان‌های ایرلندی را که حدود دو سال و نیم در لبنان به گروگان گرفته شده و سپس با تلاش سازمان یافته مسئولین ایرلندی – اروپایی وقت آزاد گشته بود، ملاقات کردیم. او به ما تمام روزنامه‌های ایرلندی را که از روز ربوده شدن وی تا روزها بعد از آزادی و بازگشتش هر روز به نحوی چند سطر و حتی چند صفحه به وی اختصاص داده بودند، نشان داد. یعنی همه روزنامه‌های کشورش هر روز به شکلی با زنده نگه داشتن قضیه ربوده شدن وی، از او تجلیل به عمل می‌آوردند. او همچنین از انعکاس مراسم مفصل بزرگداشت یادش که به بهانه‌های مختلف و از جمله سالگرد تولد، ربوده شدن، شادی و ماتم خانواده و... توسط رسانه‌های مختلف جمعی از نشریات و جراید گرفته تا رادیو و تلویزیون، به تفصیل سخن می‌گفت. اما آیا صداوسیما ما در این چندساله حتی در سالگرد ربوده شدن گروگان‌ها، اقلاً چند دقیقه به بزرگداشت یاد و نام و یا تکریم جایگاه‌شان پرداخته است؟ حال آن‌که بیش از ۱۳۲ هزار ساعت از ربوده شدن آنها می‌گذرد. در قبال این ۱۳۲ هزار ساعت، حتی دریغ از چند دقیقه برنامه اعلام سالگرد؛ حالا معرفی سوابق، زحمات، ابعاد شخصیتی... و بماند! البته باز هم از تلاش‌های خالصانه‌ای که از سوی برخی نشریات بویژه در ایام سالگرد صورت گرفته تقدیر و تشکر نکردن بی‌انصافی است، اما جداً آیا این مقدار مختصر و محدود کافی است؟ با توجه به این مطلب که این قضیه روشن‌ترین و بهترین سند رسوایی دشمنان نظام در رابطه با ادعاهای کذب و مسخره‌شان در دفاع از آزادی و حقوق بشر می‌باشد که خداوند در اختیارمان قرار داده است. من وقتی می‌بینم جوانان و نوجوانان کشور ما را تحت شدیدترین بمباران‌های مسموم و آلوده صوتی و تصویری ماهواره‌ها و شبکه‌های ویدیویی و... ضد ارزشی‌ترین و

ضمیمه ها □ ۴۰۱

کم‌محتواترین مطالب را مورد توجه و ارزش‌دهی قرار می‌دهند، اما حتی نمی‌دانند که چهار عضو هیئت‌دیپلماتیک ایرانی در غرب مدعی دموکراسی و آزادی، بیش از ۱۴ سال است که مفقود الاثرند، آیا باز هم می‌توان به عملکرد مسئولین تبلیغی - فرهنگی کشور نمره بالایی اختصاص داد؟! - در مورد نحوه‌آشنایی خودتان با آزاده سرافراز سیدمحسن موسوی و خصوصیات ویژه رفتاری ایشان چه در بعد خانوادگی و چه در بعد کاری، لطفاً توضیحاتی بفرمایید:

- در دوران قبل از انقلاب، با توجه به این‌که هر دو دانشجوی رشته برق دانشگاه بودیم، مواضع مشترک ضد رژیم طاغوت موجب‌آشنایی ما دو تا با هم و نهایتاً ازدواج ما شد. ایشان نسبت به انجام واجبات و ترک محرمات بسیار مقید بودند. من خیلی راجع به خصایل ویژه امیرالمومنین و اعمال و رفتار ایشان خوانده و شنیده بودم که از طرفی مظهر جلال و قهر خداوند در برخورد با منافقین و کفار و مبارزات ضد طاغوت، و از طرف دیگر مظهر جمال و رحمت خداوند در دفاع و حمایت از محرومین و مظلومین و ایتمام بودند. اما حقیقتاً بعد از آشنایی با سیدمحسن ایشان را یکی از شاگردان مکتب امیرالمومنین و مصداق‌عینی شیعه و پیرو همه‌جانبه امیرالمومنین و اهل‌بیت دیدم. یعنی در یک کلام خود بنده هرچه دارم واقعاً مدیون وجود ایشان می‌دانم چراکه ایشان حقیقتاً چشم را به‌حقایقی باز کرد و به‌مسیری راهنمایی کرد که معنای راستین بندگی خدا و زندگی تحت ظل ولایت حق را درک کردم. من به‌عنوان تقدیر و تشکری ناقابل، حاصل پایان‌نامه فوق‌لیسانس را به ایشان تقدیم کردم، هر چند که این حتی بیان ذره‌ای از احساس دین و تشکر از دریای زحمات و الطاف‌عظیم وجودی ایشان هم نیست. حتی موضع صبر و بردباری هم که بعد از ربوده شدن ایشان داشتم، مدیون آگاهی و معرفتی‌می‌دانم که به‌لطف خدا باز هم ایشان در من ایجاد کرد. یعنی به‌قدری ایشان این معنای از دست‌دادن و دوری‌مادی را با توجه دادن به قرآن و سیره اهل‌بیت و علی‌الخصوص صدیقه‌طاهره حضرت‌زهرا (س) و دختر بزرگوارشان

زینبکبری (س)، برای من ملموس و روشن کردند، که حقیقتاً خدا را شکر می‌کنم که توفیق تمسک به اهل بیت و تداوم راه ایشان را به این بنده حقیر عطا فرمود و خدا را شکر می‌کنم که با زهم توفیق حضور در صحنه و حمایت از اهداف عالیہ اسلام را نصیبم کرد. در صحنه عبادی هم سیدمحسن حقیقتاً انسان مؤمن و مقیدی بودند. اهل نماز شب، دائم الوضوء، اهل روزه‌های مستحبی و به برکت همین بندگی خداوند، آنچنان روح عظیم و عزیز در ایشان شکل گرفته بود که احساس می‌کنم واقعاً کلمات و عبارات، قدرت بیان آن حقیقت‌متعالی و زیبا را ندارند و من نمی‌توانم ایشان را با آن درجه تقوا و بزرگواری توصیف کنم. در بعد مبارزاتی هم، چه در زمینه فرهنگی و چه در زمینه نظامی علیه رژیم طاغوت، کاملاً مقید به تبعیت مطلق از ولی فقیه بودند و بارها برای تشخیص درستی کارهایی که می‌بایستی انجام می‌شد، به نحوی نظر حضرت امام را جویا شده و پس از اطمینان از انطباق کار با موازین اسلام و تحت امر ولایت فقیه، آن را انجام می‌دادند. در زمان پیروزی انقلاب و بعد از آن هم ایشان غالب وقت خود را صرف روشن‌گری جوانان و نوجوانان آن زمان و از طرف دیگر کسب مهارت‌مختلف مورد نیاز جامعه اسلامی می‌نمودند. با توجه به کارایی ایشان، بلافاصله به عنوان کاردار سفارت ایران در لبنان جذب وزارت خارجه شدند. قبل از شروع تجاوز رژیم تروریستی اشغالگر قدس به لبنان، برای دیدن من و پسرمان راند که در آن زمان یک سال و نیم سن داشت، به یک مرخصی آمده بودند که با توجه به حمله گسترده و وحشیانه ارتش متجاوز صهیونیستی، مرخصی خودشان را نیمه‌کاره رها کرده و برای انجام امور سفارت به لبنان بازگشتند. ساعتی قبل از اسارت هم با بنده تماس گرفتند و شرایط حاد مظلومین لبنانی و علی‌الخصوص کودکان و زنان مظلوم آن دیار را تشریح کردند که بعد از آن تماس، به سمت سفارت در بیروت حرکت می‌کنند و ربوده می‌شوند.

ضمیمه‌ها □ ۴۰۳

– ما هم امیدواریم که چهارآزاده سرافرازایرانی هرچه سریع‌تر با سلامت‌کامل به کشورمان باز گردند. در پایان باتشکر از شما جهت شرکت در این مصاحبه، اگر صحبت‌دیگری دارید، بفرمایید؟

– امسال برای نخستین‌بار در ایام پانزدهمین سالگرد ربوده‌شدن گروگان‌های‌مان، جمعی از بسیجیان جنوب‌تهران مراسمی را جهت بزرگداشت نام و خاطره چهارگروگان ایرانی برگزار کردند که ظاهراً گزارش مراسم در نشریات‌مان از جمله همین ماهنامه صبح، منتشر شد. از طرف خودم و خانواده‌های گروگان‌ها، از همه خواهران و برادران بسیجی برگزارکننده این مراسم تشکر نموده و آرزوی موفقیت آنها و همه بسیجیان جهان‌اسلام را داریم و از شما هم‌متشکریم.
ماهنامه صبح

ضمیمه ۱۰

۱۳۷۵/۹/۱۵

قربانیان تغافل رسانه‌های ما

گروگان‌های از یادرفته ایرانی و تکالیف از یادرفته ما
حیدرکرار علی(ع)، ضمن‌سخنانی خطاب به اهل‌کوفه، عبارتی دارد قریب به این مضمون که: با هیچ قومی در خانه ایشان پیکار نشد، مگر آن‌که دچار ذلت و خسران شدند!

لابد می‌پرسید نقل‌قول فوق چه ربطی با اصل‌مطلب دارد؟ چه بگویم؟! اگر به واقع بحث تهاجم‌فرهنگی و هشدارهای مکرر و مؤکد خلف صالح‌خمینی(ره) را باور کرده‌ایم و مثل بعضی از دوستان ساده اندیش درکرات آسمانی و یا صرفاً در آرم و عنوان فرنگی نصب شده بر پشت شلوارهای جین به‌دنبال مصادیق و مظاهر تهاجم‌فرهنگی نیستیم، ما اصحاب‌قلم و ارباب رسانه‌های این مملکت، باید اذعان کنیم که در قبال یورش‌های بی‌وقفه ده‌ها ارتش رسانه‌ای غرب

صهیونیستی کمی تاقسمتی، مرخصیم! طوطی‌صفتی در عرصه اطلاع‌رسانی به افکار عمومی مردم ایران تاکی؟ آنچه از توهمات شبه‌خبری را که اساتیدازل بوق‌های تبلیغاتی صهیونیسم‌بین‌الملل روانه تلکس‌های اطلاع‌رسانی ما می‌کنند، تاکی باید شکل‌دهنده غالب تیتراهای جراید، عناوین‌خبری رسانه‌ها و حتی فحوی کلام مسئولین‌مملکت باشند؟ پرسه‌زدن در خاکریزهای کاغذی و الکترونیکی انفعال، آن هم این همه بی‌برنامه و باری به هر جهت گذرا و موضع‌گیری‌های «این‌نیز بگذرد»ی را، تاکی باید تجربه‌کنیم؟

هیچ به تیتراهای صفحات اول اکثریت قریب‌به‌اتفاق جراید و رئوس خلاصه‌خبرهای صداوسیما در هفته‌های اخیر توجه‌کرده‌اید؟ ده‌ها بار خبر دادگاه‌میکونوس و اظهارات سخیف دادستان آلمانی و شهودت‌روریست و تحت‌تعقیب حاضر در این خیمه‌شببازی صهاینه در برلین را به قول ما مطبوعاتی‌ها «تیتراول‌رفته ایم»، امداریغ از پاتکی قدرتمند، مستدل و متکی به مستندات غیرقابل‌انکار در برابر این همه جاروجنجال ارتش‌های‌جمعی ستاد جنگ‌روانی شیطان‌بزرگ و اذتاب و ایادی چندملیتی آن.

بی تعاریف برویم سر اصل مطلب!

پانزده سال واندی است ۴ تبعه جمهوری اسلامی ایران را گروگان‌گرفته‌اند و آنان در چنگال رژیم‌تروریست و نامشروع حاکم برفلسطین‌اشغالی اسیرند. در برابر چنین ظلم‌عظیمی، همه خصوصاً ما ارباب قلم و مطبوعات‌چی‌ها، زبان در کام کشیده‌ایم و در عرض هر ۲۴ ساعت يك بار بی‌هیچ تأملی، تیترا پشت‌تیترا، برای فلان صهیونیست جنایت‌کار جنگی که حین‌بمباران منازل مسکونی، مدارس، مساجد و بیمارستان‌های مردم بی‌دفاع جنوب لبنان طیاره‌اش ساقط‌شد، خرج‌کرده و می‌کنیم. همین‌سال‌گذشته، وقتی آن تروریست‌مزدور سرویس‌امنیتی‌موساد، هواپیمای‌مسافری ما را از کیش دزدید و به اسرائیل برد، ما مطبوعاتی‌ها و همکاران ما در واحد خبر رادیوتلوویزیون و خبرگزاری، چه کردیم؟ چه کسی به این‌مردم گفت که به محض فرود هواپیمای ربوده‌شده ایرانی در آن فرودگاه‌نظامی، تروریست‌های رژیم‌تل‌آویو، زنی را که

پلاکاردی با عبارت «ران را آزاد کنید» به سه‌زبان عبری، عربی و انگلیسی به‌دست داشت، پای پلکان‌هواپیما آوردند و پادوهای C.N.N و B.B.C و سایر عمله‌اگره مطبوعاتی رسانه‌های غرب با دوربین‌ها و میکروفون‌ها و قلم‌های مسموم‌شان، تا توانستند روی آن‌صهیونیست پلاکارد به‌دست مانور دادند؟ چه‌کسی باید به مردم ما می‌گفت وقتی مسافرین هواپیما می‌رود شده ما را وارد سالن آن فرودگاه کردند، از بین‌ایشان پس‌رکی‌خردسال را جدا کرده، پیراهنش را به‌زور درآوردند و تی‌شرتی را که روی آن همان عبارت کذایی «ران آزاد را...والخ» نوشته شده بود، به‌تن او پوشاندند و از آن‌طفل که خود قربانی‌تروریست‌های هواپیما برای تل‌آویو بود، چپ و راست فیلم و عکس‌گرفتند و به‌سراسر جهان مخابره کردند؟ چه‌کسی باید درباره واقعه چهاردهم‌تیر ۱۳۶۱ به مردم ما توضیح می‌داد؟ چه‌کسی و کدام رسانه‌ای باید به مردم ما می‌گفت پدر و مادر کاظم‌اخوان عکاس و خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی، که توسط همین‌صهیونیست‌ها در سال ۱۹۸۲ در شمال‌بیروت ربوده شد، در فراموشی مطلق ما اتباع رسانه‌های گروهی ایران اسلامی، در گذار سال‌ها چشم‌انتظاری، دق‌مرگ شدند و آرزوی دیدار فرزندشان را با خود به سینه‌سردخاک بردند؟ آیا شعارهایی از قبیل اخلاق مطبوعاتی، تعهد روزنامه‌نگاری و حفظ حرمت ژورنالیزم عصر انقلاب و امثال‌ذلك، فقط و فقط بایستی خرج تأمین خواست‌های جناحی، صنفی و سندیکایی ما اصحاب قلم و ارباب رسانه‌های جمعی ام‌القرای جهان اسلام در همایش‌ها و نمایش‌ها و کنفرانس‌های تکراری بشوند؟

هیئات! کاش دست‌کم به قدر ژورنالیست‌های غربی نسبت به یک همکار ربوده شده خود، حمیت به خرج می‌دادیم. چرا خبرگزاری‌ما، درباره سرنوشت رشیدترین خبرنگار وابسته به خود، سال‌هاست سکوت پیشه کرده است؟ این همه کارشناس مسائل بین‌المللی و تحلیل‌گران سیاسی خبره جراید و صداوسیما و هكذا مراکز مطالعات سیاسی جمعی وزارت خارجه که از ریشه‌های بحران زئیر گرفته تا آداب غذا خوردن گربه پرزیدنت کلینتون! ده‌ها تفسیر و تحلیل

متنوع و داغ به افکار عمومی ارائه می‌دهند را هم از قلم نیندازیم. خانم‌ها، آقایان! شما را به خدا بیایید به مردم بگویید کاردار اول سفارت جمهوری اسلامی ایران در لبنان، اکنون کجاست؟ بیایید مطابق موازین سیاست بین‌الملل و عرف دیپلماتیک، تحلیل ارائه دهید که اگر سید محسن موسوی وابسته درجه پنجم فلان سفارتخانه غربی در یک کشور جهان‌سومی بود، غربی‌ها سکوتی پانزده ساله در قبال گروگان گرفته شدن وی را رومی دانستند؟ آیا وزانت کارشناسی سیاسی و رعایت عرف دیپلماتیک، آن‌همه ارزشمند است که حتی دزدیدن مقام ارشد سفارت ایران توسط عوامل تروریست رژیم تل‌آویو نیز قادر نیست بر دامن کبریایی آن گردی بنشانند؟ چطور؟ ماهواره خود را مکلف می‌دانیم پیرامون توقعات و اتهامات موهن رسانه‌های صهیونیستی غربی درباره فلان جنایتکار جنگی صهیونی که اصلاً معلوم نیست در آسمان جنوب لبنان چه غلطی می‌کرده، هر روز و هر هفته، با موضعی انفعالی پای میز محاکمه کنفرانس‌های شبه‌خبری و مصاحبه‌ها و میزگردهای مغرضانه رسانه‌های مزدور غرب برویم، لکن اگر پای روشن شدن وضعیت وابسته نظامی هیئت دیپلماتیک جمهوری اسلامی و مشاور فنی وی، آقایان احمد متوسلیان و تقی رستگار مقدم به میان بیاید، خم به ابروی مبارکمان که نمی‌آوریم، هیچ، اصلاً خودمان را به آن راه هم نمی‌زنیم. شتر دیدی ندیدی! مثلی است معروف که می‌گوید برای درهم کوبیدن بنیان یک حقیقت، لازم نیست خوب به آن حمله شود، کافی است تا از آن بد دفاع کنیم! در طی سال‌ها فحاشی و لجن‌پراکنی نسبت به انقلاب و مقدسات ملت ایران از سوی حکام تروریست غرب و رسانه‌های صهیونیستی آن که همواره به ملت و نظام ما لقب تروریست داده‌اند، ماسر بازان سنگرتبلیغات انقلاب اسلامی، به واقع چه کرده ایم؟ دست به نقد، در ماجرای پانزده ساله ربوده شدن ۴ تن از رشیدترین فرزندان این آب و خاک، عملکرد رسانه‌های ما و مسئولین ذیربط را مقایسه کنید با عملکرد بوق‌های تبلیغاتی نظام جهانی سلطه صهیونیستی غرب درباره ران آزاد، تا ببینید که کجای کاریم! حکام تل‌آویو، هر سال برای صهیونیست‌مذکور جشن تولد، جشن سالگرد فارغ التحصیلی،

ضمیمه‌ها □ ۴۰۷

جشن‌سالروز ورود به ارتش‌صهیونیستی، جشن اولین‌پرواز موفقیت‌آمیز!، جشن کوفت و زهرمار می‌گیرند. ده‌هاصفحه از مطبوعات اسرائیلی‌غربی در هریک از این مناسبه‌های ادواری، در رثای آدمکش مفقودشده اسرائیلی سیاه‌می‌شوند. رسانه‌های‌گلوبال و شبکه‌های ریز ودرشت ماهواره‌ای - اعم از رادیویی وتلویزیونی- چون ترجیع‌بندی تکراری ومسلسل، افکارعمومی مردم پنج‌قاره را با ورد ران آراده، ران آراده خودشان، بمباران‌می‌کنند و درعوض عملکرد ما درباره ۴ گروگان‌ایرانی دربند تروریست‌های آدم‌ربای حاکم بر تل‌آویو ...

دیگر چه بنویسم؟ برای که؟ گوش‌ها انگاری کردند.

آهای! مادر چشم‌به‌راه حاج‌احمد متوسلیان! سه‌سال است دارم نام فرزنددل‌اورت را فریادمی‌زنم. دیگر حنجره قلمم نای ناله‌کردن را هم‌ندارد. مادرجان! با توام که افزون‌بر پانزده‌سال است درآن خانه‌کوچک کاه‌گلی کوچه‌علوی خیابان‌مولوی تهران، مظلومانه ساکنی و به‌یمن غلفت‌رسانه‌های ما، حتی نزدیک‌ترین همسایگان هم‌نمی‌دانند که فرزند صفشکن‌تو، پرچمدار فتح‌خرمشهر است و اسیر ازیادرفته‌ای در چنگال عفریت‌صهیونیزم ضدبشر. مادرجان! دعاکن که مشیت‌بالغه حضرت‌حق، بر به‌خودآمدن اصحاب رسانه‌های‌جمعی ما مقدرگردد.

آی برادر گوشه‌نشین کاظم اخوان، به‌خدا بچه‌مسلمان‌های اهل‌قلم، کاظم را ازیاد نبرده‌اند. کاظم آبروی قلم به‌دستان نسل‌انقلاب ماست. بی‌آبرو زیستن، چگونه ممکن‌است؟

پدر ومادر سالخورده تقی رستگارمقدم، والله هنوز هم زیادند لب‌هایی که به‌نیت رهایی‌عاجل تقی و سه‌همزن‌جیر رشیداو، هرصبح وشام، عاجزانه به درگاه حق‌تعالی زمزمه می‌کنند که: اللهم فك كل اسیر!

وبالاخره با شمایم خانواده‌صبور و دل‌سوخته موسوی! رائدجان، با‌توام که هنوز چشم‌به‌راه بازگشت پدرقهرمانت‌هستی. والله هرآنچه درباب مظلومیت‌مضاعف کاردار ربوده‌شده نظام‌مقدس جمهوری‌اسلامی و یاران او توسط سگ‌های آدم‌دزد

رژیم تل‌آویو، که در وسع ما بود، گفتیم و نوشتیم؛ اما... چه کنیم که یک‌دست، بیش از این صدا ندارد. شما دعا کنید تا طلسم تغافل بشکند، تا دوستان غافل ما در رسانه‌ها و نیز مسئولین ذریبط، به خود آیند و جبران مافات کنند. هنوز هم دیر نشده... دیگر چه برای گفتن باقی‌مانده است؟

السلام علیک یا موسی بن جعفر (ع)
کیهان

ضمیمه ۱۱

۱۳۷۵/۱۰/۹

سرنوشت رون آزاد جقدر مهم است؟

رون آزاد یک جوان کم‌خلبان اسرائیلی است که ده سال قبل، هلی‌کوپتر حامل وی در جنوب لبنان سرنگون شد و خود وی به اسارت سازمان امل اسلامی لبنان درآمد. پس از دستگیری رون آزاد توسط جنبش امل اسلامی، وی به محل امنی منتقل گردید. آقایان موسوی کاردار سابق ایران در بیروت، رستگار مقدم و متوسلیان به اتفاق آقای کاظم اخوان خبرنگار عکاس خبرگزاری ایرنا نیز از سال ۱۳۶۱ در اسارت نیروهای مزدور اسرائیل به سر می‌پرند. در طول ۱۰ سال گذشته، اسرائیل برای نجات جان این شهروند خود، دست به فعالیت بسیار وسیعی زده است. آمریکا و متحدان اروپایی خود را به ایراد فشار بر جمهوری اسلامی ایران و اदार کرد تا موجبات آزادی رون آزاد را فراهم بیاورد و علیرغم تاکیدات مکرر ایران از عدم هرگونه اطلاع از وضعیت این کم‌خلبان اسیر اسرائیلی، دولت اسرائیل کماکان ایران را متهم به آگاهی از وضعیت رون آزاد می‌کند. تا قبل از بروز واقعه می‌کونوس، تماس‌های بین براند اش‌میت‌باور وزیر امنیتی آلمان و حزب‌الله لبنان، برای اطلاع از وضعیت رون آزاد در جریان بود و پیش‌بینی می‌شد رون آزاد با تعدادی از رهبران حزب‌الله که در

زندانی‌های اسرائیل اسیر هستند، مبادله شود. اما پس از بروز تنش در روابط ایران و آلمان، این مذاکرات متوقف ماند و مسافرت وزیر امور امنیتی آلمان به منطقه لغو گردید. معلوم نیست که چرا دولت آلمان و دولت‌های غربی، تا به این درجه برای یافتن رون آزاد و بازگرداندن وی به اسرائیل تلاش می‌کنند. آقای اشمیت‌باور به‌جای آن‌که به ملاقات حزب‌الله برود و در خصوص آزادی رون آزاد مذاکره کند، بایستی سراغ مسئولین دولت اسرائیل رفته و برای آزادی چهار تبعه ایرانی که آنها نیز ده سال است در اسارت به سر می‌برند، تلاش نماید. اما هیچ‌کس به فکر اتباع گروگان گرفته شده ایران در لبنان نیست. متأسفانه در حالی که دولت اسرائیل از همه امکانات برای آزادی تبعه به اسارت گرفته شده خود استفاده می‌کند و چند هفته قبل نیز به مناسبت دهمین سال مفقود شدن رون آزاد فعالیت سیاسی- تبلیغی وسیعی را در جهان انجام داد، و مادر کم‌خلبان مفقود شده را به اروپا آمریکا و سازمان ملل فرستاد، ما در داخل کشورمان نیز اتباع خود را از یاد برده ایم و کار زیادی برای آگاهی از سرنوشت این عزیزان انجام نمی‌دهیم.

مجموعه اخبار موجود نشان می‌دهد دیپلمات‌های ایرانی و خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی در اسارت اسرائیل هستند. اگر اخبار مربوط به مذاکرات اشمیت‌باور با حزب‌الله لبنان جهت آزادی رون آزاد حقیقت دارد، بسیار به جاست تا در این مذاکرات، سرنوشت چهار تبعه ایرانی نیز به بحث گذاشته شود و رون آزاد تا قبل از آزادی اتباع ایرانی، از زندان آزاد نگردد.

هفته‌نامه امید جوان

ضمیمه ۱۲

۱۳۷۶/۱/۱۶

گروگان‌های ایرانی و یک سرنخ جدید!

گزارش‌های واصله از اردن، حکایت از آن دارند که چهارگروگان ایرانی ربوده شده در لبنان، هم‌اینک در زندان‌های مخفی سرویس اطلاعاتی ارتش اسرائیل نگهداری می‌شوند. منبع این‌خبر، احمد حبیب‌الله است که ریاست جمعیت دفاع از زندانیان در بند اسرائیل را برعهده دارد. مشارالیه که از تحلیل‌گران معتبر مسائل خاورمیانه و امور فلسطین‌اشغالی به‌شمار می‌رود، طی مصاحبه‌ای با خبرنگار صدای جمهوری اسلامی در پایتخت اردن، از «اعتقاد اکید» خود به اسارت چهارگروگان ایرانی در یکی از دو زندان مخفی «شین‌بث» - سرویس اطلاعاتی ارتش صهیانه - سخن به‌میان آورد و افزود که حکام رژیم تروریستی تل‌آویو، به‌نحو اعجاب‌آوری از بازدید مقامات مجامع بین‌المللی حقوق بشر و نمایندگان صلیب سرخ جهانی از زندان‌های مخفی مزبور به نام‌های عتلیت و صرفند، جلوگیری می‌کنند.

نفس اعلام این‌مطالب، آن‌هم از سوی یک شخصیت مطلع جهان عرب که در تلاش‌های بشر دوستانه مربوط به زندانیان در بند سیاه‌چال‌های رژیم صهیونیستی فعالیت می‌ممتد دارد، و ضمناً از اشخاص خبیر در امور اسرائیل محسوب می‌شود، واجد چند ویژگی مثبت است:

الف - سرانجام پس از قریب شانزده سال که از واقعه ربوده شدن اعضای هیئت‌دیپلماتیک سیاسی - نظامی ایران در لبنان سپری شده است، خانواده‌های رنج‌کشیده و صبور این عزیزان به یک سرنخ مهم و امیدبخش دسترسی یافته‌اند. اصولاً تا پیش از این، سرنوشت؟ ایرانی ربوده شده، همواره در هاله‌ای از ابهام قرار داشت و در داخل و خارج گزارش‌های ضدونقیضی پیرامون وضعیت آنان منتشر شده بود. صرفنظر از برخورد سرد و بی‌رغبت محافل به اصطلاح مدافع حقوق بشر - اعم از کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، صلیب سرخ جهانی و ده‌ها مجمع ریز و درشت مشابه آنها - و نیز رسانه‌های غربی، با قضیه جنجال‌برانگیز و رسوایی‌آفرین بودن چهار عضو هیئت‌دیپلماتیک ایران که به جهت برخورداری از مصونیت سیاسی، تعرض به آنان در حقیقت تعرض به موازین محترم و متعارف سیاست بین‌الملل تلقی می‌شد، همان مختصر اخباری هم که بعضاً از

کانال همین‌مجامع و رسانه‌ها درباره گروگان‌های ایرانی انتشار می‌یافت، بعضاً موجبات سردرگمی بیشتر افکار عمومی و خصوصاً نگرانی خانواده‌های این‌چهارتن را فراهم می‌آورد. یکبار می‌گفتند: شبه‌نظامیان فالانژ، منکر دخالت خود در ربودن چهارتبعه ایرانی شده‌اند. پس از دستگیری فرمانده نظامی ارشد فالانژها - اسمیر جعجع - در لبنان اعلام شد: فالانژها بلافاصله پس از متوقف ساختن خودروی سفارت ایران در یک پست ایست و بازرسی خود در جاده طرابلس - بیروت و دستگیری این چهارتن، آنان را به قتل رسانده‌اند.

براند اش‌میت‌باور، سرپرست سرویس‌های اطلاعاتی آلمان نیز، از جمله اشخاصی بود که طی مصاحبه‌ای در تابستان سال گذشته، این ادعا را تکرار کرد. لکن در پی چندین جلسه محاکمه جنجالی جعجع در بیروت، کاشف به عمل آمد که سرکرده نظامی فالانژها، طی ضد و نقیض‌گویی‌های خود، مطالبی دایر بر تحویل چهارگروگان ایرانی به اسرائیلی‌ها در سال ۱۹۸۷ و انتقال گروگان‌ها به خاک فلسطین اشغالی، ابراز داشته است. از سوی دیگر، سخن‌گویی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران نیز با رد ادعای اش‌میت‌باور، در یک موضع‌گیری رسمی، اعلام نمود که چهارگروگان ایرانی زنده‌اند و وزارت خارجه ایران دلایل قانع‌کننده و اطلاعات موثقی دال بر این موضوع دارد.

ب - افشای این مطلب که در حال حاضر چهار ایرانی ربوده شده در زندان‌های مخفی رژیم تل‌آویو نگه‌داری می‌شوند، فی‌نفسه نقطه عزیمت مناسبی برای آغاز یک ماراتن دیپلماتیک سیاسی سودمند و مؤثر، جهت مجموعه دستگاه‌های متولی امر روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران - اعم از وزارت خارجه و کمیسیون امور خارجی مجلس شورای اسلامی - و تلاش در راه رهایی ۴ گروگان ایرانی را فراهم آورده است. مجمع عمومی سازمان ملل، کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، جنبش عدم تعهد، سازمان کنفرانس اسلامی و... از جمله میادین مناسب برای شروع یک دورجدید از تحرکات مفید سیاست خارجی ما، در راه حل این موضوع می‌توانند به‌شمار آیند. ضمن آن‌که اعزام برنامه‌ریزی شده

خانواده‌های گروگان‌ها به‌چنین مجامعی، وهمزمان صرف مساعی جهت انعکاس حضور این قربانیان تروریزم صهیونیستی در مجامع بین‌المللی-از طریق فراخوان مطبوعاتی و برپایی کنفرانس‌های خبری-امکان یک‌رشته مانور قدرتمند و هدفمند تبلیغی-سیاسی برای دفاع جانانه از حیثیت مظلوم نظام جمهوری اسلامی و رسوایی هرچه بیشتر دشمنان تروریست انقلاب اسلامی و بوق‌های تبلیغاتی جیره‌خوار صهیونیزم بین‌الملل را فراهم می‌آورد. فراموش‌نکرده‌ایم که روز روشن اتباع ما را به گروگان‌می‌گیرند و با وقاحت به ما تروریست لقب می‌دهند!

ج - بذل‌همت و تلاش‌نه پراکنده و مقطعی-که هماهنگ و ریشه‌ای، برای آغاز یک «جهاد رسانه‌ای» از سوی اهل‌قلم، ارباب‌جراید و اصحاب وسایل ارتباط جمعی کشور اعم از مطبوعات کثیرالانتشار، شبکه‌های متعدد رادیو تلویزیونی سازمان صداوسیما و خبرگزاری جمهوری اسلامی جهت انعکاس ابعاد گسترده و تکان‌دهنده واقعه‌ای که متأسفانه قریب به شانزده سال است عزیزان ما، در رسانه‌های گروهی اقبال‌چندانی به آن معطوف نداشته‌اند. برپایی کنفرانس‌های خبری و میزگردهای رادیو تلویزیونی، مصاحبه با مقامات ذریبط، گفت‌وگو با خانواده‌های گروگان‌ها، نظرخواهی از اقشار مختلف مردم، تهیه ویژه‌برنامه‌ها، گزارش‌های متنوع و پخش متناوب آنها در اوقات مناسب و پرمخاطب رسانه‌های دیداری و شنیداری، تولید خبر و درج مقالات با زاویه دید متنوع جهانی، منطقه‌ای، داخلی در سرویس‌های مختلف مطبوعاتی پیرامون واقعه مزبور از آغاز تا به امروز و... امثالهم می‌توانند بخشی از یک جهاد رسانه‌ای دیر هنگام، لکن هنوز مفید و مؤثر دستگاه‌های اطلاع‌رسانی و رسانه‌های گروهی کشور را شامل شوند. صاحب این‌قلم، خاصه در نگارش فراز اخیر، سعی کرده است حسب‌القول دوستان مصلحت‌بین و سرد و گرم چشیده مطبوعاتی، صرفاً به انتقاد و نق‌زدن بسنده نکرده، به فراخور وسعی تدبیر قلیل‌خویش، تعدادی پیشنهاد سازنده-ولو دست‌وپا شکسته و خام-هم ارائه دهد. ضمن این‌که بنا را بر این گذارد که نرم‌براند و تندنتازد که چرا

ضمیمه‌ها □ ۴۱۳

فی‌المثل رسانه‌های گرامی ما، حتی در حد یک‌صدم درصد از پوشش‌گسترده خبری-تحلیلی که طی چندماه اخیر برای انعکاس ماجرای گروگان‌گیری در محل اقامت سفیر ژاپن توسط شورشیان چپ‌گرای «توپاک آمارو» و تلاش برای آشنایی افکار عمومی جامعه با وجوه مختلف این ماجرای نامربوط به آرمان‌های اعتقادی ملت ما فراهم آوردند، تلاشی جهت باخبرکردن انبوه مخاطبین ایرانی خویش از سرنوشت تلخ و دردناک خبرنگار عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی آقای کاظم اخوان (که دست‌کم به واسطه ملیت، مذهب، آرمان و حرفه خویش، نسبت به چریک‌های کمونیست‌پرویی، قرابت بیشتری با اصحاب رسانه‌های کشورمان دارد.) را مصروف‌نداشته‌اند. بگذریم از آن‌که ذمه ما اهل‌قلم، خاصه در ساحت‌مطبوعات این ملک هم چندان بری نبوده و نیست. ما حتی از نگارش مقالات، اعلام شکایت دسته‌جمعی به مجامع بین‌المللی و... در اعتراض نسبت به ارتکاب چنین جنایت‌فاحشی از سوی تروریست‌های اسرائیلی در حق یک همکار همدین و هموطن خود، دریغ ورزیده‌ایم و...عجب!

بعدالتحریر: هرچند، صاحب این‌قلم رفته‌رفته دارد باورش می‌شود که نگارش هرسنخ مطلبی درباره آن چهار جوان مردم‌مؤمن خفته در کهنفراموشی ما، به‌عینه در حکم فریاد زدن در قعر چاهی عمیق است، و شاید که اقدامی بی‌فایده، اما... چه‌کنیم که آن مقتدای پیر ما گفت: «یأس از جنود ابلیس است...» و ما را مکلف به ادای وظیفه دانست نه داشتن دغدغه کم و کیف نتیجه. پس باتوکل به حضرت مقلب‌القلوب، حقیر در این سال‌نو عاجزانه وجدان‌فردی و جمعی همه‌مخاطبین این مقال را با کلماتی برآمده از صمیم‌دل، بین‌خود و خدای‌شان به‌داوری فراخوانده، عرض می‌کنم: «عزیزان! گروگان‌های مظلوم ایرانی را از یاد نبریم... هنوز هم دیر نشده است.»

حسین بهزاد

کیهان

ضمیمه ۱۳

۱۳۷۶/۳/۲۰

پرستوهای برباره

۱- تصویر بسته تابلوی «کتابفروشی کیومرث» در قاب دوربین قرار دارد. تصویر که باز می‌شود، نمای کلی یک مغازه کتاب و لوازم التحریر فروشی دیده می‌شود. دونفر که شب‌چی از آنان دیده می‌شود، داخل مغازه مشغول کاری هستند. ماشین پژوی ۵۰۴ سفیدرنگی جلوی مغازه می‌ایستد. قسمت جلوی ماشین یکسوم پایین تصویر را پر می‌کند. اتاق ماشین پیدانیست. چند مرد که ظاهرشان و چهره‌هایشان نشان از ساواکی بودن دارد، با عجله وارد مغازه می‌شوند.

۲- دوجوان که از گردن به پایین‌شان دیده می‌شود، کنار دستگاه فتوکپی‌ای ایستاده و مشغول کپی‌گرفتن هستند. یکی از آنها که پیراهن سفید به تن دارد، حاج احمد تعدادی کاغذ سفید لوله‌شده در دست دارد. ساواکی‌ها با شتاب وارد مغازه می‌شوند. تصویر کمر به پایین جوان‌ها و ساواکی‌ها که درگیر شده‌اند، دیده می‌شود. پاها درگیر و دار فرار هستند. درحین درگیری، بعضی از کتاب‌ها بر روی زمین می‌افتند. کتاب «جنگ و صلح» روی زمین می‌افتد که پای ساواکی آن را له می‌کند. پاها و دوجوان همچنان نشان از مقاومت دارند. دست‌های مامورین دیده می‌شود که ضربات سنگین و وحشیانه خود را بر شکم جوان‌ها وارد می‌کنند. سرانجام دوجوان را با صورت به قفسه‌های کتاب می‌کوبند و مجبورشان می‌کنند تا دست‌هایشان را بالا گرفته و روی قفسه بگذارند. دست‌های حاج احمد روی کتاب‌های قفسه قرار می‌گیرد و دسته‌ای از آنها را به داخل فشار می‌دهد. کتاب‌های مختلف با مضامین گوناگون به چشم می‌خورد. دست یکی از مامورین حاج احمد را با زرسی بدنی می‌کند. حاجی که تصویر او و ساواکی از پشت سر دیده می‌شود، با اکراه و مقاومت، می‌گذارد با زرسی اش‌کنند. دست که جلوی پیراهن حاجی می‌رود، ناگهان مکث می‌کند. دست‌مامور با عجله می‌خواهد چیزی را از زیر پیراهن او بیرون بکشد که نمی‌تواند. به زور لباس را

پاره می‌کند. کتابی از زیرلباس حاجی درمی‌آورد و جلوی خود می‌گیرد. روی جلد کتاب نوشته شده: «توضیح المسائل حضرت آیت الله العظمی خمینی».

ضربه‌ای با آرنج به کمر حاجی می‌خورد و به دنبال آن، دستبندی از پشت می‌آید که دست‌های او را ببندد. نمای پاهای ساواکی و حاجی دیده می‌شود. شلوار ساواکی اتوکرده و کفش‌مشکی بپا دارد. حاجی شلواری ساده با اثرات گچ و خاک به پیا دارد که حکایت از لباس یک کارگر دارد. پاهای جوان برمی‌گردند و در تقلائی گریزه‌ستند که درگیری تکرار می‌شود. لحظه‌ای بعد از درگیری، دست‌های حاجی که با دستبند بسته شده، جلوی او پایین می‌آیند. همه پاها به طرف درخروجی می‌روند. ساواکی‌ها دوجوان را هل می‌دهند. دستگاه فتوکپی همچنان در حال کار کردن است و اعلامیه‌هایی را با تصویر بزرگ حضرت امام خمینی چاپ کرده روی زمین می‌ریزد. دستی جلومی‌رود و در فتوکپی را باز می‌کند. عکس امام را که روی شیشه است برمی‌دارد. نور تصویر را می‌پوشاند. در فتوکپی رامی‌بندد. دستگاه هنوز در حال کار کردن است و کاغذهای سفید بیرون می‌ریزد.

۳- داخل اتاق بازجویی ساواک، حاجی با لباس پاره شده وسط نشسته است. میزی جلوی او قرار دارد. چراغی بالای سرش آویزان است. لکه‌های خون روی پیراهن سفید پاره شده حاجی دیده می‌شود. همه نماها از پشت سر حاجی است. روی میز، اعلامیه‌هایی با تصاویر امام قرار دارد. دست‌های او به پشت صندلی دستبند زده شده. ضربات سیلی از شخصی که در تاریکی است بر صورت جوان فرود می‌آید. با فرود آمدن ضربات سیلی، لامپ نیز تکان می‌خورد. ضربات بیشتر می‌شود ولی حاجی دیگر در برابر سیلی‌ها عکس‌العمل نشان نمی‌دهد و سرش این طرف و آن طرف نمی‌شود. استوار و محکم روی صندلی نشسته است. دست‌های بسته‌اش دیده می‌شود که درهم فشرده می‌شوند. اعلامیه‌ها با عکس امام، روی زمین پخش می‌شود.

۴- نمای کلی از قلعه فلك الافلاك دیده می‌شود. ماشین‌پژو وارد قلعه می‌شود. داخل راهروهای تاریک و پیچ در پیچ، پاهایی دیده می‌شود که پاهای حاجی را به جلو هل می‌دهند. چشمان حاجی بسته شده و بدنش مدام به دیوارها می‌خورد.

یکپای حاجی برهنه است و برپای دیگر یک کتان سفید دارد. داخل اتاقی، درجه داری پشت میز نشسته. عکسی از شاه با لباس نظامی در حالی که سوار اسب است، دیده می‌شود. وسایل جیبی حاجی روی میز ریخته شده و داخل کیسه‌ای قرار می‌گیرد. وسایل او مقداری سیم‌برق، یک سیم‌چین، یک فاز متر و یک حلقه چسب برق است. کمر بندش هم به زور از کمرش باز می‌شود و داخل کیسه قرار می‌گیرد. فرمی روی میز قرار می‌گیرد. خودکاری جلوی حاج احمد گذاشته می‌شود. دست‌های حاجی که از جلو با دست بند بسته شده‌اند، بالای آیند و روی فرم می‌آیند. دودستی خودکار را برمی‌دارد. دست‌های او را مامورین ساواک می‌گیرند تا اقدامی نکنند. مشخصات خود را داخل فرم می‌نویسد:

«احمد، متوسلیان فرزند غلامحسین، شغل کارگر سیم‌کشی برق...»

حاجی از پشت سر دیده می‌شود که به طرف در هلش می‌دهند. داخل اتاق دیگر، فرم روی میز قرار می‌گیرد. دنور فلاش، تصویر را روشن می‌کند. لحظه‌ای بعد، دستی فرم را برمی‌دارد و عکس‌فوری را روی آن منگنه می‌کند.

۵ - راهروهای تاریک به چشم می‌خورند. پاسبانی در حال قدم زدن است. در حال راه رفتن با باتوم خود ضرباتی به سلول‌ها می‌زند. دست پاسبان جلوی سلولی بالای رود و دریچه کوچک را باز می‌کند. با چراغ قوه به داخل سلول نگاه می‌کند. حاجی در حالی که تنها پتوی سلول را روی خود انداخته، در حال نماز خواندن است. دریچه بسته می‌شود.

۶ - دست و پاهای حاجی دیده می‌شود که بازنجیر به تختی بسته شده. صورتش دیده نمی‌شود. شلاق چرمی‌ای بالا و پایین می‌رود. پاها خونی می‌شود. دست‌ها در تقلا و فشار هستند. از لای زنجیرهای بسته شده به مچ دست‌ها خون جاری می‌شود.

۷ - صحنه‌هایی مستند، تند و گذرا از تظاهرات مردم در خیابان‌ها در حالی که همان عکس‌های امام که حاجی نوعی از آن را کپی می‌گرفت، در دستشان است، دیده می‌شود. نمایی از قلعه فلک‌الافلاک دیده می‌شود که عده‌ای اطراف آن در جنب و جوش هستند.

ضمیمه‌ها □ ۴۱۷

- ۸- جلوي درقلعه، عده‌اي منتظرهستند. عده‌اي زنداني آزادمي‌شوند. داخل اتاق افسرنگهبان، فرم حاجي که عکس‌هايش روي آن است، روي‌ميز قراردارد. کيسه حاوي وسايلش را مي‌دهند. از کمريندش خبري‌نيست. دست‌هاي زخم و کبود شده حاجي، کيسه وسايل را برمي‌دارد. افسرنگهبان مهر محکمي روي فرم مي‌کوبد. عکس قاب‌شده شاه از روي ديوار برداشته و روي‌ميز قراردارد.
- ۹- صحنه‌هايي مستند از ورود حضرت امام به وطن ديده مي‌شود. صحنه‌هايي از درگيري‌هاي خياباني روز ۲۲ بهمن به چشم مي‌خورد. به دنبال آن، تيتراول روزنامه‌ها که حکايت از درگيري در تهران و شهرستان‌ها دارد، ديده مي‌شود. ديوار پادگاني با ضربات سخت ماشين شکسته مي‌شود. درهامي‌شکنند. جوان‌ها به طرف اسلحه‌خانه هجوم مي‌برند. دستي ميان اسلحه‌ها مي‌رود و با مکث، يک قبضه ژ - ۳ را درمشت مي‌گيرد. جاي کبودي روي مچ، نشان مي‌دهد که حاج احمد است. روزنامه‌ها خبر پيروزي ۲۲ بهمن را چاپ کرده‌اند که درتصوير قرار مي‌گيرد. روزنامه در دست مردم است.
- ۱۰- حاجي از پشت سر ديده مي‌شود که درحال پوشيدن لباس فرم سپاه است. دوربين مي‌چرخد و روي آرم سپاه او مي‌رود.
- ۱۱- روزنامه‌اي روي‌ميز قرار مي‌گيرد که تيتراول آن حکايت از آشوب و بلوا در بخشي از استان‌هاي کشور از جمله کردستان دارد. آخرين و مهم‌ترين تيتراول مربوط به پاوه است. روزنامه‌ها يکي بعد از ديگري روي‌ميز قرار مي‌گيرند.
- ۱۲- رکاب ميني‌بوس آبي‌رنگ ديده مي‌شود که پاهايي به سرعت سوار آن مي‌شوند.
- ۱۳- ميني‌بوس از ميدان آزادي مي‌گذرد و از تهران خارج مي‌شود. ماشين درجاده‌هاي کوهستاني غرب کشور مسير خود را ادامه مي‌دهد. تابلوهاي شهرهاي سنندج، کامياران، بوکان، پاوه، بانه و مريوان، يکي پس از ديگري به چشم مي‌خورد. درفاصله هرتابلو، صداي گلوله به گوش مي‌رسد و تصاويري از درگيري‌هاي داخل شهري کردستان و سنگربندي نيروهاي ضد انقلاب در شهرها ديده مي‌شود. آخرين تصاوير حکايت از پيروزي رزمندگان اسلام در شهرها دارد.

۱۴- صحنه‌هایی از انفجار و درگیری در شهرها دیده می‌شود. هلی‌کوپتری در تردد است. نماهایی از تابلوی سپاه‌مریوان و پادگان، همچنین نماهایی از داخل شهر مریوان و مکان‌هایی که حاجی آنجاها بوده، و تصاویری از رفت و آمد مردم با لباس‌کردی و شادی آنان دیده می‌شود. بچه‌های کوچک، شادمانه در کوچه‌ها می‌دوند و بازی می‌کنند. چهره‌ها حکایت از رضایت مردم دارد.

۱۵- وانت تویوتایی در جاده‌خاکی و کوهستانی در حال‌گذر است. تعدادی نیرو عقب آن سوار شده‌اند. یکی از نیروها که موهای مجعد و محاسن پری دارد، روی لبه رکاب ماشین ایستاده و درحالی که اسلحه‌اش را در دست دارد، دست‌دیگر را به پنجره ماشین گرفته‌است. ناگهان گلوله به پیشانی او می‌خورد و از ماشین به پایین پرت می‌شود و با صورت‌خونین می‌افتد روی زمین.

۱۶- حاج احمد داخل اتاق نشسته است. پیکر شهیدی خونین روی زمین افتاده است. حاجی کنار آن زانو زده، کف دستش روی صورتش است، خیلی متین و آرام در حال اشک‌ریختن است. اعلامیه‌های شهادت یاران حاجی، یکی بعد از دیگری تاب می‌خورد و از بالا می‌افتد روی پیکر شهید. روی اعلامیه‌ها عکس سردارانی چون محمد توسلی و قربانی‌مطلق دیده می‌شود.

۱۷- نقشه‌ای از منطقه غرب‌کشور روی میز قرار دارد. دستی که جای غل و زنجیر روی آن دیده می‌شود، با ماژیک قرمز، فلاشی به سمت بعضی مناطق همچون، دزلی، قوچ‌سلطان و... می‌کشد و در نهایت دایره‌ای سرخ به دور هر کدام از روستاها و محورها می‌کشد.

۱۸- حاجی درحالی‌که لباس‌کردی به تن دارد، روی تپه‌ای ایستاده‌است. تصویر او از پشت‌سر دیده می‌شود که در حال هدایت نیروهای رزمنده است. دوربین دریک دستش و بی‌سیم در دست‌دیگرش است. نیروها در دوردست دیده می‌شوند که در حال هجوم به مقری بر روی تپه‌مقابل هستند.

۱۹- هواپیماهای عراقی، وحشیانه، یکی بعد از دیگری شهرهای ایران را بمباران می‌کنند. نقشه ایران به چشم می‌خورد که بخش‌های اشغال‌شده بر روی آن

ضمیمه‌ها □ ۴۱۹

مشخص می‌شود. تانک‌های عراقی در حال هجوم هستند. همه تصاویر حکایت از تهاجم همه‌جانبه عراق و آوارگی مردم دارد.

۲۰- تصاویری از عملیات نیروهای سپاهی در کوه‌های برفی دیده می‌شود. روزنامه‌ها خبر از پیروزی عملیات محمدرسول‌الله (ص) دارند که تیتراژها دیده می‌شود.

۲۱- در خلوت شب، بر روی سجاده‌ای کوچک بر تپه‌ای مشرف بر شهر، حاجی دیده می‌شود که در حال خواندن نماز است. در قنوت جای غل و زنجیر به خوبی بر مچ دست او نمایان می‌شود.

۲۲- جمعیت انبوه به دور خانه خدا در حال طواف هستند. عکس حاج احمد و حاج همت در کنار خانه خدا دیده می‌شود. عکس‌های دیگر حاج احمد در مکه به چشم می‌خورد.

۲۳- حاجی در حال خدا حافظی با مردم کردستان است. عده زیادی از اهالی بومی می‌روان گریه می‌کنند. حاجی آنها را در بغل می‌گیرد و می‌بوسد. عکس‌های مستندی از خدا حافظی به چشم می‌خورد. مینی بوس آبی‌رنگ در جاده به راه می‌افتد. زنان و مردان در حال گریه دست تکان می‌دهند. بچه‌ها به دنبال مینی‌بوس می‌دوند. از میان پنجره‌ها، دست‌هایی بیرون می‌آید و به علامت خدا حافظی تکان می‌خورد. دست‌حاجی با جای غل و زنجیر میان دست‌ها دیده می‌شود.

۲۴- آفتاب در حال طلوع کردن است. پادگان دوکوهه در نور آفتاب خودنمایی می‌کند. داخل اتاقی، دستی با ماژیک، احکام فرماندهی‌گردان‌ها را بر روی مقواهای نیم‌متری می‌نویسد. پایین احکام می‌نویسد: «مسئول تیپ ۲۷ محمدرسول‌الله (ص) احمد متوسلیان» و امضا می‌کند. مقواها یکی بعد از دیگری به دیوار چسبانده می‌شوند. عده‌ای با لباس بسیج و سپاه، در حال تماشای احکام اعلام شده هستند.

۲۵- نقشه عملیات فتح‌المبین دیده می‌شود. دشت سرسبزی به چشم می‌خورد. نیروها در حال تحرك و تردد هستند. تصاویر مستندی از عملیات فتح‌المبین دیده می‌شود. دستی با دوربین منطقه را می‌پاید که جای غل و زنجیر در مچ آن به چشم

می‌خورد. تیترو روزنامه حکایت از پیروزی این عملیات دارد. تصاویری مستند از حاجی دیده می‌شود.

۲۶- تصاویر مستندی از جاده خرمشهر و عملیات الی بیت المقدس دیده می‌شود. جلسات توجیهی فرماندهان توسط حاجی به چشم می‌خورد. عکس حاجی در حال نماز در مسجد خرمشهر دیده می‌شود. صحنه‌هایی از آزادی خرمشهر در تصویر جای می‌گیرند. انفجاری صورت می‌گیرد و تصویر را محومی‌کند. همه‌جا را دود می‌گیرد.

۲۷- تانک‌ها در حال هجوم به شهرهای لبنان هستند. بر روی تانک‌ها، پرچم اسرائیل دیده می‌شود.

۲۸- تصاویر مستندی از حاج احمد در حال ورود به حرم مطهر حضرت زینب (س) دیده می‌شود.

۲۹- حاجی و سه نفر دیگر در حال خداحافظی با دیگران هستند. آخرین عکس‌های حاجی در کنار حاج همت دیده می‌شود.

۳۰- چهار نفر که لباس شخصی برتن دارند، سوار بر ماشین بنز سفید رنگی که پلاک سیاسی دارد، حرکت می‌کنند. سه جیب که سرنشینان آن افراد مسلح پلیس لبنان هستند، بنز را اسکورت می‌کنند. ماشین در جاده ای کوهستانی مسیر را ادامه می‌دهد.

۳۱- تابلویی به چشم می‌خورد که مسیر بیروت را نشان می‌دهد. ماشین به آن طرف می‌رود.

۳۲- تابلوی منطقه بر باره به چشم می‌خورد. به دنبال آن، وسط جاده که کنار دریا است، تابلوی «قف، حاجز» دیده می‌شود. کمی جلوتر، بالاسنگری که وسط جاده است و تعدادی نیروهای مسلح اطراف آن پراکنده‌اند، تابلوی بزرگ «الکتائب اللبنانیه» دیده می‌شود. جاده با زنجیر بسته شده است. اطراف جاده را سیم خاردار کشیده‌اند. با نزدیک شدن ماشین، نگهبانان به تقلا می‌افتند. فرمانده دژبانی می‌خندد و جلو می‌آید.

۳۳- جلوی ماشین رامی‌گیرند و شروع می‌کنند به سرک‌کشی داخل آن. راننده حکم و کارت دیپلماتیک را نشان می‌دهد. فرمانده دژبانی بادیکن کارت می‌خندد و به

ضمیمه‌ها □ ۴۲۱

طرف سنگرمی رود. بی‌سیم در دست‌اوست و درحال صحبت‌کردن است. هر ازچندگاه نگاهی به کارت هر چهارنفر سرنشین‌می‌اندازد. روی کارت‌ها عکس هرکدام از چهارنفر دیده‌می‌شود. کاظم اخوان، تقی رستگار، حاج احمد متوسلیان، سیدمحسن موسوی. فرمانده، نگاه‌زیرکانه‌ای به ماشین‌می‌اندازد.

۳۴- داخل‌ماشین، نفری که بغل‌راننده نشسته است، نگاهی به ساعتش می‌اندازد. عصبانی پایین‌می‌آید. حکم در دستش است و به فرمانده نشان‌می‌دهد. فرمانده به‌زور او را هل‌می‌دهد که سوار ماشین‌کند. سه‌نفر دیگر می‌خواهند پیاده‌شوند که فالانژها دور‌ماشین رامی‌گیرند. افراد پیاده‌می‌شوند ولی فالانژها مقاومت‌می‌کنند.

۳۵- تصاویری از دریا درحال تلاطم به‌چشم می‌خورد. شهربیروت در دوردست در سینه‌کوه و کنار دریا دیده‌می‌شود. فرمانده به‌طرف بی‌سیم می‌رود. پس ازتماس، باعصبانیت به‌طرف ماشین می‌آید. رو به‌سرنشینان، کارت‌های‌دیپلماتیک آنها را به‌زمین‌می‌کوبد و با پا لگدمی‌کند. نیروهای‌اسکورت از ماشین خارج‌می‌شوند. فرمانده به‌نیروهایش می‌فهماند که به‌طرف آنها نشانه‌بروند و با اشاره‌دست به‌آنها می‌فهماند که برگردند. ماشین‌ها دنده‌عقب می‌آیند و دورمی‌زنند. باردیگر تابلوی‌برباره دیده‌می‌شود درحالی‌که اسکورت‌ها درحال برگشت‌هستند، و درانتهای تصویر، حاجی دیده‌می‌شود.

۳۶- تصاویری از امواج‌دریا دیده‌می‌شود. چهارپرنده از تابلوی‌برباره به‌پرواز درمی‌آیند.

۳۷- تصویر روزنامه‌ها مبنی بر اسارت چهارگروگان ایرانی درلبنان دیده‌می‌شود.

حمید داودآبادی - محمدعلی صمدی

جمهوری اسلامی

ضمیمه ۱۴

۱۳۷۶/۳/۲۹

گفت‌وگو با اعضای خانواده یکی از اسرای ایرانی در بند رژیم صهیونیستی

کاظم اخوان سال ۱۳۳۸ در خانواده‌ای مذهبی در شهر مقدس مشهد متولد شد. پدر او حاج‌رضا اخوان، از دربانان بارگاه ملکوتی حضرت‌رضا (ع) بود که سال‌گشته به رحمت‌ایزدی پیوست. او همچون پیرکنعان، سال‌ها در انتظار دیدار یوسف‌گم‌گشته خود چشم‌به‌راه بود و پس از ۱۴ سال رنج و فراق، عاقبت روی در نقاب‌خاک کشید و حسرت دیدار فرزند جوان را همچنان بردل داشت. کاظم اخوان تحصیلات متوسطه را در زادگاه خود به پایان رساند و با آغاز حرکت انقلاب اسلامی، به صف انقلاب پیوست و در کلیه راهپیمایی‌ها و جلسات ضد رژیم ستم‌شاهی حضور فعال داشت. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی همچنان شور و نشاط انقلابی خود را حفظ کرده و در سنگرهای مختلف به خدمت‌پرداخت. با شروع جنگ تحمیلی، به‌عنوان خبرنگار عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی به جبهه‌های جنگ تحمیلی شتافت و با دوربین و ذهن خلاقه‌اش، به ثبت وقایع جنگ پرداخت. او لحظات ایثار و دلاوری‌های رزمندگان اسلام را به ثبت می‌رساند و خاطرات بی‌شماری را در قالب عکس و فیلم، برای آیندگان به یادگار گذاشت. ایمان، اعتقاد، شجاعت، جسارت و احساس‌نیاز در ثبت وقایع جنگ تحمیلی، از او مردی پولادین ساخته بود که حاصل‌کار ارزنده‌اش به دست آوردن مقام اول یک نمایشگاه عکس با شرکت ۷۵ عکاس حرفه‌ای و آماتور گردید.

کاظم اخوان با توجه به دیدگاه‌های عقیدتی‌خود، از آنجا که عرصه نبرد حق و باطل را فقط در درون مرزهای ایران نمی‌دید، به دنبال یورش و حشیانه جنایتکاران صهیونیست به لبنان، با علم به خطرات موجود در راه، به‌عنوان خبرنگار عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی، عازم بیروت شد تا در این جبهه نیز به ثبت جنایات و فجایع آمریکا و اسرائیل و غاصبان‌قدس بپردازد و بتواند در

ضمیمه‌ها □ ۴۲۳

افشای جنایت‌پیشه‌گان تاریخ، نقش داشته‌باشد. اما در راه ورود به بیروت، در چهاردهم تیرماه ۱۳۶۱ به همراه سه عضو دیگر هیئت‌ایرانی اعزامی به لبنان، توسط فالانژهای وابسته به اسرائیل اسیر شده و تا روزهای اخیر هیچ‌گونه خبری از او نبود، تا اینکه اخیراً اعلام گردید وی به اتفاق همراهان خود، در یکی از زندان‌های اسرائیل به سر می‌برد. آنچه در پی می‌آید، گفت‌وگوی کوتاهی با سه تن از اعضای خانواده آقای کاظم اخوان است که از نظر تن می‌گذرد:

آقای حسن اخوان برادر کاظم اخوان، در رابطه با چگونگی اطلاع از اسارت کاظم و پی‌گیری‌های انجام شده برای آزادی وی، می‌گوید: «ما از طریق رسانه‌های گروهی اطلاع یافتیم که کاظم به همراه سه نفر از دیپلمات‌های ایرانی، در نزدیکی بیروت به اسارت رفته‌اند و برای اطلاع از وضعیت او، سه بار به لبنان و یکبار به ژنو سفر کردیم، اما خبر موثقی از وضعیت آنان به دست نیاوردیم. همچنین از طریق مهندس چمران، پسر امام موسی صدر، و وزارت امور خارجه، مسئله اسارت آنان پی‌گیری شد که نتیجه‌ای حاصل نشده است، ولی برای ما مثل روز روشن است که آنها در اسارت اسرائیلی‌ها هستند. پدرم ۱۴ سال برای دیدن فرزندش چشم‌به‌راه بود و روزهای آخر عمر می‌گفت تنها دو آرزو دارم، یکی اینکه یکبار دیگر کاظم را ببینم، و دیگر آن‌که به کربلا بروم، اما این آرزوی او برآورده نشد و ۲۵ آذر ۷۴ در آرزوی دیدار فرزند، به رحمت‌ایزدی پیوست.»

از آقای سلطان احمدی خواهرزاده کاظم اخوان، پرسیدیم: «آیا سازمان‌های بین‌المللی، در جهت آزادی اسرا فعالیت داشته‌اند؟» وی در پاسخ می‌گوید: «آنان برخورد دوگانه‌ای با جهان‌سومی‌ها دارند. سازمان ملل و دبیرکل این سازمان، قول داده بودند که سرنوشت اسرای ایرانی را روشن‌کنند ولی هیچ اقدام مثبتی در این جهت نکرده‌اند. سازمان‌های بین‌المللی، مردم جهان سوم بخصوص کشورهای اسلامی را، مردمی درجه ۲ و ۳ به حساب می‌آورند و حقوق بشر را دست‌آویزی برای برتری‌جویی غرب تلقی می‌کنند و این درحالی است

که ماده ۱ و ۲ اعلامیه حقوق بشر، تمامی انسان‌ها را دارای حقوق مساوی عنوان کرده است. هنگامی که یکنفر از شهروندان کشورهای غربی به گروگان گرفته می‌شود، تمامی رسانه‌های گروهی و سازمان‌های بین‌المللی فریادشان بلند می‌شود، گویا این‌که تمامی دنیا به گروگان رفته است و از تمامی امکانات خود برای آزادی‌گروگان استفاده می‌کنند، اما وقتی مسئله اسارت و به گروگان گرفته شدن چهار دیپلمات ایرانی به میان می‌آید، مه‌سکوت بر لب می‌زنند.»

آقای حسین اخوان، برادر دیگر کاظم اخوان، می‌گوید: «ما از اول معتقد بودیم گروگان‌ها زنده هستند و نامه‌ای که به دست خانواده آقای موسوی یکی از گروگان‌ها رسیده، گویای زنده بودن آنان است و حالا هم‌که همه رادیوها و رسانه‌های خارجی از زنده بودن اسرا خبر داده‌اند، از مقامات مسئول می‌خواهیم به صورت جدی پی‌گیر آزادی اسرا باشند و از تمامی امکانات خود برای آزادی آنان استفاده کنند. ما معتقدیم که نیازی به مذاکره مستقیم با رژیم صهیونیستی نیست، اما حال‌که برهنگان روشن‌شده اسرائیل و عواملش در این آدم‌ربایی رسوا نقش داشته‌اند و نگه‌داری اسرا در زندان‌های رژیم صهیونیستی خلاف عرف بین‌المللی و قانونی می‌باشد، این خود سندی معتبر بر ترور و آدم‌ربایی بین‌المللی رژیم صهیونیستی است. براساس آخرین خبری که در روزنامه‌ال‌دیوار چاپ‌لندن منتشر شده، ایلی حبیقه اعلام کرده حداقل تا سال ۱۹۹۰ اسیران ایرانی زنده و در لبنان بوده‌اند، ولی قبلاً به‌طور غیررسمی گفته بود که اسرا در اسرائیل هستند. دفاع از اتباع ایرانی در خارج از کشور، به‌منزله دفاع از کلیه مردم ایران است و ما انتظار داریم مسئله گروگان‌ها به صورت جدی پی‌گیری شود و از آنجا که در آستانه برگزاری کنفرانس سران کشورهای اسلامی هستیم، از مسئولین وزارت خارجه می‌خواهیم مسئله اسرای ایرانی در دستور کار کنفرانس قرار گرفته و از کشورهای اسلامی بخواهند تا با فشار بر رژیم صهیونیستی، گروگان‌ها آزاد شوند.»

جمهوری اسلامی

ضمیمه ۱۵

۱۳۷۶/۴/۲۱

جام می و خون دل

جام می و خون دل هر یک به کسی دادند

در دایره قسمت اوضاع چنین باشد

چهاردهم تیرماه امسال هم آمد و بی‌سر و صدا گذشت و دستگاه‌های اطلاع‌رسانی ما نیز درست به‌سان سالیان قبل، بی‌سر و صدا از کنار واقعه‌ای جاری و ساری که قدمت آن به پانزده سال پیش برمی‌گردد، گذشتند. البته همین‌جا گفته‌باشم قلیلی از ارباب‌مطبوعات، اهل‌قلم و هنرمندان هم بودند که سفت و سور پای‌کار آمدند و به هیچ‌وجه سرسری از کنار واقعه چهارده‌تیر نگذشتند؛ که اجر اینجوانمردان با خدای باب‌الحوائج حضرت موسی‌بن‌جعفر(ع) وسعی ایشان مشکورباد. لکن بازهم حقیر حرف‌ها برای گفتن- ببخشید! نوشتن- دارم.

۵۴۸۱ شبانه‌روز از واقعه ربوده‌شدن خبرنگار شیردل ایرانی، هنرمند عکاس کاظم اخوان و سه همسفر مظلوم او سپری شده است. از این مدت مدید، قریب به پنج‌سال متمادی کاظم و همراهانش در اسارت نیروهای فالانژ به‌سربردند- از ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۷ و براساس گزارش‌های موثقی که از منابع مطلع منطقه‌ای و بین‌المللی واصل شده است، این چهارتبعه رشید ایران اسلامی، ده‌سال آزرگار است که در سیاه‌چال‌های زندان‌سری ارتش‌صهیونیست‌ها- موسوم به بازداشتگاه عتلیت- مخفیانه نگه‌داری می‌شوند. لابد حال خواهید گفت این را که ما هم می‌دانیم، چرا این‌قدر حاشیه‌روی؟! با توجه به مطالب مندرج از صاحب این‌قلم در کیهان طی سه چهارسال اخیر، حقیر که کمی تا قسمتی دچار بیماری خوش‌خیالی! گشته بود، بنا را براین گذاشت که خلاف‌عادت سالیان‌ماضی، دست‌کم یک امسال را به‌بهانه واقعه چهارده‌تیر، دست به قلم نبرد و میدان قلم‌فرسایی در این باب متروک و مهجورمانده را به همکاران

آتی خود واگذارد. خاصه به آن دسته از جراید توسعه‌یافته! و روزنامه‌نویسان خردگرا و خشونت‌ستیزی که از زاویه دید و نوع‌نگارش امسال حقیر در تحریر مطالب مربوط به مسائل حیثیتی انقلاب و نظام، چندان خوششان نمی‌آید. علت دیگر این‌قصور عمده برمی‌گردد به آن مثل‌معروف که می‌گوید: «همه پلنگ‌هایی که از یک‌چشمه آب‌می‌نوشند، باهم برادرند.» هم از این‌رو دچار توهم شده‌بودم که موضع‌گیری‌مطبوعاتی و نگارش هر‌سنخ مطلبی درباب مظلومیت این چهارم‌وطن ربوده‌شده ما- بویژه کاظم اخوان که به واسطه حرفه و جایگاه اجتماعی‌اش جزو پیش‌کسوتان اردو‌فرهنگی انقلاب ماست- فقط کار یک یا چندتن معدود قلمزن یک دو جریده‌نیست. از اخوت‌ایمانی اهل قلم این آب و خاک با اخوان هم که بگذریم، بالاخره پای مسئله صنفی اهل‌قلم و ارباب‌مطبوعات درمیان است. دیگر این‌که بحمدالله، صدها نشریه رنگی و سیاه و سفید اعم از یومیه، هفتگی، ماهانه، گاهنامه و... بامجوز، یارانه، کاغذدولتی و دستکم حمایت‌های ادواری ارکان‌فرهنگی نظام دراین مملکت دارند چاپ‌می‌خورند. خلاصه کنم، با خودگفتم: فلانی، مگر موضوع اسارت این چهارتن جوانمرد دربند را، فقط به اسم تو و کیهان سندزده‌اند و محضری‌کرده‌اند؟! گوش شیطان‌بزرگ کر، دیگرانی هستند و قلم‌هایی و ستون‌های حکیمانه ثابت و ادواری- اعم از سرمقاله، نکته و... یا به‌قول بعضی حضرات ته‌مقاله! و... پس بیا و امسال قلم‌ترا بزنگاراً و ببین همکاران‌مطبوعاتی، چه‌طورها شیرین خواهند‌کاشت! اما و صد اما... خود غلط بود آنچه می‌پنداشتیم.

درمراسم تجمع اعتراضی اهل‌قلم، نویسندگان‌مطبوعات و هنرمندان‌عکاس درمقابل دفتر سازمان‌ملل، بجز بر وبچه‌های کیهان و تنی چند از بسیجی‌های فرهنگی مانند «رضا برجی»، «نادر طالب‌زاده» و... حضار برای کل ارباب‌مطبوعات، اعضای‌تحریریه و اهل‌قلم آن سیصد و خورده‌ای جراید مذکور درفوق، یک‌جا غیبت! زدند. ای‌کاش غربت اخوان و یارانش به همین حد ختم می‌شد. باوجود اعلام خبر برگزاري سه‌شب مراسم‌سالگرد اسارت این عزیزان و

ضمیمه‌ها □ ۴۲۷

تجلیل از خانواده‌های صبور و مقاوم ایشان، و درج دقیق زمان و مکان برگزاری این مراسم که به همت جمعی از بسیجیان، فرزندان شهدا و هنرمندان مرکز فرهنگی میثاق در شهری برگزار شد، بازهم احدی از آن حضرات سید و خورده‌ای پای‌کار نیامد! البته این قضیه یک استثناء داشت و آن هم بر وجه‌های باغیرت و دل‌سوز شبکه‌ه سیما بودند که مردانه آمدند و از مراسم مزبور تصویربرداری کردند.

خب حالا دیگر به گمانم ملتفت شده‌باشید که چرا در مطلع این وجیزه، نوشتم سخت کلافه و دلتنگم؟! اگر کاظم اخوان به فرض محال، خبرنگار شبکه‌گلوبال و معلوم‌الحال سی.ان.ان و بی.بی.سی و یا مجلات تایم و نیوزویک بود، و یا حتی ابواب جمعی یکی از بوق‌های تبلیغاتی اپوزیسیون ضد انقلاب داخلی، غربی‌های ژورنالیست و صاحبان انجمن قلم و امثالهم این‌طور خون‌سردانه از کنار فاجعه ۱۰ ساله اسارت او، جاخالی می‌دانند؟! آیا انعکاس تصاویر و سرگذشت کاظم اخوان و سه هم‌زنجیر مظلوم او، حتی به اندازه آن دوسوژه جنجالی و بالابرنده تیراژ جراید در زمستان ماضی-شاهرخ و سمیه رامی‌گویم- قابلیت درج در سید و خورده‌ای جراید این غفلت‌کده را نداشتند؟

حسین بهزاد

کیهان

ضمیمه ۱۶

مرداد ۱۳۷۶

برگزاری مراسم تجلیل از مقام رفیع خانواده‌های چهارگروگان مظلوم ایرانی
به منظور گرامی‌داشت شانزدهمین سال دربند بودن سید محسن موسوی، حاج احمد متوسلیان، تقی رستگار مقدم و کاظم اخوان، و تجلیل از مقام رفیع خانواده‌های صبور و انقلابی ایشان، از طرف جمعی از رزمندگان و ایثارگران جنوب تهران، مراسمی در مسجد امام حسن مجتبی (ع) شهرک دولت آباد، برگزار شد. در این مراسم که به مدت سه شب پس از اقامه نماز عشا و با شرکت جمع کثیری

از خانواده‌های شهدا، جانبازان، آزادگان و اقشار مختلف امت‌حزب‌الله انجام‌گرفت، خانواده‌های چهارگروگان مظلوم نیز حضور داشتند.

در نخستین شب برگزاری این مراسم، حجت‌الاسلام موسوی پدر کاردار سفارت‌کشورمان در لبنان، ضمن تشکر از مقام‌عظمای ولایت و آحاد مردم که همواره نسبت به تجلیل و تکریم ایثار و حماسه همه آزادگان و از جمله چهار یوسف‌گم‌گشته ملت‌ایران اهتمام می‌ورزند، به بیان خاطراتی از سیدمحسن پرداخت و گفت: «شاید خصلت‌های بسیار ارزشمند و بزرگ‌منشانه‌ای در وجود سیدمحسن متبلور و عینی بود، اما یک ویژگی در میان تمام این ویژگی‌ها در اوج بود که می‌توان تنها با گفتن آن به یاد سیدمحسن افتاد و آن، تعبدش نسبت به ولایت‌فقیه بود. همه اعضای خانواده‌ما، هنوز بعد از پانزده سال، آوای توصیه‌های جدی سیدمحسن را در ذهن خود احساس می‌کنیم که فرمان‌بری مطلق از ولی‌فقیه را رمز روسفیدی در مقابل ائمه اطهار (ع) معرفی می‌کرد.»

حجت‌الاسلام موسوی، در ادامه با برشمردن نمونه‌هایی از شیوه‌زندگی فرزندش و ساده‌زیستی او گفت: «یادم هست که غالباً لباس‌نو نمی‌پوشید و جداً اهل انفاق بود که تمام هم و غم خود را برای رفع محرومیت مستضعفین به کار می‌گرفت. بر خودش در مورد خواب و خوراک و پوشاک، اتفاقاً سخت می‌گرفت و خودش را وقف تحقق اهداف انقلاب کرده بود.»

«یوسف‌علی میرشکاک» شاعر و نویسنده، به عنوان دیگر سخنران مراسم، با مروری بر ایثارها و فداکاری‌های این چهار عزیز خصوصاً کاظم اخوان خبرنگار و هنرمندگران‌مایه، گفت: «کاظم اخوان در خانواده‌ای رشد می‌کند که بیشتر از پنج‌قرن، نسل‌اندرنسل، افتخار خدمت‌گذاری بارگاه آسمانی حضرت ثامن‌الحجج امام‌رضا (ع) را داشته. کاظم در دوران نوجوانی خود، افتخار خدمت در حرم حضرت علی‌بن‌موسی (ع) را داشت. مرحوم حاج‌رضا اخوان پدر عظیم‌الشأن کاظم، بیشتر از پنجاه سال از عمر خود، افتخار کفش‌بانی زوار حرم امام هشتم (ع) را داشت و این‌چنین است که کاظم، تمام هنر خود را در خدمت به فرهنگ‌ائمه به کار می‌گیرد و وقتی که مسلمانان مظلوم و بی‌پناه در لبنان، با

تجاوز ددمنشانه اسرائیل مواجه می‌شوند، غیرتمندانه برای انعکاس وحشی‌گری و جنایات متجاوزین از یکسو، و ندای امداد ستم‌دیدگان از سوی دیگر، در راه خدا و برای یاری ولی‌خدا، هجرت می‌کند و اکنون می‌بینیم که باگذشت پانزده سال تمام، در تحمل سیاه‌چال‌های مخوف دشمنان‌خدا، به امام موسی‌کاظم (ع) اقتدا دارد.» وی سخنانش را با قرائت بخش‌هایی از سروده خود با عنوان «رقص‌مرگ» به پایان برد.

در شب‌دوم مراسم، بعد از اقامه‌نماز، «حاج‌حسین رستگارمقدم» پدر مشاورفنی سفارت‌کشورمان در لبنان، به‌بیان خاطراتی از زندگی فرزندش پرداخت و گفت: «تقی از لحاظ تربیتی به‌شدت تحت‌تأثیر برادر بزرگ‌ترش محسن قرار داشت. درباره محسن هم باید بگویم که جوانی شب‌زنده‌دار و اهل نماز شب، دائم‌الوضو و واقعاً با اخلاق‌حسنة بود. محسن که سال‌های آخر دکترای دندانپزشکی را در انگلستان می‌خواند، با اوج‌گیری مبارزات انقلاب و با توجه به فرمایشات امام خمینی، به ایران برگشت و به‌مبارزه مشغول شد. با یک عزم عجیبی، صبح‌ها را مکانیکی می‌کرد و در باقی اوقات هم جلسه‌ای بیدارکننده تشکیل می‌داد. جزوات و اعلامیه‌های امام را تکثیر و توزیع می‌کرد. تا این‌که در یکی از تظاهرات‌های ضدشاهی در قم، که گاردی‌ها یک‌نوجوان را نشانه گرفته بودند، خودش را بین‌گاردی‌ها و آن نوجوان حائل‌کرد و تیر شلیک‌شده گاردی‌ها به‌سرش اصابت‌کرد و شهید شد. تقی هم عین محسن با تقوا بود و کارهای محسن را الگو قرار می‌داد. شجاعت و نترسی عجیبی هم داشت که زبان‌زد بود. با شروع جنگ، به کردستان رفت و چون درس‌های فنی خوانده بود و ابتکار فنی بالایی داشت، تمام تجربه‌های خودش را در خدمت جنگ با صدامی‌ها قرار داد و مهارت‌ها و استعدادش مورد توجه حاج‌احمد قرار گرفت که همین باعث شد با حاج‌احمد به جنوب برود و بعد هم که به لبنان رفتند... قبل از صحبت‌های فروردین‌ماه امسال احمد حبیب‌الله، مسئول‌رسیدگی به‌وضع حقوق‌بشر در زندان‌های اسرائیل، یک تلفن عجیبی از خارج کشور به‌خانه‌ما زده شد که یک نفر که با لهجه غلیظ عربی صحبت می‌کرد، گفت: «تقی رستگار زنده و در اسرائیل زندانی.

ما آزاد شدیم از اسرائیل و تلفن را تقی داد...» باقی صحبت‌هایش را هم نفهمیدیم. در هر حال فکر کنم که تلفن زننده، تقی را در زندان اسرائیل دیده‌بوده که تلفن‌ما را گرفته و زنگ‌زده.»

در ادامه مراسم، تقدیرنامه‌هایی از طرف آقای «علی‌اکبر اشعری» معاون امور مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به نمایندگی از جانب همه همسنگران کاظم اخوان در عرصه جهاد تبلیغاتی، جهت تجلیل از رشادتها و مظلومیت خانواده‌های چهارگروگان ایرانی دربند، به خانواده ایشان اهدا گردید.

در شب‌پایانی مراسم، شاعر بسیجی محمدرضا آقاسی، با اشاره به حماسه پانزده سال صبر و استقامت خانواده‌های چهارگروگان مظلوم ایرانی، ضمن عطرآگین‌ساختن فضای مجلس، با بیان بخش‌هایی از مثنوی «شیعه‌نامه»، ابیاتی در رثای حاج احمد متوسلیان قرائت نمود:

ای با نفس امام خو کرده
 زان رایحه کسب آبرو کرده
 سرمست زباده کلام او
 توفیق شهادت آرزو کرده
 یک قوم تو را شهید می‌خوانند
 یک قوم تو را اسیر می‌دانند
 اما چه کنم که ناجوانمردان
 تصویر تو را زخویش می‌رانند
 ای بلبل در چمن نگنجیده
 ای یوسف در وطن نگنجیده
 ای نور دو چشم پیرکنعانی
 زندانی در وطن نگنجیده
 ای کاکل غرق خون برآشفته
 در زمزمه جنون برآشفته

وي تيغ تبسم تو پولادين
در بوته آزمون برآشفته
تو کیستی آن که نور نوشیده
پیراهنی از حضور پوشیده
تندیسه غیرت و جوانمردی
برظلمت شام غم خروشیده
من کیستم؟ آن که در وطن مانده
در بند حجاب خویشتن مانده
چشمی به در امید خشکیده
در حسرت بوی پیرهن مانده
ای زمزم کوثری مرا دریاب
وی پنجه حیدری مرا دریاب
دستانم هر تپش عطش دارد
وی لطف برادری مرا دریاب
دریاب که بی‌توسخت درماندم
در مصر غم تو در بدر ماندم
از پیرهنت حوالتی بفرست
بی برگ‌عبور پشت در ماندم
ای جبهه به خاک جبهه‌ها سوده
در معرکه‌ها دمی نیاسوده
وی اسوه استقامت و ایثار
در مصر شکنجه‌ها نفرسوده
ای گم‌شده حصار پیچیده
وی ماه به شام تار پیچیده
دستان کدام فتنه رویت را
در پرده‌ای از غبار پیچیده

۴۳۲ □ کمین جولای ۸۲

در ادامه «حسین الله‌کرم» هم‌رزم حاج احمد متوسلیان در جبهه‌های غرب، به سخنرانی پرداخت.
ماهنامه صبح

ضمیمه ۱۷

نیمه دوم تیر ۱۳۷۷

۵۸۴۰ روزگذشت، آقای‌خاتمی! آیا به فکر گروگان‌ها هستید؟!

۱۶ سال تمام از اسارت چهار دلیرمرد ایرانی حاج احمد متوسلیان، سیدمحسن موسوی، کاظم اخوان و تقی رستگار می‌گذرد.
۱۹۲ ماه از آن هنگام که چهار ایرانی، در اوج مظلومیت‌خویش، فقط به جرم انجام وظیفه و با وجود مصونیت‌دیپلماتیک، توسط مزدوران فالانژیست حزب‌کتاب‌بلبنان به سرگردگی سیمر جعجع به اسارت درآمدند، می‌گذرد.
آقای‌محترم رئیس‌جمهوری‌محترم! اکنون که ۵۸۴۰ روز از گمنامی آن چهار آزاده می‌گذرد، شما برای آنها چه اقدامی کرده‌اید؟
حاج احمد را که می‌شناسید؟ همان را که حتی خیلی ازدوستان، از اوفقط تصویری به‌یاد دارند و بس!
کاظم اخوان را به‌یاد می‌آورید؟ او را که همکاران صدیقش! در خبرگزاری جمهوری اسلامی، هر ساله ۱۲ ماه را بدون یاد او سپری می‌کنند!
تقی رستگار را که به‌یاد می‌آورید؟ همو که شانزده سال تمام هیچ روزنامه انگلیسی‌زبان، نامی از او به‌میان نیاورد تا مبادا مشتریان‌شان کم شود!
سیدمحسن موسوی را حتماً باید بشناسید! همو را که وزارت‌خارجہ مبارک ام‌القرای جهان اسلام، تهران کبیر، همه‌ساله در سال‌گرد ربوده‌شدنش، بی‌سر و صدا از کنار آن می‌گذرد، بدون اینکه اسمی از آن به‌میان بیاورد. شاید دلیلش این بود که معلوم نیست آنها چپ‌بوندند یا راست! و شاید اگر موضع‌شان مشخص بود که با کدام طرف هستند، کسی سراغی از آنها می‌گرفت!

«جان مکارتي» را می‌شناسید؟ «تري اندرسون» و «تري ويت» را هم همین‌طور! همانانی را که هرساله، هنوز پس از گذشت سال‌ها از رهایی‌شان، در مطبوعات غرب به‌مناسبت سالگرد اسارت یا آزادی‌شان، عکس و مطلب چاپ می‌شود.

جداً وزارت خارجه ما، با چه وجدانی با آنها از در بی‌تفاوتی وارد شد و برای موسوي آن‌گونه که باید، پی‌گیری نکرد؟

مطبوعاتی‌های ما، خبرنگاران، بخصوص عکاسان، این همکاران کاظم اخوان را چه بی‌خوابی‌ای گرفته که زبان‌به‌کام گرفته‌اند. چطور است وقتی يك دزد مختلس دست‌گیر می‌شود، حضرات مخمل‌باف‌ها، لب به اعتراض می‌گشایند و اعلام می‌کنند که تا آزادی او، خود هیچ‌گونه فیلمی نخواهند ساخت. شاید از این مطمئن بودند که درسیاسی‌بازی، حداکثر تا یک‌ماه بعد، رفیق‌شفیق‌شان آزاد خواهد شد و آنها با جیب‌های پرپول‌تر، فیلم‌های مزخرف خود را خواهند ساخت. یکی بیاید و از این حضرات بپرسد. از این جماعت خبرنگار، عکاس و... از آنهایی که برای يك روزنامه‌نگار هتاک، هوچی‌گر، تفرقه‌افکن، هزار ویلبار به اسم یک نفر امضا جمع کردند تا قانون را درکمال وقاحت زیرپا بگذارند و از تنبیه متجاوز به حریم فرهنگی مملکت، جلوگیری کنند.

آی‌جماعت خبرنگار که دوربین‌ها هنوز به‌گردنتان آویزان است، چند بار برای اعتراض به نام‌علومی‌سرنوشت کاظم اخوان تظاهرات راه انداخته‌اید و جلوي سفارت سوئیس (حافظ منافع آمریکادرایران) تحصن کرده‌اید؟ چند بار طومار جمع کرده و برای رئیس‌جمهوری لبنان فرستاده‌اید تا از ایلی حبیقه فرمانده کل نیروهای فالانژ در سال ۶۱-۶۲ بپرسد که چه بلایی سر چهارگروگان ایرانی آورده‌اند؟

عجب جماعت ناسپاسی هستیم ما. آقایان خبرنگار، از نبود امنیت‌شغلی ننالید. وقتی خودتان برای همکار خود، یکبار هم اقدامی‌جمعی نکرده‌اید، دیگر چه توقعی است. جداً چه عیبی دارد اگر همه خبرنگاران و عکاسان مطبوعات، خبرگزاری، کیهان، اطلاعات، جمهوری اسلامی، سلام، رسالت، شلمچه، جامعه،

مبین، آبان، قدس و... با هر خط و ربط سیاسی که دارند، همصدا و همزبان شوند و یکروز تیتراهای اصلی خود را به پیگیری مسئله چهارگروگان ایرانی در لبنان اختصاص بدهند؟

آقای خاتمی، رئیس جمهوری! حال که روابط ما با کشورهای منطقه حسنه شده است و خیلی چیزهایش می آید، چطور کسی نیست تا از چند و چون سرنوشت این چهار نفر سوال کند؟

آقای رئیس جمهوری! هیچ شده است برای نجات جان آنان و برای این که خانواده های آنان را که ۱۶ سال است چشم انتظارند، از نگرانی برهانید، ستاد بحران تشکیل دهید؟ چه کسی به فکر افتاده است تا گروهی را جمع کند که بیایند و خدمات ارزشمند متوسلیان در آزادسازی خرمشهر را به مردم نشان دهند؟ چه کسی این در ذهنش می گذرد که یک ساعت از ساعتها «سریال دادگاه کرباسچی» را به اعتراض برای معلوم شدن سرنوشت چهار ایرانی اختصاص بدهد؟

آقای رئیس جمهوری! مصرانه از شما می خواهیم برای پایان دادن به همه جریانات درباره این چهار آزاده، ستادی در دفترتان تشکیل دهید که قاطعانه پیگیر شوند و جوابی قانع کننده به ملت ایران بدهند.

آقای رئیس جمهوری! هیچ کس از شما نمی خواهد کاری خلاف قانون انجام بدهد. چطور است که وزارت خارجه جمهوری اسلامی در برابر اخلاق زشت پلیس آمریکا نسبت به ورزشکاران و فرهیختگان فرهنگی، عکس العمل تند نشان می دهد و قاطعانه اعلامیه صادر می کند، ولی برای چهار شهروند ایرانی که سالهاست در اسارت به سر می برند، هیچ اقدامی نکرده است؟

آقای خاتمی! این را شما که حالا رئیس جمهوری هستید، پاسخ بگویید و اعلام کنید که، از یکی دو سال گذشته تا حال که بعضی از محافل خارجی اعلام کردند و اسرائیل نیز اعتراف کرد که چندنفر ایرانی در زندان های اسرائیل به سر می برند، برای نجات آنها، در دولت جمهوری اسلامی چه اقدامی صورت گرفته است؟

آقای رئیس‌جمهوری! چه می‌شود اگر به مسئولین وزارت‌خارجہ ابلاغ‌کنید تا همان‌گونه که در رهایی گروگان‌های غربی در لبنان پادرمیانی و تقلا کردند و حتی دست‌آخر، همچنان آمریکای‌جهان‌خوار ایران را متهم‌اصلي دانست، فقط برای ملت‌مسلمان ایران واقعاً پی‌گیر قضیه شوند و به هرچه که رسیدند، آن را برای مردم اعلام‌کنند.

آقای رئیس‌جمهوری! حتماً خبردارید چند ایرانی در لبنان ربوده شده‌اند؟ شما که بهتر باید بدانید همان‌روز و در همان‌مکان که حاج‌احمد و همراهانش به اسارت فالانژها درآمدند، فرد دیگری به‌نام «شیخ‌توسلی» نیز به اسارت آنان درآمد که از او اصلاً هیچ‌گونه خبری نیامد! حتماً باید بدانید که حدود یک‌هفته پیش از اسارت چهار ایرانی، اوائل تیرماه همان‌سال، یک جوان‌مسلمان ایرانی دیگر، مستقیماً به دست نیروهای اسرائیلی در لبنان، اسیر شد که از او اصلاً هیچ اسم و رسم و آماري در میان نیست. برای این‌که بیشتر و بهتر موضوع گروگان‌های ایرانی در خارج از کشور مورد توجه قرار بگیرد، نظر شما را به گزارش مجله «الوحدت‌الاسلامیه» چاپ‌لبنان جلب می‌کنیم که در آن اشاره شده است که در سال ۱۹۷۹، دو ایرانی در اسارت نیروهای اسرائیلی به سر می‌بردند و جالب این‌که در ایران هیچ نشریه و یا رسانه‌ای به آنان کوچک‌ترین اشاره‌ای نکرد.

آقای خاتمی! تلاش و پی‌گیرهای وزارت‌خارجہ در مسئله آزادی «حسن دستگیری» که به جرمی‌واهی در تایلند تا پای‌اعدام پیش‌رفت و به همت و زحمت همکاران شما نجات پیدا کرد و به وطن بازگشت، جای تقدیر و تشکر دارد. تشکیل ستاد پی‌گیری و گرفتن وکیل برای مسئله گروگان‌های ایرانی در لبنان، چه قدر هزینه دربر خواهد داشت؟ هر چه قدر می‌شود بگوئید حتماً دوستان آنان تقبل خواهند کرد.

آقای رئیس‌جمهوری! شما که آرزو مندید ایران اسلامی و آزاد داشته باشیم، شما که می‌خواهید عزت و سربلندی ایرانیان را در جهان حفظ‌کنید، شما که از ظلم و ستم به هر انسانی آزرده می‌شوید، حال‌که عازم آمریکا هستید و

در مجمع عمومی سازمان ملل افاضه سخن خواهید فرمود، چند کلمه از سخنان خویش را به مسئله گروگان‌های ایرانی در لبنان اختصاص خواهید داد؟ آیا آنان که خانواده‌هایشان همچنان چشم‌انتظار بازگشت هستند، می‌توانند به سخنان و پی‌گیری‌های شما امیدوار باشند؟
حمید داودآبادی
هفته‌نامه شلمچه

ضمیمه ۱۸

۱۳۷۷/۱۲/۱۶

کاظم اخوان را به دنیا بشناسانیم

دویست‌ماه از اسارت دیپلمات‌های ایرانی و عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی توسط رژیم صهیونیستی، گذشت. این دویست‌ماه در حالی می‌گذرد که مدعیان حقوق بشر، هیچ‌گاه کم‌ترین احساسی را حتی به‌ظاهر و خنثی‌برای روشن‌شدن وضعیت این اسیران بروز نداده‌اند. در آن‌ماه گذشته، که در قالب یک هیئت مطبوعاتی و به دعوت انجمن سردبیران روزنامه‌های «نیو اینگلند» به آمریکا سفر کرده بودیم، در یکی از جلسات، نماینده‌ای از کمیته حمایت از روزنامه‌نگاران که مقر اصلی آن در نیویورک و بنیان‌گذارانش آمریکایی هستند گزارشی از حمایت این کمیته از روزنامه‌نگاران ایرانی طی سال‌های اخیر ارائه می‌کرد. اوضمن آن‌که شناخت نسبتاً خوبی از مطبوعات ایران داشت، سعی می‌کرد به‌ما بباوراند که برای آنها، نوع‌تفکر روزنامه‌نگاران چندان اهمیتی ندارد، بلکه آنان برای نیل به مقصود، از هر روزنامه‌نگاری که احساس‌کنند در هر جای دنیا تحت فشار قرار گرفته، حمایت خواهند کرد و برای اثبات این مدعا، نام برخی از افراد را شاهد مثال می‌آورد که از جمله آنها مدیرمسئول ماهنامه صبح و سردبیر سابق روزنامه ایران‌نیوز بودند؛ من از او پرسیدم که آیا نام کاظم اخوان را شنیده‌است؟ و آیا می‌داند که

او هفده سال است که به دست نظامیان اسرائیلی اسیر شده، لیکن هیچ‌کس از سرنوشت او هیچ اطلاعی ندارد؟ پاسخ داد: آری. و تایید کرد که او و کمیته متبوعش نیز از وضع اخوان هیچ اطلاعی ندارند. از او پرسیدم که کمیته شما برای او چه کرده است؟ و او پاسخ گفت که برنامه‌هایی در ذهن دارند و... اگر چه لحن سوالات، انتقادی و پاسخ‌ها حالتی واکنشی داشتند، لیکن از او خواستم حداقل همان‌روایی را که برای حمایت از سایر روزنامه‌نگاران دارند، برای این اسیر ایرانی هم اجرا کنند و در برابر، پاسخ‌های سردمداران اسرائیلی را نیز برای اطلاع جهانیان منتشر کنند. همچنین به او خاطر نشان کردم که دولت کشورش آمریکا نیز اگر بخواهد، می‌تواند از نفوذ خود در اسرائیل برای کمک به روشن شدن وضع این اسیر بهره بگیرد. از او خواستم که این راه را نیز بیازمایند و نتیجه این اقدامات را انعکاس دهند که بی‌تردید بسیار عبرت‌آموز خواهد بود. وی اگرچه خود را متعهد به پیگیری قضیه و انمود می‌کرد، لیکن به خوبی می‌دانست که کاظم اخوان از جمله نمونه‌هایی است که پیگیری قضیه او برای آن کمیته، ضمن دشواری، نه تنها هیچ‌ثمره‌ای نخواهد داشت، بلکه چه بسا مشکلاتی را هم ببار آورد! من واکنش او را در قبال این سوالات درک و پیش‌بینی می‌کردم، در عین حال قصدم این بود که او و دیگر حضار بدانند که نحوه عملکرد این‌گونه کمیته‌ها چگونه است و صدا البته امید بستن به هر آنچه غیر از خود، کاری عبث و بیهوده است. در عین حال تصور می‌کنم که موضوع کاظم اخوان، در شرایط حاضر که نهضت حمایت از خبرنگاران و عنوان سمبل دفاع از آزادی‌بیان در بسیاری از نقاط جهان فراگیر شده، بهترین فرصتی است که با پیگیری جدی آن، هم وضعیت اسیر ایرانی در بند رژیم صهیونیستی و هم ماهیت این رژیم و حامیان آن در افکار عمومی جهان بیشتر آشکار شود. در همین راستا، پیشنهاد می‌کنیم که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و انجمن صنفی روزنامه‌نگاران، با ارائه برنامه‌های متنوع بین‌المللی، توجه جهانیان خصوصاً روزنامه‌نگاران را نسبت به این موضوع جلب کنند و فراخوانی بدهند که هر کس (حقیقی یا حقوقی،

ایرانی یا خارجی) که خود را درقبال این مسئله متعهد می‌داند، با هر وسیله و امکان و توانی که در اختیار دارد، سهم خود را در این راه ایفا کند. روزنامه‌نگاران، طراحان، مترجمین، نقاشان، نوازندگان، سخنوران، ادیبان، فیلمسازان، مجسمه‌سازان و... پتانسل عظیمی دارند که می‌توانند در صورت ایجاد انگیزه، توان‌والای خود را برای روشن شدن وضعیت اسیر ایرانی و خصوصاً کاظم اخوان- همکار خبرنگار- به کار گیرند که امید است این همت، با بذلتوجه دست‌اندرکاران امر، ایجاد و تقویت شود. ان‌شالله

کریم ارغنده‌پور

سلام

ضمیمه ۱۹

خرداد ۱۳۷۸

حاج احمد متوسلیان شهید شده !

مصاحبه اختصاصی با حجت‌الاسلام اختری سفیر سابق ایران در دمشق متأسفانه مسئولان سیاست خارجی کشور، هیچ‌گاه درباره وضعیت گروگان‌ها و زندانیان ایرانی در خارج از کشور-چه لبنان و چه دیگر کشورهای جهان-آن‌گونه که باید و انتظار می‌رود، شفاف عمل نکرده‌اند و همواره با تکرار بعضی شعارها و صدور بیانیه‌هایی با مضمون محکوم کردن و منتظر جواب قطعی بودن! کار را ختم به خیر کرده‌اند. از جمله موارد مهم در این زمینه، چهارگروگان- ویا بیشتر از اینها- ایرانی در لبنان است که طی حمله رژیم صهیونیستی به لبنان و تسلط مزدوران فالانژ بر بیروت، در سال ۱۳۶۱ مفقود شده‌اند. آنچه که امروزه در بوق‌های تبلیغاتی اعلام می‌شود، فقط اسم چهار ایرانی مطرح است و بس، در حالی که وزارت خارجه جمهوری اسلامی طی اطلاعیه‌ای رسماً اعلام کرد که تعداد ایرانی‌های به گروگان گرفته شده در شمال بیروت در روزهای میانی تیرماه سال ۱۳۶۱ هفت نفر می‌باشد که متأسفانه تاکنون هیچ‌گونه اسم و رسمی از سه نفر دیگر اعلام نشده است. متأسفانه بعضی اظهارات ضدونقیض، باعث ناراحتی شدید روحیه خانواده‌های این

گروگان‌هامی‌شود. مثلاً هر ازچندگاه خبری مبنی‌بر زنده‌بودن آنان، درسطح عموم منتشرمی‌شود، ولی درمحافل خصوصی‌تر خبرشهادت آنان داده‌می‌شود. همه اینها درحالی است که رادیواسرائیل عنوان کرده است که اگر ایران‌خبری از ران آزاد بدهد، آنان نیز از گروگان‌های ایرانی خبر خواهند داد. و همه نشان از مطلع‌بودن صهیونیست‌ها از وضعیت گروگان‌های ایرانی است. حال این‌که چرا وزارت‌خارجہ جمهوری اسلامی، حاضر نیست پرونده همه گروگان‌های ایرانی در لبنان را به سازمان ملل ببرد و درخواست جواب‌قطعی کند، سوالی است که تاکنون بی‌پاسخ مانده است. واقعاً کسی نیست تا از رژیم صهیونیستی بپرسد اسامی ایرانی‌هایی که در زندان عتلیت به‌سرمی‌برند، چیست؟ یا اینکه گفته شده است و حضرات پنهان می‌سازند؟! چون باید به‌تقلا و تلاش برای آزادی آنان بیفتند؟! کیست که نقش‌مهم و کلیدی ایران در آزادسازی گروگان‌های غربی در جریان جنگ‌های داخلی لبنان را نداند؟ پس چرا آن‌گونه که باید، از این عمل مثبت خود بهره‌نبردیم و به یک تشکر خشک و خالی— که بعضی‌جاها همراه با تهمت و افترا بود— بسنده کردیم؟

حجت‌الاسلام والمسلمین اختری، سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در سوریه، که از قدیمی‌ترین سفرای کشورهای خارجی در این کشور بوده و به همین خاطر به ایشان لقب «شیخ‌السفرا» داده‌اند، در مصاحبه‌ای که زمستان سال ۱۳۷۵ در محل سفارت ایران در دمشق انجام دادند، درباره وضعیت گروگان‌های ایرانی در لبنان، سخنانی اظهار داشته‌اند که جای بسی تأمل دارد. ضمن تشکر بسیار از ایشان، و عرض‌معذرت به پیشگاه خانواده‌های صبور و معظم این بزرگواران، متن سخنان آقای اختری را کلمه به‌کلمه و بدون هرگونه دخل و تصرفی، منتشر می‌کنیم. امیدواریم مسئولان وزارت‌خارجہ، حداقل نسبت به این صحبت‌ها پاسخ قانع‌کننده خویش را ارائه دهند. لازم به ذکر است که سفیر ایران در دمشق، همواره یکی از بانفوذترین شخصیت‌های ایرانی در لبنان و سوریه بوده است و به همین لحاظ نمی‌شود به صحبت‌های ایشان به چشم اظهارنظری ساده و گذرا نگاه کرد. ما نیز امیدواریم که همه عزیزانی که در لبنان

مفقود شده اند، سالم به آغوش خانواده های معظم شان بازگردند، و در اینجا از خانواده سه ایرانی دیگر نیز می‌خواهیم که ضمن تماس باما، مشخصات و تصویر عزیزان شان را در اختیارمان بگذارند.

اللهم فك كل اسير

فکه: جناب آقای اختری، آیا در رابطه با چهار ایرانی که به گروگان گرفته شده اند، به نتیجه قطعی‌ای رسیده‌اید؟ با توجه به این‌که ظاهراً یکی از مسئولان نظامی، چندی پیش (زمستان ۷۵) در جلسه‌ای صحبتی کرده و گفته بود که طی سه چهار ماه آینده، خبر قطعی درباره این چهار نفر اعلام خواهد شد که اسیر هستند یا به شهادت رسیده‌اند.

اختری: من بر حسب اطلاعاتی که من دارم و چیزهایی که از سوری‌ها [مسئولان کشور سوریه] و دیگران شنیدم، معتقدم که آنها حیات ندارند؛ برای این‌که بالاخره اگر اینها حیات داشتند، هر کسی که آنها را [در اختیار] داره، اینها یا در قدرت یا در ضعف، می‌خواهد از ش استفاده بکند و همه این مراحل که در لبنان گذشته الان. آنهايي که [گروگان‌هاي ایرانی را در اختیار] داشتند، فالانژها بودند، آنهايي که می‌گویند که اینها در ضمن به دست اسرائیلی‌ها [تحویل شده‌اند] اسرائیلی‌ها بالاخره اهل معامله [هستند] می‌خواهند معامله کنند. اگر کسی داشته، تاحالا آورده بود. بعدهم با حمله [دولت لبنان] به مناطق فالانژها و گرفتن سمیر جعجع و به هم خوردن اوضاع، باز هم اگر چیزی بود، آنها هم آشکار می‌شد. ما بر حسب همان اطلاعاتی که از بعضی از مناطق غربی کشورهای غربی - از همین گروه سمیر جعجع اینها آوردند، البته اینها جایی را هم آوردند که اعلام کردند که گفتن اینجا محل دفن اینها [گروگان‌ها] است. البته يك قبري، چیزی نیست. آنها می‌گویند که اینها گروه زیادی بودند [ظاهراً تعداد زیادی از اهالی بومی بیروت نیز آنجا بوده‌اند که همگی توسط جنایتکاران فالانژ به شهادت رسیده‌اند] اینها را زدند، یعنی افراد مختلفی بودند، اینها را کشتند. اینها را ریختند توي يك گودالي [و دفن کردند].

فکه: این محل در خودبیروت است؟
اختری: آری. در خود [بیروت]، نمی‌دانم یا بالای بیروت یا نمی‌دانم کجا.
فکه: منطقه بر باره دیگر؟
اختری: من یادم نیست الان کجاست، ولی آن نقشه‌اش را آورده بودند برای ما.
فکه: آیا اقدامی شده که مثلاً محل مورد نظر را خاک برداری کنند که ببینند چگونه است، یا چیزی هست؟
اختری: نه. اون اقدامی چیزی صورت نگرفته.
فکه: طرحش را هم ندارید یا ایران به فکر چنین کاری نیست؟
اختری: نه، فایده‌ای ندارد. اونا توی منطقه، معلوم نیست چیزی ازش دریاد.
دمشق - اسفند ۱۳۷۵
حمید داود آبادی
ماهانامه فکه

ضمیمه ۲۰

۱۳۷۸/۳/۲۲

توجه توجه! حاج احمد شهید شده

بیشتر از چند کلمه درباره مسافر بی‌بازگشت حاج احمد متوسلیان
اواخر خرداد و اوایل تیر که می‌رسد، خودم به خودم گیر می‌دهم که بجنب! باید
چیزی بنویسی. پسر! تو هر چه داری از حاج احمد است. باید ادای دین کنی.
باید هر سال برایش بنویسی. داد و هواری راه بیندازی، حاج احمد حقیقی را
نشان این مردم بدهی. اما خدا و کیلی دیگه خسته شدم. گرد و خاک کنیم که چی؟
کی گوش می‌کند؟ این مردم؟ همه این مردم، حاج احمد را تا نیست دوست
دارند. حاضریم شرط ببندیم اگر حاج احمد با همان اخلاق و روحیات سابقش
برگردد، حتی رفقای نزدیکش هم دوروبر او نپلکنند. حاج احمد مردم‌میدان
ولایت خمینی بود، نه شهروند گوگوری مگوری جامعه مدنی. این حرفها

سیاسی نیست، لطفاً عینک سیاهی را که این روزها همه از پشت آن به دنیا نگاه می‌کنند، بردارید. حرف جامعه مدنی مال این دوسال نیست. خیلی ساده اند کسانی که اینطور فکر کنند. فرق این دوسال با سالهای قبلش، این است که جامعه مدنی و آزادی و قانون مداری و... شده چماق یک‌عده آدم عقده‌ای و جیغ جیغو. داد من و حرف من، مال دهه هفتاد است نه دوم خرداد. چند دفعه این مردم و این بسیجی‌ها که ادعا می‌کنند عاشق حاج احمد هستند، ریختند توی خیابان‌ها و تظاهرات کرده‌اند؟ چند دفعه جلوی مجلس متحصن شده‌اند؟ اصلاً تا به حال یک حرکت مردمی خشک و خالی برای تعیین تکلیف این چهار تا بنده خدا انجام شده؟ (حرکت مردمی که می‌گویم منظورم تظاهرات صد، صد و پنجاه نفری نیست.) قضیه این است که عشق و حال با اسم و رسم حاج احمد مال ماست، و سوختن به درد اسارتشان، مال خانواده‌های بیچاره‌شان. حقیقت این است که کسی توی این مملکت منتظر بازگشت حاجی نیست، حاجی اسیر باشد، برای ما دوست داشتنی‌تر است. همین است دیگر. خودمان را که نباید گول بزنیم. این همه سال، دل‌مان را خوش کرده ایم به یک مشت شعار و تعریف و تمجید و دعا برای برگشتن آنها، ولی یک دفعه ننشستیم فکر کنیم که آخر پس چرا کسی کاری نمی‌کند؟ یا اگر کاری انجام می‌شود، چرا ما خیال خانواده‌های بلا تکلیف این عزیزان را راحت نمی‌کنیم؟ چه قدر باید اسیر بازی‌های سیاسی و دیپلماتیک باشیم؟ چه قدر بنویسیم حاج احمد چنین و چنان بود و چنین و چنان کرد، اما به غیرت کسی بر نخورد که پس چرا برای یک همچین آدمی، این دولت عریض و طویل، تره هم خرد نمی‌کند؟ من کاری به این بیانیه‌های یکی در میان وزارت امور خارجه، کمیسیون سیاست خارجی و... ندارم، من دنبال واقعیت هستم نه بازی با کلمات و محکوم کردن و درخواست کردن از مجمع بین‌المللی. خدا گردن این مجمع بین‌المللی را بشکند که هر چه می‌کشیم از دست همین نامرد هاست. حاضرم قسم بخورم همین مجمع بین‌المللی در سربه نیست کردن شیر بیت المقدس نقش داشته‌اند. بابا حداقل بیایید به همه بگویید اینها شهید شده‌اند، تمام شد و رفت. هر چند وقت یکبار شلوغ بازی راه می‌افتد که احتمال می‌رود

فلانی و فلانی زنده باشند و فلان پدرسوخته فرنگی گفته که من یک خبرهایی از آنها دارم. هر سال، درسالگرد اسارتشان، یک کم ما به هم می‌یافیم و یک کم هم دیگران، و چند تا هم یادواره سرد و خنک برگزار می‌شود و تمام. بنام به این غیرت... نه خیر عزیزان من، نقل این حرفهانیست. داستان از این قرار است که فعلاً دیپلمات‌های گم شده، بیشتر به درد سیاست خارجی ما می‌خورند تا سرداران زنده و حاضر در میدان. حداقل یک چندصباحی می‌شود به اسم آنها داد و بی‌داد راه انداخت. اما، ما که سیاستمدار نیستیم. اگر شما نمی‌خواهید تکلیفتان را مشخص کنید، من همچنین قصدی ندارم، پس‌بگذار حرف آخر را بزنم و خلاص: حاج احمد متوسلیان و سه نفر همراهش، کاظم اخوان، محسن موسوی و تقی رستگارمقدم، مدت‌هاست که به شهادت رسیده‌اند. در این مدت، تنها احتمال زنده بودن سید محسن موسوی داده می‌شود. این مسئله را رسانه‌های خارجی طی این سال‌ها جسته و گریخته اعلام کرده‌اند. حتی برخی از نهادهای غربی مدعی شده‌اند که جای‌دفن اجساد آنها را می‌دانند. به صدها دلیل عقلی، جریان شهادت‌گروگان‌ها صحت دارد. هر کس باورش نمی‌شود، به خودش مربوط است. شلوغ‌پلوغ نکنید! من از محضر مادر حاجی عذرخواهی می‌کنم، اما به بقیه آدم‌هایی که دنبال سرگرمی می‌گردند یا چیزی که بتوانند منتظرش باشند، توصیه می‌کنم در انتظار امام‌زمان (عج) باشند. حاجی اگر هم برگردد، یکی از آن ۳۱۳ نفر خواهد بود، حالا هر چه دلتان می‌خواهد بگویید.

بابام‌گه چه عیبی دارد این عزیزان هم مفتخر به عنوان «شهید» بشوند؟ این لغت کلیشه‌ای «جاویدان اثر» را بریزید دور. من که ریختم. خداوند روح شهدای عزیزمان را قرین رحمت خود گرداند، علی‌الخصوص سردار مخلص و بی‌نشان، شهید حاج احمد متوسلیان را.

محمد علی صمدی

هفته‌نامه جبهه

ضمیمه ۲۱

۱۳۷۸/۴/۱۵

پدرم هنوز زنده است و در اسارت صهیونیستها به سر می برد

گفت و گو با رائد فرزند آقای سید محسن موسوی

– آقای موسوی چند سال دارید و آیا پدرتان را به خاطر می آورید؟

– زمانی که پدرم ربوده شد، من دوساله بودم و اینک ۱۸ سال دارم. تصویر مبهمی از چهره پدرم در خاطر من هست، اما گرمای محبت پدرانه اش را همیشه احساس کرده و می کنم.

– آیا شخصاً در جریان پی گیری سرنوشت پدرتان و دیگر همراهانش بوده اید؟

– بله از زمانی که خودم را شناختم، این مسئله را پی گیری می کنم. همه اشخاص و ارگان هایی هم که روی این مسئله کار کرده اند، به من محبت زیادی داشته و دارند، و با وجود آن که سن زیادی ندارم، اما پیوسته سوال های مرا پاسخ داده و مرا در جریان امور و پی گیری قضیه قرار داده اند.

– آیا ممکن است این ارگان ها را نام ببرید؟

– بله، وزارت امور خارجه و نهادهای انقلابی و اشخاص بسیاری که پدرم را می شناخته اند و در این راه به طور فردی تلاش کرده اند. همچنین بسیاری از گروه ها و شخصیت های انقلابی در لبنان، که من از همه آنها متشکر و سپاسگزارم.

– آخرین خبرها در مورد سرنوشت این گروگان ها چیست؟

– آخرین خبرهای منتشر شده مربوط به سخنان آقای احمد حبیب الله، رئیس کمیته دفاع از زندانیان در شهر ناصره در فلسطین اشغالی است، که چندین بار اظهار داشتند دیپلمات های ایرانی زنده و در اسرائیل محبوس هستند. البته سخنان آقای حبیب الله، ظرف یکی دو سال اخیر بارها توسط خبرگزاری های بین المللی مخابره و در روزنامه های مختلف چاپ شده است.

– اسرائیل چه سودی از بازداشت آنها می‌برد و برای چه آنها را نگاه داشته است؟

– بدیهی است که اسرائیل دشمن شماره یک اسلام و مسلمین است. خود صهیونیستها نیز انقلاب اسلامی ایران را بزرگترین دشمن و خطر برای خود میدانند و این را بارها ابراز کرده‌اند. از این جهت آنها اگر بتوانند، از ضربه زدن به انقلاب ابایی ندارند. اما ظاهراً آنها با این گمان که ران آزاد دست ایرانی‌هاست، احتمالاً قصد دارند این گروگان‌ها را مبادله‌کنند. این درحالی است که مسئولان جمهوری اسلامی ایران بارها اعلام کرده‌اند که خلبان آنها در ایران نیست و اصولاً این مسئله ارتباطی با جمهوری اسلامی ایران ندارد.

– کسانی می‌گویند که دیپلمات‌های ایرانی در لبنان کشته شده‌اند، در این باره چه اطلاعاتی وجود دارد؟

– بله، عده‌ای این را می‌گویند و منشاء آن، حرف‌های سمیر جعجع و ایلی حبیقه فرماندهان نیروهای فالانژیست است که هر یک، دیگری را متهم به ربودن و کشتن دیپلمات‌های ایرانی می‌کند. اما این اظهارات ضدونقیض است. زمانی گفته‌اند که آنها بلافاصله پس از بازداشت، تیرباران شده‌اند، بعضی دیگر از اظهارات آنها حاکی است که دیپلمات‌های ایرانی تا سال ۱۳۶۵ زنده بوده و بعداً کشته شده‌اند. اخیراً هم یکی از همستان نزدیک ایلی حبیقه معروف به کبر، کتابی در اروپا منتشر کرده و گفته است که ایرانی‌ها تا سال ۱۳۶۵ در بازداشت بوده و پس از آن همراه با صدها جوان مسلمان شیعه لبنانی قتل‌عام شده و در محوطه مرکز نظامی فالانژها دفن شده‌اند. می‌بینیم که مسائل ضدونقیض است. سوال این است که اگر آنها تا سال ۱۳۶۵ یعنی ۴ سال پس از ربوده شدن، زنده بوده‌اند، چه دلیلی دارد که پس از آن به قتل برسند؟ مضافاً به این که آنها دیپلمات‌خارجی بوده و قاعدتاً حساب آنها با حساب صدها جوان مسلمان لبنانی که در بازداشت فالانژها به سر برده‌اند متفاوت است. به هر حال، اطلاعات جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که در آن سال، به دلیل بروز

جنگ‌های داخلی بین جناح مسیحی‌لبنان، دیپلمات‌های ایرانی از طریق بندرجونیه به اسرائیل منتقل شده‌اند.

– اکنون از مسئولان چه انتظاری دارید؟

– انتظار ما به‌عنوان خانواده گروگان‌های ایرانی، این است که با جدیت‌بیشتر این مسئله دنبال شود زیرا مسئله چند نفر مطرح نیست، بلکه اعتبار و حیثیت جمهوری اسلامی ایران است که باید حفظ شود. باید نشان داده شود که دولت جمهوری اسلامی نسبت به سرنوشت اتباع خود بخصوص دیپلمات‌ها، حساس است. صهیونیست‌ها برای دریافت اجساد سه‌سرباز متجاوز خود که در جنوب لبنان کشته شده‌اند، زمین و زمان را به هم می‌دوزند و هردری را می‌زنند، چرا ما نسبت به سرنوشت دیپلمات‌هایمان اعم از این‌که زنده باشند یا شهید شده باشند، حساس نباشیم؟ بالاخره باید سرنوشت آنها روشن شود و حتی اگر شهید شده باشند، باید برای دریافت پیکرهای پاک آنان اقدام شود. البته در این مورد ریاست محترم جمهوری جناب آقای خاتمی و وزیر محترم امور خارجه جناب آقای دکتر خرازی، قول‌پی‌گیری داده‌اند و این‌کار را نیز انجام می‌دهند.

– شما خودتان چه احساسی دارید؟

– من شخصاً دلم روشن است که آنها زنده هستند. سال‌هاست که در انتظار دیدن پدرم هستم. به هر حال ما تسلیم رضای حق هستیم.
جمهوری اسلامی

ضمیمه ۲۲

۱۳۷۸/۴/۱۹

حاج احمد پیش امام است

– لطفاً خودتان را معرفی کنید:

– ولمان کن‌بابا، قرارنش از این بازی‌ها دربی‌آوری فرشاد.

- یعنی چه؟ مثلاً داری مصاحبه می‌کنی، اسمت را نمی‌خواهی بگویی؟
- نخیر، اسمم را تو می‌دانی بس است.
- این‌طوری که نمی‌شود، خواننده باید بداند این حرفها را چه کسی می‌زند.
- من این حرفها را برای تو می‌زنم، با خواننده، ماننده‌ها کاری ندارم.
- عجب آدمی هستی. اسم این مصاحبه است نه گپ‌دوستانه.
- ترجیح می‌دهم گپ‌دوستانه باشد.
- هرچه هم باشد، قرار است چاپ‌شود. بالاخره تو مسئولیت این حرفهایی را که می‌زنی باید برعهده‌بگیری.
- نخیر، من مسئولیتی برعهده نمی‌گیرم.
- ما را گرفتی، این همه باهم صحبت کردیم و خواهش‌تمنا کردم، بازهم همان حرفها را می‌زنی؟
- این همه صحبت‌کردی تا راضی‌ام کنی این حرفها را چاپ‌کنی، خوب مشکلی ندارد، چاپ کن. اما قرار نیست که به‌خاطر یک گپ‌دوستانه برای‌خودم دردسر درست‌کنم.
- چه دردسری؟ این جوری که نمی‌شود.
- می‌شود یا نمی‌شود، من نمی‌دانم، تو بپرس من هم جواب می‌دهم.
- دروغ که نمی‌خواهی بگویی، برای حرف‌هایت دلیل‌داری، پس چرا مسئولیت‌شان را قبول نمی‌کنی؟
- بی‌خیال این حرفها. بپرس تا تصمیم عوض نشده.
- بخواهی یا نخواهی، اگر این حرف چاپ شود، مسئولیتش گردن خودتوست.
- بی‌خود، مسئولیتش گردن‌توست که چاپ‌شان می‌کنی. طبق قانون جدید مطبوعات، بنده نه سرپیازم، نه ته‌پیاز. زیاد هم اصرار کنی می‌زنم زیرهمه چیز.
- خیلی خوب، فقط این کارهایت یادت باشد. به هر حال صحبت راجع به حاج احمد است. از حاج احمد بگو.
- بنده نوکر حاج احمد هم هستم. حاج احمد مقتدرترین فرمانده سپاه پاسداران از زمان تأسیس تا حال است. حاج احمد اسوه مردانگی‌علوی است.

حاج احمد عشق است. حاج احمد سیمرغ شاهنامه خمینی است. حاج احمد فرزند خلف مکتب خمینی است، هزارتای دیگه از این ابراز احساسات دارم، بگم یا بسه؟
 - از خود حاجی بگو، از شخصیتش، از زندگیش.

- آقاجون، قرارنشد از زندگی حاج احمد بگویم. آن را که خودت از من بهتر بلدی، قرارمان این بود که راجع به اسارتش و مسائل مربوط به آن صحبت کنیم، زندگی حاجی در یکی، دو ساعت حرف نمی‌گنجد.

- خیلی خوب، می‌رویم سراغ اسارت حاجی، شما از اسارت حاجی برایمان بگو.
 - بله، خدمت شما عرض کنم که حاج احمد متوسلیان، سید محسن موسوی، تقی رستگار مقدم و کاظم اخوان در روز چهاردهم تیرماه سال ۶۱ وقتیکه می‌خواستند خود را به شهر بیروت و سفارت جمهوری اسلامی برسانند، در یکی از دژبانی‌های حزب مارونی‌کتاب، دستگیر شدند. از آن وقت تا حالا هیچ خبری از آنها نیست. به معنی واقعی کلمه «هیچ‌خبر».

- همین؟

- همین.

- خوب به نظر تو این بچه‌ها الان کجا هستند؟

- پیش امام خمینی.

- یعنی تومی‌گویی حاج احمد و سه نفر همراهش، دیگه شهید شدن؟

- مگه شك داری؟ تو که خودت هم به این نتیجه رسیدی.

- من هنوز ته دلم امیدوارم.

- این به خاطر عشقی است که به حاجی داری، والا در این هیچ شك و تردیدی نیست که حاج احمد شهید شده، بی پرو برگرد.

- آخه دلیلت چیه؟

- من را فیلم کردی؟ یک ساعت برایت چی می‌گفتم؟

- بابا مثلاً الان من دارم حرف‌های تو را ضبط می‌کنم، آن موقع که ضبط می‌کردم. شما لطف کن و یک بار دیگر بگو.

– ببین، نکته اینجاست که ما برای شهادت این چهار تا شیرمرد، ده‌ها دلیل متقن و قابل‌توجه داریم. اصلاً هنوز یقیناً نمی‌دانیم اینها دست‌کشی هستند. هیچ‌کس به این مسئله نمی‌پردازد که طی این هفده سال هیچ‌نامردی رسماً مسئولیت‌گرفتن این چهارنفر را قبول نکرده. امثال سمیر جعجع و ایلی حبیقه هم آنقدر آدم‌های مکار و غیرقابل پیش‌بینی‌ای هستند که حرف‌هایشان یک پولسیاه هم نمی‌ارزد.

– این دو تا که گفتی کی هستند؟

– این دو تا از فرماندهان نیروهای فالانژیست حزب‌کتاب هستند. در روز چهاردهم تیرماه، نیروهای مستقر در دژبانی‌برباره از افراد سمیر جعجع بودند. خود سمیر جعجع هم تحت‌امر ایلی‌حبیقه بوده. سمیر جعجع می‌گوید نیروهای من این بچه‌ها را گرفته‌اند و به فرمان ایلی‌حبیقه همان‌جا اعدام‌شان کردند. ایلی‌حبیقه هم گفته که جعجع حرف‌مفت‌می‌زند، من از اینها اصلاً خبر ندارم. جعجع هم یک‌بار می‌گوید بله، یک‌بار می‌گوید نه، خلاصه این وسط معلوم نیست که چه اتفاقی افتاده. این فالانژیست‌ها که آدم نیستند تا آدم بخواهد باهاشان حرف‌بزند. یک‌بار هم گفتند که اینها را از بندرجونیه تحویل اسرائیل دادیم.

– یعنی الان معلوم نیست چه‌کسی مسئول این آدم‌ربایی است؟

– کلاس‌بالا صحبت‌نکن. قضیه آدم‌ربایی یا گروگان‌گیری نیست. «آدم‌ربا» یا «گروگان‌گیر» از عمل‌خودش هدفی دارد و برای رسیدن به آن هدف است که می‌رباید یا گروگان می‌گیرد، بعد هم می‌آید و شرایط و خواسته‌های خودش را در قبال آزادی گروگان‌ها اعلام می‌کند. این چه‌جور گروگان‌گرفتنی است؟ نه‌کسی شرطی و درخواستی برای آزادی آنها اعلام کرده.

– پس این‌همه که اسرائیل ران‌آراد را بهانه می‌کند برای چیست؟ من خودم در روزنامه‌ای خواندم که اسرائیل شرط‌آزادی گروگان‌ها را باخبر شدن از وضعیت ران‌آراد اعلام کرده.

– آن خبر را من هم خواندم. این طور که می‌گویی نبود. اسرائیل اعلام کرده بود که هرگونه خبری از وضعیت دیپلمات‌های ایرانی، موکول به اطلاع از سرنوشت ران آراد است. این با حرفی که تزدی خیلی فرق می‌کند. اولاً که ران آراد به ما چه ربطی دارد؟ ثانیاً این ران آراد بهانه است. ثالثاً ما از سرنوشت عزیزانمان که همان شهادت است، مطلعیم. رابعاً آنها هم از سرنوشت خلبان‌شان که همان هلاکت است، باخبرند. این خلبان از هواپیما سقوط کرده و کشته شده، خود این صهیونیست‌ها هم خبردارند. منتها به عنوان اهرم فشاری علیه ما، دائماً این را علم می‌کنند که اصلاً اگر هم زنده باشد، اسیرجنگی است و حکایتش با دزدیدن چهار نفر با پوشش غیرنظامی که مصونیت دیپلماتیک هم دارند، خیلی فرق می‌کند. این خلبان در لبنان سقوط کرده، به ما چه؟ از طرفی، اسرائیل مصطفی دیرانی و شیخ عبدالکریم عبید را به عنوان ربایندگان و مطلعین از ران آراد، از داخل خانه‌هایشان دزدیده است، اگر مصطفی دیرانی او را دزدیده، پس دیگر ایران چه کاره است؟ اگر شیخ عبید از او خبر دارد که او هم در زندان خود آنهاست، این وسط ایران چه کاره است؟ این یک بازی است، شما مطمئن باش اسرائیل هم بیش از آنچه ما می‌دانیم، نمی‌داند. خیالت راحت باشد که حاج احمد متوسلیان حتماً شهید شده. هر کدامشان هم که زنده باشند، حاج احمد زنده نیست. خود حاج احمد گفته که با خدای خودم عهد کرده‌ام که به دست اسرائیلی‌ها و در نبرد با آنها کشته بشوم.

– پس جریان ایرانی‌های محبوس در زندان عتلیت چیه؟

– به این موضوع هم می‌رسیم. اول قرار شد دلایلم را مبنی بر شهادت اسرا بگویم. جواب این سوال را هم در ادامه صحبت‌ها خواهم داد. طی این سال‌ها فرصت‌های زیادی برای مطرح کردن مسئله دیپلمات‌ها به وجود آمد. طرف حساب ما طبق شواهد موجود حزب کتائب نوکراسرائیل است و اسرائیل هم نوکر آمریکا (ویا ارباب آمریکا) هم حرفی نیست. پس به نظر من طرف حساب اصلی ما آمریکا است. بارها منافع آمریکا در لبنان با خطرات جدی مواجه شده و حتی ضربات سختی خورده است. چندین نفر از اتباع آمریکا در لبنان به گروگان

گرفته شدند که برخی از آنها مانند «ویلیام باکلی» که رئیس ایستگاه سیا درخاورمیانه بود، برای آمریکا آدم‌های بسیار مهم و باارزشی بودند. «دیوید دوج»، «جرمی لیفنن»، «ریفر بنجامین»، «پیتر کلیبورن»، «لوتر جنکو»، «تری اندرسون»، «توماس ساترلند»، «آلن استین»، «جسی ترنر»، «رابرت پولهیل»، «ویلیام هیگینز»، «الک کولیت»، «جان کوفمان»، «جان نورماندان»، «روژه اوک»، «چارلز گلاوس» و... بعد از اسارت دیپلمات‌های ما در جریان تنش‌های جاری در لبنان ربه‌شده شدند که دولت آمریکا غالب این گروگان‌گیری‌ها را منتسب به اسلام‌گرایان و بخصوص شیعیان و گروهی موسوم به «جهاد اسلامی» می‌داند. افرادی مثل «تری ویت» و «جان مک‌کارتی» هم که انگلیسی بودند و به گروگان گرفته شدند. آیا تو قبول می‌کنی که در هیچ‌کدام از این موارد به فرض این‌که آمریکا و اسرائیل به بچه‌های ما دسترسی داشتند، پای آنها را وسط نکشند؟ آمریکا و انگلیس و فرانسه خودشان را جردادند تا اتباع‌شان آزاد شوند. به دامن هرکشوری، بخصوص ایران، برای وساطت در این قضایا چنگ زدند، اما حتی یکبار پای دیپلمات‌های ما وسط نیامد، چون به آنها دسترسی نداشتند. به نظر من اگر عزیزان ما زنده بودند، آمریکا و اسرائیل لحظه‌ای از استفاده از آنها برای تسریع در امر آزادسازی افرادی چون دوج یا باکلی، درنگ نمی‌کردند. حزب‌کتاب با غرب روابط تنگاتنگی دارد. آن موقع ایران هم در لبنان نفوذ زیادی داشت و آمریکایی‌توانست از طریق پیش‌کشیدن قضیه دیپلمات‌های ایرانی و واسطه قراردادن ایران، حداکثر تلاش خود را در جهت آزادی‌گروگان‌های خود بکند، البته ایران در آزادی بسیاری از این گروگان‌ها نقش مهمی داشت.

– از این گروگان‌ها کسی هم کشته شده؟

– بگذار این را بگویم که لبنان سرزمین گروگان‌گیری است. صدها نفر در لبنان، در سال‌های مختلف گروگان گرفته شده‌اند که از ده‌ها نفر از آنها دیگر خبری نشده. این کار در لبنان، بخصوص در سال‌های جنگ داخلی، از ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۰ یک امر عادی بود. تعداد زیادی خبرنگار، دیپلمات و غیرنظامی

در این جریان‌ها دزدیده، آزاد و حتی کشته شدند، ویلیام باکلی (که بعد از ۱۸ ماه ناپدید شدن جنازه اش که معلوم بود به تازگی با گلوله کشته شده، پیدا شد و این برای آمریکا ضربه سختی بود. آمریکا برای آزادی باکلی دست و پای زیادی زد و آخر هم غیر از جنازه، چیزی گیرش نیامد و مسئولیت این گروگان‌گیری و قتل را همان گروه جهاد اسلامی برعهده گرفت.) «میشل سورا» و «ویلیام هیگینز» هم هستند. البته باز هم می‌گویم که پدیده گروگان‌گیری قربانیان بسیاری را در لبنان گرفته. حالا می‌گذاری بقیه حرفم را بزنم یا نه؟

— ادامه بدهید لطفاً.

— خلاصه به نظر من این مهم‌ترین دلیل برای شهادت حاج احمد و همقطاران اوست که ۱۷ سال است همه سعی می‌کنند یک‌جوری قضیه را ماستمالي کرده و از ذهن‌ها پاک‌کنند. اصل ماجرا این است که کسی مسئولیت کشتن آنها را برعهده نمی‌گیرد. صورت مسئله‌ای وجود ندارد، ما نمی‌دانیم رسماً طرف معامله ما کیست؟ خودت بگو، اگر اینها گروگان هستند، پس چرا اسرائیل این همه سال از آنها استفاده نکرده. اصلاً نگه داشتن اینها برای اسرائیل چه نفعی دارد. اگر نفعی دارد پس چرا صریحاً نمی‌گوید که چه می‌خواهد. حتی در مورد ران آزاد هم اسرائیل به صورت تلویحی صحبت می‌کند و صریحاً نمی‌گوید که موضعش چیست و یا این که مثلاً شما زنده یا مرده ران آزاد را بدهید، تا من هم زنده یا مرده دیپلمات‌های شما را بدهیم. دلیل دیگر من برای شهادت این عزیزان همین اظهارات ضدونقیض ایلی‌حبیقه فرمانده واحد نظامی فالانژیست‌ها و رفیقش سمیر جعجع است. از نوع صحبت کردن اینها به راحتی می‌شود فهمید که سربچه‌های ما را زیر آب کرده‌اند و حالا دارند با خالی‌بندی و انداختن مسئولیت به گردن هم، از زیرک‌کاری که کرده‌اند شانه خالی می‌کنند. ضمناً چندین بار به کشتن اینها اعتراف کرده‌اند، هر چند قبلاً هم گفتیم که اینها آدم نیستند، اما دلیل دیگر، این اواخر کبرا یکی از هم‌پیاله‌های حزب کتائب، کتابی را منتشر کرده و در آن مدعی شده که اسرای ایرانی همراه

تعدادی از مسلمانان شیعه لبنانی قتل‌عام شده و در محوطه مرکز نظامی فالانژها دفن شده‌اند. دلیلی برای این‌که فرض کنیم این مردک‌نامرد دروغ می‌گوید، نداریم. آقا توی اروپاست و مثل جعجع یا حبیقه که فکرمقام ویا افزایش جرم‌شان هستند، از چیزی ترس و واهمه‌ای ندارد و دلیلی و نفعی از دروغ گفتن نمی‌برد.

– اگر ۴ سال بعد از اسارت زنده بوده‌اند، چه دلیلی داشته که بعد از آن اعدام شوند؟

– بابا راجع به فالانژها این‌طوری فکر نکن. اینها تابع هیچ ضابطه و قانونی نیستند. این بی‌شرفها غیرقابل پیش‌بینی‌ترین و گستاخ‌ترین آدم‌ها هستند. این سوال که چرا تا آن موقع آنها را نکشته‌اند و چرا بعد از آن آنها را کشته‌اند، در مورد فالانژها معنی ندارد. به همان دلیلی آنها را کشته‌اند که چهار سال بدون این‌که کوچک‌ترین خبری از آنها بدهند زنده نگه‌شان داشته‌اند. اینها یکمشت آدم‌درنده هستند که برای ارضای حس درنده‌خویی‌شان، حاضرند پدر و مادر ویا فرزندان خود را قطعه‌قطعه کنند.

– آخر آنها دیپلمات بودند حساب‌شان با بقیه جوان‌های در بازداشت فرق می‌کرد.

– برای فالانژها اصلاً این حرف‌ها مطرح نیست. اسیر گرفتن حاج احمد چه نفعی برای آنها داشت که مثلاً زنده ماندنش داشته باشد؟ هرچند به نظر او هم یا خالی می‌بندد یا ایرانی‌هایی که منظور نظر اوست، کسان دیگری هستند، چون من یقین دارم سمیر جعجع راست می‌گوید و دیپلمات‌ها را همان روزهای اول اعدام کرده‌اند، این از حرف‌های آقای محتشمی هم در مورد پیداشدن ماشین‌حامل آنها در طرابلس، پیدا است. دلیل دیگرم خبری است که در مطبوعات هم به چاپ رسید ولی کسی به آن توجهی نکرد. آقای براند اشمیت‌باور، رئیس اداره اطلاعات آلمان که واسطه تبادل اسرا و اجساد حزب‌الله با اسرائیل بود، در یکی از آخرین تبادله‌ها وقتی از او درباره تبادل اسرای ایرانی پرسیدند، گفت: «ما حاضریم نقشه دقیق محل دفن آنها را به ایران تحویل دهیم.» این

خبر کم اهمیتی نیست و به نظر اعتبار بسیاری دارد. اینکه آن را جدی گرفته اند یانه، دیگر به من مربوط نیست. یکبار هم وقتی در مراسم در ستاد لشکر ۲۷ شرکت داشتم، برادر رحیم صفوی، فرمانده کل سپاه، قبل از شروع سخنرانی گفتند: «برای شادی روح شهدای این لشکر، بخصوص شهید حاج احمد متوسلیان فاتحه ای ختم کنید.» خب، مسلم است که حاج رحیم از سرنوشت آنها بیشتر اطلاع دارد. ضمناً خود من از محسن رفیق دوست که در آن ایام، مسئول لجستیک سپاه و مدتها هم وزیر سپاه بود، شنیدم که گفت: «این عزیزان شهید شده اند.» آقای رفیق دوست مدتها به صورت مستقیم قضیه گروگان ها را پی گیری می کرد و به نظر من از مطلع ترین افراد در این زمینه است. همین مصاحبه آقای اختری را که سالها سفیر ایران در سوریه بود، مگر در فکده نخواندی؟ او صریحاً گفته حاج احمد شهید شده. سید حسن نصرالله هم در جواب کسی که از او سوال کرده بود که خبری از اینها دارید، گفت که «هیچ». آقای محتشمی هم در همان سالها مصاحبه ای کرد و گفت که ماشین حامل بچه ها را فردای روز اسارتشان، در حالی پیدا کرده اند که در آن آثار خون و گلوله وجود داشته. دیگر چه حرفی برای گفتن می ماند؟

— ولی این اواخر احمد حبیب الله اعلام کرده که دیپلمات های ایرانی زنده اند
... و

— مگه این احمد حبیب الله کیه؟ رئیس کمیته دفاع از زندانیان در شهر ناصره، این همه سال کجا بوده؟ معلوم نیست آدم و عامل کیه. تازه این آقا نگفته دیپلمات ها زنده اند، گفته چند نفر ایرانی در زندان عتلیت محبوس هستند. ظاهراً سه نفر. مگه به تونگفتم که فقط این چهار نفر ایرانی اسیر دست اسرائیلی ها نیستند. وزارت خارجه دریکی از بیانیه های خودش که آن اوائل داده بود، اعلام کرده که سه نفر دیگر هم در آن روز به اسارت گرفته شده اند. یک نفر دیگر هم که خودم خبر دارم که اسیر دست اسرائیل است. پس این دلیلی مطمئن برای زنده بودن بخصوص حاج احمد نیست. بگذار بگویم که این وسط فقط احتمال زنده بودن یک نفر بسیار قوی است، آن هم سید محسن موسوی

است. هرچند بنده به این مطلب هم کاملاً یقین ندارم، ولی علائمی که مهم‌ترین آنها رسیدن پیغامی به خط خود آن عزیز به دست همسرش می‌باشد را نمی‌توان انکار کرد. فقط همین، بقیه اش همه حرف است و فرضیه. مستدل نیست. اگر مثلاً موسوی یا رستگار مقدم توانسته‌اند خبری از خود برسانند، چرا تا به حال هیچ اثر و نشانه‌ای از حاج احمد و اخوان نشده؟

– حسابی نا امیدمان کردی...

– آن‌طور که پیداست، حضرات وقتی مطمئن شدند که آنها زنده نیستند دیگر بی‌خیال قضیه شده‌اند.

– کجا بی‌خیال شده‌اند؟ چرا بی‌انصافی می‌کنی؟

– ببخشید، بی‌خیال نشده‌اند، دارند خودشان را برای گروگان‌ها هلاک می‌کنند طفلکی‌ها! من نمی‌فهمم تو چرا اینقدر خلبازی درمی‌آوری فرشاد؟ آن موقع که وقتش بود، فریاد کسی به جایی نرسید. آه دل سوخته مادران اینها به جایی نرسید، حالا که همه در حال پایه‌ریزی جامعه مدنی هستند و کسی به کسی نیست، کی به فکر این چهار نفر است. نکند می‌خواهی بگویی بنیاد عاشورا یا دوّم خردادی‌ها؟ تازه افرادی مثل حاج احمد متوسلیان اصلاً برای شهروندی جامعه مدنی مناسب هم نیستند.

– تورو خدا سیاسی اش نکن.

– راست گفتم، ببخشید.

– حرف دیگه ای نداری؟

– چرا؟ اول این که خیالت راحت باشد که حاج احمد متوسلیان حتما شهید شده، هر کدام شان هم زنده باشند، حاج احمد زنده نیست. خود حاج احمد گفته که باخدای خودم عهد کرده‌ام که به دست اسرائیلی‌ها و درنبرد با آنها کشته بشوم. من حرف حاجی را بگذارم و به حرف وقصه‌های این و آن گوش کنم؟ اصلاً تو باور نمی‌شود که بشود حاج احمد را ۱۷ سال توی چهار دیواری حبس کرد؟ حاجی دیگر بر نمی‌گردد. این وعده را خودش داده و ردخور هم ندارد، مگر در رکاب امام زمان (عج) ان شاء الله. دوم این که هیچ کس در این مملکت منتظر

این چهار نفر نیست مگر خانواده های این عزیزان. همه حاج احمد اسیر را دوست دارند و سرنوشت اسرار آمیز او را بیشتر می پسندند. این همه می گویم که حاج احمد فلان بوده، چه ها کرده و چه فتوحاتی کرده و فلان و بهمان، اما طی این سالها صد نفر آدم پیدانشند که بریزند تو خیابانها و شعار بدهند و آزادی اینها را بخواهند یا حداقل جنازه های شان را. یادت باشد که حاج احمد اگر بیاید، کار خیلیها زار است. خیلی از اینها که سنگ او را به سینه می زنند، وقتی او در میان ما بود، خون به دلش می کردند. خیلی از اینها «چک» خورده حاجی اند. حاجی اگر بیاید و جانی داشته باشد و بگذارند که حرفی بزنند، دندان های زیادی را خواهد شکست. برای همین است که می گویم حاج احمد شهروند جامعه مدنی نیست. این روزنامه ای که حاجی را با عنوان احمد متوسلیان، کارمند سفارت معرفی می کند، از قبیل غیبت امثال حاج احمد است که ترک تازی می کند و حاج احمد اگر بود که دیگر «نشاط»ی برای اینها باقی نمی ماند. این کارمند سفارت آدم خطرناکی است آقای شمس الواعظین! من او را به خوبی می شناسم. او شهروند ایرانی نبوده، سردار مسلمان علوی بوده و هست. حاجی سردار بسیج جهانی مسلمین است. شهروندی «ایران» ارزانی خودت باشد.

— سیاسی ش نکن.

— تو هم فرشاد، دیگه داری کفر مرا بالا می آوری! ضمناً فکرمی کنی اگر حاج احمد زنده برگردد چه می شود؟ فرمانده سپاه فلان و بهمان، فرمانده لشکر فلان و بهمان. یا مثلاً فرمانده کل سپاه. مگر نمی بینی چه معامله ای دارند با این بچه ها می کنند؟ دلت می آید حاج احمد برگردد و این کارها را با او هم بکنند؟ یک پدر سوخته ای او را با «پل پوت» و صدام مقایسه کند، یا نانجیبی به او بگوید که شهادت طلبی تو منطق کور است و آخر هم در غربت و مظلومیت منزوی شود؟ حیف نیست...

— مثل این که دیگه حرفی برای گفتن نداری؟

— حرفی که به درد تو بخورد ندارم.

ضمیمه ها □ ۴۵۷

– ولي من هنوز يكسوال دارم. حاج احمد چرا به بيروت رفت؟
– اگر ازمن ميشنوي كه ميگويم دليلش را خودحاجي ميداند وبس. هرچه امروز ميگويند و مي نويسند، چرت است. آن روزها بيروت در محاصره بود و داخل شهر هم كاملاً امن. هيچكي به هيچكي نبود. رفتن حاجي هم به شهر هيچ نتيجه اي نداشته، اين حرفها كه براي كمك رفته، يا براي رسيدگي به امور فلان وبهمان، همه بي اساس است. اين بيشتر به روحيه خودحاجي برميگردد. اصرار و پافشاري او براي رفتن به همراه سيدمحسن به داخل شهر، از آن كارهاست كه دليلش را فقط خودحاجي ميداند وبس. بيشتر از اين چيزي نميگويم.

– مسئوليت اين حرفها با توست، بخواهي يانخواهي.
– اول اينكه يادت باشد قول داده اي اگر اينها را چاپاندي، بدون هيچگونه مقدمه، اشاره يا شرح وتفصيل باشد. دوم اينكه ؛ من كه حرفي نزدم، كدام حرفها؟ تكذيب ميكنم آقا جان...
هفته نامه جبهه

ضمیمه ۲۳

۱۳۷۸/۱۲/۱۱

ماندنت به رنگ سبز، رفتنت به رنگ خون

اولين يادواره دانشجوي جاويد الاثر احمد متوسليان دانشجوي دانشكده برق دانشگاه علم وصنعت ايران، با حضور قشركثيري از دانشجويان، همزمان و خانواده اين بزرگوار، روز دوشنبه در محل اين دانشگاه برگزار شد. اين مراسم نوراني ومعنوي، با سرودن قطعاتي در وصف رشادتها وايتارگريهاي عزيزان دلاور هشتسال دفاع مقدس آغاز گرديد. در اين مراسم، ابتدا آقاي «سيدجواد اظهري» رياست دانشگاه علم وصنعت ايران، به ايراد سخن پرداخت و پيرامون حضور دانشجويان اين نهاد علمي- فرهنگي در عرصه هشتسال دفاع مقدس

و نخبه شدن چهره های ماندگار سخن گفت. در ادامه، بیانیه ستادکنگره بزرگداشت شهدا، اسرا و مفقودین دانشجوی دانشگاه علم و صنعت ایران به دوزبان انگلیسی و فارسی، توسط دونفر از دانشجویان خطاب به دبیرکل یونسکو آقای «کویی شیروماتسورا» خوانده شد که در قسمتی از آن آورده شده است: «ما دانشجویان دانشگاه علم و صنعت ایران، در هجدهمین سال رویداد اسفبار و غم انگیز ربوده شدن آقای احمد متوسلیان، دانشجوی رشته برق این دانشگاه، انتظار خود را از جناب عالی در جهت تلاش برای آزادسازی وی و همراهانش ابراز می‌داریم.»

آن‌گاه این بیانیه جهت سیر مراحل اجرایی، به دکتر «علی اکبر جلالی» عضو منتخب یونسکو در ایران، سپرده شد.

سخنران بعدی این مراسم، خانم دکتر متوسلیان، خواهر جاوید الاثر حاج احمد متوسلیان، به شرح بیوگرافی و اقدامات به عمل آمده در جهت مشخص شدن وضعیت این چهار بزرگوار پرداخت. سپس مهندس سعید قاسمی از هم‌زمان حاج احمد، به شرح خاطراتی از دوران حضور متوسلیان در جبهه های غرب و جنوب پرداخت و از حاج احمد متوسلیان به عنوان پاسدار رشید دوجبهه جنگ یاد کرد. در پایان، قطعنامه کنگره شهدای دانشگاه علم و صنعت ایران، در پنج بند خوانده شد و حاضران با تکبیرهای خود، به تایید این قطعنامه پرداختند که بند پایانی این قطعنامه به این شرح است: «ما دانشجویان دانشگاه علم و صنعت ایران، به تمام مردم آزاده جهان اعلام می‌نماییم که تا تعیین تکلیف و روشن شدن وضعیت آقای احمد متوسلیان و همراهانش و آزادی آنان از چنگال رژیم صهیونیستی، سکوت اختیار نکرده، اقدامات و پیگیری های خود را در ابعاد جهانی ادامه خواهیم داد.»

همچنین در اولین یادواره دانشجوی جاوید الاثر، پرده برداری از بنای حاج احمد متوسلیان در محوطه باز دانشگاه توسط پدر این فرمانده بزرگوار، آقای «غلامحسین متوسلیان»، انجام پذیرفت و حاضران با شعارهای خود، به

اقدامات غیرانسانی رژیم صهیونیستی معترض و خواهان اقدامات اساسی از سوی مسئولان کشور و سازمان‌های بین‌المللی شدند.

جوان

ضمیمه ۲۴

تیر ۱۳۷۹

حاجزبارة

دمشق - حرم حضرت زینب(س) - خرداد ۱۳۶۱

سید محسن موسوی که به استقبال نیروهای ایرانی آمده، با نیروهای بسیجی دست می‌دهد و روی آنان رامی‌بوسد. صحن حرم مملو است از مردمی که به استقبال رزمندگان ایرانی آمده‌اند، موسوی و حاج احمد، داخل حرم، کناری ایستاده‌اند و صحبت می‌کنند. موسوی از آخرین وضعیت تهاجم نیروهای اسرائیل به لبنان می‌گوید. اخوان، آن‌سوتر مشغول عکاسی است و تقی، سر بر ضریح گذاشته و می‌گرید.

جنوب بیروت - خرداد ۱۳۶۱ - ژوئن ۱۹۸۲ م

گلوله‌های آتشزای تانک، سینه‌بلند ساختمان‌ها را می‌درد. در کوچه و خیابان، تك وتوك جنبنده‌ای به چشم می‌خورد. جسدی در کنار جوی آب افتاده است. سگ‌ها، به دنبال آن از هم سبقت می‌گیرند. کماندوهای اسرائیلی، زودتر به جنازه می‌رسند. در یک چشم برهم زدن، لباس‌های جنازه که پیرمردی سالخورده است و سر در بدن ندارد، پاره پاره می‌شود. هر آنچه دارد به یغما می‌رود. سرباز اسرائیلی، تسبیح را که از جیب او درمی‌آورد، تعجب می‌کند. تسبیح را با خنده دور مچ دست خود می‌اندازد، وحشیانه قهقهه می‌زند و اسلحه «ام ۱۶» خود را به طرف جنازه نشانه می‌رود. ناگهان از آن‌سوتر، صدای گریه بچه‌ای به گوش می‌رسد. سرباز اسرائیلی به آن طرف نگاه می‌کند. از کنار جنازه زنی جوان، دختر کوچکی که شیشه خاك گرفته شیر در دست دارد، برمی‌خیزد و به طرف سرباز می‌آید. کماندوی صهیونیست می‌خندد و با حرکاتی بچه‌گانه به دخترک اشاره می‌کند که به طرفش بیاید. بچه که گریه‌کنان پناه می‌جوید،

خنده سرباز را که می‌بیند به طرفش می‌آید. دریک چشم‌برهم‌زدن، گلوله سرخ، شیشه شیر را در صورت دختر بچه متلاشی می‌کند و دود خون‌رنگی از کله بچه برمی‌خیزد. صدای گریه اش ساکت می‌شود. خون و شیر درهم می‌آمیزند و بر روی خاک نقش می‌بندند. قهقهه کماندوی صهیونیست، در کوچه‌های بیروت می‌پیچد.

دره بقاع، بعلبک - تیر ۱۳۶۱

حاج احمد همراه با سید محسن موسوی سرپرست سفارت ایران در بیروت، تقی رستگار و کاظم اخوان عکاس خبرنگار جمهوری اسلامی، از دیگران خدا حافظی می‌کنند و سوار ماشین بنز سفارت ایران که نمره دیپلماتیک دارد، می‌شوند. دوجیب نظامی متعلق به الدرک (ژاندرمری) لبنان که افراد مسلح داخل آن نشسته‌اند، در عقب و جلو آنان را اسکورت و حفاظت می‌کنند. خبر می‌رسد که جاده بعلبک به بیروت توسط اسرائیل مسدود شده است. ماشین سفارت به همراه اسکورت‌ها، به طرف «اشتوره» و از آنجا به سوریه می‌روند و از آن طرف به شهر «حمص» در شمال سوریه رفته و از آنجا وارد خاک لبنان می‌شوند. ماشین‌ها از جاده طرابلس به طرف بیروت حرکت می‌کنند.

جنوب ایران - خرمشهر - خرداد ۱۳۶۱

شهر در آتش و خون است. حاج احمد متوسلین در حالی که تکیه اش را به عصای مچی داده، لنگلنگان، به طرف شهر می‌رود. از هر طرف صدای گلوله می‌آید و خمپاره. فریاد «الله اکبر» برمی‌خیزد. تقی رستگار خندان و نفس‌زنان، به طرف حاجی می‌آید. حاج احمد که او را می‌بیند تعجب می‌کند. صورت تقی خاک‌گرفته و برق‌چشمانش از آن‌میان پیدا است. به حاجی که می‌رسد، سعی می‌کند خودش را کنترل کند که نمی‌تواند. ردی از اشک برگونه‌های غبار گرفته اش راه می‌گشاید. تقی که می‌خندد، رو به حاجی می‌گوید:

- حاجی، حاجی خرمشهر آزاد شد... آزاد شد...

جنوب لبنان - شهر صیدا - خرداد ۱۳۶۱ - ژوئن ۱۹۸۲ م

مردم، سرگشته و حیران، هر آنچه دم‌دستان می‌آید برمی‌دارند. کودکان، افتان و گریان، به دنبال پدر و مادر می‌دوند. «اف ۱۶» های ساخت آمریکا، که

ضمیمه‌ها □ ۴۶۱

ستاره «داود» اسرائیل بر آنها نقش بسته، در آسمان دود گرفته مانور می‌دهند. آن سوتر، آنجا که روزی اردوگاه آوارگان فلسطینی بوده، انفجاری عظیم رخ می‌دهد و آتش و دود از آن برمی‌خیزد. جیغ و فریاد دخترکان وحشت زده، که پای برهنه و با لباس‌های نیم سوخته، از اردوگاه به بیرون می‌دوند، در کوچه‌های شهر می‌پیچد.

تهران - فرودگاه مهرآباد - خرداد ۱۳۶۱

عکس امام آویزان برسینه رزمندگان می‌خندد. چشم‌ها را برقی زیبا گرفته است. بر روی پیشانی‌بندهای سبز نوشته شده «یا قدس اننا قادمون» (ای قدس ما خواهیم آمد) کاظم اخوان که دوربینی به گردن وی آویزان است وساکتی بردوش دارد، حاج احمد را که می‌بینید به طرفش می‌شتابد. او را در آغوش می‌گیرد و می‌بوسد. حاجی دستش را می‌فشارد و می‌گوید:

- خدا خیرت بده، شنیدم توی خرمشهر خوب عکس گرفتی...

تقی رستگار وسط حرف‌شان می‌آید. با کاظم و حاجی دست می‌دهد. رو به حاجی می‌گوید:

- حاجی، بچه‌ها سوار هواپیما شدن، اگر خدا بخواد دو سه ساعت دیگه توی دمشق هستیم.

حاشیه جنوبی بیروت - خرداد ۱۳۶۱ ژوئن ۱۹۸۲م

تانک‌های اسرائیلی، به طرف شهر هجوم می‌آورند. فولکس سفیدرنگی کنار جاده، زیر شنی‌تانکی له می‌شود. زن جوان، که فرزند کوچکش را برده تا به او آب‌دهد، وحشت زده به طرف ماشین که حالا ورق پاره‌ای ولوشده بر روی شانه‌خاکی جاده است، پیش می‌رود. خون از جایی که زمانی در ماشین بوده جاری است. زن برسرزنان، بر روی خاک‌های سرخ می‌افتد. بچه کوچک به طرف ماشین می‌رود، گریه می‌کند و بهانه می‌گیرد.

- بابا... بابا...

وتانک همچنان به طرف بیروت در حرکت است.

بیروت - کاخ ریاست جمهوری بعدا - تیر ۱۳۶۱ - جولای ۱۹۸۲ م

بشیر جمیل رهبر حزب کتائب، با آریل شارون وزیر دفاع رژیم صهیونیستی، در کاخ ریاست جمهوری لبنان «بعیدا» بر سر یک میز نشسته اند. گلاسها از شراب سرخ پرمی شوند. همه خندانند. قهقهه ای مثل همان که در کوچه های بیروت به گوش می رسید، فضای سالن را پر کرده است. همه سرمستی شوند. تلویزیون تصاویری از جنازه های زن و بچه ها را نشان می دهد. جمیل و شارون، با دیدن صحنه های بمباران هوایی شهرهای لبنان، دستهایشان را در هم می فشارند و می خندند. جمیل رو به شارون می گوید:

— جداً تبریک می گم، این بهترین راهی بود که از شر مسلمانها و فلسطینیها راحت بشیم. مطمئن باشید این خدمت شما را فراموش نخواهیم کرد...

جاده طرابلس، بیروت — پست بازرسی بر باره ۱۴ تیر ۱۳۶۱
دوجیب ژاندرمری و بنز سفارت ایران، در مقابل تابلوی که آرم درختکاج (ارز) روی آن است و زیرش نوشته شده «الکتائب اللبنانیه»، متوقف شده اند. مردان مسلح، با قیافه های خشن و نگاه های تند، در حالی که از گرما پیراهن خود را در آورده و نوارهای فشنگ و تجهیزات را بر خود آویزان کرده اند، اطراف ماشین می چرخند. تقی رستگار که پشت فرمان نشسته، چشم در چشم یکی از آنان که آدامس می جود، می دوزد. مرد فلانژ دست بر قبضه ام ۱۶ خود می فشارد و آن را به تقی نشان می دهد. اخوان در حالی که دوربین عکاسی را زیر پاهایش پنهان کرده است، رو به حاج احمد می گوید:

— کاشکی می شد یک عکس از شون می گرفتیم. درست مثل جنایتکاران جنگی آمریکا توی ویتنام شدن.

حاج احمد می خندد و می گوید:

— تو فکر عکس گرفتن از این وحشی ها هستی، من فکر اینم که الان رفقای همینها توی بیروت، چی بر سر مردم میارن.

موسوی نگاهش به فرمانده پست بازرسی است که با بیسیم صحبت می کند و نگاه تندی به آنها می اندازد. برمی گردد رو به حاج احمد و می گوید:

ضمیمه ها □ ۴۶۳

— فکرکنم اوضاع خراب‌باشه. این‌جور که پیداست و یک‌ساعت نگه‌مان داشته‌اند، قصد ندارند ولمون‌کنن... .

اخوان به اومی‌گوید:

— خب آقاسید، کارت‌سفارت رو نشونشون بده و بگو که ما مصونیت سیاسی داریم. همه‌جای دنیا حتی وسط جنگل‌های آفریقا هم مصونیت‌سیاسی سرشون‌میشه... .

موسوی نگاه معنی‌داری به اومی‌کند و می‌گوید:

— اونجا جنگل‌های آفریقا و این‌جابیروته و اینها هم سگ‌های وحشی فالانژیست که برای خوش‌آمداسرائیل این همه‌جنایت درحق هموطنان خودشون رواداشتند. مصونیت‌سیاسی چه‌می‌فهمند چیه، وقتی با مردم‌خودشون اون‌طوری وحشیانه برخوردکنن، با ما چی‌می‌کنند، الله‌اعلم.

بیروت — منطقه شیعه‌نشین ضاحیه — تیر ۱۳۶۱ — جولای ۱۹۸۲ م

انفجاری‌عظیم، تکه‌های بدن اجساد را به اطراف پرت می‌کند. صدای جیغ و داد به‌گوش می‌رسد. هواپیماهای اسرائیلی که مأموریت بمباران را به‌اتمام رسانده‌اند، در آسمان اوج می‌گیرند. در دوردست، در بیروت غربی، اجسامی کوچک، در آسمان چرخ می‌خورند. به زمین که می‌افتند، همه جا را آتش و انفجار فرامی‌گیرد و زمین می‌لرزد.

شارون، بشیر جمیل را در آغوش می‌گیرد و درحالی‌که سوار بر هلی‌کوپتر نظامی اسرائیلی می‌شود، از پشت‌شیشه، دو انگشت خود را به‌علامت پیروزی به او نشان می‌دهد و پس از آن، هر دو دستش را به عنوان اتحاد، بالای سر خود درهم می‌فشارد و می‌خندد. بشیر جمیل سوار بر بنزمشکی خود، همراه با گارد حفاظت که بر روی ماشین‌هایشان پرچم‌کتائب به‌چشم می‌خورد، درکنار دریای مدیترانه، از دروازه‌ای بزرگ که کماندوهای تفنگدار اطراف آن را گرفته‌اند، وارد می‌شود. پرچم آمریکا برفراز ساختمان سفارت در بخش غربی بیروت دست‌خوش باد، شادمانه می‌رقصد.

جاده طرابلس به‌طرف شمال — ۱۴ تیر ۱۳۶۱

دوجیپنظامی گروه حفاظت ژاندارمری لبنان در حال برگشت هستند. در دوردست، بنز سفارت ایران دیده می شود. درهای ماشین بازااست ولی کسی در آن به چشم نمی خورد. آن سوتر، چند نیروی فالانژ، زن جوانی را که همراه با بچه اش می خواهد از بیروت خارج شود، بازور به داخل مقرر خود می کشانند. زن جیغ می زند و از دیگر نیروهای فالانژ که اطرافش ایستاده اند استمداد می طلبد. آنها برایش دست تکان می دهند و به فریادهای او می خندند. لگدی بر بازوی زن می خورد و کودک نقش بر زمین می شود. صدای جیغی در شمال بیروت منطقه تحت سلطه فالانژیست ها، می پیچد.

کارت دیپلماتیک سفارت ایران که عکس موسوی روی آن نقش بسته، بر روی زمین افتاده است. فالانژی آن را برمی داد، درجیب خود می گذارد و سیگارش را دود می کند. لاستیک های ماشین پنجر و بدنه اش از گلوله سوراخ شده است. هیچ چیز از وسایل و خود سرنشینان به چشم نمی خورد. مزدور فالانژ، با قهقهه ای کریه، رگباری روی ماشین می بندد.

حمید داود آبادی

ماهانامه فکه

ضمیمه ۲۵

۱۳۷۹/۴/۱۴

یادی از چهار دیپلمات اسیر ایرانی

۲۹ سال پیش از تجاوز نظامی رژیم غاصب اسرائیل به لبنان و محاصره بیروت توسط سربازان اسرائیلی، در ۱۵ فروردین ماه سال ۱۳۳۲ یعنی ۱۳۷ روز پیش از کودتای ننگین ۲۸ مرداد، در خانه حاج غلامحسین قناد، مردی از اهالی یزد که مدتی بود در تهران سکونت داشت، پسری متولد شد که در همین روز به نام احمد در گوشه هایش اذان خواندند. خود احمد سالها بعد، در مصاحبه ای برای معرفی خود می گوید: «دروس ابتدایی را در مدرسه اسلامی مصطفوی و دوره

دبیرستان را در مدرسه اخباریون گذراندم و بعد از آن هم به سربازی رفتم، در خدمت سربازی درجه دار وظیفه بودم...»
احمد ده ساله بود که واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ حادث شد و او با لطافت کودکانه، شاهد کشتاری بود که رژیم پهلوی در تهران به راه انداخت و ۱۹ ساله بود که به خدمت سربازی رفت و با درجه گروه بان دومی و رسته سازمانی فرمانده تانک، ایام خدمت سربازی خود را در شهرمرزی سرپل ذهاب گذراند. پس از پایان خدمت سربازی، احمد به عنوان کارگرفنی برق عازم شهرستان خرم آباد شده و ظاهراً به کار مشغول می‌شود. پنج ماه بعد نامه‌ای از شهربانی استان لرستان به ساواک این استان نوشته شد که حاوی گزارشی اجمالی از وضعیت احمد متوسلیان بود:

از: شهربانی استان لرستان (اطلاعات)

به: ریاست سازمان اطلاعات و امنیت لرستان

در مورد احمد متوسلیان فرزند غلامحسین

ساعت -/۲۰ روز ۱۵/۶/۵۷ اطلاع رسید که شخصی در خیابان پهلوی، چهارراه بانک، مغازه فتوکپی کیومرث مشغول تکثیر اعلامیه مضره می‌باشد که بلافاصله به وسیله مأمورین مربوط دستگیر گردید، علیهذا ضمن ارسال ۹ برگ پرونده متشکله، نامبرده بالا اعزام و معرفی می‌گردد، ضمناً تعداد ۹۴ برگ اعلامیه و دو عدد کتاب مضره و تعداد ۵۶ عدد نوار قابل بررسی از منزل وی کشف و ارسال می‌گردد.

رئیس شهربانی استان لرستان سرهنگ فاضل احمدی

احمد پس از تحمل ۳ ماه شکنجه و زندان در قلعه فلک الافلاک - که آثار آن را تا آخر عمر برجسم خود به همراه داشت - و چند جلسه محاکمه، با اوج گیری انقلاب اسلامی، اوایل زمستان ۵۷ به همراه عده‌ای دیگر از زندانیان سیاسی آزاد شد و به مردم انقلابی تهران پیوست و در روزهای ۱۲ تا ۲۲ بهمن در تمامی صحنه‌ها به شکل مسلحانه به انقلاب اسلامی پیوست و پس از تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به عضویت این نهاد انقلابی درآمد. خود وی در این باره می‌گوید: «با به نتیجه رسیدن انقلاب و پاگرفتن سپاه، در

دوره سوم وارد سپاه شدم. آموزشی را در سعدآباد گذراندم. اولین مأموریتی که به ما دادند تقریباً یک ماه بعد بود که وارد کردستان شدیم و در جریانات بانه، سقز، بوکان، مهاباد، پاوه، مریوان و جوانرود و روانسر بودیم، آخرین مرحله‌ای که طی شد مریوان بود.»

فقط چند روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود که گروه‌های کمونیستی دموکرات و کومه‌له، در کردستان آواز خودمختاری و تجزیه‌طلبی سردادند و پاسداران انقلاب برای حفاظت از انقلاب نوپا و تمامیت‌ارضي سرزمین خود، عازم مناطق کردنشین کشور شدند. احمد نیز به‌عنوان یکی از اعضای گردان دو پادگان ولی‌عصر، راهی کردستان شد. حضور سه‌ساله او در کردستان، آکنده از خاطرات و نکات شنیدنی است. طی این ایام او فرماندهی سپاه بانه، فرماندهی عملیات سپاه پاوه و فرماندهی سپاه مریوان را برعهده داشت. او طی مصاحبه‌ای که در آخرین روزهای حضورش در مریوان انجام داده، می‌گوید: «احمد متوسلیان هستم. دانشجوی سال دوم دانشگاه علم و صنعت و مسئول سپاه مریوان و در حدود دو سال و هشت ماه است که در منطقه کردستان و یک سال ونیم از این مدت را در مریوان می‌باشم. پیش از بسیج حضرت امام - در تاریخ ۵۸/۵/۲۸ - در مهاباد مستقر بودیم.

نقش احمد در پاک‌سازی مناطق وسیعی از کردستان از لوٹ وجود ضدانقلاب و آزادسازی و برقراری امنیت در شهرستان استراتژیک مریوان، غیرقابل‌انکار و بنا بر شهادت سردار «محمد بروجردي» فرمانده وقت سپاه غرب کشور، منحصر به فرد است. در همین ایام بود که بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا و ریاست جمهوری برکنار شد و سپاه و فرماندهی مردمی فرصتی یافتند تا فارغ از کارشکنی‌ها و اخلاص بنی‌صدر در امور جنگ، به مقابله با متجاوزین بعثی که بیش از یک سال ونیم در خاک میهن اسلامی اردو زده بودند، بپردازند. بارسیدن آوازه فتوحات و پیروزی‌های پی‌درپی نیروهای کلسپاه که در پی تشکیل یگان‌های رزمی کارآمد برای حضور در جبهه‌های جنوب بود، پیشنهاد تشکیل یک تیپ مستقل متشکل از پاسداران و بسیجیان تحت فرمان سپاه مریوان را به او داد. این تیپ که

به میمنت همزمانی تشکیلش با مبعث حضرت رسول اکرم، تیپ ۲۷ محمد رسول الله (ص) نام گذاری شد، اولین عملیات خود را در غرب کشور با عنوان «محمد رسول الله (ص)» و با رمز مقدس «لا اله الا الله محمد رسول الله (ص)» به انجام رساند و طی آن، مقرر فرماندهی تیپ ۱۱۶ عراق منهدم شد و شهرهای «بیاره» و «طویل» در معرض سقوط قرار گرفت. پس از انجام عملیات، احمد به همراه کادر اصلی تیپ تازه تأسیس خود، عازم جنوب کشور شد و پس از تحویل گرفتن پادگان موسوم به دوکوهه در شهر اندیمشک، سازمان دهی تیپ محمد رسول الله (ص) را در این پادگان آغاز کرد. این پادگان در تمام سال های جنگ آمادگاه اصلی لشکر محمد رسول الله بود و در اواسط دهه ۶۰ به نام پادگان سردار حاج احمد متوسلیان نام گذاری شد.

حاج احمد در دومین عملیات یگان رزمی خود، با طراحی یک عملیات نفوذ در خاک عراق و به غنیمت گرفتن ۱۶۵ قبضه توپ ۱۸۲، ۱۳۰ و ۱۵۲ میلی متری از ارتش بعثی، آن هم درست در شب شروع عملیات، یکبار دیگر نام خود و تیپ محمد رسول الله را پرآوازه کرد. قابل ذکر است که به دلیل موفقیت طرح او در این عملیات، در تمام طول نبرد، ارتش عراق کاملاً از آتش توپخانه محروم بود و همین قبضه های به دست آمده در این عملیات بود که آتش توپخانه سپاه را در عملیات الی بیت المقدس تأمین کرد و در حقیقت نطفه تشکیل یگان توپخانه نیروی زمینی سپاه در این عملیات و با توپ های به غنیمت گرفته شده توسط گردان حبیب بن مظاهر از تیپ ۲۷ محمد رسول الله بسته شد.

آخرین عملیات احمد در طول دفاع مقدس، «الی بیت المقدس» بود. این عملیات که برای آزادسازی خرمشهر طراحی شده بود، به جهت همزمان شدن با کشتار فلسطینیان توسط رژیم صهیونیستی در مسجد الاقصی و به جهت اعلام حمایت و پشتیبانی از آن مردم مظلوم، چنین نامی را به خود گرفت. او در این عملیات فرماندهی تیپ محمد رسول الله را بر عهده گرفت و به جرأت می توان گفت اگر عمل کرد یگان تحت امر او در مرحله اول عملیات الی بیت المقدس، بخصوص مقاومت جانانه گردان سلمان به فرماندهی شهید «حسین قجه ای» در برابر پاتک تیپ ۱۰ زرهی عراق نبود، نه تنها عملیات با شکستی سخت مواجه می شد، بلکه

دشمن فرصت آن رامی‌یافت که به دلیل شرایط خاص حاکم بر صحنه نبرد، تا دروازه‌های اهواز پیشروی کند. از همین روست که از حاج احمد متوسلیان به عنوان فاتح راستین خرمشهر یاد می‌شود.

درست ۱۲ روز پس از فراغت احمد از آزادسازی خرمشهر، تهاجم وحشیانه ارتش اسرائیل به جنوب لبنان آغاز شد. کماندوهای اسرائیلی در عرض یک هفته خود را به بیروت رسانده و این شهر را به محاصره خود درآوردند. جمهوری اسلامی ایران که اشغال لبنان را پاسخی به عملیات الی بیت المقدس و آزادی خرمشهر می‌دید که طی آن تمامی معادلات منطقه‌ای درهم ریخته بود، تصمیم به پشتیبانی از دولت لبنان در این نبرد نابرابر گرفت و با تأیید حضرت امام (ره)، در دومین روز حمله اسرائیل، که آن را عملیات «صلح برای الجلیل» نام‌گذاری کرده بودند، هیئت عالی رتبه نظامی ایران وارد سوریه شد که حاج احمد متوسلیان به عنوان یکی از مجربترین فرماندهان و کارشناسان نظامی در آن هیئت حضور داشت. با هماهنگی‌های انجام شده، احمد به تهران بازگشت و طی چند روز، با فراخوان هم‌زمان خود در پادگان امام حسین (ع)، حرکت به سوی لبنان را اعلام کرد و در ابتدای امر، به همراه پانصد نفر از داوطلبین لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص)، عازم سوریه شد و آنان را تحت عنوان قوای محمد رسول‌الله، در پادگان «زبدانی» واقع در نزدیکی مرز لبنان مستقر کرد. با تصمیم جمهوری اسلامی مبنی بر ورود به خاک عراق، قسمت اعظم قوای ایرانی مستقر در سوریه که به دلیل برخی مسائل جاری میان مسئولان سوری، هنوز موفق به رویارویی مستقیم با رژیم اشغالگر قدس نشده بودند، باید به ایران بازمی‌گشتند تا در عملیات بزرگ آتی که «رمضان» نام داشت شرکت کنند. با اخذ این تصمیم، مقرر شد که حاج محمد ابراهیم همت فرماندهی گروه باقی‌مانده در سوریه را برعهده بگیرد و حاج احمد به همراه دیگر اعضای لشکر تحت امر خود به ایران و جبهه‌های جنوب عزیمت کند. این امر هم‌زمان با ورود ارتش اسرائیل به بیروت و کشتار مسلمانان بی‌دفاع آن با همراهی حزب‌فalanژیست‌کتاب بود. احمد که قصد داشت پیش از بازگشت،

برای مشاهده خطوط اسرائیل در بیروت و تهیه گزارشی از وضع موجود آن، سفری به این شهر داشته‌باشد، تصمیم خود را با سفیر ایران در سوریه حجت‌الاسلام محتشمی‌پور در میان می‌گذارد و علیرغم مخالفت او با این عمل، با اصرار فراوان آماده حرکت به سمت بیروت می‌شود. این درست در زمانی بود که توپ‌های اسرائیلی کاخ «الیاس سرکیس» رئیس‌جمهوری لبنان را هدف قرار داده بودند و سفارت کشورهای دیگر از جمله ایران هم، با آتشبار توپخانه اسرائیل صدمات بسیاری دیده و بیروت میان نیروهای فالانژیست کتائب و اسرائیلی، تقسیم شده بود. سید محسن موسوی کاردار سفارت ایران در لبنان، زمانی که از تصمیم احمد برای عزیمت به بیروت مطلع می‌شود، با او همراه می‌شود تا خود را به سفارت ایران برساند و فکری برای کنترل آن درمیان خون و آتش بیروت بنماید. کاظم اخوان، خبرنگار و عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی، که مدتی در اوایل جنگ، فرماندهی عملیات ستاد جنگ‌های نامنظم دکتر چمران را نیز داشت و برای تهیه خبر و عکس چند روزی بود که وارد سوریه شده بود، نیز با اصرار برای ورود به بیروت، به این جمع پیوست و با اضافه شدن پاسدار تقی رستگار مقدم به عنوان راننده، که از اعضای موتوری لشکر محمد رسول‌الله و مورد اطمینان احمد متوسلیان بود، این گروه چهارنفره آماده حرکت به سمت بیروت گردید. قرار شد این هیئت دیپلماتیک با اسکورت پلیس لبنان - الدرک - خود را به بیروت غربی و سفارت ایران برسانند. به دلیل مسدود بودن راه اصلی بعلبک به بیروت، هیئت باید از جاده طرابلس و از سمت شمال لبنان و منطقه جونیه وارد شهر می‌شد. این مناطق در اشغال فالانژیست‌های مارونی حزب کتائب بود. علیرغم همه مشکلات، هیئت چهارنفره ایرانی، ظهر روز چهاردهم تیرماه سال ۶۱ پس از تعویض لباس در خانه حجت‌الاسلام سید عباس موسوی واقع در بعلبک، سفر بی‌بازگشت خود را آغاز می‌کنند. با گذشت ۲۴ ساعت از حرکت آنان، از سفارت ایران در بیروت خبر می‌رسد که هنوز هیئت به سفارت نرسیده است و سرانجام پلیس لبنانی همراه هیئت، بازگشت و خبر داد که در پست‌بازرسی فالانژیست‌ها واقع در

منطقه بر باره، هیئت را متوقف نموده و بازداشت کرده اند. سه روز بعد سفارت جمهوری اسلامی در بیروت با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که مشاور اول سفارت ایران در بیروت و سه تن از کارمندان سفارت، توسط نیروهای حزب کتائب ربوده شده‌اند. فردای آن روز، اتومبیل پلاک سیاسی حامل هیئت ایرانی، در یکی از محله‌های طرابلس که تحت نفوذ حزب بعث عراق به رهبری «عبدالمجید رافعی» بود، پیدا و لکه‌های خون روی صندلی‌های ماشین دیده می‌شد و پس از آن تا به امروز، کوچکترین خبر موثقی که حاوی اطلاعاتی از سرنوشت این افراد باشد، به دست نیامده است. خبر این آدم‌ربایی، طی روزهای ۱۶، ۱۷ و ۱۹ تیرماه از طریق جراید کثیرالانتشار به صورتی مبهم منتشر شد. در تاریخ ۲۷ تیرماه همان سال، دکتر ولایتی طی نامه‌ای به شفیق وزان نخست‌وزیر لبنان، تأکید کرد که دولت لبنان در زمینه ربوده شدن دیپلمات‌های ایرانی مسئولیت دارد و باید اقدامات جدی را برای آزاد کردن آنها به عمل آورد. همچنین افرادی چون نبیه بری و هاشم حسن رهبران جنبش امل، نیز اعلام کردند که برای آزادی گروگان‌های ایرانی تلاش خواهند کرد و آخرین خبری که در سال ۶۱ پیرامون دیپلمات‌های ایرانی به چاپ رسید، انتشار اطلاعیه مشترک نمایندگان مطبوعات و آژانس‌های خبری خارجی در تهران با عنوان «عکاس ایرانی را آزاد کنید» بود. این اطلاعیه که ۱۴ آژانس خبری از کشورهای کانادا، ژاپن، آمریکا، فرانسه، ایتالیا، انگلستان و لیبی آن را امضا کرده بودند، خواستار آزادی خبرنگار و عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی کاظم اخوان شده بود.

ه‌سال بعد، حجت‌الاسلام محتشمی‌پور سفیر سابق ایران در سوریه، طی مصاحبه‌ای مفصل با کیهان سال، برای اولین بار رسماً نام احمد متوسلیان را به عنوان یکی از گروگان‌ها فاش کرد و تمامی قضایای ورود نیروهای ایرانی به سوریه و حرکت هیئت دیپلماتیک به بیروت را به تفصیل شرح داد. اخبار گوناگون اما غیر موثقی در طول یک دهه پس از این آدم‌ربایی مبنی بر زنده بودن ایرانیان ربوده شده منتشر شد که هیچ‌کدام به تأیید نرسید. اخباری نیز حاکی از تحویل آنان به

ضمیمه‌ها □ ۴۷۱

رژیم اشغالگر قدس شنیده شد، اما اسرائیل تا سال ۹۹ که رسماً اعلام کرد ایرانیان ربوده شده در زندان‌های این رژیم نیستند - تلویحاً اطلاع از سرنوشت آنان را موکول به کسب خبری درباره ران آراد می‌نمود. در ۲۸ ژوئن سال ۹۶ براند اشمیت‌باور رئیس اداره اطلاعات آلمان، در مصاحبه‌ای با رادیو فرانسه مدعی شد که نقشه‌هایی از محل دفن گروگان‌های ایرانی دارد و می‌تواند آنها را در اختیار دولت ایران قرار دهد. همچنین در ۱۳ بهمن ماه سال ۷۶ منابع امنیتی تشکیلات خودگردان فلسطینی اعلام کردند که دیپلمات‌های ایرانی در سال ۹۲ پس از گذراندن سه سال حبس در زندان صرفند، به زندان نفحه منتقل شده‌اند. در همین سال احمد حبیب‌الله که خود را رئیس انجمن دفاع از زندانیان خارجی در فلسطین اشغالی معرفی می‌نمود، در مصاحبه‌ای گفت: «من از جانب اسرائیلی‌ها تأکید می‌کنم که دیپلمات‌های ایرانی ربوده شده در سال ۸۲ زنده هستند.» وی همچنین اعلام کرد که این افراد احتمالاً در زندان عتلیت به سر می‌برند. در همین ایام خبر رسید که یکی از فرماندهان نیروهای فالانژیست لبنان که در اروپا اقامت دارد، خاطرات خود را منتشر ساخته و مدعی شده است که دیپلمات‌های ایرانی به همراه جمعی از چریک‌های فلسطینی به دست نیروهای تحت امر او، در لبنان اعدام شده‌اند. با این حال، ایلی حبیقه فرمانده شبه‌نظامیان حزب کتائب و سمیر جعجع فرمانده نظامیان فالانژیست مستقر در شمال بیروت، که دیپلمات‌ها توسط نیروهای تحت امر او ربوده شده بودند، این موضوع را تکذیب کرده و مدعی شده‌اند که آنان را در سال ۸۲ تحویل اسرائیل داده‌اند.

در سال ۷۸ حجت‌الاسلام اختری سفیر سابق ایران در سوریه، طی مصاحبه‌ای با ماهنامه فکه اعلام کرد که گروگان‌های ایرانی یقیناً به شهادت رسیده‌اند. همچنین برخی از فرماندهان سابق سپاه مانند سردار محسن رضایی و محسن رفیق دوست، در گفت‌وگو با نگارنده، بر شهادت آنان تأکید داشتند. خانواده این چهار عزیز هم طی سال‌های ۶۹، ۷۳ و ۷۹ با سفر به لبنان و دیدار با مسئولان لبنانی، خواستار پی‌گیری وضعیت فرزندان خود شدند که تاکنون

نتیجه‌ای به دست نیاوردند. وزارت امور خارجه کشورمان هم طی این ۱۸ سال، تنها به صدور بیانیه در سالگرد اسارت دیپلمات‌های ایرانی اکتفا کرده است. امسال وارد نوزدهمین سالگرد اسارت سید محسن موسوی، احمد متوسلیان، تقی رستگار مقدم و کاظم اخوان می‌شویم. هرچند قرائن نشان‌دهنده شهادت این عزیزان است، اما شوق دیدار دوباره فرمانده سرافراز تیپ محمد رسول‌الله (ص) یعنی حاج احمد متوسلیان، اجازه نمی‌دهد که دلایل آشکار و قطعی این امر را باور کرد. به امید روزی که دوباره بوی طراوت حضور حاج احمد آن فاتح بزرگ خرمشهر و یاران همراهش به مشام همه آزادگان برسد.

بهار

ضمیمه ۲۶

۱۳۷۹/۵/۱۸

کاظم اخوان، خبرنگار دربند

گفت‌وگو با خانواده کاظم اخوان، خبرنگار ایرانی دربند صهیونیستها
– لطفا بیوگرافی کوتاهی از زندگی کاظم اخوان برای خوانندگان ما بیان کنید:

– کاظم در سال ۱۳۳۸ در مشهد متولد شد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به پایان رساند. از ابتدا به عنوان خبرنگار و عکاس جنگ عازم جبهه شد و در ستاد جنگ‌های نامنظم در کنار شهید چمران، لحظات ایثار رزمندگان را به تصویر کشید. کاظم در ۷۰ عملیات حساس و خطرناک جنگ حضور داشت، به همین دلیل توانست صحنه‌های بدیعی از گرماگرم نبرد حق علیه باطل را ثبت کند.

– چند بار و چه خبرهایی از سرنوشت ایشان به دست شما رسیده است؟
– در مورد وضعیت ایشان و همراهان‌شان خبرهای ضدونقیضی به دست ما رسیده است. در آن زمان خود منابع لبنانی، سمیر جعجع فرمانده

ضمیمه‌ها □ ۴۷۳

نیروهای فالانژ مدعی شده بود که این چهار نفر به دستور ایلی حبیقه کشته شده‌اند، از طرفی ایلی حبیقه هم ادعای سمیر جعجع را تکذیب و اعلام کرد که این چهارتن توسط سمیر جعجع تحویل اسرائیلی‌ها شده‌اند. البته در دیدارهایی که در چند مرحله، خانواده‌های اسرا با سمیر جعجع داشته‌اند، ضمن این‌که وی دچار تناقض‌گویی شده، هیچ‌گونه مدرکی تاکنون دال بر کشته شدن آنها ارائه نشده است.

— آخرین خبری که از کاظم به دست شما رسیده چه بوده است؟
— در سال ۱۳۷۷ احمد حبیب‌الله، که گذرنامه اسرائیلی دارد و به سرزمین‌های اشغالی رفت و آمد می‌کند، اعلام کرده که اطلاعات موثقی دارد مبنی بر این‌که این چهار ایرانی ربوده شده در زندان‌های مخفی اسرائیل نگه داری می‌شوند.

— به نظر شما آیا علت‌شخصی برای اسارت اینها وجود دارد؟
— علت‌شخصی در مورد اسارت اینها وجود ندارد، به علاوه بر طبق ماده ۲۵ کنوانسیون وین، دیپلمات‌ها و همچنین خبرنگاران مصونیت دارند و نباید بدون این‌که مرتکب جرمی شده باشند، دستگیر شوند. اسرائیل می‌داند سرانجام باید روزی از جنوب لبنان عقب‌نشینی کند، لذا این ۴ تن را از فالانژها تحویل گرفته تا در تبادل اسرا، به عنوان برگ‌برنده استفاده کند و سرنوشت آنان را به سرنوشت ران آراد، گره‌بزند.

— چه پی‌گیری‌هایی از سوی مسئولان ایرانی در رابطه با آزادی‌های آنها انجام شده است؟

— من لازم می‌دانم از طرف خانواده کاظم اخوان، از پی‌گیری‌هایی که در این سه چهار سال اخیر از سوی مسئولین صورت گرفته، تشکر کنم. خصوصاً از شخص رئیس‌جمهوری که اهتمام لازم را نسبت به این قضیه داشته‌اند و در زمینه حمایت از حقوق شهروندان در خارج از کشور، تغییراتی مثبت در وزارت امور خارجه به وجود آمده است، اما هنوز تحول اساسی در این مقوله صورت نگرفته است. امیدواریم که در پرتو یک عزم ملی، شاهد رهایی این عزیزان باشیم. البته

ما اقدامات انجام شده را کافی نمی‌دانیم اما نمی‌گوییم که کاری هم نشده است، ولی مؤثر نبوده اند.

— شما چه تقاضایی از مسئولان دارید؟

— هرچند که پدر و مادر کاظم اخوان، در طی این هیجده سال چشم انتظاری فرزندشان، دارفانی را وداع گفتند، اما ما به‌عنوان نزدیکترین افراد به کاظم، ضمن‌گلیه از بی‌توجهی مسئولان خبرگزاری جمهوری اسلامی نسبت به سرنوشت خبرنگار خود، از مسئولان ذیربط از جمله وزارت امور خارجه، مجلس شورای اسلامی، بخصوص کمیسیون سیاست خارجی و امنیت ملی که یکی از نماینده‌های شهر مشهد در آن عضویت دارد، با توجه به پیروزی مقاومت لبنان، از مردم و مسئولان لبنانی، می‌خواهیم حداقل دین خود را نسبت به این عزیزان که در بدترین شرایط که حتی سفارتخانه‌ها محل خود را تخلیه می‌کردند، جهت کمک و حمایت از مردم لبنان عازم آنجا شدند، ادا کنند.

— به نظر شما راهی برای کسب اطلاع از وضعیت اسرای ایرانی وجود دارد؟

— بله با توجه به اینکه این‌تن بر اساس اخبار موثق در اسرائیل نگه‌داری می‌شوند، مسئولان ایرانی و لبنانی می‌توانند در قالب یک کمیته مشترک ایرانی-لبنانی این موضوع را پی‌گیری کنند. از طرف دیگر، دولت لبنان با توجه به اینکه سمیر جعجع هم اکنون در زندان به سر می‌برد و ایلی حبیقه یکی از وزرای کابینه دولت لبنان است، رسماً اعلام کند که این چهارتن در لبنان بوده و تحویل اسرائیل شده اند.

— و سخن آخر؟

— کاظم اخوان، در جوانی بدون اینکه همسری اختیار کرده باشد، به لبنان رفت و دیگر بازنگشت. ۱۸ سال از آن روز می‌گذرد و امروز به‌یمن گرامی داشت روز خبرنگار، برای اولین بار از سوی روزنامه خراسان به سراغ خانواده او آمده‌اند و این را به فال‌نیک می‌گیریم، و امیدواریم دولت به یکی از وظایف دستگاه سیاست خارجی خود (که همانا حمایت و دفاع از حقوق شهروندان

ضمیمه‌ها □ ۴۷۵

ایرانی درخارج ازکشور است که متاسفانه هنوز ازتوجهی درخور وشایسته
بِنصیبمانده) توجه لازم را داشته باشد.
خراسان

ضمیمه ۲۷

شهریور ۱۳۷۹

کاظم اخوان خبرنگار نبود!!

فکه برای اولین بار افشامی کند: کاظم اخوان خبرنگار نبود، محمدحسین نواب
هم که در بوسنی شهید شد خبرنگار نبود، مهدی فلاح‌تپور هم که در لبنان بر اثر
بمباران هواپیماهای اسرائیلی تکه تکه شد، خبرنگار نبود!!
خبرنگاری که باید از او تجلیل شود، آن کسی است که به انواع جرم‌ها به زندان
افتاده باشد. خبرنگار قابل تقدیر، آن است که هر لحظه رنگ عوض می کند.
خبرنگار آن است که از روی دست خارجی‌ها دیکته می نویسد. خبرنگار آن است که
از بیگانگان دستخوش دریافت می دارد. خبرنگار آن است که در برابر
استعمارگران، تا زانو خم می شود. خبرنگار آن است که...
القصة، روز هفدهم مرداد ماه، به مناسبت سالروز شهادت مظلومانه
خبرنگار شهید محمود صارمی، از سوی همه جناح‌ها، مراسم مختلفی برگزار شد که
جالبترین آن آنجا بود که از خانواده‌های خبرنگاران که به جرایم مختلف
وبخصوص اقدام علیه امنیت کشور و انقلاب اسلامی به زندان افتاده اند، تجلیل
شد!!

والبته که عجیب نیست در این گونه مجالس، اسمی از کاظم اخوان، فلاح‌تپور
ونواب برده نشود. با این حساب، خبرنگار معصوم است. هر کار که کرد، حرمت
خبرنگاری اش محفوظ است. جاسوس هم که باشد، چون خبرنگار است، برای حضرات

قابل احترام و ستایش است. خائن به کشور که جای خود را ندارد. حال می خواهد در برلین، ارزش های انقلاب و بیست و دو سال رشادت و حماسه را به تمسخر بگیرد، یا این که در مطبوعات مرموز داخلی، به زدن تیشه به ریشه های اسلام و انقلاب پردازد. با این تعریفی که این روز از خبرنگار ارائه شد، باید با صدای بلند اعلام کرد:

نه اخوان خبرنگار بود، نه نواب، نه فلاح پور، نه حتی صارمی. خبرنگار فقط آن است که رادیو آمریکا و بی.بی.سی از او به نیکی یاد کنند و سنگش را به سینه بزنند!

ماهنامه فکه

ضمیمه ۲۸

تیر ۱۳۸۰

ناگفته ها درباره حاج احمد متوسلیان در گفت و گوی اختصاصی با حاج محسن رفیق دوست

— لطفاً از اولین برخورد و آشنایی تان با حاج احمد متوسلیان بگویید:

رفیق دوست: من اولین بار، زمانی با حاج احمد آشنا شدم که فرمانده سپاه مریوان بود. آن روز ما برای بازدید از منطقه رفته بودیم. در سپاه مریوان سراغش را گرفتم. دم در سپاه، من دیدم يك آقای ایستاده، پرسیدم که او اینجا چه می کند؟ گفتند: «او رئیس یکی از ادارات شهر مریوان است، صبح به صبح می آید اینجا، حاج احمد يك سیلی به او می زند و او می رود سرکارش.» در همین حین دیدم که حاج احمد آمد و يك چك به آن مرد زد، او هم رفت سرکارش. از حاجی پرسیدم که قضیه چي بود؟ حاج احمد گفت: «این بانیره های ضد انقلاب هم کاری داشته و حالا تا چند روز باید این جریمه را بکشد تا اصلاح شود.»

— درباره رفتن او به لبنان بگویید:

رفیق دوست: هنگامی که اسرائیل به لبنان حمله کرد، قرار شد تعدادی از نیروهای سپاه را به آنجا ببریم. من آن زمان مسئول تدارکات و پشتیبانی سپاه

ضمیمه‌ها □ ۴۷۷

بودم که به همراه عده‌ای به سوریه رفتیم. در دمشق، یک پادگان تهیه شد که آنرا تعمیر کردیم و اطلاع دادیم و اولین هواپیمایی که ۵۰۰ نفر نیرو سوارش بودند، آمد. من رفتم به فرودگاه برای استقبال از آنها، و وقتی از پله‌های هواپیما بالارفتم، دیدم حاج احمد دارد برای بچه بسیجی‌ها سخنرانی می‌کند. او می‌گفت: «ما آمده‌ایم تا اینجا پای کوه صهیون، جواب صهیونیست‌ها را بدهیم...»

یک سخنرانی‌گرایی کرد و بعد بچه‌ها پیاده شدند. حاجی نیروها را سازمان‌دهی کرد و من یکی دوبار در طی آن مدت، برگشتم ایران. یک روز توی سفارت ایران در دمشق بودیم. آن زمان آقای محتشمی‌پور، سفیر ایران در سوریه بود، که دیدم حاج احمد آمدتو. تقی رستگار هم با او بود. او اطلاعاتی از مناطق درگیر در لبنان می‌خواست. آنجا من خیلی به حاجی اصرار کردم و گفتم که نرو، ولی او گفت: «نه. من می‌خواهم بروم آنجا را باز دیدکنم و ببینم که اوضاع واحوال چگونه است... من به دل‌م برات شده که باید بروم.»

من از سفارت رفتم به پادگان‌زدانی که محل استقرار نیروها بود. وقتی برگشتم سفارت، گفتند که حاج احمد رفت. رفت که رفت. دیگر از او خبری نداشتیم که معلوم شد همراه آن سه نفر اسیر شده‌اند و تا امروز از سرنوشتشان خبری نیست.

– چه زمانی خبر اسارت حاج احمد را شنیدید؟

رفیق دوست: وقتی حاج احمد رفت و دیگر خبری از او نشد، فردایش خبردار شدیم به مکانی که قرار بوده در لبنان برود، نرسیده است. با بچه‌هایی که توی لبنان داشتیم، در جاهای مختلف مثل بقاع، بعلبک و در منطقه شیخ در بیروت، همه‌جا تماس گرفتیم ولی خبر مشخصی نشد. اول حدس زدیم که شاید برایشان اتفاقی افتاده باشد. فردا خبر آمد که یک گروه ایرانی به کمین فالانژها افتاده و دستگیر شده‌اند.

– پس از این که خبر اسارت حاج احمد آمد، چه عکس‌العملی صورت گرفت؟

رفیق دوست: خب خیلی فعالیت شد، ولی آن موقع توی لبنان جنگی بود بین اسرائیل و فالانژها از یک طرف، مسلمانها به پشتیبانی ایران و سوریه از طرف دیگر. مثل بچه‌هایی بودند که توی جبهه اسیر می‌شدند. خیلی نمی‌شد کاری کرد. بعدها که مقداری اوضاع ساکت شد، خیلی مذاکرات صورت گرفت، خیلی پی‌گیری‌ها شد، ولی چون هیچ‌کس خبر قطعی نمی‌داد که چه بلایی سر اینها آمده است، تا الان هم که یک خبر دست‌اول نبود. مثلاً آخرین خبری که دو سال پیش داشتیم، سمیر جعجع می‌انداخت گردن ایلی حبیقه، او هم می‌انداخت گردن یکی دیگر. ولی بعضی از نیروهای فالانژ که گیر بچه‌های ما افتاده بودند، این‌طور مطرح می‌کردند که خیلی قابل اعتماد نیست. یکی از این فالانژها می‌گفت: «وقتی اینها گیر ما افتادند، یکی از آنها مقاومت کرد و درگیر شد که همانجا کشتیمش.» ولی بعدها بچه‌هایی که از زندان‌های اسرائیل آزاد می‌شدند، می‌گفتند: «چهار ایرانی آنجا با هم بودند که نمی‌گذاشتند کسی آنها را ببیند.» حاج احمد کسی نبود که اسیر شود.

– قضیه خلبان اسرائیلی ران آراد چیست که اسرائیل گاهی مدعی می‌شود اگر ایران خبری از آراد بدهد، آنها از گروگان‌های ایرانی خبر می‌دهند؟
رفیق دوست: بی‌خود می‌گوید. اخباری که ما داریم، قطعاً ران آراد در همان‌جا کشته و در همان لبنان دفن شده است. آن راهم ما تحقیق کردیم. اصلاً مصطفی دیرانی و شیخ عبدالکریم عبید را هم به همین بهانه دزدیدند و بردند. دیرانی خبر داشته و همه چیز را بهشان گفته است. آنها می‌خواهند از آراد به عنوان یک اهرم فشار استفاده کنند. اینها ادعا می‌کنند که ران آراد ایران است، در حالی که من خودم توی بیروت و دمشق پرسیدم. تنها کسی هم که بیشترین خبر را داشت، همین مصطفی دیرانی است که الان توی دست اسرائیلی‌ها اسیر است. این‌که می‌گویند اگر از آراد خبری داده شود، آنها از گروگان‌های ایرانی خبر می‌دهند، یک ادعای بی‌خود است. چون ران آراد در همان لبنان کشته شده، اینها فوقش می‌گویند که گروگان‌های ایرانی هم کشته شده‌اند

ضمیمه‌ها □ ۴۷۹

و در فلان‌جا دفن‌هستند. بیش‌از این‌که به ما خبر نمی‌دهند، آن‌هم اگر بخواهند بگویند.

– کسی خبر قطعی از شهادت چهار گروگان ایرانی داده‌است؟
رفیق دوست: دوسه‌بار خبرهایی داده‌اند. مثلاً همین سمیر جعجع، ولی چون اینها آدم‌های مطمئن و قابل‌اعتمادی نیستند، نباید به حرفشان اعتنا کرد. آنها برای این‌که خودشان را راحت‌کنند، می‌گویند که آنها کشته‌شده‌اند. فعلاً هم ایلی حبیقه و سمیر جعجع این قضیه را به‌گردن همدیگر می‌اندازند. بعد هم که همان اوایل تحقیقات میدانی شده بود، می‌گفتند یکی از گروگان‌های ایرانی تیرخورده و وقتی گیر می‌افتاده مجروح شده، حالش هم وخیم بوده که به شهادت رسیده‌است. اگر فرضاً اینها را کشته باشند، بعدها بوده نه همان‌جا که به دام افتادند. حداکثر یکی‌شان کشته‌شده که معلوم نیست کدام بوده. همه‌اش حدس و گمان است. کسی هم نمی‌تواند محکم بگوید که حالا احتمالاً کشته‌شده‌اند.

– ظاهر آخانواده سید محسن موسوی اسنادی دارند که زنده بودن آنها را نشان می‌دهد. آنها چیست؟

رفیق دوست: من برادر موسوی را که توی وزارت خارجه پی‌گیر ماجرا بود، دیدم و به او گفتم که اگر چیزی داری بده ما هم ببینیم، او گفت که هنوز کسی مدرک قطعی نداده و همه‌اش همین حرف‌هایی‌است که از قول بعضی‌ها شنیده می‌شود. به نظر من سرنوشت حاج احمد اینها مثل شهید «محمدجواد تندگویان» شده. تندگویان اسیر شده بود و چند سال دست‌عراق بود، ولی آخر سر جنازه‌اش را به ایران دادند. همه او را در اسارت دیده بودند و حتی با او صحبت کرده بودند.
ماهنامه فکه

ضمیمه ۲۹

تیر ۱۳۸۰

صریح و بی‌پرده هرآنچه درباره گروگان‌ها گفته نشده در گفت‌وگوی اختصاصی با سیدرائد موسوی

– ضمن تشکر از شما که دعوت ما را پذیرفتید و در این گفت‌وگو شرکت کردید، به عنوان اولین سوال برای ما از اقدام‌هایی که پس از به اسارت درآمدن پدر شما و همراهانش انجام شده بگویید:

– چندماه پس از اسارت این عزیزان، خانواده‌های گروگان‌ها ملاقاتی با رئیس‌جمهوری که آن زمان حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای بود، داشتند که ایشان همان موقع دستور مستقیم را برای پی‌گیری این قضیه، به وزارت خارجه دادند که حتی تأکید شدیدی هم داشتند. از همان زمان وزارت خارجه، در ایران و لبنان در همه جوانب سیاسی-دیپلماتیک پی‌گیری‌های زیادی کردند که دستشان دردنکند نمی‌شود حق را زیر پا گذاشت. آن‌اوائل خیلی پی‌گیری‌ها شد و نتایج زیادی هم به دست آمد. حتی مرحله‌ای به تبادل هم رسیدند که برحسب اتفاق در محلی که قرار مبادله گروگان‌ها را گذاشته بودند، در آن ساعت درگیری پیش آمد و مبادله به هم خورد. این ماجرا مال چندسال پس از اسارتشان است. براساس مدارکی که داریم، دقیقاً مشخص شده که آنها را اول کجا بردند، در کدام زندان بودند و حتی در فلان زندان شکنجه زیادی شدند. بعدها که جنگ در لبنان تمام شد، همه اینها شدند مردم عادی و اطلاعات را دادند که کجا بودند. حتی در زمانی که در یکی از زندان‌ها بوده‌اند، زندانبان‌ها حاضر شده بودند مبلغی پول بگیرند و آنان را آزاد کنند، که قرار بود در زمان انتقال گروگان‌ها به زندانی دیگر، این کار انجام شود که ظاهراً، هم طرح آنان لومی‌رود و هم در منطقه مورد نظر درگیری رخ می‌دهد. ظاهراً سال ۱۹۸۷ میلادی (۱۳۶۶) اینها به اسرائیل منتقل شده‌اند که از آن به بعد دیگر راه اطلاعاتی در دسترس نبود که از آنها خبری کسب شود، که از آن به بعد پی‌گیری ما هم شل شد و می‌شود گفت قطع شد. تا سال ۱۳۶۹ پی‌گیری‌ها به هر روشی ادامه پیدا کرد از آن به بعد دیگر پی‌گیری‌ها ادامه پیدا نکرد. ما خودمان به عنوان خانواده‌ها، تا سال ۶۹ که اسرای ایرانی از چنگال عراق آزاد شدند، چیزی نمی‌گفتیم، چون

وجدان‌مان اجازه نمی‌داد تا زمانی که اسرای ما در عراق هستند، ما خیلی روی قضیه این چهار نفر پافشاری کنیم و از حکومت طلبی داشته باشیم. ولی سال ۱۳۷۰ که دیگر اسرا آزاد شده بودند، همه خانواده‌های گروگان‌ها، با هم سفر مفصلی داشتند به لبنان، سوئیس، سازمان ملل و چند کشور دیگر که گروگان‌های غربی آنها در لبنان آزاد شده بود. متأسفانه الان آن‌چنان که انتظار می‌رود، وزارت خارجه و ارگان‌های دیگر پی‌گیری نمی‌کنند.

– آیاشما باشخصی به‌نام احمد حبیب‌الله که گفته می‌شود رئیس جمعیت دوستداران زندانیان فلسطینی است و مدعی شده که دیپلمات‌های ایرانی در زندان‌های اسرائیل زنده هستند، دیدار یا گفت‌وگویی داشته‌اید؟

– مقرر تشکیلات آنها در شهر ناصره فلسطین اشغالی است و ما هیچ گفت‌وگویی با او نداشته‌ایم، ولی خبرگزاری جمهوری اسلامی، هنگامی که احمد حبیب‌الله در اردن بوده، با او مصاحبه‌ای داشته، که او هم حرف‌های گفته شده خود را تایید کرده است. من می‌خواهم این را بگویم که خود احمد حبیب‌الله مقررشان در ناصره است، جایی که متعلق به فلسطینیانی است که از قبل از سال ۱۹۴۷ میلادی (۱۳۲۶) آنجا بوده‌اند، یعنی اعراب اسرائیلی به حساب می‌آیند. حالا کسی که عرب اسرائیلی محسوب می‌شود و رئیس یک تشکیلات است، بیاید حرفی بزند، یعنی اسرائیل دارد این حرف را می‌زند. حالا او آمده گفته من اسم ایرانی‌ها را در لیست اسرائیلی‌ها دیده‌ام، ولی متأسفانه دولت ما هیچ پی‌گیری نکرده است.

– ظاهراً احمد حبیب‌الله اسامی ایرانی‌ها را نگفته؟

– بله فقط گفته یک سری ایرانی آنجا هستند.

– آیاشما تا به حال پی‌گیری کرده‌اید که از وزارت خارجه بپرسید اسامی ایرانی‌هایی که گفته می‌شود در اسرائیل هستند، چیست و چه خبری از آنها هست، یا این‌که آن فلسطینی که در لندن مدعی شده هنگامی که در اسارت اسرائیل بوده، گروگان‌های ایرانی را دیده است، کیست؟

– ما هم خیلی دلمان می‌خواهد اینها برای‌مان روشن شود، ولی ما که نمی‌توانیم برویم لندن که آن فلسطینی را ببینیم یا برویم اسرائیل احمد حبیب‌الله

راببینیم. ما هر سال به وزارت خارجه گوشزد مي‌کنیم براي پي‌گيري، آنها هم مي‌گویند چشم، ما پي‌گيري مي‌کنیم و... بعد يادشان مي‌رود. ظاهراً بايد مسئله چهارديپلمات براي جمهوري اسلامي مسئله مهمي باشد.

– شما فکرنمي‌کنید مسئله خاص ديگري درميان باشد؟ مثلاً اوائل فروردين امسال، آقاي خرازي در سفري که به لبنان داشت، با کوفي عنان دبیرکل سازمان ملل که در آنجا بود گفت و گو کرد و حتي وقتي او درباره اسراي اسرئيلي در دست حزب الله تاکيد کرد، آقاي خرازي هم مسئله گروگان‌هاي ايراني را پيش کشيد و يا سيدحسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان، يکي از شروط براي آزادي اسراي اسرئيلي را، آزادي همه گروگان‌ها از جمله چهارديپلمات ايراني اعلام کرد، ولي اين اخبار کوچک‌ترين انعکاسي در رسانه‌هاي خبري جمهوري اسلامي نداشت، فکرمي‌کنید چه علتی داشته باشد؟

– دليلش مي‌تواند اين باشد که حال ندارند و يا سود و ضرر خاصی براي شان ندارد. متأسفانه الان هرچيزي بايد يك سودي براي فرد داشته باشد تا رويش کار کنند. يا سود حزبي داشته باشد، يا نامي، که مثلاً اين که بگویند در زمان فلاني رابطه ايران با انگليس خوب شد.

– خب شما فکرنمي‌کنید اگر الان دولت آقاي خاتمي اين قضيه را پي‌گيري کند و به نتيجه – هر نتيجه‌اي که مي‌خواهد باشد – برساند، به نفع ايشان تمام مي‌شود و براي دولت ايشان يك امتياز مثبت محسوب مي‌شود که مشکلي بيست ساله را توانسته حل کند و به سرانجام برساند؟

– فکرنکنم آزادي چهار نفر چندان مهم باشد.

– چرا، آزادي چهارديپلمات ايراني پس از بيست سال، توسط هرکس که انجام شود، براي او يك امتياز مهم و مثبت تلقي مي‌شود آن هم در سطح عموم مردم که مثلاً فلاني توانست قضيه گروگان‌هايي را که بيست سال بلاتکليف بود، با درايست و سياست و پي‌گيري‌هاي قاطع حل کند.

– من از اول با همه کسانی که پي‌گيري اين مسئله بوده‌اند، ارتباط داشته‌ام. در بين خانواده‌هاي گروگان‌ها هم بيشترين رابطه را من با اين افراد

داشته‌ام، ولی این چیزی که من می‌بینم این است که اینها دل به‌کار نمی‌دهند یعنی جزو اولویت کاری‌شان نیست.

– فکر نمی‌کنید دیدگاه آنان روی شهادت گروگان‌ها باشد؟

– چرا ممکن است برای خالی‌کردن شانه‌خود از زیر بار مسئولیت، این‌نظر را داشته‌باشند. ببینید، تنها دلیلی که برای شهادت اینها هست، این است که مجلس شورای اسلامی یکنامه به دولت آمریکا داده است که وضعیت گروگان‌های ایران را مشخص کنید، که آنها هم جواب داده‌اند که: «ما قضیه را پی‌گیری کرده‌ایم، ولی اطلاعات ضدونقیضی به دست آمده، یکی می‌گوید زنده هستند، یکی می‌گوید کشته شده‌اند، استنباط ما از این اطلاعات این است که اینها کشته شده‌اند ولی باز هم این معلوم نیست. ما هم خیلی متأسفیم و ابراز همدردی با خانواده‌های آنان می‌کنیم و در پایان هم توجه جمهوری اسلامی ایران را به ناپدید شدن سرهنگ هیگینز در لبنان جلب می‌کنیم.»

این‌نامه را من دارم. دلیلی هم که برای کشته شدن می‌آورند، یک عکس هوایی ماهواره‌ای است از یک گورستان دست‌جمعی در بیروت که عکس خیلی هم مبهم است و می‌گویند که جنازه اینها اینجا است. البته عکس را ما ندیده‌ایم فقط شنیده‌ایم. اینهایی که می‌گویند گروگان‌ها کشته شده‌اند، همه می‌گویند همان اوائل کشته شده‌اند، در صورتی‌که بنا بر اظهار آقای محتشمی – سفیر وقت ایران در سوریه – چند سال بعد از اسارت، نیروهایی از فالانژها گرفته بودند که ما حاضریم با اخذ چند میلیون دلار، فقط سید محسن موسوی را آزاد کنیم و بقیه را آزاد نمی‌کنیم. که آقای محتشمی گفته بود یا همه گروگان‌ها را با هم آزاد می‌کنید یا هیچی. بعضی‌ها می‌گویند که فالانژها نیت‌شان این نبود که اینها را مفصل بگیرند و نگه دارند، فقط خواسته‌اند حال‌شان را بگیرند و ول‌کنند، ولی بعد که متوجه شدند حاج احمد پیش‌آنهاست، کار بیخ پیدا کرده است. که بعد درگیری می‌شود و یکی از آنها کشته می‌شود که می‌گویند حاج احمد بوده و از آن به بعد کار خیلی بیخ پیدا می‌کند. چون اگر چهارتای‌شان بودند، می‌توانستند آزادشان کنند ولی وقتی یکی از آنها

کشته شده، باعث شد که کار تا اینجا ادامه پیدا کند. يك لبناني هم هست که سوار بر ماشین «هوندا»، ظاهراً پشت سر ماشین‌گروگان‌ها بوده که در پست‌بازرسی بر باره شاهد ماجرا بوده، او يك گزارش از شرح و دستگیری آنها نوشته است. اسم او رانمی‌دانم ولی می‌شود پیدا کرد. او گفته که موسوی را از بنز سیاسی سفارت پیاده کرده و به يك ماشین «رنجور» دیگر برده اند و بعد يك نفر پشت فرمان ماشین آنها نشسته و راه افتاده اند. ماشین‌ها با هم حرکت می‌کنند که در منطقه‌ای از هم جدا می‌شوند، یکی می‌رود به کوهستان و دیگری به جای دیگر که ماشین اسکورت لبنانی تا آنجا با آنها بوده. از آنجا بی‌سیم می‌زند به فرماندهی‌شان که می‌گویند شما برگردید. این که آنها چي شدند، همان فرداي حادثه ماشین‌شان کنار مقر حزب بعث عراق در شهر طرابلس لبنان پیدا شد که بعد بی‌سیم می‌زنند و ایران از رئیس‌جمهوری لبنان خبر می‌گیرد، که او می‌گوید ما خبر داریم که آنها زنده هستند و تافردا برمی‌گردند. بعد اینها منتظر می‌مانند که برگردند، تماس می‌گیرند که چرا برنگشتند، می‌گویند احتمالاً راه شلوغ بوده رفتند بعلبک که از آن طرف بیایند. يك هفته گذشت و نیامدند. آخرش بعد از كلي‌تعلل گفتند ببخشید. شاید این وقت تلف کردن برای این بوده که آنها را به جای خاصی منتقل کنند. ما در تهران دیداری با خاویر پرزد کوئیار دبیرکل سابق سازمان ملل داشتیم و قرار شد که ایشان برود آنجا و ماجرا را پی‌گیری کند. حتی آقای کمال خرازی آن زمان که نماینده ایران در سازمان ملل بود، خیلی زیاد مسئله را پی‌گیری کرد. ظاهراً برنامه سازمان ملل طوری بود که وعده‌های دکوئیار در آخرین روزهای ریاستش بود. چون او که عوض شد، پی‌گیری قضایا هم مسکوت ماند.

– اینها که می‌گویند گروگان‌ها شهید شده اند، چه دلایلی برای این حرف خود دارند؟

– دلیل‌شان يك عکس‌هوایی از محل دفن چند جنازه است. خودایلی حبیقه وقتی که با او صحبت کردیم، می‌گفت آن زمان برای ما، ایران مثل «سریلانکا» بود، یعنی این که گروگان‌هایش را بکشیم، برای ما مهم نبود، ولی من هیچ دستوری

مبنی بر کشتن آنها نداده‌ام. يكقولي هم مثلاً می‌گویند درماشین اینها چندصد هزار دلار پول بوده. البته این يك قولضعيفي است ولي همین‌ها چیزی است که ممکن است جنبه دیگری به‌ما اجرا بدهد. هیچ دلیل مشخص برای شهادت اینها به مانده‌اند. مثلاً بگویند این جنازه‌شان است و آزمایش کرده‌ایم و تایید شد، خب ما هم می‌پذیریم اگر این‌طوری باشد. تازه، همین‌که می‌بینیم اینها ۲۰ سال شکنجه نشده‌اند و همان‌اول شهید شده‌اند که بهتر است، ولي احساس من این است اینها که می‌گویند شهید شده‌اند، می‌خواهند از زیر بار مسئولیت شانه‌خالی‌کنند و خودشان را راحت‌کنند. حتی کبرا هم که با شبکه تلویزیونی الجزیره مصاحبه می‌کرد، خبرنگار از او پرسید که گروگان‌های ایرانی چی شدند، او گفت کشته شدند، خبرنگار گفت: تو خودت دیدی که کشته شدند؟ او گفت: نه! منتها کشته شده‌اند. ولي من ندیده‌ام. می‌گویند کشته شدند. يك‌گزارش هم پلیس لبنان تهیه کرده که می‌گویند ما اینها را کشتیم بردیم انداختیم توي محلول آهک که نابود شوند. بعد از توي آهک در آوردیم بردیم انداختیم توي بیابان. این خودش سوال پیش می‌آورد که کی بوده که توي همه مراحل بوده و حالا تعریف کرده. آن موقع که آنها این قدر برای‌شان اهمیت نداشتند که بخواهند جنازه‌های‌شان را بیندازند توي آهک تا از بین برود. سمیر جعجع گفت ما همان‌اول آنها را کشتیم. این خودش کسی است که آنها را دستگیر کرده. یکی دیگر هم بود که اسمش راجو عبدو است. او الان کانادا است. او اطلاعات زیادی دارد، توي جلسه‌ای که ما در لبنان داشتیم، همین راجو عبدو بود و ما با او صحبت کردیم. البته آن موقع او چقدرت فالانژها بود. شاید به همین خاطر خیلی چیزها رانمی‌گفتند. حالا دیگر قدرتی ندارند. الان همین راجو عبدو در لبنان تحت تعقیب است که فرار کرده رفته کانادا. در صحبت‌هایی که با آنها بود، هر کدام قصه متفاوتی تعریف می‌کردند. سمیر جعجع گفت ما آنها را کشتیم. گفتیم جنازه‌شان کجاست؟ گفت همان‌جا کفن‌شدان دفن‌شان کردیم. گفتیم خبر رویم جای آنها را ببینیم. گفت نه، چون بعدش پشیمان شدیم، گفتم شاید جنازه‌های‌شان اینجا پیدا شود،

آنها را درآوردیم بردیم انداختیم توی «چاه طرابلس» که می‌گویند چاهی است در شهر طرابلس که اجساد زیادی آنجا افتاده. گفتیم خبرویم چاه طرابلس را ببینیم، گفت بعد باز پشیمان شدیم، آنها را از چاه درآوردیم انداختیم توی بیابان که مثل این‌که حیوانات وحشی آنها را خوردند. در طی مراحل انتقال گروگان‌ها، آدم‌های مختلفی بوده‌اند که حالا یا پول گرفته‌اند یا به لحاظ‌های دیگر، اطلاعات را می‌دادند که آنها در کدام زندان هستند. نام زندان‌هایی که آنها منتقل شده‌اند حلاله است. مثلاً اول در زیرزمین حزب‌کتائب بوده‌اند، بعد برده‌اند به زندان آدونیس. حتی آن موقعی که رفتیم پهلوی سمیر جعجع، یک مشخصاتی برای ما می‌دادند شاید می‌خواستند بفهمانند که آنها زنده هستند. حتی سمیر جعجع می‌خواست خیلی دوستانه با ما برخورد کند. حتی زنش را هم در ملاقاتی که خانواده گروگان‌ها با او داشتند، آورده بود که مثلاً خیلی ما را تحویل بگیرد. حتی وقتی دیر کرده بود، تماس گرفت و کلی عذرخواهی کرد که الان می‌آیم. مشخصاتی که از پدرم می‌داد، می‌گفت لاغر بود و چهره‌اش سبزه بود. در حالی که پدرم لاغر نبود، سبزه هم نبود. احتمالاً آخرین صحنه‌ها از چهره پدرم را تعریف می‌کرده یا مثلاً خصوصیات اخلاقی‌اش را می‌گفت که خیلی آدم باشخصیتی بود و... خب حالا شما که ادعا می‌کنید همان اول او را کشته‌اید، خصوصیات اخلاقی او را از کجا می‌دانی؟ یا مثلاً می‌گفت یک دعای قشنگی می‌خواند. چون پدرم مداومت بر خواندن دعای توسل داشت. ظاهراً در زندان آدونیس خیلی مفصل آنها را شکنجه کرده‌اند که زندانبان‌ها دعای توسل خواندن پدرم را در آنجا نقل کرده‌اند. بعد از آنجا، آنها را برده‌اند به یک زندان در جبل. سرانجام هم به جاهایی منتقل شده‌اند که دیگر خبری از آنها نیست. پهلوی ایلی حبیقه هم رفته بودیم. سال گذشته. اسم یک زندان هم اوگفت که مدعی شد گروگان‌ها آنجا بودند. یک زندانی در روستای «طرطج» آنجا زندان مخفی جعجع بوده، ظاهراً رفته‌اند گشته‌اند، خانه‌ای که مثل زندان بوده پیدا کرده‌اند. ایلی حبیقه گفت بروید بگردید شاید روی دیوارها دست نوشته یا چیزی پیدا کنید.

– شما خودتان رفتید که این ماجرا را پی‌گیری کنید؟
– ما یک مدت خیلی پی‌گیری کردیم که دوستان لبنانی بروند آنجا را ببینند، ظاهراً آنها هم ترسیده‌اند. چون آن منطقه مسیحی‌نشین است و بچه مسلمان‌ها نمی‌توانستند آنجا بروند. ظاهراً بعدها که بچه‌ها رفته‌اند، زندان را پیدا کرده‌اند ولی به ما گفتند که هیچ‌نوشته‌ای روی دیوارها نبوده. من دقیقاً در کم و کیفش نبودم. یک کلیدگنده این قضیه دست‌سوریه است، کلید حل اصلی. ایلی حبیقه آدم سوریه‌ای‌هاست. همین‌که تا الان کشته نشده، به خاطر حمایت سوریه‌ها بوده. سمیر جعجع هم در زندان وزارت دفاع لبنان است که اجازه‌اش دست‌سوریه است. خب اگر این دوتا را با هم روبه‌رو کنند، خیلی مسائل معلوم می‌شود. چون این دوتا، ماجرا را گردن هم‌دیگر می‌اندازند. اگر سوریه بخواهد، می‌تواند قضیه را روشن کند.

– آیا در محاکمه سمیر جعجع که به جرم جنایات خاص در لبنان انجام شد، قضیه گروگان‌های ایرانی هم به عنوان اتهام مطرح شد؟

– ما آن زمان با آقای ولایتی هم دیدار کردیم. ما را معرفی کرد به آقای «محمد هاشمی» که معاون‌شان بود. قرار شد وکیل انتخاب کنیم. حتی آن موقع روزنامه‌کیهان مقاله‌های تن‌دی هم می‌نوشت. مثلاً نوشته بودند نمی‌خواهید وکیل انتخاب کنید، می‌گفتید خانواده گروگان‌ها وسایل زندگی‌شان را می‌فروختند وکیل می‌گرفتند. حتی وکیل انتخاب شد ولی باز کار به جایی نرسید.

– فکر می‌کنم شما را از پی‌گیری قضیه خسته کرده باشند؟

– ببینید، یک چنین کاری باید یک نظام داشته باشد. مثلاً یک بخش در وزارت خارجه تشکیل شود که فقط کارش پی‌گیری این قضیه باشد. کارش این باشد. حقوق کارمندی‌اش را برای همین کار بگیرد و مدام پی‌گیر باشد. تا کی باید خانواده‌ها پی‌گیر باشند؟ مگر این مشکل دولت جمهوری اسلامی نیست؟!

– از این‌که در این گفت‌وگو شرکت کردید خیلی متشکریم و امیدواریم هرچه زودتر خبری قطعی درباره پدر شما و هم‌زمان و همراهانش برسد.
– من هم از شما متشکرم.

ضمیمه ۳۰

تیر ۱۳۸۰

چه کسی از گروگان‌ها خبر دارد؟

اخیراً کتابی با عنوان «پس از بحران» که مجموعه‌ای است از خاطرات و روزنوشته‌های حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی‌رفسنجانی از سال ۱۳۶۱، منتشر شده است. اولین چیزی که مهم جلوه می‌کرد، خاطرات ایشان از گروگان‌گیری حاج احمد متوسلیان و همراهانش در لبنان بود. متأسفانه هنگامی که روزهای تیرماه این کتاب را زیرو رو کردیم، به‌تنها چیزی که برنخوردیم، اخباری از اسارت گروگان‌های ایرانی بود. جالبتر این‌که در بخشی از همین کتاب، ترور یک مسئول فلسطینی به عنوان خبری بسیار مهم تلقی شده است ولی...

چندی پیش کتاب «به سوی صلح» مجموعه خاطرات «خاویر پرزد کوئیار» دبیرکل اسبق سازمان ملل متحد، منتشر شد که بخشی از آن مربوط به گروگان‌های خارجی در لبنان بود. آن بخشی که دکوئیار دیدار خود با هاشمی‌رفسنجانی و پی‌گیری مسئله گروگان‌ها را نوشته است، بسیار خواندنی است:

«پاسخ رفسنجانی کمکی نکرد. او گفت که مدت‌هاست که ایران هیچ تماسی با آنها که گروگان‌ها را در اختیار دارند، نداشته است. آنها حزب‌الله نیستند. نشانی مشخص ندارند که بتوان آنها را پیدا کرد. در چند روز اخیر، آنها به تهران اطلاع داده بودند که تا زمانی که شیخ عبید آزاد نشده است، آنها آماده گفت‌وگو برسر این موضوع نیستند. رفسنجانی بر این نکته پای می‌فشرد که آمریکایی‌ها دارایی‌های ایران را بدون اساس قانونی توقیف کرده‌اند، اما انتظار دارند ایران در موضوعی که هیچ‌علاقه‌ای به آن ندارد، مداخله کند. او گفت: «ما همچنین نگرانی‌های داخلی خود را داریم. از نظرم، برای کمک

به ایالات متحده نشانه‌هایی لازم است که آنها دست‌از‌فتنه‌های بی‌دلیل خود علیه‌ما برداشته‌اند.» رئیس‌جمهوری اضافه‌کرده بود که از ایران هم گروگان‌هایی در لبنان هستند. او گفته‌بود که بوش می‌تواند به مارونی‌ها (یک‌گروه مسیحی که با شیعیان درستی‌بودند) فشار وارد کند. خلاصی گروگان‌های ایرانی می‌تواند به‌عنوان یک‌انگیزه تلقی‌شود. رفسنجانی به‌سردی با این‌جمله به‌گفت‌وگو پایان‌داد که تنها با انتقال این‌پیام از سوی «پیکو» به‌دلیل احترامی‌که برای دبیرکل قائل‌است موافقت کرده‌است. ایران انتظار دارد دبیرکل گام‌های محکم‌تری برای اجرای قطع‌نامه ۵۹۸ شورای امنیت بردارد که شرایط پایان‌جنگ عراق و ایران را فراهم‌آورد. پاسخ رفسنجانی بی‌درنگ به‌وسیله ژنرال «اسکو کرافت» به‌بوش منتقل‌شد. کمی پس‌از آن، خواستار آن‌شدم که به‌عنوان پاسخی به‌رهبری ایران، ۱۹ ایرانی که در لبنان نگهداری می‌شدند، به کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ تحویل‌شوند. من همچنین در کنفرانس جنبش عدم‌تعهد در بلغراد در چهارم سپتامبر، موضوع را به‌ولایتی وزیر خارجه ایران اطلاع‌دادم. ولایتی هیچ‌گونه هیجانی به‌خاطر این‌خبرها بروز نداد. ولایتی از علائق سیاسی و چهار دیپلمات ایرانی دیگر که در بیروت رپوده شده بودند سخن‌گفت.

در کنار پیامی که من به رئیس‌جمهوری رفسنجانی انتقال‌دادم و آزادی ۱۹ ایرانی‌زندانی در لبنان به‌مثابه یک‌علامت تا آنجا که می‌دانم، در دوره بوش، هیچ پیشنهادی برای ترمیم اوضاع در جهت کسب آزادی گروگان‌ها صورت‌نگرفت. اسرائیلی‌ها تحقیقاتی را به‌خاطر چهار دیپلمات ایرانی که وزیر خارجه ولایتی پیش‌از این نگرانی‌خود را درباره آنها بیان کرده‌بود، انجام‌دادند. براساس اطلاعات آنها، دیپلمات‌ها بلافاصله پس‌از رپوده‌شدن در سال ۱۹۸۲ کشته شده‌بودند. سرویس اطلاعاتی اسرائیل تصاویر گزارش‌هایی را که باید به ایران داده می‌شد تا آنچه را اسرائیلی‌ها اعتقاد داشتند برسر دیپلمات‌ها آمده است، بشکافند، فراهم‌آوردند.

در ژنو اطلاعاتی درباره چهاردیپلمات ایرانی که اسرائیلی‌ها آن را فراهم کرده بودند دادم. من [به هاشمی‌رفسنجانی] گفتم که اسرائیل مبادله‌ای برای مردم خود را خواهان است. موضوع‌های گروگان‌های غربی و سربازان مفقود شده اسرائیلی به آن دشواری نبودند. پس از آن مستقیماً خواستار آن شدم که ایران در صورتی که می‌تواند، زمینه آزادی گروگان‌های باقی‌مانده غربی را فراهم کند. پاسخ رفسنجانی چیزی مبهم بود که به نظر می‌آمد با آنچه پیش از این می‌گفت، در تناقض بود. او گفت: «پس از آزادی گروگان‌های بیشتر، دیگران آزاد می‌شوند.» این پس از دریافت اطلاعات کامل از سوی اسرائیلی‌ها درباره اجساد بود. پس از همه اینها، اگر آمریکای خواهان گسترش روابط با ایران است، باید دارایی‌های توقیف شده ایران را آزاد کند. درخواست آخر رفسنجانی به گونه‌ای بود که من گروگان‌های ایرانی را در گفت‌وگو بر سر موضوع فراموش نکردم. روشن بود که او خبر ندارد که من اطلاعاتی را که اسرائیل درباره کشته‌شدگان آنها در اختیارم قرار داده است، به ایران آورده ام و در طول اقامت در تهران، ملاقاتی با خانواده‌های آنها ترتیب داده ام تا موضوع را به آنها اطلاع بدهم و هم‌دردی خود را ابراز دارم.

ماهیانه فکه

ضمیمه ۳۱

۱۳۸۰/۴/۱۱

بیست‌سال است که چشم انتظاریم

شامگاه یکشنبه سوم تیرماه، کوچه‌پس‌کوچه‌های یکی از محله‌های قدیمی خیابان آذر (طالقانی) شهر قم را در می‌نوردیم و در آستانه بیست‌مین سال اسارت چهاردیپلمات ایرانی به دست نیروهای صهیونیستی، به دیدار خانواده محمدتقی رستگار مقدم یکی از چهارگروگان اسیر ایرانی- نائل می‌آیم. پدر، قامتی خمیده دارد و قلبی بیمار، چراکه سال‌های سال چشم‌به‌راه پسرش نشسته.

ضمیمه ها □ ۴۹۱

تصاویر زیبای تقی و محسن که در روزهای انقلاب به شهادت رسیده است. زینت بخش آن خانه قدیمی است و برادر کوچکتر تقی - محمدرضا - اشاره می کند که پدر آن قدر که در اسارت تقی آسیب دیده، در شهادت محسن صدمه نخورده است.

می نشینیم به گفت و گو. قصدمان دیدار با والده گرامی تقی و محسن هم هست، اما آن بزرگوار قادر به گفت و گو با ما نیست، هرچه نباشد بیست سال چشم انتظار تقی اسیرش نشسته و بیست و سه سال در فراق محسن شهیدش.

- ببخشید که مزاحم شدیم. وظیفه بود خدمت برسیم.

- خیلی خوش آمدید، لطف کردید که یاد ما بودید.

- حاج آقا، خودتان را معرفی بفرمایید.

- به نام خدا، بنده حسین رستگار مقدم هستم، پدر محمد تقی و محسن رستگار مقدم.

- چند سال سن دارید؟

- متولد ۱۲۹۰ هستم.

- چه شغلی دارید؟

- صافکاری اتاق ماشین.

- چي شد که محمد تقی سر از لبنان در آورد؟

- باید از مسئولین سراغ گرفت، چون روزی آمد و گفت من دارم به سوریه می روم و از سوریه به لبنان.

- چند سال پیش؟

- الان توی بیست سال هستیم. چون اول شصت و یک رفت.

- وقتی که می خواست برود، با شما خدا حافظی کرد؟

- به من گفت بابا، من دارم می روم، اگر آمدم که خب، هر کار که باید بکنم انجام می دهم و اگر نیامدم، این کارها را انجام بده، لباس هایم را تحویل حاج احمد بده. این لباسها را تا پارسال داشتم، بعد بردم تحویل دادم.

- کجا تحویل دادید؟

- به سپاه.

— کی متوجه شدید که محمدتقی اسیر شده است؟
 — همان اوایل. روزی به سپاه رفتم، پرسیدم خبر از تقی ندارید؟ گفتند: نه!
 ولی حاج احمد را گروگان گرفته اند. گفتم تقی هم با اوست. هر کجا احمد
 پابگذارد، تقی با اوست.

— از کجا می دانستید این دو با هم رابطه ای دارند؟
 — رابطه این دو به خاطر این بود که هر دو، دوسال ونیم در کردستان بودند.
 بعد هم به جنوب آمدند. سال شصت هم تقی مجروح شده بود. به طوری که خیال
 کرده بودند شهید شده و او را تا سردخانه برده بودند!

— چه وقت متوجه شدید که ایشان را گروگان گرفته اند؟
 — تقریباً ۵-۶ ماه بعد، که رفتم پیش حاج آقا ایرانی- فرمانده سپاه
 آن وقت- از تقی پرسیدم که گفت نمی دانم کجاست، ولی معاون ایشان گفت:
 من می گویم. حاج احمد او مداینجا و گفت: تقی را بده ببرم، ما گفتیم:
 ما خودمان کارش داریم ولی هر که را بخواهی، به تو می دهیم. حاج احمد هم
 گفته بود: من اگر نفر بخواهم تهران زیاد است، من این را کار دارم. که
 مجبور شدیم او را به حاج احمد بدهیم... بعد هم که حاج احمد را
 گروگان گرفتند، متوجه شدیم تقی هم با او بوده است.

— بعد از اینکه خبر به شمارسید، مسئولین چه کردند؟
 — مسئولین آمدند، بعد ما به چهارپنج کشور اروپایی رفتیم. به آلمان،
 سوئد، ایرلند، سوریه و لبنان رفتیم و با مسئولان بلندی پایه صحبت کردیم که
 آنها هم گفتند ما اقدام می کنیم، ولی هیچ خبری نشد. یکی از بچه های ایرلند
 که گروگان بوده و آزاد شده بود، با او صحبت کردیم و گفت: من شنیده بودم که
 چهارگروگان ایرانی در زندان هستند.

— حالا چه خبری از تقی دارید؟
 — دو ماه پیش بچه ها توی خیابان جلوی من را گرفتند و گفتند، یکنفر از
 زندان اسرائیل آزاد شده و گفته اینها توی زندان یادگار نوشته اند، گفتم:
 این که به درد من نمی خورد، باید فکری کنند.

- چه خاطره ای از تقی دارید؟
- خاطره خیلی دارم. او خیلی کار می کرد. زرنگ بود.
- وقتی به اسارت رفت چند سال داشت؟
- او ۱۲ سال درس خوانده بود. امتحانات سال چهارم دبیرستان درسندج شرکت کرد. اینجا هم که بود، پیش من کار می کرد. بعد از ظهر هم درس می خواند و هیچ سال مردود نشد. با این که کار می کرد.
- از خصوصیات تقی برای ما بگویید.
- بچه نترسی بود. حاج احم، قدمی بدون او نمی رفت.
- از مسئولین چه انتظاری دارید؟
- انتظار داریم مسئولین به ما خبر بدهند که اینها هستند یا نیستند، ما را از چشم انتظاری دربیاورند. این درست نیست که به فکر ما نیستند که ما چه جور داریم می سوزیم. فکری به حال ما نکنند. دکوئیار که آمد، گفت من اقدام می کنم. اقدام هم کرد اما زود عوض شد. آقای رفسنجانی ما را خواست، گفت اقدام می کنم، ولی کاری نکردند... گفتم حاج آقا: بچه من هفده سال است رفته و هیچ اطلاعی از او ندارم. انگار بچه های مسئولینند، با آنها هر چه می کنید با ما هم نکنید...
- یعنی شما چشم به راه هستید؟
- بله. شما بچه ات اگر به مدرسه برود و دیر بیاید، چشم به راه نیستی؟ فرقی نمی کند، گاهی کسی یک پول ناقابلی را گم می کند، هر وقت از آنجا عبور می کند، آنجا را نگاه می کند. ما نباید فکر بچه مان باشیم؟ اگر بدانیم او راکشته اند، یک حسابی دارد، اگر زنده هم باشد یک حساب دیگر.
- شهادت محسن برای شما سخت تر بود یا اسارت تقی؟
- اسارت ایشان. من توی خونه نشسته بودم، آمدند گفتند، محسن دستش زخمی شده بردیم بیمارستان، بعد بهشون گفتم راستش را بگین. خدا بیامرزد حاج آقا حسن را، گفت: حاجی برویم بیمارستان. گفتم: راستش را بگو. گفت: محسن شهید شده و بردیم مسجد جامع. شب هم بردند منزل خواهرش شستند و غسل دادند و بعد در

۴۹۴ □ کمین جولای ۸۲

قبرستان بقیع به خاک سپردند، حالا چند وقت یکبار می‌رویم، می‌نشینیم با او حرف می‌زنیم و بعد برمی‌گردیم. ولی این، مشکل است. برای هرکس باشد، مشکل است. اگر بچه شما از مدرسه دیر برگردد چه کار می‌کنی؟ بیست سال است که ما امروز و فردا می‌کنیم.

— چه مطلبی دارید برای ما بگویید؟

— یکبار در کردستان مجروح شده بود و دیدم با تجهیزات آمده، رنگ و رونا داشت. گفتم: چی شده؟ گفت: از کوه افتادم! بعد متوجه شدیم مجروح شده؛ چند روز بعد برگشت و دوباره به کردستان رفت. گفتم: بابا کجا می‌خواهی بروی؟ گفت: احتیاج دارند. وقتی می‌خواست برود، گفتم: تو بدنت زخمی است، بخیه در بدن داری. گفت: می‌روم آنجا بخیه‌ها را می‌کشم.

— حاج آقا، ممنونیم که علیرغم کسالت جسمانی، وقتتان را در اختیار ما قرار دادید.

— سلامت باشید، خیلی ممنون که تشریف آوردید.

کیهان

ضمیمه ۳۲

۱۳۸۰/۴/۱۳

۱۹ سال انتظار کافی است

خواهران کاظم اخوان علاف، می‌گویند: « ۱۹ سال انتظار برای دیدار با برادر کافی است و چشم به راهی، بیش از این در توان ما نیست.»
«فاطمه اخوان» خواهر بزرگ این عکاس ربوده شده، در گفت‌وگو با خبرگزاری جمهوری اسلامی، خواستار پی‌گیری مسئولان برای اطلاع از سرنوشت این افراد شد. وی گفت: « ۱۹ سال است که در بیم و امید زندگی می‌کنیم. پدرمان با آرزوی دیدار فرزند کوچکش، روی درنقاب خاک کشید و پس از او، اینک ما با

صدای زنگتلفن و در منزل دیدن پیک وپستچی، مشتاقانه وهراسان منتظرخبری از کاظم هستیم.»

وی از مسئولان کشور وجامعه بین‌الملل خواستار پی‌گیری‌جدي برای دریافت اطلاعات از گروهی که به‌گفته‌وی طولانی‌ترین‌گروگان‌گیری تاریخ رامی‌گذرانند، شد. فاطمه اخوان گفت: «علاوه‌بر مسئولیت‌ملي، اخلاق‌حرفه‌اي نیز ایجاب‌می‌کند که فعالانه‌تر نسبت‌به سرنوست یک‌خبرنگار برخوردکنند.»

«راضیه اخوان» نیز گفت: «خانواده‌های این‌گروه، حق‌دارند ازسرنوشت عزیزان‌شان مطلع‌شوند و سازمان‌های‌مدعی دفاع‌ازحقوق‌بشر، درتمام طول ۱۹ سال، کم‌ترین فشاری به‌اسرائیل نیاورده‌اند. مجامع‌مذکور می‌گویند ازهر روزنامه‌نگار ویاخبرنگاری که تحت‌فشار یا‌بازداشت باشد حمایت‌می‌کنند، درحالی‌که تاکنون برای کاظم وهمراهانش اقدام‌موثري انجام‌نداده‌اند. این‌محافل، در دفاع ازقربانیان، گزینشی عمل‌می‌کنند و ازبرخی دفاع‌می‌کنند و ازنظر این مجامع، فقط اتباع‌غربي هستند که می‌توانند با آخرین مرزهای‌حقوقی از حقوق‌بشر استفاده‌کنند.»

دوخواهر این خبرنگارعکاس می‌گویند: «اگر امکاناتش را داشتیم، خود برای یافتن برادرمان و یا حتی اطلاع‌موثق از سرنوشتش، اقدام‌می‌کردیم.» آنها که خودبیمار هستند، با یادآوری شرایط زندان‌های‌صهیونیستی، باحالتی‌پریشان گفتند: «صدای‌مظلومیت خانواده‌های این‌گروه را چه‌کسی درک‌می‌کند تا اقدامی‌موثر انجام‌دهد؟»

این دوخواهر، با یادآوری خاطراتی ازبرادر رزمنده‌خودشان گفتند: «کاظم از اوان‌جوانی در راه‌پیمایی‌های انقلاب فعالانه شرکت‌می‌کرد. شب‌ها برپشت‌بام‌منزل صدای الله‌اکبرش همسایگان را به‌همدلی دعوت‌می‌کرد.» آنان با یادآوری منزل‌پدري که درنزدیک‌ترین کوچه‌های منتهی به حرم‌مطهر حضرت‌رضا(ع) قرار داشت، می‌گویند: «تشراف به حرم‌مطهر همچون ادای‌فریضه، ازبچگی با او همراه‌بود.»

فاطمه اخوان می‌گوید: «هروقت به حرم مطهر مشرف می‌شوم، کاظم جلوی چشم است که از غم غربتش با امام راز و نیاز می‌کند.» وی می‌افزاید: «کاظم بسیار مهربان، مصمم، دوستدار امام و انقلاب بود. او که هم‌رمز شهید دکتر چمران بود، حفظ انقلاب را بر امور شخصی ترجیح می‌داد و برای تشکیل خانواده، فرصت‌های بعدی را بهانه می‌کرد.»

خبرگزاری جمهوری اسلامی

ضمیمه ۳۳

۱۳۸۰/۴/۱۴

نامه سرگشاده خانواده‌های دیپلمات‌های ایرانی به رئیس‌جمهوری

خانواده دیپلمات‌های ربوده‌شده در لبنان، با انتشار نامه سرگشاده‌ای خطاب به رئیس‌جمهوری، خواستار تلاش‌جدی مسئولان ذیربط برای روشن‌نمودن وضعیت عزیزان خود شدند. در این‌نامه، با تبریک انتخاب‌مجدد حجت‌الاسلام خاتمی به مقام ریاست‌جمهوری، آمده است: «باور بفرمایید حسرت فراق عزیزان، غم‌دوری وجدایی و به‌انتظارنشستن روشن‌شدن سرنوشت، بسیار تلخ و دشوارتر از سوگواری است. بیست‌سال است که ما خانواده‌ها، در حسرت‌انتظار فرزندان‌مان، همسران‌مان و پدران‌مان می‌سوزیم و می‌گدازیم. هرپیکری که خبری می‌رساند، ما را به یک‌باره مرده و زنده می‌کند. در این سال‌های حزن‌آلود، صدها بار اخبار متناقض شوم و یا شادکننده، زندگی ما را همچنان در بحران نگاه داشته است. می‌دانیم که شما نیز با این‌درد آشنایید. می‌دانیم که شما و خانواده محترمتان هم سال‌هاست در انتظار خبری از سلامت امام موسی صدر آن شخصیت‌برجسته ایرانی که برای خدمت به شیعیان لبنان مهاجرت کرد و دیگر بازنگشت، به‌سرمی‌برید. دریغ که او را لبنانیان بهتر شناختند و همه‌ساله روزی را برای بزرگداشت‌خاطره او تعطیل ملی اعلام می‌کنند و امام مغیث‌می‌خوانند.

آقای رئیس‌جمهوری! ما از مسئولان ذیربط برای به‌فراموشی‌سپردن تلاش برای‌رهایی این‌عزیزان، گلایه‌مندیم. شاید اگر توجه مسئولان‌بلندپایه کشور نبود، برخی دست‌اندرکاران ترجیح‌می‌دادند برای‌خلاصی از پاسخ‌گویی و رفع‌مسئولیت یا طلب مغفرت‌الهی، وبا ارسال دسته‌های گل به‌پاس‌همدردی، این پرونده‌ملی را مختومه‌اعلام‌کنند، اما حضرت‌عالی نیک‌آگاهید که هیچ‌اثری دال‌بر شهادت این‌عزیزان در لبنان به‌دست نیامده‌است، بلکه بالعکس، بسیاری‌اخبار حاکی‌است این‌عزیزان مدت‌ها در اسارت و در زندان بوده و پس‌از فروپاشی‌وشکست گروه‌فالانژ، باکشتی به اسرائیل فرستاده‌شده و به‌عبارت بهتر، فروخته‌شده‌اند، و همین چندسال پیش‌بود که یک مقام‌مسئول فلسطینی در امور حقوق‌بشر (احمد حبیب‌الله)، اعلام‌کرد آن‌ان‌زنده و در زندان رژیم اشغالگر قدس‌اند. امید به‌زنده‌بودن این‌عزیزان از یک‌سو، و ناامیدی از احساس‌مسئولیت دست‌اندرکاران پی‌گیری این‌امور از سوی دیگر، ما را وادار می‌کند که در سالگرد این‌واقعه، دست‌طلبیاری به‌سوی حضرت‌عالی بگشاییم و از آن شخصیت‌محبوب و مردمی بخواهیم، با دستور قاطعی این پرونده‌مفتوح و ملی را بار دیگر فعال‌کنند. همچنین، زبان به‌شکوه‌بگشاییم و درد دل‌بگوییم که در این سال‌های رنج و انتظار، دریغ از تسلی‌خاطری و دست‌محبتی که هیچ، هرچه‌بود گریزاز مسئولیت‌پذیری بود. گویا که این چهار شهروند ایرانی، در روزگاری که عافیت‌طلبان، پایگاه‌ها را رها کرده و گریخته‌بودند، از این‌که جان‌عزیز خویش را برکف‌نهاد و برای‌پاسداری از کیان جمهوری اسلامی و برای حفظ اقتدار و عزت انقلاب اسلامی، به‌میان آتش و گلوله و معرکه‌خطر رفتند و برای مأموریت عازم سفر شده‌اند، راه‌صواب نیپیموده‌اند. در حال، ما خانواده‌های دیپلمات‌های ایرانی، ضمن تشکر و قدردانی از توجه حضرت‌عالی که همواره شامل حال این دردمندان بوده‌است، امید فراوانی به‌عنایت آن مقام محترم برای تعیین سرنوشت و آزادی این‌عزیزان بسته‌ایم.

در پایان، مراتب تشکر و امتنان خویش را از جناب آقای سید حسن نصرالله دبیرکل محترم حزب الله لبنان، که کوشیدند در مذاکرات تبادل اسرای لبنانی و اسرائیلی، مسئله آزادی دیپلمات‌های ایرانی را نیز در دستور کار قرار دهند، اعلام می‌داریم. همچنین از آقای «نلسون ماندلا» که دل‌سوزانه تلاش کردند در چارچوب فعالیت‌های انسان‌دوستانه، راهی برای خلاصی این عزیزان بیابند، قدردانی و مراتب سپاس خویش را اعلام می‌نماییم.»

کیهان

ضمیمه ۳۴

۱۳۸۱/۲/۵

برای آزادی دیپلمات‌های ایرانی در جنگال اسرائیل، کاری کنید!

مریم مجتهدزاده، که همسر آقای موسوی کاردار ایران در لبنان و یکی از اسرای ایرانی در جنگال اسرائیل غاصب است، فقط یک حرف دارد و مرتب بر آن تاکید می‌ورزد: «مگذارید موضوع اسارت دیپلمات‌های ایرانی به دست فراموشی سپرده شود.»، «کاری باید کرد.»، «وزارت خارجه این موضوع را سرلوحه تمام مذاکرات خود با سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی قرار دهد.»، «کاری کنید که تکلیف آنها مشخص شود!»

– همسر شما آقای موسوی، یکی از اسرای ایرانی در اسرائیل است، در مورد نحوه اسارت ایشان توضیح دهید؟

– همسرم کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت بود. زمانی که در لبنان جنگ می‌شود و همه دیپلمات‌های کشورهای دیگر، بیروت را ترک کردند، او و سایر همکارانش برای کم‌رسانی به مردم لبنان و بررسی راه‌کارهای اجرایی امداد به آنها، عازم بیروت شدند. همراه ایشان حاج آقا احمد متوسلیان، یک خبرنگار و یکی دیگر از همکارانش بودند. وقتی این‌ها می‌خواستند وارد بیروت بشوند، توسط نیروهای فالانژ دستگیر می‌شوند. اطلاعاتی داریم که

نشان می‌دهد درچه سال‌هایی در کدام زندان‌ها آنها را نگه داشتند. بعد از چهار سال توسط نیروهای فالانژ، به رهبری سمیر جعجع، به اسرائیل فروخته شدند. حتی اسم کسی که اینها را به اسرائیل فروخته، طبق اسناد و مدارک موجود است. البته اخبار ضدونقیضی در این مورد پخش شده، عده‌ای گفتند به شهادت رسیده‌اند. ولی اخبار دقیق نبوده و در ادعاهایی که در این زمینه شده، تناقضی وجود داشته و معلوم است که اسرائیلی‌ها در پخش این اخبار نقش داشته و نمی‌خواستند صراحتاً اعلام کنند که اینها زنده‌اند. تا این که چند سال پیش، احمد حبیب‌الله که نماینده سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی است، مطرح کرد که اینها زنده‌اند و در زندان عتلیت در خود اسرائیل نگاه داری می‌شوند و حتی اسامی اینها را هم مطرح کرد. ما فکر می‌کردیم چنین خبر مهمی که از سوی یک فرد مهم مطرح شده، حداقل از سوی مجامع بین‌المللی و سازمان‌های حقوق بشر عکس‌المعمل و پی‌گیری‌هایی می‌شود. کما این که اگر در مورد خودشان قرار بود خبر این چنینی مطرح شود، زمین و زمان را به هم می‌دوختند تا ببینند سند این خبر کجاست. آیا این افراد در چنین زندانی حضور دارند یا نه. ولی متأسفانه هیچ عکس‌العملی نسبت به این خبر نشان داده نشده و در پرده‌ای از ابهام مانده است و هیچ حساسیتی را برانگیخته نکرد.

– آیا از ایران هم کسی این خبر را پی‌گیری نکرد؟
 – بعداً نماینده خبرگزاری رفت پیش احمد حبیب‌الله در اردن و با او ملاقات کرد و اصل این خبر را پرسید. چون اول در روزنامه الوطن العربی به چاپ رسید، بعد از طریق خبرگزاری فرانسه نقل شد. او تایید کرد که این خبر اصل و درست است. بعد از آن ما منتظریم که ببینیم خدا چه می‌خواهد.

– چند سال از زمان اسارت آقای موسوی می‌گذرد؟
 – دقیقاً ۲۰ سال، یعنی وارد بیست و یکمین سال شده.
 اینها ۱۴ تیر ماه ۱۳۶۱ به اسارت نیروهای فالانژ درآمدند و چهار سال بعد یعنی سال ۱۹۸۶ میلادی، اینها به سرزمین‌های اشغالی منتقل شدند.

– وزارت خارجه در این زمینه چه اقداماتی کرده است؟
 – اوایل که آقای خرازی در سازمان ملل بود، اقداماتی را انجام داد و همان زمانی که اینها به اسارت درآمدند، مقام معظم رهبری رئیس‌جمهوری وقت بودند، یکسری دستوراتی را ایشان مبنی بر پی‌گیری قضیه دادند. البته پی‌گیری هم شد ولی یک‌جایی به بن‌بست رسید. مثلاً انتقال آنها از یک زندان به زندان دیگر و یکسری تحرکاتی در جامعه سیاسی لبنان انجام گرفت. همه اینها تحرکاتی بود که از طرف دولت و کسانی که به اینها علاقه داشتند انجام گرفت ولی بعد از آن، گویا الان ناامید شده‌اند یا به چه صورتی شده، نمی‌دانم. فقط در سالگردشان یکسری تحرکاتی در قالب بیانیه و اینها صورت می‌گیرد. منتظریم ببینیم چه می‌شود.

– وزارت خارجه آیا این موضوع را مسکوت گذاشته؟
 – والله پی‌گیری می‌شود تا حدی. ما وقتی می‌رویم و می‌گوییم. قضیه را در حد بیانیه و یا ملاقات‌هایی که آقای خرازی داشته، همیشه قضیه اینها را مطرح کرده و این نبوده که نخواهد مطرح کند. ولی ببینید، به نظر من دیگر دفاع از اینها، دفاع از یک ملت است. اینها نمایندگان سیاسی نظام بودند. به عنوان افرادی عادی نرفتند. حتی اگر به عنوان افرادی عادی هم بروند، شما نگاه کنید در دنیا از حق شهروندی دفاع می‌شود. اینها از طرف نظام رفتند و این مطلب که پی‌گیری‌های بیشتری دنبال قضیه باشد، دفاع از حیثیت ملت و نظام است. ما هر وقت ملاقات داشته باشیم و بگوییم پی‌گیری کنید، همان مقطع پی‌گیری می‌شود ولی ادامه پیدا نمی‌کند. مثلاً محل ماموریت اینها لبنان بوده، دیگر باید آنجا یکی از اهم وظایف سفیر ایران در هر ملاقات این باشد که مطرح کنند سرنوشت اینها به کجا رسیده. نگذارند به فراموشی سپرده بشود. چطور اسرائیل وقتی خلبانش به نام ران آزاد را در زمان جنگ، در حالی که او یک نیروی حربی است، وقتی در حال بمباران مناطق مسکونی لبنان هواپیمایش ساقط می‌شود، یک روز این قضیه را به فراموشی نمی‌سپارند و هر سفیری که به ایران وارد می‌شود، قضیه او را مطرح می‌کند. چون فکر می‌کنند دست

ضمیمه‌ها □ ۵۰۱

حزب‌الله‌بنان و یا نیروهای است که ایران می‌تواند از نفوذ خود برای آزادسازی او استفاده کند. ولی ما می‌بینیم قضیه دیپلمات‌های ایرانی جزو اهم مسائل نیست که به‌عنوان سرلوحه مذاکرات مطرح بشود.

– این‌طوری که من شنیدم، این اسرای عزیز افراد با ایمان و اعتقادی بودند. – اینها هدف و آرمان داشتند و دنبال هدفشان رفتند و در این بحثی نیست. هدف آنها، اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران بوده و هیچ‌کدام از آنها هم کسی نبودند که بدون ایده رفته باشند. واقعاً با عشق و ایمان در این راه قدم برداشتند. ولی این دلیل نمی‌شود که فکر کنیم چون اینها با عشق رفتند، مسئولیت‌ها در مقابل آنها قابل سلب شدن است. پی‌گیری کار اینها از واجبات است. همان‌طور که در قرآن هست، هرکسی نفسی را زنده کند یکمالت را زنده کرده است. زنده کردن اینها و هدفشان، زنده کردن یکمالت است. به‌نظر من نباید ساده از کنار این مسئله گذشت که دنیا به‌خودش اجازه بدهد و تعرضی را به جان و مال ایرانی انجام بدهد. شمانگاه کنید، صهیونیست‌ها برای اجساد ستن از افراد خودشان حاضرند تعدادی از زندانی‌های فلسطینی را آزاد کنند. اینها برای افرادشان ارزش‌قائل نیستند و در کشور خودشان به راحتی آنها را می‌کشند، ولی خارج از کشور، می‌خواهند از این طریق برای خودشان اعتبار قائل باشند. ما هم باید بدانیم هرچه قدر برای اسرایمان سرمایه‌گذاری کنیم، در واقع برای اعتبار و حیثیت یکمالت کار کردیم. – درخواست شما به‌طور صریح، از دست‌اندرکاران وزارت امور خارجه در این ارتباط چیست؟

– همان‌طور که عرض کردم، آقای خرازی نسبت به این قضیه حساسیت داشت و پی‌گیری کرده و می‌خواهیم که کل سیستم وزارت خارجه نسبت به این قضیه حساسیت داشته باشند. ما می‌خواهیم در لبنان و ایران در ملاقات‌هایی که می‌تواند به‌نحوی تاثیرگذار باشد، درخواست آزادی اینها مطرح شود و موضوع اینها زنده بماند.

– به عنوان کسی که سالهاست خودتان و خانواده‌تان مورد ظلم مستقیم اسرائیلی‌ها قرار گرفتید، این روزها که اسرائیل این فجایع را در فلسطین به وجود می‌آورد، چه حسی دارید و فکر می‌کنید با وجود عملیات استشهادی و آنچه که در منطقه در جریان است، وضعیت چگونه خواهد شد؟

– قطعاً با عملیات استشهادی، اسرائیل خسته می‌شود و مطمئناً هر حرکت حق طلبانه‌ای منجر به نتیجه‌ای مثبت خواهد شد. من امیدوارم که این وقایع به نابودی اسرائیل منجر بشود و این‌که فلسطینی‌ها حق و حقوقشان را بگیرند و وضعیت اسرای ما هم مشخص بشود. به نظر من یک تصفیه خونین در جریان است و من نمی‌دانم که دنیا می‌تواند نسبت به این‌گونه قضایا بی‌تفاوت بماند؟ من گمان نمی‌کنم.

– از آخرین دیدارتان با آقای موسوی برای ما بگویید؟

– ایشان روحیه خاصی داشت. همان‌طور که می‌دانید، در زمان طاغوت هم زندانی سیاسی بود و از ۱۱ سالگی مبارزات سیاسی خودش را داشته. از ۱۵ سالگی به زندان ساواک افتاد و شکنجه‌های سختی به او وارد کردند. پاهایش را شلاق زده بودند و سینه‌اش را با سیگار سوزانده بودند. ولی ایشان روحیه والایی داشت و همیشه می‌گفت: ما به جدمان موسی بن جعفر (ع) اقتدایم کنیم. و می‌گفت: این بدن برای زندان ساخته شده. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، ایشان آزاد شد و یک روز که همه چیز آرام بود، به ایشان گفتم: «الحمد لله که مشکلات همه تمام شد.» با یک حالتی به من گفت: «من به قلبم آمده که این جسم برای اسارت است.»

قبل از رفتنشان در آخرین صحبتی که با هم داشتیم، از لبنان به من زنگ زد و گفت: «من دارم از بعلبک می‌روم و احتمال دارد که هراتفاقی بیفتد، چون اسرائیل بیروت را محاصره کرده ولی ما مجبوریم که برویم، نظر شما چیست؟» به او گفتم: «از من می‌پرسی؟» گفت: «نظر شما برای من مهم است، چون ممکن است عواقبی داشته باشد.» گفتم: «اگر مرضی حق در این رفتن است برو، سوال ندارد.» گفت: «قطعاً رضای خدا در این رفتن است.»

گفتم: «برو و نگران مانباش، ما هم خدایی داریم.» گفت: «پس من با خیال راحت می‌روم.» می‌خواهم بگم اینها با اعتقاد رفتند.

– آقای موسوی قبل از این‌که کاردار بشوند، چه شغلی داشتند؟

– ایشان دانشجوی مهندسی برق دانشگاه تهران بود. بعد که به انقلاب فرهنگی برخورد کرد و دانشگاه‌ها تعطیل شد، آن زمان بحث صدور انقلاب مطرح بود و حضرت امام (ره) خیلی بر آن تاکید داشتند. خصوصاً در لبنان که شیعیانی هستند که عاشق ایران و انقلابند. امام فرمودند: بروید آنجا و به آنها کمک کنید. ایشان هم جذب وزارت خارجه شدند. ماموریتشان راهم آنجا قرار دادند. او در جنوب لبنان سخنرانی‌های زیادی در مورد اسلام و انقلاب ایران داشت.

– فرزند شما زمانی که آقای موسوی اسیر شد، چند ساله بود؟

– یک‌پسر یک‌سال و نیمه.

– به عنوان آخرین سوال، می‌خواهم بپرسم که چه قدر امیدوارید که دوباره آقای موسوی را ببینید؟

– من صد درصد امیدوارم و در این موضوع شک ندارم، چون همان‌طور که عرض کردم، بیشتر خبرها دالبر زنده بودن آنهاست، و به هر حال تازمانی که اجساد مطهر اینها برنگردد، ما وظیفه داریم که بدانیم اینها زنده‌اند و می‌توانند برگردند، تا از هیچ‌تلاش و کوششی برای آزادی آنها فروگذار نکنیم. البته ما راضی به رضای خداییم. اعتقادی که من با تمام وجودم دارم، این است که تا خدا نخواهد، برگی از درخت نمی‌افتد، ولی این مانع از این نمی‌شود که من از مقام معظم رهبری نخواهم که ایشان با دم مسیحایی‌شان، به کالبد مرده این جریان بدمند. امیدوارم که این موضوع زنده بشود و باید بدانیم که هیچ‌تلاشی بی‌نتیجه نیست. بالاخره این موضوع باید به یک نتیجه قطعی برسد، یا باید خودشان برگردند یا اجساد مطهرشان، و این برعهده وزارت امور خارجه است که ما را به یکی از این دو نتیجه برساند.

رسالت

ضمیمه ۳۵

۱۳۸۱/۳/۸

وقایع نگار سوم خرداد، در سالروز فتح خرمشهر هم گمنام ماند!

در تاریخ کشور، آزادی خرمشهر جایگاه خاصی دارد و به راستی نماد مقاومت و پیروزی است. این پیروزی نتیجه ایثار و از خودگذشتگی دلیر مردانی بود که ارزش‌های دوران دفاع مقدس در آنها تجلی یافته است، لذا شناخت اسوه‌های پیکار مقدس در تمامی رشته‌های فرهنگی-هنری و حماسه‌سازان این نبرد سرنوشت‌ساز، جهت آشنایی نسل جوان ضروری به نظر می‌رسد. امروز که یاد و خاطره فتح خرمشهر گرامی داشته می‌شود، بی‌مناسبت نیست که یاد هم از کاظم اخوان خبرنگار عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی و حاج احمد متوسلیان که پس از شرکت در عملیات الی بیت المقدس، بیست سال پیش در لبنان همراه سید محسن موسوی کاردار سفارت ایران در بیروت و تقی رستگار مقدم به اسارت نیروهای مزدور رژیم صهیونیستی درآمدند، به میان آورده شود. کسانی که این چهار شخصیت را می‌شناسند، به ارزش‌های شخصی آنان واقف هستند و نقشی که هر یک در عرصه‌های مختلف بر عهده داشته‌اند بر اهل نظر پوشیده نیست. فرارسیدن سالروز فتح خرمشهر، فرصت مناسبی است تا بایاد این عزیزان به یکی از نقاط ضعف سیاست خارجی نیز اشاره داشته باشیم.

اخوان، با آغاز جنگ تحمیلی آرام و قرار نداشت، لذا سریع خود را به اهواز رساند و به ستاد جنگ‌های نامنظم پیوست. با حضور در این گروه، در کنار شهید بزرگوار دکتر چمران در بیش از ۷۰ عملیات و نبرد خطرناک با دوربین عکاسی و فیلمبرداری در گرما گرم نبرد حضور یافت. او یک رزمنده بسیجی هنرمند است که هنر عکاسی در وی، با جنگ متولد شد و با تشویق و تحسین شهید چمران و عشق و ایمان به ثبت لحظات ناب ایثار، رشد کرد و تبلور یافت و تبدیل به یکی از پدیده‌های عکاسی جنگی شد. دفاع مقدس، مجموعه‌ای از تفکر، اندیشه، عمل، استعدادها و مسئولیت‌هاست که هر کس

بنابر این نقش، بعدی از آن را پذیرا شده است و برخی در این پهنه گسترده، مسئولیتی مضاعف دارند. یک عکس و ثبت آن در اذهان، گویاتر از صدها کلام و چندین مجلد است. اخوان آن چنان در عمق زوایای حرکتی جنگ حضور داشت که برای ثبت حادثه‌ای که کمتر از یک لحظه و شاید تنها برای یکبار در طول تاریخ اتفاق می‌افتد، از هنرش بهره‌جسته است. بدیهی است حضور در عرصه‌های نبرد، نیاز به جسارت، تیزهوشی، مهارت و علاقه دارد. وی در طول یک سال و نیم زندگی مداوم در جبهه‌ها، موفق شد صحنه‌هایی بدیع و استثنایی را به تصویر بکشد تا به بیننده‌ای در سال‌های بعد ارائه دهد، تا نسل آینده ببینند و بدانند آنچه را که سال‌ها پیش اتفاق افتاده. و این رسالتی است بزرگ که یک خبرنگار باید بدان همتگمارد. او مسئولیت خود را خوب می‌شناسد. ثبت تصویر ایثارها و فداکاری‌های شیران عرصه‌پیکار در برابر دشمن زبون، زنده نگه داشتن حماسه‌هاست و می‌تواند به زندگی ملت در آینده، طراوت ببخشد. در عین حال که در صف حسینیان حضور دارد، وظیفه زینب‌گونه خود را به نحو احسن انجام می‌دهد. باید خون‌سرخ رزمندگان را برای همیشه در تاریخ ثبت کند تا نشانه‌ای باشد از ایمان آنان که اسماعیل‌وار گردن به حکم‌الله نهاده و زخم تیغ را به جان خرید و سرخی‌خون اوست که باید روح‌ها را به آتش بکشد و یادگاری ابدی در تاریخ باشد. آری، جنگی را که کاظم عکاسی کرد، با همه جنگ‌ها متفاوت بود. به راستی چه قدر در حفظ ارزش‌های دفاع مقدس تلاش کرده ایم و موفق بوده ایم؟ بانگاهی به عکس‌های اخوان، می‌توان دریافت سرب‌پر شور او را در تهیه عکس‌ها یاری کرده. با ایمان و علاقه، به مهارت و تخصص رسیده و با جاودانه نمودن وقایع خاص جنگ، مضامین، حماسه، جوش خون رزمندگان، ایثارها، مرگ و اسارت دشمن، ویرانی، آوارگی، بحران‌ها و... در آثارش متجلی شده‌اند. عکس‌ها بیان‌گر عشقی سرشار است. نگاه او تنها نگاه یک عکاس نیست و به عنوان یک رزمنده از منظری متعالی مشاهده‌گر وقایع بود. و همین نگاه به عکس‌های او خیره‌کنندگی خاصی بخشیده است. خاطره جانبازی و ایثارگری‌ها و شهادت‌های خودوی نیز همواره زبان زد

همزمانش بود. دوستانش او را رزمنده عکاس می‌نامیدند. یکی از ویژگی‌های عکاسی جنگ در مقایسه با فیلم مستند و سینمایی جنگی، ثابت بودن آن می‌باشد که برخلاف فیلم، در حرکت نیست. به همین دلیل واقعیت‌ها و لحظات مختلف نبرد را بهتر به ما منتقل می‌کند. در نمایشگاه بزرگ عکس به مناسبت سومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی که در «موزه هنرهای معاصر» برگزار شد و در آن ۷۵ عکاس حرفه‌ای و آماتور شرکت داشتند، بنا به آرای بازدیدکنندگان، به خاطر صمیمیت و ویژگی‌های خاص و تاثیرگذار در ثبت صحنه‌های بدیع و استثنایی، اخوان مقام اول را کسب کرد. همچنین تعدادی از کارهایش در ویژه‌نامه منتشر شده توسط ستاد تبلیغات جنگ در ۲۲ بهمن ۱۳۶۱ که حاصل کار عکاسان حرفه‌ای جنگ بود، چاپ شد و در این میان یکی از عکس‌های استثنایی گرفته شده توسط او، به عنوان طرح روی جلد آن انتخاب شد. اما این‌که چرا در طول بیست سال گذشته، حداقل بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، از کارهای ارزنده این خبرنگار در بند استفاده نکرده است، باز یافت این پاسخ، علاقه‌مندان آثار و ارزش‌های دوران دفاع مقدس را مکدر می‌کند. اخوان پس از ثبت لحظات تاریخی و حساس فتح خرمشهر در تیرماه ۱۳۶۱، بعد از حمله گسترده زمینی، دریایی، هوایی رژیم صهیونیستی، به همراه یک هیئت دیپلماتیک، داوطلبانه عازم لبنان شد. علیرغم این‌که برخی از دوستانش با توجه به محاصره بیروت و شرایط خاص یک کشور اشغال شده، به او توصیه کردند از چنین سفر خطرناکی صرف نظر کنند، او تاب‌نیاورد و راهی لبنان شد، با علم به این‌که می‌دانست ممکن است این سفر، مرگ و اسارت را در پی داشته باشد.

حضور مداوم در جبهه‌های نبرد از یک سو، و تحت تعلیمات فکری شهید چمران قرار گرفتن از سوی دیگر، عارفی سلحشور از وی ساخته بود که از خطرات در راه نهراسد. این بار می‌خواست با دوربینش، اشغالگران صهیونیست را نشانه‌برد و با به تصویر کشیدن مقاومت مردم فلسطین و لبنان، چهره جنایت‌پیشگان اسرائیل نژادپرست را، بیش از پیش برای جهانیان رسوا سازد، اما قبل از ورود به بیروت، در پست‌بازرسی نیروهای فالانژیست وابسته

ضمیمه‌ها □ ۵۰۷

به‌صهیونیست‌ها، ربوده‌شد و از آن‌تاریخ تاکنون اخبار ضدونقیضی درارتباط با سرنوشت‌او و همراهانش مبنی‌برشهادت و یا اسارت درچنگال اسرائیل، درداخل و خارج ازکشور منتشر شده‌است. پی‌گیری‌های به‌عمل‌آمده ازسوی خانواده‌های آنان‌نیز منجربه روشن‌شدن سرنوشت عزیزان‌شان نشده‌است. تیرماه سال‌گذشته، در نامه‌ای‌سرگشاده خطاب به رئیس‌جمهوری، از بی‌توجهی‌مسئولین انتقادکردند وخواستار پی‌گیری‌موضوع به‌عنوان یک‌پرونده‌ملی به‌طورجدی‌شدند. آقای‌خاتمی در ابتدای‌کارشان بر دفاع از حقوق اتباع‌ایرانی تأکیدداشتند وحتی در مراسم‌تحلیف اولین‌دوره ریاست‌جمهوری خود در خانه‌ملت، اظهار داشتند: «برای دولت، حراست ازحقوق اتباع‌ایرانی درسراسر گیتی اهمیت‌ویژه‌ای خواهدداشت.» البته این نکته‌مهمی در سیاست‌خارجی کشور بود که موردتغافل دولتهای‌قبلی قرار گرفته‌بود. متأسفانه باید متذکرشد، دستگاه سیاست‌خارجی علی‌رغم توجه رئیس‌جمهوری، تارسیدن به‌این‌نقطه و درک‌اهمیت وضرورت‌آن، فاصله زیادی‌دارد. علاوه‌براین، مفهوم دفاع از حقوق‌شهروندان درنزد رسانه‌های‌جمعی و مجلس‌شورای‌اسلامی نیز از توجهی‌درخور وشایسته، بی‌نصیب بوده‌است. این درحالی است که امروزه حمایت‌سیاسی ودفاع از حقوق‌شهروندان یک‌کشور در کشورهای دیگر، از وظایف‌اصلی دستگاه سیاست‌خارجی دولتهاست. نمادتراژیک و غم‌انگیز دفاع از حقوق اتباع‌ایرانی درخارج ازکشور، پی‌گیری سرنوشت‌گروگان‌ایرانی درطول بیست‌سال‌گذشته است و وزارت‌امورخارجی نتوانسته و یانخواسته پاسخ‌مسئله را‌بیابد.

برادرکاظم اخوان، به‌مناسبت روزخبرنگار، درنامه‌ای خطاب به رئیس کمیسیون‌امنیت‌ملی و سیاست‌خارجی مجلس‌شورای‌اسلامی نوشت: «آنچه درکشور ما نسبت‌به سرنوشت این چهارتن رواشد، اگر دریک کشورغربی اتفاق‌می‌افتاد، برای دولتمردان آن یک‌خجالت و فاجعه‌ملی محسوب می‌شد، اما درکشور ما آب ازآب تکان نمی‌خورد و حتی عملکرد ۱۹ساله آنان درقبال این‌قضیه، یعنی طولانی‌ترین‌گروگان‌گیری عصرحاضر، درمعرض ارزیابی وتحلیل قرارنمی‌گیرد

و هیچ عکس‌العملی وجود ندارد.» و از نمایندگان مجلس درخواست نموده پس از ۱۹ سال، وزارت امور خارجه را مکلف به پاسخ‌گویی کنند.

همچنین وی در بهمن ۸۱ در نامه‌ای خطاب به دبیر کمیسیون حقوق بشر اسلامی، ضمن انتقاد از بی‌اعتنایی برخی مراجع داخلی به سرنوشت چهار دیپلمات ربوده شده پس از ۱۹ سال، انتقاد کرد که: «به درخواست خانواده‌ها مبنی بر تشکیل کمیته حقیقت‌یاب، توجهی نشده و پس از گذشت بیش از شش ماه از تاریخ مکاتبه با رئیس‌جمهوری محترم و رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، این تلاش هیچ‌گونه پاسخ و نتیجه‌ای در پی نداشته است.»

جالب است بدانید متن فوق، توسط خبرگزاری جمهوری اسلامی سانسور شده و فقط در یک روزنامه چاپ شد.

مفهوم دولت پاسخ‌گو چیست؟ چه‌نگرانی از مخابره چنین خبری وجود داشت؟ مفهوم دفاع از حقوق شهروندان ایرانی در رسانه‌های جمعی ما چه جایگاهی دارد؟ سایر کشورها رفتار ما را در برابر دفاع از سه دیپلمات و خبرنگار کشورمان چگونه ارزیابی می‌کنند؟ واقعا رسانه‌های گروهی ما در طول بیست سال گذشته، تا چه حد سرنوشت خبرنگار عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی و همراهان او را دنبال کرده‌اند؟ کسانی که خود را موظف به پی‌گیری سرنوشت خبرنگاران می‌دانند، چنان نسبت به سرنوشت این خبرنگار شجاع و حماسه‌نگار جبهه‌های نبرد حق علیه باطل، بی‌تفاوت هستند؟ خبرنگاران خبرگزاری، در طول بیست سال گذشته، حتی یک‌بیانیه در حمایت از همکار در بند خود صادر نکرده‌اند. علاوه بر این که پی‌گیری موضوع یک مسئولیت‌مندی بود، حداقل اخلاق حرفه‌ای ایجاب می‌کرد فعالانه‌تر پی‌گیر مسئله باشند. انصافا مطبوعات، خبرگزاری و صداوسیما، در طول این سالیان، برای مصاحبه و اطلاع از سرنوشت اخوان و همراهانش، به مسئولان و خانواده‌های آنان مراجعه داشته‌اند؟

پس از کشته شدن ایلی حبیقه یکی از عوامل اصلی این گروگان‌گیری در لبنان، هفته‌نامه دوکوهه در شماره بهمن‌ماه خود نوشت: «اخبار موثق

از منابع پراکنده، حکایت از آن داشت که چهارگروگان ایرانی احتمالاً به جز سیدمحسن موسوی، همان روز یا چند روز بعد، به دستور ایلی حبیقه اعدام شدند.» پیش از این نیز سفیر سابق ایران در سوریه حجت‌الاسلام اختری، طی مصاحبه با ماهنامه فکه در سال ۷۸ اعلام کرد: «من برحسب اطلاعاتی که دارم و چیزهایی که از مسئولان کشور سوریه و دیگران شنیده‌ام، معتقدم که آنها حیات ندارند.»

گرچه موارد مطرحه فوق، بدون استناد به مدارک لازم بوده در عین حال نمی‌توان ساده از کنار آنها گذشت و البته هیچ‌گاه از تایید رسمی برخوردار نشده است. از طرفی مسئولان وزارت خارجه نیز این دست مطالب را تکذیب نکرده‌اند. آنچه مسلم است، دست یافتن به حقیقت غیرممکن نیست. فرزند سیدمحسن موسوی در اردیبهشت ماه سال جاری در گفت‌وگو با روزنامه قدس، اعلام کرد: «بر اساس توافق صورت گرفته بین ایران و سوریه برای روشن شدن موضوع، قرار بوده دوطرف نماینده‌ای معرفی کنند، اما از آن زمان تاکنون، علیرغم مشخص شدن نماینده سوری‌ها، ایران نماینده‌ای را معرفی نکرده است.» اگرچه ایلی حبیقه مسئول بخش اطلاعاتی فالانژیست‌ها، در بهمن سال گذشته به هلاکت رسید، اما سمیر جعجع فرمانده سابق آنها، که اینک به دلیل جنایت بی‌شمار، در زندان به سر می‌برد، به طور قطع از سرنوشت این چهار شهروند ایرانی اطلاع دارد. شایان ذکر است در هنگام محاکمه وی در لبنان، قرار بود یک وکیل از کشورمان برای پی‌گیری و طرح موضوع در جلسات دادگاه شرکت نماید، متأسفانه در این‌جانب نیز قصور شد. این حق مسلم خانواده‌های آنان است که به عنوان شهروندان ایرانی، از سرنوشت عزیزان خود آگاه شوند. چنانچه عده‌ای بخواهند موضوع را تعمداً در هاله‌ای از ابهام و تاریکی نگاه دارند، این عمل غیرانسانی است. به راستی چه کسی باید صدای مظلومیت این خانواده‌ها را بشنود، در حالی که با اخبار متناقض، روح و روان آنها در برزخ بی‌پاسخی رها شده است. نباید آنچه بر سر آنها آمده، مسئله‌ای مربوط به دیگری قلمداد شود. امیدواریم در بیستمین سالگرد به‌گروگان گرفته شدن این عزیزان،

۵۱۰ □ کمین جولای ۸۲

وزارت امور خارجه به این بن بست فرساینده خاتمه دهد. در پایان به صبر و پایداری خانواده های آنان درود می فرستیم.
شاهرخ سلطان احمدی
کیهان

ضمیمه ۳۶

تیر ۱۳۸۱

از کاظم اخوان چه خبر؟!

— جناب آقای حسین اخوان، به عنوان بردار کاظم، لطف فرمایید و برای ما از اقدامات اولیه ای که پس از اسارت کاظم و همراهانش انجام شد بگویید:
اخوان: اقدامات اولیه که آنچنان نبود، ولی یک ماه پس از این که کاظم و همراهانش به اسارت درآمدند، نمایندگان رسانه های خبری خارجی که در ایران مستقر بودند، با انتشار بیانیه ای مشترک با عنوان «عکس ایرانی را آزاد کنید» از کلیه سازمان ها و سندیکاهای مطبوعاتی و بین المللی که به منظور حفاظت از جان خبرنگاران در برابر خطرات و ارباب ایجاد شده اند، خواستند تا اقدامات عاجل و فوری را برای آزادی او از اسارت شبه نظامیان مسیحی لبنان به عمل آورند.

— وزارت امور خارجه ایران و سایر مسئولین کشور، چگونه این مسئله مهم را پی گیری کردند؟

اخوان: همان موقع مسئولین وزارت خارجه پی گیری شدند ولی خب به نتیجه ای که باید، نرسیدند. در اینجا باید متذکر شوم که ما قصد داریم به اقدامات انجام شده به صورت سیاه و سفید نگاه کنیم؛ به همین لحاظ به همه تلاش های انجام شده ارج می نهیم، اما اگر نسبت به عملکرد مسئولین ذیربط و حتی رسانه های جمعی انتقاد جدی داریم، آن را به جا و منطقی می دانیم و معتقدیم اقداماتی که تاکنون انجام شده، پراکنده و مقطعی بوده و نه ریشه ای

وبرنامه‌ریزی شده. هرکس هم که مدعی است درست عمل شده، حاضریم با او به‌مناظره بنشینیم که از دو حال خارج نیست: یا نتوانسته‌اند و یا نخواستند که مسئله را به‌موقع و به‌جا حل‌کنند که امروز می‌بینیم در بیستمین سالگرد مفقودی چهار شهروند ایرانی، از سرنوشت آنان خبر موثقی در دست نیست. به دلایلی، تا سال ۱۳۶۵ قضیه اسارت چهار ایرانی مسکوت مانده بود تا این‌که به دنبال اظهارات آقای هاشمی‌رفسنجانی در یک کنفرانس مطبوعاتی در پاسخ به سوال خبرنگاران انگلیسی درباره وضعیت و سرنوشت تری ویت فرستاده ویژه کلیسای کانتربری انگلیس به لبنان که بعداً معلوم شد از سوی سازمان جاسوسی آمریکا سیا، مأموریت ویژه‌ای داشته که درخواست اسفعاظم آن کلیسا را از ایران برای پی‌گیری مسئله تری ویت و این‌که وی در تماس با مجامع مسیحی لبنان تلاش خواهد کرد تا وضعیت چهار گروگان ایرانی نیز روشن شود، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی در پاسخی مورخه ۱۳۶۵/۱۲/۱۸ به وی اطمینان داد که از دوستان خودمان در لبنان و سوریه خواسته‌ایم جداً برای پیدا کردن اثری از تری ویت اقدام کنند و جناب عالی نیز هرچه زودتر نتیجه تلاش خودتان را درباره یافتن چهار ایرانی ربوده شده و برگرداندن آنان به آغوش خانواده‌هایشان اعلام نمایید.

– آیا این مکاتبات و نامه‌نگاری‌ها نتیجه‌ای هم به دنبال داشت؟

اخوان: نخیر. البته برای غربی‌ها چرا! چون تری ویت و تمامی گروگان‌های غربی، با وساطت سازمان ملل متحد و تلاش و همکاری جمهوری اسلامی ایران آزاد شدند، ولی سرنوشت گروگان‌های ایرانی همچنان نامشخص ماند و متأسفانه پس از بازتاب آزادی گروگان‌های غربی در رسانه‌های گروهی و خبری جهان مبنی بر بسته شدن پرونده گروگان‌ها در لبنان، این موضوع در رسانه‌های خبری داخل کشور نیز به همین شکل و بدون اشاره به مشخص‌نشدن سرنوشت چهار ایرانی منعکس شد. حال این سوال به‌جاماند که: آیا مسئولین دستگاه دیپلماسی ایران نمی‌توانستند در هنگام آزادی گروگان‌های غربی، خواهان اعمال نفوذ آنها

برفالا نژها وحتی رژیم صهیونیستی برای روشن نمودن تکلیف گروگان های ایرانی شوند ویا تضمین کاری برای پی گیری این مسئله بگیرند؟

– پساز رهایی گروگان های غربی، درحالی که شما اولین قربانیان بحران گروگان گیری اتباع خارجی در لبنان بودید، چه اقداماتی انجام دادید؟
 اخوان: غربی ها در روند آزادسازی گروگان ها، به صورت یک طرفه، تمامی آنها را آزاد کرده، به کشور و خانواده های شان بازگرداندند. جالب اینجاست که حتی بعد از آزادی، غرامت هم گرفتند؛ اما سرنوشت شهروندان ایرانی همچنان در بوته فراموشی فرورفت. پس از گذشت دو سال و عدم پی گیری وزارت امور خارجه، که به نظر می رسید پرونده گروگان های ایرانی جزو پرونده های بسته آنان درآمده است، و این چهار شهروند ایرانی در دیپلماسی خارجی و رسانه ای، نه تنها جایگاهی ندارد، بلکه به صورت یک خاطره فراموش شده درآمده اند، که باید آن را دیپلماسی تغافل نامید، عدم آزادی گروگان های ایرانی، همواره یک برگ منفی در سیاست خارجی کشور برجاماند. مرحوم پدرم رضا اخوان، که سالها یعقوب وار چشم به راه زیست، وقتی شرایط را چنین دید، در اردیبهشت سال ۱۳۷۲ طی یک رنچ نامه مطول با عنوان «از رویا تا واقعیت تلخ» که در روزنامه جمهوری اسلامی منتشر شد، ضمن نقد عملکرد مسئولین، به تشریح ابعاد مختلف قضیه پرداخت. ما در طول یک سال ونیم حضور مداوم کاظم در عرصه های دفاع مقدس، همواره آمادگی دریافت خبر اسارت و یا شهادت او را داشتیم.

چهاردهم تیرماه سال ۱۳۷۲ در سالگرد اسارت آنها، با هماهنگی های به عمل آمده با دیگر خانواده ها، طی یک بیانیه اعتراض آمیز که صادر شد، نسبت به بی توجهی مسئولین امر انتقاد کردیم و از مجلس شورای اسلامی و کمیسیون سیاست خارجی درخواست کردیم که به موضوع رسیدگی نمایند. در سال های ۷۳ و ۷۴ همین بیانیه در برخی از مطبوعات در سالگرد فقدان آنان، مجدداً منتشر شد که خانواده سید محسن موسوی با مرحوم پدرم تماس گرفتند و گفتند: «وزیر خارجه ناراحت شده، دیگر این کار را نکنید که به ضرر بچه هاست!» من

ضمیمه‌ها □ ۵۱۳

در سال ۱۳۷۵ همان‌بیانیه را برای تعدادی از نمایندگان و اعضای کمیسیون سیاست خارجی در مجلس چهارم ارسال کردم که در اسفند همان سال، موضوع در کمیسیون با حضور مسئولین وزارت خارجه بررسی شد، ولی آنان به جای پاسخ به مسئله، به یکباره صورت مسئله را پاک کردند. درست یک ماه بعد، رئیس انجمن حمایت از زندانیان در بند رژیم صهیونیستی، اعلام کرد که چهار ایرانی در زندان های مخفی اسرائیل به سر می‌برند. البته وی اسامی آنها را مشخص نکرده بود.

— به نظر می‌رسد خانواده‌ها در دهه اول اسارت آنان، و پس از سال ۱۳۷۲، نسبت به پی‌گیری قضیه منفعلانه برخورد کرده و هماهنگی لازم را در دنبال کردن امرفوق ندارند و شاید بتوان گفت عزمشان آن‌چنان که تصور می‌رود، جزم نیست؛ مثل پی‌گیری برخی خانواده‌های زندانیان اخیر که به جرائم مختلف از جمله خیانت و... بازداشت شده‌اند و خانواده‌هایشان شدید پی‌گیر مسئله‌شان شدند تا به نتیجه مطلوب نظر خودشان برسند.

اخوان: ببینید، اگرچه این دو موضوع به لحاظ ماهیتی بایکدیگر کاملاً متفاوت هستند، اما من اذعان می‌کنم که خانواده‌های گروگان‌ها نیز در پی‌گیری‌هایشان قصور داشته و یا با هم هماهنگ نبوده‌اند. مشکل دیگر این است که سه نفر از آنان مجرد بوده و دارای همسر و فرزند نبوده‌اند. خب این در انگیزه پی‌گیری تأثیر دارد. ما در مشهد ساکن هستیم، خانواده تقی رستگار در قم زندگی می‌کنند، خانواده حاج احمد متوسلیان هم که پدر و مادرش ساکن تهران هستند ولی به دلیل کهولت سن توان پی‌گیری ندارند، خانواده سید محسن موسوی هم که در تهران هستند، بنا بر دلایلی که عنوان می‌کنند چون موسوی کارمند وزارت خارجه بوده و... لذا محذوراتی در طرح و پی‌گیری قضیه دارند؛ لذا بدیهی است که پی‌گیری مستمر و برنامه‌ریزی شده خانواده‌ها، می‌توانست تأثیر بیشتری داشته باشد. جادارد تا مسئله‌ای را برایتان شرح دهم و آن این‌که: یکی از عواملی که حتی باعث شد مسئله گروگان‌های آمریکایی منجر به ماجرای «ایران گیت» شود، اقدامات

خانواده‌های آنان بود. یکی از کارکنان سازمان جاسوسی آمریکا در کتابش با عنوان «زندگی من در سیا» وقتی به مسئله ایران گیت می‌رسد، می‌نویسد: «مشکل گروگان‌های لبنان، این فاجعه بخرنج که بر بسیاری از فعالیت‌های دولت آمریکا سایه افکنده بود، قطعاً تأثیر عمیقی بر کاخ سفید داشت. نگرانی‌های اخلاقی و انسانی، فکر ریگان را به خود مشغول کرده بود و او دائماً همکاران خود را ترغیب می‌کرد که راهی برای حل این معضل پیدا کنند. خانواده‌های گروگان‌ها دائماً با مطبوعات مصاحبه می‌کردند و بر سیا و سایر سازمان‌های دولتی فشار وارد می‌کردند که کاری انجام دهند.»

خب البته شرایط ما چون در یک کشور جهان سوم هستیم، فرق می‌کند. یعنی جایی که با خیلی از مسائل ساده‌انگارانه و سطحی برخورد می‌شود و این برمی‌گردد به تلقی و حساسیت دفاع از حقوق اتباع ایرانی در خارج از کشور نزد دولت، دستگاه سیاست خارجی، رسانه‌های جمعی و مجلس شورای اسلامی. ما از تیرماه سال ۱۳۸۰ بنا را بر این گذاشتیم که به‌طور مستمر و به‌طور مختلف، از راه‌هایی که امکان پی‌گیری وجود داشته باشد، مسئله را به‌طور جدی دنبال کنیم تا ان‌شاءالله در بیستمین سالگرد آن عزیزان بتوانیم به پاسخی روشن برسیم. علاوه بر این معتقدیم حتی باید سرنوشت سایر ناپدیدشدگان که ۳ نفر دیگر نیز هستند، و برای اولین بار در سال ۱۳۷۲ سفارت ایران در بیروت اعلام کرد که در همان سال ۱۳۶۱ سه شهروند ایرانی دیگر در لبنان ناپدید شده‌اند، روشن شود.

— لطفاً برای ما بفرمایید که طی یک سال گذشته چه اقداماتی انجام داده‌اید؟
 اخوان: علاوه بر نامه سرگشاده‌ای که از سوی خانواده‌ها در سالگرد اسارت آنان به رئیس‌جمهوری ارسال شد، ۱۳۸۰/۴/۱۸ خانواده‌ها دیداری با رئیس مجلس شورای اسلامی جناب آقای کربوبی داشتند که ایشان بر «ضرورت تشکیل کمیته‌ای در مجلس به منظور پی‌گیری موضوع» تأکید داشتند و اظهار امیدواری کردند که: «با تلاش نمایندگان مجلس، گام‌های اساسی در این زمینه برداشته شود.» همچنین به مناسبت روز خبرنگار، به سراغ خبرنگار جمهوری اسلامی ایرنا — و خبرنگار دانشجویان — ایسنا — رفتیم و مصاحبه‌هایی انجام شد و به

ریاست کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی نامه‌ای با عنوان «انتظار خانواده‌های گروگان‌های ایرانی ربوده‌شده در لبنان از مجلس ششم» با توجه به اقدامات ادوار گذشته مجلس شورای اسلامی، نوشته و مجدداً درخواست تشکیل کمیته حقیقت‌یاب را برای روشن‌شدن موضوع نمودیم، که رونوشت نامه نیز برای کلیه اعضای کمیسیون و هیئت رئیسه و ریاست کمیسیون اصل ۹۰ مجلس ارسال شد. پس از گذشت ۶ ماه از مکاتبه با رئیس‌جمهوری، و همین‌طور رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس که پاسخی دریافت نکردیم، با دبیر کمیسیون حقوق بشر اسلامی مکاتبه کردیم و درخواست پی‌گیری موضوع را دادیم که رونوشت این نامه نیز پیرو مکاتبات قبلی، برای همه مسئولین ذکر شده ارسال شد. امسال نیز به مناسبت آغاز سال نو، مجدداً نامه‌ای برای رئیس‌جمهوری نوشتیم. با توجه به کشته‌شدن ایلی حبیقه و مطالب مطرح شده در مطبوعات مبنی بر «کشته‌شدن قاتل گروگان‌های ایرانی»، و پیش از این نیز اخبار غیررسمی در خصوص شهادت این عزیزان که در داخل و خارج از کشور منتشر شده بود، و حتی در یک ماهنامه با تیتردرشت و به صورت علنی شهادت آنان اعلام شده بود، که این دست مطالب هیچ‌گاه از سوی وزارت امور خارجه تکذیب نشده و شواهد و قرائن مختلف نیز نشان‌گر آن است که موضوع چهارگروگان ایرانی به‌طور جدی در دستور کار مسئولین امر قرار ندارد، لذا بیش از این نباید روح و روان خانواده‌ها آماج چنین اخباری قرار گیرد و حقیقت هرچه که هست، به‌ما اعلام شود و چنانچه عده‌ای تعدا بخواهند موضوع را درهاله‌ای از ابهام و تاریکی نگه‌دارند، این عمل غیرانسانی است و برای چندمین بار درخواست ملاقات حضوری خانواده‌ها با ایشان عنوان شد. رونوشت این نامه نیز پیرو مکاتبات قبلی، برای هیئت رئیسه مجلس، رئیس و تک‌تک اعضای کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی، رئیس کمیسیون اصل ۹۰ و دبیر کمیسیون حقوق بشر اسلامی ارسال شد؛ علاوه بر اینها، تلاش می‌کنیم تا از طریق نمایندگان مجلس، موضوع در قالب سوال از وزیر امور خارجه، در جلسه مجلس شورای اسلامی طرح شود.

— آیا پی‌گیری‌های شما در طول یک سال اخیر، نتیجه‌ای هم در پی داشته است؟

اخوان: متأسفانه جناب آقای خاتمی و دفترایشان، پاسخ هیچ‌کدام از نامه‌های ما را نداده‌اند و درخصوص درخواست‌های مکرر برای ملاقات نیز جواب‌مبثتی دریافت نکردیم. نمی‌دانم شاید در برابر بیست‌سال زندگی خانواده‌ها در بیم و امید، دیدار با رئیس‌جمهوری انتظار زیادی است! من فکر می‌کنم پس از دوده صبر و پایداری، زمان آن فرارسیده باشد که مسئولین پاسخ‌روشنی به ما بدهند. آن چیزی که برای ما مهم می‌باشد، حقیقت است. در دیدار با رئیس‌مجلس نیز ایشان برتشکیل کمیته‌پی‌گیری در مجلس تأکید داشتند، عملاً اقدامی صورت‌نگرفت و هیچ‌خبری از تشکیل چنین کمیته‌ای نشد! رئیس‌کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی نیز علیرغم سه‌مرحله مکاتبه، هیچ پاسخی به ما ندادند و اطلاعی نداریم که آیا اقدامی شده یا نه. از میان دیگر اعضای کمیسیون که رونوشت‌نامه برای آنها ارسال شده است، فقط آقای «اعلمی» نامه اول ما را و درخواست کمیته حقیقت‌یاب را برای وزیر امور خارجه ارسال داشته‌اند که همین‌جا لازم می‌دانم از ایشان تشکر کنم که حداقل به نامه ما توجه کردند. همچنین کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، پس از وصل‌نامه ما، در تاریخ ۱۳۸۰/۱۰/۲۶ با معاون‌کنسولی و امور مجلس وزارت امور خارجه مکاتبه نموده که از پاسخ‌مربوطه اطلاعی دریافت نکرده‌ایم. کمیسیون حقوق بشر اسلامی نیز در پاسخ به نامه ما اعلام داشته که بخش بین‌الملل کمیسیون، طی سال‌های اخیر مکرراً موضوع را به مراجع طرف‌تماس در صحنه بین‌المللی منعکس نموده ولی نتیجه‌موثری در بر نداشته است و پس از وصل‌نامه شما، مجدداً ارسال‌نامه‌هایی در این زمینه خطاب به سازمان‌های مختلف طرف‌ارتباط، در دستور کار می‌باشد. همچنین مکاتبه‌ای با بخش‌مربوطه وزارت امور خارجه انجام پذیرفت تا به‌عنوان نماینده حکومت جمهوری اسلامی و مسئول حمایت از اتباع کشور خود، پی‌گیری‌های موثری را عینیت‌بخشد. خانم دکتر «الهه کولایی» نماینده تهران در مجلس، نیز طی یادداشتی به تاریخ ۱۳۸۱/۲/۱۸ در پاسخ به آخرین نامه ما نوشتند: «متأسفانه وضعیت دردناک

برادرشما و دیگر عزیزان در بند و مفقود شده، ناشی از مشکلات موجود در سیاست خارجی ماست که امیدوارم با بهبود آن، این مشکل هم حل شود.»

— با توجه به منش و شخصیت آقای خاتمی، به نظر شما چرا ایشان پاسخ‌نامه‌های خانواده‌ها را نداده و یا درخواست ملاقات با آنان را نپذیرفته‌اند؟

اخوان: من احتمال می‌دهم که معذورات اخلاقی باشد. من این سخن ایشان را در مراسم تحلیف دومین دوره ریاست جمهوری‌شان به یاد می‌آورم که گفتند: «خواهم کوشید در نسبت میان اخلاق و سیاست، اخلاق را مقهور سیاست نکنم.» یک دلیل دیگر هم، می‌تواند بحث شهادت این عزیزان باشد؛ لذا انگیزه لازم وجود ندارد، چون تاکنون اخبار ضد و نقیضی در این ارتباط در داخل و خارج کشور منتشر شده است، اما وقتی آنها را کنار هم می‌گذارید، به یک نتیجه مشخص نمی‌رسید؛ مثلاً ابتدا سمیر جعجع ادعا می‌کرد که چهار گروگان ایرانی به دستور فرمانده بخش امنیتی این نیروها— ایلی حبیقه— کشته شده‌اند، ولی حبیقه مدعی بود که آنان توسط سمیر جعجع به قتل رسیده‌اند؛ در حالی که پس از انحلال و اضمحلال نیروهای فالانژ و اعلام عفو عمومی در لبنان، ایلی حبیقه تشکیل حزب داد و به نمایندگی پارلمان و حتی وزارت در دولت لبنان رسید. در آنجا بود که وی اعلام کرد این چهار تن سال ۱۳۶۶ توسط سمیر جعجع از طریق دریا، به اسرائیل منتقل شده‌اند و بر این قضیه حتی تا چندی قبل از کشته شدنش در حادثه انفجار در سال ۱۳۸۰ در لبنان، تأکید داشت. اما فردی به نام روبیر حاتم معروف به کبرا، که طی بیست سال گذشته محافظ شخصی ایلی حبیقه بوده است و هم اکنون در فرانسه اقامت دارد، علاوه بر انتشار کتاب خاطرات خود با عنوان «از اسرائیل به دمشق»، در مصاحبه با هفته‌نامه الوطن العربی چاپ پاریس، و روزنامه الشرق الاوسط چاپ لندن و شبکه تلویزیونی الجزیره، تأکید کرد که چهار ایرانی ربوده شده در سال ۱۹۸۲ به دستور شخص ایلی حبیقه به قتل رسیده‌اند. از طرف دیگر نیز اسرائیل روشن شدن سرنوشت این چهار تن را منوط به مشخص شدن وضعیت ران آراد دانسته است. متأسفانه تا بهمن سال گذشته که ایلی حبیقه

زنده بود، دولت ایران آن‌گونه که انتظار می‌رفت، بر دولت لبنان فشار نیاورد و سرانجام یکی از عوامل اصلی و مهم اسارت چهار ایرانی، کشته شد. البته بدیهی بود که حبیقه به عنوان یک نماینده و یا وزیر دولت لبنان، تحت شرایط عادی به هیچ وجه این اتهام را نپذیرد؛ اما در هنگامه محاکمه سمیر جعجع، این امکان وجود داشت که به دادگاه احضار شود. آنچه مسلم است، وی با موقعیت و سمتی که داشت، به عنوان مسئول بخش امنیتی و اطلاعاتی حزب فالانژ، قطعاً از سرنوشت آنان آگاه بوده است. به هر حال از شخص مرده نمی‌توان اطلاعاتی کسب کرد، اما هنوز سرنخ‌هایی وجود دارد. دست یافتن به حقیقت غیر ممکن نیست، البته اگر مسئولین بخواهند. اولاً این که جعجع یکی از عوامل اصلی گروگان‌گیری که چند سال پیش به دلیل جنایات بی‌شمار در لبنان، دستگیر و محاکمه و سرانجام به حبس ابد محکوم شده است، هم اکنون دوران محکومیت خود را طی می‌کند و هیچ بعید نیست عفو بخورد و آزاد شود. متأسفانه در زمان رسیدگی به پرونده وی، از سوی وزارت امور خارجه مسئله ربودن چهار ایرانی به عنوان یکی از اتهامات او به طور جدی دنبال نشد. جعجع و حبیقه در زمان اسارت گروگان‌های ایرانی به صورت مشترک عمل می‌کردند و نقش کلیدی داشته‌اند؛ بنابراین وی در جریان آنچه بر آنان گذشته، قرار دارد و دولت ایران باید برای روشن شدن حقیقت، از طریق دولت لبنان و حتی نفوذ دولت سوریه، تلاش کند. ثانیاً کسانی که گفته می‌شود در جریان کشته شدن و یا انتقال آنان به اسرائیل نقش داشته‌اند، و یا اطلاعاتی در این زمینه دارند، قابل دسترسی در داخل و خارج لبنان می‌باشند. فقط کسی باید به آنها مراجعه کند؛ خصوصاً با کشته شدن حبیقه، هم دولت ایران محذورات گذشته را ندارد، و هم فرماندهان نیروهای اسبق فالانژ، بدون دغدغه می‌توانند حقایق را آشکار کنند. فقط نیاز به پی‌گیری دارد و این که دولت لبنان نیز در قبال تعهدات متعارف خود به عنوان یک دولت، پاسخ‌گو باشد. مشکل اصلی از آنجا ناشی می‌شود که یک عزم ملی برای پی‌گیری موضوع وجود ندارد و از طرفی هم کسی نیز در برابر خانواده‌ها و افکار عمومی پاسخ‌گو نیست.

– به نظر شما چرا موضوع به عنوان يك مسئله ملي و انساني مطرح نشده است؟
 اخوان: یکی از اشتغالات ذهني من در طول این سال‌ها، یافتن پاسخي براي این سوال بود که چرا ما برعکس غربی‌ها، در دفاع از حقوق شهروندان مان در خارج از کشور، جدي نیستم؟! چرا حقوق آنان به راحتی پایمال می‌شود؟ خب دولت و وزارت خارجه، مجلس شورای اسلامي و رسانه‌هاي خبري، باید حساسیت لازم را داشته باشند که ندارند. غربی‌ها همواره سعی می‌کنند جهت بالابردن احترام بین‌المللي خود، وجهه و احترام اتباع کشورشان را در نقاط مختلف دنیا بالابرنند و شدیداً در پی حفظ آن و در صورت امکان بالابردن مرتبه و شان اتباع خود هستند؛ چراکه این امر از نظر رواني در طرف مقابل موثر است، به شکلي که متوجه باشد هرگونه تعرض نسبت به حقوق اتباع غربی، هزینه سنگینی دارد. براي همین است که وقتی يك شهروند غربی در کشور دیگری مشکل پیدا می‌کند، براي حل آن، پیشرفته‌ترین شیوه‌هاي دیپلماسي را به کار می‌گیرند؛ در حالی که ما در خصوص ارائه مظلومیت و احقاق حقوق خود در حد زنده نگه داشتن آن در شکل جهانی، فاقد هرگونه سیاست برنامه‌ریزی شده هستیم؛ اگرچه آقای خاتمی به اهمیت موضوع دفاع از حقوق شهروندان توجه داشته‌اند.

– آیا طی این بیست سال، در وزارت امور خارجه کمیته‌اي و یا ستادي و حتي اشخاص خاصی براي پی‌گیری موضوع، وجود داشته و یا فرد مشخصي تاکنون از سوي این وزارتخانه باشما در ارتباط مداوم بوده است؟

اخوان: نخیر. پاسخ این سوال پرغصه است. هیچ‌یک از مواردی را که سوال کردید وجود نداشته و ندارد. فرزند آقای موسوي نیز سال گذشته در گفت‌وگو با مجله شما، این موضوع را تایید کردند؛ در صورتی که وزارت امور خارجه ما حتی نسبت به کشورهای توسعه‌یافته، یکی از عریض و طویل‌ترین وزارت خارجه‌هاي دنیا است و گفته می‌شود ۷۰۰۰ پرسنل دارد، که دوسه برابر بسیاری از دیگر کشورهاست. متأسفانه باید گفت این دستگاه بوروکراتیک، فاقد تحرك و برنامه در این زمینه است و از همه مهم‌تر

اینکه، خود را پاسخگو نمی‌داند. اگر دولت پاسخ‌گوست، باید بپذیریم که از وزارت امور خارجه نیز انتقاد بشود.

— عملکرد رسانه‌های جمعی شامل شبکه‌های متعدد رادیو و تلویزیونی سازمان صدا و سیما، خبرگزاری جمهوری اسلامی و مطبوعات را در دفاع از کاظم اخوان به عنوان یک خبرنگار و همکار، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اخوان: در اینجا وظیفه خود می‌دانم از پی‌گیری‌ها و طرح‌جدي مسئله چهارگروگان ایرانی توسط مجله فکه، در شرایطی که دیگران توجهی ندارند، تشکر و قدردانی کنم. همچنین از روزنامه سلام که در گذشته، اصولی قضیه را دنبال می‌کرد، و روزنامه کیهان که در حال حاضر مسئله را دنبال می‌کند، و چون سایر نشریات و روزنامه‌ها ملاحظه‌کاری نمی‌کند، تشکر کنم. ببینید، قبل از این که بخواهم پاسخ شما را بدهم، باید به یک خصلت بد که همان مرده‌پرستی است اشاره کنم، که نتوانسته‌ایم آن را اصلاح کنیم؛ لذا است که می‌بینیم نسبت به سرنوشت کاظم اخوان و همراهانش، در رسانه‌های ما اقبال چندانی معطوف نشده است. چنان که پیش از این نیز اشاره کردم، یکی از مشکلات ما این است که مفهوم دفاع از حقوق شهروندان در رسانه‌های گروهی ما درست‌تبیین نشده است و با منافع و ضرر و زیان مادی و معنوی‌ای که ممکن است متوجه ما شود، آشنایی ندارند. وقتی که «هلموت هوفر» شهروند آلمانی، در ایران محکوم شد، علاوه بر دولتمردان، تمامی رسانه‌های گروهی و خبری آن کشور عکس‌العمل نشان دادند. در یکی از برنامه‌های «گزارش هفتگی» که پس از آزادی گروگان‌های غربی در لبنان، از صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران پخش شد، اعلام گردید: «غربی‌ها برای ۷ گروگان خود که از سال ۱۳۶۴ به بعد در لبنان به گروگان گرفته شده‌اند، در بعد اخلاقی و گروگان‌گیری ۷۰۰/۰۰۰ سطر مطلب نوشته و ۷۰۰۰ برنامه تلویزیونی تهیه کرده‌اند.» غرب، دست به یک پوشش خبری — تبلیغی حساب شده زد، اما در کشور ما، در دهه اول اسارت کاظم و همراهانش، موضوع چهارگروگان ایرانی، از نظر خبری و تفسیری جایگاه بسیار ضعیف و حاشیه‌ای می‌یابد و بعد از آن، در حالی که روند آزادسازی گروگان‌های غربی

ضمیمه‌ها □ ۵۲۱

منعکس می‌شود، سرنوشت گروگان‌های خودمان مورد توجه قرار نمی‌گیرد و به فراموشی سپرده می‌شود. جالب است بدانید که صداوسیما، در طول بیست‌سال گذشته، فقط ۳ برنامه در مورد آنان تهیه کرده است. البته صداوسیما در گذشته بیشتر خط وزارت امور خارجه، یعنی سکوت را دنبال می‌کرد؛ فقط در چند سال اخیر قدری فعال شده که آن هم در یک مقطعی دلیل داشت. خبرگزاری جمهوری اسلامی نیز نسبت به سرنوشت کاظم که خبرنگار و فرستاده خود آنان بوده، کارنامه درخشانی ندارد و حتی سردبیران و خبرنگاران آن، نه تنها یک بیانیه در حمایت از همکار خود صادر نکرده‌اند، بلکه اخبار مربوط به او را سانسور هم کردند. به عنوان مثال نامه‌ای که برای دبیر کمیسیون حقوق بشر نوشتیم، فقط گفته بودیم که علیرغم گذشت شش‌ماه که به رئیس‌جمهوری و رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس نامه نوشته ایم پاسخی نگرفته ایم، توسط آنها سانسور شد. در طول بیست‌سال گذشته، یک مصاحبه با مسئولین وزارت امور خارجه در این خصوص نداشته‌اند. پس از ۱۸ سال که از اسارت کاظم می‌گذشت، برای اولین بار شخصی از خبرگزاری، از خانواده اخوان خبر گرفت. در دیدار با رئیس دفتر آقای «فریدون وردی‌نژاد» مسئول سابق خبرگزاری، و مسئول روابط عمومی سازمان، گفتم: فکر نمی‌کنید پس از ۱۸ سال دیر آمده باشید؟ حالا که تشریف آوردید، قدمتان روی چشم، خوش آمدید. خبرگزاری که اعلام می‌کند هر ماه ۲۴ میلیون کاربر در جهان از پایگاه اینترنتی ایرنا استفاده می‌کنند، شما بیایید کاری که چند سال پیش اسرائیل برای ران آراد کرد، بکنید و یک سایت اینترنتی و یا حتی یک صفحه سایت خودتان را به کاظم اخوان اختصاص دهید که هر کس از آن چهار نفر خبری و یا اطلاعاتی دارد، بفرستد. گفتند که پیشنهاد خوبی است؛ اما همچنان اقدامی نشده است. در یک جلسه دیگر بایکی از مسئولین خبرگزاری گفتیم: شما که در ۳۲ کشور مهم جهان نمایندگی رسمی دارید، فرماندهان فالانژ اینک هر کدام به یک کشور رفته و پناهنده شده‌اند، این هم نام کشورها و اسامی آنان، یک نفر به آنها مراجعه کند می‌تواند از آنها اطلاعات بگیرد، اما متأسفانه

در اینجا نیز تاکنون کاری انجام نشده است. خبرگزاری که مدعی است با ۷۰ خبرگزاری جهان به تبادل اخبار و اطلاعات می‌پردازد، برای کاظم اخوان چه کرده است؟ شما از خبرگزاری سوال کنید، در دوده اخیر، چند بار از محافل خبری جهان و نهادهایی که برای صیانت از حرفه روزنامه‌نگاری و خبرنگاری فعالیت می‌کنند، خواسته‌اند تا برای روشن شدن سرنوشت کاظم اقدام کنند؟ ما در روز خبرنگار گفتیم: از خبرنگاران و رسانه‌ها انتظار داریم همکاری در بندشان را فراموش نکنند و برای روشن شدن سرنوشت او و همراهانش، دستگاه‌های ذیربط داخلی از جمله وزارت امور خارجه را به تحرك بیشتری وادارند. برادرم کاظم، آیتی از مظلومیت خبرنگاران و نماد غمبار دفاع خبرنگاران است. ما از مطبوعات انتظار معجزه نداشتیم، ولی آنها می‌توانستند در مقاطع مختلف، موضوع را به مسئولین یادآوری کنند. نامه‌هایی که در نوزدهمین سالگرد اسارت آنان به رئیس‌جمهوری نوشته شد، فقط در دوروزنامه جمهوری اسلامی و کیهان منتشر شد. در روز خبرنگار، با این‌که من عکس کاظم را برای روزنامه‌ها ارسال کردم، فقط یک روزنامه از عکس استفاده کرده و به یاد او مطلبی نوشته بود. اما برای روزنامه‌هایی که مدعی دفاع از خبرنگاران و حقوق آنها هستند، انتشار عکس بزرگ زوج هنر پیشه هالیوود که پس از جدایی می‌خواهند در یک فیلم مشترک بازی کنند، آن هم درست در روز خبرنگار، مهم‌تر از سرنوشت یک خبرنگار مظلوم ایرانی است! خب دنیای عجیبی است. اگر نشریات بیست سال گذشته را بررسی کنید، به ازای هر سال یک سرمقاله و یا یادداشت که نشان‌گر اهمیت موضوع برای روزنامه است، نمی‌یابید که در مورد چهارگروگان ایرانی باشد. دفاع از خبرنگار در بعضی جاهاگم و در بعضی جاها پیدا می‌شود. نباید در دفاع از خبرنگاران گزینشی عمل شود. نامه‌ای که برای رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی در روز خبرنگار نوشتیم، فقط چند خط آن در یک روزنامه منتشر شد. نامه‌ای راهم که برای دبیر کمیسیون حقوق بشر اسلامی فرستادیم که توسط خبرگزاری سانسور شد، تنها در یک روزنامه منتشر شد. مگر کاظم اخوان خبرنگار نبود؟! امیدواریم تمامی

ضمیمه‌ها □ ۵۲۳

مدافعین حقوق بشر در دنیا، و انجمن‌های صنفی و حرفه‌ای خبرنگاران و روزنامه‌نگاران در داخل و خارج کشور، و کلیه کسانی که خود را ملزم به پیگیری سرنوشت خبرنگاران به‌عنوان وظیفه‌ای انسانی و صنفی می‌دانند، مساعی خود را به‌کارگیرند تا شاهد روشن شدن سرنوشت کاظم و همراهانش باشیم. این بزرگترین گام جهت‌تکریم خبرنگاران و اقدامی در راستای حفاظت از امنیت و حقوق خبرنگاران است.

ماهنامه فکه

ضمیمه ۳۷

تیر ۱۳۸۱

خبرنگار کیست؟!

اصلاً از همان روز چهاردهم تیرماه سال ۱۳۶۱ که کاظم اخوان به‌همراه حاج احمد متوسلیان و سیدمحسن موسوی و تقی رستگار به اسارت درآمدند، همه‌آنانی که به‌نوعی بامقوله خبرنگاری ارتباط داشتند، نسبت به او و همراهانش بی‌معرفانه رفتار کردند و از این مسئله هم بی‌تفاوت‌گذشتند. ماشاءالله امروز، کم انجمن و گروه صنفی نداریم: «انجمن روزنامه‌نگاران مسلمان»، «انجمن صنفی روزنامه‌نگاران»، «خانه عکاسان» و... ولی طی این بیست‌سال، کدامیک از اینان با ارسال نامه‌های مختلف به مجامع بین‌المللی، قاطعانه خواستار پیگیری مسئله اسارت کاظم اخوان شدند؟ به‌راستی چرا خبرگزاری جمهوری اسلامی، که کاظم فرستاده آن به‌لبنان بود، به هیچ‌وجه موضعی قاطعانه در این‌باره نگرفته است؟

اردیبهشت‌ماه امسال، نهمین جشنواره مطبوعات در تهران برگزار شد - محلی که صدها و چه‌بسا هزاران روزنامه‌نگار حضور مستقیم داشتند - در طی ده‌روز برگزاری جشنواره، از بلندگویی سالن‌ها، فقط یاد و خاطره شهید محمود صارمی که در افعانستان به شهادت رسید، گرامی داشته می‌شد، ولی با وجود انتقاد

برخی دوستان، به هیچ وجه یاد و خاطره کاظم اخوان گرامی داشته نشد. گروهی نیز به اسم دفاع از آزادی مطبوعات و روزنامه نگاران، دکان ودستی به راه انداخته، غرفه ای را اشغال کرده و تصاویر برخی را که چه بسا شاید فقط یکی دو مقاله در مطبوعات نوشته باشند، ولی بر اساس تخلفات و جرائم به زندان افتاده اند، بر دیوارهای سالن نصب کردند، ولی هیچ اسمی از کاظم اخوان که ۲۰ سال است از او خبری نیست، به میان نیامده بود. الحمدلله که اینجا عناد اینان باعث شد تا عکس کاظم کنار تصاویر مجرمان و واردگان و بریدگان سیاسی، قرار نگیرد. اینها راست می گویند. کاظم اخوان خبرنگار نبود. چون به جای خیانت به ملت و وطن فروشی و در یوزگی در مقابل بیگانگان در آمریکا و برلین، غیرتمندان و شرافتمندان رفت تا از ظلمی که از جانب رژیم اشغالگر صهیونیستی - و به قول اینان، دولت قانونی اسرائیل! - بر ملت مظلوم فلسطین و لبنان می رود، پرده بردارد. مگر وظیفه یک خبرنگار غیرتمند غیر از این است؟ کاظم اخوان که برای تهیه گزارش از مسابقات فوتبال جام جهانی به بیروت نمی رفت!!!

حمید داودآبادی

ماهیانه فکه

ضمیمه ۳۸

تیر ۱۳۸۱

چه کسانی از مرگ ایلی حبیقه سود می برند؟!

۱ - جمهوری اسلامی ایران همواره نسبت به ایلی حبیقه از رهبران فالانژ لبنان، که مدتی در حکومت این کشور دارای مسئولیت نمایندگی مجلس و پست وزارت بود، و در ربودن چهار دیپلمات ایرانی در جولای ۱۹۸۲ در شمال بیروت نقش فرماندهی داشته و از پذیرفتن آن سر باز می زد، به دیده تنفر می نگریست و خبر کشته شدن او، برای خیلی از ایرانی ها - بخصوص بستگان گروگان های مفقود الاثر

ضمیمه‌ها □ ۵۲۵

علیرغم این‌که جای خوشحالی دارد، نقاط ابهام پرونده گروگان‌ها را بیش از پیش در تارکی فرومی‌برد و جای تاسف نه‌برای ایلی حبیقه، که برای گروگان‌ها دارد.

۲ - فلسطینی‌های ساکن اردوگاه‌های آوارگان صبرا و شتیلا در بیروت، که خاطره تلخ کشتار بیش از ۲۰۰۰ زن و کودک و پیرمرد در ۱۵ سپتامبر ۱۹۸۲ را در ذهن دارند، همواره نسبت به ایلی حبیقه که در آن کشتار فجیع، نقش دستیار و مجری را برای ژنرال آرییل شارون بازی می‌کرد، و خود مستقیماً در قتل و تکه‌تکه کردن اجساد بسیاری شرکت داشت، ابراز تنفر کرده و همواره در پی انتقام جویی از او بوده‌اند. بدون شک، خبر مرگ وی، برای آوارگان صبرا و شتیلا خوشحالی زیادی - هرچند پس از بیست سال - در پی خواهد داشت.

۳ - حزب الله لبنان که از دیرباز با نیروهای مسیحی فالانژیست در نبرد و تضاد بوده، و در جنگ‌های داخلی میان این دو گروه، ایلی حبیقه نقش مهم رهبری نظامی فالانژها را ایفا کرده و خود در صحنه‌هایی چون کشتار اسرای حزب الله در مقابل دفتر حزب کتائب در کنار کلیسای مارونی روستای «کحاله» در نزدیکی بیروت حضور داشته است، بغض دیرینه نسبت به حبیقه داشته و از مرگ او، کم شادمان نخواهد شد.

۴ - طرفداران سمیر جعجع از فرماندهان فالانژ در طول جنگ‌های داخلی، که در حال حاضر به جرم قتل و بمب‌گذاری، در زندان به سر می‌برد، از این‌که ایلی حبیقه به عنوان آمر و فرمانده او، از زیر بار مسئولیت‌ها شانه خالی کرده و همه تقصیرها را به گردن جعجع انداخته است، کم از او بغض نداشته و ندارند و بدون شک از مرگ او بسیار خوشحال خواهند شد.

همه این احزاب و گروه‌ها، از مرگ حبیقه راضی به نظر می‌رسند و چه بسا اقشار دیگر همچون دولت سوریه و دیگر احزاب سیاسی نظامی لبنان بخصوص مسلمانان اهل سنت نیز، از این خبر خوشحال شوند، ولی آن‌که بیش از همه از مرگ بزرگترین دستیار آرییل شارون در قتل عام صبرا و شتیلا خوشحال خواهد شد، کسی نیست جز دولت اسرائیل و در راس آن شخص آرییل شارون! بسیار

واضح است که سردمداران صهیونیسم و غرب، به هیچ وجه اجازه نخواهند داد تا آریل شارون به جرم قصابی و کشتار فلسطینیان در جریان تهاجم به بیروت در سال ۱۹۸۲ محاکمه شود. با این حساب، این خطر وجود داشت و بسیار جدی می‌نمود که گروه‌های فلسطینی و لبنانی موفق شوند ایلی حبیقه را به عنوان دستیار شارون، به عنوان جنایتکار جنگی به پای میز محاکمه بکشانند، بخصوص این‌که وی چندی قبل از مرگش گفته بود که به زودی اسرار مهمی از ماجرای کشتار صبرا و شتیلا را فاش خواهد کرد. آنچه مسلم است، اسرائیل بیش از هر گروه دیگر از ترور ایلی حبیقه سود می‌برد، آن‌هم در حالی‌که اگر دیگر گروه‌ها قصد ترور وی را داشتند، خیلی پیش از اینها اقدام به این کار می‌کردند، نه در برهه‌ای که لبنان بیش از هر زمان دیگری به آرامش و تفاهم احزاب نیاز دارد. چه بسا شاهد باشیم که احزاب مسیحی، از جنایتکار جنگی‌ای که خون بسیاری از فلسطینی‌ها و حتی لبنانی‌ها را بر زمین ریخت، به عنوان قهرمان تجلیل‌کنند و اسرائیل - و بخصوص آریل شارون - با خیالی آسوده، ایلی حبیقه را «قهرمان فراموش‌ناشدنی» بنامد. ولی آنچه مهم به نظر می‌رسد، جنایتکار و شاهدی مهم از پرونده شارون حذف شد، که ترور او می‌تواند آتش‌جنگ‌های دیرینه داخلی را در لبنان شعله‌ور سازد، که اینجا درایت و فروتنی همه احزاب بخصوص حزب‌الله را می‌طلبد، که مرگ و سیاهی بار دیگر بر آسمان لبنان سایه‌نیندازد.

حمید داود آبادی

ماهنامه فکه

ضمیمه ۳۹

۱۳۸۱/۴/۱

استمداد خانواده کاظم اخوان از رئیس‌جمهوری

رئیس‌جمهوری محترم و محبوب جناب آقای خاتمی

ضمیمه‌ها □ ۵۲۷

عقربه زمانه، بار دیگر بر تیرماه خواهند نشست و چون نیشتری، قلبمان رامی‌شکافد. این بیستمین سال انتظار است که خزان دلمان بهار نشده و در غم هجران برادرمان کاظم اخوان و همراهانش، همچنان می‌سوزیم و می‌سازیم.

بیست سال است که در تیرماه هر سال، در سالگرد ربوده شدن و اسارت وی، به یاد آن واقعه تلخ، در فراق او قطره اشکی از گوشه چشمانمان سرازیر می‌شود، قرآن را می‌گشاییم و این آیه را می‌خوانیم: «سلام‌علیکم بما صبرتم فنعم عقبی‌الدار (سوره رعد آیه ۲۴)» دست به دعا بر می‌داریم و دعای هر صبح و شام را تکرار می‌کنیم: «اللهم فکک‌الاسیر» سپس برای تسلی دلمان دیوان حافظ را باز می‌کنیم:

یوسف‌گم‌گشته باز آید به کنعان غم‌مخور

کلبه احزان شود روزی گلستان غم‌مخور

آری، زندگی در انتظار و بیم و امید، فرسودگی می‌آفریند و سخت و طاقت‌سوز است. در بیستمین سالگرد اسارت این عزیزان، بار دیگر با آنان پیمان وفا می‌بندیم و امانت عشق را از آنان به ودیعه می‌گیریم.

بارالها، اگر اندوهناک شوم، ذخیره ام تویی، و اگر از همه جا محروم شوم، امیدم تویی، و اگر غم به من هجوم آورد، استغاثه ام به توست (صحیفه سجادیه).

جناب آقای خاتمی! دو دهه است که در بیم و امید زندگی می‌کنیم، پدرمان نیز تا پایان عمر، در انتظار زندگی کرد. آری! سنگ صبورمان پس از سال‌ها چشم انتظار یافتن خبری از سرنوشت فرزندش، دل‌نگران نقاب‌در روی خاک کشید! اینک نمی‌دانیم از اندوه یعقوب بگوئیم یا حدیثیوسف. در بیست سال گذشته، خانواده‌هایی؟ گروگان ایرانی همواره شاهد اطلاعیه‌ها، بیانیه‌ها و اظهارات ضدونقیض در داخل و خارج از کشور بوده‌اند. هر از چندگاهی خبری مبنی بر زنده بودن این عزیزان منتشر می‌شود و در محافل خصوصی‌تر و توسط برخی مسئولان، خبر شهادت آنان اعلام می‌گردد. همین مسئله را بغرنج‌تر کرده و باعث

ناراحتی روحی خانواده‌ها می‌شود. چه کسی باید جوابگوی خون‌دل این خانواده‌ها باشد؟

در چند ماه گذشته، در برخی از مطبوعات نیز بحث‌شهادت این عزیزان با تیتردرشت و به صورت علنی مطرح شده بود، مبنی بر این که قاتل شهید احمد متوسلیان به هلاکت رسید. پس از کشته شدن ایلی حبیقه فرمانده سابق بخش امنیتی نیروهای لبنانی، هفته‌نامه دوکوهه، در شماره بهمن ۱۳۸۰ خود اعلام نمود: «اخبار موثق از منابع پراکنده، حکایت از آن داشت که ۴ گروهان ایرانی احتمالاً به جز سید محسن موسوی، همان روز یا چند روز بعد، به دستور ایلی حبیقه اعدام شدند.» همچنین آقای اختری سفیر سابق ایران در سوریه نیز، در مصاحبه با ماهنامه فکه شماره خرداد ۱۳۷۸، در ارتباط با ۴ گروهان ایرانی اظهار داشته‌اند: «من بر حساب اطلاعاتی که دارم و چیزهایی که از سوری‌ها، مسئولان کشور سوریه و دیگران شنیده‌ام، معتقدم که آنها در قید حیات نیستند.»

از طرفی، وزارت امور خارجه هیچ‌گاه موارد مطرحه را تکذیب نکرده است و نسبت به آن بی‌تفاوت بوده. جناب عالی که به دردهای انسانی و آلام بشری عمیقاً توجه دارید، اذعان می‌فرمایید که این حق مسلم خانواده‌های آنان است که به عنوان شهروندان ایرانی، بدانند عزیزان‌شان زنده هستند و یا به شهادت رسیده‌اند. هیچ چیز سخت‌تر از این نیست که هر چند وقت یکبار، به شما بگویند عزیزتان به شهادت رسیده، اما نتوانید حتی برای او سوگواری کنید.

در هیچ‌جای دنیا، با شهروندانی که عزیزان آنها در کشور دیگری به گروهان گرفته شده‌اند، چنین برخورد نمی‌شود. یقیناً پی‌بردن به واقعیت غیر ممکن نیست. سال گذشته، ما پیشنهاد تشکیل کمیته حقیقتیاب را به وزارت خارجه ارائه کردیم که به آن توجهی نشد، چرا که به نظر می‌رسد حقیقت برای آنان روشن است. البته عده‌ای قصد دارند عمداً، سرنوشت آنان را همچنان در هاله‌ای از ابهام و تاریکی نگه دارند که به هر دلیل، این عمل غیر انسانی و

ضمیمه‌ها □ ۵۲۹

غیراخلاقی است و همین شیوه برخورد است که دل و جان و روح و روان ما را آماج خود قرار می‌دهد .

صدای مظلومیت این خانواده‌ها را چه کسی باید بشنود؟ چرا ما بی‌پاسخ و سرگردان در برزخ رها شده ایم؟ شواهد و قرائن مختلف نشان‌گر آن است که موضوع ۴ گروهان ایرانی پس از دوده، به عنوان یک مسئله ملی و انسانی، به طور جدی در دستور کار مسئولان وزارت امور خارجه قرار ندارد و آنچه بر سر ما آمده را، مسئله‌ای مربوط به دیگری تلقی می‌کنند. آنچه برای ما مهم است، حقیقت است تا از این بن‌بست فرساینده نجات یابیم. آیا این توقع، انتظار بی‌جایی است؟ ما درمان را نزد چه کسی باید ببریم؟ ما شهادت این عزیزان را، تازمانی که به طور عینی اجسادشان را مشاهده نکنیم و یک تست از آنها نگیریم، نمی‌پذیریم.

یدبضای محبت و مرحمت خویش از گریبان بزرگواری برآورید، و چشم و دل خانواده‌های منتظر آنان را نورافشان کنید. خواهشمندیم به وزارت امور خارجه دستور دهید، حقیقت را به ما اعلام کنند، و امیدواریم پس از درخواست‌های مکرر در پنج سال گذشته، ملاقات با جناب عالی عقده ازدل‌خونین رنج‌دیدگان بگشاید، و در مقابل این بیست‌سال صبر و انتظار ما، چند دقیقه از وقتتان را در اختیار ما بگذارید.

انتخاب

ضمیمه ۴۰

۱۳۸۱/۴/۱۲

چشم‌بسته در مقابل چشم‌باز

ریاست محترم انجمن صنفی روزنامه‌نگاران

باسلام! برادرمان کاظم اخوان خبرنگار عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی، بیست‌سال پیش در ۱۴ تیر سال ۱۳۶۱ به دنبال یورش وحشیانه نظامی اسرائیل به

خاک‌لبنان، به‌طور داوطلبانه برای عکاسی از مقاومت مردم فلسطین و لبنان، به آن کشور رفت و دربدو ورود به بیروت، توسط مزدوران اسرائیلی فالانژیست‌ها ربوده شد. علیرغم آگاهی نیروهای فوق از موقعیت‌شغلی وی، بعد از گذشت دودهه، هنوز سرنوشت این خبرنگار کشورمان و سه همراه مظلوم وی، همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. مسئولان ذیربط نیز تاکنون پاسخ‌روشنی به خانواده‌ها و افکار عمومی ارائه نکرده‌اند. سرنوشت کاظم اخوان نه تنها به عنوان یک خبرنگار، بلکه در میان همه کسانی که در تاریخ معاصر نام‌گروگان داشته‌اند، چهره‌ای غریب دارد. حکایت این چهار شهروند کشورمان، کم‌نظیر است. نه در دنیا، بلکه در کشور خود نیز غریب هستند. علیرغم درخواست سال‌گذشته ما، در روز خبرنگار مبنی‌بر این‌که خبرنگاران و رسانه‌های داخلی همکار در بندشان را فراموش نکنند و دستگاه‌های ذیربط داخلی از جمله وزارت امور خارجه را به تحرك بیشتری وادارند، چراکه کاظم اخوان آیتی از مظلومیت خبرنگاران و نماد غمبار دفاع از خبرنگاران است، در دور جدید پی‌گیری تصویر می‌کردیم همکاران وی خصوصاً در مطبوعات، یاری‌مان خواهند کرد.

ما زیاران چشم‌یاری داشتیم

خود غلط بود آنچه می‌پنداشتیم

آری، در برهمن پاشنه‌تغافل بیست‌سال گذشته می‌چرخد. امروز به یقین رسیده‌ایم که در این مسیر، هیچ‌کمی نخواهیم داشت و تنها خواهیم بود. وقتی که مطبوعات که به لحاظ حرفه‌ای و اخلاقی باید یار و مددکار و مدافع و حامی باشند، بی‌تفاوت هستند، از دیگران چه انتظاری باید داشت. ما هرچه قدر که تنها باشیم، با امید به پروردگار که ناامید نشویم، سرنوشت کاظم را دنبال می‌کنیم. این اشاره دردناک شاید دل‌هایی را بلرزاند و ذهن‌هایی را بیدار کند. این تغافل و سکوت در پی‌گیری سرنوشت یک خبرنگار ایرانی توسط مطبوعات، سوال‌ها و ابهامات زیادی را به ذهن متبادر می‌سازد. به یاد داریم یک‌دهه قبل، وقتی چند غربی در لبنان گروگان گرفته شدند،

ضمیمه‌ها □ ۵۳۱

رسانه‌های گروهی غرب خصوصا مطبوعات، بایک سیاست‌تبلیغی و پوشش خبری‌گسترده، باتکیه بر بارعاطفی و انسانی‌قضیه، سرنوشت شهروندان‌شان را تا آزادی‌پی‌گیری‌کردند و باهمراهی خانواده‌ها، بردولت‌مردان و سازمان‌های مربوطه فشار وارد می‌کردند تا برای آزادی آنان اقدام‌جدي کنند. به‌هرحال کلیه گروگان‌های غربی درلبنان ده‌سال پیش آزادشدند و به‌آغوش خانواده وکشورشان بازگشتند وحتی تا جنازه‌های‌کشته‌شدگان خود را نیز تحویل‌نگرفتند، از پای‌نشستند. درصورتی‌که ما اولین قربانیان‌گروگان‌گیری درلبنان بودیم. اما درکشور ما مسئله چهارگروگان‌ایرانی، درصحنه اکثر قریب به‌اتفاق مطبوعات به‌لحاظ خبری و تفسیری در بیست‌سال‌گذشته، بسیارکم‌رنگ بوده و تلاش‌زیادی صورت‌نگرفته است و ازتوجهی درخور و شایسته بی‌نصیب بوده است و درمقاطعی اخبارمربوط به‌کاظم به‌عنوان یک‌خبرنگار، هیچ‌انعکاسی درمطبوعات نداشته است ویا به‌صورت حاشیه‌ای منعکس‌شده. البته یکی‌دو روزنامه و یک‌ماهنامه به‌موضوع اهمیت‌داده‌اند که سعی‌شان مشکورباد. اهمیت یک‌موضوع برای‌مطبوعات، بستگی به‌جایی دارد که در صفحه‌اول و یا سایرصفحات به‌آن اختصاص می‌یابد ویا درقالب سرمقاله، تفسیر و تحلیل وگزارش به‌آن پرداخته‌می‌شود. هیچ‌شاهدی گویاتر از واکنش‌سرد مطبوعات درقبال این‌مسئله نیست و ما هرروز این‌نشانه‌ها را روشن‌تر بازمی‌یابیم. بسیاری ازمطبوعات که داعیه‌دفاع ازخبرنگاران را دارند، باسکوت و تسامح از واقعه‌ای که ۷۳۰۰ روز ازآن گذشته، به‌شکلی برخوردارمی‌کنند که‌گویی خبرنگاری‌که بیست‌سال پیش درلبنان ربوده‌شده، یک‌خاطره فراموش‌شده است که به‌گذشته تعلق دارد و به‌تاریخ پیوسته است و برای صاحبان منافع‌سیاسی طرح وپی‌گیری سرنوشت او سود وزیانی ندارد. گرچه وجدان‌حساس تاریخ هرگز او را به‌فراموشی نخواهدسپرد.

مگر فلسفه وجودی تشکلهایی مانند انجمن‌صنفي‌روزنامه‌نگاران احقاق‌حقوق‌حقه روزنامه‌نگاران و خبرنگاران نیست؟ انجمن از ابتدای‌تاسیس، برای روشن‌شدن سرنوشت‌کاظم چه کرده است؟ شعارهایی ازقبیل اخلاق‌مطبوعاتی،

تعهد روزنامه‌نگاری و دفاع و حمایت از خبرنگار، در نزد مطبوعات‌ما. چه جایگاهی دارد؟ اگر حرفه و جایگاه اجتماعی خبرنگاران اهمیت دارد، چرا مطبوعات حتی در روز خبرنگار به سرنوشت این خبرنگار توجه ندارند. در بیست سال گذشته کدام روزنامه‌نگار و یا خبرنگار به سراغ مسئولین ذیربط رفته و از آنان سوال کرده چرا اسارت این چهار شهروند بیست سال طول کشیده و سرنوشت آنان به چه دلیلی نباید روشن شود؟ این تغافل ناشی از چیست؟ آیا با خدماتی که این چهار شهروند برای کشور داشته‌اند، شایسته چنین غفلتی هستند؟ آقایان موسوی، متوسلیان و رستگار مقدم از بهترین فرزندان ایران بودند. آیا این سکوت و بی‌توجهی قلب هر ایرانی آزرده نمی‌سازد؟ همان‌طور که در مورد برخی از شهروندان و روزنامه‌نگاران شاهد حساسیت‌ها و اعلام نظرهای فراوان توسط مطبوعات هستیم، این برخورد دوگانه را چگونه باید توجیه کنیم؟ آیا این انتظار که چنین روی‌کردی در مواجهه با دیگر خبرنگاران و شهروندان نیز صورت‌گیرد، انتظار بی‌جایی از مطبوعات است؟ در عین داشتن تفکرات خاص سیاسی، وجدان انسانی و اخلاقی ایجاب می‌کند فعال‌تر برخورد شود گرچه پایان دادن به این تراژدی وظیفه دولت و مسئولان وزارت خارجه است و دولت باید پاسخ‌گو باشد که نیست، مطبوعات نیز بهای لازم را به این مسئله انسانی و ملی بدهند و خط‌ماس عاطفی با درد و اندوه و زخم‌کهنه خانواده‌ها را حفظ کنند و فقط منحصر به سالگرد اسارت نباشد، و آن را به یک غصه ملی تبدیل کنند تا توان دیپلماتیک در سطح مناسبی به‌کار گرفته شود. عملکرد مجامع بین‌المللی و سازمان‌های مدافع حقوق بشر و مدعیان دفاع از خبرنگاران در دنیا، به راستی مفتضح و شرم‌آور است و نشان می‌دهد آنها در دفاع از انسان‌ها و خبرنگاران، گزینشی عمل می‌کنند.

آیا تغافل‌ما نسبت به سرنوشت شهروندانمان در برابر غربی‌ها و اسرائیل که از جاسوسان و جنایتکاران خود با شدت و جدیت حمایت می‌کنند، ما را مشمول این سخن امام علی (ع) قرار نمی‌دهد: «آنان بر باطل خود فراهمند و شما در حق خود پراکنده و پریش.»

ضمیمه‌ها □ ۵۲۳

پدرما، پس از سال‌ها انتظار سخت و طولانی برای بازگشت یوسف‌گم‌گشته خود، چشم‌انتظار به سرای‌باقی‌شتافت. غرض از این درددل که به‌درازا کشید، این بود که یکبار دیگر سرنوشت‌کاظم به‌عنوان یک‌خبرنگار و سه‌همراه او، مورد توجه جدی مطبوعات قرار گیرد و امیدواریم که شوق‌روزنامه‌نگاران کشور برای پی‌گیری سرنوشت همکار در بندشان را برانگیزد و برای پی‌گیری فعال‌تر، ترغیب‌شوند.

روزی که مطبوعات ما صرفاً در پی اهداف سیاسی خود باشند و بپندارند از قید قواعد دیرینه اخلاقی و انسانی آزادند، و تعهدی نسبت به کرامت انسان و حقوق او ندارند، به راستی باید به‌سوگ حقیقت‌نشست. سیاست‌روز

ضمیمه ۴۱

۱۳۸۱/۴/۱۳

دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی را از جنگال رژیم صهیونیستی نجات دهید

خانواده چهار دیپلمات ایرانی، اطلاعاتی را دال‌بر زندانی‌بودن این دیپلمات‌ها در زندان‌های رژیم صهیونیستی ارائه کردند که این مطالب توسط سیدراند موسوی بدین شرح تنظیم شده است: «آقای سیدمحسن موسوی، کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت و همراهانش احمد متوسلیان، کاظم اخوان خبرنگار عکاس و تقی رستگار مقدم، بعد از ظهر روز ۵ جولای ۱۹۸۲، (۱۴ تیر ۱۳۶۱) در حالی که بایک اتومبیل‌مرسدس با پلاک رسمی «کد دیپلماتیک» در جاده ساحلی طرابلس-بیروت به سوی پایتخت در حرکت بودند و توسط یک اتومبیل نیروهای امنیتی داخلی لبنان ویژه امنیت سفارتخانه‌های خارجی، اسکورت می‌شدند، در پست‌بازرسی‌برباره در منطقه مدفون، توسط شبه‌نظامیان مسیحی موسوم به نیروهای فالانژیست (قوات اللبنانیه) متوقف و ربوده شدند. براساس اطلاعاتی که بعداً از منابع گوناگون از جمله ارتش لبنان، از احزاب

و شخصیت‌های مسیحی‌لبنان به دست آمد، افراد پست بازرسی‌برباره، چهار ایرانی ربوده‌شده را به مرکز خود در شرق‌جاده برده و از آنجا برای کسب تکلیف، با ستاد مرکز شورای جنگ در منطقه کرنیتینا در بیروت تماس می‌گیرند و به آنها دستور داده می‌شود که ایرانیان را به کرنیتینا اعزام کنند. همان شب بشیر جمیل، فرمانده نیروهای فالانژ، شخصاً از ایرانیان بازجویی می‌کند و در پاسخ تماس‌هایی که از سوی دفتر ریاست جمهوری و وزارت امور خارجه لبنان برای آزادی ایرانی‌ها با وی گرفته می‌شود، تأکید می‌کند که ایرانی‌ها آزاد شده‌اند و به دلیل بسته‌بودن راه‌های ورودی پایتخت، آنها از همان جاده ساحلی به سوی طرابلس بازگشته‌اند. دو روز بعد اتومبیل آنها که در کوچه‌ای نزدیک مرکز حزب‌بعث وابسته به عراق در شهر طرابلس پارک شده بود، پیدا شد. تحقیقات نشان داد که اتومبیل بعداً به منظور ردگم کردن، به طرابلس برده شده و در نزدیک دفتر حزب‌بعث پارک شده تا چنین وانمود شود که ایرانی‌ها در بازگشت به طرابلس، توسط حزب‌بعث وابسته به عراق که با ایران در حال جنگ بود، ربوده شده‌اند. با این حال تحقیقات و تماس‌هایی که از راه‌های مختلف بامسئولان حزب‌بعث در لبنان به عمل آمد، نشان داد که آنها اطلاعی از سرنوشت ایرانیان ندارند.

در تاریخ ۶ جولای ۱۹۸۲ رادیوی «صدای لبنان» در بیروت، خبر داد که فالانژیست‌ها چهار دیپلمات ربوده‌شده، ایرانی را در ساختمان شورای جنگ در کرنیتینا نگهداری می‌کنند و سرگرم بازجویی از آنها هستند. در تماس بامسئولان این رادیو، معلوم شد که آنها این‌خبر را از منابع موثقی در شرق بیروت گرفته‌اند. ضمناً نیروهای فالانژ این‌خبر را تکذیب نکردند. در ۷ جولای ۸۲ رادیو اسرائیل خبر داد فالانژیست‌ها که چهار دیپلمات سفارت ایران در بیروت را بازداشت کرده‌اند، رئیس‌هیئت را آزاد و سه نفر دیگر را به نقطه نامعلومی انتقال داده‌اند. گزارش‌هایی که بعداً از منابع داخل نیروهای فالانژ به دست آمد، حاکی از آن بود که چهار ایرانی به مدت ۲۰ روز در زیرزمین ستاد مرکزی کرنیتینا نگهداری و مورد بازجویی قرار گرفته‌اند

وسپس به زندان «آدونیس» منتقل شده‌اند. در فوریه ۱۹۸۳ يك گزارش از زندان آدونیس گفت که گروگان‌های ایرانی سخت شکنجه شده ولي زنده هستند ويکی از آنها پیوسته دعایي ميخواند و طی آن به پیامبر اسلام و امامان شیعه متوسل می‌شود. که احتمالاً منظورشان دعای توسل بوده که آقای سید محسن موسوی مداومت هر روز نسبت به خواندن آن دعا داشته‌اند.

اوایل اوت ۱۹۸۳ سه نفر از مسئولان بلندپایه نیروهای فالانژ، ضمن تماس غیرمستقیم با برخی از مسئولان حزب الله لبنان، اظهار آمادگی کردند که حاضرند آقای محسن موسوی را در قبال دریافت مبلغی پول، در منطقه بی طرف به حزب الله تحویل دهند. تماس این افراد برای به دست آوردن مدرک لازم مبنی بر زنده بودن گروگان‌ها و تفاهم پیرامون نحوه تحویل آنها و مبلغ پرداختی، تا چند ماه ادامه یافت. در این حال، نیروهای فالانژ در مارس ۱۹۸۴ ایرانیان را از زندان آدونیس به زندان گوستا در منطقه عجلتون منتقل کردند. ضمناً، آنها سه ماه يك بار نگهبان زندان ایرانیان را تعویض می‌کردند.

در ۱۰ ژوئیه ۱۹۸۴، گروهی که می‌خواست آقای محسن موسوی را در مقابل پول آزاد کند، موفق شد نامه‌ای از وی را به یکی از مسئولان حزب الله تحویل دهد. این نامه به خط موسوی روی يك قطعه پارچه سفید کنده شده از آستر شانه‌کت با خودکار آبی نوشته شده بود. مقایسه خط نامه با نوشته‌های آقای محسن موسوی، حاکی از آن بود که نامه به طور یقین توسط ایشان نوشته شده است. ضمناً این نامه حاوی رموز و سمبل‌هایی نیز بود که مصلب فوق را تائید می‌کرد.

نوامبر ۱۹۸۴ قرار شد آقای موسوی حین انتقال از زندان به بیمارستان، ربه و در منطقه موزه، حفاصل بین دوبرخ شرق و غرب بیروت، به افراد حزب الله تحویل داده شود. بخشی از این طرح عملی گردید ولي متأسفانه به دلیل شکسته شدن آتشبس و گلوله باران شدید منطقه موزه، رسیدن افراد مأمور طرح به منطقه موزه، غیرممکن شد و فرماندهان نیروهای فالانژ درجه حفاظت از ایرانی‌ها را به شدت بالا بردند و کمی بعد، آنها را از زندان عجلتون در

منطقه‌متن، به نقطه دورافتاده‌ای به‌نام دیرقطاره در کوهستان‌های شرق منطقه‌جبیل که بسیار مستحکم بود، منتقل‌کردند.

سال ۱۹۸۶، یک‌افسر مسیحی ارتش‌لبنان به‌استناد «ایلی‌ابی طالع» رئیس رکن‌چهارم نیروهای‌فالانژ، مسئول هماهنگی‌بین اطلاعات‌خارجی و اقدامات‌امنیتی، اطلاع‌داد که گروگان‌های‌ایرانی از قطاره، با قایق از طریق دریا به‌کرنیتینا در بیروت منتقل‌شده‌اند و در زندان‌مخصوص اطلاعات‌خارجی در زیرزمین شورای‌جنگ، مورد بازجویی‌مجدد قرارگرفته‌اند. براساس این‌گزارش، گروگان‌های‌ایرانی پس از مدتی از کرنیتینا به زندان «اوپرلی» در نزدیکی جونیه منتقل‌شدند.

همان‌منبع در دسامبر ۱۹۸۸ اطلاع‌داد که گروگان‌ها را طی تدابیرشدید حفاظتی از اوپرلی به جونیه برده و از آنجا آنها را با یک‌قایق به یک کشتی‌اسرائیلی که در دریا انتظار می‌کشید، انتقال داده‌اند. ظاهراً این نقل و انتقال‌ها با بروز اختلاف و درگیری بین ژنرال میشل عون فرمانده سابق ارتش‌لبنان، و سمیر جعجع فرمانده نیروهای‌فالانژ، و بمباران بخش‌شرقی بیروت و احتمال سقوط برخی از مناطق، ارتباط داشته‌است. سه‌نفر از مجموع یازده‌نفر افرادی که در تأمین حفاظت این نقل و انتقال شرکت داشتند، شناسایی و به‌طور غیرمستقیم موردسوال قرارگرفتند. هر سه‌نفر انتقال افرادخارجی از اوپرلی به بندرجونیه و از آنجا به کشتی‌اسرائیلی را تاییدکردند. تنها یکی از آنها گفت که وی می‌دانسته افراد منتقل‌شده دیپلمات‌های‌ایرانی بوده‌اند.

یک شهروند ایرانی به‌نام «فریدون نظری» که به‌اتفاق همسر و فرزندش در ماه مه ۱۹۸۸ توسط نیروهای‌فالانژ در بخش‌شرقی بیروت بازداشت و پس از ۱۶ ماه، با دخالت سازمان صلیب‌سرخ بین‌المللی آزادشد، می‌گوید که در زندان آدونیس، تعدادی از مسئولان نیروهای‌فالانژ به وی تاکید کرده‌اند که چهار دیپلمات ایرانی زنده هستند و مدتی در همین زندان نگه‌داری می‌شده‌اند.

ضمیمه‌ها □ ۵۳۷

در سپتامبر ۱۹۸۹، «پیر یزیک» نماینده سابق نیروهای فالانژ در اورشلیم، که اینک در پاریس به سر می‌برد، طی تماسی که از طریق یکی از دوستان نزدیکش با وی به عمل آمد، تاکید کرد که گروگان‌های ایرانی زنده هستند و وی می‌تواند مدارک لازم برای اثبات این موضوع را تهیه و ترتیب آزادی آنها را در مقابل مبلغ بسیار بالایی بدهد. نامبرده پس از چند سفر به لبنان و سوریه و بررسی جوانب امر، اطلاع داد که گروگان‌های ایرانی به اسرائیل منتقل شده‌اند و امکان تهیه مدارک مورد نظر وجود ندارد.

در ۳۰ آوریل ۱۹۹۰ تلویزیون وابسته به ژنرال میشل عون در بیروت، خبر داد که سه نفر از چهار نفر دیپلمات ایرانی، همچنان زنده هستند و در منطقه «لقلوق» نگه داری می‌شوند. در تحقیقاتی که پیرامون پخش این خبر صورت گرفت، معلوم شد که این خبر به دستور شخص عون در چارچوب جنگ تبلیغاتی بین وی و سمیر جعجع پخش شده است. بر اساس این تحقیقات، منابع عون، اطلاعات رکن دوم ارتش و عوامل طرفدار وی در نیروهای فالانژ بوده‌اند.

در سپتامبر ۱۹۹۰، «منصور رحمه» از بازرگانان معروف مسیحی در بخش بیروت، که روابط بسیار نزدیکی با سمیر جعجع دارد، در ملاقاتی در هتل سامرلند بیروت، تاکید کرد که دیپلمات‌های ایرانی زنده‌اند و مدتی است که به اسرائیل منتقل شده‌اند. وی افزود: حتی وقتی که آنها در لبنان بودند، تصمیم پیرامون سرنوشت آنها در دست موساد بود.

در نوامبر ۱۹۹۰ یک شخصیت بسیار معتبر و آگاه مسیحی در لبنان، به یکی از شخصیت‌های سیاسی مسلمان این کشور تاکید کرد که سمیر جعجع گروگان‌های ایرانی را به اسرائیل فروخته است. وی پیرامون این که اسرائیل می‌خواهد آنها را با یک خلبان اسرائیلی که در لبنان ناپدید شده و گفته می‌شود که توسط سپاه پاسداران ایران اسیر شده است، مبادله کند.

هیچ‌یک از منابعی که ادعا کرده‌اند گروگان‌های ایرانی به قتل رسیده‌اند، نتوانسته‌اند برای اثبات این ادعا دلیلی ارائه دهند. علاوه بر این،

منابع مذکور تاریخ‌های متضادی را برای کشته‌شدن دیپلمات‌های ایرانی ذکر کرده‌اند که مهم‌ترین آنها بدین شرح است:

چهار ایرانی عصر همان روز بازداشت (۵ جولای ۱۹۸۲) در کرنیتینا اعدام شده‌اند.

چهار دیپلمات ایرانی ۲۰ روز پس از ربوده‌شدن در اواخر جولای یا اوائل اوت ۸۲ به قتل رسیده‌اند.

آنها در سال ۱۹۸۳ کشته شده‌اند.

چهار ایرانی در ۱۹۸۴ در زندان به قتل رسیده‌اند.

گروگان‌های ایرانی در ژانویه ۱۹۸۶ در جریان حرکت نظامی سمیر جعجع علیه ایلی حبیقه در اثر بمباران منطقه کرنیتینا کشته شده‌اند.

کلیه مراجعی که پیرامون سرنوشت چهار ایرانی تحقیقاتی کرده‌اند - از جمله آمریکایی‌ها - متوجه این تضاد شده و اعتراف کرده‌اند که پاسخی برای این تضاد ندارند. در حالی که از نظر اصول منطق، وقتی یک خبر به چند شکل متضاد بیان می‌شود، اصل خبر با همه شکل‌های بیانی‌اش، مردود شناخته می‌شود. در همین راستا، سمیر جعجع در ملاقاتی در تاریخ ۲۰ نوامبر ۱۹۹۰ ادعا کرد که هر چهار ایرانی در روز بازداشت و در ستاد فرماندهی نیروهای فالانژ در کرنیتینا، به دستور تلفنی ایلی حبیقه اعدام شده و اجسادشان در خرابه‌های واقع در پشت ستاد فرماندهی انداخته شده و با بلدوزر روی آنها خاک ریخته‌اند. با همه افرادی که توسط سمیر جعجع به عنوان شهود یا عاملان این حادثه معرفی شدند، مصاحبه‌های دقیقی به عمل آمد و معلوم شد که آنها خطوط اصلی یک سناریو را حفظ کرده و تکرار می‌کنند. اما در توضیح جزئیات حادثه، دچار گیجی و تناقض‌گویی می‌شوند و اطلاعات ضدونقیض می‌دهند و لذا ثابت شد که شهادت این افراد به منظور صحنه‌سازی گم‌کردن حقیقت بوده است.

در ماه ژوئن ۱۹۹۷، رئیس‌کمیته دفاع از حقوق زندانیان خارجی در اسرائیل، احمد حبیب‌الله، اعلام کرد: من از جانب اسرائیلی‌ها تاکید می‌کنم چهار نفر ایرانی که در سال ۱۹۸۲ در لبنان ربوده شده‌اند زنده هستند. وی افزود یک زندانی در

زندانی نظامی‌عتلیت، اسامی چهارگروگان ایرانی را در فهرست زندانیان مشاهده کرده است. احمد حبیب‌الله همچنین اضافه کرد: هدف اسرائیل از مخفی نگاه داشتن اطلاعات مربوط به چهاردیپلمات، بهره‌برداری از آنان بویژه پیرامون سرنوشت‌رون آزاد است. علاوه بر این، ظرف دو سال گذشته، احمد حبیب‌الله، چندین بار در مصاحبه‌های مطبوعاتی اظهار داشته که گروگان‌های ایرانی زنده و در زندان‌های اسرائیل هستند. سخنان احمد حبیب‌الله توسط خبرگزاری‌های بین‌المللی مخابره و در روزنامه‌های مختلف در سطح جهان درج شده است. برخی از سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی، بر اساس همین اظهارات، مکاتباتی را با اسرائیل آغاز کرده و طی‌نامه‌هایی به دفتر نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، از سرنوشت گروگان‌ها، بویژه آقای کاظم اخوان -خبرنگار- استفسار کرده‌اند، اما پاسخی دریافت‌نموده‌اند. ضمناً خبرنگار برنامه‌های بیرون‌مرزی صداوسیما در اردن نیز شخصاً با احمد حبیب‌الله گفت‌وگو کرده و نامبرده وجود گروگان‌های ایرانی در اسرائیل را مورد تأکید قرار داده است.

در ۳۰ مارس ۲۰۰۰، طی دیداری که اعضای خانواده گروگان‌های ایرانی با ایلی حبیقه مسئول به‌عمل آوردند، وی اظهار داشت که هیچ اطلاعی از کشته شدن گروگان‌ها ندارد و شخص سمیر جعجع در جریان انتقال احتمالی آنها به اسرائیل دخالت داشته و همچنین وی به مکان نگهداری زندان- آنها و زمان انتقال آنها به اسرائیل اشاره نمود. لازم به ذکر است در اکثر ادعاهای مربوط به کشته شدن گروگان‌ها، شخص ایلی حبیقه به‌عنوان آمر و عامل ذکر شده و ایلی حبیقه بارها این اتهام را رد نموده است.

به هر تقدیر انتظار می‌رود دولت جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ راه‌کاری بین‌المللی، مسئله دیپلمات‌های ربوده شده را مورد پی‌گیری جدی قرار دهد تا این روند منجر به آزادی این عزیزان شود.

جمهوری اسلامی

۵۴۰ □ کمین جولای ۸۲

ضمیمه ۴۲

۱۳۸۱/۴/۱۵

سرنوشت چهارگروگان ایرانی، در هاله‌ای از ابهام

سفیر ایران در لبنان می‌گوید: «در دهه ۸۰ میلادی که موج آدم‌ربایی لبنان را فراگرفته بود، دستگاه‌های تبلیغاتی غرب، جنجال‌فراوانی در باره ربوده شدن چند تبعه غرب در لبنان به راه انداختند، اما هیچ‌گاه به ربوده شدن چهار دیپلمات و شهروندان ایران اشاره‌ای نکردند.»

به گفته محمدعلی سبحانی، این بی‌توجهی ناشی از سیاست یک‌جانبه و تبعیض‌آمیزی است که غرب نسبت به جهان عرب و اسلام و به‌طور کلی جهان سوم اعمال می‌کند. سبحانی به مناسبت بیستمین سالگرد ناپدید شدن چهار هموطن، در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا گفت: «برای روشن شدن سرنوشت این افراد، از همه استمداد کرده‌ایم و این درحالی است که فرضیه شهادت آنها ثابت‌نیست و گزارش‌ها و اطلاعات نیز حاکی است که آنها در مراکز مختلف نیروهای لبنانی مانند کرنیتینا، آدونیس، لقلوق و طرطج زندانی بوده و در جریان زدوخوردهای داخلی میان نیروهای لبنانی، از طریق بندرجونیه به اسرائیل منتقل شده‌اند.»

به گفته سفیر، وزارت امور خارجه ایران با خاویر پرزدکوئیار دبیرکل پیشین سازمان ملل، این موضوع را در میان گذاشته و سازمان ملل نیز بارها نماینده‌ای را به اسرائیل فرستاده است، اما مسئولان رژیم صهیونیستی حضور ایرانی‌ها را انکار کرده و حاضر نشده‌اند اطلاعات درستی در اختیار نماینده سازمان ملل قرار دهند.

سبحانی اضافه کرد: «از آنجایی که این آدم‌ربایی در زمان اشغال لبنان و محاصره بیروت توسط ارتش صهیونیستی رخ داده است، با توجه به همکاری و هماهنگی نیروهای لبنانی و ارتش صهیونیستی، می‌توان گفت که مسئولیت رژیم صهیونیستی در این آدم‌ربایی محرز است. برای نمونه، بسیاری از شهروندان لبنانی ربوده شده توسط همین نظامیان که جزو ناپدیدشدگان

ضمیمه‌ها □ ۵۴۱

محسوب می‌شدند، در اسرائیل دیده‌شده و یابعد در عملیات مبادله با اسرائیل آزاد شدند.»

سفیر ایران در بیروت معتقد است که این تحولات فرضیه انتقال ایرانی‌های ربوده‌شده را به اسرائیل که اطلاعات و گزارش‌های بسیاری هم آن را تایید می‌کند، بسیار قوی است و امیدوار است که مجمع بین‌المللی در این مورد اقدام نمایند تا مقدمات آزادی این عزیزان فراهم آید. سبحانی تاکید کرد که وزارت امور خارجه و سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت، همچنان این مسئله را در دستور کار خود دارند.

خبرگزاری جمهوری اسلامی - بیروت

ضمیمه ۴۳

۱۳۸۲/۳/۲۱

غنامه‌ای برای ۴ گروگان فراموش‌شده ایرانی در لبنان

آقای رئیس‌جمهوری! اینک از سفر دوره‌ای خود بازگشته‌اید و ما همچنان امیدوار و منتظر تا شاید ارمغان سفر شما برای ما، خبر معطر و شاد بخشی از عزیزان ربوده‌شده ما، در سرزمین لبنان یعنی سید محسن موسوی، حاج احمد متوسلیان، کاظم اخوان و محمد تقی رستگار مقدم پس از بیست و یک سال باشد.

رئیس‌جمهوری محترم! وقتی شما در سرزمین لبنان آن‌چنان گرم و صمیمی مورد استقبال قرار گرفتید و فریادهای شاد بخشی هزاران لبنانی به گوش رسید، ما به یاد سال ۶۱ و بیروت جنگ‌زده و وحشت‌زده بودیم و به یاد دلیر مردانی که برای مردانگی و کمک به مظلومان، هیچ حدومرزی نمی‌شناختند. بیشک بخشی از فریادهای شاد بخشی استقبال‌کنندگان آن روز از شما، به دلیل فریاد رسی مردان ما در سال ۶۱ بود.

آقای رئیس‌جمهوری، در ورزشگاه بیروت فرمودید: «لبنان سرزمین عشق و عدالت و آگاهی است و اینجا، زمین آسمانی می‌شود. عشق عیسوی (ع) حکمت محمدی (ص) و

عدالت‌علوی درهم می‌آمیزد تا زنان و مردان لبنانی الگوی انسان‌مظلوم و لی‌سرافراز جهان‌ما باشند.»

آری، دلیرمردان ما هم بیستویک سال‌پیش، با آگاهی و عشق به سرزمین‌لبنان، به سفر بی‌بازگشت خودرفتند و هرگز به‌خانه بازنگشتند. نمی‌دانیم دیگر چه قدر عشق و کدامین حکمت و چه مقدار عدالت را باید درهم‌بیامیزیم تا از آن مردان‌مظلوم و سرافراز جهان و سرزمین ما خبری‌بازآید.

آقای‌خاتمی، فرمودید: «لبنان زنده و پایدار است زیرا لبنانی بیدار و ماندگار است.» آیا مردان‌ما نیز زنده‌اند؟ ما به پایداری آنان ایمان‌راسخ داریم. آیا شهروندان‌لبنانی می‌دانند در این بیداری و ماندگاری آنان، سهمی‌هم از آن میرمحسن موسوی، حاج‌احمد متوسلیان، کاظم اخوان و محمدتقی رستگارمقدم است؟

رئیس‌جمهوری گرامی، شما فرمودید: «من وقتی به گفت‌وگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها می‌انديشم، مصداق‌بارز آن را در لبنان می‌یافتم و می‌یابم، و وقتی آزادی و مدارا را مایه‌حیات هرملتی می‌دانستم و می‌دانم، تجلی آشکار آن را در لبنان می‌دیدم و می‌بینم.» نمی‌دانیم چرا موضوع روشن‌شدن سرنوشت این‌عزیزان در بیستویک سال‌گذشته، در افق‌لبنان با گفت‌وگو حل‌نشده و نمی‌شود.

شما فرمودید: «ما در کنار دولت و ملت‌لبنان بوده‌ایم و خواهیم بود.» امیدوار بودیم این در کنار هم‌بودن مسئولین‌ما و لبنان باعث‌شود که دولت‌مردان این‌سرزمین، به احترام بیستویک‌سال رنج و عذابی که خانواده‌های این ۴ تن تحمل‌کرده‌اند، تصمیم بگیرند و اراده‌کنند تا دیگر ما این‌قدر چشم‌انتظار نمانیم. اگر در گذشته دولت‌لبنان نمی‌توانست مخاطب این خواسته به‌حق ایران در مورد تعیین‌تکلیف ۴ شهروند ربوده‌شده ایرانی قرارگیرد، امروز به‌یمن مقاومت و پایداری مردمش، آن‌قدر حاکمیت‌دارد که به وظایف‌خود عمل‌کند و در قبال تعهدات‌متعارف خود به‌عنوان یک‌دولت پاسخ‌گو باشد و طرف‌سخن و ندای‌مظلومانه خانواده‌های ۴ گروگان‌ایرانی باشد و حسن‌نیت لازم

ضمیمه‌ها □ ۵۴۳

را از خود نشان دهد، به شرط این‌که طرف‌ایرانی نیز به چنین امری تاکید و اصرار داشته باشد و این مسئله را تا تعیین تکلیف‌نهایی آن دنبال‌کنند. آقای‌خاتمی، فرمودید: «لبنان سرفراز، برغم همه رنج‌هایی که برده است، سرزمین نابردباری، خشونت و تروریسم نیست، مهد مدارا، صلح و آزادی است.» اینک با برگرداندن زمان، به گذشته سفر می‌کنیم و بخشی از خاطرات تلخ گذشته را ورق می‌زنیم:

آقای رئیس‌جمهوری!

مدارای بیست و یک‌ساله ما، چه دست‌آوردی داشته است؟ آیا دولت‌مردان ایرانی و لبنانی، ۷۶۰۰ روز بردباری ما را درک می‌کنند؟ بیست و یک‌سال است این آیه را می‌خوانیم: «سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار» بیست و یک‌سال است هر صبح و شام این دعا را می‌خوانیم: «اللهم فک کل اسیر».

فراموش‌نکرده ایم یک دهه قبل، کلیه گروگان‌های غربی با ملیت‌های مختلف، در لبنان آزاد شدند و به آغوش خانواده‌ها و کشورشان بازگشتند، در حالی‌که ما اولین قربانیان گروگان‌گیری در لبنان بودیم. سرنوشت آنان در میان همه کسانی که در تاریخ معاصر نام گروگان داشته‌اند، چهره‌ای غریب، شگفت‌انگیز و کم‌نظیر دارد. صبوری و نجابت‌ما، باعث شده هر روز برگ‌های این پرونده قطور افزوده شود، بی‌آن‌که پایانی داشته باشد. یکی از عواملی که باعث شد دولت‌مردان غربی سرنوشت گروگان‌های غربی در لبنان را با جدیت دنبال‌کنند، فشار خانواده‌های آنان و رسانه‌های گروهی بود، اما، ما هیچ‌گاه مسئولین را تحت فشار قرار ندادیم.

شما بهتر می‌دانید اگر مشابه آنچه در کشور ما نسبت به سرنوشت این ۴ شهروند کشورمان پیش‌آمد، در یک کشور غربی اتفاق می‌افتاد، چه تبعات منفی برای دولت‌مردان آن داشت. اما در کشور ما، در قبال اسارت بیست و یک‌ساله آنان، آب از آب تکان نمی‌خورد.

قبل از سفر شما به لبنان، پیرو مکاتبات قبلی، از شما درخواست کردیم در شرایط فعلی که جناب عالی به عنوان عالی‌ترین مقام کشور عازم لبنان هستید،

سرنوشت گروگان‌های ایرانی را نیز فراموش نکنید و این موضوع نیز در دستور مذاکرات قرار بگیرد. آیا این انتظار که چنین روی‌کردی برابر عرف دیپلماتیک در مواجهه با ۴ شهروند ایرانی نیز صورت‌گیرد، انتظار بی‌جایی بود؟

وقتی موضوع سفر شما به لبنان در محافل خبری مطرح شد، امیدها در دل خود پرورانده بودیم، حتی تصویری کردیم نیاز به یادآوری ما نیست، اما بعد که جریان سفر و سخنرانی‌ها و مذاکرات را پی‌گیری و دنبال کردیم، از این همه خوش‌باوری و ساده‌انگاری خود دچار بهت و حیرت شدیم. چراکه در تمام طول سفر دوره‌ای، چه در لبنان و چه در سوریه، در هیچ اظهار نظر رسمی و غیررسمی، هیچ‌جا نامی از ۴ گروگان ایرانی توسط شما به میان نیامده است. حداقل طرح‌علنی پی‌گیری سرنوشت این عزیزان می‌توانست این امید را در همه شهروندان ایرانی ایجاد کند که دولت کشورشان با جدیت از امنیت و حقوق آنان دفاع می‌کند. آیا به لحاظ قانونی، اخلاقی، اجتماعی و انسانی نباید موضوع را مطرح و پی‌گیری می‌کردید؟ این تغافل و سکوت، سوال‌ها و ابهامات زیادی را در ذهن متبادر می‌سازد. فرمودید: «در این هنگام حساس نمی‌توان از دردی که ما و شما در سینه داریم سخن گفت و آن غیبت عالم روشن‌بین و مظهر بیداری و مقاومت امام موسی صدر، از صحنه و لحظه‌ای است که بیش از هر زمان به وجود تدبیر و تجربه او نیاز داشتیم. عزیز لبنان و ایران، امروز در لبنان نیست.» همه‌ما آرزو داریم وضعیت ایشان نیز روشن شود. ای‌کاش در آن لحظه یادی هم از این ۴ نفر می‌کردید که در هر حال همه شهروندان از حقوق یکسان برخوردارند. در کنفرانس مطبوعاتی در جمع خبرنگاران فرمودید: «همیشه برای من، دیدار با اصحاب مطبوعات و رسانه‌های گروهی لذت‌بخش بوده است. من با شما خبرنگاران که مسئولیت مهمی در اطلاع‌رسانی دارید، دیدار می‌کنم و در کشوری سخن می‌گویم که کانون ارج نهادن به قلم و آزادی است.»

ای‌کاش پی‌گیری سرنوشت کاظم اخوان خبرنگار و عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی که در سال ۶۱ در میان خون و آتش به لبنان رفته بود تا مظلومیت مردم لبنان

وفلسطین را به تصویر بکشد و به مسئولیت خود در اطلاع‌رسانی عمل کرده باشد، نیز برای شما لذتبخش می‌بود. پدر و مادر اخوان اینک در قید حیات نیستند و در فراموشی مطلق رسانه‌ها و مسئولین، پس از گذر سال‌ها چشم‌انتظاری، آرزوی دیدار و یاحتی یافتن خبری از سرنوشت فرزندشان را با خود به سینه سردخاک بردند.

حداقل استیفای حقوق شهروندی این است که دولت برای روشن‌شدن سرنوشت اتباع خود که در کشور دیگر به‌گروگان گرفته شده‌اند، تلاش‌جدي کند. حال سوال اساسی که مطرح می‌شود این است که، چرا تلاش‌لازم در این زمینه صورت نمی‌گیرد؟ آیا این سکوت و بی‌تفاوتی، قلب هرایرانی آزاده را آزرده نمی‌سازد؟ چرا در طول بیست و یک سال گذشته، هیچ پاسخ‌مستدل و روشنی به خانواده‌های آنان ارائه نشده است؟ چه کسی مسئول است؟ ما دردمان را نزد چه کسی باید ببریم؟ در هیچ‌کجای دنیا، با شهروندانی که عزیزان آنان در کشور دیگری به‌گروگان گرفته شده‌اند، این‌چنین رفتار نمی‌شود. آیا تغافل ما نسبت به سرنوشت شهروندانمان، در برابر غرب و اسرائیل که از اتباع خود با شدت وجدیت حمایت می‌کنند، ما را مشمول این‌سخن امام علی(ع) قرار نمی‌دهد: «آنان بر باطل خود فراهمند و شما در حق خود پراکنده و پریشان.»

چرا ما از بهترین‌های خود بد دفاع می‌کنیم؟ مگر دفاع از حقوق اتباع ایرانی در خارج از کشور، از وظایف دولت نیست؟ این حق مسلم خانواده‌های آنان است که به‌عنوان شهروندان ایرانی، از سرنوشت عزیزان و بستگان خود پس از گذشت بیش از دودهه، آگاه شوند. حقوق اولی‌هایی که نمی‌دانیم تحت تاثیر مصالح و یا اغراض سیاسی، مخدوش شده است. آیا سرنوشت آنان در تاریکی بازی‌های سیاسی گم شده است؟ آیا شهروند جمهوری اسلامی بودن این‌قدر مشکل است؟ آقاي خاتمی، شش‌سال پیش، در اولین مراسم تحلیف خود فرمودید: «برای دولت، حراست از حقوق اتباع ایرانی در سراسر گیتی، اهمیت ویژه‌ای خواهد داشت.» و در جمع ایرانیان در سازمان ملل فرمودید: «ایرانی، در هر کجا باشد از حقوق یک شهروند برخوردار است و دولت جمهوری اسلامی هم موظف است که این حقوق را

ادا کند.» اگر چنین است، پس چرا موضوع گروگان‌های ایرانی در لبنان در دستور مذاکرات با طرف‌های لبنانی و سوری قرار نگرفته و در هیچ‌جا نامی از آنان برده نشده؟ ما انتظار داشتیم با صداقت با ما رفتار شود و حقیقت به ما گفته شود، تا از این بن‌بست فرساینده نجات‌یابیم. به‌طور قطع و یقین، پی بردن به حقیقت غیرممکن نیست.

شش‌سال است که خطاب به شما نامه می‌نویسیم، اما هیچ‌پاسخی از جانب دولت‌پاسخ‌گو دریافت نکرده‌ایم. در تمام طول این سال‌ها، از خدا خواسته‌ایم که نامیدنش‌ویم، اگرچه تنها مانده‌ایم، اما پنجره‌ای که رو به سوی افق سبز توکل بازمی‌شود، هرگز بسته نمی‌شود.

کسانی که آقایان موسوی، متوسلیان، اخوان و رستگار مقدم را می‌شناسند، به ارزش‌های شخصی آنان واقف هستند و نقشی را که هر یک در عرصه‌های مختلف برعهده داشته‌اند، بر اهل نظر پوشیده نیست. شاید تقدیر چنین بوده که بی‌مهری‌های این دوران، پیوند عمر آنان را در صحیفه روزگار جاودانه‌تر سازد.

ملت ایران ثابت کرده‌اند که هیچ‌گاه از تقدیم فرزندان خود در راه اسلام و کشور هراسی به‌خود راه نداده‌اند، اما مسئله‌ای که جان‌سوزتر از اندوه اصلی است و دل و جان و روح و روان ما را آماج خود قرار می‌دهد، نحوه رفتار مسئولان در قبال قضیه ۴ گروگان‌های ایرانی در لبنان است. تمامی شواهد و قرائن، خصوصاً جریان سفر شما به لبنان و سوری، حکایت از آن دارد که این پرونده به‌عنوان یک مسئله ملی و انسانی در دستور کار مسئولین قرار ندارد و به‌پیشنهاد ما مبنی بر تشکیل کمیته حقیقت‌یاب نیز تاکنون توجهی نشده است. پس از دوده زندگی در بیم و امید، در برزخ بی‌پاسخی رها شده‌ایم. آیا سرنوشت این عزیزان یک‌خاطره فراموش شده است، که به‌گذشته تعلق دارند و به تاریخ پیوسته‌اند و برای صاحبان منافع سیاسی نیز طرح و پی‌گیری سرنوشت آنان سود و زیانی ندارد! اما وجدان حساس تاریخ هرگز آنان را به فراموشی نخواهد سپرد.

اینک درخاتمه جناب آقای خاتمی: «جانم بگیر و صحبت جانانه ام ببخش»
خانواده چهارگروگان ایرانی در لبنان
جمهوری اسلامی

ضمیمه ۴۴

۱۳۸۲/۴/۱۴

بیانیه خانواده ۴ گروگان ربوده شده ایرانی در لبنان

خون می‌چکد از دیده در این کنج صبوری
این صبر که من می‌کنم افشردن جان است
امروز ۱۴ تیر ۱۳۸۲ است و ساعت ۱۴. خبر تلویزیون مثل هر سال، تصویر
عزیزانمان سید محسن موسوی کاردار سفارت ایران در بیروت، کاظم اخوان
خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی، حاج احمد متوسلیان و تقی رستگار مقدم را
پخش و اعلام می‌کند: این ۴ شهروند ایرانی ۲۱ سال پیش در ۱۴ تیرماه ۱۳۶۱
در مسیر طرابلس به بیروت در جاده برباره توسط عناصر همدست اسرائیل
ربوده شدند. و اخبار ساعت ۲۱ نیز آن را تکرار می‌کند و بعد ۳۶ روز دیگر
موضوع تکرار می‌شود.

این ۲۱ سطر را به نشانه ۲۱ سال اسارت آنان به پیشگاه ملت تقدیم می‌کنیم تا
قضاوت کنند و از مظلومیت مضاعف این ۴ تن آگاه شوند. اگر بخواهیم آنچه در
این ۲۱ سال بر ما گذشته را شرح دهیم، باید قلب خود را باز کنیم و با اشک
و خون بنویسیم. شاید این اشاره دردناک، دل‌هایی را بلرزاند و ذهن‌هایی را
بیدار کند و به نقطه مقابل بی‌تفاوتی، یعنی همدردی برسیم.

آری بیست و یک سال می‌گذرد. کسی چه می‌داند چه قدر تلخ، چه قدر سخت و چه قدر منتظر
بوده‌ایم. در این همه مدت، چه قدر چشم انتظار، چه قدر گوش به زنگ و حتی
چه قدر امیدوار که خبری برسد و منتظر که بوی پیراهن یوسف شفای زخم‌ها و
دردهای ۲۱ سال گذشته ما باشد. مادر یغ و افسوس... هر سال تیرماه که

فرامی‌رسد، باز تیرجدایی و هجران و سردرگمی، قلبمان را نشانه می‌رود و می‌شکافد.

پس از سفر آقای خاتمی به لبنان و سوریه و عدم طرح موضوع ۴ گروه‌گان ایرانی توسط ایشان، طی نامه‌ای در این خصوص به‌عنوان شهروند درجه ۲ به ایشان اعتراض کردیم که شما به لحاظ قانونی و اخلاقی و انسانی، وظیفه داشتید که سرنوشت آنان را پی‌گیری کنید، و رونوشت‌نامه نیز به‌روزنامه‌ها ارسال شد، اما فقط یک‌روزنامه متن‌نامه را منتشر کرد و بقیه حتی یک‌سطر از آن را چاپ نکردند. بارها از خود سوال کرده‌ایم که خاتمی دیگر چرا بی‌اعتنایی می‌کند و در قبال سرنوشت این‌ها تن سکوت کرده، مگر دفاع از حقوق اتباع ایرانی در خارج از کشور وظیفه دولت نیست؟

۶ سال است که به ایشان نامه می‌نویسیم و درخواست یک ملاقات بیست‌دقیقه‌ای در برابر ۱۸۲۹۶۰ ساعت صبر و انتظار خود را کردیم، خواستار تشکیل کمیته حقیقت‌یاب شدیم، اما هیچ‌کس به‌ما پاسخی نداد. این بی‌توجهی ریشه در کجا دارد؟ چرا هیچ‌کس توانایی مشخص کردن زمان پایان این درد ورنج را ندارد؟ بدیهی است در فضایی که فقط صدای سیاست در آن به‌گوش می‌رسد، ندای مظلومیت بسیاری در فضا گم می‌شود.

چرا مسئولین وزارت امور خارجه به وظایف خود عمل نمی‌کنند؟ چرا، چون اعتماد و اطمینان قطعی به این دارند که از هیچ‌کس صدایی بلند نمی‌شود و هیچ‌کس نمی‌تواند آنان را مؤاخذه کند.

پنج سال پیش، پس از مذاکره با مسئولین سوریه، قرار شد دو کشور نماینده‌ای برای پی‌گیری موضوع مشخص کنند، سوری‌ها بلافاصله نماینده خود را معرفی کردند، اما ایران نماینده‌ای معرفی نکرده است، چرا؟

بیش از یک‌سال است یکی از نمایندگان عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، در خصوص سرنوشت ۴ گروه‌گان ایرانی از وزیر امور خارجه سوال کرده، اما وزیر تاکنون پاسخی نداده است. چرا؟

ضمیمه ها □ ۵۴۹

پس از ارجاع سوال به کمیسیون امنیتملی و سیاست خارجی، قرار بود کمیته ای به ریاست آقای آرمین تشکیل و موضوع را پی گیری کند، اما هیچ اقدامی صورت نگرفت. چرا؟

چرا هیچ کس حاضر به پاسخ گویی در خصوص سرنوشت ۴ گروگان ایرانی در لبنان نیست؟ آیا سرنوشت این عزیزان و ما، در بازی های سیاسی گم شده است؟ چگونه از گرفتاری در این کلاف درهم پیچیده رها خواهیم شد؟ اینک مسئولین را با وجدان شان تنها می گذاریم تا منصفانه بر آنچه بر ما گذشته، بیندیشند. آیا می پسندند که با خانواده های آنها چنین برخورد مشابه ای صورت گیرد؟

خانواده های ۴ گروگان ایرانی در لبنان
رسالت

ضمیمه ۴۵

۱۳۸۲/۶/۱۲

ران آزاد کیست و کجاست؟

طی چند سال اخیر، رسانه های صهیونیستی، مشخص شدن سرنوشت چهار گروگان ایرانی را منوط به ارائه خبری از ران آزاد کرده اند. در این باره که ران آزاد کیست و کجاست، تاکنون مطلب جامعی منتشر نشده است.

روزیست و سوم مهر ماه سال ۱۳۶۵، ساعت ۳ بعد از ظهر، چندین فروند هواپیمای جنگی «اف۴» که از پایگاه هوایی داخل خاک فلسطین اشغالی برخاسته بودند، برای بمباران مواضع نیروهای فلسطینی و لبنانی در منطقه اشرفیه در جنوب شرقی شهر صیدا و همین طور اردوگاه آوارگان فلسطینی «المیه ومیه»، به حریم هوایی لبنان تجاوز کردند. با شدت گرفتن بمباران خانه های کوچک و ضعیف آوارگان، ضد هوایی های متعلق به گروه های مبارز، به مقابله با این تهاجم هوایی که کشته و زخمی شدن زنان و کودکان را به همراه

داشت، پرداختند. در آن میان، جوانی فلسطینی که یک قبضه موشک ضد هوایی از نوعی که به دنبال حرارت هواپیما می‌رود - بردوش خویش داشت، پس از نشانه روی و شلیک به موقع، موفق شد یکی از هواپیماهای فانتوم را هدف قرار دهد. پس از آن که هواپیما مورد اصابت موشک قرار گرفت، دو سرنشین آن سراسیمه و به سرعت دکمه «اجکت» پرتاب‌بندلی را فشار دادند که با انفجاری خفیف، از داخل هواپیما به بیرون پرتاب شدند. به دنبال سقوط هواپیما، خلبان و کمکش، به وسیله چترنجات، در دو منطقه جداگانه در داخل خاک لبنان فرو آمدند. هلی‌کوپترهای جنگی رژیم صهیونیستی که مشغول گشت‌زنی در نزدیک آنجا بودند، پس از اخذ دستور، به سرعت به محل فرود یکی از خلبان‌ها شتافتند و توانستند او را قبل از این‌که به دست نیروهای مبارز بیفتد، سوار کرده و از مهلکه نجات دهند.

به محض سقوط هواپیما و انفجار آن، تلاش نیروهای شبه‌نظامی لبنانی و فلسطینی که از بمباران خانه و کاشانه خویش عصبانی بودند، برای ردگیری و دستگیری خلبانان آن آغاز شد.

ران آر ۲۸۱ ساله، که در یک باغ فرود آمد، بر اثر شدت ضربه وارده، آرنج دست‌چپش شکست و دقایقی بعد نیروهای گروه «مقاومت مومنه» - منشعب از سازمان امل - به رهبری مصطفی دیرانی، که در یکی از روستاهای اطراف به نام «زغاریا» مستقر بودند، سر رسیدند و زودتر از فلسطینی‌ها، او را به اسارت خود درآوردند. بر حسب اتفاق، محلی که آر ۲۸۱ فرود آمده بود، خط‌ماس (خط مقدم نبرد) جنگ داخلی سازمان امل و سازمان‌های فلسطینی بود.

۳ ساعت بعد، آر ۲۸۱ که از شکستگی دست رنج می‌برد، سوار بر اتومبیلی شخصی، در حالی که چند ماشین دیگر حامل نیروهای مسلح او را اسکورت می‌کردند، از صیدا به طرف بیروت حرکت داده شد. در طی مسیر، دژبانی‌ها و پست‌های بازرسی گروه‌های مختلف مسلح از جمله ارتش لبنان قرار داشتند. ماشین حامل آر ۲۸۱، قبل از رسیدن به یکی از این پست‌ها، سعی کرد تا با روشن و خاموش کردن

چراغ‌های جلو، بفهماند که مجروح دارد و نمی‌تواند بایستد، ولی نیروهای ارتش، به سمت کاروان در حال عبور شلیک کردند اما به کسی آسیبی نرسید. دقایقی بعد در «افران‌الرمیله» (نان‌فروشی رمیله) که همه خودروهایی کاروان اسکورت به هم ملحق شدند، برای رعایت جوانب امنیتی، آزاد در خودرویی دیگر قرار گرفت و به سمت بیروت حرکت داده شد. در بیروت، خلبان مجروح را مستقیماً به خانه شخصی مصطفی دیرانی -مسئول وقت کمیته امنیت سازمان امل- بردند. ساعتی بعد که اضطراب و ترس آزاد فروکش کرد، با پسر دو سال و نیمه دیرانی به بازی و سرگرمی مشغول شد. ساعت ۱۰ شب، به دلیل شدت جراحات، به یکی از درمانگاه‌ها برده شد که دکتر ارتوپد در محل کار خود حضور نداشت. پس دقایقی با پی‌گیری‌های زیاد، دکتر از منزل خود به بیمارستان آمد و دست‌چپ خلبان اسرائیلی را گچ‌گرفت و مداوا کرد.

سازمان امل، در اولین روزها مدعی شد که رزمندگان موفق شده اند هواپیمای جنگی اسرائیلی را ساقط کنند و خلبان آن را به اسارت درآورند، ولی سازمان فلسطینی فتح» (گروه ابونضال)، این ادعا را رد کرد و گفت: «ما هواپیمای اسرائیلی را باموشک زدیم ولی چون خلبان آن در نزدیکی خطوط نیروهای امل فرود آمد، آنها نتوانستند او را اسیر کنند.»

از همان روز به بعد، رژیم صهیونیستی -که برای حفظ روحیه نیروهای مسلح و بخصوص خلبانانش اهمیت بسیاری قائل است و همواره سعی دارد تا از هر عملی که باعث تضعیف روحیه جنگی و جنایتکار آنان شود، جلوگیری کند- پیدا کردن و کسب خبر از ران آزاد را بهانه بسیاری از جنایاتش قرار داد.

در نیمه شب ۶ مرداد ماه سال ۱۳۶۸، هلی‌کوپتر متعلق به ارتش اسرائیل، در محوطه‌ای باز در مرکز شهر «جبشیت» در جنوب لبنان فرود آمد و در میان ترس و اضطراب مردم نیروهای کماندویی ویژه، به آپارتمانی که در آن نزدیکی قرار داشت، هجوم بردند پس از شکستن در ورودی طبقه دوم ساختمان، در میان وحشت زن و فرزندان، اقدام به ربودن حجت‌الاسلام شیخ عبدالکریم عبید -امام جمعه جبشیت- نموده و پس از انتقال او به هلی‌کوپتر، با سرعت هرچه

تمام‌تر، به‌داخل فلسطین اشغالی پرواز کردند. بهانه اسرائیل برای این آدم‌ربایی جنایتکارانه، این بود که مدعی شدند شیخ عبید دستور نقل و انتقال آزاد را داده است.

چند سال بعد، در نیمه شب ۳ خرداد ۱۳۷۳، مصطفی دیرانی در حالی که در جمع خانواده خود خفته بود، با صدای هلی‌کوپترهایی که بر تپه‌ای نزدیک روستای «قصرنبا» در دره بقاع فرود آمده بودند، از خواب پرید، ولی تابخواهد اسلحه‌کمری را از زیر بالش خود بردارد، با عکس‌العمل کماندوهای «تیپ ویژه گولانی» که وظیفه اصلی‌شان این‌گونه آدم‌ربایی‌ها بود. بر بالین خود روبه‌رو شد و در میان بهت و وحشت زن فرزندانش، به‌داخل هلی‌کوپتر برده و از آنجا به پایگاهی نظامی در فلسطین اشغالی منتقل شد. در آن‌میان، برادر وی از پنجره‌خانه‌شان که مقابل خانه مصطفی بود، با تفنگ‌شکاری اقدام به تیراندازی به سمت صهیونیست‌ها کرد که با پاسخ‌شدید آنان روبه‌رو شد، ولی به‌کسی آسیبی نرسید.

پس از چند سال که از آدم‌ربایی‌های رژیم صهیونیستی می‌گذشت، سرانجام در خرداد ماه سال ۱۳۷۹ دادگاهی نظامی در حصاری از نیروهای امنیتی، برای رسیدگی به پرونده عبید و دیرانی تشکیل شد. در این فاصله اخبار متناقضی از سرنوشت آزاد منتشر می‌شد. خرداد ماه سال ۱۳۷۳ روزنامه «نداء الوطن» چاپ بیروت، بدون اشاره به زمان و مکانی خاص، نوشت: «ران آزاد به‌هنگام فرار از محل بازداشت خود، از سوی نگهبانانش هدف شلیک قرار گرفته و کشته شده است.» این روزنامه در ادامه نوشت: «آزاد هنگامی که در اسارت عناصر منشعب از سازمان امل به رهبری مصطفی دیرانی بود، به قتل رسیده است.»

شهریور سال ۱۳۷۵ رادیو رژیم صهیونیستی به نقل از روزنامه اسرائیلی یدیعوت آحارونوت، اعلام کرد: «هرگونه اطلاعات در مورد دیپلمات‌های ایرانی ربوده شده در لبنان، می‌تواند اطلاعات متقابلی در مورد ران آزاد به همراه داشته باشد.»

مجله «نیستان» چاپتهران نیز، در شماره فروردین‌ماه سال ۱۳۷۶ خود، مدعی شد که ران آراد در اسارت سوریه به سر می‌برد.

اسرائیل همواره تلاش دارد تا این‌گونه وانمود کند که آراد توسط حزب‌الله لبنان ربوده شده و در اختیار ایران است. ولی حزب‌الله نیز در مقابل، هرگونه ارتباط خود را با این قضیه رد کرده است و دلیل صحت این مطلب نیز این است که اگر خلبان اسرائیلی در دست حزب‌الله بود، این حزب به راحتی می‌توانست بر سر آن معامله کرده و بهای‌گزافی از اسرائیل طلب کند، کما این‌که در گذشته نیز شاهد بوده‌ایم در ازای تکه‌های بدن چند سرباز متجاوز اسرائیلی، حزب‌الله توانست صدها تن از اسرای خود را از چنگال این رژیم آزاد کند.

شیخ عبدالکریم عبید، از مسئولین حزب‌الله در جنوب لبنان که در اسارت به سر می‌برد، خردادماه سال ۱۳۷۹ در مصاحبه با روزنامه اسرائیلی «معاریو»، ضمن تأکید بر این‌که هیچ ارتباطی با اسارت خلبان اسرائیلی ندارد و بی‌جهت ربوده شده است، گفت: «آراد گروگان حزب‌الله نبوده و به همین دلیل امیدی برای آزادی او از طریق ربودن من وجود ندارد، بلکه برعکس، این امر ممکن است اوضاع را پیچیده‌تر کند.»

مصطفی دیرانی نیز روز پنجمشنبه ۱۹ خردادماه ۱۳۷۹ در مصاحبه با همین روزنامه، گفت: «من نمی‌دانم آراد زنده است یا مرده و نمی‌دانم او در حال حاضر کجاست، ولی به نظر من تا وقتی مرگش ثابت نشود، زنده است.» دیرانی درباره وضعیت آراد در اولین ساعات اسارت، گفت: «اولین بار که او را دیدم، پس از سقوط هواپیمایش بود، چند ساعت بعد او به‌خانه من در بیروت منتقل شد. من به او لباس و غذا دادم و او با پسر من که در آن موقع دوساله و نیم بود، بازی کرد.»

دیرانی همچنین تحویل خلبان اسرائیلی به عوامل ایران در بعلبک در مقابل ۳۰۰ هزار دلار را تکذیب کرد و درباره گم شدن آراد گفت: «ارتش اسرائیل به منطقه «میدون» در دره بقاع حمله کرد و ده‌هاتن کشته و زخمی از مردم عادی برجای گذاشت. نگهبانان آراد که از نیروهای امل بودند، برای جویاشدن

از احوال نزدیکان شان، او را ترک کردند و پس از بازگشت متوجه شدند که آراد نیست و پیدایش نکردند.»

دیرانی مدعی شده که بعداً شنیده است یک گروه ایرانی از ترس این که اسرائیل عملیات تهاجمی برای نجات آراد انجام دهد، خلبان اسرائیلی را از مخفیگاه سازمان امل ربوده اند. وی برای ادعای خود هیچ دلیل و مدرک مستندی ارائه نداده است. البته این امر می تواند عکس العملی در برابر خبر کشته شدن ران آراد توسط نیروهای سازمان امل باشد و این که خود را از این اتهام مبرا کند. هر آنچه هست، نشان از آن دارد که رژیم صهیونیستی برای یافتن ران آراد، اهمیت قائل شده و حتی دست به آدم ربایی آشکار زده است، و همواره در برابر اذهان و افکار جهانی، جنایتکار جنگی خود را که تنها برای ریختن بمب بر سر مردم بی گناه، به لبنان تجاوز کرده بود - و البته بار اولش نبود که خانه و کاشانه مردم لبنان را بمباران می کرد - مفقودی مظلوم جلوه می دهد و این گونه تبلیغ می کند که ایران وی را ربوده و نگه دار می کند. ولی تا به امروز سازمان های اطلاعاتی عریض و طویل اسرائیل موساد، و آمریکا سیا، هیچ سند موثقی بر این ادعای خود ارائه نداده اند.

24 مهر ماه سال ۱۳۷۷، روزنامه «البیان» چاپ امارات، خبر داد که یک گروه اسرائیلی به سرپرستی «شین» برادر ران آراد، به دنبال جمع آوری یک میلیون امضا توسط پست الکترونیکی هستند تا به این وسیله از سید محمد خاتمی رئیس جمهوری اسلامی ایران، بخواهند که ایران برادرش را آزاد کند! چندی پیش نیز خبرگزاری ها از قول رابط آلمانی میان حزب الله لبنان و اسرائیل برای تبادل اسرای شان، نوشتند: «هم چهارگروگان ایرانی و هم ران آراد کشته شده اند و موضوع آنها از پرونده تبادل اسرا خارج شده است.» این امر، با مخالفت خانواده های گروگان های ایرانی روبه رو شد، چرا که هیچ سند موثقی مبنی بر شهادت آنان ارائه نشده است.

حمید داودآبادی

خبرگزاری مهر

ضمیمه ۴۶

۱۳۸۲/۶/۳۱

ران آراد در تهران است؟!!

مطبوعات وابسته به رژیم صهیونیستی، در طی هفته‌های اخیر که بحث بر سر تبادل اسرا در لبنان و اسرائیل بالا گرفته است، دست به جوسازی گسترده‌ای زده‌اند تا به این وسیله در انظار جهانیان، این‌گونه مطرح‌کنند که خلبان صهیونیست که سال ۱۳۶۵ هنگام بمباران جنوب لبنان، توسط فلسطینی‌ها هواپیمایش ساقط شد و خود به اسارت نیروهای لبنانی درآمد، در دست ایران می‌باشد. با توجه به بالاگرفتن جوتبلیغاتی رسانه‌های گروهی وابسته به اسرائیل مبنی بر حمله احتمالی این کشور به تاسیسات هسته‌ای ایران، این امر چندان دوازدهن نمی‌باشد که آمریکا و اسرائیل، پس از رسوایی در حمله به عراق، به دنبال محمل مناسبی برای تجاوز به ایران باشند که مسئله اسارت ۱۸ ساله یک خلبان اسرائیلی می‌تواند بهترین نقش را ایفا کند. سال‌ها پیش از این، در سال ۱۳۶۱ هنگامی که اسرائیل قصد تجاوز به خاک لبنان را داشت، به دنبال بهانه‌ای مناسب بود که باترور «شلومو آرگوف» سفیر اسرائیل در لندن، توسط تروریستی از گروه ابونضال، این کار انجام شد و باعث شد تا به امروز بخش‌های بسیاری از خاک لبنان در اشغال صهیونیست‌ها باشد و ده‌ها هزار نفر کشته و مجروح برجای بماند.

در حالی که حزب الله لبنان خود را برای تحویل ۴ اسیر اسرائیلی در نزد خود، آماده می‌کند تا در قبال آن، اسرای لبنانی و فلسطینی را آزاد کنند، اسرائیل به دنبال بهانه‌ای است تا در این تبادل، تعداد کمتری از اسرای را که سال‌هاست در بدترین شرایط جسمی و روحی نگه داشته است، آزاد کند. از سوی دیگر، چندی پیش آرییل شارون اظهار داشت که برای این تبادل می‌شود زندانی‌های ایرانی را که در کشورهای اروپا به سر می‌برند و ایران از آزادی

آنهاخشنود خواهد شد، به حساب آورد، که این امر اعتراف صریحی مبنی بر اعمال نفوذ صهیونیسم بردستگاه قضائی کشورهای مورد نظر می باشد. این اعتراف شارون، چند موضوع را برجسته می سازد:

اول این که اسرائیل نمی خواهد تمامی اسرای لبنانی و غیر لبنانی را آزاد کند که مهم ترین آنها شیخ عبدالکریم عبید و مصطفی دیرانی می باشند که به تلافی مفقود شدن ران آراده، طی عملیات آدم ربایی، شبانه از داخل خانه های شان ربوده شده اند.

دوم این که اسرائیل با این جوسازی می خواهد مسئله بسیار مهم ۴ گروهان ایرانی را که سال ۱۳۶۱ توسط نیروهای فالانژیست وابسته به اسرائیل در لبنان ربوده شده اند، و بنا بر تاکید حجت الاسلام والمسلمین سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان، بخشی مهم از پرونده تبادل اسرا را تشکیل می دهند، تحت الشعاع قرار داده و منتفی کند. این که سرنوشت ۴ شهروند ایرانی که ۲۱ سال است توسط مزدوران اسرائیل ربوده شده اند، معلوم شود، کم مسئله ای نیست. ولی اسرائیل با پیش کشیدن مسئله ران آراده، قصد دارد تا در حالی که خود به خوبی از مرگویی آگاه است، ماجرای این بزرگترین گروهان گیری تاریخ (پس از امام موسی صدر) را به فراموشی بسپارد.

طی چند سال گذشته، اظهارات مختلفی پیرامون سرنوشت این چهار گروهان مطرح شد که مهم ترین آن سخنان احمد حبیب الله رئیس کمیته حمایت از زندانیان محبوس در اسرائیل است که مدعی شد ۳ نفر ایرانی به همراه راننده شان، در زندان «رفح» اسرائیل وجود دارند. اسرائیل نیز به طور غیر مستقیم وجود آنها را در زندان رفح پذیرفت، ولی تا به امروز هیچ گونه آمار و مشخصاتی از آنان ارائه نداده است.

بر اساس اسناد موجود، در روز ۱۴ تیرماه سال ۱۳۶۱، نه تنها احمد متوسلیان، کاظم اخوان، سید محسن موسوی و تقی رستگار مقدم، به اسارت فالانژیست ها درآمده اند، که سه نفر دیگر نیز در همان روز اسیر شده اند. با این حساب،

حداقل ۷ ایرانی باید در اختیار رژیم صهیونیستی باشد که از اعلام وضعیت آنان خودداری می‌کند.

پافشاری اسرائیل بر سر مسئله ران آزاد و ادعای اینکه او در زندانی در تهران به سر می‌برد، می‌تواند محملی برای منحرف ساختن اذهان عمومی و امتیازگیری بیشتر در تبادل‌های آتی باشد، و اینکه با دست‌پرتر و قدرتمندانه‌تر به پای میز تبادل بیایند. در این میان، ارنست اورلاو میانجی‌آلمانی که بین حزب‌الله و اسرائیل مشغول تبادل نظر است، اظهارات ضد و نقیضی داشته است که مهم‌ترین آن اعلام کشته شدن گروگان‌های ایرانی و همین‌طور ران آزاد، و خارج ساختن نام آنها از پرونده تبادل اخیر بود.

آنچه مسلم است، برای اسرائیل، نه سرنوشت آزاد و سه سرباز صهیونیست مهم است، که آزادی سرهنگ برجسته حنان تنینباوم (مشاور امنیتی نخست‌وزیر اسبق رژیم صهیونیستی، که قصد نفوذ در حزب‌الله لبنان را داشت و طی عملیات اطلاعاتی و امنیتی بسیار پیچیده و مهم، پس از سفر از یکی از کشورهای اروپایی به بیروت، توسط کمیته امنیتی حزب‌الله بازداشت شد.) بسیار حائز اهمیت می‌باشد. این‌که تاکنون وی چه گفته و چه اعترافات مهمی داشته است، چیزی است که رژیم صهیونیستی را تحت فشار شدید قرار داده است.

گذشته رژیم صهیونیستی به خوبی نشان می‌دهد که جنایتکاران صهیونیست، به هیچ وجه در گفتار و اعمالشان صداقت ندارند و اگر امروز از موضعی ضعیف‌تر از قبل، با حزب‌الله سخن می‌گویند و حاضرند تا صدها تن از اسرا را آزاد کنند، فقط و فقط به دلیل ارزش امنیتی اسرای آن است، و چه بسا پس از آزادی آنان، مجدداً دست‌به‌خباثت و جنایت بزنند که دبیرکل حزب‌الله لبنان در اظهارات اخیر خود، این مسئله را گوشزد کرد و گفت که حزب‌الله هرگاه بخواهد، همان‌گونه که تاکنون اقدام کرده است، سربازان بیشتری از ارتش اسرائیل را اسیر خواهد کرد، که این مسئله هراسی در دل نیروهای نظامی اسرائیل به وجود آورده است. با وجود این مباحث، آنچه مهم است، سرعت عمل و پی‌گیری قدرتمندانه

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در مورد سرنوشت ۴ گروگان مظلوم ایرانی است.

اینکه ران آزاد چه شده و کجاست؟ مسئله ای است که به اسرائیل مربوط است و ما نباید بر سر این موضوع، زیاد سرگرم شویم.

حمید داودآبادی

خبرگزاری مهر

ضمیمه ۴۷

۱۳۸۳/۲/۱۷

سرنوشت چهار دیپلمات ایرانی و ۲۲ سال ابهام

در طی ۲۲ سال گذشته، در مطبوعات، اخبار ضدونقیضی درباره گروگان‌های ایرانی منتشر شده است که نگاهی به آنها، فهرستی از عاملین این جنایت بشری را به دست می‌دهد.

به راستی، جوانبگوناگون این مسئله، چنان که باید و شاید، بررسی و پی‌گیری شده است؟ این روزها، اخباری که از لبنان می‌رسد، حکایت از تبادل اسرای باقی‌مانده لبنانی در چنگال اسرائیل دارد. چندی پیش نیز که وزیر امور خارجه دکتر کمال خرازی، به همراه نمایندگان از خانواده‌های گروگان‌ها سفری به لبنان داشت، مسئولین لبنانی و بخصوص کریم بقرادونی رئیس حزب کتائب، اعلام کردند که اطلاعات جدید و مهمی از گروگان‌های ایرانی دارند که از چند و چون آن خبری منتشر نشد و حتی خانواده‌ها نیز از آن اطلاعات ظاهر مهم، بی‌اطلاع ماندند.

نگاهی سطحی به اخبار منتشر شده در این زمینه، سوالات بسیاری را دهن ایجاد می‌کند و سرنوشت گروگان‌های ایرانی را بیش از پیش در ابهام فرو می‌برد. برای

روشن‌شدن وضعیت آنان، باید مقام‌مسئولی پیدا شود تا به این سوالات پاسخی روشن بدهد:

1- چرا هیچ‌کس از سفارت ایران در پاریس، سراغ «روبیروبرت-مارون حاتم» با نام مستعار «کبرا»، از سرکردگان فالانژیست‌ها که اکنون در فرانسه سکونت دارد، و مدعی است شاهد قتل چهارگروگان ایرانی بوده، نرفته است؟

2- چرا کسی سراغ «عیسی ایوبی» از کارمندان روزنامه لبنانی الدیار که به‌هنگام بازداشت دیپلمات‌های ایرانی با آنان در زندان بوده، نرفته و از او آخرین اخبار و اطلاعات مربوط به گروگان‌ها را نگرفته است؟

3- چرا کسی پی‌گیر نمی‌شود که «ایلی -الیاس- حبیقه» از فرماندهان فالانژیست‌ها، که دو سال پیش در لبنان کشته شد، چه نقشی در اسارت گروگان‌ها داشته است؟

4- چرا هیچ‌کس سراغ «احمد حبیب‌الله -ابوهشام- دبیرکل کمیته حمایت از زندانیان محبوس در زندان‌های اسرائیل، که طی چند نوبت کنفرانس مطبوعاتی که با حضور خبرنگاران رسانه‌های منطقه‌ای وجهانی، ضمن اظهار نظری رسمی اعلام کرد: «سه نفر ایرانی در زندان عتلیت واقع در شمال تل‌آویو اسرائیل به‌سر می‌برند.» نرفت تا این‌که بنا بر برخی اطلاعات، وی در حادثه مشکوکی فوت کرد. و چرا کسی سراغ پسر او که مدعی است پدرش درباره گروگان‌های ایرانی، اطلاعات مهمی داشته، نمی‌رود؟

5- مگر در سال ۱۳۷۶ پس از ادعای احمد حبیب‌الله، اسرائیل قبول نکرد که سه نفر ایرانی به همراه راننده‌شان، در زندان عتلیت به‌سر می‌برند، پس چه شد؟ این سه نفر که بنابر اخبار منتشره، در چنگ صهیونیست‌ها به‌سر می‌برند، چه کسانی هستند؟ چرا اسامی‌شان اعلام نمی‌شود؟

۶- آن زندانی سابق فلسطینی که مهرماه 1376 مطبوعات خبر دادند که پس از آزادی از زندان عتلیت اسرائیل، ضمن تماس با دفتر سازمان عفو بین‌الملل در لندن، اعلام کرده که در زمان اسارتش، یکبار در سال ۱۳۷۴ گروگان‌های ایرانی را به چشم خود دیده، کجاست؟ چرا کسی با او مصاحبه نکرد؟

- 7- سازمان حقوق بشر اسلامی چه اقدام قاطعی برای پی‌گیری وضعیت این‌گروگان‌ها انجام داده است؟
- 8- چراکسی سراغ «استیو ناقور» و «گابریل بستانی» معروف به «گابی»، از عاملین دستگیری دیپلمات‌های ایرانی، که در حال حاضر در استرالیا زندگی می‌کنند، نمی‌رود؟
- 9- «جورج یونس» با نام مستعار «ابونا» و «جورج صباغ» ملقب به «ابوایمن» که روبیر حاتم مدعی است عاملین اصلی کشتار دیپلمات‌های ایرانی می‌باشند، کیستند و کجا هستند؟ در لبنان یا خارج از آن؟ چه کسی مسئول است که رد آن‌ها را بگیرد پاسخی قانع‌کننده به خانواده گروگان‌ها بدهد؟!
- 10- چراکسی سراغ «جورج سوری» از اعضای فالانژها که خودروی دیپلمات‌های ایرانی را برای صحنه‌سازی پس از گروگان‌گیری، از محل حاجز بر باره به شهر بندری طرابلس در شمال لبنان منتقل کرد، نمی‌رود؟
- 11- واقعاً چرا سرنوشت چهار گروگان ایرانی، که برای یاری رساندن به مسلمانان مظلوم لبنان عازم آن سامان شدند و خطرات را به جان خریدند، برای مجامع جهانی، از سرنوشت ران آراد خلبان جنایتکار اسرائیلی که هنگام بمباران مناطق غیر نظامی لبنان هواپیمایش ساقط شد، پیش‌پا افتاده‌تر است؟
- 12- چرا مسئولین سیاست خارجی جمهوری اسلامی، بر ناپدید شدن چهار شهروند ایرانی که بر طبق بعضی اظهارات و اطلاعات، تعدادشان بیشتر از این می‌باشد حساسیتی را که باید، نشان نمی‌دهند؟
- 13- منابع امنیتی تشکیلات خودگردان فلسطین که اسفند سال ۱۳۷۶ اعلام کردند دیپلمات‌های ایرانی هم‌اکنون در زندان نفحه واقع در ۹۵ کیلومتری مرزمصر با فلسطین به سر می‌برند و از سال ۷۲ پس از گذراندن سه سال حبس در زندان صرفند به زندان نفحه منتقل شده‌اند، کیستند و کجایند؟ چه کسی باید سراغی از آن‌ها بگیرد؟
- 14- چراکسی با «نادر سکر» از اعضای فرماندهی فالانژیست‌ها هنگام اسارت گروگان‌های ایرانی، که در حال حاضر مسئول برنامه‌های سیاسی شبکه ماهواره‌ای

ضمیمه‌ها □ ۵۶۱

«ال.بی.سی» لبنان است، مصاحبه نمی‌کند؟ مگر نه این‌که او مدعی است گروگان‌ها به سمیر جعجع تحویل شده‌اند؟ مگر نه این‌که نادر سکر پیش از این، جهت ملاقات با سفیر ایران در لبنان، اعلام آمادگی کرده است، پس چه شده؟

۱۵ - آیا نباید کسی سراغ «ماریو سیموندس» لبنانی یونانی‌تبار، که به اتهام قاچاق مواد مخدر، در زندان یونان به سر می‌برد، و در زمان گروگان‌گیری، مامور پی‌گیری پرونده ۴ ایرانی بوده است، برود؟

۱۶ - اظهارات «راجی عبدو» در گفت‌وگو با مطبوعات عرب‌زبان، که مدعی است اخبار دقیقی از کشته‌شدن گروگان‌ها دارد، تا چه حد قابل اعتناست، و آیا نباید کسی از ایران سراغ او، که در حال حاضر در خارج از لبنان به سر می‌برد، برود و منتظر ننشینیم که رسانه‌های خارجی بر اهمیت موضوع گروگان‌های ایرانی تاکید کنند. نگاهی به اخبار و مقالات منتشر شده در طی ۲۲ سال گذشته مویده این مسئله است که اهتمام نشریات خارجی نسبت به پی‌گیری پرونده چهار گروگان ایرانی، بسیار بیشتر از توجه محافل و رسانه‌های گروهی بخصوص مطبوعات ایرانی بوده است.

حمید داودآبادی

خبرگزاری مهر

تصاویر

